

轉
法
輪

جوآن فالون

(چرخاندن چرخ قانون)

نسخه فارسی

لی هنگجی



لى ھىنگجى

Li Hongzhi

旋法至極

佛法無邊



法輪常轉

نشان فالون، مینیاتوری از جهان است. این نشان، شکل هستی و همچنین روند خودش را در تمام بعدهای دیگر دارا است. به همین جهت آن را یک جهان مینامم. لی هنگجی

لونیو

فای بودا عمیق‌ترین چیز است. از تمام تئوری‌ها در جهان، شگفت‌انگیزترین و خارق‌العاده‌ترین است. برای کاوش و پژوهش در این زمینه، مردم باید به‌طور اساسی روش فکر کردن خود را عوض کنند. اگر نتوانند، حقیقت دنیا تا ابد یک راز برای بشریت باقی خواهد ماند و مردم عادی در قفسی که از جهل‌شان ساخته شده، برای همیشه آهسته و ناتوان حرکت خواهند کرد.

پس، دقیقاً فای بودا چیست؟ یک مذهب؟ یک فلسفه؟ این فقط چگونگی نگرش "عالمان امروزی شده‌ی بودیسم" به آن است. آن‌ها فقط آن‌را در سطحی تئوری مطالعه می‌کنند، آن‌را مورد نقد یا به‌اصطلاح تحقیق قرار می‌دهند، چنان‌چه گویی یک فلسفه است. حقیقت این است که فای بودا به قسمت اندکی در متون مقدس بودیستی، که فقط فای بودا در سطح ابتدایی است، محدود نمی‌شود. از سوی دیگر، چیزی وجود ندارد که فای بودا قادر به توضیح آن نباشد- از ذرات و مولکول‌ها گرفته تا کائنات، از چیزهای کوچک گرفته تا چیزهای بزرگ، به‌طور کامل از تمام اسرار پرده برمی‌دارد. آن، گفتاری متفاوت به روش‌های گوناگون، درباره‌ی سرشت عالم، جن، شن، رن، در سطوح مختلف است، آن‌چه که مدرسه‌ی داثو، "داثو" یا آن‌چه که مدرسه‌ی بودا، "فا" می‌نامد.

مهم نیست علم انسان امروزه چه‌قدر پیشرفته باشد، فقط می‌تواند به‌عنوان بخشی از اسرار جهان به‌شمار آید. یک‌بار که پدیده‌ی خاصی از فای بودا را ذکر کنیم، همیشه کسی وجود دارد که می‌گوید، "الان ما در عصر الکترونیک هستیم و علم پیشرفت بسیاری کرده است. فضاییماها به سیاره‌های دیگر پرواز کرده‌اند و شما هنوز درباره‌ی آن باورها و خرافات قدیمی صحبت می‌کنید؟ واقعیت را بگوییم، مهم نیست کامپیوترها چه‌قدر پیشرفته باشند، نمی‌توانند با مغز انسان که تا امروز رازی است که محققان را سردرگم کرده، مقایسه شوند. بدون توجه به این که فضاییماها می‌توانند تا کجا سفر کنند، هنوز نمی‌توانند ورای این بُعد فیزیکی که نژاد بشر در آن وجود دارد پرواز کنند. دانشی که امروزه بشر دارد بی‌نهایت سطحی است و چیزی بیش از قسمت کوچکی از کل نیست- با درک واقعی حقیقت جهان بسیار فاصله دارد. عده‌ای از مردم حتی جرأت نمی‌کنند با پدیده‌هایی که به‌طور عینی وجود دارند، روبرو شده، به آن‌ها نزدیک شوند یا واقعیت آن‌ها را تصدیق کنند، تماماً به‌خاطر آن که این افراد بسیار کوتاه‌فکر بوده و مایل نیستند هنگام فکر کردن، عقاید و باورهای مرسوم‌شان را عوض کنند. فقط فای بودا می‌تواند به‌طور کامل از اسرار عالم، مکان- زمان و بدن انسان پرده بردارد. می‌تواند به‌طور واقعی نیک را از پلید و خوب را از بد تشخیص داده و می‌تواند درحالی که نگرش‌های صحیح ارائه می‌دهد، به تمام نگرش‌های غلط خاتمه دهد.

اصول راهنمای علم بشر امروزی، توسعه و تحقیق آن‌را به این دنیای مادی محدود می‌کند، به‌طوری که یک موضوع تا وقتی شناخته نشود، مورد مطالعه قرار نمی‌گیرد- آن، چنین مسیری را دنبال می‌کند. در مورد پدیده‌هایی که غیر ملموس و غیرقابل رؤیت بوده، اما به‌طور واقعی وجود داشته و نمود واقعی آن‌ها در این دنیای مادی ظاهر می‌شود، از آن‌ها دوری شده و به‌عنوان پدیده‌های غیرقابل توضیح در نظر گرفته می‌شود. افراد سرسخت و لجباز، بدون تأیید شواهد، اصرار می‌کنند که آن‌ها فقط پدیده‌های "طبیعی" هستند. افرادی با انگیزه‌های نهانی، با مردود شمردن آن‌ها به‌عنوان "خرافات یا باورهای کورکورانه"، برخلاف وجدان‌شان رفتار کرده‌اند. و افرادی که ذهن مشتاق پرسش و یادگیری ندارند با عذر و بهانه‌ی این که علم هنوز به‌اندازه‌ی کافی پیشرفت نکرده است، از این موضوعات منصرف شده‌اند. اگر بشر بتواند به خودش و عالم نگاه تازه‌ای بیندازد و روش تفکر انعطاف ناپذیرش را عوض کند، جهشی به جلو خواهد کرد. فای بودا می‌تواند به مردم این امکان را بدهد که به‌طور کامل دنیاهای بی‌کران بی‌پایان را درک کنند. در سراسر اعصار فقط یک چیز توانسته است موجودات انسانی، بُعدهای گوناگون هستی مادی، حیات و کل جهان را به‌طور کامل شرح دهد: فای بودا.

لی هنگ‌چی

۲ ژوئن، ۱۹۹۲

فهرست

سخنرانی اول

- ۱.....هدایت حقیقی مردم به سوی سطوح بالا
- ۴.....سطوح مختلف فای مختلفی دارند
- ۶.....چن، شن، رن، تنها معیاری است که شخص خوب را از شخص بد متمایز می کند
- ۸.....چی گونگ، قسمتی از فرهنگ ماقبل تاریخ است
- ۱۱.....چی گونگ درباره ی تزکیه است
- ۱۳.....چرا گونگ شما با تمرین افزایش نمی یابد؟
- ۱۸.....ویژگی های خاص فالون دافا

سخنرانی دوم

- ۲۵.....موضوع چشم سوم
- ۳۳.....توانایی فوق طبیعی دیدن از راه دور
- ۳۴.....توانایی فوق طبیعی آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع
- ۳۸.....رفتن به فراسوی پنج عنصر و سه قلمرو
- ۴۱.....موضوع در طلب بودن

سخنرانی سوم

- ۴۹.....من همه ی شاگردان را به عنوان مریدانم تلقی می کنم
- ۵۰.....چی گونگ مدرسه ی بودا و بودیسم
- ۵۳.....فقط یک راه تزکیه را تمرین کردن
- ۵۵.....توانایی های فوق طبیعی و توان گونگ
- ۵۶.....تزکیه ی معکوس و قرض گرفتن گونگ
- ۶۰.....به تسخیر روح یا حیوان درآمدن
- ۶۵.....زبان کیهانی
- ۶۷.....چیزهایی که معلم تان به شاگردانش داده است
- ۷۱.....میدان انرژی
- ۷۲.....چگونه شاگردان فالون دافا باید تمرین را اشاعه دهند

سخنرانی چهارم

- ۷۵.....از دست دادن و به دست آوردن
- ۷۶.....تبدیل کارما
- ۸۳.....رشد شین شینگ
- ۸۷.....گوآن دینگ
- ۸۹.....قراردی گذر اسرارآمیز

سخنرانی پنجم

- ۹۵.....طرح فالون
- ۹۷.....روش های تزکیه ی غیر معمولی
- ۹۸.....تمرین کردن در یک روش شیطانی

۱۰۰.....	تزکیه‌ی دوگانه‌ی مرد- زن
۱۰۱.....	تزکیه‌ی دوگانه‌ی بدن و ذهن
۱۰۲.....	فاشن
۱۰۳.....	تبرک
۱۰۸.....	جویوکه

سخنرانی ششم

۱۱۱.....	جنون حاصل از تزکیه
۱۱۷.....	مداخله‌ی شیطانی در تزکیه
۱۲۲.....	مداخله‌ی شیطانی ناشی از ذهن خود شخص
۱۲۶.....	خودآگاه اصلی شما باید قوی باشد
۱۲۶.....	افکار شما باید درست باشد
۱۳۱.....	هنرهای رزمی چی گونگ
۱۳۴.....	خودنمایی

سخنرانی هفتم

۱۳۹.....	موضوع کشتن
۱۴۲.....	موضوع خوردن گوشت
۱۴۶.....	حسادت
۱۵۰.....	موضوع مداوا کردن بیماری‌ها
۱۵۴.....	درمان بیمارستان و درمان چی گونگ

سخنرانی هشتم

۱۵۹.....	روزه‌ی بی گو
۱۶۰.....	دزدیدن چی
۱۶۲.....	جمع کردن چی
۱۶۴.....	هر کسی که تزکیه کند گونگ را به دست می‌آورد
۱۶۹.....	مدار آسمانی
۱۷۶.....	وابستگی شوق و اشتیاق بیش از حد
۱۷۷.....	تزکیه‌ی گفتار

سخنرانی نهم

۱۷۹.....	چی گونگ و ورزش‌های فیزیکی
۱۸۱.....	نیت ذهنی
۱۸۵.....	ذهنی آرام
۱۸۹.....	کیفیت مادرزادی
۱۹۰.....	روشن‌بینی
۱۹۵.....	شخصی با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده
۲۰۳.....	معنی تحت‌اللفظی برخی از واژه‌ها

سخنرانی اول

هدایت حقیقی مردم به سوی سطوح بالا

در تمام مدتی که آموزش‌ها و تمرین‌ها را منتقل می‌کرده‌ام، نسبت به جامعه و شاگردان مسئول بوده‌ام. نتایج خوب بوده و تأثیر خوبی هم روی اجتماع گذاشته است. چندین سال پیش بسیاری از استادان چی‌گونگ بودند که تمرین‌های چی‌گونگ خود را آموزش دادند، اما چیزهایی که آن‌ها آموزش دادند همگی فقط در سطح شفا دادن و تندرستی بود. البته نمی‌گویم که تمرین‌های دیگران خوب نیست. فقط می‌گویم که هیچ چیزی از سطح بالاتر را منتقل نکردند. از وضعیت چی‌گونگ در سطح کشور آگاه هستم، و می‌توانم بگویم که درحال حاضر، در داخل کشور یا خارج، تنها کسی هستم که به‌طور واقعی تمرینی را منتقل می‌کنم که شما را به سطوح بالاتر می‌برد. و چرا هیچ کسی درحال انجام آن نیست؟ علت این است که این مسئله به موضوعات بسیار بزرگی مربوط می‌شود، ریشه‌های تاریخی آن عمیق است و محدوده‌ی وسیعی از چیزها را در بر می‌گیرد و با مسائلی جدی سر و کار دارد. این چیزی نیست که هر کسی بتواند آن‌را آموزش دهد، چراکه آن با بسیاری از روش‌های دیگر ارتباط پیدا می‌کند. مخصوصاً زمانی این مسئله مصداق پیدا می‌کند که تمرین‌کنندگانی داریم که امروز یک تمرین را یاد می‌گیرند، فردا تمرین دیگر را، و بدن‌شان را به چیز آشفته و درهم و برهمی تبدیل می‌کنند، که موفقیت‌شان را غیرممکن می‌کند. دیگران راه اصلی را برمی‌گزینند و به‌سوی بالا تزکیه می‌کنند درحالی که آن‌ها انواع و اقسام راه‌های فرعی را برمی‌گزینند. وقتی در یک روش تزکیه می‌کنند، روش‌های دیگر تداخل ایجاد می‌کند و هنگامی که در روش‌های دیگر تزکیه می‌کنند، اولی تداخل ایجاد می‌کند. هر چیزی با آن‌ها تداخل ایجاد می‌کند و دیگر نمی‌توانند تزکیه کنند.

باید تمام این چیزها را برای تان سامان دهیم. آن‌چه را که خوب است برای تان نگه می‌داریم، آن‌چه را که بد است برمی‌داریم و شما را مطمئن می‌کنیم که از این لحظه به بعد بتوانید تزکیه کنید. اما واقعاً باید برای یاد گرفتن این دافا این‌جا باشید. اگر انواع و اقسام وابستگی‌ها را با خود بیاورید یا اگر برای به‌دست آوردن توانایی‌های فوق‌طبیعی، برای درمان شدن، برای شنیدن برخی نظرات و ایده‌ها، یا با دیگر هدف‌های بد به این‌جا آمده‌اید، آن‌ها انجام نخواهند شد. و این مهم است، زیرا همان‌طور که گفتم تنها کسی هستم که درحال انجام چنین کاری است و فرصت‌های زیادی مثل این وجود ندارد. برای همیشه به این شکل آموزش نخواهم داد. فکر می‌کنم هر کسی که بتواند شخصاً در سخنرانی‌هایم شرکت کند واقعاً ... بعداً در آینده پی خواهید برد که این دوره‌ی زمانی بسیار باارزش است. البته ما اعتقاد به رابطه‌ی تقدیری داریم و هر کسی به‌خاطر رابطه‌ی تقدیری‌اش این‌جا می‌نشیند.

درباره‌ی این بیندیشید: انتقال یک روش که شما را به سطوح بالا ببرد چه معنایی دارد؟ آیا رهایی بخشیدن به مردم و نجات آن‌ها نیست؟ این رهایی بخشیدن به مردم و نجات آن‌ها است. یعنی خودتان را به‌طور واقعی تزکیه می‌کنید و نه این‌که فقط سالم و تندرست شوید. این تزکیه‌ی واقعی است و تزکیه‌ی واقعی، تسین‌شینگ بالاتری را برای شاگردان طلب می‌کند. ما که این‌جا نشسته‌ایم برای یاد گرفتن دافا این‌جا آمده‌ایم، پس هنگامی که این‌جا می‌نشینید باید طرز فکر یک تمرین‌کننده‌ی واقعی را داشته باشید و باید وابستگی‌هایتان را رها کنید. اگر با هدف

به دست آوردن انواع و اقسام چیزها این جا می آید که تمرین ها و دافا را یاد بگیرید، هیچ چیزی یاد نخواهید گرفت. یک حقیقت را به شما می گویم: تمام روند تزکیه، روند دائمی رها کردن وابستگی های بشری است. در اجتماع انسانی فقط برای کمی سود بردن، مردم با یکدیگر مبارزه می کنند، همدیگر را فریب می دهند و به دیگران آسیب می رسانند. تمام این افکار باید از بین بروند. مخصوصاً برای افرادی که امروز این تمرین را یاد می گیرند، این افکار حتی بیشتر باید رها شوند.

این جا درباره ی شفا دادن صحبت نمی کنم. ما بیماری ها را شفا نمی دهیم. اما اگر بخواهید تزکیه ی واقعی را انجام دهید و با بدن بیمار این جا آمده اید، هنوز نمی توانید تزکیه کنید. پس باید بدن تان را پاک کنم. فقط بدن افرادی را پاک خواهم کرد که این جا آمده اند تا به طور واقعی تمرین را یاد بگیرند، به طور واقعی فا را یاد بگیرند. یک نکته هست که تأکید می کنیم: اگر نتوانید وابستگی یا نگرانی در مورد بیماری را کنار بگذارید، نمی توانیم هیچ کاری انجام دهیم و نمی توانیم کمک تان کنیم. چرا این طور است؟ زیرا حقیقتی در این جهان وجود دارد: بر طبق مدرسه ی بودا، چیزهایی که برای مردم عادی اتفاق می افتد، همگی رابطه های از پیش تعیین شده دارند، برای مردم عادی چیزهایی مثل تولد، پیری، بیماری و مرگ، درست حقیقتی از زندگی هستند. مردم بیماری و سختی هایی دارند فقط به خاطر این که کارهای بدی در گذشته انجام دادند و کارما ایجاد کردند. وقتی با سختی هایی مواجه می شوند، در حال بازپرداخت بدهی کارمایی هستند، بنابراین هیچ کسی نمی تواند به میل خود آن را تغییر دهد. تغییر آن به معنی این است که فرد اگر بدهی دارد مجبور نیست آن را بپردازد؛ شما نمی توانید فقط از روی میل خود آن را انجام دهید و انجام آن، مثل انجام کاری بد است.

برخی افراد فکر می کنند که درمان کردن مردم یا کمک به آنان برای سالم و تندرست شدن، کار خوبی است. اما از نظر من، آن ها هیچ چیزی را به طور واقعی درمان نکرده اند. فقط بیماری را به تعویق انداخته یا آن را تغییر شکل داده اند اما آن را از بین نبرده اند. برای این که واقعاً آن رنج و سختی را از بین ببرید باید کارما را از بین ببرید و اگر کسی واقعاً بتواند مردم را درمان کند، اگر بتواند کارما را بزداید، منظوم این است که واقعاً بتواند آن کار را انجام دهد، پس سطحش واقعاً پایین نیست. او باید یک حقیقت را دیده باشد، این که قوانین مردم عادی نمی تواند به آن شکل نقض شود. یک تزکیه کننده، در زمان تزکیه اش اجازه دارد از روی همدردی و شفقت قدری کار خوب انجام دهد، دیگران را درمان کند یا برای سلامتی و تندرستی آنان کمک کند، اما هنوز نمی تواند به طور کامل مردم را درمان کند. اگر بیماری یک فرد عادی می توانست به طور واقعی از ریشه کنده شود، آن موقع یک شخص عادی غیرتزکیه کننده، بدون هیچ بیماری ای از درب خارج می شد، اما او هنوز یک فرد عادی می بود و می رفت که مثل مردم عادی دیگر برای سود و منفعت خودش مبارزه کند. چگونه می توانید همین طور بروید و کارمایش را از بین ببرید؟ قطعاً اجازه داده نمی شود.

پس چرا این کار می تواند برای تزکیه کنندگان انجام شود؟ زیرا هیچ کسی با ارزش تر از یک تزکیه کننده نیست. او می خواهد تزکیه کند و آن با ارزش ترین فکر است. در بودیسم از سرشت بودایی سخن می گویند و این که وقتی سرشت بودایی یک فرد نمایان می شود، موجودات روشن بین می توانند به او کمک کنند. معنای آن چیست؟ اگر از من بپرسید، از آن جا که یک روش سطح بالا را منتقل می کنم، به حقایق سطوح بالا و موضوعات بسیار بزرگی مربوط می شود. در این جهان، آن طور که ما آن را می بینیم، زندگی انسان در دنیای انسانی خلق نمی شود. زندگی حقیقی یک شخص در فضای جهان خلق می شود. زیرا انواع زیادی از ماده در این جهان وجود دارد که زندگی را به وجود می آورند و این انواع ماده می توانند از طریق حرکت و فعل و انفعال، زندگی را خلق کنند. یعنی این که زندگی آغازین یک شخص، از جهان سرچشمه می گیرد. فضای جهان فطرتاً رئوف و نیک خواه است و سرشت جهان، حقیقت، نیک خواهی، بردباری را دارا است و هنگامی که یک شخص متولد می شود، همان سرشت جهان را دارد. اما همان طور که موجودات بیشتری خلق می شوند، شکلی از روابط اجتماعی بین گروه هایی از افراد شکل می گیرد. ممکن است برخی از موجودات خودخواهی را رشد دهند، و به تدریج سطح شان پایین خواهد آمد، به طوری که نمی توانند در آن سطح باقی بمانند و

مجبورند که سقوط کنند. اما در سطح بعدی دوباره بد می‌شوند و دوباره نمی‌توانند آن‌جا بمانند، به‌طوری که به سقوط به پایین و پایین‌تر ادامه می‌دهند تا در انتها به این سطح موجودات انسانی سقوط می‌کنند.

تمام اجتماع انسانی در یک سطح قرار دارد. از نقطه نظر توانایی‌هایی فوق‌طبیعی یا از دیدگاه موجودات روشن‌بین بزرگ، این موجودات پس از سقوط به این سطح می‌بایستی از بین برده می‌شدند. اما موجودات روشن‌بین بزرگ نیک‌خواهی را به عنوان نقطه‌ی شروع‌شان انتخاب می‌کنند، پس به آن‌ها فرصت دیگری دادند و این محیط مخصوص و این بُعد مخصوص را ایجاد کردند. موجودات در این بُعد نمی‌توانند موجودات در بُعدهای دیگر را ببینند و از موجودات در تمام بُعدهای دیگر جهان متفاوت هستند و نمی‌توانند ببینند که این جهان حقیقتاً چگونه است و دقیقاً مثل این است که در توهم و خیال باطل فرو افتاده‌اند. اگر بخواهند درمان شوند، از بدبختی و فلاکت‌هایی یابند یا کارمای‌شان را از بین ببرند، باید تزکیه کنند و به خود واقعی اولیه‌شان برگردند. این چگونگی نگرش تمام روش‌های تزکیه به این موضوع است. یک شخص باید به خود واقعی اولیه‌اش برگردد، واقعاً هدف واقعی انسان بودن این است. بنابراین، هرگاه کسی بخواهد تزکیه کند، می‌گویند سرشت بودایی‌اش نمایان شده است. چنین فکری، باارزش‌ترین فکر است، زیرا می‌خواهد به خود واقعی اولیه‌اش برگردد، می‌خواهد فراسوی این سطح مردم عادی برود.

شاید این گفته را در بودیسم شنیده‌اید که، "زمانی که سرشت بودایی یک نفر نمایان می‌شود، دنیای ده جهته را می‌لرزاند." هر کسی این را می‌بیند، به او کمک می‌کند، و به او بدون قید و شرط کمک می‌کنند. مدرسه‌ی بودا معتقد است که نجات مردم به هیچ قید و شرطی وابسته نیست، به هر قیمتی انجام می‌شود و آن‌ها می‌توانند به او بدون قید و شرط کمک کنند. این دلیل آن است که چرا برای شاگردان مان کارهای زیادی انجام می‌دهیم. اما انجام این کارها برای یک فرد عادی که فقط می‌خواهد یک فرد عادی باشد و درمان شود عملی نخواهد بود. عده‌ای فکر می‌کنند، "اگر بتوانم سلامتی‌ام را باز یابم، تزکیه می‌کنم." اما تزکیه کردن به هیچ شرطی وابسته نیست، اگر می‌خواهید تزکیه کنید، پس تزکیه را شروع کنید. اما بدن بعضی از افراد بیماری‌هایی دارد و بعضی از افراد در بدن‌شان پیام‌های آشفته دارند، بعضی هرگز تزکیه نکرده‌اند و افرادی هم هستند که برای ده‌ها سال تزکیه کرده‌اند اما بدون پیشرفت در تزکیه هنوز در محدوده‌ی انرژی چی سرگردان هستند.

پس برای آن باید چه کار کنیم؟ باید بدن‌شان را پاک کنیم و تزکیه کردن به‌سوی سطوح بالاتر را برای آن‌ها امکان‌پذیر سازیم. وقتی درحال انجام تزکیه در پایین‌ترین سطح هستید فرآیندی وجود دارد که بدن‌تان را به‌طور کامل پاک می‌کنیم. تمام چیزهای بد در ذهن‌تان، میدان کارما پیرامون بدن‌تان و تمام عواملی را که بدن‌تان را بیمار می‌سازند، بر می‌داریم و همه چیز را برای‌تان تمیز می‌کنیم. اگر این کار را انجام ندهیم، با آن بدن آلوده‌تان که تماماً سیاه است و آن ذهن ناپاک‌تان، چگونه می‌توانید به‌سوی سطوح بالاتر تزکیه کنید؟ ما روی چی کار نمی‌کنیم، نیازی ندارید که روی این چیزهای سطح پایین کار کنید. شما را به ورای آن هُل داده و کمک می‌کنیم بدن‌تان به حالت رها از هرگونه بیماری برسد. هم‌زمان، یک مجموعه‌ی کامل و آماده از چیزهایی را که برای پایه‌ریزی در سطح پایین لازم است، به شما می‌دهیم. به این شکل، عمل تزکیه را در سطحی بسیار بالا شروع می‌کنیم.

بر طبق چیزی که در تزکیه گفته می‌شود، اگر چی را به حساب بیاوریم، سه سطح وجود دارد. اما تزکیه‌ی حقیقی (که چی را به حساب نمی‌آورد) دو سطح اصلی دارد: یکی تزکیه‌ی فای دنیای سه‌گانه و دیگری تزکیه‌ی ورای فای دنیای سه‌گانه است. این "فای دنیای سه‌گانه" و "ورای فای دنیای سه‌گانه" متفاوت از چیزی است که مردم در معابد درباره‌ی "ترک کردن جهان دنیوی" و "وارد جهان دنیوی شدن" می‌گویند، که فقط چیزهایی نظری هستند. در دو سطح اصلی، از طریق تزکیه‌ی واقعی بدن انسانی، دست‌خوش تغییراتی می‌شویم. در فرآیند تزکیه‌ی فای دنیای سه‌گانه، بدن به‌طور پیوسته بارها پاک می‌شود، به‌طوری که وقتی به بالاترین شکل فای دنیای سه‌گانه برسد، بدن کاملاً با ماده‌ی با انرژی بالا جایگزین می‌شود. اما تزکیه در ورای فای دنیای سه‌گانه، تقریباً تزکیه‌ی بدن بودا است.

آن بدن از ماده‌ی با انرژی بالا ساخته می‌شود و تمام توانایی‌های فوق‌طبیعی مجدداً توسعه می‌یابند. این‌ها دو سطحی هستند که درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم.

ما معتقدیم که روابط کارمایی وجود دارد. می‌توانم این کارها را برای همه‌ی شما که این‌جا نشسته‌اید انجام دهم. همین الان بیش از دو هزار نفر داریم که این‌جا نشسته‌اند، اما حتی اگر هزاران نفر دیگر هم بودند، حتی ده هزار نفر، هنوز هم می‌توانستم آن کارها را انجام دهم. بنابراین چیزی که می‌گویم این است که نیازی ندارید دیگر در سطح پایین تمرین کنید. پس از آن که بدن‌تان را پاک کنیم، شما را به ورای آن سطح هل داده و یک سیستم کامل تزکیه را در شما قرار می‌دهیم، به‌طوری که از لحظه‌ی شروع، در سطحی بالا تزکیه می‌کنید. اما این کارها را فقط برای شاگردانی انجام می‌دهم که واقعاً برای تزکیه این‌جا می‌آیند. این‌طور نیست که فقط به‌خاطر این که این‌جا هستید یک تزکیه کننده‌اید. اگر بتوانید تفکرتان را درست از هسته تغییر دهید، می‌توانیم این کارها و کارهای بیشتری را برای‌تان انجام دهیم؛ بعداً به آن پی می‌برید. واقعاً به هر یک از شما چیزهایی را داده‌ام. دوباره می‌گویم، این‌جا بیماری‌ها را شفا نمی‌دهیم، بلکه کاری که انجام می‌دهیم این است که به‌طور کامل بدن شاگردان‌مان را دوباره متعادل می‌کنیم و شما را قادر می‌سازیم که تزکیه کنید. با بدن بیمار نمی‌توانید گونگ را توسعه دهید. پس نباید برای درمان شدن نزد من بیایید، آن کار را انجام نخواهم داد. هدف اصلی‌ام از آمدن به نزد عموم این بود که مردم را به‌سوی سطوح بالاتر هدایت کنم، به‌طور واقعی مردم را به‌سوی سطوح بالاتر هدایت کنم.

سطوح مختلف فای مختلفی دارند

بسیاری از استادان چی‌گونگ گفته‌اند که چی‌گونگ یک سطح ابتدایی، سطح متوسط و سطح پیشرفته دارد. اما حتی اگر آن‌را به سطح ابتدایی، سطح متوسط و سطح پیشرفته طبقه‌بندی کنند، آن فقط چی است. همگی در سطح کار کردن روی چی است. وقتی به چیزهای بالاتر واقعی می‌رسد، در بین انبوه تزکیه‌کنندگان چی‌گونگ، هیچ کسی واقعاً آگاهی ندارد، کلاً از آن‌ها بی‌خبرند. از حالا به بعد هرچه را که شرح می‌دهیم همگی فای سطوح بالا هستند. می‌خواهم فکر مردم را درباره‌ی تزکیه روشن کنم. در کلاس‌هایم به برخی از پدیده‌های بد در دنیای تزکیه اشاره می‌کنم. با دقت توضیح می‌دهم که چگونه باید با آن‌ها رفتار کنیم و چگونه باید به آن پدیده‌ها نگاه کنیم. همچنین، آموزش یک سیستم تزکیه و فا در سطوح بالا، بسیاری از جنبه‌ها و موضوعات نسبتاً مهمی را در بر می‌گیرد، بعضی از آن‌ها حتی خیلی جدی هستند. مایلم این مسائل را برای‌تان بگویم. چیزهایی هستند که از بُعدهای دیگر می‌آیند و درحال تداخل با اجتماع انسانی و مخصوصاً اجتماع تزکیه‌کنندگان هستند؛ درباره‌ی آن‌ها هم می‌خواهم به شما بگویم و این چیزها را برای شاگردان‌مان حل و فصل کنم. اگر این مشکلات حل نشوند، نمی‌توانید تزکیه کنید. این مشکلات باید از ریشه حل شوند و برای انجام آن باید شما را به‌عنوان تزکیه‌کنندگان حقیقی در نظر بگیریم. البته آسان نیست که تفکرتان را یک‌دفعه عوض کرد، اما از امروز به بعد، همان‌طور که در کلاس‌هایم شرکت می‌کنید، به‌تدریج تفکرتان عوض خواهد شد، پس امیدوارم همگی به‌دقت گوش کنید. شیوه‌ی من در آموزش تزکیه با شیوه‌ی دیگران فرق می‌کند. وقتی برخی افراد آن‌را آموزش می‌دهند، فقط درباره‌ی تئوری روش‌های‌شان صحبت می‌کنند، سپس پیام‌های‌شان را به شما وصل کرده و یک سری حرکات را به شما آموزش می‌دهند، همه‌اش همین است. درحال حاضر مردم به این روش آموزش عادت کرده‌اند.

برای این که به‌طور واقعی یک سیستم تزکیه را آموزش دهید، باید فا یا دائو را آموزش دهید. در طول این ده سخنرانی، حقایق بالاتر را به تشریح بیان کرده و چیزی را از قلم نمی‌اندازم، سپس قادر خواهید بود تزکیه کنید. اگر آن کار را انجام ندهم، به هیچ وجه نمی‌توانید تزکیه کنید. چیزهایی که دیگران درحال آموزش آن هستند، همگی فقط درباره‌ی شفا دادن و تندرستی هستند و اگر بخواهید به سطوح بالاتر تزکیه کنید، به هیچ کجا نخواهید رسید زیرا فای بالاتری ندارید که شما را راهنمایی کند. دقیقاً مثل مدرسه رفتن است. اگر کتاب‌های مدرسه‌ی ابتدایی را در دانشگاه

استفاده می‌کردید، هنوز یک شاگرد مدرسه‌ی ابتدایی می‌بودید. برخی از افراد فکر می‌کنند که بسیاری از روش‌ها را یاد گرفته‌اند، این روش، آن روش و توده‌ی بزرگی از گواهی‌نامه‌ی پایان دوره‌ها را گرفته‌اند، اما گونگ‌شان هنوز رشد نکرده است. فکر می‌کنند که آن چیزها جوهر حقیقی چی‌گونگ بوده و کل چی‌گونگ همین‌ها است. این‌طور نیست، آن‌ها فقط چیزهایی ظاهری درباره‌ی چی‌گونگ در پایین‌ترین سطح هستند. چی‌گونگ به آن چیزها محدود نمی‌شود، آن، عمل تزکیه و چیزی بسیار وسیع و عمیق است. به علاوه، در سطوح مختلف، فای مختلفی وجود دارد. در نتیجه شبیه روش‌های بر پایه‌ی چی که امروزه می‌شناسیم نیست، روش‌هایی که هر چه قدر بیشتر از آن‌ها هم یاد بگیرید هیچ کاری برای‌تان انجام نمی‌دهند. فرض کنید کتاب‌های مدرسه‌ی ابتدایی انگلیسی را مطالعه کرده‌اید، کتاب‌های مدرسه‌ی ابتدایی امریکایی را مطالعه کرده‌اید، کتاب‌های مدرسه‌ی ابتدایی ژاپنی را مطالعه کرده‌اید و کتاب‌های مدرسه‌ی ابتدایی چینی را مطالعه کرده‌اید، بسیار خوب، هنوز یک شاگرد مدرسه‌ی ابتدایی هستید. هرچه بیشتر درس‌های چی‌گونگ سطح پایین را یاد بگیرید و هرچه بیشتر سرتان از آن‌ها پر شده باشد، بیشتر به شما صدمه خواهد زد- بدن خود را خراب خواهید کرد.

یک نکته هست که می‌خواهم به آن اشاره کنم: در تزکیه باید تمرین‌ها را به شما یاد داده و فا را نیز آموزش دهیم. ممکن است راهبان بعضی از معابد، مثل راهبان بودیسم ذن، نظر متفاوتی داشته باشند. به محض این که عبارت "آموزش فا" را می‌شنوند، نمی‌خواهند گوش دهند. چرا این‌طور است؟ بودیسم ذن معتقد است که فا چیزی نیست که بتوانید آموزش دهید و این که به محض این که فا را شرح دهید، آن دیگر فا نیست، و فایی که بتوان آموزش داد وجود ندارد، فقط باید با قلب و روح خود آن‌را بفهمید. این دلیل آن است که چرا امروزه بودیسم ذن نمی‌تواند هیچ فایی را آموزش دهد. بودی‌دارمای بودیسم ذن این نظر را که بر پایه‌ی یکی از گفته‌های بودا *شاکيامونی* بود، اشاعه داد. *شاکيامونی* بیان کرد، "هیچ فایی قطعی و مطلق نیست". بودی‌دارما مدرسه‌ی بودیسم ذن را بر اساس آن گفته‌ی *شاکيامونی* بنیان نهاد. ما می‌گوییم که این مدرسه، "فرو رفتن در یک شاخ گاو" است. چگونه؟ در ابتدا وقتی بودی‌دارما در آن رفت، فکر کرد خیلی جادار بود، درحالی که برای روحانی بزرگ دوم به آن اندازه جادار نبود؛ برای روحانی بزرگ سوم متوسط بود، اما در زمان روحانی بزرگ چهارم واقعاً باریک بود؛ برای روحانی بزرگ پنجم تقریباً فضایی وجود نداشت و در زمان روحانی بزرگ ششم، *هوئی‌نگ*، به بن بست رسیده بود و نتوانستند دیگر حرکت کنند. امروزه اگر نزد یک استاد ذن بروید تا فا را یاد بگیرید، هیچ چیزی از آن‌ها نپرسید، زیرا اگر چیزی از آن‌ها بپرسید، با ترکه، ضربه‌ای به سر شما می‌زنند که آن‌را "ترکه‌ی بیدارشو" می‌نامند. به این معنی که نباید بپرسید، و این که خودتان شخصاً باید آگاه شوید. می‌گویید، "این جا آدم که یاد بگیرم، زیرا هیچ چیزی نمی‌دانم، به چه چیزی باید آگاه شوم؟ چرا مرا با ترکه می‌زنید؟!" این نشان می‌دهد که بودیسم ذن، به انتهای شاخ گاو رسیده و چیزی برای آموزش وجود ندارد. حتی بودی‌دارما گفت که ذن فقط می‌تواند تا شش نسل منتقل شود و بعد از آن مؤثر نخواهد بود. صدها سال گذشته است اما امروزه هنوز افرادی هستند که به تئوری‌های ذن چسبیده و رها نمی‌کنند. پس معنی واقعی گفته‌ی *شاکيامونی*، "هیچ فایی قطعی و مطلق نیست" چیست؟ *شاکيامونی* در سطح *تاتاگاتا* بود. پس از او، مردم و حتی بسیاری از راهبان، به چیزها در سطح *شاکيامونی* آگاه نشدند، همین‌طور به حالت ذهنی او در سطح آگاهی‌اش، به معنی واقعی فایی که او آموزش داد و به معنی واقعی کلماتش نیز آگاه نشدند. این دلیل آن است که چرا افرادی که بعد از او آمدند، آن‌ها را به هر شکلی که می‌شد تصور کرد، تفسیر کرده و به‌صورت گیج‌کننده‌ای تفسیر کردند. آن‌ها "هیچ فایی قطعی و مطلق نیست" را این‌طور معنی می‌کنند که نباید آن‌را آموزش دهید و اگر آموزش داده شود، دیگر فا نیست. درحقیقت معنی آن، این نیست. بعد از این که *شاکيامونی* زیر درخت بودی، به روشن‌بینی رسید. یک‌بار به سطح *تاتاگاتا* نائل نشد. برای تمام ۴۹ سالی که فا را موعظه می‌کرد، خودش را به‌طور پیوسته رشد می‌داد. هر زمان که یک سطح رشد می‌کرد، به عقب نظری می‌انداخت و می‌دید که فایی که آموزش داده بود صحیح نبود. بعد از این که بیشتر رشد می‌کرد، پی می‌برد که فایی که موعظه کرده بود دوباره صحیح نبود. پس از این که حتی بیشتر رشد کرد، پی برد که فایی که آموزش داد دوباره هنوز صحیح نبود. برای تمام ۴۹ سالی که به این شکل به‌طور پیوسته درحال رشد دادن سطوحش بود، هر دفعه

که یک سطح بالا می‌رفت، متوجه می‌شد فایی که قبلاً آموزش داده بود، فهم پایینی داشت. همچنین متوجه شد که فا در هر سطح، تجلی فا در آن سطح است و این که هر سطح یک فایی دارد، اما هیچ کدام آن‌ها حقیقت مطلق نیست، اگرچه فا در سطوح بالاتر بیشتر از فا در سطوح پایین‌تر به سرشت جهان نزدیک‌تر است. این دلیل آن است که چرا او بیان کرد، "هیچ فایی قطعی و مطلق نیست".

در انتها، شاکيامونی همچنین بیان کرد، "در زندگی‌ام هیچ فایی را آموزش ندادم". ذن دوباره این‌طور برداشت کرد که فا را نمی‌توان آموزش داد. شاکيامونی در سال‌های آخر عمرش به سطح تاناگاتا نائل شد. پس چرا بیان کرد که کلاً هیچ فایی را آموزش نداده بود؟ واقعاً منظورش چه بود؟ منظور او این بود که "حتی در سطح تاناگاتا که در آن هستم، هنوز نه حقیقت جهان را و نه فای نهایی را دیده‌ام". بنابراین او به مردمی که بعداً می‌آمدند درحال یادآوری این نکته بود که کلماتش را به عنوان فای حقیقی و تغییرناپذیر در نظر بگیرند، زیرا بعداً مردم را به سطح تاناگاتا یا پایین‌تر محدود می‌کرد و نمی‌توانستند به سطوح بالاتر بروند. پس از او، مردم معنی واقعی کلماتش را درک نکردند و این‌طور برداشت کردند که "اگر فا آموزش داده شود فا نیست". درحقیقت شاکيامونی درحال بیان این مطلب بود که "سطوح مختلف فای مختلفی دارند و فا در هر سطح حقیقت نهایی جهان نیست، اما فا در هر سطحی به‌عنوان راهنما عمل می‌کند". درحقیقت او درحال بیان چنین اصلی بود.

در گذشته بسیاری از افراد، مخصوصاً در بودیسم ذن، همیشه چنین پیش‌داوری و درک اشتباهی داشتند. اگر هیچ کسی به شما آموزش ندهد چه چیزی وجود دارد که شما را در روش‌تان راهنمایی کند؟ چگونه می‌توانید تزکیه کنید؟ بودیسم حکایت‌های زیادی دارد. شاید برخی از شما حکایت آن فردی را که به آسمان‌ها صعود کرد خوانده‌اید. او وارد آسمان‌ها شد و پی‌برد که در آن بالا هر کلمه در *سوترای الماس* با *سوترای الماس* در این پایین فرق می‌کند و حتی معنای آن‌ها متفاوت است. چرا آن *سوترای الماس* با *سوترای الماس* در دنیای بشری تفاوت داشت؟ افراد دیگری هستند که گفته‌اند، "متون مقدس در بهشت سعادت غایی آن‌قدر با متون مقدس این‌جا تفاوت دارند که نمی‌توانید آن‌ها را از هم تشخیص دهید. کاملاً متفاوت هستند. نه تنها کلمات متفاوت هستند، بلکه معنی و مفهوم آن‌ها نیز متفاوت می‌باشند. آن‌ها تغییر کرده‌اند". درحقیقت ماجرا از این قرار است که همان فا، در هر سطحی تغییر می‌کند و به شکل متفاوتی آشکار می‌شود و برای تزکیه‌کنندگان، می‌تواند آن‌ها را در سطوح مختلف، به‌طور مختلفی هدایت و راهنمایی کند.

شما می‌دانید، در بودیسم کتابچه‌ای هست به نام *سفرنامه‌ی بهشت سعادت غایی*. این کتابچه درباره‌ی راهبی است که مدیتیشن انجام داد و روحش به بهشت سعادت غایی رفت و صحنه‌هایی را مشاهده کرد. آن‌جا برای یک روز در اطراف قدم زد و وقتی به دنیای انسانی بازگشت شش سال گذشته بود. آیا او واقعاً چیزی مشاهده کرد؟ بله مشاهده کرد، اما آن‌چه که او دید وضعیت واقعی آن‌جا نبود. چرا نبود؟ سطحش به اندازه‌ی کافی بالا نبود، بنابراین تجلی فایی که در سطح خودش می‌بایست ببیند، به او نشان داده شد. او نتوانست ببیند که در آن‌جا چیزها به‌طور واقعی چگونه بودند، زیرا دنیایی مثل آن، یک تجلی ترکیب آن دنیا توسط فا است. بنابراین می‌گوییم که معنی "هیچ فایی قطعی و مطلق نیست" این است.

جن، شن، رن، تنها معیاری است که شخص خوب را از شخص بد متمایز می‌کند

در بودیسم همیشه افرادی بررسی کرده‌اند که فای بودا چیست. عده‌ای از مردم فکر می‌کنند فایی که در بودیسم آموزش داده شد، تمام فای بودا است. اما درحقیقت این‌طور نیست. فایی که شاکيامونی آموزش داد برای مردم عادی دو هزار و پانصد سال پیش بود. سطح تمدن آن‌ها پایین بود و آن‌ها افرادی بودند که تازه از جامعه‌ی بدوی تکامل پیدا کرده و ذهن‌شان ساده بود. او از "عصر پایان دارما" سخن گفت. عصر پایان دارما امروز است. مردم امروزی نمی‌توانند دیگر با آن *دارما* تزکیه کنند. در عصر پایان دارما حتی برای راهبان در معابد مشکل است که خود را نجات

دهند چه رسد به نجات دیگران. فای که شاکيامونی در آن زمان موعظه کرد مخصوص آن موقعیت بود و همچنین هر چیزی را که در سطح خودش درباره‌ی فای بودا می‌دانست آموزش نداد. اگر بخواهید برای همیشه آن را بدون تغییر نگه دارید، امکان‌پذیر نیست.

اجتماع، رشد کرده و ذهن انسان پیچیده و پیچیده‌تر شده است، بنابراین درحال حاضر مشکل است که یک شخص به آن روش تزکیه کند. فای بودیسم تمامی فای بودا را در بر نمی‌گیرد، فقط قسمت کوچکی از فای بودا است. تعداد زیادی از روش‌های بزرگ تزکیه در مدرسه‌ی بودا وجود دارد که در بین مردمان معمولی رواج داشته یا در طول تاریخ فقط به یک شخص منتقل شده است. سطوح مختلف، فای مختلفی دارند و بُعدهای مختلف، فای مختلفی دارند، و تمامی این‌ها تجلی فای بودا در بُعدهای مختلف و در سطوح مختلف هستند. شاکيامونی همچنین از وجود هشتاد و چهار هزار روش برای تزکیه‌ی بودا شدن سخن گفت. اما بودیسم فقط بیش از ده روش تزکیه دارد مثل بودیسم ذن، سرزمین پاک، تین‌دی، هوآیان و تانتريسم. آن‌ها تمامی فای بودا را در بر نمی‌گیرند. علاوه بر این، شاکيامونی همه‌ی فای خود را موعظه نکرد، فقط به‌طور انتخابی قسمتی از فای خود را که مردم آن زمان می‌توانستند بفهمند، موعظه کرد.

پس فای بودا چیست؟ بنیادی‌ترین سرشت جهان، جن، شس، رن، بالاترین تجلی فای بودا است، آن جوهر فای بودا است. فای بودا در سطوح مختلف به شکل‌های متفاوتی تجلی پیدا می‌کند و در سطوح مختلف به راه‌های مختلفی به‌عنوان راهنما عمل می‌کند، به‌طوری که هرچه سطح پایین‌تر می‌شود، تجلیات آن پیچیده‌تر و ناهمگون‌تر می‌شوند. ذرات هوا، سنگ، چوب، خاک، آهن، بدن انسان این سرشت حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری را دارند. تمام مواد این سرشت را دارند. قدما معتقد بودند که پنج عنصر، تمام چیزها را در دنیا شکل می‌دهند. آن‌ها نیز این سرشت حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری را دارند. یک تزکیه‌کننده فقط می‌تواند از تجلی بخصوص فای بودا در سطحی که تا آن سطح تزکیه کرده است آگاه شود و آن ثمره‌ی تزکیه یا سطح او است. اگر به تفصیل شرح دهید، فای خیلی وسیع است. اما وقتی به بالاترین نقطه‌ی آن برسید، ساده است، چراکه دقیقاً مثل یک هرم است. در سطح بسیار بالا می‌توانید آن را فقط در سه کلمه خلاصه کنید: حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری. اما همان‌طور که در هر سطح مختلفی تجلی می‌یابد، بسیار پیچیده می‌شود. به‌عنوان یک قیاس، موجودات انسانی را درنظر بگیرید. مدرسه‌ی دثو بدن انسان را به‌صورت جهانی کوچک درنظر می‌گیرد. موجودات انسانی یک بدن فیزیکی دارند، اما فقط با داشتن بدن فیزیکی، یک شخص کامل نیست. برای این که فردی کامل، مستقل و با فردیت شکل بگیرد، او باید خلق و خوی، شخصیت و خصوصیات انسانی و روح داشته باشد. برای این جهان ما نیز همین‌طور است: کهکشان راه شیری و کهکشان‌های دیگر و همچنین زندگی و آب وجود دارند. تمام چیزها در دنیا جنبه‌هایی از وجود فیزیکی هستند، اما سرشت خود، یعنی حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری را نیز دارند. ذرات هر چیزی این سرشت را دارا هستند و ذرات بی‌نهایت کوچک هم این سرشت را دارند.

این سرشت حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری، استاندارد است که تعیین می‌کند در این جهان چه چیزی خوب و چه چیزی بد است. چه چیزی خوب است؟ چه چیزی بد است؟ فقط با استفاده از این معیار می‌توان گفت. این برای "تقوا" که مردم در گذشته از آن صحبت می‌کردند نیز مصداق دارد. البته حالا سطح اخلاقی اجتماع تغییر کرده است و حتی استانداردهای اخلاقی منحرف شده‌اند. امروزه اگر کسی بخواهد از لی فینگ، الگو بگیرد، احتمالاً مردم می‌گویند که او دیوانه است. اما در سال‌های حدود ۱۹۵۰ یا ۱۹۶۰، به من بگویید، چه کسی می‌گفت او دیوانه است؟ استاندارد اخلاقی بشریت در یک سراسیمی تند است، ارزش‌های اخلاقی جامعه روز به روز خراب‌تر می‌شود، مردم به چیزی جز منفعت نمی‌اندیشند، فقط برای این که به خودشان سود برسانند به دیگران صدمه می‌زنند، با هر وسیله‌ای با یکدیگر رقابت و جنگ و دعوا می‌کنند. پس درباره‌ی این بیندیشید، آیا می‌تواند اجازه داده شود که این ادامه پیدا کند؟ وقتی بعضی از مردم کارهای بدی انجام می‌دهند و شما به آن‌ها می‌گویید که کار بدی انجام می‌دهند، حرف‌تان را باور

نمی‌کنند، واقعاً باور نمی‌کنند که در حال انجام کاری اشتباه هستند. بعضی از مردم، خود را با استاندارد اخلاقی منحط می‌سنجند و فکر می‌کنند که بهتر از دیگران هستند. این بدین دلیل است که حتی استاندارد سنجیدن تغییر کرده است. اما مهم نیست استاندارد اخلاقی بشریت چگونه تغییر کرده است، سرشت جهان تغییر نمی‌کند و آن تنها استandar داری است که تعیین می‌کند چه کسی خوب یا چه کسی بد است. بنابراین برای این که یک تزکیه‌کننده باشید، برای رشد خود، باید سرشت جهان را به عنوان راهنما برگزینید. نمی‌توانید بر طبق استانداردهای مردم عادی رفتار کنید. اگر می‌خواهید به خود واقعی اولیه‌تان برگردید، اگر می‌خواهید به وسیله‌ی تزکیه سطح‌تان را بالا ببرید، مجبورید با این استاندارد زندگی کنید. به عنوان یک انسان، فقط اگر از سرشت جهان، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری، پیروی کنید، فقط در این صورت است که می‌توانید خود را یک شخص خوب بنامید. شخصی که از این سرشت منحرف می‌شود، کسی است که واقعاً بد می‌باشد. شاید در محل کار یا در اجتماع کسی بگوید که بد هستید. اما شاید واقعاً بد نباشید. یا شاید کسی بگوید که خوب هستید. شاید برعکس واقعاً خوب نباشید. به عنوان یک تزکیه‌کننده، اگر کاملاً با این سرشت یکسان شوید، کسی هستید که دائاً را کسب کرده است. واقعاً حقیقت آن به این سادگی است.

تزکیه‌ی حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری مدرسه‌ی دائو، روی حقیقت تأکید می‌کند. این دلیل آن است که چرا دائوئیست‌ها برای این چیزها سخت تلاش می‌کنند. "حقیقت را تزکیه کن و سرشت مادرزادی را پرورش بده، راست بگو، کارهای درست انجام بده، به خود واقعی اولیه‌ات برگرد و نهایتاً به سوی یک شخص حقیقی شدن تزکیه کن." اما آن‌ها نیز بردباری و نیک‌خواهی را دارند، ولی تأکید روی قسمت حقیقت است. مدرسه‌ی بودا در تزکیه‌ی حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری، روی نیک‌خواهی تأکید می‌کند. تزکیه‌ی نیک‌خواهی می‌تواند رحمت عظیم را به وجود آورد و هنگامی که این رحمت عظیم نمایان می‌شود می‌توانید ببینید که تمامی موجودات ذی‌شعور در حال زجر کشیدن هستند، به طوری که آنکه از یک آرزو می‌شود: که همه‌ی موجودات ذی‌شعور را نجات دهید. اما آن‌ها نیز حقیقت و بردباری را دارند ولی تأکید روی تزکیه‌ی نیک‌خواهی است. فالون دافای ما بر پایه‌ی والاترین استاندارد جهان، حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری است. ما به طور هم‌زمان همه را با هم تزکیه می‌کنیم، بنابراین آن چه که تزکیه می‌کنیم عظیم است.

چی گونگ، قسمتی از فرهنگ ماقبل تاریخ است

چی گونگ چیست؟ بسیاری از استادان چی گونگ سعی می‌کنند در مورد این موضوع صحبت کنند، اما آن چه که من می‌گویم کاملاً متفاوت است. بسیاری از استادان چی گونگ، در سطح خودشان در مورد آن صحبت می‌کنند، درحالی که من در سطح بالاتری درباره‌ی این که چگونه چی گونگ را درک کنیم صحبت می‌کنم و کاملاً از چگونگی درک آن‌ها متفاوت است. عده‌ای از استادان چی گونگ می‌گویند که چی گونگ، تاریخی دو هزار ساله در کشور ما دارد. دیگران می‌گویند چی گونگ، تاریخی سه هزار ساله دارد. برخی می‌گویند تاریخی پنج هزار ساله، به قدمت تاریخ تمدن چین دارد. افرادی نیز هستند که می‌گویند بر طبق یافته‌های باستان‌شناسی بایستی تاریخی هفت هزار ساله داشته باشد، که بسیار فراتر از تاریخ تمدن چین است. اما با تمام این‌ها، تاریخ چی گونگ فراتر از تاریخ تمدن بشری نیست. بر طبق تئوری تکامل داروین، انسان ابتدا از گیاهان آبی به جانوران آبی تکامل یافت، سپس به خشکی آمد و بعد روی درخت زندگی کرد، دوباره به پایین آمد و به میمون تبدیل شد و پس از آن نهایتاً به انسان امروزی صاحب فکر و تمدن تکامل یافت. با این حساب، از زمان پیدایش تمدن بشری بیش از ده هزار سال نگذشته است. کمی عقب‌تر بروید، حتی چیزی مثل گره زدن‌ها که برای به‌خاطر سپردن چیزها استفاده می‌شد، وجود نداشت و با برگ درختان خود را می‌پوشاندند و گوشت خام می‌خوردند. عقب‌تر بروید، شاید حتی نمی‌دانستند چگونه از آتش استفاده کنند و کاملاً وحشی و مردمی بدوی بوده‌اند.

اما مشکلی را یافته‌ایم. در بسیاری از مناطق دنیا مکان‌هایی وجود دارد که ردپای تمدن‌های باستانی به جای مانده است و آن‌ها خیلی قدیمی‌تر از تمدن ما هستند. این بقایای باستانی از نظر صنعت‌گری، عالی هستند. از نظر هنرمندی، فوق‌العاده هستند. اغلب این طور است که انگار مردمان امروزی هنرهای مردم باستان را تقلید می‌کنند. آن‌ها ارزش هنری بالایی دارند. اما آن‌ها از بیش از صد هزار سال پیش، صدها هزار سال پیش، میلیون‌ها سال پیش یا حتی بیش از صد میلیون سال پیش هستند. پس درباره‌ی آن بیندیشید، آیا این مسخره بودن "تاریخ" امروزی را نشان نمی‌دهد. اما این واقعاً موضوعی سرگرم‌کننده نیست، چراکه نوع بشر همیشه در حال رشد و کشف مجدد خود بوده است. جامعه به این شکل توسعه می‌یابد، بنابراین احتمال آن وجود دارد که فهم اولیه کاملاً درست نباشد.

بسیاری از شما احتمالاً اصطلاح فرهنگ ماقبل تاریخ را شنیده‌اید، که تمدن ماقبل تاریخ نیز نامیده می‌شود. بگذارید درباره‌ی تمدن ماقبل تاریخ صحبت کنیم. در روی زمین، آسیا، اروپا، امریکای جنوبی، امریکای شمالی، اقیانوسیه، آفریقا و قطب جنوب وجود دارد که زمین‌شناسان آن‌ها را صفحات قاره‌ای می‌نامند. ده‌ها میلیون سال از شکل‌گیری صفحات قاره‌ای گذشته است، یا این طور می‌توان گفت که سرزمین‌هایی از کف اقیانوس بالا آمدند و سرزمین‌هایی به قعر دریا فرو رفتند و از زمان ثابت ماندن آن‌ها به شکلی که امروز هستند ده‌ها میلیون سال گذشته است. اما در قعر بسیاری از اقیانوس‌ها، بناهای باستانی بلند و بزرگی کشف شده است، بناها طرح‌های زیبایی دارند و بقایای فرهنگی نژاد بشر امروزی نیستند. پس آن‌ها بایستی قبل از این که در قعر دریا فرو روند ساخته شده باشند. در ده‌ها میلیون سال پیش چه کسی آن تمدن‌ها را ایجاد کرد؟ در آن زمان، نژاد بشر ما حتی میمون هم نبوده، چگونه می‌توانستیم این چیزهای هوشمندانه را بیافرینیم؟ امروزه باستان‌شناسان موجود زنده‌ای به نام *تری‌لوبیت* کشف کرده‌اند. این موجود بین شش صد میلیون سال پیش تا دویست و شصت میلیون سال پیش وجود داشته است و بعد از آن منقرض شد. دانشمندی امریکایی فسیل *تری‌لوبیتی* را کشف کرد که جای پای انسانی روی آن بود. جای پای فردی که کفش به پا داشته روی فسیل به‌طور واضح نقش بسته است. آیا این، تاریخ‌نویسان را دست نمی‌اندازد. بر طبق تئوری داروین، آیا می‌توانسته در دویست و شصت میلیون سال پیش موجودات انسانی وجود داشته باشند؟

در موزه‌ی دانشگاه ملی پرو، سنگی وجود دارد که نقش انسان روی آن حکاکی شده است. مطالعه‌ی معلوم کرد که نقش در سی هزار سال پیش روی سنگ حکاکی شده بود. اما این بدن لباس پوشیده است، کلاه به سر دارد، کفش به پا دارد و با تلسکوپ در دست، ستاره‌ها را مشاهده می‌کند. چگونه انسان‌های سی هزار سال پیش می‌توانستند بدانند که چگونه پارچه ببافند و لباس ببوشند؟ چیز عجیب‌تر این است که او با تلسکوپ در دستش ستاره‌ها را مشاهده می‌کند و درباره‌ی نجوم چیزهایی می‌دانسته است. همیشه فکر کرده‌ایم که یک اروپایی، گالیله بود که تلسکوپ را اختراع کرده و آن کمی بیش از سی صد سال پیش بوده است. اما چه کسی در سی هزار سال پیش تلسکوپ را اختراع کرد؟ هنوز هم معماهای حل نشده‌ی زیادی وجود دارند. برای مثال، بسیاری از غارها در فرانسه، آفریقای جنوبی و رشته کوه‌های آلپ، نقاشی‌هایی روی دیوارهای‌شان دارند که خیلی واضح و شبیه زندگی واقعی حکاکی شده‌اند. تصاویر انسانی، بسیار زیبا حکاکی شده و با نوعی رنگ‌دانه‌ی معدنی رنگ‌آمیزی شده‌اند. اما آن بدن‌ها مثل مردم امروزی لباس پوشیده‌اند و لباس‌های‌شان کمی شبیه لباس‌های غربی است و شلوار تنگ پوشیده‌اند. برخی از آن‌ها چیزهایی شبیه پپ در دست دارند و برخی عصا در دست و کلاه بر سر دارند. چگونه میمون‌های صدها هزار سال پیش می‌توانستند به یک چنین سطح هنری پیشرفته‌ای برسند؟

بگذارید کمی عقب‌تر برویم، جمهوری گابن در آفریقا معدن اورانیوم دارد. این کشور نسبتاً توسعه نیافته است و خودشان توانایی استخراج اورانیوم را از سنگ معدن ندارند و سنگ معدن را به کشورهای توسعه یافته صادر می‌کنند. در سال ۱۹۷۲ کارخانه‌ای در فرانسه آن سنگ معدن اورانیوم را وارد کرد و پس از تجزیه و تحلیل شیمیایی، پی بردند که سنگ معدن اورانیوم استخراج و استفاده شده بود. فکر کردند عجیب است و عده‌ای از دانشمندان و پرسنل فنی را برای انجام بررسی در محل، به آن‌جا فرستادند. دانشمندان کشورهای زیادی برای بررسی به آن‌جا رفتند. درنهایت

تأیید کردند که معدن سنگ اورانیوم یک راکتور اتمی بزرگی بود و طرح آن واقعاً فنی به نظر می‌رسید. حتی برای مردم امروزی غیرممکن است بتوانند چنین چیزی را ایجاد کنند. در چه زمانی آن ساخته شد؟ دو میلیارد سال پیش، و به مدت پانصد هزار سال دایر بود. این اعداد کاملاً نجومی هستند. به هیچ وجه نمی‌توان با تئوری تکامل داروین آن را توضیح داد. موارد زیادی مثل این وجود دارند. جامعه‌ی علمی و فنی به اندازه‌ی کافی چیزهای جدیدی را کشف کرده است که کتاب‌های درسی فعلی‌مان را تغییر دهد. یک‌بار که تفکر انسان‌ها در یک عادت عمیق کهن گیر می‌کند، مشکل است که ایده‌های جدید را بپذیرند. حتی هنگامی که حقیقت آشکار می‌شود، مردم جرأت نمی‌کنند آن را بپذیرند و بدون پیش‌اندیشی آن را رد می‌کنند. به‌خاطر تأثیر روش‌های تفکر کهن، امروزه هیچ کسی به شکل سازمان یافته‌ای چنین یافته‌هایی را جمع‌آوری نمی‌کند و بنابراین ذهنیت انسان‌ها همیشه از پیشرفت‌های جدید عقب می‌افتد. هرگاه درباره‌ی این چیزها که درحال حاضر کشف شده‌اند صحبت می‌کنیم، گرچه هنوز به‌طور گسترده‌ای به عموم شناسانده نشده‌اند، برخی می‌گویند این چیزها خرافات هستند و آن‌ها را رد می‌کنند.

دانشمندان شجاع زیادی در کشورهای دیگر وجود دارند که به‌طور علنی این چیزها را به‌عنوان فرهنگ‌های ماقبل تاریخ و تمدنی که قبل از تمدن بشری ما آمده، پذیرفته‌اند. یعنی، قبل از این تمدن ما، دوره‌های تمدن دیگری وجود داشته، بیش از یک تمدن وجود داشته است. با نگاه به بقایای باستانی می‌توانید بگویید که آن‌ها همگی از یک دوره‌ی تمدن نبودند. بنابراین آن‌ها فکر می‌کنند که بعد از هر یک از دفعات زیادی که تمدن‌های بشری منهدم شدند فقط تعداد کمی از افراد زنده ماندند و به‌صورت بدوی زندگی کردند. سپس به‌تدریج تعدادشان زیاد شد، نژاد بشری جدیدی شده و تمدنی جدید را شروع کردند. سپس دوباره منهدم می‌شدند و دوباره نژاد بشری جدیدی را می‌ساختند. این گونه، بشریت از میان تغییرات دوره‌ای مختلف، بارها و بارها گذشته است. فیزیکدان‌ها می‌گویند که حرکت ماده الگو و روال‌هایی دارد. تغییرات کل جهان ما نیز الگو و روال‌هایی دارد.

در این جهان وسیع و در این راه شیری چرخان، حرکت سیاره‌مان، زمین، به هیچ وجه نمی‌توانسته همیشه آرام و هموار بوده باشد، ممکن است به سیارات دیگر برخورد کرده یا مشکلات دیگری داشته، و این‌ها فجایع عظیمی را سبب می‌شدند. اگر از نقطه نظر توانایی‌های فوق‌طبیعی به آن نگاه کنیم، فقط این‌طور است که آن این‌گونه نظم و ترتیب داده شد. یک‌بار به دقت ردیابی کردم و پی بردم که بشریت هشتاد و یک بار دست‌خوش انهدام کامل شده و فقط تعداد کمی از افراد زنده ماندند، فقط کمی از تمدن ماقبل تاریخ باقی ماند و سپس آن‌ها وارد دوره‌ی بعدی شدند و به‌صورت بدوی زندگی کردند. وقتی افراد به اندازه‌ی کافی ازدیاد پیدا می‌کردند درنهایت دوباره تمدن ظاهر می‌شد. آن هشتاد و یک بار از میان چنین چرخه‌ای گذشته است و من آن‌را تا انتها ردیابی نکردم. مردم چین درباره‌ی فرصت‌های زمانی اعطا شده از سوی آسمان، شرایط جغرافیایی مساعد و هم‌دلی و هم‌صدایی بین مردم صحبت می‌کنند. تغییرات مختلف در پدیده‌های کیهانی یا زمان‌های مختلف اعطا شده از سوی آسمان می‌توانند اوضاع مختلفی را در جامعه‌ی بشری به‌وجود بیاورند. بر طبق علم فیزیک، حرکت ماده الگو و روال‌هایی را دنبال می‌کند، در مورد حرکت جهان نیز چنین چیزی صدق می‌کند.

علت اصلی این که درباره‌ی فرهنگ ماقبل تاریخ صحبت کردم این بود که این نکته را روشن کنیم: چی‌گونه چیزی نیست که نژاد بشر امروزی ارائه داده باشد، آن از زمان‌های دور به ارث رسیده و آن قسمتی از فرهنگ ماقبل تاریخ است. می‌توانیم در این باره قطعاتی را در متون مقدس پیدا کنیم. شاکيامونی در روزگار خود بیان کرد که او تزکیه‌ی خود را در صدها صدها میلیون کالپ پیش کامل کرد و به روشن‌بینی رسید. یک کالپ شامل چند سال است؟ یک کالپ صدها صدها میلیون سال است. حتی نمی‌توانید عددی به این بزرگی را تصور کنید. پس اگر آن‌چه او بیان کرد صحیح باشد، آیا آن با تاریخ بشریت و تغییرات کل زمین جور در نمی‌آید؟ شاکيامونی همچنین بیان کرد که قبل از او شش بودای دوران اولیه وجود داشت، که او استادانی داشت و غیره و این که همه‌ی آن‌ها صدها صدها میلیون کالپ قبل تزکیه کرده و روشن‌بین شده بودند. اگر این چیزها واقعاً صحیح باشد، آیا از میان آن روش‌های سنتی واقعی و

تعالیم راستین، امروزه در جامعه‌ی ما چنین روش‌های تزکیه‌ای آموزش داده می‌شود؟ اگر از من بپرسید، می‌گویم البته، مطمئناً، اما نه تعداد زیادی. این روزها آن چی‌گونگی‌های تقلبی، چی‌گونگی‌های دروغین و آن افراد تسخیر شده، به دلخواه چیزهایی را از خود درمی‌آورند تا از مردم کلاهبرداری کنند و تعداد آن‌ها از چی‌گونگی‌های واقعی به مراتب بیشتر است. فهمیدن این که کدام یک واقعی و کدام یک تقلبی است، مشکل است. تشخیص چی‌گونگی واقعی مشکل است و پیدا کردن آن نیز آسان نیست.

درواقع، چی‌گونگی تنها چیز به جای مانده از دوران گذشته نیست. نماد تایی چی، ترسیمه‌های هتو و لوشو، کتاب *تغییرات*، هشت سه‌نگاره و غیره، همگی آن‌ها از ماقبل تاریخ به ارث رسیده‌اند. بنابراین، امروزه هنگامی که آن‌ها را از نقطه نظر یک فرد عادی مطالعه می‌کنیم یا سعی می‌کنیم آن‌ها را به آن شکل بفهمیم، به هیچ شکلی نمی‌توانیم درک‌شان کنیم. وقتی که از سطح یک فرد عادی، یا از آن نقطه نظر یا آن سطح آگاهی به چیزها نگاه می‌کنید، به هیچ وجه نمی‌توانید آن‌چه را که حقیقی است درک کنید.

چی‌گونگی درباره‌ی تزکیه است

حالا که چی‌گونگی چنین قدمت تاریخی دارد، دقیقاً برای چیست؟ بگذارید به شما بگویم، آن‌چه که ما این‌جا داریم روش بزرگی از تزکیه‌ی مدرسه‌ی بودا است، پس آن طبیعتاً برای تزکیه‌ی بودا شدن است و مدرسه‌ی دائو، طبیعتاً دائو را تزکیه می‌کند تا دائو را به دست بیاورد. می‌توانم به شما بگویم که "بودا" خرافات نیست. "بودا" واژه‌ای از سانسکریت، زبان هندوستان قدیم است. هنگامی که به چین ما آورده شد، دو کلمه داشت و "فو توئو" تلفظ می‌شد. برخی از افراد نیز آن‌را به صورت "فو تو" ترجمه کردند. سپس همان‌طور که آن دست به دست چرخید و در طول نسل‌ها منتقل شد، ما مردم چین، یکی از آن کلمات را حذف کردیم و آن‌را فقط "فو" نامیدیم. این واژه در چینی چه معنایی دارد؟ به معنی "یک شخص روشن‌بین" است، شخصی که از طریق تزکیه روشن‌بین شده است. چه خرافاتی در آن است؟

بیاید درباره‌ی این بیندیشیم. تزکیه می‌تواند توانایی‌های فوق‌طبیعی یک شخص را به ظهور برساند. شش نوع از توانایی‌های فوق‌طبیعی امروزه تشخیص داده شده‌اند، اما فقط به این‌ها محدود نمی‌شود. می‌گویم بیش از ده هزار توانایی فوق‌طبیعی واقعی وجود دارد. فقط تصور کنید که یک شخص درحالی که در محلی نشسته است، بدون حرکت دادن دست‌ها یا پاهایش بتواند کاری را انجام دهد که دیگران حتی با دست‌ها یا پاهای‌شان نمی‌توانند انجام دهند و او بتواند قوانین واقعی حاکم بر هر بُعد جهان و واقعیت جهان را ببیند، بتواند چیزهایی را ببیند که مردم عادی نمی‌توانند ببینند. آیا او کسی نیست که به وسیله‌ی تزکیه، دائو را کسب کرده است؟ آیا او یک موجود روشن‌بین بزرگ نیست؟ آیا می‌توانید بگویید که او مثل یک فرد عادی است؟ آیا او کسی نیست که به وسیله‌ی تزکیه روشن‌بین شده است؟ آیا این درست نیست که او را یک "موجود روشن‌بین" بنامیم؟ به زبان هندوستان قدیم او یک "بودا" نامیده می‌شود. واقعیت امر این است و چی‌گونگی برای این کار است.

لحظه‌ای که چی‌گونگی مطرح می‌شود همیشه کسی وجود دارد که می‌گوید، "اگر هیچ‌گونه بیماری ندارید برای چه می‌خواهید چی‌گونگی تمرین کنید؟" منظورش این است که چی‌گونگی فقط برای شفای بیماری‌ها است، این درکی بسیار بسیار سطحی از آن است. اما تقصیر شما نیست، زیرا بسیاری از استادان چی‌گونگی فقط درحال انجام کارهایی مانند معالجه‌ی بیماری مردم و کمک به آن‌ها برای حفظ سلامتی هستند، آن‌ها فقط درباره‌ی معالجه‌ی بیماری‌ها و سلامتی صحبت می‌کنند و هیچ کسی چیزهای بالاتری را آموزش نمی‌دهد. این را نمی‌گویم که روش‌های آن‌ها خوب نیست. درواقع مأموریت آن‌ها این است که چیزهایی را در سطح معالجه‌ی بیماری‌ها و سلامتی و رایج کردن چی‌گونگی آموزش دهند. اما افراد زیادی وجود دارند که می‌خواهند تا سطوح بالا تزکیه کنند. آن‌ها درباره‌ی آن می‌اندیشند و قلبی برای آن دارند اما نمی‌دانند چگونه باید خود را تزکیه کنند و این مسئله سختی‌های بسیاری را برای

آن‌ها به وجود آورده است و در مشکلات بسیاری افتاده‌اند. البته منتقل کردن روشی در سطوح بالا به‌طور واقعی، با چیزهای بالاتری سر و کار خواهد داشت. بنابراین ما در مقابل مردم و جامعه مسئول بوده‌ایم و نتایج منتقل کردن این روش، در کل خوب بوده است. برخی از چیزها سطح بالا هستند و وقتی درباره‌ی آن‌ها صحبت شود، ممکن است مثل خرافات به نظر بیایند، اما ما بهترین سعی خود را می‌کنیم تا هنگام تشریح آن‌ها از علم نوین استفاده کنیم.

هنگامی که چیزهای بخصوصی را ذکر می‌کنیم برخی از افراد بی‌اختیار می‌گویند "خرافات". چرا آن‌ها چنین می‌گویند؟ معیار چنین شخصی این است که هرچه را که علم هنوز به آن پی نبرده است، هر چه را که هنوز تجربه نکرده است یا هرچه را که فکر می‌کند احتمالاً نمی‌تواند وجود داشته باشد، همگی "خرافات" یا "حقه‌بازی" هستند. ذهنیت او این‌گونه است. پس آیا این‌طور فکر کردن درست است؟ آیا می‌توانید چیزی را فقط به‌خاطر این که علم هنوز به آن پی نبرده است یا فقط به‌خاطر این که ورای پیشرفت و توسعه‌ی علم است به‌عنوان چیزی خرافی یا حقه‌بازی رد کنید؟ اگر هر کسی این‌گونه فکر می‌کرد آیا علم می‌توانست پیشرفت کند؟ آیا آن می‌توانست به جلو پیش برود؟ جامعه قادر نمی‌بود پیشرفت کند. چیزهایی که جامعه‌ی علمی و فنی ما ابداع کرده‌اند همگی چیزهایی هستند که زمانی مردم آن‌ها را نداشتند. اگر همگی آن چیزها به‌عنوان خرافات در نظر گرفته می‌شدند، دیگر نیازی به پیشرفت و توسعه نمی‌بود. چی‌گونگ حقه‌بازی نیست. اما همیشه افرادی وجود دارند که می‌گویند هست، چراکه آن‌را درک نمی‌کنند. اما امروزه مردم با استفاده از ابزارهای علمی، چیزهایی مثل امواج مادون صوت، امواج مافوق صوت، امواج الکترومغناطیسی، مادون قرمز، ماورای بنفش، اشعه‌های گاما، نوترون‌ها، اتم‌ها و مقدار ناچیزی از عناصر فلزی را در بدن استادان چی‌گونگ شناسایی کرده‌اند. آیا آن‌ها همگی چیزهایی عینی و واقعی نیستند؟ آن‌ها ماده هستند. آیا همه‌ی چیزها از ماده ساخته نشده‌اند؟ آیا زمان - مکان‌های دیگر از ماده ساخته نشده‌اند؟ آیا می‌توانید آن‌ها را خرافات بنامید؟ چی‌گونگ برای تزکیه‌ی بودا شدن است، پس البته این‌طور است که با بسیاری از چیزهای عمیق سر و کار دارد و ما به آن‌ها خواهیم پرداخت.

اگر چی‌گونگ برای این است، چرا مردم آن‌را چی‌گونگ می‌نامند؟ درواقع آن چی‌گونگ نامیده نمی‌شود. چه نامیده می‌شود؟ آن، تزکیه نامیده می‌شود- آن تزکیه است. البته نام‌های بخصوص دیگری نیز دارد، اما در مجموع تزکیه نامیده می‌شود. پس چرا مردم آن‌را چی‌گونگ می‌نامند؟ شما می‌دانید مدت بیست سال است که چی‌گونگ همگانی شده است. آن در اواسط انقلاب فرهنگی شروع شد و در اواخر انقلاب فرهنگی به اوج خود رسید. درباره‌ی این بیندیشید. در آن زمان اندیشه‌ی چپ‌گرای افراطی قوی بود. بگذارید به نام‌هایی که چی‌گونگ در فرهنگ‌های ماقبل تاریخ داشت اشاره‌ای نکنیم. اما همان‌طور که این تمدن ما درحال پیشرفت و توسعه بود، از میان دوره‌ای فئودالی گذر کرد. بنابراین نام‌هایی با محتوای فئودالیستی داشت و آن‌هایی که به مذاهب مربوط بودند اغلب نام‌هایی داشتند که مذهبی به‌نظر می‌رسیدند، مثل "دافای تزکیه‌ی دائو"، "مدیتیشن واجرا"، "راه آرهای"، "دافای تزکیه‌ی بودا"، "روش اکسیر جاودانگی درونی نه‌گانه". آن‌ها چنین نام‌هایی بودند. اگر در طول انقلاب فرهنگی از چنین نام‌هایی استفاده می‌کردید، آیا علناً مردود شمرده نمی‌شدید؟ آن آرزو که استادان چی‌گونگ برای همگانی کردن چی‌گونگ داشتند خوب بود و آن‌ها این کار را انجام دادند تا توده‌های مردم را معالجه کنند و آن‌ها را سالم نگه دارند، آن برای این بود که شرایط جسمانی مردم را بهبود بخشد- چه‌قدر عالی بود- اما با این وجود هم نمی‌توانستند از آن نام‌ها استفاده کنند و جرأت نمی‌کردند آن‌ها را به کار ببرند. بنابراین برای همگانی کردن چی‌گونگ، بسیاری از استادان چی‌گونگ دو کلمه از متون کتاب‌های دن جینگ و دائو‌ژنگ را برداشتند و آن‌را "چی‌گونگ" نامیدند. برخی از افراد حتی واژه‌ی چی‌گونگ را مورد کندوکاو قرار می‌دهند و در مورد آن تحقیق می‌کنند، اما چیزی برای بررسی و مطالعه وجود ندارد. آن فقط تزکیه نامیده می‌شد. چی‌گونگ فقط واژه‌ی جدیدی است که، برای این که مناسب تفکر مردم امروزی باشد پدیدار شد. همین و بس.

چرا گونگ شما با تمرین افزایش نمی‌یابد؟

چرا گونگ شما با تمرین افزایش نمی‌یابد؟ بسیاری افراد این گونه فکر می‌کنند، "من آموزش واقعی را دریافت نکرده‌ام. اگر استادی تعدادی مهارت بخصوص و برخی از روش‌های پیشرفته را به من آموزش دهد، گونگ من افزایش خواهد یافت". این روزها، نود و پنج درصد از مردم این گونه فکر می‌کنند. می‌گوییم این خیلی خنده‌دار است. و چرا این را می‌گوییم؟ زیرا چی گونگ تکنیک مردم عادی نیست. آن کاملاً چیزی فوق طبیعی است. بنابراین باید با اصول سطوح بالا آن را ارزیابی کرد. می‌توانم به همه بگویم که علت اساسی این که گونگ رشد نمی‌کند این است: از دو کلمه‌ی "تزکیه" و "تمرین"، مردم فقط به تمرین توجه می‌کنند و تزکیه را نادیده می‌گیرند. اگر در جستجوی چیزی در خارج هستید، به هیچ وجه آن را به دست نخواهید آورد. با بدن یک شخص عادی، دست‌های یک شخص عادی و افکار یک شخص عادی، آیا فکر می‌کنید می‌توانید ماده‌ی با انرژی بالا را به گونگ تبدیل کنید و گونگ را رشد دهید؟ چگونه می‌تواند به این آسانی باشد! در نظر من، این یک شوخی است. مثل این است که در طلب چیزی در بیرون باشید و در بیرون چیزی را جستجو کنید. هرگز آن را نخواهید یافت.

این مثل بعضی از مهارت‌های مردم عادی نیست که بتوانید با پرداخت کمی پول، با یادگیری بعضی تکنیک‌ها آن را کسب کنید. آن به این صورت نیست، زیرا چیزی ورای سطح مردم عادی است. بنابراین از شما انتظار می‌رود که بر طبق اصول فوق طبیعی رفتار کنید. پس، باید چه کار کنید؟ لازم است درون‌تان را تزکیه کنید و برای کمک در جستجوی چیزهایی در بیرون نباشید. افراد زیادی هستند که در بیرون در جستجوی چیزهایی هستند. آن‌ها امروز در جستجوی یک چیز و روز دیگر دنبال چیزی دیگر هستند و به آرزوی کسب نیروهای فوق طبیعی چسبیده‌اند - هر نوع قصدی را دارا هستند. افرادی وجود دارند که حتی می‌خواهند استاد چی گونگ شوند و با معالجه‌ی بیماری‌ها پول به دست بیاورند! اما در تزکیه‌ی واقعی، شما باید ذهن‌تان را تزکیه کنید و این تزکیه‌ی شین‌شینگ نامیده می‌شود. به طور مثال، در اختلافات شخصی لازم است اهمیت کمتری به تمامی احساسات و تمایلات بدهید. درحالی که برای نفع شخصی در رقابت هستید، می‌خواهید که گونگ شما رشد کند، چگونه می‌تواند ممکن باشد؟ آیا مثل مردم عادی نیستید؟ چگونه گونگ شما می‌تواند افزایش یابد؟ بنابراین، فقط از طریق تأکید بر تزکیه‌ی شین‌شینگ است که گونگ شما می‌تواند رشد کند و سطح شما ارتقاء یابد.

شین‌شینگ چیست؟ آن شامل تقوا (که یک نوع ماده می‌باشد)، بردباری، آگاه شدن به چیزها، فداکاری، رها کردن تمام امیال و وابستگی‌های مردم عادی، توانایی تحمل سختی‌ها و مانند آن است. آن دربرگیرنده‌ی بسیاری از چیزهای مختلف است. هر جنبه از شین‌شینگ‌تان را باید ارتقاء دهید تا واقعاً رشد کنید. این یک عامل کلیدی در رشد توان گونگ است.

بعضی افراد ممکن است فکر کنند، "این شین‌شینگ که شما درباره‌ی آن صحبت می‌کنید، چیزی فلسفی است. موضوعی از سطح آگاهی فرد است و با گونگی که می‌خواهیم تزکیه کنیم فرق می‌کند". منظور شما از "فرق می‌کند" چیست؟! در طول تاریخ، در اجتماع متفکران همیشه بحث‌ها و گفتگوهای در بین بوده است که ذهن مقدم است یا ماده. بگذارید برای‌تان بگویم که درحقیقت، ماده و ذهن هر دو یک چیز هستند. در تحقیقات علمی روی بدن انسان، دانشمندان امروزی معتقدند فکری که مغز انسان تولید می‌کند ماده است. بنابراین آن‌ها به صورت مادی وجود دارند. اما آیا آن‌ها همچنین در ذهن انسان‌ها نیستند؟ آیا آن‌ها یک چیز و شبیه به هم نیستند؟ این درست مثل چیزی است که درباره‌ی جهان گفته‌ام، نه تنها موجودیت مادی خود را دارد، بلکه در عین حال، سرشت خود را دارد. سرشت جهان، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری چیزی نیست که مردم عادی بتوانند آن را حس کنند و این بدین دلیل است که مردم عادی همگی در یک سطح هستند. وقتی به فراسوی سطح مردم عادی بروید، می‌توانید این سرشت را تجربه کنید. چگونه آن را تجربه می‌کنید؟ تمام چیزها در جهان، شامل تمام موادی که کل جهان را پر می‌کنند، موجوداتی زنده و دارای فکر هستند، تمام آن‌ها شکل‌های هستی فای کیهان در سطوح مختلف هستند. آن‌ها نمی‌گذارند شما

صعود کنید. با این که می‌خواهید صعود کنید اما نمی‌توانید. دقیقاً نمی‌گذارند به بالا صعود کنید. چرا نمی‌گذارند؟ زیرا شین‌شینگ شما بهتر نشده است. هر سطحی استانداردهای مختلفی دارد و اگر بخواهید سطح خود را بالا ببرید، مجبورید به افکار بد خود خاتمه دهید و تمام چیزهای کثیف خود را بیرون بریزید و مجبورید در استاندارد آن سطح جذب شوید. آن تنها راهی است که بتوانید بالا بروید.

وقتی شین‌شینگ شما بهتر می‌شود، بدن شما واقعاً تغییر می‌کند. وقتی شین‌شینگ شما بهتر می‌شود، ماده‌ی در بدن شما قطعاً تغییر می‌کند. چه تغییراتی روی می‌دهد؟ شما آن چیزهای بدی را که سرسختانه به دنبال آن‌ها می‌روید بیرون می‌اندازید. بگذارید آن‌را توضیح دهم. یک بطری پر شده از مواد کثیف را بردارید، درب آن‌را ببندید و در آب بیندازید، بلافاصله به زیر آب فرو می‌رود. سپس کمی از آن چیزهای کثیف داخل آن‌را بیرون بریزید. هرچه بیشتر آن‌را خالی کنید، بیشتر به سمت سطح آب بالا می‌آید. اگر کاملاً خالی شود در سطح آب کاملاً شناور می‌شود. وقتی تزکیه می‌کنیم، کاری که انجام می‌دهیم، رها شدن از هر نوع چیز بدی است که در بدن می‌باشد و این تنها راه برای صعود به سطوح بالاتر است. این سرشت جهان دقیقاً چنین نقشی را ایفا می‌کند. اگر شین‌شینگ خود را تزکیه نکنید، اگر به اندازه‌ی کافی استاندارد اخلاقی خود را رشد ندهید و اگر از افکار بد و مواد بد رها نشوید، آن‌گاه آن نمی‌گذارد به سطوح بالاتر صعود کنید. پس آیا می‌توانید بگویید که آن‌ها یکی و مثل هم نیستند؟ بگذارید با یک شوخی برای تان توضیح دهم. فرض کنید شخصی تمام احساسات و تمناهایی را که مردم عادی دارند داشته باشد و ناگهان به او اجازه داده شود به بالا برود و یک بودا شود. درباره‌ی این بیندیشید، آیا آن می‌تواند عملی باشد؟ شاید وقتی یک بودی‌سات‌وی زیبا را ببیند فکر بدی از مغزش بگذرد و چون از حسادت رها نشده است احتمالاً شروع به تضاد با بوداها کند. آیا این چیزها می‌توانند آن‌جا مجاز باشند؟ نمی‌توانند. پس چه کاری برای آن باید انجام شود؟ درست در میان افراد عادی باید از هر ذره از آن افکار بدی که دارید رها شوید و آن تنها راهی است که بتوانید رشد کنید و به بالا بروید.

به عبارتی دیگر، شما مجبورید به تزکیه‌ی شین‌شینگ توجه کنید و بر طبق سرشت جهان، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری تزکیه کنید و از آن امیال مردم عادی، آن نقایص شین‌شینگ و آن افکار انجام کارهای بد رها شوید. با رشد هر ذره از حالت ذهن‌تان، بعضی از چیزهای بد در بدن‌تان از بین خواهد رفت. هم زمان، باید کمی سختی را تجربه کنید، از میان برخی زمان‌های سخت بگذرید و برخی از کارمای تان را از بین ببرید و پس از آن می‌توانید کمی سطح خود را بالا ببرید، یعنی، سرشت جهان شما را آن قدر محدود نخواهد کرد. تزکیه به تلاش خود شخص بستگی دارد، درحالی که گونگ به استاد شخص مربوط است. استاد، گونگی به شما می‌دهد که گونگ شما را افزایش می‌دهد، آن گونگ اثر می‌گذارد و خارج از بدن‌تان می‌تواند تقوای شما را که چیزی مادی است بردارد و آن‌را به گونگ تبدیل کند. همان‌طور که به‌طور پیوسته خود را رشد می‌دهید و در عمل تزکیه به بالا صعود می‌کنید، ستون گونگ شما نیز به‌طور پیوسته به‌سوی سطوح بالاتر نفوذ خواهد کرد. به‌عنوان یک تزکیه‌کننده، باید عمل تزکیه را انجام دهید و در محیط مردم عادی خود را تعدیل کنید و ذره ذره وابستگی‌ها و تمناهای گوناگون را کنار بگذارید. ما انسان‌ها معمولاً فکر می‌کنیم که آن چیزها خوب هستند، اما وقتی از سطوح بالاتر به آن‌ها نگاه می‌کنید، معمولاً بد هستند. بنابراین هرچه یک فرد علایق شخصی بیشتری را در میان مردم عادی برآورده سازد، بدین طریق بهتر زندگی می‌کند. طوری که موجودات روشن‌بین بزرگ آن‌را می‌بینند، این شخص در وضع بدتری است. چگونه در وضع بدتری است؟ او بیشتر به‌دست می‌آورد، بیشتر به افراد دیگر صدمه می‌رساند، چیزهایی را به‌دست می‌آورد که مستحق آن‌ها نیست و به سود و شهرتش بسیار اهمیت می‌دهد و نتیجه‌اش این است که تقوا از دست می‌دهد. شما می‌خواهید گونگ‌تان را افزایش دهید، اما تزکیه‌ی شین‌شینگ را جدی نمی‌گیرید، پس گونگ شما اصلاً رشد نخواهد کرد.

در اجتماع تزکیه‌کنندگان می‌گوییم که روح شخص از بین نمی‌رود. کمی پیش‌تر، اگر کسی درباره‌ی این که انسان‌ها روح دارند صحبت می‌کرد، احتمالاً مردم آن‌را خرافات می‌نامیدند. اما درحال حاضر از تحقیقات فیزیک بدن

انسان می‌دانیم که، مولکول‌ها، پروتون‌ها، الکترون‌ها در بدن انسان وجود دارند و پایین‌تر برویم، کوارک‌ها، نوترینوها و غیره وجود دارند و در آن نقطه، حتی یک میکروسکوپ نمی‌تواند چیزی را ببیند. اما آن هنوز از سرچشمه‌ی زندگی یا سرچشمه‌ی ماده بسیار فاصله دارد. می‌دانیم که شکافت هسته‌ای مستلزم مقدار بسیار زیادی انرژی برای روی دادن تصادم است و مقدار بسیار زیادی حرارت برای شکافت یا هم‌جوشی هسته‌ای لازم است. پس وقتی یک شخص می‌میرد، آیا واقعاً فکر می‌کنید هسته‌های اتم در بدن او به‌آسانی از بین می‌روند؟ از این رو ما پی‌برده‌ایم که وقتی شخصی می‌میرد فقط اجزای او که در این بُعد ما هستند، این لایه‌ی بزرگ‌ترین مولکول‌ها، فقط آن‌ها هستند که فرو می‌ریزند، درحالی که بدن‌های او در بُعدهای دیگر نابود نمی‌شوند. بیایید لحظه‌ای بیندیشیم. بدن انسان زیر یک میکروسکوپ به چه شکلی است؟ تمام بدن انسان درحال حرکت است، حتی وقتی آن‌جا بی‌حرکت نشسته باشید، تمام بدن درحال حرکت است، سلول‌های مولکولی شما درحال حرکت هستند و تمام بدن سیال است مثل این‌که از شن ساخته شده است. بدن یک انسان زیر یک میکروسکوپ درست به این شکل دیده می‌شود و این کاملاً با بدنی که چشم‌های ما می‌بینند تفاوت دارد. این بدین دلیل است که این یک جفت چشم انسان می‌تواند تصور باطلی برای شما به‌وجود بیاورند و شما را از دیدن آن چیزها باز می‌دارند. اما وقتی چشم سوم شما باز باشد، می‌توانید چیزها را با بینایی بزرگ شده نگاه کنید و این درحقیقت توانایی مادرزادی انسان‌ها است، فقط درحال حاضر است که یک توانایی فوق‌طبیعی نامیده می‌شود. اگر بخواهید توانایی‌های فوق‌طبیعی‌تان ظاهر شوند، بایستی به خود واقعی اولیه‌تان برگردید، باید از طریق تزکیه بازگردید.

بگذارید کمی درباره‌ی تقوا صحبت کنیم. دقیقاً چگونه آن‌ها به هم ربط دارند؟ ما جزئیات آن‌را تشریح خواهیم کرد. ما انسان‌ها در هر یک از بُعدهای بسیار بسیار زیاد یک بدن داریم. بزرگ‌ترین جزء بدن انسان، همان‌طور که امروزه مردم آن‌را می‌بینند، سلول است. حداقل برای گوشت و خون ما این‌طور است. اما وقتی بین سلول‌ها و مولکول‌ها یا بین مولکول‌ها و مولکول‌ها داخل شوید، آن‌چه را که شبیه وارد شدن در بُعدهای دیگر است تجربه خواهید کرد. پس آن بدن چه شکلی می‌گیرد؟ البته نمی‌توانید با مفاهیم این بُعد این‌جا آن‌را درک کنید: بدن شما باید در شکل‌های بودنی که در آن بُعدها لازم است، جذب شود و در بُعدهای دیگر، بدن شما می‌تواند بزرگ و کوچک شود. در آن زمان پی می‌برید که آن بُعد آن قدر وسیع است که ورا می‌مقایسه می‌باشد. این‌جا فقط درحال گفتگو درباره‌ی شکل ساده‌ای که بُعدهای دیگر به آن شکل وجود دارند هستیم و آن‌ها بُعدهایی هستند که هم‌زمان در یک مکان وجود دارند. یک انسان در بسیاری از بُعدهای دیگر یک بدن بخصوصی دارد و در یک بُعد بخصوص یک نوع میدان دور بدن انسان وجود دارد. چه میدانی؟ آن میدان، تقوا است که ما درباره‌ی آن صحبت کرده‌ایم. تقوا نوعی ماده‌ی سفیدرنگ است و درواقع چیزی معنوی یا چیزی فقط عقیدتی، مثل آن‌چه برخی از افراد فکر می‌کردند نیست. آن قطعاً مادی است و این دلیل آن است که چرا در گذشته، مسن‌ترها می‌گفتند "تقوا جمع کن" و "تقوا از دست نده!" آن‌ها کاملاً منطقی می‌گفتند. آن تقوا تمام دور بدن فرد قرار داشته و میدانی را شکل می‌دهد. در مدرسه‌ی دائی می‌گفتند که استاد، مرید را جستجو می‌کند نه این‌که مرید استاد را جستجو کند. منظور از این چیست؟ آن‌ها فقط به مقدار تقوای مرید نظری می‌انداختند که ببینند آیا آن زیاد است. اگر زیاد بود تزکیه کردن برای او آسان می‌بود. اگر زیاد نبود برای او سخت می‌بود که تزکیه کند و واقعاً سختی‌های بسیاری برای رشد گوناگون به‌سوی سطوح بالا می‌داشت.

هم‌زمان یک نوع ماده‌ی سیاه وجود دارد. این‌جا ما آن‌را "کارما" می‌نامیم درحالی‌که در بودیسم "کارمای بد" می‌نامند. این دو نوع ماده‌ی سفید و سیاه هم‌زمان با هم وجود دارند. چگونه این دو ماده به هم ربط دارند؟ ماده‌ای که تقوا نامیده می‌شود چیزی است که از طریق تحمل سختی‌ها، گذر از اوقات سخت یا به‌وسیله‌ی انجام کارهای خوب برای مردم، به‌دست می‌آوریم. درحالی‌که ماده‌ی سیاه را مردم به‌وسیله‌ی انجام کارهای بد و انجام کارهایی که خوب نیست یا آزار رساندن به دیگران به‌دست می‌آورند. این روزها بعضی اشخاص نه تنها توسط حرص و آز کنترل می‌شوند بلکه حتی از هیچ شیطنتی فروگذار نمی‌کنند و برای پول هر کاری انجام می‌دهند. آن‌ها افراد بی‌گناه را به قتل

می‌رسانند، مردم را اجبر می‌کنند تا آدم بکشند، هم‌جنس‌بازی کرده و مواد مخدر مصرف می‌کنند- هر نوع کاری را انجام می‌دهند. وقتی مردم کارهای بد انجام می‌دهند تقوا از دست می‌دهند. چگونه آن‌را از دست می‌دهند؟ وقتی کسی به دیگری توهین می‌کند، فکر می‌کند که چیره شده و دق دل را خالی کرده است. اما اصلی در این جهان وجود دارد، "اگر شخص از دست ندهد، هیچ چیزی به دست نمی‌آورد". برای به دست آوردن، مجبورید از دست بدهید. اگر از دست ندهید، مجبور خواهید شد که از دست بدهید. چه کسی این را اجرا می‌کند؟ دقیقاً سرشت جهان است که این کار را انجام می‌دهد. از این جهت، این غیرممکن است که فقط در آرزوی به دست آوردن چیزهایی باشید. پس این چگونه کار می‌کند؟ وقتی شخصی به دیگری توهین می‌کند یا وقتی از دیگری سوء استفاده می‌کند، تقوای خود را به دیگری پرتاب می‌کند. از آن‌جا که شخص دیگر، طرفی است که احساس خوبی ندارد و زجر کشیده و چیزی را از دست داده است، بدین طریق برای او تمام این‌ها جبران می‌شود. درحالی که آن شخص، این‌جا به او توهین می‌کند، درست وقتی آن کلمات خارج می‌شوند، تکه‌ای از تقوا از میدان بُعدی آن شخص پرواز کرده و درست روی او فرود می‌آید. هرچه بدتر به او توهین کند، تقوای بیشتری به او می‌دهد. زدن و سوء استفاده از دیگران نیز به همین شکل است. وقتی یک شخص به دیگری مشیت و لگد می‌زند، هر اندازه که ضربه سخت باشد، به همان اندازه تقوا روی آن شخص دیگر فرود می‌آید. یک فرد عادی نمی‌تواند این اصل را در این سطح ببیند. درحالی که احساس می‌کند تحقیر شده، نمی‌تواند آن‌را تحمل کند و فکر می‌کند، "تو مرا کتک زدی، من هم باید در عوض، تو را بزنم". "بنگ"، با مشیت جواب او را می‌دهد و آن تقوا را به او بر می‌گرداند. بنابراین هیچ‌یک، نه چیزی را به دست آورده و نه از دست داده‌اند. ممکن است او فکر کند، "تو مرا یک‌بار زده‌ای، پس باید تو را دو بار بزنم تا عصبانیت را خالی کنم". او دوباره او را کتک زده و تکه‌ای دیگر از تقوای او به سوی دیگری پرواز خواهد کرد.

چرا به تقوا اهمیت زیادی می‌دهیم؟ چه نوع رابطه‌ای در تبدیل تقوا وجود دارد؟ در برخی از مذاهب عقیده دارند که با تقوا، شخص چیزی را که در این زندگی ندارد در زندگی بعدی کسب می‌کند. چه چیزی را کسب خواهد کرد؟ با تقوای بسیار، احتمالاً شخص صاحب یک مقام بالا شده یا ثروت زیادی به دست می‌آورد. شخص هرچه را که بخواهد می‌تواند به دست بیاورد، تمام این‌ها در مقابل چنین تقوایی مبادله می‌شوند. عقیده‌ی دیگر در برخی از مذاهب این است که اگر شخصی هیچ تقوایی نداشته باشد، هر دوی جسم و روح او از بین خواهند رفت. روح اصلی او از بین خواهد رفت و بعد از مرگ، شخص کاملاً می‌میرد و چیزی باقی نمی‌ماند. اما در اجتماع تزکیه‌کنندگان، ما معتقدیم که تقوا می‌تواند مستقیماً به گونگ تبدیل شود.

بگذارید درباره‌ی این که چگونه تقوا به گونگ تبدیل می‌شود صحبت کنیم. در اجتماع تزکیه‌کنندگان گفته‌ای است که، "عمل تزکیه به خود فرد مربوط است، درحالی که گونگ به استاد شخص مربوط است". اما برخی از افراد، "برپا کردن کوره یا تنور جسمانی و جمع کردن مواد شیمیایی برای ساختن دن" را تمرین کرده و از فعالیت فکری استفاده می‌کنند، و این چیزها را بسیار مهم در نظر می‌گیرند. اما می‌خواهم به شما بگویم که آن‌ها اصلاً مهم نیستند، اگر بیش از اندازه به آن‌ها فکر کنید، یک وابستگی خواهد بود. آیا اگر بیش از حد درباره‌ی آن‌ها فکر کنید به آن‌ها وابسته نشده‌اید و در طلب آن‌ها نیستید؟ عمل تزکیه بستگی به تلاش خود فرد دارد، درحالی که گونگ به استاد شخص مربوط است- اگر آن آرزو را داشته باشید کافی است. این استاد است که درواقع این کار را انجام می‌دهد، درحالی که شما به هیچ طریقی نمی‌توانید از پس این کار برآیید. شما فقط یک بدن انسان عادی دارید، فکر می‌کنید بتوانید یک بدن موجود بالاتر را که از ماده‌ی با انرژی بالا ساخته شده شکل دهید؟ کاملاً غیرممکن است. حتی گفتن آن یک شوخی است. روند تبدیل بدن انسانی در بُعدهای دیگر بسیار پیچیده و اسرارآمیز است و هیچ راهی وجود ندارد که بتوانید آن کارها را انجام دهید.

پس استاد چه چیزی به شما می‌دهد؟ او به شما گونگی می‌دهد که گونگ شما را رشد می‌دهد. تقوا در خارج از بدن انسان وجود دارد و گونگ واقعی او از این تقوا ساخته می‌شود. بلندی سطح شخص و توان گونگ او، هر دو از تقوا

به دست می‌آید. استاد تقوای شما را به گونگ تبدیل می‌کند که به صورت ماریپیج به طرف بالا رشد می‌کند. گونگ که به طور واقعی سطح یک شخص را مشخص می‌کند در خارج از بدن او به شکل ماریپیج رشد کرده و بعد از آن که به بالای سر می‌رسد یک ستون گونگ را تشکیل می‌دهد. فقط با یک نظر به بلندی ستون گونگ یک شخص، می‌توان سطح گونگ او را تشخیص داد. این سطح و ثمره‌ی تزکیه‌ی شخص است که در بودیسم به آن اشاره شده است. وقتی برخی از افراد در حال مدیتیشن هستند، روح اصلی آن‌ها می‌تواند بدن را ترک کرده و به سطح بخصوصی برسد، اما آن‌ها نمی‌توانند بالاتر بروند و جرأت بالا رفتن را ندارند. آن‌ها با نشستن بر روی ستون گونگ خود به آن‌جا رسیدند و فقط می‌توانند تا آن سطح بروند. به خاطر این که ستون گونگ آن‌ها به همان اندازه ارتفاع دارد، نمی‌توانند بالاتر بروند. منظور بودیسم از ثمره‌ی تزکیه این است.

همچنین معیاری برای اندازه‌گیری سطح شین‌شینگ وجود دارد. این معیار و ستون گونگ در یک بُعد نیستند، ولی هم‌زمان وجود دارند. تزکیه‌ی شین‌شینگ شما در حال حاضر رشد کرده است، اگر، به طور مثال در میان مردم عادی، وقتی کسی به شما توهین می‌کند، یک کلمه هم جواب او را ندهید و دروناً کاملاً آرام باشید، یا وقتی کسی با مشت به شما می‌زند دوباره چیزی نگویید و با لبخند از آن بگذرید. آن نشان می‌دهد که سطح شین‌شینگ شما در حال حاضر بسیار بالا است. بنابراین به عنوان یک تمرین‌کننده، چه چیزی را باید کسب کنید؟ آیا گونگ را به دست نخواهید آورد؟ وقتی شین‌شینگ شما بهتر شود، گونگ شما رشد خواهد کرد. سطح گونگ فرد به بلندی سطح شین‌شینگ او است. این یک حقیقت است و این مطلق می‌باشد. در گذشته برخی از افراد بودند که تمرین‌های خود را با سعی و از خودگذشتگی انجام می‌دادند و مهم نبود که در پارک یا خانه باشند، واقعاً به آن باور داشتند و آن‌را کاملاً خوب انجام می‌دادند. اما به محض این که خارج می‌شدند به شکل دیگری عمل می‌کردند و راه خودشان را می‌رفتند، برای به دست آوردن نفع شخصی و شهرت در میان مردم عادی با دیگران جنگ و رقابت به راه می‌انداختند. آیا فکر می‌کنید گونگ آن‌ها می‌توانست رشد کند؟ حتی یک اینچ هم نمی‌توانست، و به همان دلیل نیز بیماری‌های‌شان نمی‌توانست شفا یابد. چرا این‌طور است که برخی از افراد تمرین‌های چی‌گونگ را برای مدتی طولانی انجام می‌دهند اما سلامتی‌شان بر نمی‌گردد؟ زیرا چی‌گونگ عمل تزکیه و چیزی فوق‌طبیعی است، مثل ورزش‌های فیزیکی مردم عادی نیست. به منظور بازیافتن سلامتی و افزایش گونگ، باید به شین‌شینگ خود تمرکز کنید.

بعضی افراد معتقدند که در گفته‌ی "برپا کردن کوره یا تنور جسمانی و جمع کردن مواد شیمیایی برای ساختن دِن"، منظور از دِن، گونگ است. اما این‌طور نیست. آن دِن فقط بعضی از انواع انرژی را ذخیره می‌کند، اما شامل تمام انواع انرژی نیست. دِن چه نوع ماده‌ای است؟ همان‌طور که همگی می‌دانیم ما چیزهای بسیار دیگری را نیز برای تزکیه‌ی زندگی داریم و این که بدن‌های ما نیروهای فوق‌طبیعی و خیلی قابلیت‌های دیگر را رشد خواهند داد. اکثریت آن‌ها قفل هستند و اجازه‌ی استفاده از آن‌ها داده نمی‌شود. تعداد بسیار زیادی از توانایی‌های فوق‌طبیعی وجود دارند، بیشتر از ده‌ها هزار، و به محض این که یکی از آن‌ها رشد کند، قفل می‌شود. چرا به آن‌ها اجازه‌ی ظاهر شدن را نمی‌دهند؟ منظور این است که به شما اجازه داده نشود که به میل خود در جامعه‌ی مردم عادی آن‌ها را به کار ببرید. شما مجاز نیستید به میل خود اجتماع مردم عادی را به هم بزنید و نه حتی اجازه دارید همین‌طوری توانایی‌های‌تان را در اجتماع به نمایش بگذارید. زیرا آن می‌تواند وضعیت اجتماع مردم عادی را مختل کند. بسیاری از افراد مجبورند از طریق آگاه شدن، عمل تزکیه را انجام دهند. اگر تمام توانایی‌های‌تان را به آن‌ها نشان دهید، آن‌ها خواهند دید که همه‌ی توانایی‌ها واقعی هستند و همگی تزکیه را شروع خواهند کرد. افرادی که کارهای بد غیرقابل بخششی را انجام داده‌اند نیز برای تزکیه می‌آیند و این مجاز نیست. شما اجازه ندارید به این‌صورت به نمایش بگذارید. احتمالاً کارهای بدی انجام خواهید داد چرا که نمی‌توانید روابط تقدیری و حقیقت چیزها را ببینید. شاید فکر کنید که کاری درست را انجام می‌دهید، اما آن می‌تواند کاری نادرست باشد. به همین جهت، اجازه‌ی به کار بردن آن‌ها را ندارید. زیرا به محض این که کار بدی را انجام می‌دادید، سطح شما تنزل می‌کرد و تزکیه‌ی شما به عبث کشیده می‌شد. در نتیجه، بسیاری از

توانایی‌های فوق‌طبیعی قفل می‌شوند. چه اتفاقی خواهد افتاد؟ با گذشت زمان، شخص به مرحله‌ی باز شدن گونگ و روشن‌بینی خواهد رسید، این دَن مثل یک بمب عمل کرده، منفجر شده و تمام توانایی‌های فوق‌طبیعی، تمام قفل‌ها در بدن، و صدها مسیر انرژی را باز می‌کند. "بَنگ!" همه چیز با یک تکان باز خواهد شد. این چیزی است که دَن برای آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. بعد از مرگ یک راهب، او را می‌سوزانند و از او ساریر/ باقی می‌ماند. بعضی افراد اظهار می‌کنند که آن‌ها استخوان‌ها یا دندان‌ها هستند. چرا مردم عادی آن‌ها را ندارند؟ آن فقط دَن منفجر شده است و انرژی آن آزاد شده است. آن حاوی مواد بسیاری از بُعدهای دیگر است. بعد از همه، آن نیز چیزی مادی است، اما استفاده‌ی کمی دارد. این روزها مردم فکر می‌کنند آن واقعاً بارزش است. آن انرژی داشته و شفاف و بسیار سخت است. آن فقط چنین چیزی است.

دلیل دیگری نیز وجود دارد که چرا گونگ مردم رشد نمی‌کند. یعنی، بدون آگاهی در مورد فا در سطوح بالا، نمی‌توانید به‌سوی بالا عمل تزکیه را انجام دهید. منظورم چیست؟ همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، برخی از افراد چندین نوع چی‌گونگ را تمرین کرده‌اند، بگذارید برای‌تان بگویم، مهم نیست که چه تعداد از آن‌ها را یاد می‌گیرید، باز هم بی‌نتیجه است. شما فقط یک شاگرد کلاس ابتدایی باقی خواهید ماند، فقط یک شاگرد کلاس ابتدایی در عمل تزکیه، زیرا آن‌ها همگی اصولی در سطح پایین هستند. چنان اصولی در سطحی پایین نمی‌توانند نقشی در راهنمایی تزکیه‌ی شما به‌سوی سطوح بالا ایفا کنند. اگر کتاب‌های درسی کلاس ابتدایی را در دانشگاه مطالعه کنید، شاگرد کلاس ابتدایی باقی خواهید ماند. هر چه قدر هم مطالعه کنید، باز هم بی‌فایده است. در عوض، بدتر خواهید شد. سطوح مختلف، فای مختلفی دارند که مرتبط با آن سطوح هستند و در سطوح مختلف، فا به شکل‌های مختلفی راهنمایی می‌کند. بنابراین، اصول سطح پایین نمی‌توانند راهنمای تزکیه‌ی شما به‌سوی سطوح بالا باشند. آن‌چه که ما بعداً خواهیم گفت همگی اصولی برای تزکیه در سطوح بالا هستند. در آموزش موضوعاتی را از سطوح مختلف ترکیب می‌کنم. بنابراین آن‌ها همیشه قادر هستند تزکیه‌ی شما را از همین جا به بعد راهنمایی کنند. چندین کتاب، نوار کاست و ویدئوکاست دارم. پی می‌برید که بعد از یک‌بار خواندن آن‌ها، تماشا کردن آن‌ها یا گوش کردن به آن‌ها، شما را راهنمایی می‌کنند و پی می‌برید که پس از مدتی وقتی مجدداً آن‌ها را بخوانید، آن‌ها را تماشا کنید یا به آن‌ها گوش کنید، مطمئناً هنوز هم تأثیر راهنمایی شما را خواهند داشت. شما بدون وقفه خود را رشد داده و آن‌ها بدون وقفه شما را راهنمایی می‌کنند. فا دقیقاً این‌گونه است. دو علت ذکر شده در بالا دلایلی هستند که چرا انجام تمرین‌های تزکیه، گونگ شما را افزایش نمی‌دهد: بدون آگاهی به فا در سطوح بالا، نمی‌توانید تزکیه را انجام دهید و اگر درون را تزکیه نکنید، اگر شین‌شینگ خود را تزکیه نکنید گونگ شما افزایش نمی‌یابد. این‌ها آن دو دلیل هستند.

ویژگی‌های خاص فالون دافا

فالون دافای ما یکی از هشتاد و چهار هزار روش تزکیه در مدرسه‌ی بودا است. آن هرگز در این دوره‌ی تاریخ تمدن انسانی علنی نشده است، اما یک‌بار در یک دوره‌ی ماقبل تاریخ در مقیاس وسیعی انسان‌ها را نجات داد. امروز در این دوره‌ی نهایی/آخرین ویرانی، دوباره آن‌ها به‌طور گسترده‌ای عمومی می‌کنم، به‌همین جهت بی‌نهایت بالارزش است. در مورد این که تقوا چگونه مستقیماً به گونگ تبدیل می‌شود صحبت کردم. گونگ درحقیقت از تمرین به‌دست نمی‌آید- آن از تزکیه کسب می‌شود. بسیاری از مردم سعی می‌کنند گونگ خود را رشد دهند، اما فقط فکر می‌کنند تمرین‌ها مهم هستند و تزکیه را جدی نمی‌گیرند. اما حقیقت این است که گونگ کاملاً از تزکیه‌ی شین‌شینگ به‌دست می‌آید. پس چرا تمرین‌ها را این‌جا آموزش می‌دهیم؟ بگذارید اول از همه توضیح دهم که چرا راهبان هیچ حرکتی را تمرین نمی‌کنند. آن‌ها عمدتاً در خلسه می‌نشینند، متون مقدس را می‌خوانند، شین‌شینگ را تزکیه می‌کنند و سپس گونگ آن‌ها رشد می‌کند- آن‌ها گونگی را که سطح آن‌ها را مشخص می‌کند افزایش می‌دهند. شاکيامونی به مردم آموخت که همه‌ی متعلقات دنیا، از جمله بدن مادرزادی را رها کنند، به همین جهت نیازی ندارند که هیچ حرکتی را

تمرین کنند. مدرسه‌ی دائو درباره‌ی نجات همه‌ی موجودات ذی‌شعور صحبت نمی‌کند. افرادی که آن‌ها آموزش می‌دهند انواع و اقسام ذهنیت‌ها یا هر نوع سطحی را ندارند، و با هر کسی سر و کار ندارند، با برخی از افرادی که واقعاً خودخواه باشند و برخی دیگر کمتر این‌چنین باشند سر و کار ندارند. آن‌ها مریدان خود را انتخاب می‌کنند. ممکن است سه مرید پیدا کنند، اما فقط یکی از آن‌ها آموزش واقعی را دریافت می‌کند. باید مطمئن شد که این مرید تقوای بسیار زیادی دارد، خیلی خوب است و در مشکلات نمی‌افتد. به همین جهت، آن‌ها بر آموزش تکنیک‌های دستی برای تزکیه‌ی زندگی و پرورش چیزهایی مثل توانایی‌های فوق‌طبیعی و مهارت‌ها و غیره تأکید می‌کنند و این بدین معنی است که مجبورند بعضی تمرین‌های فیزیکی را انجام دهند.

فالون دافا روشی برای تزکیه‌ی بدن و ذهن است، بنابراین آن باید تمرین‌هایی را برای انجام دادن داشته باشد. از یک جهت، حرکات تمرین برای تقویت کردن توانایی‌های فوق‌طبیعی هستند. "تقویت کردن" چیست؟ آن استفاده از توان نیرومند گونگ برای تقویت توانایی‌های فوق‌طبیعی شما است و آن‌ها را به تدریج قوی‌تر و قوی‌تر می‌کند. از جهتی دیگر، بدن شما نیاز دارد که بسیاری از موجودات زنده را رشد دهد. در عمل تزکیه در سطحی بالا، مدرسه‌ی دائو درباره‌ی "تولد کودک جاودان" صحبت می‌کند، همان‌طور که مدرسه‌ی بودا درباره‌ی "بدن سخت تباهی ناپذیر" صحبت می‌کند. از این گذشته، بسیاری از توانایی‌های فوق‌طبیعی باید رشد داده شوند. این موجودات احتیاج دارند که از طریق تمرین‌های فیزیکی رشد داده شوند و آن‌ها چیزهایی هستند که تمرین‌های ما پرورش می‌دهند. یک تمرین تزکیه‌ی کامل بدن و ذهن به هر دوی تزکیه و تمرین نیاز دارد. فکر می‌کنم اکنون همگی شما فهمیده‌اید که چگونه گونگ موجودیت پیدا می‌کند. گونگی که به‌طور واقعی سطح شما را مشخص می‌کند از طریق تمرین به‌دست نمی‌آید، بلکه از طریق تزکیه حاصل می‌شود. با ارتقاء شین‌شینگ شما و جذب شدن در سرشت جهان در عمل تزکیه در بین مردم عادی، سرشت جهان، دیگر شما را محدود نخواهد کرد، و به شما اجازه داده خواهد شد به بالا صعود کنید. این زمانی است که تقوای شما شروع به تبدیل شدن به گونگ می‌کند و همان‌طور که شین‌شینگ شما رشد می‌کند، گونگ شما با آن افزایش می‌یابد. آن این‌گونه عمل می‌کند.

روش تزکیه‌ی ما یک تزکیه‌ی واقعی برای بدن و ذهن است. گونگی که ما رشد می‌دهیم در هر یک از سلول‌های بدن ذخیره می‌شود و آن تماماً تا ذرات بسیار کوچک ماده‌ی نخستین که در سطحی فوق‌العاده میکروسکوپی هستی دارد می‌رود و همگی، آن گونگ ماده‌ی با انرژی بالا را ذخیره می‌کنند. همان‌طور که توان گونگ شما بیشتر و بیشتر می‌شود، تراکم و قدرت گونگ نیز افزایش می‌یابد. چنان ماده‌ی با انرژی بالایی صاحب شعور است. از آن‌جا که آن در هر سلول بدن انسان و در تمام مسیر تا سرچشمه‌ی حیات ذخیره می‌شود، به تدریج هم‌شکل سلول‌های بدن شما شده، همان نظم و ترتیبات مولکولی و شکل هسته‌های اتمی را به خود می‌گیرد. اما جوهر آن عوض شده است، و این بدن درحال حاضر دیگر بدنی متشکل از سلول‌های فیزیکی اولیه نیست. پس آیا شما در ورای پنج عنصر نخواهید بود؟ البته، تزکیه‌ی شما هنوز تمام نشده و هنوز احتیاج دارید بین مردم عادی عمل تزکیه را انجام دهید. به همین جهت در ظاهر شبیه یک فرد عادی هستید. تنها فرقی که دارید این است که در مقایسه با افراد هم‌سن خود جوان‌تر به نظر می‌آیید. مطمئناً اول از همه باید چیزهای بد در بدن شما، شامل بیماری‌ها برداشته شوند، اما ما این‌جا بیماری‌ها را معالجه نمی‌کنیم. ما بدن شما را پاک می‌کنیم، واژه‌ی "شفای بیماری" را استفاده نمی‌کنیم، بلکه آن‌را فقط "پالایش بدن" می‌نامیم و بدن تمرین‌کنندگان واقعی را پاک می‌کنیم. بعضی افراد این‌جا می‌آیند فقط به‌خاطر این که بیماری‌شان معالجه شود. اما به افرادی با بیماری‌های جدی اجازه‌ی شرکت در این دوره‌ها داده نمی‌شود، زیرا آن‌ها نمی‌توانند وابستگی معالجه‌ی بیماری‌هایشان، یا فکر داشتن بیماری را رها کنند. اگر کسی بیماری جدی داشته باشد و احساس کند که بسیار ناراحت است، آیا می‌تواند آن‌را رها کند؟ این شخص نمی‌تواند عمل تزکیه را انجام دهد. بارها تأکید کرده‌ایم که نمی‌توانیم اجازه دهیم آن‌هایی که بیماری‌های جدی دارند به این‌جا بیایند. ما این‌جا برای تزکیه هستیم که بسیار فراتر از آن چیزی است که آن‌ها درباره‌اش فکر می‌کنند. آن‌ها می‌توانند استادان

چی‌گونگی دیگری را برای انجام آن کارها پیدا کنند. البته، تعدادی از تمرین‌کنندگان بیماری‌هایی دارند. اما شما می‌خواهید تزکیه کنید، بنابراین می‌توانیم تمام این کارها را برای شما انجام دهیم.

شاگردان فالون دافای ما بعد از مدتی عمل تزکیه، تغییر زیادی در صورت ظاهری‌شان خواهند یافت، پوست آن‌ها نرم و سرخ و سفید شده و با سلامتی خواهد درخشید. برای مسن‌ترها، چروک صورت کمتر شده و حتی بسیار کمتر خواهد شد، که آن پدیده‌ای عادی است. من غلو نمی‌کنم، چنان‌که خیلی از شاگردان قدیمی که این‌جا حضور دارند با این وضعیت آشنا هستند. به علاوه، خانم‌های مسن‌تر عادت ماهانه‌شان را باز خواهند یافت، زیرا یک تمرین تزکیه‌ی بدن و ذهن لازمه‌اش داشتن عادت ماهانه برای تزکیه‌ی بدن است. عادت ماهانه‌ی فرد برمی‌گردد، ولی جریان آن زیاد نخواهد بود. درحال حاضر کمی از آن کافی است. این نیز پدیده‌ای عادی است. وگرنه چگونه می‌توانید بدن‌تان را بدون آن، تزکیه کنید؟ برای آقایان هم همین‌طور است: جوان‌ها و مسن‌ها احساس خواهند کرد که تمام بدن‌شان سبک است. بنابراین می‌توانم به تزکیه‌کنندگان واقعی بگویم: این تغییرات را احساس خواهید کرد.

آن‌چه در تمرین‌مان تزکیه می‌کنیم عظیم است، شبیه تمامی آن روش‌هایی که در تمرین، حرکات حیوانات را تقلید می‌کنند نیست. آن‌چه ما در این روش تزکیه می‌کنیم بسیار وسیع است. تمام اصولی که شاکيامونی و لائو‌دزی در زمان خود آموزش دادند، همگی به اصولی در کیهکشان راه شیری ما محدود می‌شد. ما در فالون دافا چه چیزی را تزکیه می‌کنیم؟ ما با پیروی از قوانین حاکم بر تکامل این کیهان تزکیه می‌کنیم، ما والاترین سرشت کیهان، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری را به‌عنوان استاندارد برای راهنمایی تزکیه‌مان برمی‌گزینیم. آن‌چه که ما تزکیه می‌کنیم چیزی بسیار عظیم است، معادل تزکیه کردن یک کیهان است.

فالون دافای ما یک مشخصه‌ی بسیار بی‌نظیر و برجسته‌ی دیگری دارد که با هر روش دیگری متفاوت است. درحال حاضر تمام روش‌های چی‌گونگی متداول در جامعه راه تزکیه‌ی دن یا تمرین دن را دنبال می‌کنند. در روش‌های چی‌گونگی که دن را تزکیه می‌کنند، باز کردن گونگ و نائل شدن به روشن‌بینی در میان مردم عادی برای شخص بسیار مشکل است. فالون دافای ما دن را تزکیه نمی‌کند. روش ما یک فالون را در زیر شکم تزکیه می‌کند. در طول کلاس‌هایم شخصاً فالون را برای شاگردان کار می‌گذارم. درحالی که فالون دافا را آموزش می‌دهم، ما فالون را در بدن همه پی‌درپی نصب می‌کنیم. بعضی از افراد می‌توانند آن را احساس کنند درحالی که دیگران نمی‌توانند؛ اکثریت مردم می‌توانند آن را احساس کنند. این بدین خاطر است که مردم شرایط فیزیکی گوناگونی دارند. ما فالون را به جای دن تزکیه می‌کنیم. فالون مینیاتوری از جهان است که تمام قابلیت‌های جهان را دارا است و به‌طور خودکار می‌تواند عمل کند و بچرخد. آن تا ابد در قسمت زیرین شکم شما دوران خواهد داشت. همین که فالون در بدن شما جای گرفت، سالیان سال بدون توقف تا ابد به این شکل خواهد چرخید. وقتی به‌طرف موافق عقربه‌های ساعت می‌چرخد، می‌تواند به‌طور خودکار انرژی کیهان را جذب کند. علاوه براین، می‌تواند توسط خودش انرژی را تبدیل کند و برای تبدیل هر قسمت از بدن شما، انرژی لازم را در اختیار قرار می‌دهد. همچنین وقتی برعکس عقربه‌های ساعت می‌چرخد انرژی را به خارج می‌فرستد و عناصر نامطلوب را به خارج از شما می‌راند که پس از آن، در اطراف بدن‌تان پراکنده می‌شوند. وقتی انرژی را به خارج می‌فرستد، انرژی می‌تواند تا مسافت بسیار طولانی آزاد شود و سپس دوباره انرژی جدید را به داخل می‌آورد. انرژی خارج شده می‌تواند برای تمام مردم اطراف شما مفید باشد. مدرسه‌ی بودا به نجات خود و نجات دیگران، نجات همه‌ی موجودات ذی‌شعور عقیده دارد، بنابراین نباید فقط خود را تزکیه کنید، بلکه باید دیگران را نیز نجات دهید. دیگران همراه با شما نفع می‌برند و شما می‌توانید بدون قصد، بدن افراد دیگر را اصلاح کنید، بیماری‌های‌شان را شفا دهید و غیره. البته انرژی از دست نخواهید داد. وقتی فالون به طرف عقربه‌های ساعت می‌چرخد، می‌تواند انرژی را در داخل آن ذخیره کند زیرا فالون به‌طور پیوسته چرخیده و متوقف نمی‌شود.

بعضی افراد شاید تعجب کنند، "چرا این فالون به‌طور پیوسته می‌چرخد؟ همچنین کسانی هستند که از من سؤال می‌کنند، "چرا آن می‌تواند بچرخد؟ دلیل آن چیست؟" برای مردم راحت است که بفهمند وقتی انرژی بسیاری

ذخیره می‌شود زن می‌تواند شکل بگیرد، اما برای‌شان مشکل است که دریابند فالون چگونه می‌تواند بچرخد. بگذارید مثالی بزنم. جهان در حرکت است و تمام راه‌های شیری در جهان و نیز تمام کهکشان‌ها در حرکت هستند، نه سیاره دور خورشید می‌چرخند و زمین هم به دور خودش می‌چرخد. همگی درباره‌ی این بیندیشید: آیا کسی مجبور بوده آن‌ها را هل دهد؟ آیا فکر می‌کنید کسی درحال نیرو دادن به آن‌ها است؟ شما نمی‌توانید این‌گونه چیزها را با مفاهیمی که مردم عادی دارند بفهمید. آن‌ها فقط یک نوع مکانیزم چرخیدن دارند. به همین شکل در مورد فالون ما هم صدق می‌کند، آن فقط می‌چرخد. با طولانی کردن زمان تمرین، مشکل عمل تزکیه را در میان شرایط عادی زندگی برای مردم عادی حل کرده است. چگونه این کار را می‌کند؟ از آن‌جا که به‌طور پیوسته می‌چرخد، انرژی را دائماً از جهان جذب و تبدیل می‌کند. وقتی سر کار می‌روید، آن شما را تزکیه می‌کند. البته، علاوه بر فالون، بسیاری از سیستم‌ها و مکانیزم‌های انرژی را نیز در بدن شما جای خواهیم داد که می‌توانند همراه با فالون بچرخند و به‌طور خودکار شما را تبدیل کنند. به همین جهت، این گونگ به‌طور خودکار مردم را تبدیل می‌کند و این، "گونگ، تمرین‌کنندگان را تزکیه می‌کند" را موجب می‌شود، که "فا، تمرین‌کنندگان را تزکیه می‌کند" نیز نامیده می‌شود. زمانی که تمرین نمی‌کنید، گونگ، شما را تزکیه می‌کند، وقتی که تمرین می‌کنید، گونگ، هنوز شما را تزکیه می‌کند. در موقع غذا خوردن، خوابیدن، یا کار کردن، همیشه به‌وسیله‌ی گونگ درحال تبدیل هستید. پس برای چه تمرین می‌کنید؟ شما تمرین می‌کنید که فالون را قوی کنید و تمام این مکانیزم‌ها و سیستم‌های انرژی را که تدارک دیده‌ام تقویت کنید. وقتی که شخص در سطوح بالا عمل تزکیه را انجام می‌دهد، آن باید کاملاً در حالت بدون قصد یا بی‌عملی باشد به‌طوری که تمرین‌های حرکتی باید مکانیزم را دنبال کنند و هیچ هدایت فکری، هیچ روش تنفسی یا چیزهایی از این قبیل وجود ندارند.

ما بدون این‌که توجهی به زمان و مکان داشته باشیم تمرین می‌کنیم. بعضی افراد سؤال کرده‌اند، "چه زمانی برای تمرین کردن بهتر است؟ نیمه شب، سحر یا ظهر؟" ما هیچ شرطی برای زمان تمرین نداریم. وقتی در نیمه شب تمرین نمی‌کنید، گونگ، شما را تزکیه می‌کند. وقتی در سحر تمرین نمی‌کنید، گونگ، هنوز شما را تزکیه می‌کند. وقتی در خواب هم هستید، گونگ، شما را تزکیه می‌کند. وقتی درحال قدم زدن هستید، گونگ، هنوز هم شما را تزکیه می‌کند. وقتی سر کار هستید نیز، گونگ، شما را تزکیه می‌کند. آیا آن به‌طور قابل ملاحظه‌ای زمان تمرین شما را کاهش نمی‌دهد؟ بسیاری از شما از صمیم قلب می‌خواهید دائو را کسب کنید، که البته آن هدف تمرین تزکیه‌ی ما است - هدف نهایی از عمل تزکیه، کسب دائو و رسیدن به کمال در تزکیه است. اما برای بعضی افراد وقت و زمانی که باقی مانده تقریباً محدود است. سال‌های کمی از زندگی آن‌ها باقی مانده و شاید برای تزکیه کافی نباشد. فالون دافای ما می‌تواند این مشکل را حل کرده و دوره‌ی تمرین را کوتاه کند. ضمن این‌که، این روشی است که بدن و ذهن را تزکیه می‌کند. بنابراین وقتی که شما به‌طور پیوسته تزکیه را ادامه می‌دهید، دائماً زندگی خود را طولانی می‌کنید. با تمرین پیوسته، زندگی شما به‌طور پیوسته طولانی‌تر می‌شود. مردم مسنی که کیفیت مادرزادی خوبی دارند به اندازه‌ی کافی برای تزکیه وقت خواهند داشت. اما یک شرط وجود دارد. زندگی طولانی شده‌ی فراسوی زمان تقدیری شما، به‌طور کامل برای تزکیه‌ی شما ذخیره شده است. اگر فکر شما کوچک‌ترین خطایی کند، زندگی شما به‌خاطر این‌که می‌بایستی برای مدت‌ها پیش از بین می‌رفت، در خطر خواهد بود. چنین محدودیت‌هایی را خواهید داشت تا در تزکیه به مرحله‌ی ورای فای دنیای سه‌گانه برسید. بعد از آن، وضعیت دیگری حاکم خواهد بود.

ما لازم نداریم برای تمرین کردن به‌سوی سمت مشخصی بایستیم یا به‌طور مشخصی تمرین را پایان دهیم. به‌خاطر این‌که فالون پیوسته در چرخش است، نمی‌تواند متوقف شود. اگر تلفن زنگ بزند یا کسی درب خانه را بکوبد، می‌توانید بدون این‌که نیازی باشد تمرین را قطع کنید، همان موقع رفته و کارهای‌تان را انجام دهید. وقتی برای انجام کاری تمرین را متوقف می‌کنید، فالون بی‌درنگ به‌طرف موافق عقربه‌های ساعت چرخیده و انرژی ساطع شده را از اطراف بدن شما بر می‌گرداند. برای کسانی که با قصد، چی را نگه می‌دارند و آن‌را روی سرشان جاری می‌کنند، بدون

توجه به این که چگونه آن را نگه داشته‌اند، هنوز هم از دست خواهد رفت. فالون، موجودی باهوش است و خودش می‌داند چگونه این کارها را انجام دهد. ما حتی تقاضایی برای جهت‌های تمرین نداریم، زیرا تمام جهان در حرکت است. راه شیری در حرکت است و نه سیاره دور خورشید در دوران هستند. زمین نیز به دور خود می‌چرخد. بر طبق این اساس عظیم جهان تمرین می‌کنیم. کجا است شرق، جنوب، غرب و شمال؟ هیچ جا. تمرین کردن به‌سوی هر جهتی همان تمرین کردن به‌سوی تمام جهات است و تمرین کردن به‌سوی هر جهتی درست مثل این است که به‌طور هم‌زمان به طرف شرق، جنوب، غرب و شمال تمرین کنیم. فالون دافای ما شاگردان را از رفتن به گمراهی محافظت می‌کند. آن چگونه شما را حمایت می‌کند؟ اگر یک تمرین‌کننده‌ی حقیقی باشید، فالون ما از شما حفاظت می‌کند. ریشه‌ی من در جهان است. اگر کسی بتواند به شما آزار برساند، قادر است به من آزار برساند. به‌عبارتی ساده، آن شخص می‌تواند به این جهان صدمه بزند. آن چه را که گفته‌ام ممکن است کاملاً باور نکردنی به نظر بیاید. بعداً با مطالعه‌ی بیشتر آن را خواهید فهمید. مسائل دیگری نیز وجود دارند، اما نمی‌توانم درباره‌ی چیزهایی که بیش از حد بالا هستند صحبت کنم. ما به‌طور منظمی فا را در سطوح بالاتر، از ساده‌ترین آن‌ها تا عمیق‌ترین‌شان به جزئیات شرح خواهیم داد. اگر شین‌شینگ شما درست نباشد عملی نخواهد بود. اگر در طلب چیزی باشید، ممکن است دچار مشکل شوید. پی برده‌ام که فالون بسیاری از شاگردان قدیمی از شکل افتاده است. چرا؟ شما چیزهای دیگر را با تمرین خود مخلوط کرده‌اید و چیزهای دیگران را پذیرفته‌اید. پس، چرا فالون، شما را حفاظت نمی‌کند؟ آن به شما داده شده است، پس مال شما است و به‌وسیله‌ی فکر شما کنترل می‌شود. اصلی در این جهان است که هیچ کسی نمی‌تواند مانع خواست شما شود. اگر نمی‌خواهید تزکیه کنید، هیچ کسی نمی‌تواند شما را مجبور کند، مجبور کردن شما به‌منزله‌ی کاری اشتباه است. آیا واقعاً کسی می‌تواند شما را مجبور کند که ذهن‌تان را عوض کنید؟ خودتان باید خود را منضبط کنید. برداشتن بهترین‌های هر مدرسه، مثل این است که از هر کسی چیزهایی را قبول کنید. اگر شما امروز یک روش چی‌گونگ را برای شفای بیماری‌تان تمرین کنید و فردا دیگری را، آیا بیماری‌تان شفا پیدا می‌کند؟ خیر. فقط می‌توانید آن را به تعویق بیندازید. لازمه‌ی عمل تزکیه در سطوح بالا این است که فرد به یک مدرسه تمرکز کرده و در آن باقی بماند. اگر روشی را دنبال می‌کنید، باید قلب‌تان را به آن بدهید تا این که در آن مدرسه روشن‌بین شوید. فقط بعد از آن می‌توانید در مدرسه‌ای دیگر تزکیه کنید و آن سیستم دیگری خواهد بود. زیرا یک سیستم واقعی آموزش، از زمان بسیار دوری به ارث رسیده و روند کاملاً پیچیده‌ای از تبدیل را گذرانده است. بعضی افراد بر طبق احساس‌شان روشی را تمرین می‌کنند. احساس شما به چه درد می‌خورد؟ آن چیزی نیست. روند حقیقی تبدیل، در بُدهای دیگر رخ می‌دهد و بی‌نهایت پیچیده و اسرارآمیز است. یک اشتباه کوچک نمی‌تواند در آن جا مجاز باشد. درست مثل یک دستگاه دقیق است که اگر یک جزء خارجی را به آن اضافه کنید بلافاصله از کار می‌افتد. بدن شما در هر بُدی درحال تغییر بوده و آن قدر شگفت‌انگیز است که حتی کوچک‌ترین اشتباهی نمی‌تواند روی دهد. آیا به شما نگفتم که تزکیه بستگی به تلاش خود شخص دارد، درحالی که گونگ به استاد شخص مربوط است. اگر همین طوری چیزهای افراد دیگر را گرفته و به تمرین‌تان اضافه کنید، پیام‌های خارجی با چیزهای این مدرسه‌ی تزکیه مداخله کرده و شما به بی‌راهه کشیده خواهید شد و این خود را در زندگی روزانه‌تان نشان خواهد داد، که همان نوع مشکلاتی را که مردم عادی دارند خواهید داشت. اما دیگران نمی‌توانند شما را متوقف کنند، زیرا این چیزی است که شما خواستید و این مشکلی از درک و فهم شما است. هم‌زمان، آن چه را که اضافه می‌کنید گونگ شما را آشفته کرده و دیگر نمی‌توانید تزکیه کنید. این مشکل، روی خواهد داد. نمی‌گوییم که همه مجبورند فالون دافا را یاد بگیرند. اگر فالون دافا را یاد نگیرید و آموزش‌های واقعی را از روش‌های دیگر چی‌گونگ دریافت کرده‌اید، فکر می‌کنم آن نیز خوب است. به هر حال، بگذارید برای‌تان بگویم، برای تزکیه‌ی حقیقی به‌سوی سطوح بالا، باید خود را به یک روش تزکیه مقید کنید. چیز دیگری هست که باید با شما در میان بگذارم. درحال حاضر، شخص دیگری مثل من وجود ندارد که به‌طور حقیقی روشی واقعی را به‌سوی سطوح بالا به مردم آموزش دهد. در آینده به آن چه که برای‌تان انجام داده‌ام پی خواهید برد. بنابراین، امیدوارم بتوانید متوجه شوید که این چیست. مردم زیادی هستند که می‌خواهند به‌سوی سطوح بالا تزکیه کنند. درحال حاضر

این در اختیار شما گذاشته شده و ممکن است متوجه نشده باشید که چه قدر با ارزش است. همه جا در جستجوی یک معلم بوده و پول زیادی خرج کرده‌اید، اما چیزی را پیدا نکرده‌اید. امروز، این دم درب خانه‌تان به شما تقدیم شده، اما شاید هنوز متوجه نشده باشید! بنابراین، این موضوعی است در مورد این که آیا می‌توانید این را درک کنید، یا به عبارتی دیگر، موضوعی است در مورد این که آیا می‌توان شما را نجات داد.

سخنرانی دوم

موضوع چشم سوم

بسیاری از استادان چی گونگ درباره‌ی چشم سوم صحبت کرده‌اند. اما فا در سطوح مختلف به شکل‌های مختلفی متجلی می‌شود. یک تزکیه‌کننده تا هر سطحی تزکیه کرده باشد، فقط تجلیات آن سطح را می‌تواند ببیند. او قادر نیست حقیقت ورای آن سطح را دریابد و به آن‌ها باور هم ندارد. به همین جهت فکر می‌کند آن‌چه را که در سطح خود می‌بیند درست است. قبل از آن که تا سطح بالاتری تزکیه کند، فکر می‌کند که آن چیزها وجود ندارند و به آن‌ها باور نخواهد آورد. این نتیجه‌ی سطح او است و تفکر او نمی‌تواند صعود کند. به عبارتی دیگر، وقتی به موضوع چشم سوم می‌رسد، بعضی افراد درباره‌ی آن به این طریق و بعضی دیگر، به طریقی دیگر سخن می‌گویند. در نتیجه، آن‌را به آشفتگی کشانده و در نهایت هیچ‌کسی آن‌را به‌خوبی تشریح نکرده است. درحقیقت، چشم سوم موضوعی نیست که بتوان در سطح پایین آن‌را به‌طور آشکار توضیح داد. در گذشته ساختار چشم سوم به راز اسرارها تعلق داشت و مردم عادی اجازه نداشتند درباره‌ی آن بدانند. این دلیل آن است که چرا هیچ‌کسی تاکنون آن‌را آشکار نکرده است. اما آن‌چه که می‌خواهیم این‌جا درباره‌ی آن صحبت کنیم حول و حوش آن تئوری‌های مربوط به گذشته نیست. ما با علم جدید و ساده‌ترین اصطلاحات امروزی، آن‌را تشریح کرده و درباره‌ی موضوعات پایه‌ای آن صحبت خواهیم کرد.

چشم سوم که ما درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم، درحقیقت کمی بالاتر از وسط ابروها قرار گرفته و به غده‌ی صنوبری وصل است. این کانال اصلی است. بدن انسان چشم‌های دیگر بسیار زیادی دارد. مدرسه‌ی دائو معتقد است که هر منفذ، یک چشم است. مدرسه‌ی دائو، نقاط طب سوزنی در بدن را یک "منفذ" می‌نامد، درحالی که طب سنتی چینی، آن‌را یک "نقطه‌ی طب سوزنی" می‌نامد. مدرسه‌ی بودا معتقد است که هر منفذ عرق یک چشم است. به همین جهت، بعضی افراد می‌توانند با گوش‌شان بخوانند و بعضی‌ها می‌توانند از پشت سرشان یا با دست‌شان ببینند و افراد دیگری نیز هستند که می‌توانند با پا یا شکم‌شان ببینند. تمام این‌ها امکان‌پذیر است.

حال که درحال صحبت درباره‌ی چشم سوم هستیم، بگذارید با چند کلمه در مورد این یک جفت چشم فیزیکی که ما انسان‌ها داریم شروع کنیم. امروزه بعضی افراد معتقدند که با این چشمان می‌توان تمام ماده یا تمام چیزهای مادی در این دنیا را دید. به همین جهت عده‌ای برداشت انعطاف‌ناپذیری را شکل داده‌اند که فقط آن‌چه شخص می‌تواند با چشمان خود ببیند حقیقی و عینی است. آن‌ها به آن‌چه که نمی‌توانند ببینند اعتقادی ندارند. در گذشته مردم این‌طور می‌پنداشتند که این افراد درک و فهم ضعیفی دارند. برخی از افراد نمی‌توانند توضیح دهند که چرا آن، درک و فهمی ضعیف است. "او آن‌چه را که نمی‌بیند، باور نمی‌کند. این کاملاً منطقی است". اما اگر از سطحی کمی بالاتر به آن نگاه کنید، منطقی نیست. هر زمان - مکانی از ماده ساخته شده است. البته زمان - مکان‌های مختلف، ساختارهای مادی مختلفی دارند، همچنین موجودات مختلفی داشته که به شکل‌های گوناگون متجلی می‌شوند.

مثالی می‌زنم. در بودیسم می‌گویند که هر پدیده‌ای در جامعه‌ی بشری توهم بوده و واقعی نیست. چگونه آن‌ها توهم هستند؟ چیزهای فیزیکی واقعی و ملموس در این‌جا قرار دارند، پس چه کسی می‌گوید که آن‌ها غیرواقعی

هستند؟ درحقیقت، شکل هستی چیزهای مادی یک طور است، درحالی که شکلی که آن‌ها متجلی می‌شوند طور دیگری است. چشمان ما صاحب این توانایی هستند: آن‌ها می‌توانند چیزهای مادی را در بُعد مادی ما به وضعی که هم‌اکنون مشاهده می‌کنیم ثابت نگه دارند. درواقع چیزها در این وضعیت نیستند و آن‌ها حتی در بُعد ما هم در چنین حالتی نیستند. به‌طور مثال، یک انسان در زیر میکروسکوپ به چه شکلی است؟ تمام بدن از مولکول‌های ریز و سیال تشکیل شده است، درست مثل دانه‌های شن که در حرکت هستند. الکترون‌ها دور هسته‌ی اتم در گردش هستند و تمام بدن در پیچ و تاب و در حرکت است. سطح بدن صاف و منظم نیست. تمام چیزهای موجود در جهان، مثل فولاد، آهن و سنگ همین‌طور بوده و درون آن‌ها، تمام عناصر مولکولی آن‌ها در حرکت هستند. شما نمی‌توانید شکل کلی آن‌ها را ببینید و آن‌ها درواقع ثابت نیستند. این میز نیز درحال پیچ و تاب خوردن است، هر چند که چشم‌های شما نمی‌تواند حقیقت آن‌را ببیند. این یک جفت چشم می‌تواند تصویر غلطی به شما بدهد.

این به معنی این نیست که ما نمی‌توانیم چیزها را در سطح ذره‌بینی ببینیم، این‌طور نیست که مردم این توانایی را ندارند. مردم با این توانایی به دنیا آمده‌اند و می‌توانند چیزها را در سطح ذره‌بینی معینی ببینند. اما وقتی ما انسان‌ها این یک جفت چشم این بُعد مادی را به‌دست می‌آوریم، دقیقاً به همین دلیل، ممکن است تصویر غلطی را دریافت کنیم. آن‌ها مانع دید مردم می‌شوند. این دلیل آن است که چرا در گذشته، مردم عقیده داشتند آن‌هایی که چیزهایی را که نمی‌توانند ببینند تصدیق نمی‌کنند، درک و فهم ضعیفی دارند و اجتماع تزکیه‌کنندگان همیشه فکر کرده‌اند که آن افراد توسط تصویر غلط چیزها فریب خورده و در بین مردم عادی گمراه شده‌اند. این چیزی است که مذاهب در طول اعصار آموزش داده‌اند و درحقیقت، ما نیز آن‌را کاملاً منطقی یافته‌ایم.

این یک جفت چشم می‌تواند چیزها را در این بُعد مادی ما در چنان حالتی ثابت نگه دارند، اما به‌جز آن، کار بیشتری نمی‌تواند انجام دهند. وقتی که شخص به چیزی نگاه می‌کند، تصویر مستقیماً در چشم او شکل نمی‌گیرد. چشم‌ها همانند عدسی دوربین هستند و فقط مثل یک ابزار عمل می‌کنند. وقتی به دوردست نگاه می‌شود، عدسی‌ها گشاد می‌شوند؛ چشم‌های ما نیز چنین عمل کردی دارند. وقتی که در تاریکی نگاه می‌کنیم، مردمک‌ها بزرگ می‌شوند. وقتی که دوربینی در تاریکی عکس می‌گیرد، روزنه‌ی دوربین نیز بزرگ می‌شود. در غیر این‌صورت، اگر در معرض نور کافی نباشد، عکس کاملاً سیاه می‌شود. وقتی فرد به محلی بسیار روشن در خارج از خانه قدم می‌گذارد، مردمک‌های او بلافاصله منقبض می‌شود، وگرنه چشم‌هایش به‌وسیله‌ی نور خیره خواهد شد و قادر نیست چیزها را به‌وضوح ببیند. یک دوربین به همین شکل عمل می‌کند و روزنه‌ی آن نیز لازم است منقبض شود. آن فقط می‌تواند تصویری از یک شیء را ضبط کند و فقط یک وسیله است. درواقع وقتی که ما اشیاء، یک فرد، یا شکل هستی پدیده‌ای را نگاه می‌کنیم، تصاویر در مغز شکل می‌گیرند. یعنی، آن‌چه که ما از طریق چشم‌ها مشاهده می‌کنیم به‌وسیله‌ی اعصاب چشم به غده‌ی صنوبری در نیمه‌ی پشت مغز فرستاده شده و سپس تصویر در آن محل ظاهر می‌شود. بنابراین وقتی چیزها را می‌بینیم، در منطقه‌ی غده‌ی صنوبری مغز است که تصویر ظاهر می‌شود. حتی پزشکی نوین نیز به آن واقف است.

وقتی ما درباره‌ی "باز کردن چشم سوم" صحبت می‌کنیم، آن درباره‌ی اجتناب از به‌کار بردن اعصاب بینایی و باز کردن کانالی بین ابروان شما است که برای غده‌ی صنوبری ممکن می‌سازد مستقیماً خارج را ببیند. منظور از باز کردن چشم سوم/این است. بعضی افراد شاید به فکر فرو روند، "این معقول نیست. حداقل این چشم‌ها می‌توانند هنوز هم به‌عنوان یک وسیله مورد استفاده قرار گیرند و آن‌ها می‌توانند تصاویر پدیده‌ها را ضبط کنند، چیزی که بدون چشم‌ها غیرممکن است". مطالعات کالبدشکافی پزشکی نوین پی برده است که در قسمت جلوی غده‌ی صنوبری، ساختمان کاملی از یک چشم انسانی و تمام اجزاء یک چشم وجود دارد. از آن‌جا که آن در داخل مجموعه‌ی شخص قرار دارد، این‌طور گفته می‌شود که یک چشم رشدنکرده است. ما در اجتماع تزکیه‌کنندگان درباره‌ی این‌که این یک چشم رشدنکرده است یا نه تردید داریم. اما بعد از همه‌ی این‌ها، پزشکی نوین هم‌اکنون تصدیق کرده است که در وسط سر، یک چشم وجود دارد. مجرای که باز می‌کنیم دقیقاً به این محل نشانه می‌رود و کاملاً با درک علم پزشکی

نوین مطابقت دارد. این چشم برخلاف چشم‌های فیزیکی مان تصاویر کاذب را به وجود نمی‌آورد، به طوری که می‌تواند جوهر هر چیز یا هر ماده‌ای را ببیند. به همین جهت، شخصی با چشم سوم باز در سطحی بالا می‌تواند بُعد ما را شکافته تا زمان- مکان‌های دیگری را ببیند و می‌تواند صحنه‌هایی را که یک فرد عادی نمی‌تواند ببیند مشاهده کند. یک شخص با چشم سوم در سطحی پایین ممکن است توانایی دیدن از میان چیزها را داشته باشد، ممکن است قادر باشد از میان یک دیوار به چیزها نگاه کند یا داخل بدن انسانی را ببیند. این دقیقاً می‌تواند چنین کاری را انجام دهد.

مدرسه‌ی بودا از پنج سطح بینایی صحبت می‌کند: بینایی جسمانی، بینایی آسمانی، بینایی عقلانی، بینایی فا و بینایی بودا. این‌ها پنج سطح اصلی چشم سوم هستند و هر کدام به سطوح بالایی، میانی و پایینی تقسیم شده‌اند. مدرسه‌ی دائو از نه ضربدر نه یا هشتاد و یک سطح چشم فا صحبت می‌کند. ما چشم سوم را این‌جا برای همه باز می‌کنیم، اما آن‌را در سطح بینایی آسمانی یا پایین‌تر از آن باز نمی‌کنیم. چرا؟ اگرچه این‌جا نشسته‌اید و تمرین تزکیه را شروع کرده‌اید، درست از سطح یک فرد عادی با خیلی از وابستگی‌های مردم عادی که هنوز رها نشده‌اند شروع می‌کنید. اگر چشم سوم شما پایین‌تر از سطح بینایی آسمانی باز می‌شد، صاحب چیزی می‌شدید که مردم عادی آن‌را به عنوان توانایی‌های فوق‌طبیعی در نظر می‌گیرند، به طوری که می‌توانستید از میان یک دیوار به چیزها نگاه کنید تا آن‌ها را ببینید و داخل بدن انسانی را نگاه کنید. اگر این توانایی فوق‌طبیعی را به صورت گسترده در دسترس قرار می‌دادیم و اگر چشم سوم همه در این سطح باز می‌شد، به طور جدی با جامعه‌ی مردم عادی در تداخل می‌بودیم و وضع امور در جامعه‌ی مردم عادی را آشفته می‌کردیم. اسرار مملکتی نمی‌توانست حفظ شود؛ دیگر فرقی نمی‌کرد که مردم به تن‌شان لباس داشتند یا نه و از خارج می‌توانستید مردم را در خانه مشاهده کنید؛ درحالی که در خیابان قدم می‌زدید می‌توانستید تمام بلیط‌های بخت‌آزمایی را که سود بالایی داشتند دیده و آن‌ها را جمع کنید. این وحشتناک می‌بود! درباره‌ی این بیندیشید: اگر چشم سوم همه در حد بینایی آسمانی باز می‌شد؛ آیا جامعه هنوز هم می‌توانست یک جامعه‌ی بشری باشد؟ هر پدیده‌ای که به طور جدی در جامعه‌ی بشری اختلال ایجاد کند مطلقاً اجازه ندارد وجود داشته باشد. اگر واقعاً چشم سوم شما را در آن سطح باز می‌کردم، ممکن بود بلادرنگ خود را یک استاد چی‌گونگ بنامید. برخی از افراد همیشه در رؤیای استاد چی‌گونگ شدن بوده‌اند و حالا که بالاخره چشم سوم آن‌ها باز شده می‌توانند بیماران را ببینند. آیا در آن صورت شما را به راهی شیطانی راهنمایی نمی‌کردم؟

پس، در چه سطحی چشم سوم شما را باز می‌کنم؟ چشم سوم شما را مستقیماً در سطح بینایی عقلانی باز می‌کنم. اگر آن در سطح بالاتری باز می‌شد، شین‌شینگ شما کافی نبود، و اگر در سطحی پایین‌تر باز می‌شد، به طور جدی موقعیت جامعه‌ی مردم عادی را مختل می‌کرد. با بینایی عقلانی، قادر نخواهید بود از میان یک دیوار به چیزها نگاه کنید تا آن‌ها را ببینید یا داخل بدن انسانی را نگاه کنید، اما می‌توانید صحنه‌هایی را که در بُعدهای دیگر وجود دارند ببینید. این چه مزیت‌هایی دارد؟ اعتماد شما را به تزکیه افزایش می‌دهد. وقتی که واقعاً چیزی را ببینید که مردم عادی قادر به دیدن آن نیستند، معتقد خواهید شد که واقعاً وجود دارد. بدون توجه به این که در حال حاضر می‌توانید چیزی به طور واضح ببینید یا نه، چشم سوم شما در این سطح باز خواهد شد و این برای عمل تزکیه‌ی شما خوب است. یک تمرین‌کننده‌ی حقیقی دافا با خواندن این کتاب به همان نتیجه خواهد رسید، به شرطی که با خود در رشد شین‌شینگ سخت‌گیر باشد.

چه عواملی سطح چشم سوم فرد را تعیین می‌کند؟ به این صورت نیست که وقتی یک بار چشم سوم شما باز شد، قادر باشید همه چیز را ببینید، این طور نیست. یک تقسیم‌بندی سطوح وجود دارد. پس چه چیزی سطح را تعیین می‌کند؟ سه عامل وجود دارد. عامل اول این است که باید میدانی از داخل به طرف خارج چشم سوم فرد وجود داشته باشد و ما آن‌را "جوهر حیاتی" می‌نامیم. چه کاربردی دارد؟ مثل صفحه‌ی فلورسنت یک تلویزیون است: اگر تلویزیون پودر فلورسنت نداشته باشد بعد از این که روشن شود، فقط مثل یک لامپ است. فقط روشنایی دارد، اما تصویری وجود ندارد. به خاطر پودر فلورسنت است که تصاویر نمایش داده می‌شوند. البته این مثال کاملاً مناسب نیست زیرا ما

مستقیماً می‌بینیم درحالی که تلویزیون تصاویر را از طریق صفحه‌ی فلورسنت نشان می‌دهد. این به‌طور تقریبی منظور مرا بیان می‌کند. این ذره از جوهر حیاتی بی‌نهایت بالارزش است و از ماده‌ی خالص‌تری ساخته شده که از تقوا استخراج می‌شود. معمولاً جوهر حیاتی هر شخص با شخص دیگر متفاوت است. شاید از ده هزار نفر، دو نفر در یک سطح قرار داشته باشند.

سطح چشم سوم تجلی مستقیمی از فای جهان ما است. چیزی است فوق‌طبیعی و به شین‌شینگ فرد بستگی دارد. اگر سطح شین‌شینگ شخصی پایین باشد، سطح او پایین است. به‌خاطر پایین بودن سطح شین‌شینگ، بیشتر جوهر حیاتی این شخص از بین رفته است. اگر سطح شین‌شینگ شخصی بالا باشد و در جامعه‌ی مردم عادی از خردسالی تا بزرگسالی اهمیت کمی به شهرت، دارایی، تضادهای خود با دیگران، سود شخصی و احساسات و تمناهای گوناگون بشری داده باشد، جوهر حیاتی او ممکن است به نسبت بهتری حفاظت شده باشد. به همین جهت، بعد از این که چشم سوم او باز شود قادر خواهد بود واضح‌تر ببیند. وقتی چشم سوم کودکان زیر شش ساله باز شود، می‌توانند واقعاً واضح ببینند. باز کردن چشم سوم آن‌ها آسان است. اگر یک کلمه بگوییم، باز خواهد شد.

انسان‌ها توسط سیلاب قوی دنیای عادی و خم رنگ‌رزی بزرگ آن آلوده شده‌اند، در نتیجه آن‌چه که مردم صحیح و درست می‌دانند، درحقیقت اغلب اشتباه است. آیا هرکسی نمی‌خواهد که یک زندگی خوب داشته باشد؟ از آن‌جا که آن‌ها می‌خواهند زندگی خوبی داشته باشند، ممکن است به دیگران آسیب برسانند، ممکن است خودخواهی‌شان را تشدید کنند، ممکن است به خرج دیگران سود ببرند و ممکن است از دیگران سوء استفاده کنند یا به آن‌ها آزار برسانند. فقط برای این که به خود سود برسانند، با مردم عادی دعوا و رقابت می‌کنند. آیا آن‌ها سرشت جهان را نقض نمی‌کنند؟ بدین ترتیب، آن‌چه که مردم فکر می‌کنند صحیح است لزومی ندارد که درست باشد. وقتی بسیاری از بزرگسالان به فرزندان خود آموزش می‌دهند، درست از همان زمان که کوچک هستند به آن‌ها می‌گویند، "تو باید یادگیری که زرنگ باشی"، به‌طوری که در آینده بتوانند در اجتماع مردم عادی جای پای باز کنند. اما از نقطه نظر کیهان، این "زرنگ بودن" غلط است، زیرا ما اعتقاد داریم که باید بگذاریم چیزها روندی طبیعی داشته باشند و این که نباید زیاد به سود شخصی توجه کنیم. با آن‌طور زرنگ بودن، او می‌خواهد به دنبال علائق شخصی‌اش باشد. "اگر کسی تو را آزار می‌دهد، برو معلم او را پیدا کن، برو والدین او را پیدا کن"، "وقتی پولی را روی زمین می‌بینی، بردار..." به کودک بدین شکل آموزش می‌دهند. از خردسالی تا بزرگسالی، هرچه بیشتر چیزهایی را کسب کند، به تدریج در جامعه‌ی مردم عادی خودخواه‌تر و خودخواه‌تر می‌شود. او از دیگران سوء استفاده می‌کند و تقوای خود را از دست می‌دهد.

تقوا نوعی ماده است و بعد از این که از دست رفت ناپدید نمی‌شود، آن به شخص دیگری منتقل می‌شود. اما این جوهر حیاتی ناپدید می‌شود. اگر شخصی از خردسالی تا بزرگسالی بسیار مکار بوده و اهمیت زیادی به نفع شخصی داده و قبل از هر چیز به دنبال منفعت خود بوده باشد، چشم سوم این شخص بعد از باز شدن، نمی‌تواند به‌خوبی ببیند. اما این‌طور نیست که او هرگز قادر نخواهد بود. چرا؟ زیرا در جریان تزکیه سعی می‌کنیم که به خود واقعی اولیه‌مان بازگردیم و با تمرین مداوم می‌توانیم به‌طور پیوسته آن‌را جبران کرده و به حالت اولیه‌اش برگردانیم. به همین جهت، شخص باید به شین‌شینگ اهمیت بدهد. ما بر رشد و ارتقاء همه جانبه‌ی شما تأکید می‌کنیم. اگر شین‌شینگ بالا رود، هر چیز دیگر نیز همراه با آن صعود خواهد کرد. اگر شین‌شینگ بالا نرود، آن قسمت کوچک از جوهر حیاتی دوباره به‌دست نخواهد آمد. آن، این‌گونه عمل می‌کند.

عامل دوم این است که وقتی فردی چی‌گونگ را شخصاً تمرین می‌کند، اگر از کیفیت مادرزادی خوبی برخوردار باشد، چشم سوم او نیز می‌تواند باز شود. عده‌ای از مردم اغلب در لحظه‌ای که چشم سوم‌شان باز می‌شود وحشت‌زده می‌شوند. چرا آن‌ها وحشت‌زده می‌شوند؟ به این خاطر که مردم معمولاً در نیمه‌شب که تاریک و ساکت است چی‌گونگ را تمرین می‌کنند. درحالی که شخص تمرین می‌کند، ممکن است ناگهان چشمی بزرگ را روبروی

چشم‌های خود ببیند و ناگهان بترسد. آن وحشتی جدی بوده و او بعد از آن جرأت نمی‌کند چی‌گونگ را تمرین کند. چه وحشتی! یک چشم بزرگ که چشمک می‌زند و به شما نگاه می‌کند و بسیار واضح است. از این‌رو، بعضی آن‌را چشم شیطان می‌نامند، درحالی که دیگران آن‌را چشم بودا می‌نامند و غیره. درحقیقت، این چشم خود شما است. البته عمل تزکیه به خود شخص بستگی دارد، درحالی که گونگ به استاد وی مربوط است. تمام روند تبدیل گونگ در بُعدهای دیگر رخ می‌دهد و بسیار پیچیده است. بدن نه تنها فقط در یک بُعد دیگر تبدیل می‌شود، بلکه در تمام بُعدهای مختلف نیز تبدیل می‌شود. آیا می‌توانید آن‌را به‌دست خودتان انجام دهید؟ نمی‌توانید. این چیزها توسط استاد نظم و ترتیب داده می‌شوند و توسط او اجرا می‌شوند. به همین جهت، گفته می‌شود که عمل تزکیه به تلاش خود شخص بستگی دارد، درحالی که گونگ به استاد مربوط است. شما فقط می‌توانید چنین آرزویی داشته باشید و به آن‌صورت به آن فکر کنید، اما درحقیقت این استاد است که این کارها را انجام می‌دهد.

بعضی افراد چشم سوم‌شان را شخصاً با تمرین کردن باز می‌کنند. ما می‌گوییم که آن چشم شما است، اما آن چیزی نیست که خودتان بتوانید آن‌را رشد دهید. بعضی افراد استادی دارند و وقتی استاد می‌بیند که چشم سوم آن‌ها باز است، یک چشم را برای آن‌ها تبدیل می‌کند. آن، چشم حقیقی نامیده می‌شود. البته بعضی افراد استادی ندارند، اما شاید استادی گذری وجود داشته باشد. در مدرسه‌ی بودا گفته می‌شود، "بوداها همه جا حضور دارند". تعدادشان به قدری زیاد است که درواقع همه جا هستند. بعضی‌ها هم می‌گویند، "موجوداتی آسمانی در یک متری بالای سر شما وجود دارند"، یعنی این که تعداد آن‌ها زیاد است. اگر یک استاد گذری ببیند که خیلی خوب تمرین می‌کنید و چشم سوم شما باز است اما چشمی ندارید، آن‌را برای شما تبدیل خواهد کرد و هنوز به‌عنوان چیزی که شما از طریق تمرین خودتان آن‌را رشد داده‌اید به حساب خواهد آمد. این بدین دلیل است که برای نجات انسان‌ها، هیچ شرطی وجود ندارد، هیچ درخواستی برای پول وجود ندارد و هیچ خواستن پاداشی وجود ندارد، هیچ کسب اعتباری وجود ندارد. آن‌ها از قهرمان‌های مردم عادی بزرگ‌وارتر هستند و آن‌را کاملاً از روی نیک‌خواهی انجام می‌دهند.

بعد از آن که چشم سوم فردی باز می‌شود، موقعیتی ظاهر خواهد شد: چشم فرد شدیداً به‌وسیله‌ی نور خیره شده و احساس می‌کند که او را اذیت می‌کند. درحقیقت چشمان شما نیست که اذیت می‌شود. بلکه، غده‌ی صنوبری شما است که اذیت می‌شود، اگرچه احساس می‌کنید که چشمان شما است که اذیت می‌شود. این بدین دلیل است که هنوز آن چشم را به‌دست نیاورده‌اید. بعد از آن که به آن چشم مجهز شدید، دیگر چشمان فیزیکی‌تان اذیت نخواهد شد. عده‌ای از تمرین‌کنندگان ما قادر خواهند بود آن چشم را ببینند یا احساس کنند. زیرا طبیعت آن درست مثل طبیعت جهان است، معصوم و کنجکاو است. آن به داخل نگاهی می‌کند تا ببیند آیا چشم سوم شما باز شده است و بررسی کند که آیا می‌توانید ببینید. آن به سمت داخل به شما هم نگاهی می‌کند. در این لحظه چشم سوم شما باز است. وقتی ناگهان می‌بینید که درحال نگاه کردن به شما است خواهید ترسید. درحقیقت، این چشم خودتان است و از آن لحظه به بعد چیزها را با آن چشم خواهید دید. حتی اگر چشم سوم شما باز هم باشد، بدون آن چشم به هیچ طریقی نمی‌توانید ببینید.

عامل سوم درخصوص اختلاف‌هایی است که بعد از آن که شخص سطوح مختلف را پشت سر می‌گذارد در بُعدهای مختلف متجلی می‌شود. این چیزی است که به‌طور واقعی سطح شخص را تعیین می‌کند. یک شخص نه تنها از طریق کانال اصلی می‌بیند بلکه از طریق چندین کانال فرعی نیز می‌بیند. مدرسه‌ی بودا معتقد است که هر منفذ عرق یک چشم است، درحالی که مدرسه‌ی دائو می‌گوید هر منفذ بدن یک چشم است. یعنی تمام نقاط طب سوزنی چشم هستند. البته، آن چه که آن‌ها درباره‌ی آن صحبت می‌کنند فقط یک شکل از تبدیل فا در بدن است درحالی که شما می‌توانید از هر جای بدن تان ببینید.

اما سطحی که ما درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم درواقع متفاوت از آن است. نه تنها کانال اصلی وجود دارد، بلکه چندین کانال فرعی عمده نیز در بالای هر دوی ابروها، بالا و پایین پلک چشمان و در نقطه‌ی طب سوزنی شَن‌گِن

وجود دارد. آن‌ها سطحی را که تا آن سطح نفوذ می‌کنید تعیین می‌کنند. البته اگر یک تمرین‌کننده‌ی متوسط بتواند چیزها را از این چند محل ببیند، هم‌اکنون به سطح بسیار بالایی رسیده است. بعضی افراد نیز می‌توانند با چشمان فیزیکی خود ببینند، آن‌ها چشم‌های فیزیکی خود را کاملاً تزکیه کرده‌اند و مجهز به توانایی‌های فوق‌طبیعی هستند. اما اگر نتوانند از این چشم‌ها به‌خوبی استفاده کنند، همیشه بدون این‌که چیزهای دیگر را ببینند فقط یک چیز را خواهند دید و آن هنوز هم آن‌قدر فوق‌العاده نیست. این دلیل آن است که چرا افرادی وجود دارند که معمولاً یک طرف را با یک چشم فیزیکی می‌بینند و طرف دیگر را با چشم فیزیکی دیگر. اما زیر این چشم فیزیکی (چشم فیزیکی راست) هیچ کانال فرعی وجود ندارد و این مستقیماً به فا مربوط است، چراکه مردم تمایل دارند که از چشم فیزیکی راست برای انجام کارهای بد استفاده کنند، در نتیجه هیچ کانال فرعی در زیر چشم فیزیکی راست وجود ندارد. این‌ها اشاره‌ای است به چندین کانال فرعی عمده که در تزکیه‌ی فای دنیای سه‌گانه رشد پیدا می‌کنند.

بعد از رسیدن به سطحی بسیار بالا و رفتن به ورای تزکیه‌ی فای دنیای سه‌گانه، یک چشم که شباهت به چشمی مرکب دارد شکل خواهد گرفت. مخصوصاً، در قسمت نیمه‌ی بالای صورت یک چشم بزرگ با چشمان کوچک غیرقابل شمارش در داخل آن ظاهر خواهد شد. عده‌ای از روشن‌بینان در سطوحی فوق‌العاده بالا چشمان زیادی را تزکیه کرده‌اند که تمام صورت‌شان را می‌پوشاند. تمام چشمان از طریق این چشم بزرگ چیزها را می‌بینند و آن‌ها می‌توانند هرچه را که بخواهند ببینند و با یک نظر می‌توانند تمام سطوح را ببینند. امروزه، جانورشناسان و حشره‌شناسان، روی مگس‌ها تحقیق می‌کنند. آن‌ها دیده‌اند که چشم‌های یک مگس بسیار بزرگ است و در زیر میکروسکوپ دیده‌اند که از تعداد بی‌شماری چشم کوچک تشکیل شده است. آن‌ها آن را یک چشم مرکب می‌نامند. وقتی شما به سطحی بسیار بالا نائل شوید، احتمالاً این موقعیت ظاهر می‌شود. اما باید سطح‌تان خیلی بالاتر از سطح تاتاگاتا باشد تا این موقعیت تزکیه ظاهر شود. یک فرد معمولی نمی‌تواند آن را مشاهده کند. مردم در سطحی متوسط نیز نمی‌توانند موجودیت آن را دریابند و از آن‌جا که در بُعدی دیگر وجود دارد، آن‌ها فقط این افراد را مثل شخصی معمولی می‌بینند. این درخصوص پشت سر گذاشتن سطوح است یا به عبارت دیگر درخصوص نفوذ در بُعدهای مختلف است.

من از لحاظ اصولی ساختمان چشم سوم را برای همگی آشکار کرده‌ام. ما چشم سوم شما را با نیرویی از خارج باز می‌کنیم، به‌طوری که آن سریع‌تر و آسان‌تر است. در زمانی که درباره‌ی چشم سوم صحبت می‌کنم، هر کدام از شما احساس خواهید کرد که پیشانی‌تان سفت شده است، با حالتی که ماهیچه‌ها به هم کشیده شده و به‌طرف داخل سوراخ می‌شوند. آیا این‌طور نبود؟ بله آن بدین صورت بود. تا آن‌جا که واقعاً وابستگی‌های‌تان را پشت سر رها کرده و این‌جا آمده باشید که فالون دافا را یاد بگیرید همگی شما آن را احساس خواهید کرد، و آن با نیروی زیادی به‌طرف داخل فشار وارد می‌آورد. ما چشم سوم شما را به‌وسیله‌ی بیرون فرستادن گونگی که مخصوص باز کردن چشم سوم است باز می‌کنیم. هم‌زمان که آن درحال روی دادن است، فالون‌هایی را نیز برای ترمیم آن برای شما بیرون می‌فرستیم. در حین این‌که درباره‌ی چشم سوم صحبت می‌کنم، درحال باز کردن چشم سوم برای همه هستیم، با این شرط که فالون دافا را تزکیه کنند. اما تضمینی نیست که همه بتوانند چیزها را به‌طور واضح ببینند، یا حتی کلاً ببینند. آن مستقیماً به خود شما مربوط است. اگر نمی‌توانید ببینید نگران نباشید، فقط به‌طور استوار به تزکیه‌تان ادامه دهید. همان‌طور که به ارتقاء سطح خودتان ادامه می‌دهید، به‌تدریج قادر خواهید بود ببینید و دید تار شما، به‌تدریج واضح خواهد شد. تا وقتی عمل تزکیه را انجام می‌دهید و وقتی اراده‌تان را برای تزکیه آهین کنید، همه‌ی آن‌چه را که از دست داده‌اید دوباره بازخواهید یافت.

نسبتاً مشکل است که خود شخص چشم سوم خود را باز کند. بگذارید کمی درباره‌ی روش‌های مختلفی که افراد چشم سوم‌شان را باز می‌کنند صحبت کنم. به‌طور مثال، ما افرادی داریم که وقتی مدیتیشن می‌کنند به پیشانی و چشم سوم‌شان نگاه می‌کنند و پی می‌برند که داخل پیشانی‌شان تاریک است و آن‌جا چیزی وجود ندارد. به مرور زمان،

حس می‌کنند که داخل پیشانی‌شان نورانی‌تر می‌شود. پس از گذشت زمانی از تزکیه، پی می‌برند که داخل پیشانی‌شان به تدریج درخشان‌تر می‌شود و پس از این که درخشان شد به قرمز تبدیل می‌شود. در آن زمان شکفته خواهد شد، درست مثل غنچه‌ای که در یک لحظه گل‌برگ‌هایش را باز می‌کند، مثل آن چه در تلویزیون یا فیلم می‌بینید. چنان صحنه‌هایی ظاهر خواهند شد. آن رنگ قرمز، در ابتدا مسطح است و پس از آن ناگهان در مرکز برآمده شده و سپس می‌شکند و می‌شکند. اگر بخواهید آن کاملاً بشکند، ممکن است حتی هشت یا ده سال هم کافی نباشد، زیرا کل چشم سوم مسدود است.

چشم سوم عده‌ای مسدود نیست و آن‌ها کانالی دارند، اما در گذشته تمرین چی‌گونگ را انجام نداده‌اند و هیچ انرژی‌ای قبلاً نداشتند. بدین ترتیب وقتی شروع به انجام تمرین چی‌گونگ می‌کنند، ناگهان چیزی گرد و سیاه‌رنگ جلوی چشم‌های آنان ظاهر می‌شود. پس از آن که مدتی دیگر تمرین کنند، به تدریج به رنگ سفید تغییر می‌کند و پس از آن به تدریج درخشان می‌شود، روشن‌تر و روشن‌تر خواهد درخشید و چشم‌های فیزیکی شخص به‌خاطر آن، کمی احساس خارش خواهد کرد. برای همین بعضی افراد می‌گویند، "من خورشید را دیدم" یا "ماه را دیدم". درحقیقت آن خورشید نبود که شما دیدید و ماه هم نبود. پس چه چیزی را دیدید؟ آن کانال خودتان بود. بعضی افراد سریع‌تر سطوح را پشت سر می‌گذارند و وقتی آن چشم در آن‌ها قرار داده شد می‌توانند به‌طور مستقیم چیزها را ببینند. برای دیگران، این کاملاً مشکل است. وقتی که چی‌گونگ را تمرین می‌کنند، این احساس را دارند که در طول این کانال به‌طرف خارج درحال دویدن هستند، که شبیه یک تونل یا در بعضی حالت‌ها شبیه یک چاه است. حتی در خواب، احساس می‌کنند که درحال دویدن به‌طرف خارج هستند. بعضی از افراد احساسی شبیه این دارند که با سرعت درحال اسب‌سواری هستند، بعضی‌ها شبیه این که درحال پروازند، بعضی‌ها شبیه این که درحال دویدن هستند و بعضی‌ها شبیه این که در اتومبیلی با شتاب به طرف جلو می‌رانند. اما آن‌ها همیشه احساس می‌کنند که نمی‌توانند به سرعت به انتهای آن برسند، زیرا برای یک شخص بسیار مشکل است که خودش چشم سوم خود را باز کند. مدرسه‌ی دائو بدن بشری را مثل یک جهان کوچک در نظر می‌گیرد. اگر آن جهانی کوچک باشد، درباره‌اش بیندیشید، از پیشانی تا غده‌ی صنوبری بیشتر از صد و هشت هزار لی خواهد بود. این دلیل آن است که چرا آن‌ها همیشه احساس می‌کنند که با شتاب به‌طرف خارج می‌روند اما نمی‌توانند به انتها برسند.

این بسیار عقلانی است که مدرسه‌ی دائو بدن بشری را مثل یک جهان کوچک در نظر می‌گیرد. آن‌ها نمی‌گویند که ساختار ترکیبی آن شبیه ساختار ترکیبی جهان است، آن‌ها درباره‌ی شکلی که بدن ما در این بُعد مادی به خود می‌گیرد صحبت نمی‌کنند. ما می‌پرسیم: بر طبق درک علم جدید، در سطحی بسیار میکروسکوپی، بدن فیزیکی که از سلول‌ها تشکیل شده است در چه وضعیتی است؟ ترکیبات مولکولی مختلفی وجود دارند. کوچک‌تر از مولکول‌ها، اتم‌ها، پروتون‌ها، هسته‌های اتم، الکترون‌ها و کوارک‌ها هستند. کوچکترین ذرات میکروسکوپی که تاکنون در مورد آن‌ها تحقیق شده است نوترینوها هستند. پس، کوچکترین ذره‌ی میکروسکوپی چیست؟ بسیار مشکل است که در مورد آن تحقیق کرد. شاکيامونی در سال‌های آخر زندگی‌اش بیان کرد، "آن قدر آن عظیم است که هیچ سطح خارجی ندارد و آن قدر کوچک است که هیچ سطح داخلی ندارد". معنی آن چیست؟ یعنی در سطح تاتاگاتا، از نظر بزرگی، نمی‌توانید حد و مرز جهان را ببینید و از نظر کوچکی، نمی‌توانید کوچکترین ذره‌ی میکروسکوپی ماده را ببینید. این دلیل آن است که چرا او بیان کرد، "آن قدر آن عظیم است که هیچ سطح خارجی ندارد و آن قدر کوچک است که هیچ سطح داخلی ندارد".

شاکيامونی همچنین در مورد تئوری سه هزار دنیای بی‌کران صحبت کرد. او بیان کرد که، در کهکشان راه شیری جهان ما، سه هزار سیاره وجود دارد که در آن‌ها موجوداتی با بدن فیزیکی، مثل نژاد بشری ما، وجود دارند. او همچنین بیان کرد که داخل یک سنگ‌ریزه سه هزار دنیای بی‌کران مثل این دنیا وجود دارد، به‌طوری که یک سنگ‌ریزه، با داشتن موجودات بشری باهوشی مثل ما و سیاره‌ها، کوه‌ها و رودخانه‌ها، درست مثل یک جهان است. باور کردن آن سخت است! اگر این درست باشد، پس درباره‌اش بیندیشید: آیا در آن دنیاها سنگ‌ریزه وجود ندارد؟ و در هر

یک از آن دانه‌های سنگ‌ریزه، آیا سه هزار دنیای بی‌کران وجود ندارد؟ پس آیا در آن سه هزار دنیای بی‌کران، سنگ‌ریزه‌ای وجود ندارد؟ و در هر یک از آن دانه‌های سنگ‌ریزه، آیا دوباره سه هزار دنیای بی‌کران وجود ندارد؟ بنابراین در سطح تاناگاتا نمی‌توانید انتهای آن را ببینید.

در مورد سلول‌های مولکولی بشری نیز همین‌طور است. مردم از بزرگی جهان سؤال می‌کنند، بگذارید برای‌تان بگویم که این جهان نیز خط مرزی خود را دارد، اما حتی در سطح تاناگاتا هم هنوز به نظر می‌رسد که بی‌کران و نامحدود است. اما داخل بدن انسانی، از مولکول‌های آن گرفته تا ذرات میکروسکوپی در سطح ذره‌بینی، به بزرگی این جهان است. می‌دانم که باور کردن آن سخت است. وقتی یک انسان یا یک زندگی به‌وجود می‌آید، عناصر منحصر به‌فرد و سرشت او در یک سطح بسیار میکروسکوپی شکل می‌گیرند. بنابراین تحقیقات علمی نوین ما درخصوص این موضوع هنوز هم با آن بسیار فاصله دارد. در مقایسه با موجوداتی با خرد بالاتر در سیارات دیگر در جهان بزرگ‌تر، سطح دانش و تکنولوژی نژاد بشری ما بسیار پایین است. ما حتی نمی‌توانیم در بُعدهایی که در یک زمان و یک مکان وجود دارند نفوذ کنیم، درحالی که بشقاب‌پرنده‌ها از سیارات دیگر، مستقیماً می‌توانند به بُعدهای دیگر سفر کنند. مفهوم زمان و مکان کاملاً متفاوت است. به همین جهت، در یک چشم به‌هم زدن می‌آیند و می‌روند و آن‌قدر سریع است که هیچ‌کسی نمی‌تواند آن‌را تشریح کند.

آن چیزی بود که هنگام صحبت درباره‌ی چشم سوم می‌بایست آن‌را ذکر می‌کردیم، زیرا وقتی در طول کانال‌تان به طرف خارج با شتاب می‌دوید، احساس می‌کنید که آن بی‌کران و بی‌پایان است. بعضی افراد ممکن است وضعیت دیگری را مشاهده کنند که احساس نمی‌کنند در مسیر یک کانال می‌دوند، بلکه در طول یک جاده‌ی پهن و بی‌پایان می‌دوند و درحالی که به طرف خارج درحال دویدن هستند، در دو طرف جاده، کوه‌ها، رودخانه‌ها و شهرها وجود دارند. باور کردن آن سخت‌تر است. چیزی را که یک استاد چی‌گونگ می‌گفت به‌خاطر می‌آورم: او می‌گفت که حتی در یک منفذ عرق، یک شهر وجود دارد که ماشین‌ها و قطارها در آن می‌گذرند. افرادی که آن‌را می‌شنیدند واقعاً متعجب می‌شدند و آن‌را غیرقابل تصور می‌یافتند. درحال حاضر ما می‌دانیم که چیزهای مادی در سطح میکروسکوپی‌شان از مولکول‌ها، اتم‌ها و پروتون‌ها تشکیل می‌شوند و می‌توانید آن‌را تمام مسیر تا پایین ردیابی کنید. اگر در هر سطح، بتوانید به جای یک نقطه، صفحه‌ی هر سطح را ببینید، اگر بتوانید صفحه‌ی سطح مولکول‌ها، صفحه‌ی سطح اتم‌ها، صفحه‌ی سطح پروتون‌ها و صفحه‌ی سطح هسته‌های اتم را ببینید، خواهید توانست شکل‌های هستی را در بُعدهای مختلف ببینید. تمام چیزهای مادی، شامل بدن بشری، همگی به‌طور هم‌زمان با سطوح بُعدی بُعدهای جهان وجود داشته و به آن‌ها وصل هستند. در فیزیک نوین، وقتی ذرات میکروسکوپی ماده را مطالعه می‌کنند، در یک زمان فقط یک ذره‌ی میکروسکوپی را مطالعه می‌کنند و آن‌را از طریق شکافتن و تحلیل تکه‌تکه‌ای انجام می‌دهند و فقط پس از این که هسته از فرآیند شکافت هسته‌ای می‌گذرد، ترکیب پس از شکافت آن‌را مطالعه می‌کنند. حالا اگر دستگاهی می‌داشتیم که می‌توانست کل صفحه‌ی آن‌را آشکار کند و اجازه می‌داد که نمایش کاملی از تمام عناصر اتمی یا عناصر مولکولی در آن سطح را ببینیم، اگر می‌توانستید آن‌را مشاهده کنید، از این بُعد می‌گذشتید و حقیقت بُعد دیگر را می‌دیدید. بدن بشری با بُعدهای خارجی مطابقت دارد و همگی چنان شکل‌هایی از هستی را دارا هستند.

هنوز هم موقعیت‌های گوناگون دیگر وقتی که شخص خودش چشم سوم را باز می‌کند وجود دارند. ما عمدتاً درباره‌ی بعضی از پدیده‌های عمومی صحبت کرده‌ایم. افرادی وجود دارند که می‌بینند چشم سوم‌شان می‌چرخد. افرادی که در مدرسه‌ی دائو تزکیه می‌کنند اغلب می‌بینند که چیزی در داخل چشم سوم آن‌ها می‌چرخد. بعد از این که صفحه‌ی تای‌چی صدایی داده و پاره می‌شود، فرد صحنه‌هایی را خواهد دید. اما این‌طور نیست که یک تای‌چی در داخل سر شما بود. این‌طور است که استاد یک سری از چیزها را از آغاز برای شما نصب کرده، که یکی از آن‌ها

تای چی بود. او چشم سوم شما را مهر کرده بود. وقتی زمان باز شدن چشم سوم شما برسد، پاره خواهد شد. بنابراین این چیزی است که استاد از روی قصد برای شما ترتیب داده بود. این چیزی نیست که در ابتدا در سر شما قرار داشت.

هنوز هم بعضی افراد در جستجوی باز شدن چشم سوم هستند. هرچه بیشتر برای آن تمرین کنند، بیشتر در باز کردن آن ناموفق خواهند بود. دلیل چیست؟ خود آن‌ها هیچ اطلاعی ندارند. دلیل اساسی این است که نمی‌توان به دنبال چشم سوم بود- هرچه بیشتر در آرزوی آن باشید، دیرتر به دست می‌آورید. هرچه بیشتر در طلب آن باشید، نه تنها آن باز نخواهد شد، بلکه بدتر، چیزی نه سیاه و نه سفید از داخل چشم سوم شما جاری خواهد شد و آن، چشم سوم شما را خواهد پوشاند. با گذشت زمان، طیف وسیعی را شکل می‌دهد و از این ماده بیشتر و بیشتر جاری می‌شود. هرچه بیشتر چشم سوم باز نشود و هرچه بیشتر آن را بخواهید، این ماده بیشتر جاری می‌شود و نتیجه این می‌شود که تمام بدن شما را خواهد پوشاند. حتی می‌تواند ضخیم شود و میدان بزرگی داشته باشد. حتی اگر چشم سوم شما واقعاً هم باز می‌شد، هنوز هم قادر نمی‌بودید با آن ببینید، زیرا با آن وابستگی خودتان، مهر و موم می‌شدید. اما اگر پس از آن زیاد به آن فکر نکنید و کاملاً از آن وابستگی رها شوید، به تدریج ناپدید خواهد شد. اما مجبور خواهید شد از میان یک دوره تزکیه‌ی طاقت‌فرسای طولانی بگذرید تا از دست آن رها شوید. این واقعاً غیرضروری است. برخی از افراد این‌را نمی‌دانند. استادشان به آن‌ها می‌گوید، "در طلب آن نباش، در طلب آن نباش"، اما آن‌را باور نمی‌کنند و به‌طور سرسختانه به جستجوی آن ادامه می‌دهند و دقیقاً عکس آن‌چه را که می‌خواستند به دست می‌آورند.

توانایی فوق‌طبیعی دیدن از راه دور

یک توانایی فوق‌طبیعی که مستقیماً به چشم سوم مربوط است دیدن از راه دور نامیده می‌شود. برخی از مردم می‌گویند، "درحالی که این‌جا نشسته‌ام می‌توانم صحنه‌هایی را در پکن یا آمریکا یا قسمت‌های دیگر روی زمین ببینم". بعضی از مردم نمی‌توانند آن‌را درک کنند و علم هم نمی‌تواند آن‌را توضیح دهد، "چگونه این امکان‌پذیر است؟" بعضی افراد سعی کرده‌اند به گونه‌ای درباره‌ی آن توضیح دهند، ولی نمی‌توانند آن‌را معقولانه شرح دهند. آن‌ها در تعجب هستند که چگونه مردم می‌توانند چنان توانایی را داشته باشند. این بدین صورت نیست. افرادی که در سطح فای دنیای سه‌گانه تزکیه می‌کنند آن توانایی را ندارند. وقتی چیزهایی را می‌بینند، شامل دیدن از راه دور یا خیلی از توانایی‌های فوق‌طبیعی دیگر، همگی در یک بُعد بخصوص عمل می‌کنند و اغلب، ورای این بُعد فیزیکی که ما انسان‌ها در آن وجود داریم نمی‌روند و معمولاً ورای میدان بُعدی خودشان نیز نمی‌روند.

در یک بُعد بخصوص، بدن بشری دارای میدانی است که از میدان تقوا متفاوت است. آن‌ها در یک بُعد نیستند، اما محدوده‌ی میدان‌شان به یک اندازه است. آن میدان با جهان مطابقت دارد و هرچه که در جهان خارج وجود دارد می‌تواند به‌طور متناظر در میدان شما این‌جا منعکس شود و هر چیزی می‌تواند منعکس شود. آن‌ها تصاویر منعکس شده هستند و واقعی نیستند. به‌طور مثال در زمین، آمریکا و واشنگتن دی‌سی وجود دارد، بنابراین در طیف یک شخص، آمریکا و واشنگتن دی‌سی منعکس می‌شود، ولی آن‌ها سایه‌هایی هستند. اما سایه‌ها نیز به شکل مادی وجود دارند و آن‌ها به شکل متناظر منعکس می‌شوند، به‌طوری‌که بر طبق تغییری که در آن‌جا صورت می‌گیرد، تغییر می‌کنند. بنابراین، توانایی فوق‌طبیعی دیدن از راه دور که بعضی افراد به آن اشاره می‌کنند دیدن چیزهایی در میدان بُعدی خود شخص است. وقتی یک شخص در ورای فای دنیای سه‌گانه تزکیه می‌کند، دیگر چیزها را به این صورت نخواهد دید. مستقیماً خواهد دید و آن، قدرت خدایی فای بودا نامیده می‌شود. این نیرومندترین قدرت‌ها است.

توانایی فوق‌طبیعی دیدن از راه دور در فای دنیای سه‌گانه چیست؟ آن‌را برای همگی توضیح خواهم داد. در آن میدان، آینه‌ای روی پیشانی شخص وجود دارد. برای افرادی که چی‌گونگ را تمرین می‌کنند، آینه به طرف خارج آن‌ها قرار دارد، در صورتی که برای افرادی که چی‌گونگ را تمرین نمی‌کنند، آینه به طرف آن‌ها است. زمانی که توانایی دیدن از راه دور شخصی در حال ظاهر شدن است، آینه به عقب و جلو می‌چرخد. همه می‌دانند برای این‌که یک فیلم

سینمایی تصویری را با حرکت مداوم بیافریند در هر ثانیه بیست و چهار عدد تصویر را نشان می‌دهد. اگر کمتر از بیست و چهار عدد تصویر در هر ثانیه نشان داده شود، تصاویر پرش خواهند داشت. سرعت چرخش آینه بیشتر از بیست و چهار تصویر در ثانیه است و هرچه را که می‌گیرد منعکس کرده و به طرف شما بر می‌گرداند تا آنرا ببینید. با دوباره برگشتن، تصاویر بعداً پاک می‌شوند. سپس دوباره تصویر را می‌گیرد، دوباره می‌چرخد و دوباره تصویر را پاک می‌کند. چرخش بدون توقف ادامه می‌یابد. بنابراین، آن‌چه که می‌بینید در حرکت است. آینه امکان دیدن آن‌چه را که در میدان بُعدی شما منعکس شده است می‌دهد و با آن‌چه که در جهان بزرگ‌تر وجود دارد مطابقت دارد.

پس چگونه می‌توانید آن‌چه را که در پشت سرتان است ببینید؟ آن آینه واقعاً کوچک است، آیا آن می‌تواند هر چیزی در اطراف بدن را منعکس کند؟ شما می‌دانید که وقتی سطح چشم سوم شخص ورای بینایی آسمانی می‌رود و درحال رسیدن به بینایی عقلانی است، چشم سوم نزدیک به پشت سر گذاشتن این بُعد ما است. در آن لحظه وقتی که نزدیک پشت سر گذاشتن است و هنوز کاملاً پشت سر نگذاشته است، چشم سوم تغییری را تجربه خواهد کرد. وقتی به پدیده‌های فیزیکی نگاه می‌کنید، همگی آن‌ها ناپدید خواهند شد. مردم و دیوارها همگی ناپدید خواهند شد، همه چیز ناپدید می‌شوند. دیگر هیچ ماده‌ای وجود نخواهد داشت، به عبارت دیگر، در آن بُعد بخصوص وقتی عمیق‌تر نظر می‌اندازید پی می‌برید که مردم دیگر وجود ندارند و تنها چیزی که در محدوده‌ی آن میدان بُعدی شما ایستاده یک آینه است. اما آن آینه که در میدان بُعدی شما قرار دارد به بزرگی تمام میدان بُعدی شما است، پس وقتی که آن به عقب و جلو می‌چرخد، چیزی وجود ندارد که نتواند منعکس کند. تا جایی که هر چیزی مطابق با جهان باشد، می‌تواند تصویر آنرا در محدوده‌ی میدان بُعدی‌تان بگیرد. این چیزی است که ما آنرا توانایی فوق‌طبیعی دیدن از راه دور می‌نامیم.

وقتی افرادی که در زمینه‌ی علم بدن انسان تحقیق می‌کنند این توانایی فوق‌طبیعی را آزمایش می‌کنند، معمولاً آنرا به راحتی تکذیب می‌کنند. دلیل تکذیب آن بدین قرار است. برای مثال وقتی کسی می‌خواهد بدانند آشنایش در پکن مشغول انجام چه کاری است و وقتی نام و اطلاعات عمومی آن آشنا داده می‌شود، شخصی با توانایی فوق‌طبیعی دیدن از راه دور چیزها را می‌بیند. او به شما خواهد گفت که ساختمان چه شکلی است، چگونه از درب رد شده و داخل اتاق شد و چیزها در اتاق چگونه به نظر می‌رسند. آن‌چه که او می‌گوید همه صحیح است. خوب، این آشنا مشغول انجام چه کاری است؟ می‌گوید که آشنا درحال نوشتن چیزی است. برای اثبات آن، به آشنا زنگ می‌زنند و سؤال می‌کنند، "درحال حاضر درحال انجام چه کاری هستی؟" "درحال غذا خوردن هستم." آیا مغایر با آن‌چه که او دید نیست؟ این دلیل آن بود که چرا در گذشته، این توانایی فوق‌طبیعی تکذیب شده است. اما محیطی که او دیده بود کلاً اشتباه نبود. به این دلیل که زمان و بُعد ما، که ما آنرا "زمان - مکان" می‌نامیم، زمانی متفاوت از زمان - مکان بُعدی است که آن توانایی فوق‌طبیعی وجود دارد، بنابراین مفهوم زمان در آن دو محل متفاوت است. او قبلاً چیزی می‌نوشت و حالا درحال خوردن غذا است؛ یک چنین تفاوت زمانی وجود دارد. در نتیجه اگر افرادی که در زمینه‌ی علم بدن انسان تحقیق می‌کنند بر طبق دانش امروزه و تئوری‌های مرسوم، چیزها را مطالعه و استنباط کنند، حتی بعد از ده هزار سال دیگر هم سعی‌شان بی‌اثر خواهد بود، زیرا این‌ها چیزهایی فراتر از امور مردم عادی هستند. بنابراین، تفکر انسان‌ها نیاز به تغییر دارد و آن‌ها نباید این چیزها را به آن طریق بفهمند.

توانایی فوق‌طبیعی آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع

توانایی فوق‌طبیعی دیگری که مستقیماً به چشم سوم مربوط است توانایی آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع نامیده می‌شود. امروزه شش نوع توانایی فوق‌طبیعی وجود دارد که به‌طور عمومی در دنیا تأیید شده است، شامل چشم سوم، دیدن از راه دور و آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع. آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع چیست؟ یعنی این که شخص قادر است گذشته و آینده‌ی یک فرد را بگوید. با توانایی‌ای قوی‌تر، فرد قادر است صعود و نزول یک جامعه را بازگو کند. با توانایی‌ای حتی عظیم‌تر، شخص می‌تواند الگوی تمام تغییرات کیهانی را مشاهده کند.

توانایی فوق طبیعی آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع این است. حرکت ماده الگویی را دنبال می‌کند، بنابراین هر شیئی که در یک بُعد بخصوصی است، در خیلی از بُعدهای دیگر شکل هستی خود را دارد. به عنوان مثال وقتی بدن یک شخص در حرکت است، سلول‌های بدن نیز در حرکت خواهند بود و در سطحی میکروسکوپی، تمام عناصر از قبیل مولکول‌ها، پروتون‌ها، الکترون‌ها و ریزترین ذرات نیز در حرکت خواهند بود. در عین این که همگی شکل مستقل هستی خود را دارند، شکل‌های بدن که در بُعدهای دیگر وجود دارند نیز دست‌خوش تغییر خواهند شد.

آیا ما ذکر نکرده‌ایم که ماده از بین نخواهد رفت؟ در یک بُعد بخصوص، هرچه را که شخص انجام داده است یا هر آن‌چه را که شخص با یک حرکت دست انجام می‌دهد، همگی موجودیت مادی دارند و هرچه را که او انجام می‌دهد، تصویر و پیامی را به جای می‌گذارد. در بُعدی دیگر آن از بین نرفته و تا ابد در آن‌جا وجود خواهد داشت. یک فرد با توانایی فوق طبیعی با نظری به صحنه‌های موجود در گذشته، آن‌چه را که اتفاق افتاده است خواهد فهمید. در آینده بعد از کسب توانایی فوق طبیعی آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع، شکل سخنرانی امروز من هنوز هم وقتی به آن نظری بیندازید وجود خواهد داشت. این در حال حاضر در آن‌جا وجود دارد. وقتی یک شخص به دنیا می‌آید، در یک بُعد بخصوص که در آن، زمان مفهومی ندارد کل زندگی او به‌طور هم‌زمان وجود دارد. در مورد بعضی افراد، حتی بیشتر از یک دوره‌ی زندگی در آن‌جا وجود دارد.

شاید بعضی افراد فکر کنند، "پس نیازی نیست که برای تغییر خودمان زیاد تلاش کنیم؟" آن‌ها نمی‌توانند این را قبول کنند. درحقیقت، تلاش‌های شخصی می‌توانند باعث تغییر بعضی چیزهای کوچک در زندگی او شوند. بعضی مسائل کوچک را می‌توان با کمی تلاش شخصی تغییر داد، اما دقیقاً به‌خاطر تلاش‌های شما برای تغییر آن است که کارما به‌دست می‌آورد. اگر این‌طور نبود، موضوع به‌وجود آوردن کارما وجود نمی‌داشت و این که کارهای خوب انجام می‌دادید یا کارهای بد، مهم نمی‌بود. وقتی فردی اصرار به انجام کارهایی به شیوه‌ی خودش می‌کند، دیگران را مورد استفاده قرار داده و کارهایی نادرست انجام می‌دهد. بنابراین بارها و بارها گفته‌ایم که در عمل تزکیه باید بگذارید چیزها به‌طور طبیعی اتفاق بیفتند و این دلیل آن است. وقتی سخت تکاپو می‌کنید می‌توانید به دیگران صدمه برسانید. اگر زندگی شما در آغاز چیزی را نداشته و آن‌چه را که به دیگری در جامعه تعلق دارد تصاحب کنید، به آن شخص بدهکار خواهید شد.

درباره‌ی اتفاقات بزرگ، یک فرد عادی اصلاً قادر به تغییر آن‌ها نیست. اما یک راه وجود دارد که می‌توان زندگی فرد را عوض کرد. آن وقتی است که یک شخص فقط کارهای نادرست انجام دهد و از هیچ شرارتی فروگذار نکند، می‌تواند زندگی‌اش را به این طریق تغییر دهد. به هر حال، آن‌چه که با آن مواجه می‌شود یک نابودی کامل است. از سطحی بالاتر، ما متوجه شده‌ایم که وقتی شخصی می‌میرد، روح اصلی او از بین نمی‌رود. چرا روح اصلی شخص از بین نمی‌رود؟ درحقیقت، مشاهده کرده‌ایم که بعد از این که یک شخص می‌میرد، جسد او در سردخانه چیزی جز سلول‌های بشری در بُعد ما نیست. اعضای او، بافت‌های داخل بدن و کل بدن او، یعنی سلول‌ها در این بُعد، چیزهایی هستند که فرو می‌ریزند. اما بدن‌های او در بُعدهای دیگر که از ذرات مادی میکروسکوپی ریزتر از مولکول‌ها، اتم‌ها، پروتون‌ها و غیره ساخته می‌شوند، اصلاً نمرده‌اند. آن‌ها در بُعدهای دیگر وجود داشته و هنوز هم در بُعدهای جهان ذره‌بینی هستی دارند. شخصی که هر نوع کار نادرست را انجام می‌دهد با انهدام کاملی از همه‌ی سلول‌ها روبرو می‌شود. آن در بودیسم "نابودی کامل جسم و روح" نامیده می‌شود.

راه دیگری وجود دارد که شخص می‌تواند زندگی خود را تغییر دهد و این تنها راه موجود است: آن، وقتی است که او از همین حالا راه تزکیه را انتخاب کند. چرا اگر شخصی راه تزکیه را انتخاب کند زندگی‌اش می‌تواند تغییر کند؟ چه کسی به آسانی می‌تواند چنین چیزی را تغییر دهد؟ به محض این که این شخص می‌خواهد راه تزکیه را ادامه دهد و به محض این که این فکر ظاهر می‌شود، مثل طلا می‌درخشد و دنیا را در ده سو می‌لرزاند. تصور مدرسه‌ی بودا درباره‌ی تئوری جهان، تئوری ده سوی دنیا است. از دید موجودات والا، زندگی فرد برای این نیست که فقط یک

انسان باشد. این موجودات می‌پندارند که زندگی افراد در فضای جهان به وجود می‌آید و همان سرشت جهان را دارا است؛ آن مهربان و نیک‌خواه است و از ماده‌ی حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری ساخته شده است. اما در عین حال این موجودات روابط اجتماعی دارند و در طی رفتار متقابل اجتماعی در بین گروه، بعضی از موجودات بد شده و در نتیجه به پایین نزول می‌کنند. وقتی نتوانند در آن سطح باقی بمانند و دوباره بدتر شوند، به سطحی پایین‌تر نزول خواهند کرد و آن‌قدر به نزول ادامه می‌دهند تا در نهایت به این سطح مردم عادی سقوط می‌کنند.

در این سطح این افراد می‌بایستی از بین رفته یا نابود می‌شدند. اما روشن‌بین‌های بزرگ از روی نیک‌خواهی والای‌شان تعمداً این بُعد دنیای بشری را خلق کردند. در این بُعد به آن‌ها یک بدن فیزیکی اضافی و یک جفت چشم اضافی که فقط به دیدن چیزهای موجود در این بُعد مادی ما محدود است می‌دهند، به این معنی که آن‌ها در این سرزمین توهم می‌افتند. آن‌ها نمی‌توانند با آن چشم‌ها تصویر واقعی جهان را ببینند درحالی که در بُعدهای دیگر تصویر واقعی آن دیده می‌شود. در این توهم، در این وضعیت، به آن‌ها چنین فرصتی داده می‌شود. از آن‌جا که در این توهم قرار دارند، در میان بزرگ‌ترین زجر هستند. به آن‌ها این بدن را می‌دهند که با آن زجر بکشند. وقتی شخصی بخواهد از این بُعد، به بالا برگردد، بخواهد بر طبق مدرسه‌ی دائو "به خود واقعی اولیه‌اش برگردد"، باید قلبش را برای تزکیه کردن بگذارد که بدین معنی است که سرشت بودایی او ظاهر شده است. این آرزو بسیار باارزش در نظر گرفته می‌شود. بنابراین دیگران به او کمک خواهند کرد. حتی در چنین شرایط دشواری گمراه نشده و می‌خواهد به اصل خود رجعت کند، پس مردم بدون شرط به او کمک خواهند کرد و بدون شرط دست او را خواهند گرفت، با هرچه که فکرش را بکنید به او کمک خواهند کرد. چرا ما می‌توانیم چنین کاری را برای یک تمرین‌کننده انجام دهیم اما نه برای یک فرد عادی؟ دلیل آن این است.

به هیچ‌وجه نمی‌توانیم به یک فرد عادی که می‌خواهد بیماری‌هایش شفا یابد کمک کنیم. یک فرد عادی فقط یک فرد عادی است. یک فرد عادی باید شرایط اجتماعی انسان‌های عادی را دنبال کند. بسیاری از افراد می‌گویند، "بوداها تمامی موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهند، آیا این‌طور نیست؟ مگر مدرسه‌ی بودا درباره‌ی نجات تمام موجودات ذی‌شعور صحبت نمی‌کند؟" می‌گوییم می‌توانید تمام نوشته‌های بودیستی را بررسی کنید، هیچ‌کدام از آن‌ها نمی‌گویند که شفا دادن بیماری‌های انسان‌های عادی به منزله‌ی نجات تمام موجودات ذی‌شعور است. آن استادان دروغین چی‌گونگ در طی سال‌های اخیر این مسئله را درهم و برهم کرده‌اند. اما استادان واقعی چی‌گونگ، استادان چی‌گونگی که راه را آماده کردند، هرگز به شما نگفتند که بیماری‌های دیگران را شفا دهید. آن‌ها فقط به شما آموزش دادند که چگونه تمرین کنید تا خودتان را شفا دهید و سالم بمانید. شما یک فرد عادی هستید، آیا فکر می‌کنید می‌توانید بعد از آموزش چند روزه، بیماری‌ها را معالجه کنید؟ آیا آن‌ها مردم را فریب نمی‌دهند؟ آیا این به وابستگی‌های شما خوراک نمی‌دهد؟ آن، کسب شهرت و نفع شخصی است، آن، طلب کردن چیزی فوق‌طبیعی برای نمایش در بین مردم عادی است! این مطلقاً ممنوع است. این دلیل آن است که چرا برخی از افراد هرچه بیشتر در طلب چیزی باشند، کمتر آن‌را به دست خواهند آورد. شما مجاز نیستید آن‌طور عمل کنید و اجازه ندارید به سادگی روش کارها در جامعه‌ی مردم عادی را به هم بزنید.

اصلی در این جهان وجود دارد، وقتی بخواهید به خود واقعی اولیه‌تان برگردید، دیگران به شما کمک خواهند کرد. آن‌ها معتقدند که یک انسان به جای این که در محیط مردم عادی باقی بماند باید برگردد. اگر نژاد بشری از تمام بیماری‌ها رها می‌شد و در کمال آسایش زندگی می‌کرد، حتی اگر به شما فرصتی داده می‌شد که موجودی آسمانی شوید، تمایلی نمی‌داشتید. شما هیچ بیماری نمی‌داشتید، هیچ سختی نمی‌داشتید و هرچه را که می‌خواستید می‌داشتید، آیا عالی نمی‌بود؟ آن واقعاً شبیه دنیای موجودات آسمانی می‌بود. اما به دلیل بد شدن شما است که تا این سطح سقوط کرده‌اید، به همین جهت آسوده نخواهید بود. وقتی انسان‌ها در توهم هستند به راحتی می‌توانند کارهای بد انجام دهند. این در بودیسم عقوبت کارمایی نامیده می‌شود. بنابراین معمولاً وقتی برای مثال مردم بدبختی‌هایی دارند یا چیزهای

بدی اتفاق می‌افتد، توسط عقوبت کارمایی در حال بازپرداخت کارمای‌شان هستند. در بودیسم می‌گویند که بوداها در همه جا وجود دارند. با حرکت دست یک بودا، تمام بیماری‌های نژاد بشری می‌توانست پاک شود و آنان قطعاً توانایی انجام این کار را دارند. پس با وجود آن همه بودا در اطراف، چرا هیچ‌کدام از آن‌ها این کار را انجام نمی‌دهند؟ مردم مجبورند که این چنین زجر بکشند زیرا به‌خاطر انجام کارهای بد در گذشته، قرض‌هایی را بده‌کار هستند و اگر بیماری آن‌ها را شفا دهید درست مثل این است که قوانین جهان را نقض کرده‌اید، مثل این است که اجازه داده‌اید که او کارهای بدی انجام دهد و اجازه داده‌اید که آن‌چه را که بده‌کار است بازپردازد و این مجاز نیست. این دلیل آن است که چرا هر کسی وضعیت جامعه‌ی عادی بشری را حفظ می‌کند و هیچ‌کسی آن‌را به هم نمی‌زند. هیچ چیز جز تزکیه نمی‌تواند باعث شود که حس بسیار خوبی داشته باشید، از بیماری‌ها آزاد باشید و آزادی واقعی را برای شما بیاورد! این که کاری کنید مردم روشی درست را تزکیه کنند، نجات واقعی همه‌ی موجودات ذی‌شعور است.

چرا تعدادی از استادان چی‌گونگ می‌توانند بیماری‌ها را معالجه کنند؟ و چرا آن‌ها شفا دادن بیماری‌ها را به مردم آموزش می‌دهند؟ ممکن است برخی از شما در این باره اندیشیده باشید. اکثر آن استادان چی‌گونگ کار درستی نمی‌کنند. استادان واقعی چی‌گونگ در طی دوره‌ی تزکیه‌شان می‌بینند که همه‌ی موجودات ذی‌شعور در حال زجر کشیدن هستند و از روی نیک‌خواهی، از روی ترحم به مردم کمک می‌کنند. این مجاز است. اما آن‌ها نمی‌توانند بیماری‌ها را شفا دهند، فقط می‌توانند آن‌ها را به‌طور موقت سرکوب کنند یا به تعویق بیندازند. از آن‌جا که بیماری‌های شما را به زمانی دیگر موکول می‌کنند، در حال حاضر آن‌ها را ندارید، اما بعداً به آن‌ها مبتلا می‌شوید. آن‌ها بیماری‌ها را به جایی دیگر یا به بدن وابستگان‌تان منتقل می‌کنند. اما وقتی به از بین بردن واقعی کارما برای شما می‌رسد، آن‌ها نمی‌توانند آن‌را انجام دهند و آن‌ها اجازه ندارند که همین‌طوری بروند و آن کار را برای مردم عادی انجام دهند. آن فقط برای تزکیه‌کنندگان می‌تواند انجام شود. دلیل آن این است.

معنی گفته‌ی بودیستی "نجات تمام موجودات ذی‌شعور"، این است که شما از وضعیت انسان‌های عادی، که فلاکت‌بارترین است بیرون آورده شوید و به سطوح بالاتر برده شوید به‌طوری که هرگز دوباره زجر نکشید و آزاد شوید. این منظور آن‌ها است. آیا شاکيامونی از نیروانا، "ساحلی دیگر" سخن نگفت؟ این معنای واقعی نجات همه‌ی موجودات ذی‌شعور است. اگر شما از یک زندگی عادی پر از ناز و نعمت لذت می‌بردید و پول زیادی می‌داشتید، حتی تشک شما با پول پر می‌شد و اگر یک ذره هم زجر نمی‌کشیدید، در آن صورت حتی اگر به شما فرصتی داده می‌شد، نمی‌خواستید که یک موجود آسمانی شوید. راه زندگی شما می‌تواند تغییر داده شود زیرا یک تزکیه‌کننده هستید و فقط از طریق عمل تزکیه است که آن می‌تواند تغییر داده شود.

طرز کار توانایی فوق‌طبیعی آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع این‌طور است که در روی پیشانی چیزی شبیه یک صفحه‌ی کوچک تلویزیون وجود دارد. برای بعضی از اشخاص، آن در منطقه‌ی پیشانی و برای عده‌ای نزدیک پیشانی است و برای بعضی از افراد دیگر هم داخل پیشانی است. بعضی از افراد می‌توانند چیزها را با چشم‌های بسته ببینند. اگر توانایی بسیار قوی باشد، شخص می‌تواند چیزها را با چشم‌های باز ببیند. دیگران نمی‌توانند آن‌را مشاهده کنند، زیرا به هر حال، آن چیزی در محدوده‌ی میدان بُعدی فرد است. به عبارت دیگر، اگر شخص بخواهد آن‌ها را در چشم سومش ببیند، وقتی این توانایی فوق‌طبیعی ظاهر می‌شود، باید توانایی دیگری وجود داشته باشد که مثل یک حامل، صحنه‌هایی از بُعدهای دیگر که دیده می‌شود را منعکس کند. او می‌تواند آینده و گذشته‌ی یک فرد را ببیند و آن‌ها را با دقت زیادی ببیند. او می‌تواند آن‌ها را واقعاً به‌طور واضح ببیند و حتی سال و جزئیات چگونگی اجرا شدن وقایع را ببیند، زیرا آن‌چه که او می‌بیند انعکاس‌های واقعی مردم و اشیاء در بُعدهای دیگر است. در مقابل، افرادی که فال‌بینی می‌کنند، هر قدر هم آن‌را به‌خوبی انجام دهند، نمی‌توانند چیزهای کوچک یا جزئیات یک واقعه را بگویند.

تا آن‌جا که کسی فالون دافا را تزکیه کند، چشم سوم او را باز خواهیم کرد. اما برخی از توانایی‌های فوق‌طبیعی دیگری را که اشاره کردیم در دسترس نخواهیم گذاشت. همان‌طور که سطح شما پیوسته رشد می‌کند، توانایی آگاهی

پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع به‌طور طبیعی ظاهر خواهد شد. شما آن را بعداً در عمل تزکیه‌تان تجربه کرده و وقتی آن توانایی آشکار شود خواهید فهمید چه اتفاقی خواهد افتاد. به همین جهت، ما این اصول و فایده را آموزش داده‌ایم.

رفتن به فراسوی پنج عنصر و سه قلمرو

منظور از "رفتن به فراسوی پنج عنصر و سه قلمرو" چیست؟ این موضوعی بسیار حساس برای بحث است. تعداد زیادی از استادان چی‌گونگ قبلاً در مورد این موضوع سخن گفته‌اند و در جواب سؤال‌های کسانی که به چی‌گونگ اعتقاد نداشتند زبان‌شان بند آمده است - "کدام یک از شما که چی‌گونگ را تمرین کرده‌اید به فراسوی پنج عنصر رفته‌اید و در سه قلمرو باقی نمانده‌اید؟" بعضی افراد استاد چی‌گونگ نیستند و به خود عنوان استادی چی‌گونگ داده‌اند. اگر نمی‌توانند این موضوع را تشریح کنند، لازم است ساکت باشند. اما با این حال، هنوز جرأت می‌کنند درباره‌ی این موضوع صحبت کنند و در نتیجه دیگران با سؤال‌های‌شان آن‌ها را مجبور به سکوت می‌کنند. این باعث صدمات بزرگی به جامعه‌ی تزکیه‌کنندگان شده و هرج و مرج زیادی را به‌وجود آورده است. بعضی‌ها از این فرصت برای حمله به چی‌گونگ استفاده می‌کنند. "رفتن به فراسوی پنج عنصر و سه قلمرو" گفته‌ای در جامعه‌ی تزکیه‌کنندگان است و از مذاهب می‌آید. آن محصولی از مذاهب است. به همین جهت نمی‌توانیم بدون این که سابقه‌ی تاریخی و محیط آن زمان را در نظر داشته باشیم درباره‌ی این موضوع صحبت کنیم.

رفتن به فراسوی پنج عنصر چه معنایی دارد؟ فیزیک چینی باستان ما و فیزیک نوین ما تئوری چینی پنج عنصر را درست می‌پندارد. این حقیقت دارد که پنج عنصر فلز، چوب، آب، آتش و خاک چیزهای بسیار زیادی را در جهان ما شکل می‌دهند. به همین جهت، ما درباره‌ی تئوری پنج عنصر سخن خواهیم گفت. اگر گفته شود که شخصی به فراسوی پنج عنصر رفته، به زبان امروزی ما این معنی را می‌دهد که او به فراسوی جهان مادی ما رفته است. به نظر کمی غیرقابل تصور می‌آید. اما بیایید درباره‌ی چیزی بیندیشیم. استادان چی‌گونگ گوناگون دارند. من در آزمایشی شرکت کرده و خیلی از استادان چی‌گونگ نیز برای اندازه‌گیری انرژی‌شان مورد آزمایش قرار گرفته‌اند. بسیاری از دستگاه‌های امروزی می‌توانند عناصر مادی را در گوناگون شناسایی کنند. یعنی، اگر دستگاه‌های درستی وجود داشته باشند، عناصر ساطع شده از استادان چی‌گونگ می‌توانند شناسایی شوند. دستگاه‌های امروزی می‌توانند چیزهایی مثل اشعه‌های مادون قرمز، اشعه‌های ماورای بنفش، امواج مافوق صوت، امواج مادون صوت، الکتروسیته، نیروی مغناطیسی، اشعه‌های گاما، اتم‌ها و نوترون‌ها را شناسایی کنند. استادان چی‌گونگ همگی این اشکال ماده را دارند و برخی دیگر از اشکال ماده که توسط استادان چی‌گونگ ساطع می‌شوند نمی‌توانند شناسایی شوند، چراکه دستگاهی برای شناسایی آن‌ها وجود ندارد. اما تا آن‌جا که دستگاه درستی داشته باشید، این‌ها می‌توانند شناسایی شوند و آن‌ها کشف کرده‌اند که ماده‌ی ساطع شده توسط استادان چی‌گونگ بی‌نهایت غنی است.

در اثر یک میدان بخصوص مغناطیسی، استادان چی‌گونگ می‌توانند یک هاله‌ی نورانی بسیار زیبا و قدرتمندی را پخش کنند. هرچه قدرت انرژی یک شخص بیشتر باشد، به همان نسبت میدان انرژی بزرگ‌تری را پخش می‌کند. یک فرد عادی نیز یک هاله دارد، اما آن بسیار کوچک و ضعیف است. افرادی که در زمینه‌ی فیزیک انرژی بالا تحقیق می‌کنند، در مورد انرژی به‌صورت چیزهایی که شبیه نوترون‌ها و اتم‌ها هستند می‌اندیشند. بسیاری از استادان چی‌گونگ، از جمله آن‌هایی که شناخته‌شده هستند، مورد آزمایش قرار گرفته‌اند. من نیز مورد آزمایش قرار گرفته‌ام و پی بردم که هشتاد تا صد و هفتاد بار بیشتر از تشعشع ماده‌ی معمولی، اشعه‌ی گاما و نوترون‌های حرارتی ساطع کردم. در آن نقطه، عقربه‌ی دستگاه آزمایش به انتهای درجه‌ی خود رسید و چون عقربه‌ی دستگاه به انتهای درجه‌ی خود رسید نتوانستند بگویند که دقیقاً چه قدر قوی بود. تصور کنید، نوترون‌هایی به این قدرت - این باورنکردنی است! چگونه

یک نفر می‌توانست نوترون‌هایی به این قدرت ساطع کند؟ این ثابت می‌کند که ما استادان چی‌گونگ، گونگ داریم، این ثابت می‌کند که ما انرژی داریم. این توسط جامعه‌ی علمی و فنی مورد تایید قرار گرفته است.

رفتن به فراسوی پنج عنصر، فقط در روشی که هر دوی بدن و ذهن‌تان را تزکیه می‌کند اتفاق می‌افتد. آن قسمتی از روش‌هایی که هر دوی بدن و ذهن را تزکیه نمی‌کنند نیست. آن‌ها فقط گونگ را که سطوح را تعیین می‌کند رشد می‌دهند و بدن را تزکیه نمی‌کنند، بنابراین درباره‌ی رفتن به فراسوی پنج عنصر صحبت نمی‌کنند. در روش‌هایی که هر دوی بدن و ذهن را تزکیه می‌کنند، انرژی شخص در تمام سلول‌های بدن او ذخیره می‌شود. انرژی‌ای که یک تمرین‌کننده معمولی چی‌گونگ آزاد می‌کند یا انرژی‌ای که شخصی که به تازگی گونگ او شروع به رشد کرده آزاد می‌کند، ذرات بزرگی داشته، بین آن‌ها فاصله بوده و تراکم آن‌ها کم است و در نتیجه قدرت کمی دارد. وقتی که سطح شخص بالاتر می‌رود، امکان این وجود دارد که تراکم انرژی او صد برابر، هزار برابر، یا صد میلیون برابر بالاتر از تراکم مولکول‌های معمولی آب باشد. این بدین دلیل است که هرچه سطح یک فرد بالاتر رود، انرژی او متراکم‌تر، ذرات آن ظریف‌تر و قدرت آن بیشتر می‌شود. تحت چنان شرایطی، انرژی در هر یک از سلول‌های بدن ذخیره می‌شود و نه تنها در هر یک از سلول‌های بدن در این بُعد مادی ما، بلکه در تمام بدن‌ها در بُعد‌های دیگر ذخیره می‌شود- مولکول‌ها، اتم‌ها، پروتون‌ها و الکترون‌ها و تمام مسیر تا سلول‌های بی‌نهایت ریز، همگی با آن انرژی، پر می‌شوند. با گذشت زمان، بدن شخص کاملاً با آن ماده‌ی با انرژی بالا پر می‌شود.

آن ماده‌ی با انرژی بالا، هوش داشته و بسیار توانا است. زمانی که اندازه‌ی آن افزایش یافته و متراکم شود و پس از این که تمام سلول‌ها در بدن یک شخص را پر کند، می‌تواند سلول‌های گوشتی او را، آن سلول‌های با کمترین توانایی را از کار باز دارد. همین که سلول‌ها مهار شوند، هیچ سوخت و سازی وجود نخواهد داشت و در مرحله‌ای، به‌طور کامل جایگزین سلول‌های گوشتی انسان می‌شود. البته گفتن این آسان است اما تزکیه کردن تا آن مرحله روندی تدریجی و آهسته است. وقتی تا آن مرحله تزکیه کرده باشید، ماده‌ی با انرژی بالا جایگزین تمام سلول‌های بدن شما شده است. پس درباره‌ی آن بیندیشید، آیا هنوز هم بدن شما از پنج عنصر تشکیل شده است؟ آیا آن هنوز هم ماده‌ای متعلق به این بُعد است؟ آن از ماده‌ی با انرژی بالا، جمع شده از بُعد‌های دیگر ساخته شده است. اجزای تقوا نیز ماده هستند که در بُعد‌های دیگر وجود دارند و آن به‌وسیله‌ی میدان زمانی بُعدی که ما در آن هستیم محدود نمی‌شود.

امروزه دانشمندان معتقدند که زمان میدان‌هایی دارد و وقتی چیزی در محدوده‌ی یک میدان زمانی نباشد، توسط آن زمان محدود نمی‌شود. مفهوم زمان- مکان در بُعد‌های دیگر با مفهوم زمان- مکان این‌جا متفاوت است. چگونه زمان این‌جا می‌تواند روی ماده از بُعد‌های دیگر تأثیر بگذارد؟ هیچ تأثیری روی آن ندارد. پس درباره‌ی آن بیندیشید: بدین طریق آیا به ورای پنج عنصر نرفته‌اید؟ آیا بدن شما هنوز هم یک بدن انسان عادی است؟ به هیچ‌وجه. اما مردم عادی نمی‌توانند فرق آن‌را ببینند. حتی اگرچه بدن شما تا این حد تغییر کرده است، اما این هنوز پایان تزکیه‌ی شما نیست. هنوز نیاز دارید که سطوح بیشتری را پشت سر گذارید و به‌سوی درجات بالاتر تزکیه کنید. در نتیجه هنوز هم باید در بین مردم عادی تزکیه کنید و اگر مردم نمی‌توانستند شما را ببینند، عملی نمی‌بود.

بعد از آن چه اتفاقی خواهد افتاد؟ در جریان تزکیه‌تان، اگرچه ماده‌ی با انرژی بالا جایگزین تمام سلول‌های مولکولی شما می‌شود، اما اتم‌ها باید ساختمان ترکیبی خود را داشته باشند و ساختمان ترکیبی مولکول‌ها و هسته‌های اتم نیز تغییر نمی‌کنند. ساختمان ترکیبی مولکول‌های سلول‌ها به شکلی هستند که هنگام لمس کردن، نرم می‌باشند؛ ساختمان ترکیبی مولکول‌های استخوان‌ها تراکم بالایی دارند و هنگام لمس کردن سخت هستند؛ تراکم مولکول‌های خون بسیار پایین بوده و بنابراین مایع است. یک فرد عادی از روی ظاهر نمی‌تواند بگوید که تغییراتی وجود داشته است. سلول‌های مولکولی هنوز ساختار و ساختمان ترکیبی پیشین خود را حفظ می‌کنند. بنابراین ساختمان ترکیبی آن‌ها تغییر نکرده است، اما انرژی داخل آن تغییر کرده است و این دلیل آن است که چرا از آن مرحله به بعد به‌طور

طبیعی پیر نمی‌شوید و سلول‌های شما نمی‌میرند، از این رو برای همیشه جوان باقی خواهید ماند. در طول تزکیه‌تان جوان به نظر می‌آیید و در نهایت به مرحله‌ای می‌رسید که بیش از این پیر نمی‌شوید.

البته اگر بدنی مانند آن با ماشینی تصادف کند، استخوان‌ها هنوز ممکن است بشکنند و اگر با چاقو بریده شود، هنوز ممکن است خونریزی کند. زیرا ساختمان ترکیبی مولکول‌های آن تغییر نکرده است. فقط این‌طور است که سلول‌ها به‌طور طبیعی نمی‌میرند، به‌طور طبیعی پیر نمی‌شوند و هیچ‌گونه سوخت و سازی وجود نخواهد داشت. منظور ما از "رفتن به فراسوی پنج عنصر" این است. چه خرافاتی در آن وجود دارد؟ آن‌را می‌توان با تئوری علمی توضیح داد. اما بعضی افراد با این که نمی‌توانند آن‌را توضیح دهند، اما آزادانه در مورد آن صحبت می‌کنند و در نتیجه دیگران می‌گویند که ما خرافات را ترویج می‌دهیم. این عبارتی است که از مذاهب می‌آید و توسط چی‌گونگ امروزی ساخته نشده است.

"خارج شدن از سه قلمرو" چیست؟ همان‌طور که اخیراً گفتم کلید رشد گونگ شما این است: شما شین‌شینگ خود را تزکیه می‌کنید و جذب سرشت جهان می‌شوید، سپس سرشت جهان شما را دیگر محدود نمی‌کند، شین‌شینگ شما رشد می‌کند و عناصر تقوا به گونگ تبدیل می‌شود که به‌طور پیوسته رشد می‌کند، بالا می‌رود و سپس وقتی تا سطح بالایی صعود کند، یک ستون گونگ را شکل می‌دهد. هر اندازه این ستون گونگ بالاتر باشد، به همان نسبت نیز سطح انرژی گونگ شما بالا است. گفته‌ای وجود دارد، "دافا بی‌حد و مرز است". چگونگی پیشرفت تزکیه‌ی شما تماماً به ذهن شما بستگی دارد. این که تا چه ارتفاعی می‌توانید تزکیه کنید، همگی بستگی به توانایی بردباری شما و توانایی شما در تحمل سختی‌ها دارد. اگر ماده‌ی سفید خودتان مصرف شود، می‌توانید ماده‌ی سیاه خود را از طریق تحمل سختی‌ها به ماده‌ی سفید تبدیل کنید. اگر هنوز هم کافی نباشد، می‌توانید گونگ خود را از طریق تحمل گناهان اعضای خانواده یا دوستان خوب‌تان که تزکیه نمی‌کنند افزایش دهید. این فقط برای افرادی به کار می‌رود که تا سطح بی‌نهایت بالایی تزکیه کرده‌اند. وقتی یک شخص معمولی تزکیه می‌کند نباید درباره‌ی تحمل کردن گناهان اعضای خانواده‌اش فکر کند، زیرا با چنان کارمای بی‌اندازه بزرگی، یک شخص عادی نمی‌تواند در تزکیه موفق شود. آن‌چه را که این‌جا درباره‌ی آن‌ها صحبت می‌کنم اصول سطوح مختلف هستند.

سه قلمرو که در برخی از مذاهب مطرح شده است به نه سطح از آسمان یا سی و سه سطح از آسمان اشاره می‌کند، به عبارت دیگر، آسمان، زمین و زیرزمین و تمام موجودات زنده در آن‌ها، سه قلمرو را تشکیل می‌دهند. آن‌ها می‌گویند که تمام چیزهای زنده در سی و سه سطح آسمان مجبورند از میان دایره‌ی بازپیدایی عبور کنند. بازپیدایی به این معنی است که درحالی که شخصی در این زندگی یک انسان است ممکن است در زندگی دیگر یک حیوان شود. در بودیسم گفته می‌شود که شخص باید قدر سال‌هایی را که در این زندگی دارد بداند و اگر حالا تزکیه نکند، پس چه وقت تزکیه خواهد کرد؟ آن‌ها این را می‌گویند، زیرا حیوانات اجازه ندارند که تزکیه کنند و اجازه ندارند که فا گوش دهند و حتی اگر تزکیه هم کنند، نمی‌توانند به ثمره‌ی حقیقی نائل شوند. اگر سطح گونگ آن‌ها به حد بالایی برسد، توسط آسمان هلاک خواهند شد. شاید نتوانید یک بدن انسانی را در عرض چند صد سال به‌دست آورید، شاید بعد از هزار سال یکی را به‌دست آورید. وقتی هم که یک بدن انسانی را به‌دست آوردید، حتی نمی‌دانید که چگونه به آن ارزش بگذارید. اگر به صورت یک تکه سنگ بازپیدا شوید، قادر نخواهید بود بعد از ده هزار سال از آن بیرون بیایید. اگر آن تکه سنگ شکسته نشود و یا بر اثر تغییرات جوی از بین نرود، هرگز قادر به خروج از آن نخواهید شد. به‌دست آوردن یک بدن انسانی بسیار سخت است! اگر شخصی واقعاً بتواند دافا را کسب کند، درحقیقت بسیار خوشبخت است. به‌دست آوردن یک بدن انسانی بسیار سخت است، آن‌ها این را این‌گونه می‌بینند.

در عمل تزکیه درباره‌ی سطوح صحبت می‌کنیم. سطح شما کاملاً به تزکیه‌ی شما بستگی دارد. اگر می‌خواهید به ورای سه قلمرو بروید، اگر ستون گونگ شما تا سطح بسیار بسیار بالایی تزکیه شده باشد، آیا به فراسوی سه قلمرو نرفته‌اید؟ زمانی که برخی از افراد درحال مدیتیشن هستند روح اصلی آن‌ها بدن‌شان را ترک می‌کند و بلافاصله به یک

سطح بسیار بالایی می‌رسد. تمرین‌کننده‌ای در گزارش تجربه‌اش برای من نوشت، "معلم، من به خیلی از سطوح آسمان صعود کرده‌ام و صحنه‌هایی را مشاهده کرده‌ام". به او گفتم که بالاتر برو. او گفت، "نمی‌توانم. جرأت نمی‌کنم بالاتر بروم، نمی‌توانم بیشتر از این بالا بروم". چرا آن‌طور بود؟ زیرا ستون گونگ او فقط به همان اندازه بود و بر اثر نشستن بر ستون گونگ توانسته بود به آن‌جا برسد. "ثمره"، که در بودیسم از آن صحبت شده است این است. او تا آن ثمره، تزکیه کرده بود. اما برای یک تزکیه‌کننده، این هنوز قله‌ی ثمره‌ی او نیست، زیرا او به‌طور پیوسته به بالا حرکت می‌کند، به‌طور پیوسته صعود می‌کند و به‌طور پیوسته خود را رشد می‌دهد. وقتی ستون گونگ شما به ورای حد و مرز سه قلمرو برسد، آیا در فراسوی سه قلمرو نخواهید بود؟ ما یک‌بار آن‌را بررسی کردیم و پی بردیم که سه قلمرویی که مذاهب دربار‌ه‌ی آن صحبت می‌کنند فقط در محدوده‌ی نه سیاره‌ی اصلی ما قرار دارد. برخی از افراد می‌گویند که ده سیاره‌ی اصلی وجود دارد. می‌توانم بگویم که آن اصلاً حقیقت ندارد. دریافته‌ام که ستون گونگ بعضی از استادان چی‌گونگ گذشته به ورای راه شیری رسیده بود. آن‌ها کاملاً بالا بودند و بسیار بالاتر از سه قلمرو رفته بودند. بنابراین این "رفتن به فراسوی سه قلمرو" که درباره‌ی آن صحبت کردم درواقع موضوعی درباره‌ی سطوح است.

موضوع در طلب بودن

بسیاری از افراد با وابستگی در طلب چیزی بودن به محل تزکیه‌ی ما می‌آیند. بعضی افراد در اشتیاق کسب توانایی‌های فوق‌طبیعی هستند؛ برخی از افراد می‌خواهند به بعضی از تئوری‌ها گوش دهند؛ عده‌ای می‌خواهند بیماری‌های‌شان شفا یابد؛ عده‌ای هم قصد به‌دست آوردن فالون را دارند. همه نوع طرز تفکری وجود دارد. افرادی نیز هستند که می‌گویند، "در خانواده‌ی من کسی هست که نتوانسته در سخنرانی شرکت کند. من برای آموزش مبلغی می‌پردازم. خواهش می‌کنم به او یک فالون بدهید". آن، نسل‌های بسیار زیادی از ما زمان برده است و از میان چنین سال‌های زیادی منتقل شده است - اگر تعداد آن‌را به شما می‌گفتم شوکه می‌شدید - آن در دوران‌های بسیار دور شکل گرفت. آیا شما می‌خواهید مقداری پول بدهید تا یک فالون بخرید؟ پس چرا می‌توانیم آن‌را بدون شرط به همه‌ی شما بدهیم؟ به این خاطر که می‌خواهید تزکیه‌کننده باشید. این قلب را نمی‌توان با هیچ قیمتی خرید. فقط زمانی که سرشت بودایی شما ظاهر می‌شود می‌توانیم این کار را بدین طریق انجام دهیم.

شما همیشه می‌خواهید چیزهایی را به‌دست بیاورید. آیا فقط برای این منظور این‌جا آمده‌اید؟ فاشن من در بُعدی دیگر هرچه را که در مغزتان می‌گذرد می‌داند، زیرا مفهوم آن دو زمان - مکان متفاوت است. در بُعدهای دیگر روند شکل گرفتن افکار شما بسیار آرام است. حتی قبل از این که به چیزی فکر کنید، فاشن، آن‌را می‌داند. به همین جهت، باید به تمام افکار نادرست خود خاتمه دهید. مدرسه‌ی بودا به رابطه‌ی تقدیری معتقد است. هر کسی به‌خاطر رابطه‌ی تقدیری به این‌جا آمده است. بنابراین اگر آن‌را به‌دست می‌آورید، پس شاید قرار است که آن‌را به‌دست آورید. این دلیل آن است که چرا باید به آن ارزش گذارید و نباید در طلب چیزی باشید.

در عمل تزکیه‌ی مذهبی در زمان‌های گذشته، مدرسه‌ی بودا خالی بودن را آموزش داد - فکر نکردن به هیچ چیز و وارد شدن به دروازه‌ی خالی بودن. مدرسه‌ی دائو هیچ بودن را آموزش داد - هیچ چیزی نداشتن، هیچ چیزی نخواستن و در طلب چیزی نبودن. یک تزکیه‌کننده بر این باور است که باید بدون این که توجه خود را صرف به‌دست آوردن گونگ کند فقط روی تزکیه کردن تمرکز کند. بنابراین شما در حالتی آزاد از قصد تزکیه می‌کنید و فقط روی تزکیه‌ی شین‌شینگ خود تمرکز می‌کنید، سپس سطوح را پشت سر گذاشته و قطعاً هر چیزی را که باید داشته باشید خواهید داشت. اگر نتوانید چیزی را رها کنید، آیا آن یک وابستگی نیست؟ ما این‌جا درحال آموزش چنین فای سطح بالایی هستیم، پس البته الزامات برای شین‌شینگ شما بالا است. این دلیل آن است که چرا نمی‌توانید برای یادگیری فا، با وابستگی طلب بیاید.

برای این که در مقابل شما مسئول باشیم، شما را به راهی درست راهنمایی می‌کنیم. به همین جهت لازم است این فا کاملاً به شما آموزش داده شود. وقتی کسی در طلب چشم سوم است، ممکن است آن به خودی خود مسدود و مهر و موم شود. همچنین، به همگی شما می‌گوییم که تمام توانایی‌های فوق‌طبیعی که فرد در تزکیه‌ی فای دنیای سه‌گانه رشد می‌دهد توانایی‌های مادرزادی این بدن فیزیکی هستند. امروزه مردم آن‌ها را توانایی‌های فوق‌طبیعی می‌نامند. آن‌ها فقط می‌توانند در این بُعد ما تأثیری داشته باشند و روی مردم عادی عمل کنند. برای چه در جستجوی آن توانایی‌های ناچیز و مهارت‌های پیش پا افتاده هستید؟ شما می‌خواهید و می‌خواهید، اما بعد از این که به ورای فای دنیای سه‌گانه برسید، آن‌ها هیچ تأثیری در بُعدهای دیگر ندارند. وقتی به ورای تزکیه‌ی فای دنیای سه‌گانه بروید، تمام آن توانایی‌های فوق‌طبیعی باید کنار گذاشته شوند، آن‌ها در بُعدی بسیار عمیق فشرده می‌شوند و آن‌جا نگهداری می‌شوند. در آینده، آن‌ها فقط به‌عنوان سابقه‌ای از مسیر تزکیه‌تان عمل کرده و تمام کاری که انجام می‌دهند این است.

بعد از این که یک شخص به ورای فای دنیای سه‌گانه می‌رود باید دوباره تزکیه را شروع کند. بدنی که او دارد همانند چیزی است که درباره‌ی آن صحبت کردم، بدنی که به فراسوی پنج عنصر رفته است. آن یک بدن بودا است. آیا چنان بدنی را یک بدن بودا نمی‌نامید؟ آن بدن بودا باید دوباره از اول تزکیه کند و دوباره توانایی‌های فوق‌طبیعی را رشد دهد. اما آن‌ها "توانایی‌های فوق‌طبیعی" نامیده نمی‌شوند، آن‌ها "قدرت‌های خدایی فای بودا" نامیده می‌شوند. قدرت آن‌ها بی حد و مرز است و می‌توانند در هر بُعدی عمل کرده و واقعاً مؤثر باشند. پس به من بگویید، چه فایده‌ای دارد که در طلب توانایی‌های فوق‌طبیعی باشید؟ همه‌ی شما افرادی که به دنبال توانایی‌های فوق‌طبیعی هستید، آیا نیت شما این نیست که از آن‌ها در بین مردم عادی استفاده کنید، که آن‌ها را بین مردم عادی نشان دهید؟ اگر این‌طور نیست، برای چه آن‌ها را می‌خواهید؟ آن‌ها نمی‌توانند دیده شوند و نمی‌توانند لمس کرده شوند... حتی اگر بخواهید از آن‌ها برای دکوراسیون استفاده کنید، آیا بهتر نیست چیزی را پیدا کنید که ظاهر خوبی داشته باشد؟ می‌توانم تضمین کنم که به‌طور ناخودآگاه قصد دارید از آن‌ها استفاده کنید. آن‌ها را نمی‌توان به‌عنوان مهارت‌های مردم عادی طلب کرد. آن‌ها تماماً فوق‌طبیعی هستند و شما مجاز نیستید بروید و آن‌ها را در بین مردم عادی به نمایش بگذارید. خود نمایش دادن یک وابستگی بسیار قوی است، یک نقص شین‌شینگ بوده و یک میل است که یک تزکیه‌کننده باید از آن رهایی یابد. اگر می‌خواهید به‌وسیله‌ی آن‌ها صاحب پول و دارایی شوید، یا اگر در آرزوی رسیدن به اهداف شخصی‌تان در بین مردم عادی هستید، پس این حتی بدتر است. آن استفاده کردن از چیزهای سطح بالاتر برای به هم زدن روش کارها در جامعه‌ی مردم عادی و برای آسیب رساندن به جامعه‌ی مردم عادی خواهد بود. آن افکار حتی بدتر هستند. به همین جهت آن‌ها نمی‌توانند هر وقت که خواستید مورد استفاده قرار گیرند.

معمولاً احتمال رشد توانایی‌های فوق‌طبیعی در دو گروه از مردم بیشتر است: کودکان و مسن‌ها. مخصوصاً در خانم‌های مسن، چراکه معمولاً از شین‌شینگ خوبی برخوردار هستند و وابستگی‌های مردم عادی زیادی ندارند. بعد از رشد توانایی‌های فوق‌طبیعی، احتمال آن زیاد است که بتوانند خود را به‌خوبی اداره کرده و تمایلی برای به نمایش گذاشتن آن‌ها نداشته باشند. چرا برای افراد جوان مشکل است که توانایی‌های فوق‌طبیعی را رشد دهند؟ مردان جوان، بیشتر از دیگران، هنوز هم می‌خواهند کوشش کنند به بعضی اهداف در جامعه‌ی مردم عادی برسند! وقتی توانایی‌های فوق‌طبیعی را به‌دست بیاورند، از آن‌ها برای رسیدن به اهداف‌شان استفاده می‌کنند، آن‌ها را شبیه مهارت‌هایی برای تحقق بخشیدن به اهداف‌شان در نظر می‌گیرند. اما این مطلقاً ممنوع است. این دلیل آن است که چرا توانایی‌های فوق‌طبیعی آن‌ها رشد نمی‌کند.

عمل تزکیه بازی بچه‌گانه نیست، مهارت مردم عادی نیست، آن واقعاً جدی است. این که بخواهید عمل تزکیه را انجام دهید یا قادر به انجام آن باشید تماماً به این بستگی دارد که چگونه می‌خواهید شین‌شینگ خود را رشد دهید. واقعاً وحشتناک می‌بود اگر کسی عملاً می‌توانست توانایی‌های فوق‌طبیعی را از طریق طلب کردن آن‌ها به‌دست بیاورد.

او را آن‌جا می‌دیدید، "چه تزکیه‌ای؟؟" او کلاً درباره‌ی آن فکر نمی‌کرد و از آن‌جا که شین‌شینگ او یک زیربنای فرد عادی دارد و از آن‌جا که توانایی‌های فوق‌طبیعی خود را از طریق طلب کردن آن‌ها به‌دست آورده، شاید هر نوع کار نادرستی را انجام می‌داد. پول زیادی در بانک موجود است و او مقداری از آن‌ها را کش می‌رفت. تعداد زیادی بلیط بخت‌آزمایی در خیابان به فروش می‌رود و او جایزه‌ی اول را برمی‌داشت. پس چرا این چیزها اتفاق نمی‌افتند؟ بعضی از استادان چی‌گونگ می‌گویند، "فردی که به تقوا اهمیت نمی‌دهد، بعد از این که توانایی‌های فوق‌طبیعی‌اش رشد کرد به راحتی می‌تواند کارهای بد انجام دهد." می‌گوییم که این اشتباه است. اصلاً این‌طور نیست. اگر به تقوا اهمیت ندهید، اگر شین‌شینگ خود را تزکیه نکنید، توانایی‌های فوق‌طبیعی‌تان یک ذره هم رشد نمی‌کنند. افرادی وجود دارند که شین‌شینگ خوبی دارند و در آن سطح، توانایی‌های فوق‌طبیعی‌شان ظاهر می‌شود، اما پس از آن خود را به خوبی اداره نمی‌کنند و کارهایی می‌کنند که نباید انجام می‌دادند. موقعیت‌هایی شبیه این وجود دارد. اما یک‌بار که کارهای بد انجام دهند، توانایی‌های فوق‌طبیعی‌شان ضعیف شده یا از بین می‌روند و یک‌بار که آن‌ها را از دست بدهند، برای همیشه از دست داده‌اند و جدی‌ترین چیز در این رابطه این است که آن می‌تواند وابستگی‌های شما تحریک کند.

برخی از استادان چی‌گونگ می‌گویند که اگر تمرین آن‌ها را در مدت سه یا پنج روز یاد بگیرید، می‌توانید بیماری‌ها را شفا دهید. آن شبیه یک تبلیغ است. آن‌ها باید دلالتان چی‌گونگ نامیده شوند. درباره‌ی این بیندیشید: شما یک فرد عادی هستید، چگونه می‌توانید فقط از طریق آزاد کردن کمی از چی‌خود، بیماری اشخاص دیگر را معالجه کنید؟ بدن یک فرد عادی چی‌دارد، بدن شما نیز چی‌دارد. شما هم‌اکنون شروع به تمرین چی‌گونگ کرده‌اید و فقط این‌طور است که نقطه‌ی طب سوزنی لائوگونگ شما باز است، در نتیجه می‌توانید چی‌را به داخل وارد و از آن خارج کنید. وقتی بیماری‌های دیگران را شفا می‌دهید، بدن آن‌ها نیز چی‌دارد، پس شاید چی‌آن‌ها بیماری‌های شما را شفا دهد! چگونه یک چی‌می‌تواند چی‌دیگر را کنترل کند؟ چی‌نمی‌تواند هیچ مرضی را شفا دهد. به علاوه وقتی یک بیمار را مداوا می‌کنید، شما و آن شخص بیمار میدان واحدی را شکل داده و تمام چی‌مریض بیمار وارد بدن شما می‌شود و به اندازه‌ای که آن شخص بیمار دارد، شما نیز همان مقدار را خواهید داشت. اگرچه ریشه‌ی بیماری در بدن بیمار قرار دارد، اما اگر مقدار زیادی چی‌مریض داشته باشید باعث می‌شود بیمار شوید. یک‌بار که فکر می‌کنید می‌توانید بیماری‌ها را معالجه کنید، شروع به قبول بیماران می‌کنید. هیچ‌کسی را رد نمی‌کنید و وابسته خواهید شد. وقتی بیماری دیگران را شفا می‌دهید بسیار خوشحال خواهید شد! اما چرا می‌توانید آن‌ها را شفا دهید؟ چیزی وجود دارد که متوجه نمی‌شوید: تمام استادان قلابی چی‌گونگ روی بدن‌شان روح یا حیوان تسخیر کننده دارند و برای این‌که شما را به خودشان معتقد کنند، تعدادی پیام انرژی به شما می‌دهند. بعد از این که سه، پنج، هشت، یا ده بیمار را شفا دهید آن‌ها مصرف خواهند شد. آن، نوعی مصرف انرژی است و بعد از آن، این مقدار کم انرژی را نخواهید داشت. شما خودتان گونگ ندارید، از کجا توانستید گونگ به‌دست بیاورید؟ ما استادان چی‌گونگ ده‌ها سال تزکیه کرده‌ایم. در گذشته انجام عمل تزکیه بسیار سخت بود. اگر شخص در یک روش درست پایدار نباشد و در آن تزکیه نکند، اگر در روشی کناری تزکیه کند یا در مسیری کوچک‌تر تزکیه کند، آن‌گاه عمل تزکیه واقعاً سخت خواهد بود.

به آن استادان بزرگ چی‌گونگ که معروف هستند نگاهی بیندازید، آن‌ها ده‌ها سال تزکیه کرده‌اند تا آن مقدار ناچیز گونگ را به‌دست بیاورند. شما تزکیه نکرده‌اید و فکر می‌کنید می‌توانید با رفتن به یک کلاس چی‌گونگ، گونگ به‌دست بیاورید؟ فراموش کنید! و از آن لحظه به بعد وابسته خواهید شد و یک‌بار که وابسته شدید وقتی نتوانید بیماری مردم را معالجه کنید، نگران خواهید شد. وقتی شخصی بیماری را مداوا می‌کند، چه چیزی برای حفظ شهرت در فکرش می‌گذرد؟ "بگذار بیماری او را بگیرم تا بیمار بتواند شفا پیدا کند." آن از روی نیک‌خواهی نیست. او از وابستگی‌اش به شهرت و نفع شخصی یک ذره هم رها نشده است. او قادر نیست یک ذره نیک‌خواهی را رشد دهد. او از این که شهرت خود را از دست دهد وحشت دارد و حتی ترجیح می‌دهد خودش این بیماری را بگیرد ولی وجهه‌ی خود را از دست ندهد. چه وابستگی قدرتمندی به شهرت! وقتی یک‌بار این آرزوی او ظاهر شود، در نتیجه، آن بیماری

در یک آن تبدیل شده و به بدن او منتقل خواهد شد، این واقعاً اتفاق می‌افتد. او با آن بیماری به خانه می‌رود، درحالی که بیمار شفا یافته است. بعد از این که کسی را معالجه کرد به خانه می‌رود و خودش زجر می‌کشد. فکر می‌کنید کسی را شفا داده‌اید و وقتی دیگران شما را "استاد چی‌گونگ" می‌نامند، نسبت به خودتان احساس کاملاً خوبی داشته و از خودراضی می‌شوید. آیا این یک وابستگی نیست؟ و وقتی نتوانید کسی را شفا دهید، سرتان را پایین انداخته و احساس افسردگی می‌کنید. آیا این به‌خاطر وابستگی شما به شهرت و نفع شخصی نیست؟ به‌علاوه، تمام چی‌مریض آن افرادی که شما آن‌ها را معالجه کردید به بدن شما می‌آید. آن استاد قلابی چی‌گونگ ظاهراً به شما آموزش می‌دهد که این یا آن کار را انجام دهید تا آن را خارج کنید، اما به شما می‌گویم، شما اصلاً نمی‌توانید آن را خارج کنید، حتی نمی‌توانید یک ذره از آن را خارج کنید، زیرا توانایی تشخیص چی‌خوب از چی‌بد را ندارید. با گذشت زمان، داخل بدن‌تان کاملاً سیاه خواهد شد و آن کارما است.

وقتی واقعاً تزکیه را شروع می‌کنید، تقریباً سخت خواهد بود. چگونه آن را اداره خواهید کرد؟ چه اندازه باید زجر بکشید تا کارما را به ماده‌ی سفید تبدیل کنید؟ این واقعاً سخت خواهد بود. شخصی با کیفیت مادرزادی خوب به احتمال بیشتری این مشکل را خواهد داشت. بعضی افراد همیشه در جستجوی این توانایی هستند که مردم را شفا دهند، مردم را شفا دهند، مردم را شفا دهند. اما وقتی در طلب چیزهایی هستید، حیوانات آن‌را می‌بینند و سراغ شما می‌آیند. این، تسخیر شدن توسط روح یا حیوان است. "می‌خواهی مردم را شفا دهی؟ به تو کمک می‌کنم تا مردم را شفا دهی." اما آن بدون دلیل به شما کمک نمی‌کند که مردم را شفا دهید. اگر شخص چیزی را از دست ندهد، چیزی را به‌دست نخواهد آورد. این بسیار خطرناک است و در انتها آن‌را به خود جذب می‌کنید. پس از آن چگونه می‌توانید تزکیه کنید؟ شما تباه خواهید شد.

بعضی افراد با کیفیت مادرزادی خوب، کیفیت مادرزادی‌شان را با کارمای دیگران عوض می‌کنند. آن شخص مریض است و کارمای بسیاری دارد. اگر بیماری را که مرضی جدی دارد شفا دهید، وقتی بعد از معالجه‌ی او به خانه می‌روید احساس بسیار بدی خواهید داشت! بسیاری از افرادی که دیگران را معالجه کرده‌اند، این تجربه را دارند، که بیمار سلامت خود را بازمی‌یابد، اما شما به خانه می‌روید و از بیماری شدیدی زجر می‌کشید. با گذشت زمان، کارمای بسیاری خواهید داشت که مبادله شده و به شما منتقل شده است و در ازای کارمای دیگران به آن‌ها تقوا داده‌اید. بدون از دست دادن، چیزی به‌دست نمی‌آید. شما بیماری می‌خواهید، اما در هر حال کارما باید با تقوا مبادله شود. قانونی در این جهان وجود دارد که اگر شما چیزی را بخواهید هیچ کسی نمی‌تواند مانع‌تان شود. کسی هم نخواهد گفت که شما خوب هستید. چیزی وجود دارد که در این جهان تصریح شده است: هر کسی کارمای زیادی داشته باشد فرد بدی است. اما شما کیفیت مادرزادی خود را در ازای کارما با او مبادله می‌کنید و با آن همه کارما چگونه می‌توانید تزکیه کنید؟ تمام کیفیت مادرزادی شما توسط آن شخص از بین خواهد رفت. آیا این ترسناک نیست؟ بیماری آن شخص از بین رفته است؛ او درحال حاضر احساس راحتی دارد، اما شما به خانه رفته و زجر می‌کشید. اگر چند بیمار سرطانی را شفا دهید، مجبور خواهید شد به جای آن‌ها بمیرید. آیا این خطرناک نیست؟ این چیزی است که روی می‌دهد. بسیاری از افراد حقیقت را نمی‌دانند.

ممکن است برخی از استادان قلابی چی‌گونگ کاملاً مشهور باشند، اما "مشهور" بودن به معنی "به‌خوبی آگاه بودن" نیست. مردم عادی چه چیزی را می‌دانند؟ فقط جمعیت را دنبال می‌کنند. آن‌ها ممکن است حالا بتوانند این کارها را انجام دهند، اما نه تنها به دیگران صدمه می‌زنند، بلکه به خودشان هم آسیب می‌رسانند. در یک یا دو سال بعد خواهید دید که برای آنان چه اتفاقی می‌افتد. آسیب رساندن به عمل تزکیه بدین طریق مجاز نیست. عمل تزکیه می‌تواند بیماری‌ها را شفا دهد، اما منظور از آن، شفای بیماری‌ها نیست. این تبحر انسان‌های عادی نیست بلکه چیزی بالاتر است. شما مطلقاً اجازه ندارید بدین شکل به آن آسیب برسانید. این روزها بعضی از استادان قلابی چی‌گونگ همه چیز را به هرج و مرج کشانده‌اند و چی‌گونگ را به‌عنوان راهی برای شهرت یا دارایی مورد استفاده قرار می‌دهند.

آن‌ها سعی در شکل دادن دسته‌های شرور خود می‌کنند تا نفوذ خود را گسترش دهند و تعداد آن‌ها چندین برابر تعداد استادان واقعی چی‌گونگ است. آیا فقط به این دلیل که مردم عادی این‌گونه می‌گویند و به این شکل عمل می‌کنند، شما آن‌ها را باور می‌کنید؟ ممکن است فکر کنید چی‌گونگ بدان صورت است، اما این‌طور نیست. حقیقت آن‌را به شما می‌گویم.

همان‌طور که روابط مختلفی که مردم عادی دارند در حال اجرا است، آن‌ها مجبورند مسئولیت کارهای بدی را که انجام داده‌اند و قرض‌هایی را که به‌خاطر طلب کردن چیزها برای سود رساندن به خود به‌وجود آورده‌اند، به دوش کشیده و تاوان آن‌ها را بپردازند. فرض کنید بروید و کسی را معالجه کنید. حتی اگر واقعاً هم می‌توانستید او را شفا دهید، آیا آن می‌توانست مجاز باشد؟ بوداها همه جا حضور دارند. بوداهای بسیار زیادی وجود دارند، پس چرا هیچ‌یک از آن‌ها چنین کاری را انجام نمی‌دهند؟ آیا این عالی نمی‌بود اگر می‌گذاشتند نژاد بشری در نهایت آسایش زندگی کند! پس چرا این کار را نمی‌کنند؟ مردم مجبورند تاوان کارمای خود را بپردازند و این قانونی است که هیچ کسی جرأت نمی‌کند آن‌را زیر پا بگذارد. یک شخص در طول تزکیه‌ی خود ممکن است از روی نیک‌خواهی گاه و بی‌گاه به دیگران کمک کند. اما تمام کاری که انجام می‌دهد این است که بیماری را کمی به تعویق بیندازد. اگر اکنون زجر نمی‌کشید، بعداً زجر خواهید کشید. یا شاید آن‌را برای شما تبدیل کند، به‌طوری که به جای آن بیماری، پول از دست بدهید یا بدبختی داشته باشید، ممکن است بدین صورت باشد. انجام واقعی آن - از بین بردن کارمای شما در یک آن - چیزی است که فقط می‌تواند برای تزکیه‌کنندگان انجام شود. آن نمی‌تواند برای مردم عادی انجام شود. من این‌جا فقط اصول روش خود را نمی‌گویم. درباره‌ی حقیقت کل جهان صحبت می‌کنم، درباره‌ی این که در اجتماع تزکیه‌کنندگان واقعاً امور چگونه هستند صحبت می‌کنم.

این‌جا به شما آموزش نمی‌دهیم بیماری‌ها را معالجه کنید. ما شما را به راه بزرگ راهنمایی می‌کنیم، به مسیر درست، و شما را تعالی می‌بخشیم. این دلیل آن است که چرا در کلاس‌هایم همیشه می‌گویم که مریدان فالون دافا اجازه ندارند بیماری‌ها را معالجه کنند. اگر بروید و مردم را معالجه کنید، تمرین‌کننده‌ی فالون دافا نخواهید بود. از آن‌جا که ما شما را به راه درست راهنمایی می‌کنیم، در طول تزکیه‌ی فای دنیای سه‌گانه، همیشه در حال پاک کردن بدن شما هستیم، تا این که کاملاً به ماده‌ی با انرژی بالا تبدیل شود. اما شما هنوز هم تمام آن چیزهای سیاه را وارد بدن‌تان می‌کنید، چگونه تزکیه خواهید کرد؟ آن چیزها کارما هستند! شما یک ذره هم نمی‌توانید تزکیه کنید. یک‌بار که آن همه کارما را بگیرید، قادر نخواهید بود آن‌را تحمل کنید و وقتی مجبور باشید که بیش از حد زجر بکشید، نمی‌توانید تزکیه کنید. دلیل آن این است. من این دافا را برای همه‌ی شما عمومی کرده‌ام، اما شاید هنوز هم ندانید در حال آموزش چه چیزی هستیم. از آن‌جا که دافا توانسته به عموم عرضه شود، راه‌هایی برای حفاظت آن وجود دارند. اگر سعی کنید بیماری دیگران را معالجه کنید، فاشن من تمام چیزهای تزکیه را که در بدن شما گذاشته شد، پس خواهد گرفت. شما اجازه ندارید به‌خاطر شهرت و نفع شخصی به چیزهایی به این باارزشی به سادگی آسیب برسانید. اگر شرایط فافا را مراعات نکنید، تمرین‌کننده‌ی فالون دافا نیستید. بدن شما دوباره به سطح یک فرد عادی بازگشته و چیزهای بد را به شما باز خواهیم گرداند، زیرا می‌خواهید یک فرد عادی باشید.

بعد از سخنرانی دیروز، بسیاری از شما احساس کردید که تمام بدن‌تان پر از انرژی بود. اما تعداد کمی از افراد که بیماری‌های جدی داشته، جلوتر از دیگران رفتند و از دیروز شروع به داشتن احساس بدی کردند. دیروز پس از این که چیزهای بد را از بدن شما کُندم، اکثر شما احساس کردید که تمام بدن‌تان پر از انرژی بود و بدن‌تان احساس خیلی خوبی داشت. اما در جهان ما این قانون وجود دارد که، "بدون از دست دادن، چیزی به‌دست نمی‌آید." من نمی‌توانم هر چیزی را برای شما رفع کنم. شما قطعاً باید حداقل چیزهایی را تحمل کنید. به عبارت دیگر، ما علت ریشه‌ای بیماری شما، علت ریشه‌ای ناخوشی شما را از بین برده‌ایم. اما بیماری شما هنوز هم یک میدان دارد. شخصی

که چشم سومش در سطحی پایین باز است می‌تواند ببیند که بدن شما توده‌هایی از چی سیاه، چی بیمار تیره دارد. آن‌ها توده‌های چی سیاه غلیظ با تراکمی بالا هستند و وقتی پراکنده می‌شوند، تمام بدن شما را پر می‌کنند.

از امروز به بعد، بعضی از افراد در تمام بدن‌شان احساس سرما خواهند کرد، مثل این‌که سرماخوردگی بدی گرفته‌اند و استخوان‌های‌شان ممکن است درد کند. اکثر افراد در جایی از بدن‌شان احساس ناپسندی خواهند داشت - پاهای‌شان ممکن است درد کند و سرشان گیج برود. قسمت‌هایی از بدن‌تان که مشکلی داشت و فکر می‌کردید قبلاً به‌وسیله‌ی تمرین‌های چی‌گونگ یا به‌وسیله‌ی استاد چی‌گونگ شفا پیدا کرده بود، دوباره بیماری خواهد داشت. این بدین خاطر است که آن استاد چی‌گونگ بیماری را شفا نداد، فقط آن‌را به تعویق انداخته بود. بیماری هنوز هم جایی که بود هست و قبلاً به سطح نیامده بود اما بعداً می‌آید. ما باید همه‌ی آن‌ها را بیرون بکشیم، همه‌ی آن‌ها را برای شما بیرون برانیم و کاملاً از ریشه از بین ببریم. بنابراین ممکن است احساس کنید که بیماری‌تان دوباره برگشته است. این درحقیقت از بین بردن کارما از ریشه است - این دلیل آن است که چرا واکنش‌هایی دارید. بعضی افراد واکنش‌های موضعی در بدن‌شان خواهند داشت، ممکن است یک قسمت احساس آزدگی کند یا شاید قسمت دیگری این‌طور باشد، هر نوع حالت ناخوشایندی ظاهر خواهد شد، همه‌ی این‌ها طبیعی است. می‌خواهم به شما بگویم، بدون توجه به این‌که چه قدر معذب هستید، بهترین سعی‌تان را بکنید که به آمدن به کلاس ادامه دهید، به محض این‌که قدم به اتاق کلاس بگذارید، تمام علائم شما ناپدید خواهد شد و هیچ خطری وجود نخواهد داشت. می‌توانم این را بگویم و امیدوارم بدون توجه به این‌که چگونه از آن "بیماری" احساس بدی دارید، سعی کنید که بیایید. فرصت برای کسب فا سخت به‌دست می‌آید. وقتی احساس می‌کنید بسیار معذب هستید، به این معنی است که، "وقتی چیزی به نهایت می‌رسد، برعکس می‌شود" و تمام بدن شما پاک خواهد شد. آن باید کاملاً پاک شود. درحال حاضر ریشه‌ی بیماری شما بیرون آورده شده و فقط آن مقدار ناچیز چی سیاه باقی مانده است، که آن هم خودش بیرون خواهد آمد، به‌طوری که کمی سختی دارید و از میان کمی دشواری می‌گذرید. اگر هیچ چیزی را متحمل نمی‌شدید واقعاً عملی نمی‌بود.

در جامعه‌ی مردم عادی، برای شهرت و نفع شخصی با دیگران رقابت می‌کنید، به‌طوری که نمی‌توانید خوب بخوابید یا خوب بخورید و بدن‌تان را ویران کرده‌اید. وقتی بدن شما از بُعدی دیگر مشاهده می‌شود، حتی هر یک از استخوان‌های‌تان سیاه است. بنابراین پاک‌سازی چنین بدنی در یک لحظه، باید واکنش‌هایی داشته باشد. این دلیل آن است که چرا واکنش‌هایی خواهید داشت. بعضی افراد حتی ممکن است اسهال یا استفراغ داشته باشند. بسیاری از شاگردان در مناطق مختلف، این مسئله را در گزارش تجربه‌های‌شان مطرح کرده‌اند، "معلم، بعد از حضور در کلاس شما، در مسیر برگشت به خانه، تمام مدت دنبال توالت بودم." این به‌خاطر این است که حتی اعضای داخلی شما باید پاک شوند. عده‌ی کمی از افراد ممکن است حتی به خواب بروند و درست وقتی سخنرانی من تمام می‌شود از خواب بیدار شوند. چرا این اتفاق می‌افتد؟ زیرا بیماری‌هایی در مغز آن‌ها وجود دارد، بنابراین آن‌ها باید درست شوند. زمانی که روی سر آن‌ها کار می‌شود افراد نمی‌توانند آن‌را تحمل کنند، به همین جهت باید آن‌ها را بی‌حس کرد، هر چند آن‌ها این را نمی‌دانند. اما برای بعضی افراد، قسمت شنوایی هیچ مشکلی ندارد. آن‌ها عمیقاً می‌خوابند، اما یک کلمه را هم از دست نمی‌دهند، همه را می‌شنوند و پس از آن هشیار هستند و برخی از آن‌ها حتی اگر چندین روز هم نخوابند احساس خواب‌آلودگی نخواهند داشت. این‌ها وضعیت‌های مختلفی هستند که افراد در آن‌ها هستند و همگی باید درست شوند. کل بدن شما باید پاک شود.

بنابراین اگر به‌طور واقعی فالون دافا را تمرین کنید از امروز به بعد وقتی به‌طور واقعی وابستگی‌های‌تان را کنار بگذارید واکنش‌هایی خواهید داشت. افرادی که نمی‌توانند آن‌ها را کنار بگذارند ممکن است بگویند کنار گذاشته‌اند در صورتی که درحقیقت واقعاً قادر نبوده‌اند این کار را بکنند، بنابراین سخت است که بدن‌شان را پاک کرد. افرادی نیز هستند که آن‌چه را که در این کلاس آموزش داده‌ام بعداً خواهند فهمید. آن‌ها را کنار می‌گذارند و سپس بدن‌شان پاک می‌شود. دیگران پی می‌برند که بدن‌شان پرانرژی شده درحالی که این افراد شروع می‌کنند که مداوا شوند و شروع

می‌کنند که احساس ناخوشی داشته باشند. در هر کلاس چنین افرادی وجود دارند که عقب می‌مانند، افرادی که درک‌شان خوب نیست. به همین جهت، بدون توجه به این که چه چیزی را تجربه می‌کنید، همه‌ی این‌ها طبیعی هستند. این وضعیت همیشه وقتی کلاس‌هایی در محل‌های دیگر داشتیم اتفاق می‌افتاد. بعضی افراد ناراحتی زیادی داشتند به‌طوری که نمی‌توانستند از جای‌شان تکان بخورند، منتظر من می‌ماندند که از تریبون پایین بیایم و آن‌ها را مداوا کنم. اما من این کار را نمی‌کردم. حتی اگر نتوانید این امتحان را بگذرانید، در آینده وقتی که با خیلی از رنج‌های بزرگ مواجه شوید، چگونه می‌توانید هنوز هم تزکیه کنید؟ آیا نمی‌توانید بر چنین زجر کم‌اهمیتی فایق شوید؟ شما قطعاً می‌توانید بر این‌ها غلبه پیدا کنید، بنابراین از من درخواست نکنید که شما را شفا دهم. من بیماری‌ها را شفا نخواهم داد. لحظه‌ای که بگویید "بیماری"، نمی‌خواهم به آن گوش کنم.

واقعاً سخت است که مردم را نجات داد. در هر کلاس همیشه حدود پنج تا ده درصد وجود دارند که نمی‌توانند با دیگران همراه شوند. غیرممکن است که همه بتوانند دائو را کسب کنند. حتی اگر قادر باشید در تزکیه‌تان پشت‌کار داشته باشید هنوز معلوم نیست که آیا می‌توانید موفق شوید و هنوز معلوم نیست که آیا عزم راسخ برای تزکیه کردن دارید. غیرممکن است که همه بتوانند یک بودا شوند. تزکیه‌کنندگان واقعی دافا از طریق خواندن این کتاب چیزهای مشابهی را تجربه کرده و آن‌ها نیز تمام چیزهایی را که قرار است، به‌دست می‌آورند.

سخنرانی سوم

من همه‌ی شاگردان را به‌عنوان مریدانم تلقی می‌کنم

آیا همگی می‌دانید من درحال انجام چه کاری هستم؟ من تمامی شاگردان را به‌عنوان مریدان خود درنظر می‌گیرم و این شامل افرادی که شخصاً خودشان یاد می‌گیرند ولی هنوز قادرند به‌طور واقعی تزکیه کنند نیز می‌شود. این منتقل کردن روشی است که به سطوح بالا هدایت می‌کند و اگر شما را به این شکل راهنمایی نمی‌کردم عملی نمی‌بود، آن غیرمسئولانه می‌بود و سبب دردسر می‌شد. ما این همه به شما می‌دهیم، می‌گذاریم به حقایق بسیار زیادی که افراد عادی نباید بدانند آگاه شوید، من درحال عرضه‌ی قانون بزرگ به شما هستم و به شما چیزهای بسیار زیادی خواهم داد، بدن‌های شما برای‌تان پاکسازی می‌شوند و چیزهای دیگری نیز وجود دارند که شامل می‌شوند. بنابراین قطعاً عملی نمی‌بود اگر شما را به‌عنوان مریدان راهنمایی نمی‌کردم. فاش کردن این همه اسرار آسمان به‌طور سرسری به افراد عادی مجاز نیست. اما یک چیز هست. زمانه تغییر کرده است و درحال حاضر، ما آن آداب و رسوم زانو زدن‌ها و پیشانی را بر زمین قرار دادن‌ها یا آن نوع از تعظیم کردن سنتی را به‌کار نمی‌بریم. آن آداب و رسوم استفاده‌ی زیادی ندارند و انجام آن‌ها شبیه نمایش‌های مذهبی است. بنابراین ما این کارها را انجام نمی‌دهیم. دلیل، این است که، فرض کنید زانو بزنید و پیشانی را بر زمین قرار دهید یا طی مراسمی به عضویت درآیید، اما پس از آن، بعد از این که پای‌تان را از درب بیرون گذاشتید، به شیوه‌ی سابق‌تان برگردید، هرچه را فکر می‌کنید باید در بین مردم عادی انجام دهید، انجام دهید و برای شهرت و نفع‌تان رقابت و دعوا کنید- پس، آن چه فایده‌ای داشت؟ ممکن است حتی تحت نام من چهره‌ی دافا را خدشه‌دار کنید!

تزکیه‌ی واقعی کاملاً به تزکیه‌ی ذهن‌تان بستگی دارد، به‌طوری که تا وقتی قادر باشید تزکیه کنید و تا وقتی بتوانید به‌طور محکم و استوار به تزکیه‌تان ادامه دهید، شما را به‌عنوان یک مرید راهنمایی خواهیم کرد. به هر شکل دیگری که با شما رفتار می‌شد عملی نمی‌بود. اما برخی از افراد نمی‌توانند خود را به‌عنوان تزکیه‌کننده درنظر بگیرند و به تزکیه کردن ادامه دهند. این برای برخی از افراد انجام‌پذیر نیست. اما افراد زیادی واقعاً به تزکیه‌ی خود ادامه خواهند داد. و تا وقتی به تزکیه‌تان ادامه دهید شما را به‌عنوان یک مرید راهنمایی خواهیم کرد.

بنابراین اگر کسی فقط این چند مجموعه حرکت را هر روز انجام دهد، فکر می‌کنید به‌عنوان یک مرید فالون دافا به حساب خواهد آمد؟ احتمالاً خیر. علت این است که وقتی به‌طور واقعی تزکیه می‌کنید مجبورید خود را با آن استاندارد شین‌شینگ که درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم منضبط کنید، مجبورید که به‌طور واقعی شین‌شینگ خود را رشد دهید و پس از آن، و فقط پس از آن، این تزکیه‌ی واقعی است. اگر فقط آن حرکات را انجام دهید، شین‌شینگ شما رشد نخواهد کرد، آن انرژی قوی را که برای نیرو دادن به تمام چیزها نیاز دارید نخواهید داشت و آن، با تزکیه کردن بسیار فاصله خواهد داشت، پس در این صورت ما نمی‌توانیم شما را به‌عنوان مرید فالون دافا درنظر بگیریم. و اگر به همین منوال روزها را بگذرانید، شاید تمرین‌ها را هم انجام دهید، اما از شرایط فالون دافای ما پیروی نمی‌کنید، شین‌شینگ خود را رشد نمی‌دهید و به روش‌های پیشین خود در میان مردم عادی چسبیده‌اید، بنابراین ممکن است به

مشکل دیگری گرفتار شوید یا ممکن است حتی بگویید که تمرین فالون دافای ما شما را به اشتباه کشاند. تمام این‌ها امکان‌پذیر است. بنابراین شما باید واقعاً شرایط شین‌شینگ ما را رعایت کنید و در آن صورت یک تزکیه‌کننده‌ی واقعی خواهید شد. این مسئله را برای شما روشن ساختم، بنابراین نباید از من درخواست کنید که آن چیزهای تشریفاتی، مثل مراسم به عضویت درآمدن را دیگر انجام دهم. تا وقتی به‌طور واقعی تزکیه کنید با شما به این شکل رفتار خواهم کرد. فاشن زیادی دارم، آن‌قدر زیاد هستند که نمی‌توان آن‌ها را شمرد، بنابراین می‌توانم از هر تعداد شاگرد که باشد مراقبت کنم، چه رسد به شاگردانی که این‌جا حضور دارند.

چی‌گونگ مدرسه‌ی بودا و بودیسم

چی‌گونگ مدرسه‌ی بودا مذهب بودیسم نیست، می‌خواهم حتماً این را درک کنید. درحقیقت، چی‌گونگ مدرسه‌ی دائو نیز مذهب دائویسم نیست. برخی از ما هرگز درباره‌ی این چیزها روشن نیستیم. برخی از افرادی که راهب هستند و در معابد تمرین می‌کنند و برخی دیگر که بودیست‌های غیرروحانی هستند، فکر می‌کنند که درباره‌ی چیزهای بودیستی بیشتر از دیگران می‌دانند، درنتیجه با اشتیاق چیزهای بودیسم را در بین شاگردان ما رواج می‌دهند. می‌خواهم به شما بگویم: این کار را انجام ندهید، زیرا آن‌ها چیزهایی از مدارس مختلف تزکیه هستند. مذهب شکل‌های مذهبی را دارد، درحالی که آن‌چه ما این‌جا درحال انتقال آن هستیم قسمت تزکیه‌ی مدرسه‌ی مان است. به استثنای راهب‌ها و راهبه‌ها که مریدان فالون دافا هستند، دیگران نباید شکل‌های مذهبی را دنبال کنند. به هر جهت، مدرسه‌ی ما بودیسم در عصر پایان دارما نیست.

دارما در بودیسم فقط قسمت کوچکی از فای بودا است. بسیاری از دیگر روش‌های پرمحتوای فای بزرگ وجود دارند و هر سطحی فای مختلفی دارد. شاکيامونی بیان کرد که هشتاد و چهار هزار روش تزکیه وجود دارد. چه تعداد روش در بودیسم وجود دارد؟ فقط چندین روش وجود دارد، مثل *تن‌دای*، *هوآیان*، *بودیسم زن*، *سرزمین پاک*، *تانتريسم* و غیره. آن‌ها حتی یک قسمت از آن هم به حساب نمی‌آیند! بنابراین، بودیسم نمی‌تواند کل فای بودا را پوشش دهد، فقط قسمت کوچکی از فای بودا است. فالون دافای ما نیز یکی از هشتاد و چهار هزار روش تزکیه در مدرسه‌ی بودا است، اما ارتباطی به بودیسم ندارد، از بودیسم اولیه گرفته تا بودیسم در عصر پایان دارما، و به مذاهب امروزه هم هیچ ارتباطی ندارد.

بودیسم در دو هزار و پانصد سال پیش توسط شاکيامونی در هندوستان قدیم بنیان گذاشته شد. در آن زمان، پس از این‌که شاکيامونی به باز شدن گونگ و روشن‌بینی رسید، آن‌چه را که قبلاً تزکیه کرده بود به یاد آورد و برای نجات مردم اشاعه داد. در روش او، بدون توجه به این‌که چند هزار متن مقدس نوشته شده است، درواقع فقط سه کلمه وجود دارد، "احکام، تمرکز و خرد" و این‌ها مشخصات مدرسه‌ی ایشان است. "احکام" درباره‌ی این بود که فرد را وادار کرد تا از تمامی امیالی که مردم عادی دارند رها شود، با اجبار او را واداشت تا میل خود برای به‌دست آوردن چیزها را بمیراند، خود را از هر چیزی در جهان دنیوی قطع کند و مانند آن. بنابراین او خود را از تمامی وابستگی‌ها رها می‌ساخت، حتی چیزی در ذهنش نمی‌بود و به‌طور طبیعی می‌توانست وارد تمرکز شود. آن‌ها یکدیگر را کامل می‌کنند. پس از این‌که وارد تمرکز می‌شد، نیاز داشت که در تمرکز بنشیند و به‌طور واقعی عمل تزکیه را انجام دهد و با تکیه بر قدرت تمرکزش، به سمت بالا تزکیه کند. بنابراین این، قسمت واقعی تزکیه‌ی آن مدرسه است. آن‌ها هیچ چیز مرتبط با حرکات را آموزش نمی‌دهند و بتی خود را تبدیل نمی‌کنند - فقط گونگ را که سطوح را تعیین می‌کند تزکیه می‌کنند. بنابراین او با پشت‌کار شین‌شینگ خود را تزکیه می‌کرد، زیرا شخصی که بدن را تزکیه نمی‌کند زیاد اهمیتی به تبدیل گونگ نمی‌دهد. در همان زمان، درحالی که او در تمرکز بود قدرت تمرکز خود را افزایش می‌داد، در مدیتیشن سختی‌هایی را تحمل می‌کرد و کارمایش را می‌ریخت. "خرد" به این اشاره می‌کند که یک شخص، با خرد بزرگ به

روشن‌بینی می‌رسید. او حقیقت جهان را می‌دید، واقعیت هر بُعد جهان را می‌دید، قدرت‌های خدایی بزرگش به‌طور باعظمتی به نمایش در می‌آمد و قفل خرد و آگاهی او باز می‌شد، که "باز شدن گونگ" نیز نامیده می‌شود.

زمانی که شاکيامونی روش تزکیه‌ی خود را بنیان گذاشت، هشت مذهب در هندوستان در حال اشاعه بود. یکی از آن‌ها عمیقاً ریشه‌دار بود و برهمنیسم نامیده می‌شد. زمانی که شاکيامونی در قید حیات بود به‌طور پیوسته از نقطه نظرات فلسفی با مذاهب دیگر مبارزه کرد. آن‌چه که شاکيامونی آموزش داد یک راه درست بود، بنابراین در دوره‌ی آموزش دارمای خود، دارمای بودیستی‌ای که او آموزش داد بیشتر و بیشتر شکوفا شد، درحالی که مذاهب دیگر به‌طور روزافزونی ضعیف‌تر شدند. حتی مذهب ریشه‌دار برهمنیسم نیز در مرز نابودی بود. اما بعد از نیروانای شاکيامونی، مذاهب دیگر، مخصوصاً برهمنیسم، دوباره رونق گرفتند. سپس برای بودیسم چه اتفاقی افتاد؟ برخی از راهبان، در سطوح مختلف به باز شدن گونگ یا روشن‌بینی رسیدند، اما سطوحی که به آن‌ها رسیدند کاملاً پایین بود. شاکيامونی به سطح تاتاگاتا رسید، اما بسیاری از راهبان به این سطح نرسیدند.

فای بودا تجلی‌های مختلفی در سطوح مختلف دارد، اما هرچه سطح بالاتر باشد، به حقیقت نزدیک‌تر است و هرچه سطح پایین‌تر باشد، از حقیقت دورتر است. پس از آن‌که آن راهبان به باز شدن گونگ رسیدند و در سطوح پایین روشن‌بین شدند، آن‌چه را که شاکيامونی بیان کرده بود با تجلی‌های جهان که در سطح خودشان دیدند، با موقعیت‌هایی که درک کرده بودند و با حقایقی که فهمیده بودند تفسیر کردند. به عبارت دیگر، راهبان، دارمایی را که شاکيامونی آموزش داد به این طریق یا آن طریق تفسیر کردند و راهبانی نیز بودند که، به جای این‌که کلمات اصلی شاکيامونی را به مردم بگویند، درباره‌ی آن‌چه که خودشان فهمیدند صحبت کردند طوری که انگار آن‌ها کلمات شاکيامونی بودند. در نتیجه دارمای بودیستی به‌طور غیرقابل تشخیصی تحریف شد و آن دیگر دارمایی نبود که شاکيامونی آموزش داده بود. در نهایت، این باعث شد که دارمای بودیستی در هندوستان ناپدید شود. این درسی جدی از تاریخ است و این دلیل آن است که چرا بعد از آن دیگر هندوستان بودیسمی نداشت. بودیسم قبل از ناپدید شدنش، چندین تغییر شکل را گذراند و در انتها با چیزهایی از برهمنیسم درآمیخته شد و مذهبی را شکل داد که امروزه در هندوستان یافت می‌شود، که هندویسم نامیده می‌شود. آن دیگر هیچ بودایی را عبادت نمی‌کند، به جای آن، چیز دیگری را عبادت می‌کند و دیگر به شاکيامونی اعتقادی ندارد. در حال حاضر وضعیت این‌گونه است.

همان‌گونه که بودیسم توسعه می‌یافت، از میان چندین تغییر شکل نسبتاً عمده‌ای گذر کرد. یکی از آن‌ها در زمانی کوتاه پس از درگذشت شاکيامونی اتفاق افتاد. عده‌ای از مردم *ماهایانا* یا "مَرکب بزرگ‌تر" بودیسم را بر طبق اصول سطح بالایی که شاکيامونی آموزش داده بود بنیان گذاشتند. آن‌ها معتقد بودند دارمایی که شاکيامونی به عموم آموزش داد برای مردم عادی بود و برای این بود که مردم به رستگاری خود نائل شوند و به ثمره‌ی آرهای برسند و این‌که آن درباره‌ی نجات تمام موجودات ذی‌شعور صحبت نمی‌کرد، از این رو آن‌را *هی‌نایانا* یا "مَرکب کوچک‌تر" بودیسم نامیدند. راهبان آسیای جنوب شرقی، روش اولیه‌ی تزکیه‌ی زمان شاکيامونی را نگه داشته‌اند و در چین، آن‌را *هی‌نایانا* می‌نامیم. البته *آن‌ها* به این شکل فکر نمی‌کنند - معتقدند که سنت اصلی شاکيامونی را به ارث برده‌اند. درحقیقت این‌طور است، زیرا بخش عمده‌ی روش تزکیه‌ی زمان شاکيامونی را به ارث برده‌اند.

بعد از این تغییر شکل، *ماهایانا* به چین معرفی شد، در کشور ما ریشه دواند و بودیسمی شد که در حال حاضر در کشور ما گسترش یافته است. اما آن با بودیسم زمان شاکيامونی کاملاً تفاوت دارد، از لباس گرفته تا وضعیت کامل روشن‌بینی و روند تزکیه، تماماً عوض شده است. در بودیسم اولیه، فقط شاکيامونی بود که به عنوان مؤسس عبادت می‌شد، اما در بودیسم امروزه، بسیاری از بوداها، بودی‌سات‌واهای بزرگ و مانند آن وجود دارند. بیشتر این‌که پرستش چندین بودا یک اعتقاد شده است - مردم به بسیاری از تاتاگاتاها اعتقاد دارند. بنابراین آن بودیسمی شده است که بسیاری از بوداها را، مثل بودا آمی‌تابا، بودا استاد طب، تاتاگاتا خورشید بزرگ و غیره را پرستش می‌کند. همچنین تعداد

زیادی از بودیسات‌واهای بزرگ نیز وجود دارند. به این طریق کل بودیسم کاملاً از آن‌چه که شاکيامونی در زمان خودش بنیان نهاده بود فرق کرده است.

در طی آن دوره، مجموعه‌ای از تغییر شکل‌ها به وقوع پیوست. بودیسات‌واناگاریونا یک روش تزکیه‌ی مخفی را آموزش داد که از هندوستان به افغانستان رفت و سپس وارد منطقه‌ی شین‌جیانگ شده و در چین منتشر شد. آن در سلسله‌ی تانگ اتفاق افتاد، در نتیجه مردم آن‌را تانتريسم تانگ نامیدند. به‌خاطر تأثیر کنفوسیوس، ارزش‌های اخلاقی چین به‌طور عمومی از ملیت‌های دیگر متفاوت بود. روش تزکیه‌ی تانتريک، تزکیه‌ی دوگانه‌ی زن - مرد را شامل می‌شد و جامعه در آن زمان نتوانست آن‌را بپذیرد. به همین جهت در طول دوره‌ی هویی چنگ / سلسله‌ی تانگ، وقتی بودیسم سرکوب شد، از بین رفت و تانتريسم تانگ نیز در چین ناپدید شد. در حال حاضر، یک تانتريسم شرقی در ژاپن وجود دارد که در آن زمان از چین به آن‌جا رفت، اما آن‌ها گوان‌دینگ را نگذرانند. بر طبق تانتريسم، هر کسی که بدون گذراندن گوان‌دینگ، چیزهای تانتريسم را یاد بگیرد، گفته می‌شود مثل این است که دارم‌ای آن‌ها را دزدیده است و آن‌ها او را به‌عنوان کسی که توسط خود استاد آموزش دیده در نظر نمی‌گیرند. شاخه‌ی دیگری از طریق نپال از هندوستان به تبت رفت، آن تانتريسم تبتی نامیده می‌شود و این روش تا به امروز منتقل شده است. به‌طور اساسی، وضعیت بودیسم این است. به‌طور مختصر جریان رشد و تغییرات آن‌را بیان کردم. در طول رشد بودیسم، در مراحل مختلف، برخی از روش‌های دیگر مثل بودیسم ذن که توسط بودی‌دارما بنیان گذاشته شد، بودیسم سرزمین پاک، و بودیسم هوآیان و غیره پدیدار شدند و آن‌ها همگی بر پایه‌ی درک و تفسیری از آن‌چه که شاکيامونی در آن زمان بیان کرد، بودند. این‌ها نیز همگی قسمتی از بودیسم تغییرشکل‌یافته هستند. بودیسم بیش از ده‌ها روش تزکیه دارد و همگی شکل مذهب به خود گرفته‌اند، بنابراین آن‌ها قسمتی از بودیسم هستند.

مذاهب تأسیس شده در این قرن، یا نه فقط در این قرن بلکه خیلی از مذاهب جدید تأسیس شده در قسمت‌های مختلف دنیا در چند صد سال اخیر، اغلب‌شان قلابی هستند. وقتی موجودات روشن‌بین بزرگ مردم را نجات می‌دهند، بهشت‌های خود را دارند. وقتی تاناگاتاها مانند شاکيامونی، بودا آمی‌تابا و تاناگاتا خورشید بزرگ مردم را نجات می‌دهند، هر یک بهشتی دارند که آن‌را سرپرستی می‌کنند. در راه شیری ما، بیش از صدها نوع از چنین بهشت‌هایی وجود دارد. فالون دافای ما نیز یک بهشت فالون دارد.

پس به من بگوئید، وقتی آن روش‌های قلابی مردم را "نجات" می‌دهند، آن‌ها را کجا می‌برند؟ آن‌ها نمی‌توانند مردم را نجات دهند. آن‌چه که آن‌ها آموزش می‌دهند فانیست. البته، وقتی بعضی افراد در ابتدا مذاهب خود را تأسیس کردند، نمی‌خواستند شیطان‌هایی باشند که به مذاهب اصلی آسیب برسانند. آن‌ها به مرحله‌ی باز شدن گونگ و روشن‌بینی در سطوح مختلف رسیدند. بعضی از حقایق را دیدند، اما بسیار دورتر از روشن‌بینانی بودند که می‌توانستند مردم را نجات دهند. سطح آن‌ها بسیار پایین بود. به بعضی از حقایق پی بردند و متوجه شدند که بعضی از چیزهایی که مردم عادی به آن‌ها باور دارند اشتباه است و به مردم می‌گفتند که چگونه کارهای خوب انجام دهند. در آغاز، مخالف مذاهب دیگر نبودند. اما با گذشت زمان، مردم به آن‌ها اعتقاد پیدا کردند و سرسپرده‌ی آن‌ها شدند، مردم فکر می‌کردند که آن‌چه آن‌ها می‌گفتند به نظر عقلانی می‌آمد، سپس بیشتر و بیشتر به آن‌ها اعتقاد پیدا کردند. در نتیجه، مردم سرسپرده‌ی آن‌ها شدند و از سرسپرده بودن به مذاهب دست کشیدند. وقتی وابستگی آن‌ها به شهرت و نفع شخصی ناگهان پدیدار شد، از عموم می‌خواستند که به آن‌ها یک عنوان بدهند، و از آن پس تحت نام آن مذهب جدید عمل می‌کردند. به شما می‌گویم که همه‌ی این مذاهب شیطانی هستند. حتی اگر به مردم صدمه نرسانند، هنوز هم مذاهب شیطانی هستند، چراکه در اعتقاد مردم با مذاهب اصلی مداخله کرده‌اند. مذاهب اصلی می‌توانند مردم را نجات دهند، اما آن‌ها نمی‌توانند. با گذشت زمان، در نهان کارهای بدی انجام می‌دهند. اخیراً بسیاری از این چیزها در چین اشاعه پیدا کرده است. برای مثال، به اصطلاح مدرسه‌ی گوان‌بین یکی از آن‌ها است. بنابراین، محتاط باشید. گفته شده است که بیش از دو هزار روش در یک کشور بخصوص در آسیای شرقی وجود دارد. همه نوع اعتقاداتی در آسیای جنوب

شرقی و بعضی از کشورهای غربی وجود دارد. یک کشور حتی تا جایی می‌رود که به‌صورت آشکار یک راه شیطانی را عبادت می‌کند. تمام این چیزها شیطان‌هایی هستند که در عصر پایان دارما ظاهر شده‌اند. "عصر پایان دارما" تنها به بودیسم مربوط نمی‌شود - بسیاری از بُعدهای زیر یک بُعد بسیار سطح بالا بد شده‌اند. و "پایان دارما" فقط به پایان دارما در بودیسم اشاره نمی‌کند - آن درباره‌ی این است که وقتی در قلب مردم هیچ محدودیتی برای نگهداشتن اخلاقیات وجود ندارد دنیا چگونه پیش می‌رود.

فقط یک راه تزکیه را تمرین کردن

ما آموزش می‌دهیم که شخص فقط یک راه تزکیه را باید تمرین کند. بدون توجه به این‌که کدام تزکیه را انجام می‌دهید، نباید با اضافه کردن چیزهای دیگر، عمل تزکیه‌ی خود را آشفته کنید. بعضی از غیرروحانیون بودیستی چیزهایی در بودیسم و نیز چیزهای فالون دافای ما را تزکیه می‌کنند. می‌خواهم به شما بگویم که درنهایت چیزی را کسب نخواهید کرد - هیچ کسی چیزی به شما نخواهد داد. علت این است که، اگرچه ما همگی به مدرسه‌ی بودا تعلق داریم، اما هنوز هم یک مسئله‌ی شین‌شینگ و مسئله‌ی مختص یک روش بودن وجود دارد. شما فقط یک بدن دارید. بدن شما گونگ کدام مدرسه را رشد خواهد داد؟ چگونه آن می‌تواند برای شما تبدیل شود؟ کجا می‌خواهید بروید؟ به هرجایی که عمل تزکیه‌تان شما را می‌برد خواهید رفت. اگر با پیروی از بودیسم سرزمین پاک تزکیه کنید، به بهشت سعادت غایی بودا آمی‌تابا رهسپار خواهید شد. اگر عمل تزکیه‌ی بودا استاد طب را دنبال کنید، به بهشت زمرد روان خواهید شد. این چیزی است که در مذاهب گفته می‌شود و "تزکیه نکردن هم‌زمان در دو روش" نامیده می‌شود.

تزکیه کردنی که در این‌جا از آن صحبت می‌کنیم درواقع درباره‌ی فرایند کامل تبدیل گونگ است و این، مدرسه‌ی تزکیه‌ی خود فرد را دنبال می‌کند. پس فکر می‌کنید به کجا رهسپار خواهید شد؟ اگر هم‌زمان در دو قایق قدم بگذارید، نمی‌توانید چیزی را به‌دست آورید. نه تنها تمرین چی گونگ نباید با تزکیه‌ی بودیستی در معابد مخلوط شود، بلکه نباید هیچ‌گونه مخلوط‌سازی بین روش‌های تزکیه‌ی مختلف، چی گونگ‌های مختلف یا مذاهب مختلف باشد. حتی در یک مذهب مشخص، روش‌های مختلف نمی‌توانند در تزکیه‌ی یک شخص مخلوط شوند. شما فقط می‌توانید یک روش تزکیه را انتخاب کنید. اگر روش تزکیه‌ی بودیسم سرزمین پاک را انجام می‌دهید، باید فقط روش تزکیه‌ی بودیسم سرزمین پاک را انجام دهید، اگر روش تزکیه‌ی تانتریسم را انجام می‌دهید، باید فقط روش تزکیه‌ی تانتریسم را انجام دهید، اگر روش تزکیه‌ی بودیسم ذن را انجام می‌دهید، باید فقط روش تزکیه‌ی بودیسم ذن را انجام دهید. اگر هم‌زمان در دو قایق قدم بگذارید، کمی از این و کمی از آن را تزکیه کنید، چیزی به‌دست نخواهید آورد. به عبارت دیگر، حتی در بودیسم هم، "تزکیه نکردن هم‌زمان در دو روش" را آموزش می‌دهند و شما اجازه ندارید روش‌های تزکیه را مخلوط کنید. یک گروه روش تمرین خود را دارد، گروه دیگر روش تمرین خودش را دارد، و هر یک از آن‌ها، اگر گونگ را رشد می‌دهند، مجبورند روش تزکیه‌ی مدرسه‌ی خود و روش شکل گرفتن خود را دنبال کنند. در بُعدهای دیگر، فرایندی برای شکل گرفتن گونگ وجود دارد و این فرایند، بسیار پیچیده و اسرارآمیز است، و شما نمی‌توانید آن را آزادانه با چیزهای دیگری در تزکیه مخلوط کنید.

به محض این‌که بعضی از غیرروحانیون بودیستی می‌شنوند که ما روش تزکیه‌ی چی گونگ از مدرسه‌ی بودا را انجام می‌دهیم، تمرین‌کنندگان ما را برای تغییر مذهب به معابد می‌برند. بگذارید به همه‌ی شما که این‌جا نشسته‌اید بگویم: این کار را انجام ندهید. شما به دافای ما و احکام بودیسم آسیب می‌رسانید. هم‌زمان، مزاحم تمرین‌کنندگان خواهید شد و کاری می‌کنید که آن‌ها قادر نباشند چیزی به‌دست بیاورند. این مجاز نیست. عمل تزکیه موضوعی بسیار جدی است. شخص باید از یک روش پیروی کند. هرچند این قسمت که ما در بین مردم عادی آموزش می‌دهیم مذهب نیست، هدف از تزکیه یکی است: آن برای رسیدن به باز شدن گونگ یا روشن‌بینی و برای موفق شدن در تزکیه و رسیدن به کمال است. هدف این است.

شاکيامونی بیان کرد که در عصر پایان دارما حتی برای راهبان در معابد بسیار سخت خواهد بود که خود را نجات دهند. و این برای غیرروحانیون بودیستی چه قدر سخت تر است - از آن ها حتی کمتر مراقبت می شود. حتی اگر کسی را به عنوان استاد خود برگزیده باشید، آن شخصی که او را استاد می نامید نیز شخصی است که در حال تزکیه می باشد. اگر او واقعاً تزکیه نکند، وقت تان را تلف می کنید. وقتی شخصی ذهنش را تزکیه نکند، بدون توجه به این که چه کسی است نمی تواند بالا برود. تغییر مذهب، مراسمی مربوط به مردم عادی است. آیا پس از تغییر مذهب، عضوی از مدرسه ی بودا هستید؟ و پس از آن بودا از شما مراقبت خواهد کرد؟ چنین چیزی نیست. حتی اگر هر روز در مقابل او زانو بزنید و پیشانی را بر زمین قرار دهید تا این که از پیشانی تان خون جاری شود و دسته دسته عود روشن کنید، هنوز هم بی فایده است. فقط وقتی مؤثر است که به طور واقعی ذهن تان را تزکیه کنید. در عصر پایان دارما، جهان تغییرات بسیار بزرگی را طی کرده است و حتی مکان های مذهبی نیز دیگر برای عبادت خوب نیستند. افرادی که توانایی های فوق طبیعی دارند (شامل راهبان آن جا) نیز این وضعیت را دیده اند. در حال حاضر، تنها کسی در دنیا هستم که به طور علنی یک راه درست را آموزش می دهد. کاری را انجام داده ام که قبلاً هرگز توسط هیچ کسی انجام نشده است و در عصر پایان دارما این را در دسترس همه قرار داده ام. حقیقت این است که، یک شخص فرصتی مثل این را در هر هزار سال یا ده هزار سال به دست نمی آورد. اما این که بتوانید نجات پیدا کنید، به بیانی دیگر، این که بتوانید تزکیه کنید، هنوز هم به خود شما بستگی دارد. آن چه که در حال گفتن آن هستم اصلی از جهان عظیم است.

این را نمی گویم که مجبورید فالون دافای مرا یاد بگیرید، بلکه اصولی را با شما در میان می گذارم. اگر می خواهید تزکیه کنید، باید فقط یک راه تزکیه را تمرین کنید. وگرنه، نمی توانید یک ذره هم تزکیه کنید. البته اگر نمی خواهید تزکیه کنید، شما را تنها خواهیم گذاشت. این فا فقط به تمرین کنندگان واقعی آموزش داده می شود. بنابراین باید فقط در یک روش مصمم باشید و نمی توانید حتی افکاری از روش های دیگر را در آن مخلوط کنید. این جا فعالیت های فکری را آموزش نمی دهیم، و فالون دافای ما زیاد به فعالیت فکری اهمیت نمی دهد. به همین جهت، هیچ کسی نباید هیچ فکری را به آن اضافه کند. مطمئن باشید که این را به خاطر می سپارید. تقریباً هیچ فعالیت فکری وجود ندارد - آیا مدرسه ی بودا درباره ی خالی بودن و مدرسه ی دائو درباره ی هیچ بودن صحبت نمی کند؟

در یک فرصتی فکر من به چهار یا پنج روشن بین بزرگ و دائوی بزرگ که سطح آن ها بی نهایت بالا بود وصل بود. سطح آن ها به قدری بالا بود که یک فرد عادی مبهوت می شد. آن ها می خواستند بدانند آن چه که من به آن فکر می کردم چه بود. در طول تمام این سال هایی که تزکیه می کردم، برای افراد دیگر مطلقاً غیرممکن بوده که ذهن مرا بخوانند. توانایی های فوق طبیعی افراد دیگر حتی یک ذره هم نمی تواند وارد شود. هیچ کسی قادر نیست مرا بفهمد یا این که بدانند در فکر من چه می گذرد. آن ها می خواستند بدانند به چه فکر می کردم. به همین جهت، با موافقت من، برای مدتی ذهن مرا به ذهن خود وصل کردند. بعد از این که وصل شد، کمی برای من سخت بود که تاب بیاورم. مهم نیست که سطح من چه اندازه بالا یا پایین است - از آن جا که در بین مردم عادی هستم، در حال انجام کاری از روی قصد هستم. نجات مردم، و قلب من وقف نجات مردم است. اما ذهن آن ها چه قدر آرام بود؟ آن قدر آرام که هراس انگیز بود. اگر فقط یک شخص به این سکون برسد چیز مهمی نیست، اما با چهار یا پنج نفر که آن جا نشسته اند و همگی آن ها آن چنان آرام، شبیه برکه ای از آب آرام، هیچ چیزی وجود نداشت... سعی کردم آن ها را احساس کنم اما نتوانستم. در طول آن چند روز، واقعاً احساس ناراحتی داشتم. چنان حسی داشتم. آن، چیزی بود که اکثر افراد نمی توانستند تصور کنند و نمی توانستند احساس کنند؛ آن، کاملاً رها از وابستگی و تهی و خالی بود.

وقتی در سطحی بسیار بالا تزکیه می کنید، کلاً هیچ فعالیت فکری وجود ندارد. به خاطر این که وقتی در سطح بنیان سازی مردم عادی بودید، مجموعه ای از چیزهای بنیادی، پیش از این بنا گذاشته شد و وقتی تزکیه ی شما به سطح بالایی برسد، تزکیه کاملاً به طور خودکار خواهد بود و این مخصوصاً در تمرین ما صحت دارد. تا آن جا که شین شینگ خود را بهبود می بخشید، گونگ شما رشد خواهد کرد و حتی احتیاج ندارید که تمرینی را انجام دهید.

تمرین‌های ما برای تقویت کردن مکانیزم‌های خودکار است. چرا افراد در مدیتیشن عمیق، ساکن می‌شوند؟ آن بی‌عملی کامل است. ممکن است دیده باشید که مدرسه‌ی دائو انواع و اقسام حرکات، فعالیت‌های فکری، یا هدایت فکری را آموزش می‌دهد. اما می‌توانم به شما بگویم بلافاصله که مدرسه‌ی دائو به فراسوی سطح چی می‌رسد، چیزی نخواهد داشت و دیگر از چنین و چنان فعالیت فکری استفاده نخواهد کرد. به همین جهت، افرادی که چی‌گونگ‌های دیگر را تمرین کرده‌اند همیشه در رها کردن چیزهایی مثل تکنیک‌های تنفسی و فعالیت‌های فکری مشکل دارند. من چیزهایی در سطح دانشگاه را به آن‌ها آموزش می‌دهم، اما آن‌ها همیشه درباره‌ی چیزهایی از مدرسه‌ی ابتدایی از من سؤال می‌کنند، چیزهایی مثل، چگونه فعالیت‌های فکری را استفاده و هدایت کرد. درحال حاضر به آن روش عادت کرده‌اند و فکر می‌کنند که چی‌گونگ این‌گونه است. اما حقیقت این است که این‌گونه نیست.

توانایی‌های فوق‌طبیعی و توان گونگ

بسیاری از ما فهم روشنی از اصطلاحات چی‌گونگ نداریم، و بعضی از افراد با آن‌ها همیشه سردرگم می‌شوند. آن‌ها توانایی‌های فوق‌طبیعی را "توان گونگ" می‌نامند و توان گونگ را "توانایی‌های فوق‌طبیعی" می‌نامند. گونگی که از طریق تزکیه‌ی شین‌شینگ به‌دست می‌آوریم بعد از این که جذب سرشت جهان شده‌ایم، می‌آید و از تقوای مان شکل می‌گیرد. این گونگ، مهم‌ترین است زیرا آن ارتفاع سطح شخص، قدرت توان گونگ وی و ثمره‌ی تزکیه‌ی او را در عمل تزکیه، تعیین می‌کند. در طی دوره‌ی تزکیه، چه وضعیتی برای یک شخص پدیدار خواهد شد؟ فرد می‌تواند بعضی از توانایی‌های غیرعادی و فوق‌طبیعی را رشد دهد که به اختصار، آن را "توانایی‌های فوق‌طبیعی" می‌نامیم. گونگی که سطح شخص را رشد می‌دهد، همان‌طور که در بالا ذکر کردم، توان گونگ نامیده می‌شود. هرچه سطح شما بالاتر باشد، توان گونگ شما بیشتر و توانایی‌های فوق‌طبیعی‌تان قوی‌تر است.

توانایی‌های فوق‌طبیعی فقط تولیدات جانبی جریان تزکیه هستند. آن‌ها معرف سطح شما نیستند - آن‌ها معرف این که سطح شخص چه‌قدر بالاست یا توان گونگ او چه‌قدر قوی است نیستند. بعضی از افراد ممکن است مقدار بیشتری از آن‌ها را داشته باشند و عده‌ای کمتر. از این گذشته، شما نمی‌توانید توانایی‌های فوق‌طبیعی را به‌عنوان هدف اصلی تزکیه در نظر بگیرید و نمی‌توانید آن‌ها را با جستجو کردن آن‌ها به‌دست بیاورید. توانایی‌های فوق‌طبیعی فقط زمانی که فرد مصمم می‌شود که به‌طور حقیقی تزکیه کند، پدیدار می‌شوند، او نمی‌تواند آن‌ها را هدف اصلی تزکیه‌اش قرار دهد. برای چه آن‌ها را می‌خواهید؟ تنها هدف شما این است که آن‌ها را در بین مردم عادی به‌کار ببرید، آیا این‌طور نیست؟ اما مطلقاً مجاز نیستید که آن‌ها را به‌دلخواه در بین مردم عادی به‌کار ببرید. این دلیل آن است که چرا هرچه بیشتر در جستجوی آن‌ها باشید، کمتر به‌دست خواهید آورد. این بدین علت است که شما در جستجوی چیزی هستید. دنبال چیزی بودن خودش یک وابستگی است و در تزکیه، این دقیقاً وابستگی‌ها هستند که باید رها کنیم.

بسیاری از افراد تا قلمروهای بسیار بالایی تزکیه کرده‌اند اما هیچ توانایی فوق‌طبیعی‌ای ندارند. استادان آن‌ها توانایی‌ها را بسته‌اند چراکه نگرانند آن‌ها خود را به‌خوبی اداره نکنند و کارهای بدی انجام دهند. به همین جهت، به آن‌ها اجازه نمی‌دهند که در امتداد راه، قدرت‌های خدایی‌شان را به‌کار ببرند. تعداد بسیار زیادی از این افراد وجود دارند. توانایی‌های فوق‌طبیعی به‌وسیله‌ی فکر شخص هدایت می‌شوند. او شاید قادر نباشد خود را در طول خواب کنترل کند. شاید با یک خواب همه‌ی زمین و آسمان را روز بعد زیر و رو کند، و این مجاز نیست. از آن‌جا که عمل تزکیه در بین مردم عادی انجام می‌شود، کسانی که توانایی‌های فوق‌طبیعی فوق‌العاده‌ای دارند معمولاً اجازه ندارند که آن‌ها را مورد استفاده قرار دهند. اکثریت توانایی‌ها بسته هستند، ولی این مطلق نیست. تعداد زیادی از افراد هستند که به‌خوبی تزکیه کرده‌اند و می‌توانند خود را به‌خوبی اداره کنند. آن‌ها اجازه دارند که از قسمتی از توانایی‌های فوق‌طبیعی خود استفاده کنند. اگر از این افراد بخواهید که توانایی‌های فوق‌طبیعی‌شان را به‌طور سرسری نشان دهند، مطلقاً این کار را نخواهند کرد. آن‌ها می‌توانند آن موقعیت‌ها را اداره کنند.

تزکیه‌ی معکوس و قرض گرفتن گونگ

بعضی از افراد هرگز چی گونگ را تمرین نکرده‌اند، یا این که فقط چیزهای کمی را در یک کلاس چی گونگ یاد گرفته‌اند، اما آن‌ها برای شفا دادن بیماری‌ها و حفظ تندرستی هستند و عمل تزکیه نیستند. به عبارتی دیگر، این اشخاص هرگز آموزش حقیقی را دریافت نکرده‌اند، ولی ناگهان در عرض یک شب گونگ به دست می‌آورند. درباره‌ی این موضوع صحبت خواهیم کرد، که این نوع گونگ از کجا می‌آید. چندین نوع وجود دارد.

یکی از آن‌ها تزکیه‌ی معکوس است. تزکیه‌ی معکوس چیست؟ آن شبیه این است. بعضی افراد تقریباً مسن هستند و می‌خواهند تزکیه کنند. اما زمان کافی برای این که از ابتدا تزکیه را شروع کنند ندارند. زمانی که چی گونگ در اوج محبوبیت خود بود، آن‌ها نیز می‌خواستند تزکیه کنند. آن‌ها می‌دانستند که مردم می‌توانستند با چی گونگ کارهای خوبی برای دیگران انجام دهند و این که می‌توانستند هم‌زمان خود را نیز با آن رشد دهند. بنابراین این آرزو را داشتند - می‌خواستند که خود را رشد دهند و تزکیه کنند. اما زمانی که چی گونگ در چندین سال پیش رایج بود، استادان چی گونگ همگی فقط چی گونگ را رواج می‌دادند و هیچ کسی واقعاً چیزهای سطح بالایی را منتقل نکرد. حتی تا امروز هم، تنها کسی هستم که به‌طور واقعی چی گونگی در سطوح بالا را به‌طور عمومی منتقل می‌کنم، فرد دیگری وجود ندارد. افرادی که تزکیه‌ی معکوس را انجام می‌دادند بالای پنجاه سال داشتند و سن‌شان نسبتاً بالا بود و دارای کیفیت مادرزادی خوبی بوده و چیزهای بسیار خوبی را در بدن‌شان داشتند. تقریباً همگی آن‌ها به‌حدی که مرید یا جانشین استادان‌شان شوند، خوب بودند. اما این افراد واقعاً مسن بودند. اگر می‌خواستند تزکیه کنند، گفتنش آسان‌تر از عمل کردنش بود! کجا می‌توانستند یک استاد بیابند؟ اما با فکر انجام تزکیه، فقط با این آرزو در ذهن‌شان، آن مثل طلا می‌درخشید و دنیای ده‌جهته را می‌لرزاند. اغلب شنیده‌اید که مردم از سرشت بودایی سخن می‌گویند و این سرشت بودایی بود که ظاهر شده بود.

از دیدگاه سطوح بالا، زندگی یک فرد برای این نیست که یک انسان باشد. زندگی فرد در فضای جهان خلق شد، بنابراین جذب سرشت جهان، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری بود و در آغاز خوب و مهربان بود. اما همان‌طور که تعداد موجودات زیاده‌تر شدند، آن‌ها روابط اجتماعی شکل دادند و سپس بعضی از آن‌ها خودخواه یا بد شدند و نتوانستند در سطوح بالا باقی بمانند، پس سقوط کردند، تا سطح مشخصی سقوط کردند. در آن سطح دوباره بد شدند، بنابراین به سقوط ادامه دادند تا این که در آخر به سطح مردم عادی سقوط کردند. یک شخص با سقوط به این سطح، می‌بایستی کاملاً از بین می‌رفت، اما موجودات روشن‌بین بزرگ از روی خیرخواهی تصمیم گرفتند که به مردم یک فرصت دیگر در محیطی بسیار دردناک بدهند، در نتیجه این بُعد را آفریدند.

در بُعدهای دیگر، مردم بدن‌هایی بدین شکل ندارند. می‌توانند در هوا پرواز کنند و بزرگ‌تر یا کوچک‌تر شوند. اما در این بُعد، آن‌ها مردم را وادار می‌کنند که این بدن را داشته باشند، این بدن فیزیکی که ما داریم. وقتی این بدن را دارید، وقتی هوا سرد است نمی‌توانید تحمل کنید، وقتی هوا گرم است نمی‌توانید تحمل کنید، خسته بودن را نمی‌توانید تحمل کنید و نمی‌توانید گرسنه بودن را تحمل کنید - به هر شکلی، زجر می‌کشید. زمانی که بیمار می‌شوید، تحمل کردن آن مشکل است و از میان تولد، پیری، بیماری و مرگ می‌گذرید. برای این است که از طریق درد کشیدن کارمای‌تان را بازپرداخت کنید، برای این است که دیده شود آیا می‌توانید بازگردید و برای این است که به شما یک فرصت دیگر بدهد. این دلیل آن است که چرا موجودات انسانی به سرزمین توهم سقوط کرده‌اند. بعد از این که این‌جا افتادید، این جفت چشم برای شما خلق می‌شود تا شما را از دیدن بُعدهای دیگر و این که ماده حقیقتاً چگونه است بازدارد. اگر بتوانید به اصل خود باز گردید، دردناک‌ترین زجرها نیز بسیار بالارش است. وقتی سعی می‌کنید برای بازگشت به اصل خود، از طریق آگاه شدن در میان توهم تزکیه کنید، مجبورید سختی‌های بسیاری را تجربه کنید و این گونه به سرعت برمی‌گردید. اگر بدتر شوید نابود خواهید شد. برای همین، از نظر آن‌ها، انسان بودن، منظور از زندگی نیست - هدف این است که به خود واقعی اولیه‌تان بازگردید، به عقب برگردید. مردم عادی نمی‌توانند به این آگاه شوند.

مردم عادی فقط مردم عادی در جامعه‌ی معمولی انسانی هستند و به این فکر می‌کنند که چگونه به پیش بروند و به‌خوبی زندگی کنند. هرچه بهتر زندگی کنند، خودخواه‌تر می‌شوند؛ بیشتر می‌خواهند داشته باشند و بیشتر از سرشت جهان دور خواهند شد. بنابراین به سمت نابودی و تباهی می‌روند.

وقتی از سطحی بالا دیده شود، درحالی که فکر می‌کنید به جلو پیش می‌روید، درحقیقت به عقب می‌روید. انسان‌ها فکر می‌کنند که درحال توسعه دادن علم و پیشرفت کردن هستند، درحالی که حقیقت این است که، آن‌ها بر طبق قوانینی که بر جهان حکومت می‌کند حرکت می‌کنند. استاد جنگ گوئو، یکی از هشت دائویست جاویدان، روی الاغش برعکس می‌راند. کمتر کسی می‌دانست چرا او روی الاغش برعکس می‌راند. او پی برد به جلو رفتن، به عقب حرکت کردن است، درنتیجه الاغ را برعکس می‌راند. بنابراین، لحظه‌ای که مردم بخواهند تزکیه کنند، موجودات روشن‌بین بزرگ برای این قلب ارزش بسیاری قائل می‌شوند و می‌توانند بدون شرط به آن‌ها کمک کنند. درست مثل تمرین کنندگانی که امروز این‌جا حضور دارند، اگر می‌خواهید عمل تزکیه را انجام دهید، می‌توانم بدون شرط به شما کمک کنم. اما اگر بخواهید یک فرد عادی باشید، درحال فکر کردن درباره‌ی شفا پیدا کردن باشید و این یا آن را بخواهید و مانند آن، پس آن‌را فراموش کنید، نمی‌توانم به شما کمک کنم. چرا؟ زیرا می‌خواهید فردی عادی باشید و فرد عادی باید از میان تولد، پیری، بیماری و مرگ بگذرد- بایستی این‌گونه باشد. هر چیزی رابطه‌ی کارمایی خود را دارد و نمی‌تواند مورد مداخله قرار گیرد. از آغاز، تزکیه قسمتی از زندگی شما نبود اما درحال حاضر می‌خواهید تزکیه کنید. بنابراین مطابق آن، زندگی آینده‌تان باید دوباره نظم و ترتیب داده شود و اکنون می‌توانیم بدن‌تان را تنظیم کنیم.

بنابراین وقتی شخصی بخواهد تزکیه کند، به‌محض این که این آرزو در او ظاهر شود، موجودات روشن‌بین بزرگ آن‌را خواهند دید- "این بسیار باارزش است". اما چگونه می‌توانند به او کمک کنند؟ در کجای این دنیا او می‌تواند یک استاد پیدا کند که بتواند به او آموزش دهد؟ به‌علاوه، سن او بالای پنجاه سال است. موجودات روشن‌بین بزرگ نمی‌توانند به او آموزش دهند، زیرا اگر آن‌ها خود را این‌جا نشان می‌دادند و به او فا و تمرین‌ها را آموزش می‌دادند، درحال فاش کردن اسرار آسمانی می‌بودند، و نمی‌توانستند حتی خودشان را از سقوط کردن نجات دهند. موجودات انسانی کارهای بدی انجام داده‌اند و در این سرزمین توهم افتاده‌اند، بنابراین مجبورند از طریق آگاه شدن در بین توهم، تزکیه کنند و این دلیل آن است که چرا موجودات روشن‌بین بزرگ نمی‌توانند به آن‌ها آموزش دهند. اگر یک بودا در مقابل چشم مردم در زندگی واقعی، خود را نشان می‌داد و فا و تمرین‌ها را آموزش می‌داد، حتی افرادی که گناهان غیرقابل بخششی مرتکب شده‌اند نیز برای یاد گرفتن می‌آمدند و همه باور می‌کردند. پس چه چیزی برای بصیرت پیدا کردن باقی می‌ماند؟ موضوعی برای بصیرت وجود نمی‌داشت. موجودات انسانی می‌بایستی از بین می‌رفتند چراکه به‌واسطه‌ی کارهای خودشان در این سرزمین توهم افتادند. اما به شما یک فرصت دیگر داده شده است که در توهم و سردرگمی به سرچشمه و اصل خود بازگردید. اگر بتوانید بازگردید، باز می‌گردید، اما اگر نتوانید بازگردید، در دایره‌ی بازپیدایی ادامه خواهید داد یا این که از بین خواهید رفت.

یک شخص مجبور است مسیر خود را بپیماید. پس اگر شخصی بخواهد تزکیه کند، چگونه خواهد بود؟ آن‌ها راهی را پیدا کردند. چی‌گونگ در آن زمان بسیار مردمی و آن نتیجه‌ی تغییری در شرایط کیهانی بود. برای همکاری با این تغییرات کیهانی، آن‌ها متناسب با سطح شین‌شینگ این شخص به او گونگ می‌دادند. آن‌ها یک لوله‌ی نرم به بدن او متصل کرده که مانند یک شیر آب کار می‌کرد و وقتی باز می‌شد گونگ می‌آمد. وقتی او می‌خواست گونگ را بیرون بفرستد، گونگ می‌آمد، اما خود او نمی‌توانست گونگ را بیرون بفرستد، او شخصاً هیچ گونگی نداشت. حالت تزکیه‌ی او این‌گونه بود و این، "تزکیه‌ی معکوس" نامیده می‌شود- شخص تا به کمال برسد از بالا به پایین به تزکیه‌ی خود ادامه می‌دهد.

وقتی به‌طور معمول درباره‌ی تزکیه صحبت می‌کنیم، چیزی است که از پایین به بالا می‌رود تا این که شخص به باز شدن گونگ و کمال تزکیه برسد. تزکیه‌ی معکوس برای آن افراد مسنی بود که زمان کافی برای تزکیه کردن از

چیزی که پایین تر است به چیزی که بالاتر است نداشتند، بنابراین برای آن‌ها سریع تر می بود که از چیزی که بالاتر است به چیزی که پایین تر است تزکیه کنند. این پدیده‌ی دیگری است که در آن زمان به وجود آمد. شین شینگ آن افراد بایستی خیلی بالا می بود و به آن‌ها متناسب با سطح شین شینگ شان انرژی داده می شد. چرا آن‌ها این کار را انجام دادند؟ یکی این که با تغییرات کیهانی در آن زمان همکاری کند. وقتی این شخص کارهای خوبی برای دیگران انجام می داد، می توانست رنج‌هایی را تحمل کند. زیرا وقتی با مردم عادی در ارتباط هستید، انواع و اقسام وابستگی‌های عادی با شما در تداخل هستند. وقتی او برخی از افراد را شفا می داد، آن‌ها حتی او را باور نمی کردند. وقتی آن‌ها را معالجه می کرد، چیزهای زیادی را از بدن آن‌ها دور می کرد، اما ممکن بود در آن زمان مشخص نباشد که چه قدر آن‌ها را شفا داده است. بنابراین آن‌ها خوشحال نبوده و حتی از او تشکر هم نمی کردند و ممکن بود حتی به زشتی از او نام ببرند و بگویند که او آن‌ها را فریب داده است! دقیقاً در دست و پنجه نرم کردن با این مشکلات، در این محیط است که ذهن تعدیل و آبدیده می شود. هدف از دادن گونگ به او این بود که بتواند تزکیه کند و خود را رشد دهد و بالا برود، و درحالی که برای دیگران کارهای خوب انجام می داد، می توانست توانایی‌های فوق‌طبیعی خود را رشد دهد و گونگ خود را افزایش دهد. اما برخی از افراد نمی دانستند که موضوع از چه قرار است. آیا این را توضیح ندادم؟- آن‌ها نمی توانستند به او فا را آموزش دهند و این به خود فرد بستگی داشت که از آن سر در بیاورد. آن موضوعی در خصوص آگاه شدن بود. اگر نمی توانست آن را بفهمد، آنان هیچ راهی نداشتند که به او کمک کنند.

وقتی بعضی از افراد گونگ را دریافت کردند، یک شب در طول خواب ناگهان احساس گرمای زیادی کردند و به سختی توانستند که از رو اندازشان استفاده کنند. روز بعد، بعد از بیدار شدن از خواب، به هرچه که دست می زدند شوک دریافت می کردند. در آن هنگام می دانستند که گونگ به دست آورده بودند. اگر کسی در جایی از بدنش درد داشت، می توانستند با دست‌های شان مشکل را حل کنند و نتیجه اش کاملاً خوب بود. آن‌ها فهمیدند که از آن به بعد قدرتی دارند که گونگ را فرا می خواند. این شخص، خود را یک استاد چی گونگ می ساخت و تابلوی خود را آویزان می کرد و به خود عنوان "استاد چی گونگ" می داد. در آغاز، به خاطر این که بسیار خوب بود، ممکن بود پول یا هدیه‌هایی را که مردم سعی می کردند برای معالجه کردنش به او بدهند نپذیرد. اما نمی توانست در مقابل نیروی آلوده کننده‌ی خُم رنگ رزی مردم عادی مقاومت کند. زیرا این افراد که تزکیه‌ی معکوس را انجام می دادند هرگز از میان تزکیه‌ی واقعی شین شینگ نگذشته بودند و به همین دلیل برای آن‌ها بسیار مشکل بود که شین شینگ خود را اداره کنند. این شخص به تدریج بعضی از هدیه‌ها را قبول می کرد، سپس هدیه‌های بزرگ تر را نیز می پذیرفت و در آخر، به کمتر از چیزی که در نظر داشت راضی نمی شد. در نهایت، اعتراض می کرد، "چرا به من این همه چیز می دهید؟ به من پول بدهید!" و اگر مردم به او به اندازه‌ی کافی پول نمی دادند، آن‌ها را رها نمی کرد. بیشتر این که به استادان چی گونگ از مدارس درست احترام نمی گذاشت. تمام چیزی که می شنید چاپلوسی مردم دیگر درباره‌ی این که چه قدر تبحر دارد بود. اگر کسی چیز بدی درباره‌ی او می گفت، به هم می ریخت. وابستگی‌های او به شهرت و نفع شخصی همگی رشد کرده بودند و فکر می کرد که باهوش تر از افراد دیگر است و شخص دیگری است. فکر می کرد که به او گونگ داده شد تا یک استاد چی گونگ شود و دارایی بزرگی به هم بزند، درحالی که آن درحقیقت برای تزکیه‌ی او بود. به محض این که وابستگی‌های او به شهرت و نفع شخصی رشد پیدا کرد، سطح شین شینگ او درواقع پایین آمده بود.

گفته‌ام که سطح گونگ فرد به بلندی سطح شین شینگ او است. وقتی سطح شین شینگ آن فرد نزول کرد، آن همه گونگ به او نمی توانست داده شود، زیرا آن می بایست متناسب با شین شینگ او داده می شد- به هر اندازه که سطح شین شینگ وی بود، گونگ او نیز به همان اندازه بود. هرچه بیشتر به شهرت و نفع شخصی وابسته می بود، در محیط مردم عادی بدتر نزول می کرد، و گونگ او نیز همراه با آن نزول می کرد. در آخر، وقتی کاملاً سقوط می کرد، دیگر به او گونگی داده نمی شد و بدون ردی از گونگ، خاتمه می یافت. در سال‌های اخیر تعداد نسبتاً زیادی از این افراد وجود داشتند و اکثر آن‌ها خانم‌هایی با سن بالای پنجاه سال بودند. اگرچه ممکن بود یک خانم مسن را ببینید که

چی گونگ را تمرین می‌کند، اما هرگز هیچ آموزش واقعی را دریافت نکرده بود. شاید در یک کلاس چی گونگ چند حرکت برای شفا دادن و حفظ سلامتی یاد گرفته بود. یک روز، ناگهان دارای گونگ می‌شد. وقتی شین‌شینگ او بد می‌شد و وابستگی‌های او به شهرت و نفع شخصی رشد می‌کرد، سطح او نزول می‌کرد. سپس به این ختم می‌شد که شخص خاصی نباشد و گونگش نیز ناپدید می‌شد. این روزها، تعداد زیادی از این افراد وجود دارند که تزکیه‌ی معکوس انجام دادند و سقوط کردند. افرادی که باقی مانده‌اند بسیار کم هستند. چرا؟ زیرا آن‌ها نمی‌دانستند که آن برای تزکیه‌ی آنان تدارک دیده شده بود و اشتباهاً فکر می‌کردند که برای به‌دست آوردن دارایی و شهرت بود و این که در بین مردم عادی یک استاد چی گونگ شوند. درواقع، آن برای این بود که آن‌ها تزکیه کنند.

"قرض گرفتن گونگ" چیست؟ آن محدودیت سنی ندارد، اما یک شرط دارد: فرد باید شین‌شینگ بسیار خوبی داشته باشد. افرادی وجود داشتند که می‌دانستند چی گونگ می‌تواند برای تزکیه کردن استفاده شود، و آنان خواستند که تزکیه کنند. آن‌ها آرزوی تزکیه داشتند، اما کجا می‌توانستند یک استاد پیدا کنند؟ چندین سال پیش، استادان چی گونگ واقعی که چی گونگ را آموزش می‌دادند واقعاً وجود داشتند، اما آن‌چه که آن‌ها آموزش دادند همگی چیزهایی برای شفا دادن و حفظ سلامتی بود. هیچ کسی چی گونگ سطح بالا را آموزش نداد و افراد دیگری هم نبودند که آموزش دهند.

حالا که درحال صحبت درباره‌ی قرض گرفتن گونگ هستیم، موضوع دیگری را مطرح خواهیم کرد. یک موجود انسانی علاوه بر روح اصلی (خودآگاه اصلی)، دارای روح کمکی (خودآگاه کمکی) نیز هست. برخی از افراد یک، دو، سه، چهار یا حتی پنج روح کمکی دارند. جنسیت روح کمکی ضرورتاً مثل خود شخص نیست - بعضی‌ها ممکن است مرد و بعضی‌ها زن باشند، و همگی متفاوت هستند. درحقیقت، جنسیت روح اصلی نیز لازم نیست همانی باشد که بدن فیزیکی دارد، زیرا ما پی برده‌ایم که درحال حاضر بسیاری از مردان روح اصلی زن دارند، درحالی که بسیاری از زن‌ها روح اصلی مرد دارند. این دقیقاً با اوضاع کیهانی برعکس شدن بین و یانگ با یین درحال رونق و یانگ درحال کاهش، که مدرسه‌ی دائو آن را بیان می‌کند موافق است.

روح کمکی شخص معمولاً از سطح بالاتری از روح اصلی وی می‌آید. مخصوصاً در مورد بعضی از افراد، روح کمکی آن‌ها از سطح بسیار بالایی می‌آید. اما باید بدانید، روح کمکی به تسخیر روح درآمدن نیست! او هم‌زمان با شما از بطن مادرتان متولد شد، همان نام شما را دارد و قسمتی از بدن شما است. معمولاً وقتی مردم در زندگی روزانه درباره‌ی چیزی فکر می‌کنند یا کاری را انجام می‌دهند، این روح اصلی‌شان است که تصمیم می‌گیرد. آن‌چه که عمدتاً روح کمکی انجام می‌دهد مهار کردن روح اصلی است، به‌طوری که تا حد امکان کارهای بد کمتری انجام دهد. اما وقتی روح اصلی بسیار وابسته است، روح کمکی نمی‌تواند کاری در مورد آن انجام دهد. روح کمکی توسط جامعه‌ی مردم عادی گول نمی‌خورد، درحالی که روح اصلی در برابر آن توهّم، آسیب‌پذیر است.

بعضی از روح‌های کمکی از سطوح بسیار بالایی می‌آیند و احتمالاً در مرز رسیدن به ثمره‌ی حقیقی در تزکیه هستند. وقتی روح کمکی بخواهد تزکیه کند، اگر روح اصلی مایل به انجام آن نباشد نمی‌تواند کاری انجام دهد. زمانی که چی گونگ بسیار محبوب بود، یک روز روح اصلی نیز خواست مثل افراد دیگر، چی گونگ را تمرین کند و به‌سوی سطوح بالا تزکیه کند. البته انگیزه‌ی او پاک بود و هیچ‌گونه تمنایی برای مشهور یا ثروتمند شدن نداشت. بلافاصله موجی از خوشحالی روح کمکی را فرا گرفت، "من می‌خواستم تزکیه کنم، اما تصمیم‌ها را من نمی‌گیرم. حالا می‌خواهی تزکیه کنی و این درست همانی است که من می‌خواهم." اما او کجا می‌توانست یک استاد پیدا کند؟ روح کمکی کاملاً توانا بود. او بدن را ترک کرد تا موجودات روشن‌بین بزرگی را که در زندگی قبلش می‌شناخت پیدا کند. از آن‌جا که بعضی از روح‌های کمکی از سطوح بسیار بالایی می‌آیند، می‌توانند بدن را ترک کنند. بعد از رسیدن به آن‌جا، به آن‌ها گفت که می‌خواهد تزکیه کند و مقداری گونگ قرض بگیرد. آن‌ها دیدند این شخص بسیار خوب است، و مطمئناً او را در تزکیه کمک می‌کردند. این‌گونه روح کمکی گونگ قرض گرفت. این گونگ اغلب انرژی‌ای درخشان

آزاد می‌کرد و از میان یک لوله تأمین می‌شد و سپس چیزهایی در شکلی کامل‌شده وجود داشتند که به قرض گرفته شدند و چیزها در شکلی کامل‌شده اغلب همیشه توانایی‌های فوق‌طبیعی‌ای را به همراه دارند.

وقتی این اتفاق افتاد، شخص می‌توانست در همان لحظه دارای توانایی‌های فوق‌طبیعی باشد. شخص همان‌طور که الان شرح دادم، یک شب احساس گرمای زیادی در طول خواب کرد. وقتی که روز بعد از خواب بیدار شد گونگ داشت. به هرچه دست می‌زد شوک دریافت می‌کرد. می‌توانست بیماری دیگران را شفا دهد و همچنین فهمید که گونگ به‌دست آورده است. از کجا می‌آمد؟ درباره‌ی آن روشن نبود. فقط آگاهی مبهمی داشت که از فضای کیهان می‌آمد، اما دقیقاً نمی‌دانست چگونه آمده است. روح کمکی به او چیزی نمی‌گفت، زیرا این روح کمکی بود که تزکیه می‌کرد. تنها چیزی که می‌دانست این بود که گونگ به‌دست آورده بود.

معمولاً هیچ محدودیت سنی برای کسانی که گونگ قرض می‌گیرند نیست و بیشتر آن‌ها جوان‌ها هستند. بنابراین، چندین سال قبل اشخاصی از سنین مختلف بودند، برخی از افرادی که پدیدار شدند بیست ساله بودند، برخی سی ساله، برخی چهل ساله و برخی نیز افراد مسن‌تر بودند. افراد جوان حتی زمانه‌ی سخت‌تری برای کنترل خود دارند. آن‌ها را می‌بینید که در زندگی روزانه و در اجتماع افراد عادی رفتاری مثل مردم مهربان دارند و اهمیت کمتری به شهرت و نفع شخصی‌شان می‌دهند. اما وقتی کمی در بین هم‌ترازهای‌شان مشهور می‌شوند، گرایش دارند که با شهرت و منفعت تحت تأثیر قرار گیرند. فکر می‌کنند هنوز هم راه طولانی برای رفتن در زندگی دارند و هنوز هم می‌خواهند تلاش کنند دنبال چیزهایی بروند و کمی پیشی بگیرند و به بعضی از اهداف مردم معمولی برسند. بعد از این‌که توانایی‌های فوق‌طبیعی و بعضی مهارت‌ها را به‌دست می‌آورند، اغلب، آن‌ها را به‌عنوان یک وسیله برای رسیدن به هدف‌های‌شان مورد استفاده قرار می‌دهند. اما آن عملی نخواهد بود، آن‌ها اجازه ندارند به این شکل از آن‌ها استفاده کنند. هرچه بیشتر از آن گونگ استفاده می‌کردند، کمتر آن‌را می‌داشتند و در آخر، چیزی نمی‌داشتند. حتی افراد بیشتری وجود دارند که به این شکل سقوط کرده‌اند. فکر نمی‌کنم در حال حاضر یک نفر هم باقی مانده باشد.

دو موردی را که هم‌اکنون ذکر کردم، هر دو در خصوص گونگی بود که توسط افرادی با شین‌شینگ نسبتاً خوب به‌دست آورده شد. آن گونگ از تزکیه‌ی خود آن‌ها نمی‌آمد- از طرف موجودات روشن‌بین بزرگ می‌آمد. در نتیجه، آن گونگ به خودی خود خوب بود.

به تسخیر روح یا حیوان درآمدن

بسیاری از ما در میان اجتماع تزکیه‌کنندگان ممکن است داستان‌هایی درباره‌ی حیواناتی مثل روباه‌ها، راسوها، اشباح و مارها، که بدن‌های انسانی را تسخیر می‌کنند شنیده باشیم. این‌ها چیستند؟ بعضی افراد می‌گویند که تمرین چی‌گونگ توانایی‌های فوق‌طبیعی را رشد می‌دهد، اما حقیقت این است که این‌طور نیست که آن، توانایی‌های فوق‌طبیعی را رشد می‌دهد- آن "توانایی‌های فوق‌طبیعی" توانایی‌های مادرزادی یک شخص هستند. فقط این‌طور است که با رشد جامعه‌ی بشری، مردم بیشتر و بیشتر به چیزهای ملموس در این دنیای فیزیکی ما توجه می‌کنند، بنابراین بیشتر به ابزار نوین ما وابسته می‌شوند. در نتیجه، توانایی‌های مادرزادی بشری ما به‌طور پیوسته تحلیل رفته‌اند و حالا به مرحله‌ای رسیده است که کاملاً ناپدید شده‌اند.

برای داشتن توانایی‌های فوق‌طبیعی، شخص باید از میان تزکیه بگذرد، به خود واقعی‌اش بازگردد و آن‌ها را از طریق تزکیه رشد دهد. اما از سوی دیگر، حیوانات افکار پیچیده‌ای مثل مردم ندارند و بنابراین به سرشت جهان متصل هستند و توانایی‌های فطری مادرزادی خود را دارند. برخی از افراد می‌گویند حیوانات می‌دانند که چگونه تزکیه کنند، آن روباه‌ها می‌دانند که چگونه دن را تزکیه کنند، آن مارها و این یا آن حیوانات می‌دانند چگونه تزکیه کنند، و مانند آن. این‌طور نیست که حیوانات می‌دانند چگونه تزکیه کنند. از آغاز، نیز چیزی درباره‌ی تزکیه نمی‌دانند- فقط

این‌طور است که همان توانایی‌های فطری را دارند. بنابراین تحت شرایطی خاص و محیط‌هایی بخصوص و بعد از زمانی طولانی، توانایی‌های فطری‌شان ممکن است تأثیر گذاشته و آن‌ها قادر شوند انرژی به‌دست بیاورند و توانایی‌های فوق‌طبیعی را رشد دهند.

بدین طریق، یک حیوان مقداری توانایی خاصی خواهد داشت. در گذشته، می‌گفتم که این حیوان با بعضی از توانایی‌ها خیلی زیرک شده است. از نظر مردم عادی، حیوان‌ها آن‌قدر ترسناک هستند که به آسانی می‌توانند مردم را کنترل کنند. درحقیقت، می‌گویم که آن‌ها ترسناک نیستند- در مقابل یک تمرین‌کننده‌ی واقعی چیزی نیستند. هرچند که ممکن است پی ببرید که تقریباً هزار سال تزکیه کرده‌اند، یک انگشت کوچک کافی خواهد بود که آن‌ها را خرد کند. پس حالا که می‌دانیم حیوانات توانایی‌های فطری دارند و می‌توانند بعضی از توانایی‌های بخصوص را داشته باشند، قانون دیگری در این جهان ما وجود دارد: حیوانات اجازه ندارند در تزکیه موفق شوند. این دلیل آن است که چرا در کتاب‌های قدیمی خوانده‌اید که در هر چند صد سال، حیوانات در یک بلای ناگهانی بزرگ و یا یک حادثه‌ی کوچک کشته می‌شوند. وقتی پس از گذشت مدتی، انرژی یک حیوان تا سطح معینی رشد می‌کند، آن نابود خواهد شد، رعد و برقی به آن اصابت می‌کند یا چیز دیگری اتفاق می‌افتد تا او را از تزکیه کردن متوقف کند. آن بدین دلیل است که آن‌ها سرشت لازمی را که انسان‌ها دارا هستند، ندارند، و آن‌ها نمی‌توانند مثل انسان‌ها تزکیه کنند. اگر در تزکیه موفق شوند، مطمئناً اهریمن خواهند شد، زیرا خصلت‌های انسانی را ندارند. به همین جهت، اجازه ندارند در تزکیه موفق شوند و این دلیل آن است که چرا توسط آسمان کشته خواهند شد. آن‌ها نیز این را می‌دانند. اما همان‌طور که گفتم، جامعه‌ی بشری درحال حاضر در زوال عظیمی قرار دارد و بعضی از مردم هر نوع گناهی را مرتکب می‌شوند. وقتی به این مرحله می‌رسد، آیا جامعه‌ی بشری در خطر نیست؟

"وقتی چیزی به نهایت خود می‌رسد برعکس می‌شود!" پی برده‌ایم که هر وقت جوامع بشری در زمان‌های ماقبل تاریخ منهدم می‌شدند، همیشه وقتی اتفاق می‌افتاد که اخلاقیات نوع بشر به‌طور وحشتناکی فاسد بود. درحال حاضر، بُعدی که انسان در آن وجود دارد و همچنین بسیاری از بُعدهای دیگر، همگی در وضعیتی بسیار خطرناک قرار دارند. این حقیقت درباره‌ی بُعدهای دیگر در این سطح نیز صدق می‌کند. موجودات آن‌جا نیز می‌خواهند هرچه سریع‌تر فرار کنند، می‌خواهند به سطوح بالاتر بروند. آن‌ها فکر می‌کنند که با رفتن به سطوح بالاتر می‌توانند جان سالم به‌در ببرند. اما، چگونه می‌تواند این‌قدر ساده باشد؟ اگر می‌خواهید تزکیه کنید باید یک بدن انسانی داشته باشید، و این یکی از دلایلی است که چرا بعضی از تمرین‌کنندگان چی‌گونگ به تسخیر روح یا حیوان درمی‌آیند.

بعضی از افراد شاید تعجب کنند، "چطور همگی آن موجودات روشن‌بین بزرگ و همگی آن استادان قدرتمند هیچ کاری در این باره انجام نمی‌دهند؟" قانون دیگری در جهان ما وجود دارد: اگر آن چیزی باشد که شما به‌دنبالش باشید یا بخواهید، هیچ‌کسی نمی‌تواند شما را متوقف کند. این‌جا به شما آموزش می‌دهیم که راه درست را برگزینید و همراه با آن، فا را به‌طور کامل به شما آموزش می‌دهیم و شما را ترغیب می‌کنیم که درک خودتان را از آن داشته باشید، اما این که تصمیم بگیرید آن‌را یاد بگیرید هنوز هم به خود شما مربوط است. "استاد شما را به درب ورودی راهنمایی می‌کند، اما تزکیه کردن به خود شما بستگی دارد." هیچ‌کسی شما را مجبور نمی‌کند که تزکیه کنید. این که تزکیه کنید به خودتان مربوط است. یا به‌عبارتی دیگر، وقتی مسیر خود را انتخاب می‌کنید، وقتی تصمیم می‌گیرید که چه بخواهید یا وقتی سعی می‌کنید که چیزی را به‌دست بیاورید- هیچ‌کسی شما را متوقف نخواهد کرد. آن‌ها می‌توانند فقط سعی کنند مهربانانه شما را متقاعد کنند.

اگرچه می‌بینید بعضی از افراد چی‌گونگ را تمرین می‌کنند، اما درحقیقت این روح یا حیوان تسخیرکننده است که همه‌ی آن‌را به‌دست می‌آورد. آن‌ها چگونه ارواح تسخیرکننده را جذب کردند؟ فقط تمام افراد سراسر کشور را که چی‌گونگ را تمرین می‌کنند درنظر بگیرید، آیا می‌دانید چه تعداد از آن‌ها روی پشت‌شان ارواح تسخیرکننده دارند؟ اگر به شما می‌گفتم، بسیاری از مردم جرأت نمی‌کردند چی‌گونگ را تمرین کنند. تعداد آن‌ها وحشتناک است! پس چه

چیزی این وضعیت را به وجود می آورد؟ این چیزها واقعاً در حال ویران کردن اجتماع مردم عادی هستند. چگونه چنین پدیده‌ی وخیمی به وجود آمده است؟ این مشکل توسط خود مردم به وجود می آید. به خاطر این که بشریت در حال بد شدن است، شیاطین همه جا وجود دارند. بدترین چیزها، آن استادان قلابی چی گونگ هستند، آن‌ها همگی روی بدن‌شان ارواح یا حیوانات تسخیرکننده دارند و وقتی تمرین‌های‌شان را منتقل می‌کنند، در حال انتقال آن چیزها هستند. در سراسر تاریخ، هرگز حیوانات مجاز نبودند مردم را تصاحب کنند، و اگر این کار را می‌کردند کشته می‌شدند- هرکسی آن‌را می‌دید اجازه نمی‌داد. اما آیا باور می‌کنید، در جامعه‌ی امروزی ما بعضی از افراد برای کمک، از آن‌ها طلب می‌کنند، آن‌ها را می‌خواهند و آن‌ها را تقدیس می‌کنند. بعضی از افراد از شنیدن این زیاد خوشحال نخواهند شد- "اما آن، چیزی نیست که من خواستم!" شما آن‌را نخواستید، اما در جستجوی توانایی‌های فوق‌طبیعی بودید، و آیا آن موجودات روشن‌بین یک راه تزکیه‌ی درست، آن‌ها را به شما خواهند داد؟ در طلب آن چیزها بودن وابستگی‌ای است که مردم عادی دارند و این وابستگی باید از بین برود. پس فکر می‌کنید چه کسی آن‌ها را به شما می‌دهد؟ فقط شیاطین و انواع مختلف حیواناتی که در بُعدهای دیگر هستند. آیا آن چه که انجام دادید درست شبیه طلب کردن آن چیزها از آن‌ها نبود؟ پس، آن‌ها به‌سوی شما آمدند.

چند نفر وجود دارند که وقتی تمرین‌های چی گونگ را انجام می‌دهند افکار درستی دارند؟ وقتی کسی تمرین چی گونگ را انجام می‌دهد باید تقوا را جدی بگیرد، کارهای خوب انجام دهد و فردی مهربان باشد- باید در هر کجا و تحت هر شرایطی بدین شکل با خودش رفتار کند. همه‌ی افرادی که تمرین چی گونگ را در پارک انجام می‌دهند و همه‌ی افرادی که در خانه آن‌را انجام می‌دهند در نظر بگیرید، چند نفر این‌گونه فکر می‌کنند؟ هیچ کسی نمی‌داند که بعضی از افراد چه نوع چی گونگی تمرین می‌کنند. درحالی که تمرین می‌کند و بدنش را به نوسان در می‌آورد، زیر لب می‌گوید، "اوه، عروسم به من احترام نمی‌گذارد"، "مادر زنم خیلی منفور است!" بعضی افراد بدون وقفه ادامه می‌دهند، از صحبت کردن درباره‌ی چیزها در محل کارشان گرفته تا تیتز خبرها- چیزی وجود ندارد که درباره‌ی آن حرف‌های بی‌معنی نزنند، و چیزهایی که آن‌ها موافق آن نباشند آن‌ها را ناراحت می‌کند. به من بگویید، آیا آن، انجام تمرین‌های تزکیه است؟ و افرادی وجود دارند که تمرین‌های ایستاده را آن‌جا انجام می‌دهند، آن قدر خسته می‌شوند که پاهای‌شان می‌لرزد، اما ذهن‌شان آرام نیست، "این روزها چیزها بسیار گراند. قیمت‌ها بالا رفته و محل کار من نمی‌تواند حقوق مرا بپردازد. چرا نمی‌توانم بعضی از توانایی‌های فوق‌طبیعی را از طریق تمرین چی گونگ رشد دهم؟ اگر توانایی‌های فوق‌طبیعی را به دست می‌آوردم، من نیز یک استاد چی گونگ می‌شدم و ثروت به دست می‌آوردم- می‌توانستم از طریق معالجه‌ی بیماران پول به دست بیاورم". وقتی می‌بیند توانایی‌های فوق‌طبیعی دیگران ظاهر شده است، حتی بیشتر مضطرب می‌شود. ذهنش با کسب توانایی‌های فوق‌طبیعی، چشم سوم و کسب مهارت‌های شفای بیماری مشغول می‌شود. همگی درباره‌ی این بیندیشید: چه قدر این از سرشت جهان ما، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری دور است؟! او به سادگی به آن پشت کرده است. جدی تر بگوییم، او در حال تمرین در روشی شیطانی است! اما از آن آگاه نیست. هرچه بیشتر بدین طریق فکر کند، افکاری که ذهن او ساطع می‌کند بدتر می‌شوند. این شخص آن‌را درک نمی‌کند، او نمی‌داند که باید تقوا را جدی بگیرد و فکر می‌کند که با انجام آن تمرین‌ها می‌تواند گونگ به دست بیاورد و این که هرچه را بخواهد می‌تواند با طلب کردن آن به دست بیاورد- فکر می‌کند که آن به این شکل است.

یک شخص دقیقاً به خاطر این که افکارش درست نیست چیزهای بدی را جذب می‌کند. آن گاه یک حیوان آن‌را می‌بیند، "این شخص می‌خواهد با تمرین چی گونگ ثروتی به دست بیاورد، و آن شخص می‌خواهد مشهور شود و توانایی‌های فوق‌طبیعی به دست بیاورد. خدای من، بدن او بد نیست و آن چه که دارد بسیار خوب است. اما ذهنش واقعاً بد است- او به دنبال توانایی‌های فوق‌طبیعی است! ممکن است استادی داشته باشد، اما حتی اگر داشته باشد، ترسی ندارم". حیوان می‌داند که استاد یک تزکیه‌ی واقعی او را خواهد دید که به این شکل در جستجوی توانایی‌های فوق‌طبیعی است و هرچه بیشتر در جستجوی آن‌ها باشد، استاد به احتمال کمتری آن‌ها را به او خواهد داد، چراکه آن

دقیقاً یک وابستگی است که باید از آن رها شود. هرچه بیشتر به این طریق فکر کند، به احتمال کمتری توانایی‌های فوق‌طبیعی به او داده خواهد شد، اصولاً هرچه بیشتر از چگونگی این مسئله بی‌خبر باشد بیشتر آن را می‌خواهد و افکارش بدتر می‌شود. در آخر، استاد پس از مشاهده‌ی این که این شخص اصلاح ناپذیر است، با یک آه عمیق او را ترک می‌کند و دیگر کاری با او ندارد. بعضی افراد استادی ندارند و ممکن است برای مدتی توسط استادی گذری مورد مراقبت قرار گیرند، چراکه موجودات روشن‌بین بسیار زیادی در بُعدهای دیگر وجود دارند. یک موجود روشن‌بین شاید نظری به این شخص بیندازد، او را تماشا کند و برای یک روز، او را دنبال کند و پس از این که دید او خوب نیست رهاش کند. روز دیگر موجود روشن‌بین دیگری ممکن است رد شود، به او نظری بیندازد، پی ببرد که او خوب نیست و او را ترک کند.

حیوان می‌داند که هر نوع استادی که او داشته باشد، خواه استاد عادی باشد یا استاد گذری، استادش آن‌چه را که در جستجوی آن است به او نخواهد داد. حیوانات نمی‌توانند بُعدهایی را که موجودات روشن‌بین بزرگ در آن‌جا هستند ببینند، بنابراین آن‌ها نمی‌ترسند و از یک راه گریز سوء استفاده می‌کنند: یک قانون در جهان ما وجود دارد که وقتی کسی بخواهد در جستجوی چیزی باشد یا چیزی بخواهد، معمولاً نباید متوقف شود. حیوان از این راه گریز سوء استفاده می‌کند- "او آن‌ها را می‌خواهد، پس من آن‌ها را به او خواهم داد. برای من اشتباه نیست که به او کمک کنم، آیا این‌طور نیست؟" حیوان آن‌ها را به او می‌دهد. حیوان در آغاز جرأت نمی‌کند او را تصاحب کند و اول به‌عنوان آزمایش به او کمی انرژی می‌دهد. شخص یک روز ناگهان پی‌می‌برد که چیزی که در جستجویش بود به‌دست آورده و می‌تواند حتی بیماری‌ها را شفا دهد. حیوان می‌بیند که آن کاملاً خوب عمل کرده و مثل اجرای یک پیش‌درآمد قبل از شروع واقعی نمایش است، "او آن‌ها را می‌خواهد، پس بدن او را تصاحب خواهم کرد. به این طریق می‌توانم به او بیشتر بدهم و آن‌را آسان‌تر انجام خواهم داد!" "تو چشم سوم می‌خواهی، درست است؟ این بار آن‌را تماماً به تو خواهم داد." سپس شخص را تصاحب می‌کند.

درحالی که ذهن این شخص به خواستن این چیزها فکر می‌کند، چشم سوم او باز می‌شود و می‌تواند گونگ را به بیرون بفرستد، و حتی کمی توانایی فوق‌طبیعی جزئی به‌دست آورده است. بسیار خوشحال می‌شود و فکر می‌کند که در جستجوی این چیزها بوده و بوده و بالاخره آن‌ها را به‌دست آورده و فکر می‌کند که آن‌ها حاصل تمرینش بوده‌اند. اما درحقیقت، از طریق تمرین هیچ چیزی را به‌دست نیاورده است. فکر می‌کند که می‌تواند از میان بدن بشری ببیند و محل بیماری‌ها را در بدن شخص شناسایی کند. درحقیقت، چشم سوم او یک ذره هم باز نشده است، بلکه حیوان است که ذهن او را کنترل می‌کند. آن حیوان با چشم‌های خود چیزها را می‌بیند و سپس آن‌چه را که می‌بیند به مغز او منعکس می‌کند، درنتیجه او فکر می‌کند که چشم سومش باز شده است. "می‌خواهی گونگ را آزاد کنی؟ شروع کن." وقتی او دست خود را برای آزاد کردن انرژی نگه می‌دارد، پنجه‌های حیوان از پشت بدنش بیرون کشیده می‌شود. وقتی انرژی را بیرون می‌فرستد، زبان شکاف‌دار از سر مار بیرون می‌آید تا آن قسمت بیمار یا متورم مریض را بلیسد. موارد بسیار زیادی از این قبیل وجود دارند. آن ارواحی که این افراد را تسخیر می‌کنند فقط به‌خاطر این که این افراد از آن‌ها طلب می‌کنند می‌آیند.

بنابراین او در طلب آن‌ها است، رؤیای به‌دست آوردن ثروت و مشهور شدن را در سر می‌پروراند. "بسیار خوب!"- توانایی‌های فوق‌طبیعی را به‌دست می‌آورد، می‌تواند مردم را شفا دهد و می‌تواند با چشم سومش ببیند. این او را بسیار خوشحال می‌کند. حیوان نظری می‌اندازد، "تو می‌خواهی ثروت به‌دست بیاوری، مگر نه؟ بسیار خوب، من کاری می‌کنم که ثروت به‌دست بیاوری." بسیار آسان است که ذهن یک فرد عادی را کنترل کرد. حیوان می‌تواند مردم زیادی را کنترل کند و کاری کند که برای معالجه به نزد او بیایند، و آن‌ها به‌صورت دسته می‌آیند. عجب!- درحالی که او مریض‌هایی را این‌جا شفا می‌دهد، حیوان کاری می‌کند که خبرنگاران برای او در روزنامه‌ها تبلیغ کنند. او مردم عادی را برای انجام این کارها کنترل می‌کند. وقتی کسی که برای معالجه نزد او می‌آید به اندازه‌ی کافی به او

حق الزحمه نمی‌پردازد، نمی‌گذارد بدون دردسر برود، حیوان سبب می‌شود که بیمار سردرد بگیرد. به هر حال، فرد باید به او مقدار زیادی پول بپردازد. او به هر دوی ثروت و شهرت رسیده است - پول زیادی به هم زده، مشهور شده و حالا یک استاد چی‌گونگ است. معمولاً چنین افرادی به شین‌شینگ اهمیتی نمی‌دهند و جرأت می‌کنند که هر چیزی بگویند. "من بعد از آسمان دومین نفر هستم". تا حدی پیش می‌روند که ادعا می‌کنند بازپیدا شده‌ی الهه‌های معروف مثل ملکه مادر یا امپراطور بزرگ یشم هستند، و حتی تا حدی پیش می‌روند که می‌گویند بودا هستند. آن‌ها واقعاً تزکیه‌ی شین‌شینگ را انجام نداده‌اند، بنابراین وقتی تمرین‌های‌شان را انجام می‌دهند به دنبال توانایی‌های فوق‌طبیعی هستند و در نهایت توسط حیوانات تسخیر می‌شوند.

شاید بعضی از شما فکر کنید، "چه چیز آن اشتباه است؟ تا آن‌جا که بتوان پول به‌دست آورد یا ثروتمند شد و بتوان مشهور شد خوب است". بسیاری از افراد این‌گونه فکر می‌کنند. اما به شما خواهم گفت، که حیوان آن کار را بدون قصد انجام نمی‌دهد و چیزی را بدون دلیل به شما نخواهد داد. قانونی در این جهان وجود دارد: بدون از دست دادن، چیزی به‌دست نمی‌آید. حیوان چه چیزی را به‌دست می‌آورد؟ آیا هم‌اکنون درباره‌ی آن صحبت نکردم؟ او می‌خواهد آن یک ذره جوهر بدن شما را به‌دست بیاورد تا در یک شکل بشری تزکیه را انجام دهد، بنابراین جوهر بشری را از بدن شخص جمع می‌کند. اما در بدن یک انسان فقط این یک ذره جوهر وجود دارد و اگر کسی بخواهد تزکیه کند، فقط همین یک قسمت وجود دارد. و اگر بگذارید که حیوان آن‌را از شما بردارد، باید تزکیه کردن را فراموش کنید - در آن صورت چگونه تزکیه خواهید کرد؟ همه چیز را از دست خواهید داد و کلاً قادر نخواهید بود تزکیه کنید. شاید برخی افراد بگویند، "من نمی‌خواهم تزکیه کنم، فقط می‌خواهم پول به‌دست بیاورم. تا آن‌جا که پول دارم، خوب است. چرا نگران چیزهای دیگر باشم؟" بگذارید برای‌تان توضیح دهم، شاید بخواهید ثروتمند شوید، اما بعد از این که دلیلش را گفتم به این شکل فکر نمی‌کنید. چرا؟ اگر آن، بدن شما را زود ترک کند، چهار دست و پای شما بسیار ضعیف خواهند شد. بعد از آن، در تمام مدت باقی‌مانده‌ی عمرتان به این شکل باقی خواهید ماند، زیرا مقدار زیادی از جوهر شما را برداشته است. اما اگر بدن شما را دیر ترک کند، مثل یک گیاه خواهید شد و بقیه‌ی زندگی خود را با فقط نفسی که از شما باقی مانده در تخت خواهید گذراند. حتی اگر پول می‌داشتید، آیا قادر می‌بودید که آن‌را خرج کنید؟ حتی اگر مشهور می‌شدید، آیا قادر می‌بودید که از آن لذت ببرید؟ آیا این وحشتناک نمی‌بود؟

چنین مواردی واقعاً وخیم شده‌اند و آن‌ها در بین افرادی که این روزها چی‌گونگ را تمرین می‌کنند وجود دارند. حیوان تنها بدن را تسخیر نمی‌کند، بلکه روح اصلی شخص را می‌کشد و در کاخ نیوان شخص رفته و در آن‌جا مقیم می‌شود. اگرچه فرد شبیه یک انسان دیده می‌شود، ولی درحقیقت نیست. حتی این چیزها را امروزه می‌توانید ببینید. ارزش‌های اخلاقی نوع بشر تغییر کرده است. وقتی برخی از افراد کارهای نادرست انجام می‌دهند و به آن‌ها می‌گویید که کاری نادرست انجام می‌دهند آن‌را باور نمی‌کنند. فکر می‌کنند که به‌دست آوردن پول، خواستن پول و ثروتمند شدن حق طبیعی آن‌ها است و این کارها درست هستند. به همین جهت، به افراد دیگر زیان می‌رسانند، به دیگران صدمه می‌زنند و برای به‌دست آوردن پول، هر گناهی را مرتکب خواهند شد - هر کاری را انجام خواهند داد! حیوان اگر چیزی از دست ندهد، چیزی را به‌دست نخواهد آورد. آیا در عوض هیچ چیز، به شما چیزی خواهد داد؟ می‌خواهد چیزهایی را که در بدن شما هست بگیرد. البته، گفته‌ایم که مردم این مشکلات را فرا می‌خوانند فقط به‌خاطر این که نیتی که دارند صحیح نیست و افکار آن‌ها درست نیست.

بگذارید ببینیم فالون دافای ما در این مورد چه چیزی می‌گوید. وقتی در روش ما تزکیه می‌کنید، تا آن‌جا که بتوانید شین‌شینگ خود را حفظ کنید، "یک فکر درست می‌تواند بر صد اهریمن غلبه کند" - در هیچ مشکلی نخواهید افتاد. ولی اگر نتوانید به‌خوبی شین‌شینگ خود را حفظ کنید، اگر به دنبال این یا آن چیز بروید، مسلماً به دردسر خواهید افتاد. بعضی افراد، چیزهایی را که قبلاً یک‌بار تمرین کرده‌اند نمی‌توانند رها کنند. همگی می‌دانیم که وقتی چی‌گونگ را انجام می‌دهید فقط باید در یک روش پایدار باشید - در تزکیه‌ی واقعی، شما مجبورید. با این که برخی از استادان

چی‌گونگ کتاب‌هایی نوشته‌اند، به شما می‌گویم که آن کتاب‌ها چنان آشفته می‌باشند که شبیه همان چیزهایی هستند که تمرین می‌کنند- مارها، روباه‌ها و راسوها، همگی در آن‌ها وجود دارند. وقتی آن کتاب‌ها را مطالعه می‌کنید، این چیزها از کلمات بیرون خواهند پرید. مجبورم به شما بگویم، تعداد استادان قلابی چی‌گونگ چندین بار بیشتر از استادان واقعی است و شما قادر نیستید آن‌ها را تشخیص دهید. به همین جهت، باید بدانید چه کار می‌کنید. این طور نیست که می‌گویم باید در فالون دافا تزکیه کنید. درواقع می‌توانید در هر مدرسه‌ای که بخواهید تزکیه کنید. اما گفته‌ای قدیمی وجود دارد، "فرد هزار سال کسب نکردن یک راه درست را به یک روز تزکیه کردن در روش یک روباه وحشی ترجیح می‌دهد". بنابراین واقعاً باید بدانید که درحال انجام چه کاری هستید، و واقعاً یک روش درست را تزکیه کنید. چیز دیگری را در تزکیه‌ی خود مخلوط نکنید- حتی هیچ فکری را اضافه نکنید. فالون بعضی از افراد از شکل افتاده است. چرا آن‌ها از شکل افتاده‌اند؟ آن‌ها ادعا می‌کنند که روش‌های دیگر چی‌گونگ را تمرین نکرده‌اند. اما هر وقت که تمرین‌های‌شان را انجام می‌دهند، در ذهن‌شان از تمرین‌های سابق‌شان چیزی‌هایی را اضافه می‌کنند. آیا آن چیزها به تمرین‌ها آورده نمی‌شوند؟ این همه‌ی آن چیزی است که می‌خواهم درباره‌ی تسخیر به‌وسیله‌ی ارواح یا حیوانات صحبت کنم.

زبان کیهانی

"زبان کیهانی" چیست؟ منظور این است که ناگهان یک شخص می‌تواند به یک زبان ناشناخته صحبت کند. او چیزی را زیر لب می‌گوید که خودش هم از آن سر در نمی‌آورد. شخصی با توانایی تله‌پاتی می‌تواند فهمی عمومی از آن را دریافت کند، اما قادر نیست به‌طور مشخص بگوید که این شخص درباره‌ی چه چیزی صحبت می‌کند. و بعضی از افراد می‌توانند به چندین زبان مختلف صحبت کنند. برخی از آنان فکر می‌کنند که شگفت‌انگیز هستند و فکر می‌کنند که واقعاً با استعداد هستند و یک توانایی فوق‌طبیعی دارند. آن یک توانایی فوق‌طبیعی نیست و مهارت یک تزکیه‌کننده نیز نیست و همچنین معرف سطح شما نمی‌باشد. پس آن درباره‌ی چیست؟ درواقع این طور است که ذهن شما توسط یک روح خارجی درحال کنترل شدن است. اما بنا به دلایلی فکر می‌کنید آن خوب است، شما داشتن آن را دوست دارید و از داشتن آن خوشحال هستید. هرچه بیشتر خوشحال باشید، بهتر شما را کنترل می‌کند. به‌عنوان یک تزکیه‌کننده‌ی واقعی، چگونه می‌توانید بگذارید که شما را کنترل کند؟ به علاوه، سطح آن واقعاً پایین است. به‌عنوان یک تزکیه‌کننده‌ی واقعی، نباید این نوع مشکلات را به خود فرا بخوانیم.

انسان مظهر همه‌ی موجودات و بارزش‌ترین آن‌ها است. چگونه می‌توانید توسط این چیزها مورد کنترل قرار بگیرید؟ شما حتی بدن خود را نمی‌خواهید- چه‌قدر غم‌انگیز است! بعضی از این چیزها به بدن انسان وصل هستند. بعضی‌ها نیستند اما با آن که در فاصله‌ی کمی از شما قرار دارند، شما را کنترل کرده و تحت نفوذ دارند. وقتی می‌خواهید صحبت کنید، از انجام آن بسیار خوشحال می‌شوند، بنابراین شما صحبت خواهید کرد و زیر لب سخن خواهید گفت. اگر شخص دیگری نیز بخواهد آن زبان را یاد بگیرد، می‌تواند به او منتقل شود. وقتی شخص به اندازه‌ی کافی جسارت داشته باشد که آن را امتحان کند، او نیز می‌تواند به آن زبان صحبت کند. درحقیقت، آن چیزها به‌صورت گروهی می‌آیند و وقتی بخواهید به آن زبان صحبت کنید یکی از آن‌ها روی بدن شما فرود می‌آید و کمک می‌کند که صحبت کنید.

چرا چنین وضعیتی اتفاق می‌افتد؟ همان‌طور که گفتم، می‌خواهند سطح خود را بالا ببرند، اما در آن‌جا سختی وجود ندارد، درنتیجه نمی‌توانند تزکیه کنند و خودشان را رشد دهند. آن‌ها ایده‌ای را یافتند. می‌خواهند با انجام کارهای خوب، به دیگران کمک کنند، ولی نمی‌دانند چگونه. اما می‌دانند آن انرژی که به خارج می‌فرستند، می‌تواند بیماری مریضی را کمی کاهش دهد و دردهای مریض را برای مدتی تسکین دهد، اما نمی‌تواند بیماری را شفا دهد. آن‌ها می‌دانند که استفاده از دهان شخص برای این که انرژی را بیرون بفرستد می‌تواند تأثیر داشته باشد، این آن چیزی است

که اتفاق می‌افتد. بعضی افراد آن را زبان آسمانی می‌نامند و افرادی هستند که آن را زبان بودا می‌نامند. آن بی‌احترامی نسبت به بودا است! آن حرفی بی‌معنی است!

شما می‌دانید، بوداها به‌ندرت دهان‌شان را برای صحبت باز می‌کنند. اگر آن‌ها دهان‌شان را باز می‌کردند و در بُعد ما صحبت می‌کردند، می‌توانستند زمین‌لرزه‌هایی در دنیای انسانی ایجاد کنند- وحشتناک می‌بود! فقط درباره‌ی آن صدای مهیب فکر کنید. بعضی از افراد گفته‌اند، "من با چشم سوم دیدم که یک بودا با من صحبت کرد." او با شما صحبت نمی‌کرد. و این برای آن افرادی که فاشن مرا دیدند نیز به این صورت است. او نیز با شما صحبت نمی‌کرد. فکری که او بیرون می‌فرستد به‌صورت صوت سه‌بُعدی است، بنابراین زمانی که آن را می‌شنوید، مثل این است که او در حال صحبت با شما است. او معمولاً در بُعد خودش صحبت می‌کند. اما، بعد از انتقال به بُعد ما نمی‌توانید آن‌چه را که او می‌گوید به‌طور واضح بشنوید، زیرا مفاهیم مکان- زمان در این دو بُعد متفاوت هستند. در بُعد ما، یک شی‌چِن دو ساعت است، اما در آن بُعد بزرگ یک شی‌چِن ما، معادل یک سال به زمان آن‌ها است. زمان ما آهسته‌تر از زمان در آن‌جا است.

گفته‌ای قدیمی وجود دارد، "فقط یک روز در آسمان‌ها برابر با هزار سال روی زمین است." آن اشاره به بهشت‌های یگانه‌ای می‌کند که در آن‌جا مفاهیم مکان و زمان وجود ندارند، یا مشخص‌تر بگوییم، بهشت‌هایی که موجودات روشن‌بین بزرگ در آن‌جا مقیم هستند، مثل بهشت سعادت غایی، بهشت زمرد، بهشت فالون، بهشت لوتوس و مانند آن- به چنان مکان‌هایی اشاره می‌کند. اما برخلاف انتظار شما، زمان در آن بُدهای بزرگ سریع‌تر است. اگر بتوانید صحبت آن‌ها را دریافت کنید و بشنوید (گوش آسمانی بعضی افراد باز است و وقتی گوش‌ها باز باشند می‌توانند بشنوند که آن‌ها صحبت می‌کنند) به آن واضحی نمی‌توانید بشنوید. آن‌چه را که می‌شنوید صدایی مثل هم دارد، مثل جیک جیک پرنده‌ها یا صدای گرامافونی که با سرعت می‌چرخد- همگی نامفهوم هستند. البته بعضی افراد می‌توانند موسیقی بشنوند و می‌توانند بشنوند که افراد صحبت می‌کنند. اما آن‌ها باید یک توانایی فوق‌طبیعی داشته باشند که به‌عنوان یک حامل عمل کرده تا قبل از این که صدا به گوش‌های شما منتقل شود اختلاف زمانی را از بین ببرد و فقط در آن صورت می‌توانید به‌طور واضح بشنوید. آن، این‌گونه عمل می‌کند. برخی افراد آن چیزها را زبان بودا می‌نامند در صورتی که اصلاً این‌طور نیست.

وقتی دو موجود روشن‌بین بزرگ یکدیگر را ملاقات می‌کنند، هر چیزی را که باید بفهمند فقط با یک لب‌خند می‌فهمند. زیرا این تله‌پاتی ذهنی بی‌صدا است و آن‌چه که دریافت می‌شود صدای سه‌بُعدی دارد. وقتی به یکدیگر لب‌خند می‌زنند، افکارشان همان وقت منتقل می‌شود. آن‌ها فقط این یک شکل را استفاده نمی‌کنند، بلکه گاهی اوقات از روش دیگری استفاده می‌کنند. شما می‌دانید، در تانتريسم تبتی، راهبان علائم دست را بسیار جدی می‌گیرند. اما اگر از راهبی سؤال کنید که علائم دست چیست، خواهد گفت که آن بالاترین درجه‌ی یوگا است. واقعاً آن چیست؟ او هم نمی‌داند. درواقع آن، یک زبان موجودات روشن‌بین بزرگ است. وقتی تعداد زیادی افراد وجود داشته باشند، علائم بزرگ دست را به‌کار می‌برند، که بسیار زیبا هستند، و آن‌ها انواع و اقسام علائم بزرگ دست را به‌کار می‌برند. وقتی افراد کمتری وجود داشته باشند، علائم کوچک دست را به‌کار می‌برند، که آن‌ها نیز بسیار زیبا هستند. آن‌ها از شکل‌های گوناگون علائم کوچک دست استفاده می‌کنند و آن‌ها بسیار پیچیده و در تنوع غنی هستند، چراکه یک زبان هستند. در گذشته، تمام این‌ها به‌عنوان یک راز آسمانی در نظر گرفته می‌شد، اما حالا آن‌را فاش کرده‌ایم. آن‌چه که در تبت مورد استفاده قرار می‌گیرد فقط تعدادی حرکت است که صرفاً برای تمرین استفاده می‌شود. آنان حرکات را طبقه‌بندی کرده و به‌صورت یک سیستم درآورده‌اند. آن چیزها فقط یک زبان یک‌بُعدی برای تمرین آن‌ها بوده و فقط چندین شکل برای تمرین هستند. حرکات واقعی دست بسیار پیچیده‌تر هستند.

چیزهایی که معلم‌تان به شاگردانش داده است

وقتی برخی از افراد مرا می‌بینند با من دست می‌دهند و آن‌را رها نمی‌کنند. و وقتی دیگران می‌بینند که این اشخاص با من دست می‌دهند، آن‌ها نیز می‌خواهند همین کار را انجام دهند. می‌دانم در فکرشان چه می‌گذرد. بعضی‌ها می‌خواهند با معلم‌شان دست بدهند چراکه این کاری است که انجام آن خوشایند است، درحالی که برخی دیگر می‌خواهند پیام‌هایی بگیرند و بعد از این که دست مرا می‌گیرند رها نمی‌کنند. به شما می‌گوییم: تزکیه‌ی واقعی کاری است که خود شما انجام می‌دهید، و ما این‌جا کارهای مربوط به شفا دادن و حفظ تندرستی را انجام نمی‌دهیم، یا پیام‌هایی به شما بدهیم تا بیماری‌های‌تان را شفا دهیم. این چیزها جزء روش ما نیستند. من مستقیماً بیماری‌های شما را برمی‌دارم. آن‌ها در محل‌های تمرین، توسط فاشن من برداشته می‌شوند، و افرادی که خودشان شخصاً توسط خواندن کتاب‌ها روش را یاد می‌گیرند نیز فاشن مرا خواهند داشت تا بیماری‌های‌شان برداشته شود. آیا فکر می‌کنید با لمس کردن دست من گونگ شما افزایش خواهد یافت؟ آیا این یک شوخی نیست؟

گونگ از تزکیه‌ی شین‌شینگ شما می‌آید. اگر به‌طور واقعی خود را تزکیه نکنید، گونگ‌تان رشد نخواهد کرد، چراکه استاندارد برای شین‌شینگ وجود دارد. وقتی گونگ شما افزایش می‌یابد، موجودات در سطوح بالا می‌توانند ببینند که پس از این که وابستگی شما، آن ماده، برداشته می‌شود، یک محک بالای سر شما رشد می‌کند. و این محک شکل ستون گونگ را به‌خود می‌گیرد. هر اندازه که محک بالا باشد، به همان اندازه ستون گونگ بالا است، آن معرف گونگی است که تزکیه کرده‌اید و معرف ارتفاع سطح شین‌شینگ شما است. مهم نیست چه کسی به آن اضافه می‌کند و چه قدر برای شما به آن اضافه می‌کند، حتی اگر مقدار کمی هم به آن اضافه کند آن‌جا نخواهد ماند-همه‌ی آن سرازیر خواهد شد. می‌توانم فوراً شما را به مرحله‌ی "سه گل در بالای سر" برسانم، اما لحظه‌ای که پای‌تان را از این درب بیرون بگذارید، آن گونگ بلافاصله سرازیر می‌شود، زیرا به شما تعلق ندارد. شما آن‌را تزکیه نکرده‌اید بنابراین آن‌جا نخواهد ماند، چراکه استاندارد شین‌شینگ شما هنوز به آن مرحله نرسیده است. هیچ‌کسی نمی‌تواند چیزی به آن اضافه کند. تمام آن باید از تزکیه‌ی خودتان بیاید. ذهن‌تان را تزکیه کنید، به‌طور پیوسته گونگ‌تان را رشد دهید، همیشه به بهتر کردن خودتان ادامه دهید و جذب سرشت جهان شوید-آن‌گاه و فقط آن‌گاه درحال بالا رفتن خواهید بود. بعضی افراد دست‌خط مرا می‌خواهند، اما من مایل به این کار نیستم. و سپس ممکن است برخی از افراد درباره‌ی این که چگونه معلم دست‌خط خود را به آن‌ها داد صحبت کنند و ممکن است بخواهند با آن خودنمایی کنند و بخواهند پیام‌های معلم آن‌ها را محافظت کنند. آیا این وابستگی دیگری نیست؟ در تزکیه باید به خودتان تکیه کنید-برای چه درباره‌ی پیام‌ها صحبت می‌کنید؟ آیا در تزکیه‌ی سطح بالا باید به این چیزها اهمیت بدهید؟ آن یک ریال هم ارزش ندارد! فقط چیزی برای شفا دادن و حفظ سلامتی است.

در سطحی بسیار ذره‌بینی، ذرات ذره‌بینی گونگی که تزکیه کرده‌اید، دقیقاً شبیه خودتان است. وقتی ورای فای دنیای سه‌گانه می‌روید، درحال تزکیه‌ی یک بدن بودا خواهید بود. گونگ شما در شکل یک بدن بودا خواهد بود، بسیار زیبا است و روی یک گل لوتوس می‌نشیند، هر ذره‌ی کوچک، شبیه آن است. اما گونگ یک حیوان، چیزی شبیه روباه‌ها یا مارهای کوچک است و حتی ذرات ذره‌بینی آن‌ها در سطحی بسیار ذره‌بینی همگی این چیزها هستند. همچنین چیزی وجود دارد که "پیام‌ها" نامیده می‌شود. برخی از افراد کمی آب را با برگ‌های چای خیس شده به‌هم می‌زنند و می‌گویند که آن‌را بنوشید و می‌پندارند که آن گونگ است. افراد عادی فقط می‌خواهند به‌طور موقت دردهای‌شان را تسکین دهند و می‌خواهند بیماری‌های‌شان را به تعویق بیندازند و سرکوب کنند. شما می‌دانید، افراد عادی، فقط افراد عادی هستند، و بدون توجه به این که چگونه به‌طور بدی بدن‌شان را آشفته می‌کنند، به ما مربوط نمی‌شود. اما شما تمرین‌کننده هستید و به همین دلیل است که این چیزها را به شما گفته‌ام. بنابراین هیچ‌یک از این کارها را دوباره انجام ندهید. حتی فکر خواستن چیزهایی مثل به‌اصطلاح "پیام‌ها" و چیزهایی از این قبیل را نداشته باشید. برخی از استادان چی گونگ می‌گویند، "پیام‌هایی بیرون می‌فرستم و شما می‌توانید آن‌ها را سراسر کشور دریافت

کنید". چه چیزی را دریافت کنید؟! به شما می‌گویم، آن چیزها فایده‌ی زیادی ندارند. حتی اگر مزایایی هم داشته باشند، فقط برای شفا دادن و حفظ سلامتی هستند. شما تمرین‌کننده هستید، گونگ شما فقط از تزکیه‌ی خودتان به‌دست می‌آید. هر "پیامی" که دیگران برای شما می‌فرستند نمی‌تواند سطح شما را بالا ببرد، چراکه آن فقط برای معالجه‌ی افراد عادی است. شما باید فکر خود را صحیح نگه‌دارید. هیچ کسی نمی‌تواند به‌جای شما تزکیه کند. فقط وقتی خود شما به‌طور واقعی تزکیه کنید می‌توانید سطح‌تان را بالا ببرید.

پس، چه چیزی به شما می‌دهم؟ می‌دانید، بسیاری از ما هرگز چی‌گونگ را تمرین نکرده‌ایم و بدن ما بیمار یا آسیب‌دیده است. برخی از افراد نیز سال‌ها است که چی‌گونگ را تمرین کرده‌اند، ولی هنوز درسطح چی سرگردان هستند و هیچ گونگی ندارند. البته، افرادی هستند که دیگران را مداوا می‌کنند و ممکن است ندانید که چگونه می‌توانستند آن کار را انجام دهند. زمانی که درباره‌ی تسخیر روح یا حیوان صحبت می‌کردم، تمام آن ارواح یا حیوانات تسخیر کننده را- بدون توجه به این‌که آن‌ها چه بودند- از بدن تمرین‌کنندگان واقعی دافا برداشتم، و تمام آن چیزهایی که داخل یا روی بدن آن‌ها بود برداشته‌ام. وقتی افرادی که خودشان شخصاً تزکیه‌ی واقعی را انجام می‌دهند، این دافا را بخوانند، بدن آن‌ها را نیز به همین شکل پاک می‌کنم. علاوه بر این، محیط خانه‌ی شما نیز باید پاک شود. عجله کنید و آن لوحه‌های گرمای‌داشت پوشیده شده از روباه و راسو را که قبلاً آن‌ها را تقدیس می‌کردید دور بیندازید. تمام آن چیزها برای شما دور ریخته و تمیز شده‌اند و دیگر وجود ندارند. شما می‌خواهید تزکیه کنید، پس ما خوشحال هستیم که راه را برای شما پاک می‌کنیم و تمام این کارها را انجام می‌دهیم. اما فقط آن‌ها را برای تزکیه‌کنندگان حقیقی انجام می‌دهیم. البته، بعضی از افراد نمی‌خواهند تزکیه کنند و حتی تا این لحظه هنوز متوجه نیستند که در مورد چه صحبت می‌کنیم. واقعاً نمی‌توانیم به آن‌ها کمک کنیم. فقط از تزکیه‌کنندگان واقعی مراقبت می‌کنیم.

نوعی دیگر فرد وجود دارد. به کسی در گذشته گفته شد که روح یا حیوان تسخیرکننده دارد و او نیز احساسی داشت که تسخیر شده بود. اما، بعد از این‌که آن برداشته شده است، هنوز نمی‌تواند نگران نباشد. همیشه فکر می‌کند که هنوز هم آن وضع را دارد، فکر می‌کند هنوز آن‌جا است. اما این یک وابستگی است و بدگمانی نامیده می‌شود. با گذشت زمان، اگر به‌اندازه‌ی کافی مراقب نباشد، ممکن است دوباره آن‌را به خود جذب کند. باید از این وابستگی رها شوید. روح یا حیوان تسخیرکننده دیگر وجود ندارد. برخی از آن افراد را در کلاس‌های قبلی‌مان از این چیزها پاک کرده‌ایم. آن کارها را درحال حاضر برای آن‌ها انجام داده‌ام- همه‌ی ارواح یا حیوانات تسخیرکننده را برداشته‌ام.

در سطحی پایین، مدرسه‌ی دائو لازم می‌داند که درحال انجام تمرین‌های تزکیه، یک بنیان را بنا سازد، آن‌ها نیاز دارند که مدار آسمانی را شکل دهند و میدان *تن‌تی/ن* باید شکل بگیرد و بعضی چیزهای دیگر نیز باید شکل بگیرند. این‌جا فالون، مکانیزم‌های انرژی، تمام مکانیزم‌ها برای تزکیه و بسیاری چیزهای دیگر را، بیش از ده هزار از آن‌ها را می‌کاریم. تمام آن‌ها را باید به شما بدهیم و آن‌ها مثل بذرهایی در بدن شما کاشته می‌شوند. بعد از این‌که بیماری‌های‌تان را برداریم، هر چیزی را که لازم باشد انجام داده شود، انجام دهیم، و هرچه را که باید داشته باشید، در شما قرار دهیم، بعد از آن و فقط بعد از آن قادر خواهید بود در مدرسه‌ی ما به‌طور موفقیت‌آمیزی تزکیه کنید. اما اگر این چیزها را به شما نمی‌دادیم، فقط درباره‌ی شفا دادن و حفظ سلامتی می‌بود. صادقانه بگوییم، اگر بعضی افراد مراقب شین‌شینگ خود نباشند، بهتر است که به‌جای آن، تمرین‌های ورزشی را انجام دهند.

وقتی تزکیه‌ی واقعی را انجام می‌دهید، باید نسبت به شما مسئول باشیم. کسانی که شخصاً یاد می‌گیرند نیز می‌توانند چیزها را به همان شکل به‌دست بیاورند، اما باید تزکیه‌کننده‌ی حقیقی باشند- ما تمام این چیزها را به تزکیه‌کنندگان حقیقی می‌دهیم. همان‌طور که گفتم باید شما را به‌عنوان مرید، به‌طور واقعی هدایت کنم. و همراه با این، باید مطمئن باشید که فای سطح بالا را به‌طور تمام و کمال مطالعه می‌کنید و بدانید که چگونه تزکیه کنید، مثل یادگرفتن تمام پنج تمرین با هم، و ماهر شدن در آن‌ها. پس از آن قادر خواهید بود به سطحی بسیار بالا برسید، سطحی بالاتر از آن‌چه که بتوانید تصور کنید، و رسیدن به ثمره‌ی حقیقی مشکلی نخواهد بود. این‌فا که درحال

آموزش آن هستیم، هم‌زمان سطوح مختلف را پوشش می‌دهد، بنابراین تا وقتی که تزکیه کنید، از حالا به بعد، در سطوح مختلف تزکیه پی خواهید برد که آن همیشه شما را هدایت خواهد کرد.

شما یک تزکیه‌کننده هستید، بنابراین راه زندگی شما از همین حالا تغییر خواهد کرد. فاشن من آن را دوباره برای تان برنامه‌ریزی می‌کند. چگونه آن را برنامه‌ریزی می‌کند؟ چند سال از زندگی شخص هنوز هم باقی است؟ خود او آن را نمی‌داند. بعضی افراد شاید بعد از یک سال یا نیم سال بیماری وخیمی بگیرند، یا ممکن است برای چندین سال بیمار شوند. شاید بعضی افراد از بیماری لخته‌شدن خون در مغز یا بیماری‌های دیگر در عذاب باشند و نتوانند حرکت کنند. پس چگونه می‌توانید با سال‌های باقی‌مانده تان تزکیه کنید؟ ما باید تمام این‌ها را برای شما درست کنیم و از وقوع چنین مشکلاتی جلوگیری کنیم. اما بگذارید از آغاز این را برای تان روشن کنیم: ما این کارها را فقط برای تزکیه‌کنندگان واقعی می‌توانیم انجام دهیم. آن‌ها مجاز نیستند همین‌طوری برای یک فرد عادی انجام داده شوند. وگرنه به مثابه‌ی انجام دادن کاری نادرست است. برای مردم عادی، مواردی مثل تولد، پیری، بیماری و مرگ، همگی روابط کارمایی دارند و نمی‌توانید به دلخواه آن‌ها را زیر پا بگذارید.

همان‌طور که آن را می‌بینیم، هیچ‌کسی بالارزش‌تر از یک تزکیه‌کننده نیست، و این دلیل آن است که چرا می‌توانیم این چیزها را برای تزکیه‌کنندگان تغییر دهیم. چگونه آن‌ها را تغییر خواهیم داد؟ اگر قدرت نیک‌خواهی یک استاد بسیار بالا باشد، یعنی اگر یک استاد قدرت گوناگون زیادی داشته باشد، می‌تواند کارمای شما را از بین ببرد. اگر سطح گوناگون یک استاد بالا باشد، می‌تواند کارمای بسیاری را از شما از بین ببرد و اگر سطح گوناگون یک استاد کم باشد فقط می‌تواند کارمای کمی را از بین ببرد. بگذارید مثالی بزنیم، تمام کارمای مختلفی را که در مسیر زندگی باقی‌مانده تان وجود دارد جمع می‌کنیم و قسمتی از آن را از بین می‌بریم، فرض کنید نیمی از آن را. نیمه‌ی باقی‌مانده هنوز هم از یک کوه بیشتر است و نمی‌توانید بر آن چیره شوید. پس چگونه به آن رسیدگی می‌کنیم؟ وقتی بعداً به دافو دست یابید، شاید بسیاری از مردم در آینده از آن نفع ببرند و بدین وسیله، بسیاری از مردم قسمتی را برای شما متحمل می‌شوند. البته این چیزی برای آن‌ها نیست. از طریق تزکیه، بسیاری از موجودات در بدن شما رشد خواهند کرد، و همچنین همراه با روح اصلی و روح کمکی، تعداد زیاد دیگری از شما وجود دارند. همگی آن‌ها سهمی از آن را برای شما به دوش می‌کشند. وقتی از میان یک سختی می‌گذرید مقدار کمی از آن باقی مانده است. و اگرچه می‌گوییم که مقدار زیادی باقی نمانده است، هنوز هم کاملاً زیاد است و هنوز هم قادر نیستید بر آن‌ها چیره شوید. پس، ما چه کار می‌کنیم؟ آن را به قسمت‌های بی‌شماری تقسیم می‌کنیم و آن‌ها را در سطوح مختلف تزکیه‌تان قرار می‌دهیم و از آن‌ها استفاده می‌کنیم تا شین‌شینگ شما را رشد دهند، کارمای شما را تبدیل کنند و گوناگون را افزایش دهند.

علاوه بر آن، این به هیچ وجه کار راحتی برای شخص نیست که خود را تزکیه کند. گفته‌ام که تزکیه موضوعی بسیار جدی است؛ آن فراسوی مردم عادی بوده و انجام آن دشوارتر از هر کاری است که مردم عادی انجام می‌دهند. آیا این، چیزی بالاتر نیست؟ به همین جهت، الزامات برای شما، بالاتر از هر چیز دیگری درخصوص مردم عادی است. ما انسان‌ها یک روح اصلی داریم و روح اصلی ما منهدم نمی‌شود. اگر روح اصلی ما منهدم نمی‌شود، همگی درباره‌ی این بیندیشید: آیا روح اصلی شما نمی‌توانسته در برخوردهای اجتماعی در زندگی‌های قبلی، کارهای بدی انجام داده باشد؟ امکان این بسیار زیاد است. ممکن است قتل انجام داده باشید، به کسی بده‌کار شده باشید، از دیگران سوء استفاده کرده باشید، به دیگران آسیب رسانده باشید... هر یک از این کارها را ممکن است انجام داده باشید. پس اگر این‌طور باشد، وقتی این‌جا تزکیه می‌کنید از آن‌جا شما را به‌وضوح می‌بینند. اگر کارهایی برای شفا دادن بیماری‌ها یا حفظ سلامتی تان انجام دهید اهمیتی نمی‌دهند، می‌دانند که فقط درحال به تعویق انداختن آن‌ها هستید. اگر آن را هم‌اکنون نپزدازید، بعداً می‌پزدازید و وقتی بعداً آن را پزدازید شدیدتر خواهد بود. این دلیل آن است که چرا اگر بدهی‌های تان را درحال حاضر نپزدازید اهمیتی نمی‌دهند.

وقتی می‌گویید که می‌خواهید تزکیه کنید، آن‌را تحمل نخواهند کرد، "می‌خواهی تزکیه کنی و بعد بروی. اگر گونگ را رشد دهی، نمی‌توانم به تو برسم، دستم به تو نخواهد رسید." آن‌ها اجازه نمی‌دهند این اتفاق بیفتد و هر کاری می‌کنند که سد راه شما شوند. سعی می‌کنند شما را از تزکیه کردن متوقف کنند. بنابراین، هر نوع روشی را برای تداخل با شما مورد استفاده قرار می‌دهند و ممکن است حتی برای کشتن شما بیایند. البته این‌طور اتفاق نخواهد افتاد که این‌جا درحال انجام مدیتیشن باشید و سر شما قطع شود- این غیرممکن است، چراکه باید با روش کارها در جامعه‌ی مردم عادی منطبق باشد. شاید وقتی از خانه بیرون می‌روید با ماشینی تصادف کنید یا از ساختمانی به پایین سقوط کنید یا با خطرات دیگری مواجه شوید. این چیزها ممکن است اتفاق بیفتند و می‌توانند کاملاً خطرناک باشند. تزکیه‌ی واقعی به آن آسانی که تصور کردید نیست. آیا فکر می‌کنید فقط به‌خاطر این‌که می‌خواهید تزکیه کنید می‌توانید به بالا تزکیه کنید؟ یک‌بار که بخواهید به‌طور واقعی تزکیه کنید، جان‌تان بی‌درنگ درخطر بوده و این مشکل بلافاصله به میان خواهد آمد. استادان چی‌گونگ بسیار زیادی هستند که جرأت نمی‌کنند مردم را به‌سوی سطوح بالا آموزش دهند. چرا؟ دقیقاً به‌خاطر این‌که نمی‌توانند از این مشکل مواظبت کنند- نمی‌توانند شما را محافظت کنند.

در گذشته بسیاری از استادان بودند که می‌توانستند فقط به یک مرید آموزش دهند- اگر فقط از یک مرید محافظت می‌کردند مشکلی نبود. اما استادان معمولی واقعاً جرأت نمی‌کردند در چنان مقیاس وسیعی آن‌را انجام دهند. اما این‌جا به شما می‌گویم که می‌توانم این کار را انجام دهم، زیرا فاشن بی‌شماری دارم که قدرت- فای خدایی عظیم مرا دارند، و آن‌ها می‌توانند قدرت- فای عظیم و قدرت‌های خدایی عظیم‌شان را نشان دهند. به علاوه، آن‌چه که ما امروز انجام می‌دهیم به آن سادگی که به‌نظر می‌رسد نیست، و من بیرون نیامده‌ام که این کار را از روی نوعی هوس انجام دهم. می‌توانم به شما بگویم که بسیاری از موجودات روشن‌بین بزرگ نظاره‌گر این واقعه هستند. این آخرین باری است که یک راه درست را در عصر پایان دارما آموزش می‌دهیم. وقتی این کار را انجام می‌دهیم اجازه نداریم به بیراهه برویم. اگر به‌طور واقعی در مسیری حقیقی تزکیه کنید، هیچ‌کسی جرأت نمی‌کند به میل خود به شما کاری داشته باشد. به‌علاوه شما فاشن مرا دارید که از شما محافظت می‌کند و با هیچ خطری روبرو نخواهید شد.

بدهی‌ها باید پرداخت شوند، به همین جهت، در مسیر تزکیه‌تان بعضی از چیزهای خطرناک ممکن است اتفاق بیفتند. اما وقتی این چیزها اتفاق می‌افتند، نخواهید ترسید و نخواهیم گذاشت در خطر واقعی بیفتید. می‌توانم چند مثال برای‌تان بزنم. زمانی که در پکن در کلاسی آموزش می‌دادم، یک تمرین‌کننده با دوچرخه‌ی خود از خیابان می‌گذشت. همان‌طور که او سر یک پیچ درحال رفتن بود، یک ماشین لوکس سر آن پیچ تند با این شاگرد ما تصادف کرد. او خانمی بالای پنجاه سال بود. آن ماشین با صدایی به او برخورد کرد و آن، یک تصادف واقعی بود. همان وقت که سرش به ماشین برخورد کرد، مردم صدای "تق!" بلندی شنیدند و سرش صاف به سقف ماشین اصابت کرد. در آن لحظه، پای این تمرین‌کننده هنوز روی پدال دوچرخه بود. با این‌که به سر او ضربه خورده بود، هیچ احساسی از درد نداشت. نه تنها هیچ دردی را احساس نکرد، بلکه از سر او خونی هم نیامد و حتی ورم هم نکرد. راننده تا سر حد مرگ ترسیده بود و از ماشین بیرون پرید. از او باعجله سؤال کرد که آیا صدمه دیده و به او پیشنهاد کرد که به بیمارستان بروند. او پاسخ داد که حالش خوب است. البته، این شاگرد ما شین‌شینگ بسیار بالایی داشت و نمی‌خواست که برای راننده مزاحمتی ایجاد کند. او گفت که همه چیز خوب است، اما تصادف فرورفتگی بزرگی را روی ماشین به‌جای گذاشت.

چنان چیزهایی می‌آیند که زندگی شما را بگیرند، اما شما در خطر نخواهید بود. دفعه‌ی آخری که کلاسی در دانشگاه جی‌لین داشتیم، یکی از شاگردان ما می‌خواست با دوچرخه‌ی خود از میان درب اصلی دانشگاه بگذرد. به محض این‌که او به وسط خیابان رسید، ناگهان بین دو ماشین گیر افتاد. یک لحظه مانده بود که ماشین‌ها به او بخورند، ولی او اصلاً نترسید. معمولاً وقتی با چنین چیزهایی برخورد می‌کنیم نمی‌ترسیم. در همان زمان، ماشین‌ها ایستادند و هیچ اتفاقی نیفتاد.

مورد دیگری در پکن اتفاق افتاد. در زمستان هوا زودتر تاریک می‌شود و مردم کمی زودتر می‌خوابند. خیابان‌ها خالی و کاملاً ساکت بودند. یکی از شاگردان ما با عجله با دوچرخه به خانه می‌رفت. فقط یک جیب جلوی او در حرکت بود. ناگهان جیب ترمز کرد. آن شاگرد خبری از آن نداشت و با سر خم به پایین، به دوچرخه‌سواری خود ادامه می‌داد. اما ناگهان جیب به عقب برگشت و با سرعت زیادی به سمت عقب حرکت کرد. آن دو نیرو با همدیگر به کار افتادند تا جان او را بگیرند. درست قبل از آن که با هم تصادف کنند، ناگهان یک نیرویی دوچرخه‌ی او را بیش از نیم متر به عقب کشاند و جیب فوراً در کنار چرخ دوچرخه‌ی او متوقف شد. شاید راننده‌ی جیب متوجه شد که کسی پشت او بود. این شاگرد در آن موقع نترسید. تمام افرادی که با چنین موقعیت‌هایی برخورد می‌کنند نمی‌ترسند، اگرچه ممکن است بعداً وقتی به آن فکر کنند بترسند. اولین چیزی که او فکر کرد این بود که، "وای! چه کسی مرا به عقب کشاند؟ باید از او تشکر کنم." وقتی به عقب برگشت و می‌خواست تشکر کند، پی برد که خیابان بسیار ساکت است و کسی در آن جا نبود. بلافاصله فهمید، "درواقع این معلم بود که از من محافظت کرد!"

مورد دیگری بود که در چانگ‌چون اتفاق افتاد. ساختمانی در نزدیکی خانه‌ی یک شاگرد درحال ساختن بود. این روزها، ساختمان‌ها را بسیار بلند می‌سازند و داربست‌ها از میله‌های آهنی به قطر دو اینچ و طول چهار متر ساخته می‌شوند. بعد از این که این شاگرد فاصله‌ی کمی از خانه را طی کرده بود، یک میله‌ی آهنی از بالای ساختمان به طرف سر او به‌طور قائم سقوط کرد. همه در خیابان سر جای خود میخ‌کوب شدند. اما او گفت، "چه کسی به سر من دست زد؟" فکر کرد کسی به سر او دست زده است. در همان زمان، سرش را به عقب چرخاند و دید که یک فالون بزرگ بالای سر او درحال چرخش است. آن میله‌ی آهنی در امتداد سر او به پایین سُرخورد و در زمین فرو رفت، بدون این که دیگر پایین بیفتد. اگر واقعاً به کسی اصابت می‌کرد، درباره‌ی آن بیندیشید، به‌قدری سنگین بود که مثل به سیخ کشیدن زالزالک‌های آغشته به شکر، بدن او را می‌شکافت. آن خیلی خطرناک بود!

تعداد بسیار زیادی از این موارد وجود دارند که نمی‌توان آن‌ها را شمرد. اما هیچ کسی خطری را تجربه نکرده است. این‌طور نیست که همه‌ی ما باید از میان چنین چیزهایی بگذریم، ولی برخی خواهند گذشت. خواه با چنین مواردی روبرو شوید یا نشوید، تضمین می‌کنم که اصلاً در خطر نخواهید بود - می‌توانم این را تضمین کنم. رفتار برخی از شاگردان ما مطابق با شرایط ما برای شین‌شینگ نیست، فقط تمرین‌ها را انجام می‌دهند و شین‌شینگ خود را تزکیه نمی‌کنند، بنابراین نمی‌توانید آن‌ها را تمرین‌کننده بنامید.

اگر از من می‌پرسید که معلم‌تان چه چیزی به شما می‌دهد، این‌ها چیزهایی هستند که به شما می‌دهم. فاشن من شما را محافظت خواهد کرد تا زمانی که بتوانید از خودتان محافظت کنید. در آن زمان، وراى تزکیه‌ی فای دنیای سه‌گانه رفته‌اید و دائو را به‌دست آورده‌اید. اما باید مثل یک تزکیه‌کننده‌ی واقعی رفتار کنید و فقط در آن هنگام قادر خواهید بود موفق شوید. شخصی وجود داشت که کتاب مرا در دستش گرفته بود، در خیابان قدم زده و داد می‌زد که، "با حفاظت معلم لی، می‌دانم که ماشین‌ها نمی‌توانند به من بزنند." آن تضعیف دافا بود، و ما چنین شخصی را حفاظت نخواهیم کرد. حقیقت این است که، مریدان حقیقی به این شکل عمل نمی‌کنند.

میدان انرژی

وقتی تمرین‌ها را انجام می‌دهیم، دور ما میدانی شکل می‌گیرد. این چه نوع میدانی است؟ بعضی افراد می‌گویند که آن یک میدان چى، یا یک میدان مغناطیسی، یا یک میدان الکتریکی است. اما درواقع، هر اسمی هم که روی این میدان بگذارید درست نیست، زیرا ماده‌ای که این میدان در بر دارد بی‌نهایت غنی است. تقریباً هر نوع ماده‌ای که تمامی بُعدهای جهان را تشکیل می‌دهند می‌تواند در این گونگ یافت شود، بنابراین برای ما مناسب‌تر است که آن‌را یک میدان انرژی بنامیم. و این دلیل آن است که چرا معمولاً آن‌را یک میدان انرژی می‌نامیم.

پس این میدان چه اثری دارد؟ شما می‌دانید، ما تزکیه‌کنندگان یک راه درست، همگی این را تجربه کرده‌ایم: از آن‌جا که این از تزکیه‌ی یک راه درست به‌دست می‌آید، نیک‌خواه بوده و جذب‌شده در سرشت جهان - حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری - است. بنابراین، وقتی شاگردان ما در این میدان می‌نشینند، ذهن‌شان آزاد از فکرهای بد است، و بسیاری از شاگردان ما درحالی که این‌جا نشسته‌اند حتی به فکر سیگار کشیدن هم نمی‌افتند، هر کسی احساس می‌کند که واقعاً فضایی آرامش‌بخش است و واقعاً احساس خوبی دارد. این انرژی‌ای است که تزکیه‌کننده‌ی یک راه درست با خود دارد و این تأثیری است که آن در محدوده‌ی این میدان دارد. وقتی این کلاس را ترک می‌کنید، اغلب شما گونگ خواهید داشت - واقعاً گونگ خواهید داشت - زیرا آن‌چه که به شما منتقل کرده‌ام چیزهای تزکیه‌ی حقیقی هستند و شما بر اساس این شرایط شین‌شینگ عمل خواهید کرد. به‌طور پیوسته به انجام تمرین‌ها ادامه می‌دهید و بدون وقفه به تزکیه‌ی خود بر اساس شرایط شین‌شینگ ما ادامه می‌دهید و سپس انرژی شما به‌طور پیوسته قوی‌تر و قوی‌تر می‌شود.

ما به نجات خود و نجات دیگران، نجات همه‌ی موجودات ذی‌شعور اعتقاد داریم. بنابراین وقتی فالون به‌طرف داخل می‌چرخد، خود شخص را نجات می‌دهد و وقتی به‌طرف خارج می‌چرخد، دیگران را نجات می‌دهد. وقتی به‌طرف خارج می‌چرخد انرژی را به بیرون می‌فرستد و به دیگران نفع می‌رساند. و با این کار، افرادی که در محدوده‌ی میدان انرژی شما قرار دارند، همگی نفع می‌برند و ممکن است احساس بسیار خوبی داشته باشند. هر کجا که باشید، خواه در خیابان قدم بزنید، در محل کار، در خانه یا هر جای دیگر باشید، این تأثیر را بر دیگران خواهید داشت. ممکن است بدن افرادی را که در محدوده‌ی میدان انرژی شما قرار دارند ناگهانه تنظیم کنید، زیرا این میدان می‌تواند تمام حالت‌های غیرطبیعی را اصلاح کند. بدن انسان نباید ناخوشی داشته باشد - داشتن بیماری یک وضعیت غیرطبیعی است. آن می‌تواند این وضعیت غیرطبیعی را اصلاح کند. وقتی افراد بدفکر درباره‌ی چیزهای نادرست فکر می‌کنند، تحت تأثیر قوی میدان شما ممکن است فکر خود را عوض کنند، ممکن است بعد از آن، داشتن افکار بد را متوقف کنند. شاید شخصی بخواهد به کسی ناسزا بگوید، اما ناگهان فکرش را عوض کند و دیگر نخواهد درباره‌ی او به‌طور بدی صحبت کند. فقط میدان انرژی از تزکیه در یک راه درست می‌تواند این تأثیر را داشته باشد. این دلیل آن است که چرا در بودیسم گفته‌ای وجود داشت، "نور بودا همه جا می‌درخشد، درستی و پسندیدگی همه چیز را هماهنگ می‌کند." معنی آن/ین است.

چگونه شاگردان فالون دافا باید تمرین را اشاعه دهند

بعد از این که بسیاری از شاگردان ما به خانه برمی‌گردند فکر می‌کنند که این تمرین بسیار خوب است و می‌خواهند آن را با خانواده و دوستان خود در میان بگذارند. بله، همگی شما می‌توانید این کار را انجام دهید - می‌توانید آن را به همه انتقال دهید. اما مسئله‌ای وجود دارد که باید آن را برای همگی بیان کنم. ما به شما چیزهای بسیاری می‌دهیم که نمی‌توان روی آن‌ها قیمتی گذاشت. چرا آن‌ها را به شما می‌دهیم؟ آن‌ها برای تزکیه‌ی شما هستند! فقط وقتی تزکیه می‌کنید، می‌توانیم این چیزها را به شما بدهیم. به‌عبارتی دیگر، وقتی در آینده تمرین‌ها را به افراد دیگر منتقل می‌کنید، نمی‌توانید این چیزها را برای شهرت و نفع شخصی مورد استفاده قرار دهید. پس نمی‌توانید کلاسی بگذارید، همان‌طور که من انجام می‌دهم، و شهریه بگیرم. ما هزینه‌هایی داریم چرا که نیاز داریم کتاب‌ها و مطالبی را چاپ کنیم و به نقاط مختلف برای اشاعه‌ی تمرین سفر کنیم. شهریه‌ی ما در حال حاضر کمترین شهریه در کشور است، اما چیزهایی که می‌دهیم غیرقابل شمارش هستند. ما به‌طور واقعی مردم را به‌سوی سطوح بالا هدایت می‌کنیم، و شما این را متوجه شده‌اید. شما یک شاگرد فالون دافا هستید، بنابراین وقتی در آینده این تمرین را اشاعه می‌دهید، از شما دو شرط را تقاضا می‌کنیم.

اول این که نمی‌توانید هیچ شهریه‌ای بگیرید. به شما چیزهای بسیاری داده‌ایم، اما آن‌ها برای این نیستند که ثروتی جمع کنید و یا این که در جستجوی شهرتی باشید. به بیانی دقیق‌تر، آن‌ها برای این هستند که شما را نجات دهند و کمک کنند که تزکیه کنید. اگر پولی بگیرید، فاشن من هر چیزی را که به شما داده شده است پس خواهد گرفت و دیگر تمرین‌کننده‌ی فالون دافای ما نخواهید بود و بنابراین هرچه را که اشاعه می‌دهید فالون دافای ما نخواهد بود. وقتی تمرین را اشاعه می‌دهید، نباید هیچ فکری درباره‌ی این که نامی برای خود بسازید یا از آن چیزی به‌دست آورید داشته باشید- باید به دیگران داوطلبانه خدمت کنید. شاگردان ما در سراسر کشور آن‌را به این شکل انجام داده‌اند و دستیاران در مناطق مختلف نیز با رفتارشان نمونه‌ی خوبی را به‌جای گذاشته‌اند. اگر می‌خواهید تمرین ما را یاد بگیرید، می‌توانید بیایید و آن‌را یاد بگیرید، فقط باید بخواهید، و ما می‌توانیم مسئولیت شما را به عهده بگیریم و از شما یک ریال هم نخواهیم گرفت.

شرط دوم این است که نباید چیزهای شخصی را به دافا اضافه کنید. به‌عبارتی دیگر، وقتی تمرین را اشاعه می‌دهید، بدون توجه به این که چشم سوم شما باز باشد، چیزی را دیده باشید، یا بعضی از توانایی‌های فوق‌طبیعی ظاهر شده باشند، نمی‌توانید بر پایه‌ی آن‌چه که دیده‌اید درباره‌ی فالون دافای ما صحبت کنید. آن قسمت کوچکی که شما در سطح خودتان دیده‌اید چیزی نیست و از معنای واقعی فا که ما آموزش می‌دهیم بسیار دور است. پس، از حالا به بعد وقتی این تمرین را اشاعه می‌دهید، باید این مسئله را در ذهن داشته باشید، و این تنها راهی است که می‌توانیم مطمئن باشیم که چیزهای اصلی فالون دافای ما بدون تغییر باقی خواهند ماند.

همچنین اجازه ندارید که این تمرین را به همان شکلی که من اشاعه می‌دهم، اشاعه دهید، شما نمی‌توانید با ارائه‌ی سخنرانی در جمعی بزرگ به شکلی که من انجام می‌دهم فا را آموزش دهید- شما قادر نیستید فا را آموزش دهید. علت این است که معنی آن‌چه که من آموزش می‌دهم عمیق و ژرف است و چیزهای سطوح بالا را در آن‌چه آموزش می‌دهم درآمیخته‌ام. شما در سطوح مختلف درحال تزکیه هستید. در آینده بعد از آن که پیشرفت می‌کنید، اگر دوباره به این چیزهای ضبط‌شده گوش کنید، به رشد و بهبود ادامه خواهید داد، و همان‌طور که به گوش کردن آن‌ها ادامه می‌دهید، همیشه درک تازه‌ای خواهید داشت و نتایج تازه‌ای را به‌دست خواهید آورد، و وقتی کتاب را می‌خوانید حتی بیشتر این‌گونه است. چیزهای بسیار عمیقی را در صحبت‌هایم درآمیخته‌ام، درنتیجه، این فا چیزی نیست که شما بتوانید آموزش دهید. شما اجازه ندارید که از کلمات اصلی من به‌عنوان کلمات خودتان استفاده کنید، وگرنه آن دزدیدن فا است. فقط می‌توانید کلمات اصلی مرا استفاده کنید و اضافه کنید، "همان‌طور که معلم آن‌را می‌گوید" یا "همان‌طور که در کتاب نوشته شده است". فقط می‌توانید به این طریق بگویید. چرا؟ زیرا وقتی به این شکل آن‌را بگویید، کلمات شما قدرت دافا را با خود حمل می‌کند. نمی‌توانید چیزهایی را که می‌دانید به‌عنوان فالون دافا اشاعه دهید وگرنه آن‌چه را که منتقل می‌کنید فالون دافا نیست و آن‌چه را که انجام می‌دهید مثل تضعیف کردن فالون دافای ما است. وقتی چیزهایی بر پایه‌ی عقاید و افکار خود می‌گویید، فانیستند و نمی‌توانند مردم را نجات دهند، و هیچ تأثیری هم نخواهند داشت. این دلیل آن است که چرا هیچ کسی نمی‌تواند این فا را آموزش دهد.

روشی که این تمرین را اشاعه می‌دهید گذاشتن نوارهای صوتی یا نوارهای ویدئویی برای شاگردان در محل‌های تمرین یا در محل‌های آموزش است و بعد از آن دستیاران می‌توانند تمرین‌ها را به آن‌ها آموزش دهند. می‌توانید از شکل سمینار استفاده کنید تا افراد با یکدیگر گفتگو کنند، و می‌توانید تبادل نظر کرده و چیزها را با هم در میان بگذارید. لازم می‌دانیم که به‌این شکل انجام دهید. چیز دیگر این است که نباید یک شاگرد (یک مرید) را که فالون دافا را اشاعه می‌دهد "معلم" یا "استاد" یا هر چیز دیگر بنامید، در دافا فقط یک استاد وجود دارد. بدون توجه به این که یک نفر چه زمانی تمرین را شروع کرده است، هنوز یک مرید است.

وقتی تمرین را اشاعه می‌دهید، ممکن است بعضی از اشخاص فکر کنند، "معلم می‌تواند فالون را در مردم کار بگذارد و بدن آن‌ها را اصلاح کند. اما ما نمی‌توانیم آن‌را انجام دهیم..." نگران نباشید. می‌توانم هم‌اکنون شما را مطمئن

کنم - پشت سر هر تمرین کننده فاشن من وجود دارد و نه فقط یکی. بنابراین فاشن من این کارها را انجام خواهد داد. وقتی به شخصی تمرین را آموزش می‌دهید، اگر رابطه‌ای تقدیری برای آن داشته باشد، فالون را بلافاصله به دست می‌آورد. اگر رابطه‌ای خوبی نداشته باشد، بعد از این که بدنش دوباره متعادل شود، به آرامی از طریق تمرین یک فالون خواهد گرفت، و فاشن من او را در دوباره متعادل شدن بدنش کمک خواهد کرد. و راه‌های دیگری وجود دارد، می‌توانم به شما بگویم. افرادی که از طریق خواندن کتاب‌هایم، از طریق تماشا کردن ویدئوها یا از طریق گوش کردن به نوارهای صوتی، فا را مطالعه می‌کنند و تمرین را یاد می‌گیرند، اگر به‌طور واقعی با خودشان مثل یک تمرین کننده برخورد کنند، تمام چیزهایی را که سزاوارش هستند به همین شکل به دست خواهند آورد.

ما به شاگردان مان اجازه نمی‌دهیم که بیماران را شفا دهند. شاگردان فالون دافا مطلقاً اجازه ندارند بیماری دیگران را شفا دهند. به شما آموزش می‌دهیم که در تزکیه صعود کنید، نمی‌گذاریم هیچ وابستگی را رشد دهید یا این که بدن خود را به آشفتگی بکشانید. محل‌های تمرین ما بهتر از هر محل تمرین چی‌گونگ دیگری است. اگر بتوانید تمرین‌ها را در محل‌های تمرین ما انجام دهید، خیلی بهتر از آن است که بیماری‌های خود را شفا دهید. فاشن من در یک دایره می‌نشیند و در بالای میدان انرژی محل تمرین ما گنبدی قرار دارد، و بالای گنبد یک فالون بزرگ و یک فاشن بزرگ وجود دارد که از میدان مراقبت می‌کند. این میدان یک میدان معمولی نیست - مثل میدان محل تمرین چی‌گونگ معمولی نیست. این یک میدان تزکیه است. بسیاری از تمرین کنندگان ما با توانایی‌های فوق‌طبیعی این میدانی را که فالون دافای ما دارد دیده‌اند، و آن با نور قرمز پیچیده شده، همه چیز قرمز است.

فاشن من می‌تواند درواقع خودش فالون را برای تمرین کنندگان نصب کند، اما ما نمی‌خواهیم وابستگی‌های شما را تشدید کنیم. وقتی به کسی تمرین‌ها را آموزش می‌دهید، ممکن است بگویید، "اوه، من الان فالون گرفته‌ام." و شما ممکن است فکر کنید که شما آن‌را کار گذاشتید، در صورتی که این‌طور نیست. این را به شما می‌گویم تا آن‌که این وابستگی شما را تشدید نکند. این فاشن من است که تمام این کارها را انجام می‌دهد. میدان فالون دافای ما باید این‌گونه تمرین را اشاعه دهند.

اگر کسی تمرین‌های فالون دافا را دست‌کاری کند درحال آسیب رساندن به دافا است، درحال آسیب رساندن به این روش است. بعضی افراد آموزش‌های تمرین را به چیزهای قافیه‌داری برگردانده‌اند. این مطلقاً مجاز نیست. تمامی روش‌های تزکیه‌ی حقیقی، از اعصار ماقبل تاریخ به ارث می‌رسند، از زمان‌های قدیم به ارث می‌رسند و از طریق تزکیه، موجودات روشن بین بی‌شماری را تکوین داده‌اند. هیچ کسی جرأت نکرده به این چیزها حتی یک ذره دست بزنند. چنین چیزی فقط در این عصر پایان دارما ظاهر شده است. در طول تاریخ، هرگز این چیزها اتفاق نیفتاده‌اند. همه باید در این باره بسیار مراقب باشند.

سخنرانی چهارم

از دست دادن و به دست آوردن

در جامعه‌ی تزکیه‌کنندگان، مردم غالباً درباره‌ی رابطه‌ی بین از دست دادن و به دست آوردن صحبت می‌کنند، و مردم عادی نیز درباره‌ی آن صحبت می‌کنند. ما تمرین‌کنندگان چگونه باید با از دست دادن و به دست آوردن برخورد کنیم؟ نباید مثل مردم عادی برخورد کنیم. تنها چیزی که مردم عادی درباره‌ی آن فکر می‌کنند نفع خودشان است و این که چگونه به خوبی و به راحتی زندگی کنند. اما ما تمرین‌کنندگان این‌طور نیستیم، دقیقاً برعکس هستیم. ما جویای آن‌چه که مردم عادی می‌خواهند نیستیم. اما آن‌چه را که ما به دست می‌آوریم چیزی است که مردم عادی نمی‌توانند آن‌را کسب کنند حتی اگر بخواهند... مگر آن‌که تزکیه کنند.

معمولاً وقتی به از دست دادن اشاره می‌کنیم، منظور چیز خیلی محدودی نیست. وقتی درباره‌ی از دست دادن صحبت می‌کنید، برخی افراد ممکن است فکر کنند که آن درباره‌ی بخشیدن کمی پول، کمی کمک به افرادی که می‌بینید محتاج هستند، یا دادن چیزی به فقیری در خیابان است. آن‌ها نیز شکلی از دادن و از دست دادن هستند، اما این فقط کمتر اهمیت دادن به آن یک موضوع، به پول یا چیزهای مادی است. دست کشیدن از پول، بی‌گمان یک جنبه‌ی از دست دادن است و نسبتاً یک جنبه‌ی عمده‌ی آن. اما از دست دادنی که ما درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم به آن محدودی نیست. در روند تزکیه، به عنوان تمرین‌کننده باید بسیاری از وابستگی‌ها را رها کنیم، مثل خودنمایی، حسادت، رقابت جویی، شور و شوق بیش از حد - تمامی آن وابستگی‌ها باید کاملاً از بین بروند. از دست دادنی که ما درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم وسیع‌تر است. در طول کل مسیر تزکیه، باید تمامی آن وابستگی‌ها و امیال مختلفی را که مردم عادی دارند از دست بدهیم.

ممکن است برخی از افراد فکر کنند، "ما در بین مردم عادی تزکیه می‌کنیم. اگر همه چیز را از دست دهیم، آیا ما را مثل راهب‌ها و راهبه‌ها نمی‌کند؟ از دست دادن همه چیز به نظر غیرممکن می‌آید." در مدرسه‌ی ما، برای آن بخشی که در بین مردم عادی تزکیه می‌کنند، لازم است که در جامعه‌ی عادی انسانی تزکیه کنند و تا حد امکان با مردم عادی هم‌ساز باشند. از شما درخواست نمی‌کنیم که واقعاً همه‌ی چیزهای مادی را از دست بدهید. اهمیتی ندارد که رده‌ی شغلی شما چه قدر بالا است، و مهم نیست چه قدر ثروت دارید: نکته‌ی کلیدی این است که آیا می‌توانید آن وابستگی را رها کنید.

مدرسه‌ی ما مستقیماً روی ذهن شما تمرکز می‌کند. وقتی چیزی در مخاطره است، یا وقتی با کسی مشکلی دارید، این که بتوانید به آن چیزها کمتر اهمیت بدهید، موضوعی کلیدی است. تزکیه در معابد و کوه‌های دورافتاده و جنگل‌ها به این منظور است که شما را کاملاً از جامعه‌ی عادی انسانی قطع کند، و برای این است که مجبورشان کند وابستگی‌های مردم عادی را از دست بدهید، آن شما را از چیزهای مادی دور می‌کند به طوری که مجبور شوید از دست بدهید. اما افرادی که در بین مردم عادی زندگی می‌کنند این شیوه را برنمی‌گزینند. ما باید درحالی که در این محیط مردم عادی هستیم نسبت به آن چیزها بی‌تفاوت باشیم. البته این واقعاً سخت است. و این چیزی است که در مدرسه‌ی

ما حیاتی‌ترین چیز است. بنابراین از دست دادنی که ما درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم وسیع است، نه این‌که محدود باشد. در مورد انجام کاری خوب و بخشش کمی پول، امروزه به گداها در خیابان نگاه کنید، برخی از آن‌ها حرفه‌ای هستند و ممکن است حتی بیشتر از شما پول داشته باشند. ما باید به‌جای تمرکز بر چیزهای جزئی بی‌اهمیت، به محدوده‌ی وسیع‌تری از مسائل تمرکز کنیم. عمل تزکیه به‌طور باز و موقرانه‌ای به محدوده‌ی وسیع‌تری تمرکز می‌کند. در روند از دست دادن، آن‌چه که واقعاً از دست می‌دهیم چیزهای بد هستند.

مردم اغلب فکر می‌کنند آن‌چه که می‌خواهند چیزهای خوبی هستند. اما درحقیقت، وقتی از سطحی بالا نگاه می‌کنید، همگی فقط برای برآورده کردن علایق شخصی در بین مردم عادی است. مذاهب گفته‌اند: بدون توجه به این‌که چه‌قدر ثروت داشته باشید یا رده‌ی شما چه‌قدر بالا باشد، فقط برای چند دهه دوام دارد، نمی‌تواند هنگام تولد با شما آورده شود، و نمی‌تواند هنگام مرگ با شما برده شود. چرا گونگ این‌قدر بالارزش است؟ زیرا مستقیماً روی روح اصلی شما رشد می‌کند، می‌تواند هنگام تولد با شما آورده شود و هنگام مرگ همراه شما برده شود، و مستقیماً ثمره‌ی تزکیه‌ی شما را تعیین می‌کند و به همین جهت تزکیه‌ی آن راحت نیست. به‌عبارتی دیگر، آن‌چه را که از دست می‌دهید چیزهای بد هستند، و فقط از این طریق قادر خواهید بود به خود واقعی اولیه‌تان برگردید. پس چه چیزی را به‌دست می‌آورید؟ سطح شما رشد می‌کند، نهایتاً ثمره‌ی حقیقی را به‌دست می‌آورید، و به کمال خواهید رسید- مشکلی بنیادی را حل می‌کند. البته اگر بخواهیم امیال مختلف مردم عادی را از دست بدهیم، و اگر بخواهیم فوراً به آن برسیم، آسان نیست. باید آن‌را به‌تدریج انجام دهید. آن‌چه را که می‌گوییم، "آن‌را به‌تدریج انجام دهید"، می‌شنوید و می‌گویید، "معلم به من گفت که آن‌را به‌تدریج انجام دهم، پس من سر فرصت انجام خواهم داد." اما این درست نیست! شما باید با خودتان جدی باشید، اما ما می‌گذاریم به‌تدریج رشد کنید. اگر امروز فوراً به آن می‌رسیدید، امروز یک بودا می‌بودید، و این واقع‌بینانه نیست. شما به‌تدریج به آن خواهید رسید.

آن‌چه از دست می‌دهیم درواقع چیزی بد است. آن چیست؟ آن کارما است و با تمام وابستگی‌های مختلفی که مردم دارند در هم تنیده شده است. برای مثال، مردم عادی همه نوع ضعف شین‌شینگ دارند و انواع و اقسام کارهای بد انجام می‌دهند تا به خودشان سود برسانند. بنابراین این ماده‌ی سیاه، کارما را به‌دست می‌آورند. کارما مستقیماً به وابستگی‌های ما ارتباط دارد. برای از بین بردن آن چیزهای بد، باید اول از همه فکرمان را عوض کنیم.

تبدیل کارما

فرآیندی وجود دارد که می‌تواند ماده‌ی سفید و ماده‌ی سیاه را به یکدیگر تبدیل کند. بعد از اختلافی که بین انسان‌ها اتفاق می‌افتد، یک فرآیند تبدیل به‌وجود می‌آید. اگر کار خوبی انجام داده باشید، ماده‌ی سفید، تقوا را به‌دست می‌آورید، و اگر کار بدی انجام داده باشید، ماده‌ی سیاه، کارما را به‌دست می‌آورید. یک فرآیند به ارث بردن و منتقل شدن نیز وجود دارد. ممکن است کسی سؤال کند، "آیا این از کارهای بدی است که فرد، پیش‌تر در زندگی خود انجام داده است؟" همیشه این‌طور نیست، زیرا کارمایی که جمع کرده‌اید فقط از یک دوره‌ی زندگی نیست. در جامعه‌ی تزکیه‌کنندگان اعتقاد بر این است که روح اصلی از بین نمی‌رود. اگر روح اصلی از بین نمی‌رود، پس ممکن است قبل از این زندگی رفتارهای متقابلی داشته است، و ممکن است در آن رفتارهای متقابل اجتماعی به کسی بده‌کار شده باشد، از کسی سوء استفاده کرده باشد، یا کارهای بد دیگری مثل کشتن انجام داده که منجر به این نوع کارما شده باشد. این چیزها در بُدهای دیگر انبار می‌شوند و همیشه همراه شما هستند. این مسئله برای ماده‌ی سفید نیز صدق می‌کند. اما این تنها منبع نیست. حالت دیگری وجود دارد، که ممکن است در خانواده‌ی شما جمع شود یا از اجداد منتقل شود. مسن‌ترها می‌گفتند، "تقوا جمع کن، تقوا جمع کن"، "اجداد تو تقوا جمع کردند"، "این شخص درحال از دست دادن تقوا است، او درحال کم کردن تقوای خود است!" آن‌چه که گفتند صحیح بود. این روزها، مردم عادی به این گفتار گوش نمی‌دهند. اگر به افراد جوان درباره‌ی از دست دادن تقوا و فقدان تقوا سخن بگویید، اصلاً به آن گوش

نخواهند کرد. اما حقیقت این است که، این کلمات واقعاً از معنای عمیقی برخوردارند و فقط مفاهیمی نیستند که از تفکر و ذهنیت نسل‌های جدید بیایند. آن واقعاً به‌صورت مادی وجود دارد. بدن ما هر دو نوع این ماده را دارد.

برخی افراد می‌پرسند، "آیا این حقیقت دارد که اگر شخص ماده‌ی سیاه فراوانی داشته باشد، نمی‌تواند به سطوح بالا تزکیه کند؟" بله، تا اندازه‌ای درست است. افرادی که ماده‌ی سیاه فراوانی دارند، درک و فهم‌شان توسط آن تحت تأثیر قرار می‌گیرد. ماده‌ی سیاه، دور بدن شخص میدانی شکل می‌دهد و او را دربر می‌گیرد، او را از سرشت جهان، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری جدا می‌کند، بنابراین این شخص ممکن است درک و فهم ضعیفی داشته باشد. وقتی دیگران درباره‌ی چیزهایی مثل تزکیه و چی‌گونگی صحبت می‌کنند، فکر می‌کند که همه‌ی این‌ها خرافات است و اصلاً آن‌ها را باور نمی‌کند، فکر می‌کند که آن‌ها مسخره هستند. معمولاً به این صورت است، اما این مطلق نیست. پس آیا به این معنی است که اگر بخواهد تزکیه کند، بسیار سخت خواهد بود و گونگی او نمی‌تواند زیاد رشد کند؟ این‌طور نیست. ما می‌گوییم، "دافا بی‌کران است" - تزکیه تماماً به قلب و ذهن شما بستگی دارد. استاد، شما را به درب ورودی راهنمایی می‌کند، اما تزکیه به شما بستگی دارد. آن، تماماً به این بستگی دارد که خود شما چگونه تزکیه می‌کنید. این که آیا می‌توانید تزکیه کنید تماماً به این بستگی دارد که آیا می‌توانید تحمل کنید، آیا می‌توانید فداکاری کنید و آیا می‌توانید سختی بکشید. اگر قادر باشید اراده‌تان را آهنین کنید، هیچ‌گونه سختی نمی‌تواند مانع شما شود و می‌گوییم که هیچ مشکلی نیست.

یک شخص با ماده‌ی سیاه بیشتر، معمولاً مجبور است بیشتر از شخصی که ماده‌ی سفید بیشتری دارد فداکاری کند. چرا که ماده‌ی سفید مستقیماً هم‌سو با سرشت جهان، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری است و تا آن‌جا که شخص شین‌شینگ خود را رشد دهد و وقتی در یک ناسازگاری قرار دارد قادر باشد شین‌شینگ خود را رشد دهد، گونگی او افزایش خواهد یافت. به این آسانی است. شخصی با تقوای بیشتر، درک و فهم بهتری دارد. او می‌تواند زجر بکشد، سختی‌های جسمی و ذهنی را تحمل کند. حتی اگر بیشتر با بدنش و کمتر با ذهنش زجر بکشد، هنوز قادر خواهد بود گونگی خود را افزایش دهد. اما برای افرادی که ماده‌ی سیاه بیشتری دارند این مسئله به این راحتی نیست. اول باید از میان این روند بگذرند، روندی که ماده‌ی سیاه باید به ماده‌ی سفید تبدیل شود. این روندی بسیار دردناک است. این دلیل آن است که چرا فردی با درک و فهمی ضعیف معمولاً باید سختی بیشتری را تحمل کند، و با کارمای زیاد و درک و فهمی ضعیف، تزکیه کردن برای او سخت‌تر است.

مثالی عینی برای شما می‌زنم، و خواهیم دید که برخی افراد چگونه تزکیه می‌کنند. برای تزکیه کردن در مدیتیشن، باید با پاهای ضربدری مدتی طولانی بنشینید و وقتی پاها ضربدر شدند درد می‌گیرند و سوزن سوزن می‌شوند. پس از مدتی، احساس بی‌قراری شروع می‌شود و پس از آن واقعاً بی‌قرار می‌شوید - شما درحال "سختی دادن به بدن، آبدیده کردن اراده" هستید. بدن‌تان احساس خوبی ندارد و ذهن‌تان نیز احساس خوبی ندارد. برخی از افراد از درد ضربدر کردن پاهای‌شان می‌ترسند، به‌طوری که پاهای‌شان را باز می‌کنند و نمی‌خواهند ادامه دهند. و برخی افراد اگر کمی بیشتر پاهای‌شان را در حالت ضربدر نگه دارند نمی‌توانند طاقت بیاورند. اما وقتی پاهای‌شان را باز می‌کنند مدیتیشن بیهوده می‌شود. لحظه‌ای که پاها به‌خاطر ضربدر بودن شروع به درد می‌کنند، پاها را باز می‌کنند و پس از کمی نرمش دوباره آن‌ها را در حالت ضربدر قرار می‌دهند. ما فکر می‌کنیم آن مؤثر نیست. علت این است که وقتی پاهای‌شان درد می‌گیرد، می‌توانیم ببینیم که ماده‌ی سیاه درحال حمله به پاهای‌شان است. ماده‌ی سیاه کارما است و زجر کشیدن کارما را از بین می‌برد و آن‌را به تقوا تبدیل می‌کند. به محض این که درد می‌گیرد، کارما شروع به از بین رفتن می‌کند، و هرچه بیشتر کارما به پایین فشار بیاورد، درد بیشتری در پاها احساس می‌شود. بنابراین دلیلی برای درد پاها وجود دارد. معمولاً پاهای فرد در مدیتیشن نشسته به‌طور متناوب درد می‌گیرد. درد برای مدتی می‌ماند، طاقت‌فرسا می‌شود و پس از این که رفت، کمی آسوده خواهد شد، اما زیاد طول نمی‌کشد، زیرا درد دوباره شروع می‌شود. معمولاً این‌گونه پیش می‌رود.

کارما تکه‌تکه از بین می‌رود، بنابراین بعد از این که یک تکه از کارما برطرف می‌شود، پاهای‌تان کمی احساس بهتری پیدا خواهند کرد. اما پس از مدتی کوتاه تکه‌ی دیگری می‌آید و پاهای‌تان دوباره شروع به درد گرفتن می‌کنند. بعد از این که ماده‌ی سیاه از بین می‌رود، ناپدید نمی‌شود، این ماده نابود نمی‌شود- بعد از این که از بین می‌رود، مستقیماً به ماده‌ی سفید تبدیل می‌شود. و این ماده‌ی سفید تقوا است. چرا می‌تواند به این شکل تبدیل شود؟ زیرا این فرد سختی را تحمل کرده، هزینه را پرداخت کرده و درد را تحمل کرده است. گفته‌ایم که تقوا از طریق تحمل درد، تحمل زجرها و انجام کارهای خوب به‌دست می‌آید. به همین دلیل است که این مسئله در طول مدیتیشن اتفاق می‌افتد. برخی از افراد وقتی پاهای‌شان کمی درد می‌گیرد آن‌ها را باز می‌کنند و قبل از این که پاها را مثل قبل روی هم قرار دهند آن‌ها را کمی نرمش می‌دهند. این به هیچ‌وجه مؤثر نیست. وقتی برخی از افراد تمرین حالت ایستاده را انجام می‌دهند، بازوهای‌شان خسته می‌شود و نمی‌توانند طاقت بیاورند، بنابراین دست‌های‌شان را پایین می‌آورند. این واقعاً مؤثر نیست. آن یک ذره درد به چه کار می‌آید؟ می‌توانم بگویم اگر کسی می‌توانست فقط با بالا نگه داشتن دستش به این شکل در تزکیه موفق شود بسیار راحت می‌بود. بنابراین وقتی افراد در مدیتیشن تزکیه می‌کنند این چیزها روی می‌دهند.

مدرسه‌ی ما عمدتاً آن رویکرد را انتخاب نمی‌کند، اگرچه هنوز نقش بخصوصی دارد. ما اکثراً کارما را از طریق تنش با افراد دیگر که شین‌شینگ‌مان را آزمایش می‌کند تبدیل می‌کنیم. معمولاً به این شکل خود را نشان می‌دهد. وقتی با کسی برخورد و مجادله‌ای دارید یا با کسی اصطکاکی دارید، می‌تواند بدتر از آن درد باشد. می‌گویم که درد جسمی برای تحمل آسان‌ترین است- فقط دندان‌های‌تان را به هم فشار می‌دهید و آن تمام می‌شود. اما وقتی افراد علیه یکدیگر حقه‌بازی می‌کنند، کنترل ذهن سخت‌ترین چیز است.

به‌طور مثال، شخصی با ورود به محل کار، به‌طور اتفاقی می‌بیند که دو نفر درباره‌ی او چیزهای بدی می‌گویند، چیزهایی که می‌گویند بسیار بد است، او از عصبانیت جوش می‌آورد. اما گفته‌ایم که به‌عنوان یک تمرین‌کننده نباید وقتی مورد حمله قرار گرفتید تلافی کنید، یا وقتی توهین شدید جوابش را بدهید- باید استاندارد بالایی را برای خود در نظر بگیرید. بنابراین فکر می‌کند، "معلم گفته است که ما تمرین‌کنندگان مثل دیگران نیستیم و باید خیلی باگذشت باشیم." او با آن دو شخص بگو مگو نمی‌کند. اما معمولاً وقتی تضادی پیش می‌آید، اگر شما را برانگیخته نکند، به حساب نمی‌آید، اثری ندارد و شما قادر نیستید به‌واسطه‌ی آن رشد کنید. بنابراین، او نمی‌تواند آن‌را فراموش کند، احساس رنجش می‌کند و شاید نتواند آن‌را از ذهنش بیرون کند، و دائماً می‌خواهد برگردد و برای لحظه‌ای نظری به آن دو نفری که چیزهای بدی درباره‌ی او می‌گفتند بیندازد. برمی‌گردد، می‌بیند که آن دو نفر با چهره‌ی شرورانه‌ای در گفتگوی گرم هستند. نمی‌تواند حتی برای یک لحظه آن‌را بپذیرد، عصبانیتش فوران می‌کند، به احتمال زیاد درجا با آن‌ها دعوا خواهد کرد. واقعاً سخت است که وقتی در بین مشکلی با کسی هستید ذهن‌تان را تحت کنترل نگه دارید. می‌گویم که اگر هر چیزی می‌توانست از طریق مدیتیشن اداره شود، آسان می‌بود، اما این گونه نیست.

بنابراین از حالا به بعد در تزکیه‌تان با هر نوع رنجی مواجه خواهید شد. چگونه می‌توانستید بدون آن‌ها تزکیه کنید؟ اگر همه با هم خوب بودند، بدون هیچ تضادی در تلاش برای پیشی گرفتن، و هیچ چیزی با ذهن‌تان مداخله نمی‌کرد، آیا فقط با نشستن در این‌جا، شین‌شینگ‌تان رشد می‌کرد؟ این گونه نیست. یک شخص مجبور است که خود را در موقعیت‌های واقعی آبدیده کند- این تنها راهی است که می‌توانید رشد کنید. برخی افراد متعجب می‌شوند، "چرا ما همیشه در تزکیه‌ی روزانه‌مان با دردسر روبرو می‌شویم؟ آن مشکلات آن‌چنان فرقی با مشکلاتی که مردم عادی گرفتار آن‌ها می‌شوند ندارند." این بدین خاطر است که شما در بین مردم عادی تزکیه می‌کنید. ناگهان سر و ته نخواهید شد با سرتان به سمت زمین، به بالا پرواز کنید و در هوا زجر بکشید- به این شکل نخواهد بود. همگی موقعیت‌هایی خواهند بود که مردم عادی دارند، مثل این که کسی شما را ناراحت می‌کند، کسی شما را عصبانی می‌کند،

کسی با شما بد رفتار می‌کند، یا کسی بدون دلیل چیزهای زننده به شما می‌گوید. برای این است که دیده شود چگونه این چیزها را اداره می‌کنید.

برای چه با این مشکلات مواجه می‌شوید؟ تمام آن‌ها از بدهی‌های کارمایی خودتان ناشی می‌شوند. تا حالا قسمت‌های بی‌شماری از آن‌ها را برای شما از بین برده‌ایم، و فقط مقدار کمی باقی مانده است، که به سختی‌هایی در سطوح مختلف تقسیم می‌شوند تا بتوانید شین‌شینگ‌تان را رشد دهید. سختی‌ها، قرار داده می‌شوند تا ذهن‌تان را آبدیده کنند و وابستگی‌های مختلف‌تان را از بین ببرند. آن‌ها سختی‌های خودتان هستند، و ما برای رشد شین‌شینگ شما از آن‌ها استفاده می‌کنیم. باید قادر باشید که بر همه‌ی آن‌ها غلبه کنید. تا وقتی شین‌شینگ خود را رشد دهید، قادر خواهید بود بر آن‌ها غلبه کنید- مگر این که نخواهید بر آن‌ها غلبه کنید. اگر بخواهید بر آن‌ها غلبه کنید، می‌توانید. بنابراین از حالا به بعد وقتی با تضادی مواجه شدید نباید فکر کنید که آن به‌طور تصادفی بوده است. این بدین دلیل است که وقتی تضادی پیش می‌آید، ممکن است معلوم نباشد از کجا یک‌دفعه سر و کله‌اش پیدا می‌شود، اما به‌طور تصادفی اتفاق نمی‌افتد. آن برای این است که شین‌شینگ شما را رشد دهد. تا وقتی خود را به‌عنوان یک تمرین‌کننده ببینید، قادر خواهید بود آن را به‌خوبی اداره کنید.

البته به شما گفته نخواهد شد که مشکلات یا تضادها چه وقت می‌آیند. اگر هر چیزی به شما گفته می‌شد چگونه تزکیه می‌کردید؟ هیچ فایده‌ای نمی‌داشت. آن‌ها معمولاً به‌طور غیرمنتظره می‌آیند و فقط به این شکل شین‌شینگ شما آزمایش خواهد شد، فقط به این شکل شین‌شینگ شما به‌طور حقیقی رشد خواهد کرد، و فقط به این شکل می‌توانیم بگوییم که آیا می‌توانید از شین‌شینگ خود مراقبت کنید. این دلیل آن است که چرا تضادها به‌طور تصادفی نمی‌آیند. بنابراین در طول کل دوره‌ی تزکیه‌تان، هر وقت کارما درحال تبدیل باشد، با این مسئله مواجه خواهید شد. برخلاف آن چه مردم عادی تصور می‌کنند، این بسیار سخت‌تر از سختی دادن به بدن است- تمرین‌هایی را انجام می‌دهید، آن‌ها را کمی طولانی‌تر انجام می‌دهید، دست‌های‌تان را مدتی طولانی بالا نگه می‌دارید که درد می‌گیرند، یا آن قدر ساکن می‌ایستید که پاهای‌تان خسته می‌شوند... آیا پس از آن گونگ شما رشد می‌کند؟ چگونه تنها با چند ساعت اضافه تمرین کردن، گونگ شما می‌تواند رشد کند؟ آن فقط پنتی شما را تبدیل می‌کند، اما برای تقویت، هنوز به انرژی نیاز دارد، و آن سطح شما را بالا نمی‌برد. برای بالا رفتن سطح‌تان نکته‌ی کلیدی آبدیده کردن ذهن‌تان است. اگر فقط می‌توانستید با رنج دادن به بدن رشد کنید، می‌گوییم که کشاورزان چینی بیشتر از همه رنج می‌برند، پس نباید همگی آن‌ها استادان بزرگ چی‌گونگ شوند؟ می‌توانید هر اندازه که بخواهید به بدن رنج دهید، با آن چه که آن‌ها انجام می‌دهند قابل مقایسه نیست، که با سختی و زحمت در مزرعه زیر آفتاب سوزان هر روز کار می‌کنند. این موضوع به این سادگی نیست. این دلیل آن است که چرا می‌گوییم اگر واقعاً می‌خواهید رشد کنید، باید ذهن‌تان را رشد دهید. آن رشد واقعی است.

درحالی که کارما درحال تبدیل است، اگر قصد داریم آن را به‌خوبی اداره کنیم و مثل افراد عادی کارها را خراب نکنیم، نیاز داریم که همیشه قلبی نیک‌خواه و ذهنی آرام داشته باشیم. اگر ذهن‌تان همیشه به این صورت صلح‌جو و نیک‌خواه باشد، وقتی مشکلات ناگهان ظاهر می‌شوند، همیشه ضربه‌گیر و فضایی دارید که درباره‌ی آن فکر کنید. اما اگر ذهن‌تان همیشه درحال فکر کردن درباره‌ی مخالفت با افراد دیگر، دعوا کردن برای این، دعوا کردن برای آن، باشد، می‌گوییم یک‌بار که با مشکلی مواجه شوید، شروع به دعوا کردن می‌کنید. این را تضمین می‌کنم. بنابراین وقتی در تضادی گرفتار می‌شوید، می‌گوییم که آن به این منظور است که ماده‌ی سیاه در بدن‌تان را به ماده‌ی سفید، به تقوا تبدیل کند.

ما انسان‌ها امروز تا این حد پیشرفت کرده‌ایم، و تقریباً هر کسی کارما روی کارما انبار کرده است- بدن هر شخصی مقدار بسیار زیادی کارما دارد. بنابراین در تبدیل کارما اغلب این موقعیت رخ می‌دهد: درحالی که گونگ شما رشد می‌کند و درحالی که شین‌شینگ شما بهبود می‌یابد، در همان زمان کارمای شما کاهش می‌یابد و در همان زمان

تبدیل می‌شود. وقتی با مشکلی با افراد دیگر مواجه می‌شوید، می‌تواند به صورت اصطکاک‌هایی که شین‌شینگ شما را آبدیده می‌کند ظاهر شود. اگر بتوانید آن را تحمل کنید، کارمای تان از بین می‌رود، شین‌شینگ تان بهبود می‌یابد و گونگ تان رشد می‌کند. همگی به هم پیوسته هستند. در گذشته مردم تقوای بسیاری داشتند و شین‌شینگ آن‌ها از آغاز هم خوب بود. آن‌ها کمی زجر می‌کشیدند و می‌توانستند گونگ خود را افزایش دهند. اما امروزه مردم این طور نیستند. به محض این که زجر می‌کشند، نمی‌خواهند تزکیه کنند. علاوه بر این، توانایی آن‌ها برای درک آن کم‌تر و کم‌تر می‌شود و برای آن‌ها سخت‌تر می‌سازد که تزکیه کنند.

در تزکیه، زمانی که واقعاً با کسی مشکلی دارید، یا وقتی افراد دیگر به طور بدی با شما رفتار می‌کنند، یکی از این دو وضعیت می‌تواند باشد. یکی این که ممکن است شما در زندگی قبلی تان با آن‌ها به طور بدی رفتاری کرده باشید. احساس می‌کنید که آن نادرست است، "چرا آن‌ها این طور با من رفتار می‌کنند؟" بسیار خوب، چرا شما قبلاً با آن‌ها بدان صورت رفتار کردید؟ می‌گویید، "من هیچ چیزی درباره‌ی گذشته نمی‌دانم. این دوره‌ی زندگی هیچ ارتباطی با آن دوره‌ی زندگی ندارد." اما به این شکل نیست. وضعیت دیگر این است که وقتی با کسی تضادی پیدا می‌کنید مسئله‌ی تبدیل کارما مطرح است، بنابراین وقتی هر یک از آن‌ها را اداره می‌کنیم باید خیلی باگذشت باشیم و نباید مثل افراد عادی رفتار کنیم. این باید در محل کار یا محیط‌های کاری دیگر به کار رود. به همان شکل این در مورد کسانی که شغل آزاد دارند نیز صدق می‌کند، زیرا آن‌ها هم برخوردهای اجتماعی دارند. غیرممکن است که در تماس با جامعه نباشید، چرا که حداقل بین همسایه‌ها روابطی وجود دارد.

در ارتباطات اجتماعی تان همه نوع اختلاف و ناسازگاری خواهید داشت. بنابراین درخصوص آن عده که بین مردم عادی تزکیه می‌کنند، مهم نیست چه قدر پول دارید، رده‌ی شغلی شما چه قدر بالا است، شغل آزاد دارید یا کسب و کار متعلق به خودتان را دارید، مهم نیست چه نوع شغلی دارید: کارها را منصفانه انجام دهید و با صداقت رفتار کنید. تمام حرفه‌ها باید در جامعه‌ی انسانی وجود داشته باشند، فقط این طور است که مردم درست کار نیستند. ربطی به این که چه حرفه‌ای دارید ندارد. در گذشته گفته‌ای وجود داشت، "از ده نفر بازرگان، نه نفر فریب کار هستند." این چیزی است که مردم عادی می‌گویند. اما من می‌گویم که این مشکلی مربوط به درست کاری است. اگر درست کار باشید و منصفانه کسب و کار کنید، هر چه بیشتر تلاش کنید، باید پول بیشتری به دست بیاورید. شما آن را به دست می‌آورید فقط به خاطر این که در این دنیای عادی برای آن زحمت کشیدید - بدون از دست دادن، چیزی به دست نمی‌آید - آن از طریق سعی و کوشش به دست آورده می‌شود. شما می‌توانید در هر طبقه‌ی اجتماعی فرد خوبی باشید. در طبقات اجتماعی مختلف، تضادهای مختلفی وجود دارند. طبقه‌ی بالا، تضادهایی از نوع طبقه‌ی بالا دارند، و همگی آن‌ها می‌توانند به درستی اداره شوند. افراد در هر طبقه‌ی اجتماعی که باشند، می‌توانند کمتر به امیال و وابستگی‌های شان اهمیت بدهند، و در نتیجه افراد خوبی شوند. افراد خوب در طبقات اجتماعی مختلف می‌توانند یافت شوند، و همگی می‌توانند در طبقه‌ی اجتماعی خودشان تزکیه کنند.

این روزها در چین، خواه در شرکت‌های دولتی یا کسب و کارهای دیگر باشد، مشکلاتی که مردم با یکدیگر دارند واقعاً منحصر به فرد است. کشورهای دیگر، پدیده‌ای مانند این را هرگز نداشته‌اند. در نتیجه، برخوردهای مردم در تلاش برای پیشی گرفتن به طور خاصی شدید هستند. آن‌ها علیه یکدیگر نقشه می‌کشند، برای سودی جزئی مبارزه می‌کنند و افکاری که دارند و ترفندهایی که به کار می‌برند همگی وحشتناک هستند. حتی سخت است که فردی خوب بود. به طور مثال، کسی به محل کار می‌آید و احساس می‌کند که حال و هوای آن جا درست نیست. بعداً، شخصی به او می‌گوید، "کسی این طور و آن طور پشت سر تو بد گفته و پیش رئیس رفته و درباره‌ی تو گزارش داده. او شهرت تو را لکه دار کرد." هر کسی به طور عجیبی به او نگاه می‌کند. افرادی عادی چگونه می‌توانند این را تحمل کنند؟ چگونه می‌توانند چنین بدر رفتاری را تحمل کنند؟ "او نسبت به من کارهای بدی انجام می‌دهد، من هم کارهای بدی نسبت به او انجام می‌دهم. اگر افرادی از او حمایت می‌کنند، من هم افرادی را دارم. بیا مبارزه کنیم." اگر این کار را در بین مردم

عادی انجام دهید، خواهند گفت که فردی قوی هستید. اما برای یک تمرین کننده، این کار بسیار بد است. اگر مثل یک فرد عادی کشمکش و مبارزه کنید، یک فرد عادی هستید. اگر آن کار را با شور و حرارتی بیشتر از او انجام دهید، به خوبی یک فرد عادی هم نیستید.

پس چگونه باید آن رویداد را اداره کنیم؟ وقتی با آن نوع تضاد مواجه می‌شوید، اول باید آرامش خود را حفظ کنیم، و نباید مثل آن شخص رفتار کنیم. البته، می‌توانیم مسئله را با مهربانی توضیح دهیم، ما می‌توانیم موضوع را روشن کنیم - این مشکلی نیست. اما نباید بیش از حد به آن وابسته باشیم. وقتی با این مشکلات مواجه می‌شویم، نباید مثل دیگران مبارزه و رقابت کنیم. اگر او به آن صورت رفتار کرد و شما هم به همان صورت رفتار کنید، آیا یک فرد عادی نیستید؟ نه تنها نباید مثل آن فرد مبارزه و رقابت کنید، بلکه نباید از آن شخص متنفر باشید. واقعاً نباید از او متنفر باشید. وقتی از او متنفر باشید، آیا عصبانی نمی‌شوید؟ آن گاه نتوانسته‌اید بردباری را رعایت کنید. ما تلاش می‌کنیم که درست، نیک‌خواه و بردبار باشیم. حال آن که نیک‌خواهی شما حتی کمتر از حدی است که درباره‌اش صحبت شود. پس نباید مثل او رفتار کنید و واقعاً نباید از او عصبانی شوید، حتی اگر شهرت شما را در محل کار لکه‌دار کرده و واقعاً آبروی شما را ریخته باشد. نه تنها نباید از او عصبانی شوید، بلکه باید از ته قلب از او تشکر کنید - واقعاً از او تشکر کنید. شاید یک فرد عادی این طور فکر کند: "آیا این مثل /ه‌کی‌یو بودن نیست؟" می‌توانم به شما بگویم، این‌طور نیست.

همگی درباره‌ی آن بیندیشیم. شما یک تمرین کننده هستید. آیا نباید استاندارد بالاتری را دنبال کنید؟ شما نباید از معیارهایی که مردم عادی از آن‌ها پیروی می‌کنند پیروی کنید. شما یک تزکیه کننده هستید، بنابراین آیا آن چیزهایی که به دست می‌آورید از سطوح بالاتر نیستند؟ پس باید از معیارهای سطوح بالا پیروی کنید. اگر مثل او رفتار کنید، آیا مثل او نیستید؟ پس، چرا باید از او متشکر باشید؟ درباره‌ی این بیندیشید: چه چیزی را کسب خواهید کرد؟ در این جهان، اصلی وجود دارد که می‌گوید، "بدون از دست دادن، چیزی به دست نمی‌آید" - اگر بخواهید به دست بیاورید، مجبورید از دست بدهید. او شما را در موقعیت وحشتناکی در بین مردم عادی گذاشت، او طرفی در نظر گرفته می‌شود که به دست آورده چرا که به خرج شما نفع برده است، هرچه بیشتر شما را در شرایط بدتری بگذارد و تأثیر آن بیشتر باشد، بیشتر تحمل می‌کنید و او بیشتر تقوا از دست می‌دهد، و آن تقوا همگی به شما داده می‌شود، و هم‌زمان وقتی در حال به دوش کشیدن آن هستید، آن را سبک گرفته و به دل نمی‌گیرید.

قانون دیگری در این جهان وجود دارد: شما فردی هستید که رنج فراوانی کشیده‌اید، پس کارمای شما تبدیل خواهد شد. از آن‌جا که زجر کشیده‌اید، هر اندازه که تحمل کنید به همان اندازه تبدیل می‌شود و همگی به تقوا تبدیل می‌شود. آیا این تقوا چیزی نیست که یک تمرین کننده می‌خواهد؟ آیا شما به دو طریق نفع نبرده‌اید؟ - کارمای شما نیز از بین رفته است. اگر او این موقعیت را برای شما خلق نمی‌کرد، چگونه می‌توانستید شین‌شینگ خود را ترقی دهید؟ اگر من و شما با یکدیگر با احترام رفتار کنیم و این‌جا در هماهنگی بنشینیم، چگونه می‌تواند امکان‌پذیر باشد که گونگ رشد کند؟ دقیقاً علت این که فرصتی برای رشد شین‌شینگ شما به وجود آمد این است که آن شخص این مشکل را برای شما ایجاد کرده است و شما می‌توانید از طریق آن، شین‌شینگ خود را بهبود بخشید. آیا شین‌شینگ شما بهبود نمی‌یابد؟ به سه طریق نفع برده‌اید. شما یک تمرین کننده هستید. بنابراین حالا که شین‌شینگ شما بالاتر رفته است، آیا گونگ شما نیز افزایش نمی‌یابد؟ با یک حرکت به چهار طریق برده‌اید، چرا از آن شخص نباید ممنون باشید؟ واقعاً باید از صمیم قلب از او تشکر کنید. واقعاً به این صورت است.

البته، نیت آن شخص خوب نبود و گر نه تقوای خود را به شما نمی‌داد. اما او واقعاً فرصتی را برای ترفیع شین‌شینگ شما به وجود آورد. به عبارت دیگر، ما باید اهمیت خود را به تزکیه‌ی شین‌شینگ بدهیم، و درحالی که شین‌شینگ‌تان را تزکیه می‌کنید، کارمای شما از بین رفته و به تقوا تبدیل می‌شود و فقط به این طریق می‌توانید سطح خود را بالا ببرید. آن‌ها مکمل یکدیگر هستند. وقتی از سطحی بالا به این نگاه می‌کنید حقایق همگی تغییر کرده‌اند.

یک فرد عادی نمی‌تواند این را بفهمد، اما وقتی از سطحی بالا به این مسئله نگاه کنید کل این چیز سر و ته شده است. به شکلی که مردم عادی می‌بینند، ممکن است چیزی را درست بپندارند، اما آن واقعاً درست نیست. فقط وقتی از سطحی بالا به مسائل نگاه کنید آن‌ها واقعاً درست هستند. عموماً بدین صورت است.

این اصول را کاملاً تشریح کرده‌ام. امیدوارم که در آینده در تزکیه، همگی قادر باشید که خود را به‌عنوان یک تمرین‌کننده ببینید و به‌طور واقعی تزکیه کنید، زیرا اصول هم‌اکنون در این‌جا معرفی شده‌اند. شاید بعضی از افراد، از آن‌جا که در بین مردم عادی هستند، فکر کنند منافع عینی و ملموس مردم عادی که این‌جا درست در مقابل آن‌ها قرار دارد هنوز بیشتر عملی هستند. در سیلاب قوی مردم عادی قادر نیستند خود را منطبق با استانداردی بالا نگاه دارند. اگر بخواهید یک فرد معمولی خوبی باشید می‌توانید قهرمانان و شهروندان نمونه را به‌عنوان الگوی خود انتخاب کنید. آن‌ها الگوهای مردم عادی هستند. اما اگر بخواهید یک تزکیه‌کننده باشید، تزکیه‌ی شما تماماً به ذهن شما بستگی دارد، زیرا نمونه‌هایی وجود ندارد. چیز خوب این است که ما گذاشته‌ایم دافا شناخته شود، چیزی که قبلاً حتی اگر می‌خواستید تزکیه کنید هیچ کسی نبود به شما آموزش دهد. بنابراین دافا را پیروی کنید و شاید بتوانید کمی بهتر عمل کنید. این که آیا می‌توانید تزکیه کنید، آیا آن به انجام خواهد رسید، و این که تا چه سطحی بالا خواهید رفت تماماً به خود شما بستگی دارد.

البته روشی که کارما تبدیل می‌شود همیشه به شکلی که الان توصیف کردم نیست. می‌تواند در صحنه‌های دیگری نیز متجلی شود، می‌تواند در جامعه، در منزل، یا هر جایی اتفاق بیفتد. شاید درحالی که در خیابان مشغول قدم زدن هستید با مشکلی روبرو شوید، یا می‌تواند جایی دیگر در جامعه باشد. وابستگی‌هایی که نمی‌توانید در محیط مردم عادی آن‌ها را رها کنید، همگی باید رها شوند. تمام وابستگی‌هایتان، تا وقتی که آن‌ها را دارید، همگی باید در محیط‌های مختلف، دور ریخته شوند. شما خواهید لغزید، و از آن، حقیقت را درک می‌کنید. این‌گونه تزکیه می‌کنید.

وضعیت رایج دیگری وجود دارد. برای بسیاری از مردم، در جریان تزکیه، وقتی تمرین‌های حرکتی تزکیه را انجام می‌دهید، همسران اغلب ناراحت می‌شود، و به محض این که شروع به انجام حرکات می‌کنید با شما دعوا می‌کند. اما اگر کار دیگری را انجام دهید کاری به کار شما ندارد. فرض کنید وقت زیادی را صرف بازی مایونگ می‌کنید. او خوشحال نخواهد بود، اما نه به ناراحتی وقتی که تمرین می‌کنید. تمرین‌های شما برای او هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند و شما درحال تمرین دادن به بدن‌تان هستید، که مزاحمتی برای او ندارد- آن بسیار خوب است، اما به محض این که شروع به انجام تمرین‌ها می‌کنید او چیزهایی را پرتاب و دعوا می‌کند، برخی از زوجها تا مرحله‌ی طلاق با یکدیگر دعوا کرده‌اند، زیرا یکی از آن‌ها تمرین‌ها را انجام می‌دهد. عده‌ی زیادی از آن‌ها لحظه‌ای نمی‌اندیشند که چرا این اتفاق می‌افتد. پس از آن، از او می‌پرسید، "چرا وقتی تمرین‌هایم را انجام می‌دهم این قدر عصبانی هستی؟" او نمی‌تواند دلیلی پیدا کند، واقعاً نمی‌تواند دلیلی پیدا کند. "بله، نباید آن قدر عصبانی باشم" اما در آن زمان خشمگین می‌شود. پس واقعاً موضوع چیست؟ وقتی درحال انجام تمرین‌های حرکتی تزکیه هستید، کارما باید تبدیل شود- بدون از دست دادن، چیزی به‌دست نمی‌آید. آن چه که از دست می‌دهید چیزهای بد هستند. شما باید بپردازید.

شاید به محض این که وارد منزل شوید، همسران درست جلوی روی شما از شدت خشم منفجر شود. اگر بتوانید آن‌را تحمل کنید تمرین‌های امروز بیهوده نبوده است. شاید کسی به‌طور معمول با همسرش سازگاری داشته باشد، چراکه او می‌داند وقتی تمرین‌های حرکتی تزکیه را انجام می‌دهد باید تقوا را جدی بگیرد. بنابراین فکر می‌کند، "معمولاً او با من مخالفت نمی‌کند، اما امروز با من با سلطه‌جویی رفتار می‌کند!" خشم شما فوران می‌کند، و با او شروع به دعوا می‌کنید، پس تمرین امروز به هیچ دردی نخورد. زیرا کارما آن‌جا بود و او درحال کمک به شما بود که آن‌را از بین ببرید، اما شما به او اجازه ندادید و با او شروع به دعوا کردید، پس آن کارما از بین نرفت. چیزهای زیادی مثل این روی می‌دهند. بسیاری از ما با این موقعیت برخورد کرده‌ایم و لحظه‌ای مکث نکردیم و درباره‌ی علت آن فکر کنیم. وقتی کارهای دیگری انجام می‌دهید، به این حد مزاحم شما نمی‌شود و اگرچه این چیز خوبی است، اما او همیشه

نسبت به شما حالت تهاجمی می‌گیرد. درحقیقت او فقط درحال کمک به شما است که کارمای‌تان را از بین ببرید، اما خودش این را نمی‌داند. او فقط در ظاهر با شما دعوا نمی‌کند و در درون با شما مهربان باشد، این‌طور نیست. او حقیقتاً به‌طور واقعی عصبانی است. زیرا هر کسی که کارما به‌دست می‌آورد، کسی است که احساس ناراحتی می‌کند. قطعاً به این شکل است.

رشد شین‌شینگ

در گذشته بسیاری از افراد قادر نبودند از شین‌شینگ خود محافظت کنند و بنابراین با مشکلات زیادی برخورد کردند و پس از این‌که تا سطح بخصوصی تزکیه کردند نتوانستند پیش‌تر بروند. برخی از افراد با شین‌شینگ کاملاً بالایی متولد می‌شوند و وقتی تمرین‌های حرکتی تزکیه را انجام می‌دهند، بلافاصله چشم سوم‌شان باز می‌شود و به قلمروهای بخصوصی می‌رسند. کیفیت مادرزادی چنین شخصی کاملاً خوب و شین‌شینگ او بالا است، بنابراین گونگ او سریع رشد می‌کند. وقتی گونگ او تا جایی‌که شین‌شینگ او قرار دارد رشد می‌کند، اگر بخواهد گونگ خود را بیشتر بالا ببرد، تنش‌ها آشکار می‌شوند و نیاز دارد که به رشد شین‌شینگ خود ادامه دهد. این برای کسی که با کیفیت مادرزادی خوبی متولد می‌شود حتی بیشتر صحت دارد. او احساس می‌کند که گونگ او به‌خوبی و ملائمت رشد می‌کند و تمرینش به‌خوبی پیش می‌رود. چرا ناگهان این همه مشکل ظاهر می‌شود؟ هیچ چیز به‌خوبی پیش نمی‌رود. هر کسی با او به‌طور بدی رفتار می‌کند، رئیس وی نیز او را تحقیر می‌کند و موقعیت منزل نیز متشنج می‌شود. چرا ناگهان این همه مشکل ظاهر می‌شود؟ او آن‌را درک نمی‌کند. کیفیت مادرزادی او خوب است، و از این رو قادر بود به سطح بخصوصی برسد، و حالا این نوع وضعیت تزکیه ظاهر می‌شود. اما چگونه آن می‌توانست استاندارد کمال نهایی برای یک تزکیه‌کننده باشد؟ تزکیه‌ی او هنوز راه زیادی برای رفتن دارد! شما باید به ترفیع خود ادامه دهید. این نتیجه‌ی آن مقدار کم کیفیت مادرزادی که با خود آوردید بود- این دلیل آن است که چرا قادر بودید به آن وضعیت تزکیه برسید. اگر بخواهید بیشتر رشد کنید استاندارد باید بالا برود.

برخی از افراد می‌گویند، "من پول بیشتری به‌دست خواهم آورد و مطمئن خواهم شد که خانواده‌ام تأمین باشند. پس از آن هیچ نگرانی ندارم و می‌روم که تزکیه کنم." می‌گویم که خواب می‌بینید. شما نمی‌توانید در زندگی دیگران دخالت کنید، نمی‌توانید سرنوشت آنان را کنترل کنید، خواه همسر، فرزند، والدین یا خواهر و برادر‌تان باشد. آیا این چیزی است که شما تصمیم می‌گیرید؟ به‌علاوه، اگر هیچ نگرانی در منزل نداشته باشید، و اگر کلاً هیچ مشکلی نداشته باشید، چه چیزی را تزکیه خواهید کرد؟ تزکیه کردن در راحتی کامل- چه کسی تا به حال چنین چیزی شنیده است؟ این چگونگی فکر کردن شما درباره‌ی آن، از نقطه نظر فردی عادی است.

تزکیه چیزی است که درست در بحبوحه‌ی سختی‌ها انجام می‌دهید. آن‌ها شما را آزمایش خواهند کرد که آیا می‌توانید احساسات و امیال‌تان را قطع کنید و آیا می‌توانید آن‌ها را سبک بگیرید. اگر به آن چیزها وابسته باشید، نمی‌توانید تزکیه‌تان را تمام کنید. هر چیزی علت خود را دارد. چرا انسان‌ها می‌توانند انسان باشند؟ دقیقاً به‌خاطر این‌که انسان‌ها احساسات دارند. مردم فقط به‌خاطر احساسات زندگی می‌کنند. علایق بین اعضای خانواده، عشق بین زن و مرد، عشق به والدین، احساس‌ها، دوستی‌ها، انجام دادن کارهایی به‌خاطر دوستی- مهم نیست کجا می‌روید نمی‌توانید از احساسات خارج شوید. می‌خواهید کاری انجام دهید، نمی‌خواهید کاری انجام دهید، خوشحال هستید، غمگین هستید، به چیزی عشق می‌ورزید، از چیزی متنفر هستید- هر چیزی در جامعه کاملاً از احساسات می‌آید. اگر احساسات را قطع نکنید نمی‌توانید تزکیه کنید. اما اگر از احساسات بیرون بیایید هیچ‌کسی نمی‌تواند شما را تحت تأثیر قرار دهد و وابستگی‌های عادی نمی‌توانند شما را نوسان دهند. آن‌چه که جایگزین می‌شود نیک‌خواهی بوده که باشکوه‌تر است. البته راحت نیست که یک‌باره آن‌را قطع کرد. تزکیه روندی طولانی است، این‌که از وابستگی‌ها رها شد روندی تدریجی است. اما شما باید با خودتان جدی باشید.

برای ما تزکیه‌کنندگان تضادها به‌طور ناگهانی ظاهر می‌شوند. پس باید چه کار کنیم؟ اگر همیشه قلبی سرشار از نیک‌خواهی و محبت، و حالت ذهنی آرام و صلح‌جو داشته باشید، وقتی با مشکلات مواجه می‌شوید، آن‌ها را به‌خوبی اداره خواهید کرد زیرا به شما فضایی به‌عنوان ضربه‌گیر خواهد داد. اگر همیشه با دیگران با محبت و دوستانه باشید، اگر همیشه وقتی کاری انجام می‌دهید دیگران را در نظر بگیرید، و هرگاه مسائلی با دیگران دارید اول فکر کنید که آیا آن‌ها می‌توانند آن‌را تحمل کنند یا آیا برای آن‌ها باعث صدمه‌ای نمی‌شود، آن‌گاه مشکلی نخواهید داشت. بنابراین وقتی تزکیه می‌کنید باید از استانداردهای بالا و حتی بالاتری پیروی کنید.

اغلب، برخی از افراد این مسائل را نمی‌فهمند. چشم سوم برخی از افراد باز است و آن‌ها بوداها را می‌بینند. این شخص به خانه می‌رود و بودا را ستایش می‌کند، با خودش گله و شکایت می‌کند، "چرا از من مراقبت نمی‌کنی؟ خواهش می‌کنم، خواهش می‌کنم به من کمک کن این مشکل را حل کنم!" مسلم است که آن بودا دخالت نخواهد کرد. آن مشکل توسط او تدارک دیده شد، و برای آن بود که شین‌شینگ شما را بالا ببرد به‌طوری که بتوانید از طریق چالش‌ها، خودتان را رشد دهید. چگونه او می‌توانست آن‌را برای شما حل کند؟ مطلقاً آن‌را برای شما حل نخواهد کرد. اگر حل می‌کرد چگونه گونگ شما می‌توانست رشد کند؟ و چگونه می‌توانستید شین‌شینگ خود را رشد دهید و سطح‌تان را بالا ببرید؟ مسئله‌ی کلیدی این است که کاری کرد که گونگ شما رشد کند. همان‌طور که موجودات روشن‌بین بزرگ آن‌را می‌بینند، انسان بودن هدف نیست؛ زندگی یک شخص برای انسان بودن نیست، بلکه برای این است که بازگردید. مردم فکر می‌کنند که رنج فراوانی می‌کشند. اما آن‌ها فکر می‌کنند که هرچه بیشتر زجر بکشید بهتر است - سریع‌تر بدهی‌های شما را می‌پردازد. این گونه فکر می‌کنند. برخی از افراد این‌را درک نمی‌کنند. وقتی استدعای عاجزانه از بودا اثر نمی‌کند شروع به مقصر دانستن او می‌کنند، "چرا به من کمک نمی‌کنی؟ هر روز برای تو عود روشن می‌کنم و زانو می‌زنم و پیشانی بر زمین قرار می‌دهم". برخی از افراد به‌خاطر آن، حتی مجسمه‌ی بودا را خرد می‌کنند و از آن پس به بودا توهین می‌کنند. به محض این‌که یاهو‌گویی می‌کند، شین‌شینگ او سقوط می‌کند و گونگ وی می‌رود، او می‌داند که چیزی باقی‌نمانده و بنابراین حتی بیشتر، از بودا دلخور می‌شود. فکر می‌کند که بودا درحال ویران کردن او است. او منطق مردم عادی را برای اندازه‌گیری شین‌شینگ بودا به‌کار می‌برد. چگونه می‌توانید آن‌را به این شکل ارزیابی کنید؟ او معیار مردم عادی را برای نگاه کردن به چیزهای بالاتر به‌کار می‌برد - چگونه آن می‌تواند عملی باشد؟ بنابراین این نوع مشکل اغلب روی می‌دهد، که شخص فکر می‌کند رنج‌ها در زندگی‌اش یک بی‌عدالتی علیه او است. و بسیاری از افراد وجود دارند که به این شکل سرنگون شده‌اند.

در چند سال پیش، بسیاری از استادان چی‌گونگ بوده‌اند که سقوط کرده‌اند و این شامل برخی از استادان پراوازه نیز می‌شود. البته، استادان واقعی چی‌گونگ مأموریت تاریخی خود را کامل کردند و برگشتند. درحال حاضر فقط تعداد کمی وجود دارند که با شین‌شینگ سقوط کرده‌ی خود در بین مردم عادی گم شده‌اند. آن‌ها هنوز فعال هستند، اما درحال حاضر هیچ گونگی ندارند. برخی از استادان چی‌گونگ که در گذشته معروف بودند هنوز هم در جامعه فعال هستند. استادان‌شان دیدند که آن‌ها در بین مردم عادی گم شدند، که به سمت شهرت و نفع شخصی کشیده شدند و نتوانستند خود را بیرون بکشند و این‌که دیگر به آن‌ها امیدی نبود. بنابراین استادان‌شان روح کمکی آن‌ها را بیرون کشیدند. گونگ تماماً روی بدن روح کمکی‌شان بود. این موارد، عادی هستند و تعداد زیادی از آن‌ها وجود دارند.

در مدرسه‌ی تزکیه‌ی ما، این موارد بسیار کم هستند. و حتی اگر تعدادی هم وجود داشته باشند، درخور توجه نیستند. در رابطه با رشد شین‌شینگ، مثال‌های چشم‌گیر زیادی وجود دارد. شاگردی بود که در یک کارخانه‌ی پارچه‌بافی در شهری در استان شان‌دونگ کار می‌کرد. بعد از این‌که فالون دافا را یاد گرفت، تمرین‌ها را به دیگر همکارانش یاد داد. نتیجه این بود که، کارخانه شکل تازه‌ای به خود گرفت. او عادت داشت که تکه‌هایی از حوله‌ها را از کارخانه‌ی پارچه‌بافی به خانه ببرد و بقیه‌ی کارمندان نیز همین کار را می‌کردند. بعد از این‌که تمرین ما را یاد گرفت، نه تنها بردن اجناس به خانه را متوقف کرد، بلکه همه‌ی چیزهایی را که از کارخانه به خانه برده بود به کارخانه بازگرداند.

وقتی دیگران دیدند که او این کار را کرد، آن‌ها نیز بردن چیزها را متوقف کردند. بعضی از کارمندان حتی آن‌چه را که قبلاً به خانه برده بودند به کارخانه برگرداندند. این وضعیت در تمام کارخانه اتفاق افتاد.

مسئول یکی از مراکز دستیاری فالون دافا در یک شهر به دیدن شاگردان فالون دافا در یک کارخانه رفت که ببیند تزکیه‌ی آنان چگونه پیش می‌رود. مدیر کارخانه شخصاً به دیدن آن‌ها آمد، "از وقتی این کارگران فالون دافا را یاد گرفته‌اند همگی صبح زود به کارخانه می‌آیند و دیرتر هم به خانه می‌روند. آن‌ها با پشت‌کاری زیادی کار می‌کنند و بدون توجه به این که مسئول آن‌ها چه کاری را برای آنان معین می‌کند ایراد نمی‌گیرند، و برای علایق شخصی رقابت نمی‌کنند. وقتی شروع کردند به این شیوه عمل کنند تمام کارخانه شکل تازه‌ای گرفت و سود کارخانه نیز بهتر شده است. راه تزکیه‌ی شما بسیار قدرتمند است. چه وقت معلم شما می‌آید؟- من نیز می‌خواهم در این سخنرانی‌ها شرکت کنم". هدف اصلی از تزکیه‌ی فالون دافا هدایت مردم به سوی سطوح بالا است. آن درخصوص انجام چنین کاری نیست، اما می‌تواند نقش بسیار مؤثری برای تمدن معنوی در جامعه داشته باشد. اگر هر کسی درون خود را جستجو می‌کرد و اگر درباره‌ی این که چگونه بهتر عمل کند فکر می‌کرد، می‌توانم بگویم که جامعه تثبیت می‌شد و استاندارد اخلاقی مردم رشد می‌کرد.

زمانی که فا و تمرین‌ها را در شهر تای‌یوان آموزش می‌دادم، شاگردی بود که بالای پنجاه سال سن داشت. او و شوهرش آمدند که در کلاس شرکت کنند. وقتی که در حین عبور از خیابان بودند، ماشینی به سرعت رد شد و آینه‌ی بغل ماشین به لباس خانم مسن گیر کرد. با لباس او که به ماشین گیر کرده بود، ماشین بیش از ده متر او را روی زمین کشاند. ماشین بعد از بیست متر حرکت توقف کرد. راننده از ماشین بیرون پرید و ناراحت بود. "آهای، شما نگاه نمی‌کردید کجا داشتید می‌رفتید". این روزها، مردم این‌گونه هستند- هر وقت با مشکلی مواجه می‌شوند اولین کاری که می‌کنند این است که حتی اگر مقصر هم باشند از زیر مسئولیت شانه خالی کنند. مسافران داخل ماشین گفتند، "بین چه بلایی سر آن خانم آمده است. بیایید او را به بیمارستان ببریم". راننده سر عقل آمد و با عجله گفت، "وضع چه‌طور است خانم؟ آیا صدمه دیده‌اید؟ برویم به بیمارستان و ببینیم چه شده". آن تمرین‌کننده به آرامی از زمین بلند شد و گفت، "من خوبم، می‌توانید بروید". او گرد و خاک لباسش را تکان داد، دست شوهرش را گرفت و آن‌جا را ترک کرد.

او به کلاس آمد و این جریان را برای من تعریف کرد، و من از شنیدن آن خوشحال بودم. درحقیقت شین‌شینگ تمرین‌کننده‌ی ما رشد کرده بود. او به من گفت، "معلم، من درحال یاد گرفتن فالون دافا هستم. اگر فالون دافا را یاد نگرفته بودم، با این حادثه به این شکل برخورد نمی‌کردم". بیایید درباره‌ی این بیندیشیم: او بازنشسته است، هزینه‌ی زندگی بسیار بالا است، هیچ مزایای رفاهی وجود ندارد، او بیش از پنجاه سال سن دارد، و به زمین خورده و به‌وسیله‌ی یک ماشین تا چنین مسافتی روی زمین کشیده می‌شود. "کجای شما صدمه دیده؟" همه‌جا. او می‌توانست روی زمین باقی بماند و از جایش بلند نشود. "به بیمارستان برویم؟ برویم". و او می‌توانست در بیمارستان بماند و از آن‌جا بیرون نیاید. وقتی این برای یک فرد عادی اتفاق می‌افتد، ممکن است این‌طور باشد. اما او یک تمرین‌کننده است و آن کار را نکرد. ما می‌گوییم که یک پیامد خوب یا بد از یک فکر آنی می‌آید. تفاوت در یک فکر، به نتایج مختلفی منجر می‌شود. با سن بالای وی، اگر او فردی عادی بود، چگونه می‌توانست صدمه نبیند؟ اما او حتی خراشی هم برنداشته بود. یک پیامد خوب یا بد از یک فکر آنی می‌آید. اگر در آن‌جا دراز می‌کشید و می‌گفت، "آه، من حالم بد است. این‌جای من درد می‌کند، آن‌جای من درد می‌کند..." پس واقعاً ممکن بود رباط‌های وی پاره شوند یا استخوان‌های او ترک بردارند و شاید فلج می‌شد. مهم نبود چه مقدار پول به او پرداخت می‌شد، هنوز مجبور بود بقیه‌ی عمر خود را در بیمارستان به سر ببرد. و آیا می‌توانست از آن لذت ببرد؟ حتی ناظران نیز فکر کردند عجیب بود که آن خانم مسن به زور از راننده پول نگرفت. "از او پول درخواست کن". این روزها، ارزش اخلاقی مردم تحریف شده است. بله، راننده با سرعت می‌رفت. اما او عمداً به کسی نزد. نمی‌خواست آن کار را انجام دهد. اما امروزه مردم این‌گونه هستند، و اگر با زور از او پول نگیرید، حتی ناظرین فکر می‌کنند که آن ناعادلانه است. می‌گوییم که این روزها مردم

قادر نیستند درست را از اشتباه تشخیص دهند. وقتی به شخصی می‌گویید، "کاری که درحال انجام آن هستی اشتباه است"، آن‌را باور نخواهد کرد. زیرا استانداردهای اخلاقی مردم عوض شده است، بعضی افراد فقط به دنبال سود هستند - تا جایی که بتوانند از آن پول در بیاورند هر کاری را انجام می‌دهند. "اگر یک شخص دنبال نفع شخصی نباشد، زمین و آسمان او را خواهند کشت" - این حتی یک شعار شده است!

شاگردی در پکن وجود داشت که یک‌بار پسرش را برای قدم زدن بعد از شام به مرکز تجاری چی‌یان‌مین برد. آن‌ها یک وانت را دیدند که با بلندگو یک بازی بخت‌آزمایی را تبلیغ می‌کرد. پسر علاقمند شد و خواست که بازی کند. "اگر می‌خواهی بازی کنی برو بازی کن". او به کودک یک یوان داد تا بازی کند. کودک فوراً برنده‌ی جایزه‌ی دوم شد و یک دوچرخه‌ی لوکس کوچک گرفت. کودک بسیار هیجان‌زده بود. اما ناگهان فکری مثل برق از سر پدر گذشت، "من یک تمرین‌کننده هستم، چگونه می‌توانم دنبال چنان چیزی باشم؟ حالا که چیزی را به‌دست آورده‌ام که برای آن قیمتی نپرداخته‌ام چه مقدار تقوا باید در ازای آن از دست بدهم؟" او به کودک گفت، "بیا آن‌را قبول نکنیم. اگر بخواهی می‌توانیم خودمان یک دوچرخه بخریم". کودک عصبانی شد، "من از تو خواستم که برایم یکی بخری، اما تو نخریدی. حالا خودم برنده شدم، و نمی‌خواهی آن‌را داشته باشم". کودک گریه‌زاری کرد و دست‌بردار هم نبود. این تمرین‌کننده چاره‌ای نداشت جز این که دوچرخه را با خود به خانه ببرد. در خانه، هرچه بیشتر درباره‌ی آن فکر کرد، بیشتر احساس ناراحتی کرد. "پول را برمی‌گردانم". سپس فکر کرد، "بلیط‌های بخت‌آزمایی فروش رفته‌اند. اگر پول را به آن‌ها برگردانم، آیا آن‌را بین خودشان تقسیم خواهند کرد؟ باید پول را در محل کارم ببخشم."

خوشبختانه، تعدادی از تمرین‌کنندگان فالون دافا در محل کار او وجود داشتند و رئیس او توانست او را درک کند. اگر این در محیطی معمولی یا محیط کاری عادی اتفاق می‌افتاد، و می‌گفتید شما تمرین‌کننده هستید و دوچرخه‌ای را که از یک بخت‌آزمایی برنده شدید نمی‌خواهید و می‌خواهید پول آن‌را به محیط کار ببخشید، حتی رئیس شما هم ممکن بود فکر کند که مشکل روانی دارید. شاید دیگران نیز اظهار نظر می‌کردند، "آیا این شخص با تمرین چی‌گونگ به بی‌راهه رفته یا از طریق تزکیه دیوانه شده است؟" گفته‌ام که درحال حاضر ارزش‌های اخلاقی تحریف شده است. چنین چیزی در دهه‌ی ۵۰ یا ۶۰ نمی‌توانست موضوعی بزرگ به حساب آید. کاملاً معمولی بود و هیچ کسی متعجب نمی‌شد.

می‌گوییم که مهم نیست استاندارد اخلاقی بشر چقدر تغییر کرده است، سرشت جهان، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری، هرگز تغییر نخواهد کرد. وقتی برخی از افراد می‌گویند شما خوب هستید، ممکن است واقعاً خوب نباشید، و وقتی برخی از افراد می‌گویند شما بد هستید، ممکن است واقعاً بد نباشید، زیرا استانداردهای ارزیابی خوبی و بدی همگی تحریف شده‌اند. فقط افرادی که از سرشت جهان پیروی می‌کنند افرادی خوب هستند. این تنها استاندارد است که تعیین می‌کند یک شخص خوب یا بد است، و این توسط جهان به رسمیت شناخته شده است. مهم نیست جامعه چه قدر تغییر می‌کند، مهم نیست استانداردهای اخلاقی مردم چه قدر به قهقرا رفته است، مهم نیست که دنیا هر روز که می‌گذرد چگونه فاسد می‌شود و مهم نیست که مردم چگونه به‌طور بدی فقط به پول فکر می‌کنند، جهان بر اساس تغییرات بشریت تغییر نمی‌کند. یک تزکیه‌کننده نباید از استانداردهای مردم عادی پیروی کند. مردم عادی می‌گویند که چیزی درست است و سپس شما می‌روید و کارها را بر آن اساس انجام می‌دهید؟ این خوب نیست. چیزی که مردم عادی می‌گویند خوب است ضرورتاً خوب نیست، و چیزی که مردم عادی می‌گویند بد است ضرورتاً بد نیست. در این عصر ارزش‌های اخلاقی پیچ و تاب خورده، وقتی شخصی درحال انجام کاری بد است، اگر به او متذکر شوید که درحال انجام کاری بد است، حتی شما را باور نخواهد کرد! برای این که یک تزکیه‌کننده باشید باید چیزها را توسط سرشت جهان مورد قضاوت قرار دهید و فقط پس از آن می‌توانید بگویید که چه چیزی واقعاً خوب و چه چیزی واقعاً بد است.

گوان دینگ

در میان جمع تزکیه‌کنندگان، چیزی به نام گوان دینگ وجود دارد. گوان دینگ یک مراسم مذهبی از روش تزکیه‌ی تانتريک مدرسه‌ی بودا است. هدف از گوان دینگ این است که کاری کنند شما راه تزکیه‌ی دیگری را برنگزینید و شما را به عنوان یک مرید حقیقی آن راه تزکیه به شمار آورند. چیزی که در حال حاضر عجیب است این است که این مراسم مذهبی در تمرین‌های چی گونگ ظاهر شده است. فقط تانتريسم نیست، بلکه چی گونگ‌های مدرسه‌ی دائو نیز در حال انجام آن هستند. گفته‌ام هر کسی که حرکات تمرینی تانتريک را در جامعه به نام تانتريسم آموزش می‌دهد متقلب است. و چرا این را می‌گوییم؟ زیرا تانتريسم تا نگ بیش از یک‌هزار سال است که در کشور ما ناپدید شده است و دیگر وجود ندارد. به خاطر مانع زبانی، تانتريسم تبتی هرگز به طور کامل در منطقه‌ی هان منتشر نشد. به یاد داشته باشید که آن یک آموزش محرمانه و رمزگونه است، بنابراین باید به طور محرمانه به سبکی صومعه‌ای تزکیه شود، و یک شخص باید آموزش‌های محرمانه را از استاد دریافت کند و با او به شکل محرمانه‌ای تزکیه کند. بدون رعایت این شرایط، مطلقاً نمی‌تواند آموزش داده شود.

بسیاری از اشخاص به تبت می‌روند تا چی گونگ را با یک نیت یاد بگیرند: می‌خواهند استادی را پیدا کنند تا تانتريسم تبتی را مطالعه کنند، به طوری که استاد چی گونگ شوند و پس از آن ثروتمند و مشهور شوند. همگی درباره‌ی آن بیندیشید: یک لامای بودایی واقعی در قید حیات که آموزش‌های حقیقی دریافت کرده است، توانایی‌های فوق‌طبیعی قدرتمندی دارد و می‌تواند ببیند چه چیزی در ذهن چنین شخصی است. فقط با یک نگاه به ذهنش می‌توان دید برای چه او این‌جا آمده است، "او به این‌جا آمده تا این تمرین را یاد بگیرد به طوری که وقتی این‌جا را ترک کند یک استاد چی گونگ شود و ثروت به دست بیاورد و مشهور شود. او این‌جا است تا روش تزکیه‌ی بودا شدن ما را خراب کند". این یک چنین روش جدی برای تزکیه‌ی بودا شدن است، آیا می‌تواند فقط برای خاطر یک استاد چی گونگ شدن برای کسب پول و شهرت، به این شکل توسط او به تباهی کشانده شود؟ این چه نوع انگیزه‌ای است؟ به همین جهت، به این شخص چیزی یاد نخواهند داد و او هیچ آموزش واقعی را دریافت نخواهد کرد. البته، آن‌جا معابد زیادی وجود دارد و ممکن است مقداری چیزهای سطحی را بیاموزد. اگر افکارش درست نباشد و بخواهد یک استاد چی گونگ شود به طوری که بتواند کارهای بدی انجام دهد، پس ارواح یا حیوانات تسخیر کننده را جذب خواهد کرد. ارواح حیوانی نیز انرژی دارند، اما آن، تانتريسم تبتی نیست. آن‌هایی که واقعاً در جستجوی دارما به تبت می‌روند ممکن است خود را در آن‌جا ساکن کنند و برنگردند. آن‌ها تزکیه‌کنندگان واقعی هستند.

این عجیب است که در حال حاضر بسیاری از روش‌های مدرسه‌ی دائو نیز گوان دینگ را انجام می‌دهند. مدرسه‌ی دائو از کانال‌های انرژی استفاده می‌کند، برای چه آن‌ها گوان دینگ را انجام می‌دهند؟ وقتی در حال اشاعه‌ی تمرین در جنوب بودم، بر طبق آن‌چه که خبر یافته‌م، بیش از ده‌ها روش درهم و برهم وجود دارد که گوان دینگ را انجام می‌دهند. مخصوصاً در منطقه‌ی گوان‌دونگ. آن برای چیست؟ وقتی آن استادان برای شما گوان دینگ را انجام می‌دهند، شما از قرار معلوم شاگرد آن‌ها می‌شوید و نمی‌توانید روش‌های دیگر تزکیه را یاد بگیرید. اگر آن‌ها را انجام دهید، شما را تنبیه خواهند کرد. این، کاری است که آن‌ها انجام می‌دهند. آیا آن‌ها در حال انجام کارهای نادرستی نیستند؟ آن‌چه که آن‌ها آموزش می‌دهند چیزهایی برای شفا دادن و حفظ سلامتی هستند، و مردم فقط آن‌ها را یاد می‌گیرند تا سالم شوند. مقصود از انجام این کار چیست؟ شخصی وجود دارد که ادعا می‌کند یک‌بار که چی گونگ او را تمرین کنید، نمی‌توانید هیچ روش دیگری را تمرین کنید. آیا او می‌تواند مردم را نجات دهد و آن‌ها را تا کمال راهنمایی کند؟ او در حال بستن دست و بال مردم و از بین بردن فرصت‌های آنان است. بسیاری از مردم این کار را انجام می‌دهند.

مدرسه‌ی دائو گوان دینگ را انجام نمی‌دهد، اما در حال حاضر آن‌جا نیز ظاهر شده است. من دیده‌ام که استاد چی گونگی که بیشترین سر و صدا را درباره‌ی گوان دینگ می‌کند ارتفاع ستون گونگ او به بلندی دو تا سه طبقه

ساختمان است، اما او استاد چی گونگ شناخته شده‌ای است. گونگ او تا این حد سقوط کرده است، بر طبق آن چه که دیدم، به‌طور تأسف‌آوری کم است. صدها و هزاران نفر برای او صف کشیده‌اند تا او گوان‌دینگ را انجام دهد. گونگ او محدود و فقط به آن اندازه است، و گونگ وی در یک لحظه سقوط خواهد کرد. پس، برای انجام گوان‌دینگ برای مردم از چه چیزی می‌تواند استفاده کند؟ آیا این فریب دادن مردم نیست؟ گوان‌دینگ حقیقی، وقتی از بُعدی دیگر به آن نگاه کنید، باعث می‌شود استخوان‌های یک شخص، از سر تا پا مثل یشم سفید دیده شود. به عبارت دیگر آن از گونگ، ماده‌ی با انرژی بالا استفاده می‌کند تا بدن شما را پالایش کند و آن را از سر تا به پا بشوید. آیا آن استاد چی گونگ می‌تواند این کار را انجام دهد؟ او نمی‌تواند. چه کاری را انجام می‌دهد؟ البته، ضرورتاً در حال انجام کارهای مذهبی نیست. هدف این است که یک‌بار که تمرین او را یاد گرفتید کاری کند که به او تعلق داشته باشید، و مجبور خواهید شد به کلاس‌های او بروید و چیزهای او را یاد بگیرید. او این کار را انجام می‌دهد تا پول‌های شما را به دست بیاورد. اگر هیچ کسی چیزهای او را یاد نگیرد درآمدی نخواهد داشت.

مردان فالون دافا مثل مردان روش‌های دیگر تزکیه در مدرسه‌ی بودا هستند، که در آن، این استادشان است که گوان‌دینگ را برای آن‌ها بارها انجام می‌دهد، اما به آن‌ها گفته نخواهد شد. افرادی با توانایی‌های فوق‌طبیعی ممکن است آن‌را بدانند و افراد حساس نیز ممکن است آن‌را احساس کنند. زمانی که خواب هستند یا در زمان‌های دیگر ممکن است یک جریان گرم ناگهانی را احساس کنند که از بالای سر به تمام بدن جاری می‌شود. هدف گوان‌دینگ این نیست که گونگ شما را بالاتر کند - گونگ چیزی است که خود شما تزکیه می‌کنید. گوان‌دینگ یک روش تقویت‌کننده است، و برای پالایش و بیشتر تمیز کردن بدن شما است. باید بارها انجام شود، باید در هر سطحی انجام شود تا به شما کمک کند بدن تان را پاک کنید. تزکیه به خود شما بستگی دارد، گونگ به استاد مربوط می‌شود، بنابراین ما تشریفات گوان‌دینگ را انجام نمی‌دهیم.

بعضی از افراد از میان آداب و رسوم رسمی می‌گذرند تا شاگرد استادشان شوند. حالا که این را ذکر کرده‌ام، مایلیم به شما بگوییم که بسیاری از افراد می‌خواهند از میان آداب و رسوم رسمی بگذرند تا شاگرد من شوند. دوره‌ی تاریخی فعلی ما از جامعه‌ی فئودالی چین در آن زمان متفاوت است. آیا خم شدن و زانو زدن، به عنوان رسماً یک شاگرد شدن به حساب می‌آید؟ ما آن نوع تشریفات را انجام نمی‌دهیم. بسیاری از مردم فکر می‌کنند، "اگر تعظیم کنم، عود روشن کنم و با قلبی صمیمی بودا را عبادت کنم، گونگ من افزایش خواهد یافت." این خنده‌دار است. تزکیه‌ی حقیقی کاملاً به این بستگی دارد که چگونه تزکیه می‌کنید - بی‌فایده است که به چیزهایی امید داشته باشید. مجبور نیستید که در مقابل بودا زانو بزنید و پیشانی را بر زمین قرار دهید و مجبور نیستید عود روشن کنید، فقط به‌طور حقیقی خودتان را بر طبق استاندارد یک تزکیه‌کننده تزکیه کنید و بودا از دیدن شما بسیار خوشحال خواهد شد. اما اگر همیشه در جاهایی دیگر کارهای نادرست انجام دهید، او از این که شما را ببیند منجر می‌شود هر چند که عود روشن کنید و به او تعظیم کنید. آیا حقیقتاً این گونه نیست؟ تزکیه‌ی حقیقی به شما بستگی دارد. بنابراین ممکن است امروز به استاد تعظیم کنید و از میان برخی آداب و رسوم رسمی بگذرید تا شاگرد من شوید، اما وقتی پای تان را از این درب بیرون بگذارید هر کاری را که خواستید دوباره انجام دهید - پس چه فایده‌ای داشت؟ ما کلاً اهمیتی به این تشریفات نمی‌دهیم. می‌توانید حتی نام مرا خراب کنید!

ما به شما چیزهای زیادی داده‌ایم. هر یک از شما، تا وقتی به‌طور واقعی تزکیه کنید و به‌طور جدی بر طبق دافا رفتار کنید، شما را به عنوان مردانم در نظر می‌گیرم و شما را راهنمایی می‌کنم. تا وقتی فالون دافا را تزکیه کنید، شما را به عنوان مردان در نظر خواهیم گرفت و شما را راهنمایی می‌کنیم. اما اگر تزکیه نکنید، نمی‌توانیم کاری برای شما انجام دهیم. اگر تزکیه را متوقف کنید، حمل کردن آن عنوان و لقب چه فایده‌ای خواهد داشت؟ مهم نیست که شاگردان سری اول یا دوم کلاس‌ها باشید، آیا فقط به‌خاطر این که حرکات تمرینی را انجام می‌دهید می‌توانید مرید من در نظر گرفته شوید؟ شما مجبورید به‌طور حقیقی بر طبق استاندارد شین‌شینگ ما تزکیه کنید و فقط پس از آن

می‌توانید بدنی سالم داشته باشید، و فقط پس از آن می‌توانید به‌طور حقیقی به سطوح بالاتر بروید. به همین جهت، ما آن تشریفات را انجام نمی‌دهیم. تا وقتی تزکیه کنید به مدرسه‌ی ما تعلق دارید. فاشن من به همه چیز آگاه است. به هر چیزی که فکر کنید، به آن آگاه است و می‌تواند هر کاری انجام دهد. اگر تزکیه نکنید مراقب شما نخواهد بود، اما اگر تزکیه کنید تمام مسیر تا انتها به شما کمک خواهد کرد.

تمرین‌کنندگان در بعضی از روش‌های چی‌گونگ، هرگز استاد خود را ندیده‌اند. به آن‌ها گفته شده که رو به جهت خاصی تعظیم کنند و چند صد یوان پول بپردازند و این، کار را انجام خواهد داد. آیا آن‌ها فقط خودشان را فریب نمی‌دهند؟ بیشتر این‌که، شخصی مثل آن، سر از پا نمی‌شناسد و از آن پس شروع می‌کند از روش و استادش دفاع کند. او حتی به دیگران می‌گوید که روش‌های دیگر را یاد نگیرند. فکر می‌کنم این کاملاً بی‌معنی است. و افرادی نیز وجود دارند که مراسم به اصطلاح مو‌دینگ را انجام می‌دهند. نمی‌دانم چگونه آن لمس کردن می‌تواند کاری انجام دهد.

نه تنها کسانی که چی‌گونگ را به نام تانتريسم آموزش می‌دهند قلابی هستند، بلکه تمام افرادی که چی‌گونگ را به نام بودیسم آموزش می‌دهند نیز به همان صورت هستند. همگی درباره‌ی این بیندیشید: برای هزاران سال، روش‌های تزکیه در بودیسم این شکل‌ها را داشته‌اند، پس اگر کسی برود و آن را تغییر دهد آیا این هنوز هم بودیسم است؟ یک روش تزکیه برای تزکیه‌ی جدی بودا شدن است، و به‌طور فوق‌العاده‌ای شگفت‌انگیز است. یک تغییر کوچک همه چیز را خراب خواهد کرد. روندی که گونگ را شکل می‌دهد بی‌نهایت پیچیده است و آن‌چه که شما احساس می‌کنید اصلاً اهمیتی ندارد. بنابراین نباید بر اساس احساس تزکیه کنید. شکل‌های مذهبی راهبان راه‌های تزکیه‌ی آنان است، و یک‌بار که تغییر کنند دیگر به آن روش تعلق ندارند. هر مدرسه یک موجود روشن‌بین بزرگی دارد که مسئول آن است، و هر مدرسه بسیاری از روشن‌بین‌های بزرگ را تزکیه کرده است. هیچ کسی جرأت نمی‌کند که برود و آزادانه روش تزکیه در آن مدرسه را تغییر دهد. یک استاد کوچک چی‌گونگ، چه تقوای قدرتمندی دارد که استاد آن روش را فریب دهد و آن مدرسه‌ی تزکیه‌ی بودا شدن را تغییر دهد؟ و اگر واقعاً می‌توانست تغییر کند آیا هنوز همان مدرسه می‌بود؟ شما می‌توانید بگویید چی‌گونگ قلابی چیست.

قراردهی گذر اسرارآمیز

"قراردهی گذر اسرارآمیز"، یک روزنه‌ی اسرارآمیز نیز نامیده می‌شود. شما می‌توانید این اصطلاحات را در کتاب‌های دن جینگ، دائو دنگ و شینگ‌مینگ گویی‌جی پیدا کنید. پس، آن چیست؟ بسیاری از استادان چی‌گونگ نمی‌توانند به‌وضوح آن را توضیح دهند. استادان معمولی چی‌گونگ نمی‌توانند از سطحی که در آن هستند کلاً آن را ببینند، و آن‌ها اجازه ندارند آن را ببینند. اگر یک تزکیه‌کننده بخواهد آن را ببیند، باید قبل از این که بتواند آن را ببیند به سطح بالاتر چشم عقلانی برسد. استادان معمولی چی‌گونگ نمی‌توانند به این سطح برسند، بنابراین نمی‌توانند آن را ببینند. از زمان‌های کهن، چرخه‌های تزکیه سعی کرده‌اند پی ببرند که گذر اسرارآمیز چیست، یک روزنه کجا قرار دارد و چگونه آن را قرار داد. در کتاب‌های دن جینگ، دائو دنگ و شینگ‌مینگ گویی‌جی، فقط از نظر تئوری درباره‌ی آن بحث کرده‌اند، و به جوهر آن اصلاً نپرداخته‌اند. آن‌ها آن را شرح می‌دهند و شرح می‌دهند، اما فقط شما را بیشتر سردرگم می‌کنند. هیچ کسی نمی‌تواند آن را به‌خوبی شرح دهد زیرا مردم عادی اجازه ندارند جوهر آن را بدانند.

همچنین می‌توانم به شما چیزی را بگویم، و فقط به‌خاطر این که شما میدان فالون دافای ما هستید به شما این را می‌گویم: هرگز آن کتاب‌های چی‌گونگ درهم و برهم را نخوانید. درباره‌ی کتاب‌های قدیمی که ذکر کردم صحبت نمی‌کنم. به آن کتاب‌های قلابی چی‌گونگ که این روزها مردم می‌نویسند اشاره می‌کنم. حتی آن‌ها را باز نکنید. به محض این که حتی کوچک‌ترین فکری داشته باشید، "خوب، این جمله به‌نظر معقول می‌آید..." وقتی آن فکر مثل جرقه از ذهن‌تان بگذرد، ارواح تسخیرکننده در آن کتاب روی بدن شما سوار می‌شوند. بسیاری از کتاب‌ها تحت کنترل ارواح تسخیرکننده‌ای که وابستگی‌های مردم به شهرت و ثروت را دست‌کاری می‌کنند نوشته شده‌اند. تعداد

زیادی از کتاب‌های قلابی چی‌گونگ موجود هستند - کاملاً زیاد. بسیاری از افراد بی‌مسئولیت هستند و حتی چیزهایی را می‌نویسند که ارواح تسخیر کننده و چیزهای بی‌خود دارند. حتی کتاب‌های قدیمی که قبلاً ذکر کردم یا کتاب‌های قدیمی دیگر شبیه آن‌ها، معمولاً، بهتر است که آن‌ها را هم مطالعه نکرد، چراکه موضوع ثابت قدم بودن در یک روش وجود دارد.

یکی از کارمندان انجمن چی‌گونگ چین یک‌بار داستانی برای من نقل کرد که واقعاً باعث خنده‌ی من شد. او گفت که شخصی در پکن بود که همیشه به سخنرانی‌های چی‌گونگ می‌رفت. بعد از گوش کردن به بسیاری از سخنرانی‌ها، احساس کرد که چی‌گونگ چیزی بیشتر از آن‌چه که شنیده بود نیست. آن‌ها همگی در یک سطح بودند، بنابراین همگی درباره‌ی یک چیز صحبت می‌کردند. شبیه آن استادان قلابی چی‌گونگ، فکر کرد که محتوای چی‌گونگ فقط همان بود! "بسیار خوب، من نیز یک کتاب چی‌گونگ می‌نویسم". درباره‌ی این بیندیشید: کسی که چی‌گونگ تمرین نمی‌کند می‌خواهد یک کتاب چی‌گونگ بنویسد. این روزها، کتاب‌های چی‌گونگ از روی هم کپی می‌شوند - او از شما کپی می‌کند، شما از او کپی می‌کنید... او نوشت و نوشت تا این‌که به موضوع گذر اسرارآمیز رسید، و نتوانست جلوتر برود. چه کسی واقعاً می‌داند که گذر اسرارآمیز چیست؟ حتی استادان واقعی چی‌گونگ کمی می‌دانند. بنابراین رفت و از یک استاد قلابی چی‌گونگ سؤال کرد. او نمی‌دانست که آن استاد چی‌گونگ قلابی بود زیرا خودش نیز درباره‌ی چی‌گونگ چیزی نمی‌دانست. اما اگر این استاد قلابی چی‌گونگ نمی‌توانست جواب سؤال را بدهد، آیا مردم متوجه نمی‌شدند که او قلابی بود؟ به همین جهت، جرأت کرد چیزی از خود درست کند، و گفت که یک روزنه‌ی گذر اسرارآمیز در نوک آلت تناسلی مرد قرار دارد. این بسیار مسخره به نظر می‌آید. نخندید، زیرا این کتاب منتشر شده است. چیزی که می‌گویم این است که کتاب‌های چی‌گونگ امروزه به چنان وضعیت مسخره‌ای رسیده‌اند. آیا هیچ فایده‌ای دارد آن کتاب‌ها را بخوانید؟ آن‌ها به‌درد چیزی نمی‌خورند، و می‌توانند فقط به شما صدمه بزنند.

پس منظور از "تعیین جا در گذر اسرارآمیز" چیست؟ در طول تزکیه‌ی فای دنیای سه‌گانه، وقتی بالای سطوح میانی تزکیه می‌کنید، یعنی وقتی وارد تزکیه‌ی سطح بالای فای دنیای سه‌گانه می‌شوید، کودک جاودان شروع به رشد می‌کند. کودک جاودان با آن‌چه که به‌عنوان کودک تزکیه شده می‌شناسیم تفاوت دارد. کودک‌های تزکیه شده کوچک و بازیگوش هستند و با شیطنت به اطراف می‌روند. کودک جاودان حرکت نمی‌کند. اگر روح اصلی، او را کنترل نکند کودک جاودان، بی‌حرکت با دستانی به هم وصل شده در وضعیت جی‌بین، پاها ضربدر و بی‌حرکت، روی یک گل نیلوفر آبی خواهد نشست. کودک جاودان از دُن‌تی‌ان متولد می‌شود. شما می‌توانید او را در سطحی بی‌نهایت میکروسکوپی ببینید - حتی زمانی که کوچک‌تر از سر سوزن است.

چیز دیگری هست که مایلیم روشن کنم. فقط یک دُن‌تی‌ان حقیقی وجود دارد و آن در منطقه‌ی پیرامون پایین شکم است. آن میدانی است که بالای نقطه‌ی طب سوزنی هوئی‌بین قرار دارد، آن پایین شکم در داخل بدن می‌باشد. بسیاری از اشکال گونگ، بسیاری از توانایی‌های فوق‌طبیعی، بسیاری از توانایی‌ها، فاشن، کودک جاودان، کودکان تزکیه شده و بسیاری از موجودات دیگر همگی در این میدان متولد می‌شوند.

در زمان گذشته، تعدادی از تزکیه‌کنندگان درباره‌ی دُن‌تی‌ان بالایی، میانی و پایینی صحبت کردند. می‌گویم که آن‌ها در اشتباه بودند. بعضی افراد نیز ادعا می‌کنند که استادان‌شان برای نسل‌ها به این طریق به آن‌ها آموزش داده‌اند، و این‌که در کتاب‌ها هم به این شکل نوشته شده است. به شما می‌گویم، حتی در ایام قدیم هم چیزهای بی‌معنی و به درد نخور وجود داشته است. نگاه نکنید به این‌که مدت چند سال است که آن منتقل شده است - به این معنی نیست که آن صحیح است. بعضی از روش‌های کوچک دنیوی همیشه در محیط مردم عادی اشاعه پیدا کرده‌اند، اما نمی‌توانند به شما کمک کنند که تزکیه کنید. آن‌ها چیزی نیستند. وقتی آن‌ها درباره‌ی دُن‌تی‌ان بالایی، میانی و پایینی صحبت می‌کنند، منظورشان این است که دُن‌تی‌ان جایی است که دُن می‌تواند رشد کند. آیا این یک شوخی نیست؟ وقتی شخص مدت زیادی ذهنش را روی قسمتی از بدن متمرکز کند، توده‌ای انرژی تولید می‌کند که دُن را

شکل می‌دهد. اگر باور نمی‌کنید ذهن خود را به بازوی‌تان متمرکز کنید و مدت زیادی به این صورت ادامه دهید و پس از مدتی آن‌جا دُن شکل خواهد گرفت. بنابراین وقتی برخی از افراد این را می‌بینند می‌گویند که دُن‌تی‌ان همه‌جا وجود دارد. این حتی خنده‌دارتر به نظر می‌آید. آن‌ها فکر می‌کنند که هر جا دُن شکل بگیرد، دُن‌تی‌ان است. حقیقت این است که، آن یک دُن است، اما یک تی‌ان نیست. شما می‌توانید بگویید دُن همه‌جا وجود دارد، یا این‌که دُن بالایی، میانی و پایینی وجود دارد- آن درست است. اما، فقط یک تی‌ان که به‌طور حقیقی می‌تواند فای بی‌شماری را تولید کند وجود دارد، و آن در منطقه‌ی پایین‌تر شکم قرار دارد. در نتیجه، آن گفته‌ها در مورد دُن‌تی‌ان بالایی، میانی و پایینی اشتباه است. هر جایی که ذهن‌تان را برای مدتی متمرکز کنید دُن شکل خواهد گرفت.

کودک جاودان در دُن‌تی‌ان در قسمت پایین‌تر شکم متولد می‌شود و به‌تدریج رشد می‌کند تا بزرگ‌تر و بزرگ‌تر شود. وقتی تا اندازه‌ی توپ پینگ‌پنگ رشد کند، شکل تمام بدن او می‌تواند دیده شود، و بینی و چشم‌های او شکل گرفته‌اند. زمانی که کودک جاودان به اندازه‌ی توپ پینگ‌پنگ است، حباب گرد کوچکی در کنار او رشد می‌کند. بعد از آن که شکل گرفت، همان‌طور که کودک جاودان رشد می‌کند آن نیز رشد می‌کند. وقتی کودک جاودان پنج اینچ قد می‌کشد، یک گلبرگ گل نیلوفر آبی ظاهر می‌شود. وقتی کودک جاودان به هفت یا هشت اینچ می‌رسد، گلبرگ‌های گل نیلوفر آبی اساساً شکل می‌گیرند و لایه‌ای از گل نیلوفر آبی ظاهر می‌شود. یک کودک جاودان طلایی درخشان روی یک صفحه‌ی گل نیلوفر آبی طلایی می‌نشیند- بسیار زیبا به‌نظر می‌رسد. این بدن تباهی‌ناپذیر یک *واجرا* است، که در مدرسه‌ی بودا، "بدن بودا" و در مدرسه‌ی دائو، "کودک جاودان" نامیده می‌شود.

در روش‌مان ما هر دو نوع بدن را تزکیه می‌کنیم و هر دوی آن‌ها لازم هستند- پنتی شما نیز باید تبدیل شود. شما می‌دانید، بدن یک بودا اجازه ندارد بین مردم عادی ظاهر شود. با تلاشی بسیار، قالب آن می‌تواند نشان داده شود و چشم‌های افراد عادی می‌توانند فروزندگی آن‌را ببینند. اما برای مردم عادی، پس از این‌که این بدن تبدیل شد، به همان شکل بدن فیزیکی یک فرد عادی به نظر می‌رسد، و مردم عادی نمی‌توانند فرق آن‌را ببینند، اما این بدن می‌تواند آزادانه بین بُعدها حرکت کند. وقتی کودک جاودان به اندازه‌ی حدود پنج یا هفت اینچ می‌رسد، حباب هوایی نیز به آن ارتفاع رشد خواهد کرد. آن مثل پرده‌ی یک بالون بوده و شفاف است. کودک جاودان با پاهای ضربدری می‌نشیند و حرکت نمی‌کند. وقتی به این اندازه رشد می‌کند حباب هوایی نیاز دارد که دُن‌تی‌ان را ترک کند، آن به‌طور کامل رشد کرده است. بنابراین به سمت بالا حرکت خواهد کرد. روند حرکت او به سمت بالا بسیار آرام است، اما هر روز حرکت او می‌تواند دیده شود. به‌تدریج به بالا حرکت کرده و بالاتر می‌رود. اگر با دقت آن‌را تجربه و مشاهده کنیم می‌توانیم حس کنیم که آن وجود دارد.

وقتی حباب هوایی به نقطه‌ی طب سوزنی *تان‌جونگ* در مرکز قفسه‌ی سینه می‌رسد، نیاز دارد که مدتی آن‌جا بماند. به‌خاطر این‌که جوهر بدن بشری و بسیاری از چیزها آن‌جا است (قلب نیز آن‌جا است)، مجموعه‌ای از چیزها داخل این حباب هوایی شکل می‌گیرد. حباب هوایی نیاز دارد با این جوهر، غنی شود. پس از مدتی، دوباره به‌طرف بالا حرکت می‌کند. وقتی از میان گلو عبور می‌کند، احساس خفگی می‌کنید، مثل اینکه رگ‌های‌تان مسدود شده‌اند و به‌طور دردناکی احساس تورم می‌کنید. این فقط چند روز طول می‌کشد و پس از آن به سر می‌رسد. ما آن‌را "صعود به نیوان" می‌نامیم. اگرچه می‌گوییم آن به نیوان وارد می‌شود، ولی درحقیقت آن به اندازه‌ی کل سر شما است و احساس می‌کنید که گویی سرتان متورم است. از آن‌جا که نیوان منطقه‌ای کلیدی در وجود شخص است، جوهر آن نیز باید در داخل حباب هوایی شکل بگیرد. پس از آن، حباب هوایی سعی می‌کند با فشار از تونل چشم سوم بیرون بیاید و این کاملاً دردناک است. چشم سوم به‌طور دردناکی متورم می‌شود و شقیقه‌ها نیز احساس تورم می‌کنند، و چشم‌ها گود می‌افتند. این ادامه می‌یابد تا این‌که حباب هوایی از تونل چشم سوم بیرون می‌آید و بلافاصله در جلوی پیشانی آویزان می‌شود. این قراردعی گذر اسرارآمیز نامیده می‌شود- آن‌جا آویزان می‌شود.

در آن زمان، افرادی که چشم سومشان باز است قادر نیستند چیزی را ببینند. به این دلیل است که در تزکیه‌ی مدرسه‌ی بودا و مدرسه‌ی دائو، برای سرعت دادن به شکل‌گیری چیزها در داخل گذر اسرارآمیز، درب‌ها بسته می‌شوند. مجموعه‌ی بزرگی از درب‌ها در جلو و مجموعه‌ای از درب‌ها در پشت وجود دارند و همه‌ی آن‌ها بسته می‌شوند، درست مثل راهروی دروازه‌ی تیان‌آن‌من در پکن، با مجموعه‌ی بزرگی از درب‌ها در هر طرف. برای سرعت دادن به شکل‌گیری و غنی‌سازی گذر اسرارآمیز، درب‌ها باز نمی‌شوند، مگر تحت شرایط بسیار خاص. افرادی که می‌توانند چیزها را با چشم سوم ببینند قادر نیستند در این مرحله ببینند- اجازه ندارند با آن نگاه کنند. هدف از آویزان شدن آن در جلوی پیشانی چیست؟ صدها کانال انرژی در بدن ما در آن مکان همدیگر را قطع می‌کنند، بنابراین صدها کانال انرژی باید از میان گذر اسرارآمیز دور بزنند و خارج شوند، و همگی باید از میان گذر اسرارآمیز عبور کنند. هدف این است که بنیان‌های بیشتری گذاشته شود و آن مجموعه از چیزها را در داخل گذر اسرارآمیز شکل دهد. از آن‌جا که بدن بشری، جهانی کوچک است، آن یک جهان کوچک را شکل خواهد داد، و تمامی جوهر بدن بشری در داخل آن شکل خواهد گرفت. اما آن فقط یک مجموعه از امکانات را شکل می‌دهد، و هنوز به‌طور کامل قابل بهره‌برداری نیست.

در تزکیه در مدرسه‌ی غیرعادی، گذر اسرارآمیز باز گذاشته می‌شود. وقتی گذر اسرارآمیز با فشار بیرون می‌آید، در شکل یک استوانه بیرون می‌آید، اما به‌تدریج گرد می‌شود. بنابراین درب‌های آن در قسمت جلو و عقب باز هستند. روش‌های مدرسه‌ی غیرعادی، بودا شدن یا دائو را تزکیه نمی‌کنند، بنابراین مجبورند که خود را محافظت کنند. در مدارس بودا و دائو استادان بسیاری وجود دارند، و همگی آن‌ها می‌توانند مواظب شما باشند، بنابراین نیازی ندارید که ببینید، و با هیچ مشکلی مواجه نمی‌شوید. اما در مدرسه‌ی غیرعادی بدان صورت نیست. آن‌ها مجبورند که خود را محافظت کنند، به همین جهت، باید بتوانند ببینند. اما وقتی در آن زمان چیزها را با چشم سومشان می‌بینند، شبیه نگاه کردن از میان لوله‌ی یک تلسکوپ است. بعد از این که این مجموعه از چیزها در مدت یک ماه یا بیشتر شکل می‌گیرد، آن شروع به برگشت می‌کند. وقتی به داخل سر باز می‌گردد، "تغییر موقعیت گذر اسرارآمیز" نامیده می‌شود.

زمانی که گذر اسرارآمیز به داخل برمی‌گردد، سر شما دوباره به‌طور وحشتناکی احساس متورم بودن می‌کند. سپس از نقطه‌ی یوجن در پشت گردن با فشار خارج می‌شود. این فشار به خارج نیز احساس دردناکی دارد، مثل این که سر شما شکافته و باز می‌شود. سپس گذر اسرارآمیز به یک‌باره بیرون می‌آید و بلافاصله احساس راحتی می‌کنید. بعد از بیرون آمدن، در بُعدی بسیار عمیق آویزان می‌شود و آن در شکلی جسمانی، در آن بُعد بسیار عمیق وجود دارد، به همین جهت، وقتی در خواب هستید آن را تحت فشار قرار نخواهید داد. اما یک مسئله وجود دارد: وقتی گذر اسرارآمیز برای اولین بار قراردعی می‌شود، احساس می‌کنید که چیزی در جلوی چشمان شما وجود دارد، و با این که آن در بُعدی دیگر است، همیشه احساس می‌کنید که بینایی‌تان تیره و تاریک است، مثل این که چیزی چشمان شما را پوشانده است و خیلی خوشایند نیست. از آن‌جا که نقطه‌ی یوجن، گذرگاه کلیدی مهمی است، مجموعه‌ای از چیزها در پشت سر نیز لازم است شکل بگیرد. سپس شروع به برگشت می‌کند. "یک روزه‌ی اسرارآمیز" درحقیقت فقط یک روزه نیست- آن باید بارها تغییر موقعیت دهد. وقتی به نیوان برمی‌گردد، شروع به پایین رفتن می‌کند، و داخل بدن تمام مسیر تا نقطه‌ی طب سوزنی مینگ‌مین در فضای بین کلیه‌ها پایین می‌رود. در نقطه‌ی مینگ‌مین دوباره بیرون می‌آید.

نقطه‌ی طب سوزنی مینگ‌مین شما روزه‌ی اصلی بی‌نهایت مهمی است. مدرسه‌ی دائو آن را یک "منفذ" می‌نامد و ما آن را یک "گذرگاه" می‌نامیم. این یک گذرگاه اصلی مهمی است و واقعاً شبیه یک دروازه‌ی آهنی است- شبیه لایه‌های بی‌شماری از دروازه‌های آهنی. شما می‌دانید، بدن ما لایه‌های بی‌شماری دارد. سلول‌های گوشتی ما یک لایه هستند و مولکول‌های داخل آن‌ها لایه‌ی دیگری را شکل می‌دهند- اتم‌ها، پروتون‌ها، الکترون‌ها، ذرات بسیار کوچک، ذرات کوچک‌تر و حتی کوچک‌تر، تمام مسیر به پایین، تا ذرات بی‌نهایت میکروسکوپی؛ و هر لایه، لایه‌هایی از دروازه‌ها را دارد. و به همین دلیل، توانایی‌های فوق‌طبیعی و توانایی‌های بی‌شماری وجود دارد که همگی داخل آن لایه‌هایی از دروازه‌ها قفل شده‌اند. در روش‌های دیگر که دن را تزکیه می‌کنند، وقتی که دن منفجر می‌شود، اول

نقطه‌ی مینگ‌مین باید با انفجار باز شود. اگر آن با انفجار باز نشود، توانایی‌های فوق‌طبیعی آزاد نخواهند شد. پس از آن که گذر اسرارآمیز این مجموعه از چیزها را در نقطه‌ی طب سوزنی مینگ‌مین شکل داد، دوباره به داخل برمی‌گردد. وقتی داخل برگشت، بازگشت خود را به قسمت پایین‌تر شکم شروع می‌کند. این، "بازگشت گذر اسرارآمیز به جایگاه خود" نامیده می‌شود.

بعد از این که گذر اسرارآمیز برمی‌گردد، به محل اولیه‌ی خود باز نمی‌گردد. در آن زمان، کودک جاودان بسیار بزرگ شده است. حباب هوایی، کودک جاودان را دربر خواهد گرفت و کودک جاودان را خواهد پوشاند. همان‌طور که کودک جاودان رشد می‌کند، گذر اسرارآمیز نیز همراه با او رشد می‌کند. در مدرسه‌ی دائو، معمولاً وقتی کودک جاودان به اندازه‌ی یک کودک شش یا هفت ساله رشد می‌کند، به او اجازه داده می‌شود که بدن را ترک کند، و آن، "تولد کودک جاودان" نامیده می‌شود. تحت کنترل روح اصلی، کودک جاودان می‌تواند بیرون بیاید و در اطراف حرکت کند. بدن فیزیکی آن‌جا ثابت می‌ماند، درحالی که روح اصلی بیرون می‌آید. و در مدرسه‌ی بودا، معمولاً وقتی کودک جاودان تا اندازه‌ای پرورش یابد که به بزرگی شما برسد، دیگر با هیچ خطری مواجه نخواهد شد. در آن زمان، معمولاً به او اجازه داده می‌شود که بدن را ترک کند، که از بدن جدا شود، و آن می‌تواند خارج شود. در آن هنگام، کودک جاودان تا اندازه‌ی شما رشد کرده است و پوشش او نیز بزرگ است. پوشش، خارج از بدن شما توسعه یافته است و آن گذر اسرارآمیز است. از آن‌جا که کودک جاودان به چنان اندازه‌ی بزرگی رشد کرده، گذر اسرارآمیز به‌طور طبیعی خارج بدن توسعه می‌یابد.

شاید مجسمه‌ها و نقاشی‌های بوداها را که در معابد هستند دیده باشید و متوجه شده باشید که بوداها همیشه در داخل یک دایره هستند. مخصوصاً نقاشی‌های بوداها این‌طور هستند - همیشه یک دایره‌ای وجود دارد که بودا در آن می‌نشیند. بسیاری از تصویرهای بودا بدین شکل هستند، مخصوصاً نقاشی‌ها در معابد قدیمی - همگی به این شکل هستند. چرا آن‌ها داخل یک دایره می‌نشینند؟ هیچ‌کسی نمی‌داند. به شما می‌گویم، آن گذر اسرارآمیز است. اما در این لحظه، دیگر گذر اسرارآمیز نامیده نمی‌شود. آن "بهشت" نامیده می‌شود. درحقیقت هنوز نمی‌توان آن را یک بهشت نامید. آن فقط این مجموعه‌ی امکانات را دارد، درست مثل یک کارخانه که مجموعه‌ای از امکانات را دارد اما توانایی برای تولید را ندارد. قبل از آن که بتواند تولید را شروع کند به انرژی و مواد خام نیاز دارد. چندین سال پیش، بسیاری از تزکیه‌کنندگان گفتند، "سطح گونگ من بالاتر از سطح گونگ یک بودی‌ساتوا است"، یا "سطح گونگ من بالاتر از سطح گونگ یک بودا است". دیگران فکر کردند که این غیرقابل باور به نظر می‌رسد. درحقیقت، آن‌چه که آن‌ها گفتند در کل غیرقابل باور نبود، گونگ شما واقعاً باید درحالی که در دنیای بشری هستید تا سطح بسیار بالایی پرورش یابد.

چگونه می‌تواند این‌گونه باشد؟ - او تا سطحی بالاتر از یک بودا تزکیه کرده است؟ نباید آن را خیلی سطحی بفهمید. گونگ چنین شخصی واقعاً در سطح بسیار بالایی است. این بدین دلیل است که وقتی او تا سطحی بسیار بالا تزکیه کرده و به روشن‌بینی کامل رسیده یا گونگ او باز شده است، سطح گونگ او واقعاً بسیار بالا است. درست قبل از بازشدن گونگ و نائل شدن به روشن‌بینی کامل، هشتاد درصد از گونگ او، با سطح شین‌شینگ او، هر دو برداشته خواهند شد. آن انرژی برای غنی کردن بهشت او، بهشت خود او به کار خواهد رفت. همان‌طور که می‌دانید گونگ یک تزکیه‌کننده، همراه با سطح شین‌شینگ او، چیزی است که او با گذر از میان سختی‌های بی‌شمار و آبدیده کردن خود تحت شرایط طاقت‌فرسا در تمام زندگی‌اش پرورش داده است. به همین جهت بسیار باارزش است، و هشتاد درصد از این ماده‌ی باارزش برای غنی کردن بهشت او به کار می‌رود. و به همین دلیل وقتی او در آینده در تزکیه موفق می‌شود، هرچه را که بخواهد فقط با دراز کردن دستش به دست می‌آورد، هرچه را که بخواهد خواهد داشت و هر کاری را که بخواهد می‌تواند انجام دهد - او در بهشت خود همه چیز دارد. این تقوای عظیم او است که توسط تحمل سختی‌ها تزکیه کرد.

انرژی‌ای که او دارد می‌تواند به راحتی به هر چیزی تبدیل شود. بنابراین هر چیزی را که یک بودا می‌خواهد، یا هر چیزی که مایل است بخورد یا با آن بازی کند، همگی را دارد. این چیزی است که او برای خودش تزکیه کرده است، این مقام بودایی او است، و بدون آن، نمی‌تواند در تزکیه موفق شود. در این زمان آن می‌تواند بهشت خودش نامیده شود، و او فقط بیست درصد از گونگ خود را برای کامل کردن تزکیه و نائل شدن به دائو باقی خواهد داشت. اگرچه فقط بیست درصد از گونگ او باقی مانده است، اما بدن او قفل نیست، یا او یک بدن ندارد یا حتی اگر داشته باشد، در این زمان توسط ماده‌ی با انرژی بالا، تبدیل شده است. در این زمان، توانایی‌های خدایی او به‌طور کامل آشکار می‌شوند و قدرت آن‌ها غیرقابل مقایسه هستند. اما وقتی یک شخص در بین مردم عادی در حال تزکیه است، بدن او معمولاً قفل است و چنین مهارت‌های بزرگی را ندارد، و بدون توجه به این که گونگ او چه قدر بالا است، هنوز محدود است. اما حالا همه چیز متفاوت خواهد بود.

سخنرانی پنجم

طرح فالون

نماد فالون دافای ما یک فالون است. کسانی که توانایی‌های فوق‌طبیعی دارند می‌توانند این فالون را که درحال چرخش است ببینند. این برای علامت‌های کوچک فالون ما نیز صدق می‌کند، آن‌ها نیز درحال چرخش هستند. روش تزکیه‌ی ما توسط سرشت جهان، حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری هدایت می‌شود. ما بر طبق قانون تکامل کیهان تمرین می‌کنیم، بنابراین آن‌چه که تزکیه می‌کنیم بسیار عظیم است. به معنایی دیگر، طرح این فالون مینیاتور جهان است. مفهومی در مدرسه‌ی بودا وجود دارد که دنیای ده جهته، با داشتن چهار وجه و هشت جهت یا هشت نقطه، به خودی خود یک جهان است، بنابراین امکان دارد برخی از افراد بتوانند ببینند که بالا و پایین آن یک ستون گونگ وجود دارد، و این دلیل آن است که چرا وقتی بالا و پایین آن را به حساب بیاورید، یک دنیای ده جهته خواهید داشت که این جهان را تشکیل می‌دهد. آن، خلاصه‌ی مدرسه‌ی بودا از جهان را معرفی می‌کند.

البته کهکشان‌های بی‌شماری در این جهان وجود دارند و راه شیری ما یکی از آن‌ها است. تمام جهان و همه‌ی کهکشان‌های داخل آن در حرکت هستند، به همین جهت، نمادهای تای‌چی و نمادهای صلیب شکسته‌ی کوچک، ☯، در طرح نیز درحال چرخش هستند، همچنین تمام فالون درحال چرخش است و نماد ☯ بزرگ در مرکز نیز می‌چرخد. به عبارتی دیگر، آن نماد راه شیری ما است و در عین حال از آن‌جا که ما به مدرسه‌ی بودا تعلق داریم، آن نمادی از مدرسه‌ی بودا را در مرکز دارد. این چیزی است که در سطح دیده می‌شود. تمام انواع مختلف ماده شکل‌های هستی خود را در بُعدهای دیگر دارند و در آن بُعدهای دیگر، شکل‌های هستی و فرایند تکامل بسیار غنی و پیچیده‌ای دارند. این طرح فالون مینیاتور جهان است و در تمامی بُعدهای دیگر نیز، شکل‌های هستی و فرآیندهای تکامل خود را دارد، به همین جهت آن را یک دنیا می‌نامیم.

وقتی فالون در جهت گردش عقربه‌های ساعت می‌چرخد، می‌تواند به‌طور خودکار انرژی را از جهان به خود جذب کند و وقتی خلاف جهت عقربه‌های ساعت می‌چرخد می‌تواند انرژی را به بیرون بفرستد. با چرخش داخلی (در جهت گردش عقربه‌های ساعت) خود را نجات می‌دهد، با چرخش خارجی (خلاف جهت عقربه‌های ساعت) دیگران را نجات می‌دهد. این نشانی از تزکیه‌ی ما است. برخی افراد سؤال کرده‌اند، "ما به مدرسه‌ی بودا تعلق داریم، پس چرا علامت تای‌چی نیز در آن‌جا است؟ آیا علامت تای‌چی به مدرسه‌ی دائو تعلق ندارد؟" آن به این دلیل است که آن‌چه ما تزکیه می‌کنیم بسیار عظیم است، مثل این که کل جهان را تزکیه می‌کنیم. پس همگی درباره‌ی آن بیندیشید: در جهان دو مدرسه‌ی اصلی وجود دارد، مدرسه‌ی بودا و مدرسه‌ی دائو، و بدون هر یک از آن‌ها، جهان کاملی را نمی‌سازد، نمی‌توانید آن را جهانی کامل بنامید، بنابراین چیزهایی را از مدرسه‌ی دائو به آن اضافه کرده‌ایم. ممکن است برخی از افراد بگویند، "علاوه بر مدرسه‌ی دائو، مسیحیت، کنفوسیوس و مذاهب دیگری نیز وجود دارند. آن‌ها چه؟" می‌توانم این را به شما بگویم، وقتی تزکیه در کنفوسیوس به سطوح بسیار بالایی برسد، به مدرسه‌ی دائو تعلق خواهد داشت،

درحالی که وقتی تزکیه‌ی بسیاری از مذاهب غربی به سطح بالایی برسد، در مدرسه‌ی بودا طبقه‌بندی می‌شوند و مجموعه‌ی آموزش‌هایی در مدرسه‌ی بودا هستند. فقط دو عدد از چنین مدرسه‌های اصلی وجود دارد.

پس چرا دو نماد تایی چی که در قسمت بالا قرمز و در قسمت پایین آبی رنگ است و دو نماد تایی چی دیگر که در قسمت بالا قرمز و در قسمت پایین سیاه رنگ است وجود دارد؟ چیزی که معمولاً مردم درباره‌ی تایی چی فکر می‌کنند این است که آن از دو نوع ماده، یکی سیاه و دیگری سفید، چی بین و یانگ تشکیل شده است. این برداشت از سطحی بسیار پایین می‌آید، چراکه تایی چی تجلی‌های مختلفی در بُعدهای مختلف دارد. در بالاترین سطح، رنگ آن بدین شکل تجلی می‌یابد. دائویی که به‌طور متداول آن را می‌شناسیم رنگ قرمز را در بالا و رنگ سیاه را در پایین دارد. به‌طور مثال، چشم سوم بعضی از تمرین‌کنندگان ما باز است و آن‌ها پی برده‌اند رنگ قرمز که با چشمان فیزیکی‌شان می‌بینند در بُعدی هم‌جوار سبز رنگ است. آن‌ها پی می‌برند که رنگ زرد طلایی در بُعدی دیگر ارغوانی است، که این نوع مغایرت وجود دارد، چراکه رنگ‌ها در بُعدهای دیگر تغییر می‌کنند. تایی چی با رنگ قرمز در بالا و آبی در پایین به مدرسه‌ی دائوی بزرگ اولیه تعلق دارد، که شامل روش‌های تزکیه در مدرسه‌ی غیرمعمولی است. چهار نماد کوچک ☯ از مدرسه‌ی بودا است. آن‌ها شبیه نماد وسط بوده، همگی از مدرسه‌ی بودا هستند. فالون در این رنگ‌ها نسبتاً روشن است و از آن به عنوان نماد فالون دافا استفاده می‌کنیم.

فالونی که ما از طریق چشم آسمانی می‌بینیم لزومی ندارد که شبیه این رنگ‌ها باشد، زیرا رنگ زمینه‌ی پشت آن می‌تواند تغییر کند، اما طرح آن عوض نمی‌شود. وقتی فالونی که در قسمت پایینی شکم شما نصب می‌کنم می‌چرخد، چشم سوم شما می‌تواند آن را به رنگ قرمز، بنفش، سبز یا حتی بی‌رنگ ببیند. رنگ زمینه‌ی پشت آن نیز در تمام مدت از قرمز تا نارنجی، زرد، سبز، آبی، نیلی و بنفش تغییر می‌کند. بنابراین، ممکن است رنگ‌های دیگری ببینید، اما رنگ و الگوی نمادهای ☯ و تایی چی داخل فالون تغییر نمی‌کند. ما حس می‌کنیم که رنگ زمینه‌ی پشت این طرح نسبتاً خوب است، پس آن را انتخاب کرده‌ایم. کسانی که توانایی‌های فوق‌طبیعی دارند می‌توانند چیزهای بسیار زیادی را در ورای این بُعد ببینند.

بعضی افراد گفته‌اند، "این نماد ☯ شبیه چیزی است که هیتلر داشت". بگذارید برای‌تان بگویم که این نماد هیچ‌گونه مفهوم طبقاتی را در بر ندارد. بعضی افراد می‌گویند، "اگر گوشه‌ی آن به این طرف کج شود، علامت هیتلر می‌شود". این درست نیست، زیرا آن به دو طرف می‌چرخد. این نماد در دو هزار و پانصد سال پیش به‌طور وسیعی در دنیا شناخته شد، در زمان شاکيامونی بود که آن را شناختند. فقط چند دهه از زمان هیتلر و جنگ جهانی دوم گذشته است. او آن را برای استفاده‌ی خودش دزدید، اما رنگی که استفاده کرد متفاوت از رنگ ما بود. رنگ آن سیاه بود و بیشتر این که گوشه‌ی آن رو به بالا اشاره می‌کرد و به‌صورت قائم استفاده می‌شد. این تمام آن چیزی است که درباره‌ی فالون خواهیم گفت. فقط درباره‌ی این که در ظاهر به چه شکل است صحبت کرده‌ایم.

پس این نماد ☯ در مدرسه‌ی بودای ما معرف چیست؟ بعضی افراد معتقدند که آن برای بخت و اقبال خوب است، که تعبیری از مردم عادی درباره‌ی آن است. بگذارید برای‌تان بگویم، نماد ☯ سطح بودا را نشان می‌دهد و فقط آن‌هایی که به سطح یک بودا رسیده‌اند آن را دارند. بودی‌سات‌واها و آرهات‌ها آن را ندارند، اما بودی‌سات‌واهای بزرگ، مانند چهار بودی‌سات‌وای بزرگ، همگی آن را دارند. می‌توانیم بگوییم که آن بودی‌سات‌واهای بزرگ بسیار فراتر از سطح بوداهای معمولی رفته‌اند، حتی بالاتر از تاتاگاتاها هستند. در فراسوی سطح تاتاگاتا، بوداهای بی‌شماری وجود دارند. تاتاگاتاها فقط یک نماد ☯ را دارند، اما وقتی کسی به سطوح بالاتر از تاتاگاتا برسد شروع به داشتن نمادهای ☯ بیشتری خواهد کرد. در سطحی دو برابر بالاتر از تاتاگاتا، دو نماد ☯ را دارید و حتی در سطوح بالاتر، سه، چهار، پنج... نماد ☯ دارید و برخی آن قدر زیاد دارند که بدن‌شان در آن‌ها پوشیده می‌شود. آن‌ها روی سر، شانه‌ها، زانو‌ها ظاهر خواهند شد و وقتی بیش از حد وجود داشته باشد، حتی در کف دست‌ها، انگشتان، قوس کف پاها، پنجه‌ها و غیره ظاهر

می‌شوند. همان‌طور که سطح بالاتر و بالاتر می‌رود، تعداد نماد ♪ بیشتر می‌شود و این دلیل آن است که چرا نماد ♪ سطح یک بودا را نشان می‌دهد. هرچه سطح یک بودا بالاتر باشد، نماد ♪ بیشتری خواهد داشت.

روش‌های تزکیه‌ی غیرمعمولی

علاوه بر مدرسه‌ی بودا و مدرسه دائو، روش‌های غیرمعمولی نیز وجود دارند. آن‌ها خود را روش‌های تزکیه‌ی غیرمعمولی می‌نامند. افراد عادی در مورد روش‌های تزکیه این استنباط را دارند: از زمان چین باستان تا امروز، مردم مدرسه‌ی بودا و مدرسه‌ی دائو را به‌عنوان راه‌های تزکیه‌ی راستین در نظر گرفته‌اند و آن‌ها را به نام راه‌های تزکیه‌ی مدارس حقیقی نیز نامیده‌اند. روش‌های غیرمعمولی هرگز عمومی نشده‌اند و تعداد بسیار کمی از مردم می‌دانند که آن‌ها وجود دارند. مردم فقط از طریق هنر و ادبیات درباره‌ی آن‌ها می‌دانند.

آیا چیزی به‌عنوان روش‌های غیرمعمولی وجود دارد؟ بله وجود دارد. در جریان تزکیه‌ام، مخصوصاً در سال‌های آخر، سه نفر از استادان ماهر روش‌های غیرمعمولی را به‌طور اتفاقی ملاقات کردم. آن‌ها جوهر آموزش‌های‌شان را به من منتقل کردند، و آن چیزها واقعاً منحصر به فرد و واقعاً خوب بودند. و دقیقاً به‌خاطر این که روش‌های آنان بسیار منحصر به فرد است، اکثر افراد نمی‌توانند آن‌ها را درک کنند و آن‌چه که در روش‌های‌شان حاصل می‌شود واقعاً عجیب است. همچنین آن‌ها گفته‌ای دارند، "نه بودا، نه دائو" - آن‌ها نه بودا شدن را تزکیه می‌کنند و نه دائو را. وقتی مردم می‌شنوند که آن‌ها بودا شدن و دائو را تزکیه نمی‌کنند، آن‌ها را "راه‌های حاشیه‌ای درب جانبی" می‌نامند. اما آن‌ها خود را روش‌های غیرمعمولی می‌نامند. نامیدن "راه‌های حاشیه‌ای درب جانبی" دقیقاً یک تعریف و تمجید نیست، اما منفی هم نیست. به این معنی نیست که آن‌ها روش‌های شیطانی هستند، مطمئناً به این معنی نیست. حتی معنی سطحی آن هم بیان‌گر این نیست که آن یک روش شیطانی است. از نظر تاریخی، مردم، مدرسه‌ی بودا و مدرسه‌ی دائو را "مدرسه‌های راستین تزکیه" می‌نامیده‌اند. اما مردم، روش‌های غیرعادی را درک نمی‌کنند، بنابراین آن‌ها را "درب جانبی" می‌نامند - نه دربی اصلی یا نه یک آموزش درست. واژه‌ی "حاشیه‌ای" به معنی "کمی بی‌قواره" است، یک روش بی‌قواره. در واژگان چین باستان "حاشیه‌ای" معمولاً به معنی کمی بی‌قواره بود. "راه حاشیه‌ای درب جانبی"، این معنی ضمنی را دارد.

چرا آن‌ها روش‌های شیطانی نیستند؟ زیرا آن‌ها نیز الزامات سختی برای شین‌شینگ دارند، و آن‌ها نیز سرشت جهان را مبنای تزکیه‌شان قرار می‌دهند. آن‌ها سرشت جهان یا قوانین جهان را نقض نمی‌کنند و کارهای بد انجام نمی‌دهند، بنابراین نمی‌توانید آن‌ها را روش‌های شیطانی بنامید. مدرسه‌ی بودا و مدرسه‌ی دائو مدرسه‌های راستین هستند، نه به دلیل این که سرشت جهان هم‌سو با روش‌های آن‌ها است، بلکه به دلیل این که مدرسه‌ی بودا و مدرسه‌ی دائو هم‌سو با سرشت جهان هستند، پس آن‌ها روش‌های شیطانی نیستند - آن‌ها نیز روش‌های راستین هستند. این بدین خاطر است که معیار برای تعیین خوبی و شیطانی، یا نیکی و پلیدی، سرشت جهان است. آن‌ها تزکیه‌شان را بر پایه‌ی سرشت جهان قرار می‌دهند، بنابراین آن‌ها نیز راستین هستند. فقط این‌طور است که الزامات و مشخصات آن‌ها با الزامات و مشخصات مدرسه‌ی بودا و مدرسه‌ی دائو تفاوت دارد. آن‌ها آموزش‌های‌شان را به محدوده‌ی وسیعی از شاگردان منتقل نمی‌کنند، فقط محدوده‌ی کوچکی را آموزش می‌دهند. وقتی مدرسه‌ی دائو چیزهای خود را منتقل می‌کند، آن‌ها به دسته‌ی بزرگی از مریدان آموزش خواهند داد، اما فقط یکی از آن‌ها آموزش‌های واقعی را دریافت می‌کند. مدرسه‌ی بودا اعتقاد به نجات همه‌ی موجودات ذی‌شعور دارد، هر کسی بخواهد تزکیه کند، می‌تواند آن‌را انجام دهد.

وقتی روش‌های غیرمعمولی منتقل می‌شوند نمی‌توانند به دو نفر داده شوند. بلکه فقط یک شخص در طول مدت زمانی طولانی انتخاب می‌شود، و این دلیل آن است که چرا مردم عادی هرگز چیزهای مربوط به آن‌ها را ندیده‌اند. البته، زمانی که چی‌گونگ در دوران شکوفایی خود بود، متوجه شدم که درصد کمی از افراد این روش‌ها نیز

برای آموزش بیرون آمدند. آن‌ها سعی می‌کردند و سعی می‌کردند تا آن‌را گسترش دهند، ولی عملی نمی‌شد زیرا چیزهایی وجود داشتند که استادان‌شان مطلقاً به آنان اجازه نمی‌دادند که آن‌ها را منتقل کنند. اگر بخواهید روشی را به‌طور گسترده اشاعه دهید، نمی‌توانید شاگردان خود را انتخاب کنید. افرادی با انواع و اقسام شین‌شینگ ممکن است بیایند تا یاد بگیرند. آن‌ها روش‌های فکر کردن مختلفی را با خود می‌آورند و همه نوع افرادی خواهند آمد. بنابراین نمی‌توانید مریدان‌تان را انتخاب کنید. این دلیل آن است که چرا روش‌های غیرمعمولی نمی‌توانند عمومی شوند. آن‌ها آسیب‌پذیرند، زیرا چیزهایی که دارند واقعاً بخصوص هستند.

برخی از افراد اندیشیده‌اند، "مدرسه‌ی بودا سعی می‌کند بودا شدن را تزکیه کنند و مدرسه‌ی دائو سعی می‌کند دائو را تزکیه کند. پس وقتی فردی روشی غیرمعمولی را به‌طور موفقیت‌آمیزی انجام دهد چه می‌شود؟ او یک جاودان سیار خواهد بود که هیچ قلمرو ثابتی در آسمان ندارد. شما می‌دانید، تاتاگاتا شاکیامونی بهشت ساها را دارد، بودا آمی‌تابا بهشت سعادت غایی را دارد و بودا استاد طب بهشت زمرد را دارد. هر تاتاگاتا و بودای بزرگی بهشت خود را دارد. هر موجود روشن‌بین بزرگی بهشت خود را بنا می‌کند و بسیاری از مریدانش آن‌جا زندگی می‌کنند. اما درخصوص روش‌های غیرمعمولی، آن‌ها محدوده‌ی معینی در جهان ندارند- آن‌ها مثل خدایان سیار یا جاودان‌های تنها هستند.

تمرین کردن در یک روش شیطانی

منظور از "تمرین کردن در یک روش شیطانی" چیست؟ چندین مورد از آن وجود دارد. افرادی هستند که به‌طور مشخص روش‌های شیطانی را انجام می‌دهند، و چیزهای مربوط به آن‌ها در طول نسل‌ها منتقل شده‌اند. چرا آن چیزها را منتقل می‌کنند؟ برای این که در بین مردم عادی در جستجوی شهرت، سود شخصی و پول بوده‌اند. این‌ها چیزهایی هستند که می‌خواهند. البته سطح شین‌شینگ آن‌ها بالا نیست و هیچ گونگی ندارند. پس چه چیزی به‌دست می‌آورند؟ کارما. اگر کارمای کسی زیاد باشد، می‌تواند نوعی از انرژی را شکل دهد. اما این شخص هیچ سطحی ندارد و در مقایسه با یک تزکیه‌کننده چیزی ندارد. اگرچه می‌تواند بیش از افراد عادی قدرت داشته باشد. کارما نیز نوعی از انرژی است. وقتی تراکم آن به سطح بالایی می‌رسد، می‌تواند توانایی‌های فوق‌طبیعی در بدن فرد را تقویت کرده و چنین تأثیری را ایجاد کند. به همین جهت در طول تاریخ همیشه افرادی بوده‌اند که چنین چیزهایی را آموزش دهند. آن‌ها می‌گویند، "من کارهای بد انجام می‌دهم، به مردم ناسزا می‌گویم، و گونگ من افزایش می‌یابد." آن‌ها گونگ خود را یک ذره هم افزایش نمی‌دهند. حقیقت این است که، آن‌ها درحال متراکم کردن آن ماده‌ی سیاه هستند چراکه انجام کارهای بد به آن‌ها ماده‌ی سیاه، کارما می‌دهد. بنابراین می‌توانند آن توانایی‌های فوق‌طبیعی کم مادرزادی را با آن کارما تقویت کنند و برخی از توانایی‌های فوق‌طبیعی کوچک را رشد دهد، اما آن‌ها نمی‌توانند هیچ کار بزرگی را انجام دهند. این افراد فکر می‌کنند با انجام کارهای بد می‌توانند گونگ را افزایش دهند، این تئوری آن‌ها است.

برخی از افراد می‌گویند، "اگر یک دائو یک پا رشد کند، یک اهریمن ده برابر بیشتر رشد می‌کند." این توهینی از سوی مردم عادی است، اهریمن‌ها هرگز بلندتر از دائوها نخواهند بود. این پدیده وجود دارد: جهانی که ما انسان‌ها می‌شناسیم فقط یک جهان کوچک از جهان‌های بی‌شمار است و برای اختصار آن‌را جهان می‌نامیم. هر وقت که زمانی طولانی گذشته باشد، یک فاجعه‌ی عظیم کیهانی به این جهان ما برخورد می‌کند. فاجعه همه چیز در جهان را منهدم می‌کند، حتی سیاره‌ها نیز می‌توانند نابود شوند و آن می‌تواند تمام چیزهای زنده در جهان را نابود کند. حرکت جهان الگوهایی دارد. در این دوره‌ی جهان، موجودات انسانی تنها موجوداتی نیستند که بد شده‌اند. بسیاری از موجودات چیزی را دیده‌اند: تا آن‌جا که مربوط به زمان حاضر است انفجار بسیار عظیمی در زمانی بسیار پیش از این در این بُعد جهان رخ داد. ستاره‌شناسان نمی‌توانند امروزه این مسئله را مشاهده کنند زیرا آن‌چه که ما می‌توانیم از میان قوی‌ترین تلسکوپ‌ها ببینیم چیزهایی هستند که یک‌صد و پنجاه هزار سال نوری پیش اتفاق افتاد. اگر بخواهیم تغییراتی را که

هم‌اکنون در بدن‌های کیهانی روی می‌دهد ببینیم، مجبوریم منتظر باشیم تا یک صد و پنجاه هزار سال نوری بگذرد. این واقعاً آینده‌ی دوری است.

هم‌اکنون کل جهان از میان تغییر عظیمی گذشته است. هر زمان که چنین تغییری رخ می‌دهد، تمام موجودات در کل جهان به‌طور کامل نابود می‌شوند، کلاً از بین می‌روند، و هر بار چنین وضعیتی اتفاق می‌افتد، سرشت و ماده‌ای که در جهان قبلی موجود بود، باید به‌طور کامل منفجر شود. معمولاً تمام موجودات در انفجار از بین می‌روند، اما این‌طور نیست که هر بار همه چیز نابود شود. وقتی جهان جدید توسط موجودات روشن‌بین در سطحی بی‌نهایت بالا، از نو ساخته می‌شود، برخی از موجوداتی که توسط انفجار کشته نشدند در آن باقی می‌مانند. موجودات روشن‌بین بزرگ، جهان را بر اساس سرشت و استانداردهای خودشان بنا می‌کنند. به همین جهت، آن‌ها از سرشت جهان در دوره‌ی قبل تفاوت دارند.

آن‌هایی که در انفجار کشته نمی‌شوند وقتی کارهایی در این جهان انجام می‌دهند به سرشت قبلی و اصول کهن سابق ادامه می‌دهند. جهان تأسیس شده‌ی جدید برای انجام کارها از سرشت جهان جدید و اصول آن پیروی می‌کند. بنابراین تمام چیزهایی که در انفجار کشته نمی‌شوند اهریمن‌هایی می‌شوند که با اصول جهان جدید مداخله می‌کنند، اما، آن‌ها آن‌قدر هم بد نیستند. فقط بر اساس سرشت جهان دوره‌ی قبلی عمل می‌کنند، و "اهریمن‌های آسمانی" می‌شوند که مردم درباره‌ی آن صحبت می‌کنند. اما آن‌ها هیچ تهدیدی برای مردم عادی نیستند و قطعاً به مردم صدمه نمی‌رسانند. فقط وقتی کارهایی را انجام می‌دهند سخت به اصول خودشان می‌چسبند. در گذشته، مردم عادی اجازه نداشتند این را بدانند. می‌گویم که بوداهای قلمرو بالای بسیاری فراسوی سطح تاتاگاتا وجود دارند. آن اهریمن‌ها ناچیز هستند! در مقایسه با بوداها واقعاً بی‌اهمیت هستند. پیری، بیماری و مرگ نیز شکلی از اهریمن هستند ولی برای حفظ و نگهداری سرشت جهان خلق شده‌اند.

بودیسم درباره‌ی بازپیدایی صحبت می‌کند، و از طریق آن، چیزی را آشکار کرده‌اند که قلمرو/آسورا نامیده می‌شود، که درواقع به چیزهای زنده در بُعدهای مختلف اشاره می‌کند، اما آن چیزها سرشت بشری ندارند. در چشم موجودات روشن‌بین بزرگ، آن‌ها بی‌نهایت سطح پایین و واقعاً ضعیف هستند، اما از دید مردم عادی بسیار ترسناکند. آن‌ها مقداری انرژی دارند و فکر می‌کنند انسان‌های عادی حیوان هستند، در نتیجه دوست دارند که از انسان‌ها تغذیه کنند. در سال‌های اخیر، آن‌ها از فرصت استفاده کرده‌اند تا تمرین‌هایی را آموزش دهند. چه موجود بیزار کننده‌ای! به صورتش نگاه کنید- آیا می‌توانید او را انسان بنامید؟! واقعاً وحشت‌انگیز است. وقتی چیزهای آن‌ها را یاد بگیرید، مجبورید بروید و به آن‌ها بپیوندید و یکی از آن‌ها شوید. برخی از افراد وقتی تمرین‌های حرکتی چی‌گونگ را انجام می‌دهند افکار بدی دارند، و وقتی آن افکار هم‌سو با تفکر آن‌ها باشد، خواهند آمد تا به آن‌ها آموزش دهند. اما "یک ذهن درست می‌تواند بر صد اهریمن غلبه کند". اگر به‌دنبال چیزی نباشید، هیچ کسی جرأت اذیت کردن شما را نخواهد داشت. اما، اگر افکار شیطانی داشته باشید و به‌دنبال چیزهای بد بروید، آن‌ها خواهند آمد تا به شما کمک کنند و پس از آن، تزکیه‌ی شما در مسیری اهریمنی می‌افتد. این مشکلی است که ظاهر می‌شود.

چیز دیگری وجود دارد که "ناآگاهانه، در راهی شیطانی تمرین کردن" نامیده می‌شود. منظور از "ناآگاهانه، در راهی شیطانی تمرین کردن" چیست؟ یعنی در روشی شیطانی تمرین کرد بدون این که از آن آگاه بود. این مورد را زیاد می‌بینید- بسیار رایج است. آن شبیه چیزی است که چند روز پیش گفتم، برخی از افراد درحالی که تمرین‌های حرکتی را انجام می‌دهند افکار بدی دارند، آن‌ها را می‌بینید که آن‌جا درحال انجام تمرین‌های ایستاده هستند، بازوها و پاهای‌شان آن‌قدر خسته می‌شوند که تکان می‌خورند، اما ذهن‌شان استراحت نمی‌کند. او فکر می‌کند، "قیمت‌ها درحال افزایش است. بهتر است بعد از انجام تمرین‌ها برای خرید بروم و گرنه مجبورم پول بیشتری بپردازم". افراد دیگری فکر می‌کنند، "در محل کار حالا آپارتمان‌هایی را تقسیم می‌کنند، آیا یکی از آپارتمان‌ها را به‌دست می‌آورم؟ شخصی که مسئول تقسیم آپارتمان‌ها است همیشه با من مشکل دارد..." هرچه بیشتر درباره‌ی این موضوع فکر می‌کند، عصبانی‌تر

می‌شود، "شرط می‌بندم به من آپارتمانی نمی‌دهد. حالا چگونه می‌توانم با او مبارزه کنم...." هر نوع فکری پدیدار می‌شود. همان‌طور که قبلاً گفتم، آن‌ها مرتب درباره‌ی همه چیز صحبت می‌کنند، از خانواده‌شان گرفته تا امور ملی، و وقتی به چیزهایی می‌رسند که آن‌ها را عصبانی می‌کند، هرچه بیشتر صحبت کنند عصبانی‌تر می‌شوند.

وقتی تمرین می‌کنید باید تقوا را جدی بگیرید. بنابراین هنگامی که تمرین‌های حرکتی را انجام می‌دهید، اگر افکار خوبی ندارید، حداقل نباید افکار بدی داشته باشید، و بهتر از همه این است که اصلاً هیچ فکری نداشته باشید. علت این است که درحالی که در سطوح پایین درحال تمرین هستید نیاز دارید که بنیانی را بسازید. آن بنیان نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، زیرا روند فکری شما تأثیری دارد. پس بیایید در این باره بیندیشیم. وقتی چیزی به گونگ خود اضافه می‌کنید، چگونه چیزهایی که تزکیه‌ی شما تولید می‌کند می‌توانند خوب باشند؟ چگونه می‌توانند سیاه نباشند؟ افراد بسیار زیادی هستند که وقتی تمرین‌های حرکتی‌شان را انجام می‌دهند چنان افکاری دارند. چرا با وجود این که همیشه تمرین می‌کنید، بیماری‌های تان از بین نرفته‌اند؟ شاید برخی از افراد، در محل تمرین درباره‌ی آن چیزهای بد فکر نکنند، اما همیشه وقتی تمرین می‌کنند می‌خواهند توانایی‌های فوق‌طبیعی به‌دست بیاورند، می‌خواهند این را به‌دست بیاورند، آن را به‌دست بیاورند، انواع و اقسام حالت‌های ذهنی و آرزوهای شدید بسیاری دارند. درواقع بدون این که از آن آگاه باشند، درحال تزکیه کردن در راهی شیطانی هستند. اگر به آن‌ها بگویید که در راهی شیطانی تزکیه می‌کنند، ناراحت می‌شوند - "چنین و چنان استاد بزرگ چی گونگ، معلم من است!" اما آن استاد بزرگ به شما گفت که درباره‌ی تقوا جدی باشید - آیا این کار را کرده‌اید؟ وقتی تمرین‌های حرکتی را انجام می‌دهید، همیشه بعضی از افکار بد را وارد می‌کنید. پس آیا از تمرین‌ها چیزهای خوبی به‌دست خواهید آورد؟ مشکل این است. این ناآگاهانه در راهی شیطانی تزکیه کردن است و این رایج می‌باشد.

تزکیه‌ی دوگانه‌ی مرد- زن

در اجتماع تزکیه‌کنندگان، روش تزکیه‌ای به نام تزکیه‌ی دوگانه‌ی مرد- زن وجود دارد. شاید در روش‌های تزکیه‌ی تانتريک دیده‌اید که در مجسمه‌ها یا عکس‌های بوداها، یک اندام مردانه یک بدن زن را نگه داشته و تزکیه می‌کنند. اندام مردانه بعضی مواقع شبیه یک بودا است و یک زن برهنه را نگه می‌دارد. شکل‌های تغییر یافته‌ی بودا نیز وجود دارند که ظاهر یک واجر/ با سر گاو و صورت اسب دارند و یک بدن برهنه‌ی زن را نگه می‌دارند. چرا به این صورت هستند؟ اجازه دهید اول موضوعی را روشن کنیم. در سیاره‌ی ما فقط چین نیست که توسط کنفوسیوس تحت تأثیر قرار گرفته است. تا چندین قرن پیش، تمام نژاد بشر ارزش‌های اخلاقی مشابهی داشت. به همین جهت، این نوع روش تزکیه درحقیقت از سیاره‌ی ما نیامده است. آن از سیاره‌ی دیگری آمد، اما این روش می‌تواند برای تزکیه کردن استفاده شود. وقتی این روش تزکیه در آن زمان در چین معرفی شد، مردم چین نتوانستند آن را بپذیرند چراکه آن تزکیه‌ی دوگانه‌ی مرد- زن و بخش دیگری با برخی از تکنیک‌های مخفی داشت. درنتیجه، امپراتور چین در دوره‌ی هویی‌چنگ از سلسله‌ی تانگ آن را ممنوع اعلام کرد. بنابراین این روش ممنوع شد و اجازه پیدا نکرد که در ناحیه‌ی هان آموزش داده شود. در آن زمان، تانتريسم تانگ نامیده شد. اما در تبت که منطقه‌ای بخصوص است و وضعیتی منحصر به‌فرد دارد، انتقال پیدا کرد. چرا آن‌ها به این صورت تزکیه می‌کنند؟ هدف از تزکیه‌ی دوگانه‌ی مرد- زن این است که بین را برای تکمیل کردن یانگ و یانگ را برای تکمیل کردن یین جمع‌آوری کند، به‌طوری که بین و یانگ یکدیگر را تکمیل کنند و یکدیگر را تزکیه کنند تا به هدف متعادل شدن بین و یانگ رسید.

شما می‌دانید، خواه مدرسه‌ی بودا یا مدرسه‌ی دائو، مخصوصاً تئوری بین و یانگ مدرسه‌ی دائو باشد، آن‌ها درباره‌ی این که چگونه بدن بشری به‌طور طبیعی هر دوی بین و یانگ را دارد صحبت می‌کنند. و به‌خاطر این که بین و یانگ، هر دو در بدن انسان وجود دارند، می‌توانند توانایی‌های فوق‌طبیعی مختلف و موجودات مختلفی مثل کودک جوادان، کودکان تزکیه شده، فاشن و غیره را پرورش دهند. بنابراین به‌خاطر این که بین و یانگ هر دو در بدن وجود

دارند، بسیاری از موجودات می‌توانند پرورش یابند. این برای بدن مردانه و زنانه، هر دو صدق می‌کند- آن چیزها می‌توانند همگی در منطقه‌ی دَن‌تی‌ان رشد کنند. بنابراین آن‌چه که آن‌ها می‌گویند صحیح است. مدرسه‌ی دائو معمولاً قسمت بالای بدن را یانگ و قسمت پایین بدن را یین در نظر می‌گیرد. برخی از افراد فکر می‌کنند که پشت بدن یانگ و قسمت جلوی بدن یین است. و افرادی هستند که طرف چپ بدن را یانگ و طرف راست را یین می‌نامند. در چین، گفته‌ای داریم "مرد چپ، زن راست"، این از آن‌جا می‌آید و درست است. بدن بشری به‌طور طبیعی هر دوی یین و یانگ را دارد، بنابراین با تأثیر متقابل یین و یانگ، بدن می‌تواند خودش به تعادل میان یین و یانگ برسد و موجودات بسیار زیادی می‌توانند به‌وجود بیایند.

بنابراین، این روشن می‌کند که چرا بدون استفاده از تزکیه‌ی دوگانه‌ی مرد-زن، هنوز هم می‌توانیم تا سطوح بالا تزکیه کنیم. اگر فردی در تزکیه‌ی خود از تزکیه‌ی دوگانه‌ی مرد-زن استفاده کند، اما نتواند آن‌را به‌خوبی اداره کند، ممکن است به حالتی اهریمنی منتهی شود و تزکیه‌اش تزکیه‌ی شیطانی شود. وقتی تزکیه‌های سطح بالای تانتریک بخواهند تزکیه‌ی دوگانه‌ی مرد-زن را به کار ببرند، لازم می‌دانند که راهبان یا لاماها تا سطوح بسیار بالایی تزکیه کنند و سپس در آن هنگام، استاد، شخص را راهنمایی می‌کند تا آن تزکیه را به انجام برساند. شین‌شینگ آن فرد بالا است، بنابراین می‌تواند آن‌را به‌خوبی اداره کند و مطمئن شود که به چیزی شیطانی تبدیل نخواهد شد. اما آن افرادی که شین‌شینگ پایینی دارند، قطعاً نمی‌توانند از آن استفاده کنند زیرا اگر از آن استفاده کنند مطمئناً در روشی شیطانی می‌افتند. از آن‌جا که شین‌شینگ آن‌ها محدود است- از آن‌جا که از امیال مردم عادی رها نشده‌اند، هنوز شهوت دارند و شین‌شینگ آن‌ها فقط تا این حد است- می‌توانم تضمین کنم که وقتی آن‌را انجام دهند شیطانی خواهد بود. این دلیل آن است که چرا می‌گوییم که اگر بروند و در سطوح پایین آن‌را ترویج دهند مطمئناً در حال ترویج تمرین‌هایی شیطانی هستند.

در سال‌های اخیر، بسیاری از استادان چی‌گونگ، تزکیه‌ی دوگانه‌ی مرد-زن را ترویج داده‌اند. چه چیز آن عجیب است؟ تزکیه‌ی دوگانه‌ی مرد-زن حتی در مدرسه‌ی دائو نیز ظاهر شده است. و این پدیده‌ی مربوط به زمان اخیر نیست، بلکه در زمان سلسله‌ی تانگ شروع شد. چگونه تزکیه‌ی دوگانه‌ی مرد-زن می‌تواند در مدرسه‌ی دائو ظاهر شود؟ تئوری تای‌چی مدرسه‌ی دائو به ما می‌گوید که بدن انسانی مثل جهانی کوچک است و یین و یانگ خود را دارد. تمام آموزش‌های حقیقی و درست از زمان‌های بسیار دوری به ارث رسیده‌اند. اگر آزادانه هر چیزی را که دارید در آن وارد کنید یا هر طور که مایل هستید آن‌را تغییر دهید، آن مدرسه را درهم و برهم می‌کنید و آن قادر نخواهد بود به هدف رسیدن به کمال در تزکیه برسد. بنابراین اگر روش تزکیه‌ای، چیزهای تزکیه‌ی دوگانه‌ی مرد-زن را ندارد، هرگز نباید از آن‌ها استفاده کنید. اگر این کار را انجام دهید به بی‌راهه خواهید رفت و دچار مشکل خواهید شد. به‌طور مشخص بگوییم، در مدرسه‌ی فالون دافایمان، تزکیه‌ی دوگانه‌ی مرد-زن را نداریم و در مورد آن صحبت نخواهیم کرد. ما به این مسئله این‌گونه می‌نگریم.

تزکیه‌ی دوگانه‌ی بدن و ذهن

تزکیه‌ی دوگانه‌ی بدن و ذهن را به تفصیل شرح داده‌ام. منظور از تزکیه‌ی دوگانه‌ی بدن و ذهن این است که درحالی که شین‌شینگ‌تان را تزکیه می‌کنید، درحال تزکیه‌ی بدن‌تان نیز هستید، یا به عبارت دیگر درحال تبدیل بنتی خود هستید. درحالی که بدن شما تبدیل می‌شود و ماده‌ی با انرژی بالا به تدریج جایگزین سلول‌های بشری می‌شود، سرعت پیر شدن کم می‌شود. بدن شما علائم برگشت به جوانی، برگشت تدریجی و تبدیل تدریجی را نشان خواهد داد. وقتی درنهایت ماده‌ی با انرژی بالا به‌طور کامل جایگزین شد، بدن‌تان تماماً به نوع دیگری از بدن فیزیکی تبدیل شده است. آن نوع بدن، شبیه آن‌چه گفتیم، فراسوی پنج عنصر رفته است، دیگر در محدوده‌ی پنج عنصر نیست و بدن‌تان هرگز فاسد نمی‌شود.

تزکیه در معابد فقط مربوط به تزکیه‌ی ذهن است. بنابراین درباره‌ی حرکات یا درباره‌ی تزکیه‌ی بدن صحبت نمی‌کنند. آن‌ها نیروانا را تمرین می‌کنند. روشی که شاکيامونی آموزش داد، نیروانا را لازم می‌داند. درحقیقت، شاکيامونی روش بزرگ پیشرفته‌ای داشت، و قطعاً این توانایی را داشت که بنتی خود را به‌طور کامل به ماده‌ی با انرژی بالا تبدیل کند و با خودش ببرد. اما برای این که روش تزکیه‌ی خود را به جای بگذارد، راه نیروانا را به‌جای آن انتخاب کرد. چرا آن‌را از مردم خواست؟ او خواست مردم تا حد امکان وابستگی‌های‌شان را رها کنند، همه چیز را، حتی درنهایت بدن‌شان را رها کنند، و هیچ وابستگی باقی نماند. او مسیر نیروانا را انتخاب کرد، به‌طوری که مردم تا حدی که می‌توانستند آن‌را انجام دهند و راهبان بودایی در سراسر تاریخ همگی مسیر نیروانا را انتخاب کرده‌اند. منظور از نیروانا این است که وقتی یک راهب می‌میرد بدن فیزیکی‌اش را رها می‌کند و روح او با گونگ وی صعود می‌کند.

مدرسه‌ی دائو بر تزکیه‌ی بدن تمرکز می‌کند. آن‌ها مریدان خود را انتخاب می‌کنند و درباره‌ی نجات همه‌ی موجودات ذی‌شعور صحبت نمی‌کنند، و با افراد بسیار خوبی سر و کار دارند، بنابراین درباره‌ی تکنیک‌ها و این که چگونه بدن را تزکیه کرد صحبت می‌کنند. اما به بیانی دقیق درخصوص روش مدرسه‌ی بودا، مخصوصاً مذهب بودیسم، عموماً این چیزها آموزش داده نمی‌شوند. این‌طور نیست که همه‌ی روش‌ها در مدرسه‌ی بودا آن‌ها را آموزش نمی‌دهند، زیرا بسیاری از روش‌های سطح بالا در مدرسه‌ی بودا نیز این چیزها را آموزش می‌دهند. مدرسه‌ی تزکیه‌ی ما تزکیه‌ی بدن و ذهن را آموزش می‌دهد. در روش فالون دافایمان، ما بنتی و همچنین کودک جاودان را می‌خواهیم. و این دو متفاوت هستند. کودک جاودان بدنی است که از ماده‌ی با انرژی بالا ساخته می‌شود، اما او نمی‌تواند آزادانه خودش را در بُعد ما نشان دهد. برای این که ظاهری مثل ظاهر مردم عادی را در این بُعد در طی دوره‌ای طولانی نگه داریم، باید بنتی خود را داشته باشیم. از این‌رو، پس از تبدیل بنتی، اگرچه ماده‌ی با انرژی بالا جایگزین سلول‌های شما می‌شود، اما طرز قرارگیری مولکول‌ها تغییر نمی‌کند. بنابراین، بدن شما تقریباً شبیه بدن یک فرد عادی به‌نظر می‌رسد. اما هنوز هم یک اختلاف وجود دارد - دقیق بگوییم، این بدن می‌تواند وارد بُعدهای دیگر شود.

روشی که بدن و ذهن را تزکیه می‌کند می‌تواند یک تأثیر دوباره جوان کردن داشته باشد و باعث شود که بسیار جوان‌تر از آن چه که هستید به نظر برسید. روزی شخصی از من سؤال کرد، "معلم، فکر می‌کنید من چند سال دارم؟" درحقیقت او تقریباً ۷۰ سال سن داشت، اما چهل ساله به‌نظر می‌آمد. صورت او چروکی نداشت و لطیف و سرخ و سفید به نظر می‌رسید. کسی که حدود ۷۰ سال سن دارد هرگز نمی‌توانست این‌طور به نظر برسد. اما برای مریدان فالون دافای ما این اتفاق می‌افتد. به‌عنوان شوخی، خانم‌های جوان همیشه دوست دارند آرایش کنند و می‌خواهند چهره‌ی خود را بهتر و زیباتر کنند. می‌توانم به شما بگویم که اگر به‌طور واقعی یک روش تزکیه‌ی بدن و ذهن را انجام دهید، به‌طور طبیعی به آن منظور خواهید رسید، و می‌توانم تضمین کنم که نیاز ندارید آرایش کنید. از این مثال‌ها بیشتر نخواهیم زد. در گذشته، به‌خاطر این که مردم مسن‌تر به نسبت بیشتری در حرفه‌های گوناگون وجود داشتند، من به عنوان مردی جوان به حساب می‌آمدم. این روزها مسائل بهتر می‌شوند و جوان‌ها به نسبت بیشتری در هر حرفه‌ای وجود دارند. درحقیقت، من دیگر جوان نیستم، و به ۵۰ سالگی نزدیک می‌شوم. درحال حاضر ۴۳ ساله هستم.

فاشن

چرا میدانی در اطراف مجسمه‌های بودا وجود دارد؟ بسیاری از مردم نمی‌توانند آن‌را توضیح دهند. بعضی‌ها می‌گویند، "میدانی پیرامون مجسمه‌ی بودا وجود دارد زیرا راهبان، رساله‌ها را در برابر آن به‌صورت دعا می‌خوانند"، یا به‌عبارت دیگر، میدان از عمل تزکیه‌ی راهبان در جلوی مجسمه به‌وجود می‌آید. اما بدون توجه به این که این راهبان باشند یا هر کسی دیگر که آن‌جا تزکیه می‌کند، این نوع انرژی، به‌صورت پراکنده است و جهت‌دار نیست، و میدان باید به‌طور یکنواختی روی کف، سقف‌ها و دیوارهای کل معبد پخش شده باشد. پس چرا فقط مجسمه‌ی بودا است که چنین میدان با قدرتی دارد؟ برای مثال، مجسمه‌های بودا که در کوه‌های دور، در برخی از غارها، یا روی یک صخره

هستند، معمولاً چنین میدانی دارند. چرا چنین میدانی وجود دارد؟ بعضی از مردم آن را به این طریق یا طریقی دیگر توضیح می‌دهند اما هنوز نمی‌توانند برای آن توضیح روشنی بدهند. درواقع، مجسمه‌ی بودا یک میدان دارد زیرا فاشن یک موجود روشن‌بین را دارد. فاشن موجود روشن‌بین آن‌جا است، به همین دلیل مجسمه انرژی دارد.

در این باره بیندیشیم، آیا این صحت ندارد که وقتی شاکيامونی و بودی‌سات‌واگوآن‌یین تزکیه‌شان را انجام می‌دادند، با فرض این که چنین اشخاصی واقعاً وجود داشتند، آن‌ها نیز تزکیه‌کننده بودند؟ وقتی شخصی به سطحی بسیار بالا در تزکیه‌ی فراسوی فای دنیای سه‌گانه می‌رسد، فاشن را رشد می‌دهد. فاشن در ناحیه‌ی پایین شکم، دَن‌تی‌ان متولد می‌شود، او از فا و گونگ ساخته می‌شود و در بُدهای دیگر تجلی می‌یابد. فاشن همان قدرت عظیمی را دارد که شخص دارا هست، اما آگاهی و افکار فاشن توسط موجود اصلی‌اش کنترل می‌شود. اما یک فاشن یک حیات فردی واقعی کامل مستقل نیز دارد، و به همین جهت، می‌تواند خودش هر کاری را به‌طور مستقل انجام دهد. فاشن همان کارهایی را که آگاهی اصلی فرد می‌خواهد انجام دهد، انجام می‌دهد- دقیقاً همان کارها را. اگر شخصی کاری را به شکل بخصوصی انجام دهد، فاشن او آن کار را به همان شکل انجام می‌دهد. منظور ما از "فاشن" این است. وقتی بخواهیم کاری انجام دهیم، مثل تنظیم بدن مریدانی که به‌طور واقعی تزکیه می‌کنند، آن کار تماماً می‌تواند توسط فاشن من انجام شود. فاشن در بُدهای دیگر متجلی می‌شود چراکه بدن بشری ندارد. و شکل آن موجود، ثابت و بدون تغییر نیست. می‌تواند بزرگ و کوچک شود. گاهی اوقات واقعاً بزرگ می‌شود، آن قدر بزرگ که نمی‌توانید تمام سر او را ببینید و گاهی اوقات واقعاً کوچک می‌شود، آن قدر کوچک که حتی کوچک‌تر از یک سلول است.

تبرک

یک مجسمه‌ی بودا که در کارخانه ساخته می‌شود فقط یک قطعه کار هنری است. "تبرک" مراسمی است برای دعوت کردن فاشن یک بودا که بیاید و روی مجسمه‌ی بودا بماند، و پس از آن، مردم مجسمه را به‌عنوان یک جسم عینی درنظر خواهند گرفت تا آن‌را ستایش کنند. وقتی یک تمرین‌کننده قلبی سرشار از احترام دارد و خودش را تزکیه می‌کند، فاشن مجسمه‌ی بودا، فا را برای او محافظت می‌کند، مواظب او بوده و وقتی تزکیه می‌کند او را حمایت می‌کند. هدف واقعی تبرک این است. و فقط توسط افکار درست بیرون فرستاده شده در مراسم رسمی تبرک، یا توسط موجودات روشن‌بین بزرگ در سطوح بالا، یا توسط تزکیه‌کنندگان در سطوح بسیار بالا که این قدرت را دارا هستند می‌تواند به انجام برسد.

در معابد می‌گویند که مجسمه‌های بودا تبرک را لازم دارند و بدون تبرک، مجسمه‌های بودا هیچ فایده‌ای ندارند. این روزها در معابد در بین راهبان، دیگر استادان بزرگ وجود ندارند، همگی در گذشته‌اند. پس از انقلاب فرهنگی بعضی از راهبان تازه‌کار که آموزش واقعی را دریافت نکرده بودند، خادم معابد شدند و خیلی از آموزش‌ها از دست رفتند. اگر از یکی از آن‌ها بپرسید، "هدف از تبرک چیست؟" خواهد گفت، "مجسمه‌ی بودا بعد از تبرک به کار خواهد افتاد". او نمی‌تواند توضیح دهد دقیقاً چگونه آن به کار خواهد افتاد. بنابراین تمام کاری که انجام می‌دهد اجرای یک مراسم است. یک کپی کوچک از برخی از متون مقدس را داخل مجسمه قرار می‌دهد، آن‌را با کاغذی مهر و موم می‌کند و متون مقدس را در برابر آن به‌صورت ذکر می‌خواند. سپس ادعا می‌کند که تبرک انجام شده است. اما آیا آن واقعاً تأثیر تبرک را داشت؟ آن به این بستگی دارد که متون مقدس را چگونه می‌خواند. شاکيامونی درباره‌ی افکار صحیح صحبت کرد- باید متون مقدس را با توجهی یکپارچه بخوانید تا بهشت روشی را که تزکیه می‌کنید واقعاً بلرزانید، و فقط بعد از آن می‌توانید از یک موجود روشن‌بین استدعا کنید. و فقط وقتی یکی از فاشن موجود روشن‌بین به مجسمه‌ی بودا می‌رسد می‌تواند هدف تبرک برآورده شود.

درحالی که برخی از راهبان متون مقدس را به‌صورت ذکر می‌خوانند، با خودشان فکر می‌کنند، "بعد از تبرک، چه مقدار پول به‌دست خواهیم آورد؟" یا درحالی که متون مقدس را به‌صورت ذکر می‌خوانند، ممکن است فکر کنند،

"این یا آن شخص با من بسیار بد رفتار می‌کند". آن‌ها نیز علیه یکدیگر دسیسه می‌کنند و تضادهایی دارند. نمی‌توانید انکار کنید که امروزه در عصر پایان دارما، این اتفاق می‌افتد. این‌طور نیست که این‌جا درحال مورد انتقاد قرار دادن بودیسم باشیم، اما معابد در عصر پایان دارما واقعاً صلح و آرامشی ندارند. همان‌طور که درباره‌ی این چیزها فکر می‌کنند چنین افکار بدی را به بیرون می‌فرستند- چگونه آن موجود روشن‌بین می‌تواند بیاید؟ به هیچ وجه آن نمی‌تواند تأثیر تبرک را داشته باشد. اما این مطلق نیست- هنوز هم تعدادی معابد خوب و دیرهای دائوئیستی وجود دارند که استثنا هستند.

در شهری راهبی را دیدم که دست‌های تیره‌ای داشت. او نوشته‌های مقدس را داخل مجسمه‌ی بودا گذاشت و آن‌را به‌طور ناشیانه‌ای مهر و موم کرد. سپس چندین کلمه را زمزمه کرد و فکر کرد که کار انجام شد. سپس مجسمه‌ی بودای دیگری را برداشت و دوباره چندین کلمه را زمزمه کرد. برای هر تبرک چهل یوآن دستمزد می‌گرفت. این روزها راهبان فکر می‌کنند که آن تجاری است و از تبرک مجسمه‌های بودا پول به‌دست می‌آورند. نظری انداختم و تبرکی ندیدم- او به هیچ‌وجه نمی‌توانست آن کار را انجام دهد. مشکل است باور کرد که حتی راهبان چنین کارهایی را این روزها انجام می‌دهند. می‌دانید چه چیز دیگری مشاهده کردم؟ در یک معبد شخصی بود که به‌نظر می‌آمد یک بودیست غیرروحانی باشد. گفت که آن‌جا درحال انجام تبرک برای یک مجسمه‌ی بودا است. او آینه‌ای را بیرون آورد و آن‌را به سمت خورشید چرخاند به‌طوری که نور خورشید روی مجسمه می‌تابید، و سپس گفت که تبرک انجام شد. این مسئله تا این حد خنده‌دار شده است! امروزه، بودیسم تا چنین مرحله‌ای رسیده که این پدیده‌ای عادی شده است.

در شهر نان‌جین یک مجسمه‌ی برنزی بزرگ بودا ساختند و آن در جزیره‌ی لان‌تائو در هنگ‌کنگ گذاشته شد. آن، مجسمه‌ی بسیار بزرگی از بودا است. بسیاری از راهبان از سراسر دنیا برای انجام تبرک به آن‌جا آمدند. یکی از راهبان برای انعکاس نور خورشید در صورت مجسمه‌ی بودا، آینه‌ای را در مقابل خورشید گرفت، می‌گفت که درحال انجام تبرک برای آن است. چگونه توانستند چنین کاری را در چنین گردهمایی بزرگی، در چنین مراسم مذهبی انجام دهند! می‌گویم واقعاً تأسف بار است! هیچ تعجبی نیست که شاکيامونی بیان کرد که در عصر پایان دارما، برای راهبان مشکل خواهد بود که خود را نجات دهند، چه رسد که دیگران را نجات دهند. به‌علاوه، بسیاری از راهبان، متون مقدس بودیستی را از نظرگاه خودشان تعبیر می‌کنند. حتی نوشته‌های دائوئیستی ملکه مادر غرب به معابد راه یافته است. چیزهایی که متون بودیستی نیستند به معابد راه پیدا کرده‌اند و این، آشفتگی بزرگی را به‌وجود آورده و باعث سردرگمی‌های زیادی شده است. درحال حاضر واقعاً در وضعیت بدی قرار دارد. البته، هنوز هم راهبانی وجود دارند که به‌طور حقیقی تزکیه می‌کنند و کاملاً خوب هستند. تبرک درحقیقت دعوتی از فاشن یک موجود روشن‌بین برای آمدن و باقی ماندن در مجسمه‌ی بودا است- تبرک این است.

اگر تبرک برای مجسمه‌ی بودا به‌طور موفقیت‌آمیزی انجام نشده باشد، قطعاً نمی‌تواند مورد عبادت قرار بگیرد. اگر آن عبادت شود، نتایجی جدی خواهد داشت. نتایج جدی چه هستند؟ افرادی که علم بدن انسان را مطالعه می‌کنند درحال حاضر کشف کرده‌اند که افکار و فعالیت مغزی شخص می‌تواند نوعی ماده تولید کند. در سطوح بالا، می‌توانیم ببینیم که آن واقعاً نوعی ماده است، اما این ماده شبیه امواج مغزی که امروزه با تحقیقات کشف کرده‌ایم نیست. بلکه آن شکل کامل مغز انسان را به خود می‌گیرد. وقتی افراد عادی در زندگی روزانه‌شان درباره‌ی موضوعی فکر می‌کنند، چیزی که به بیرون می‌فرستند، به شکل مغز انسان است، اما به‌سرعت پراکنده می‌شود چراکه انرژی ندارد. اما انرژی یک تمرین‌کننده مدت بیشتری دوام می‌آورد. برخلاف آن‌چه که خیلی از مردم فکر می‌کنند، یک مجسمه‌ی بودا وقتی در کارخانه ساخته می‌شود دارای فکر نیست، به هیچ وجه. بعضی از مجسمه‌های بودا از جریان تبرک نگذشته‌اند و حتی اگر آن‌ها را به یک معبد ببرید، هنوز هم تبرک انجام نخواهد شد. اگر از یک استاد قلابی چی‌گونگ یا کسی از یک روش نادرست درخواست کنید که تبرک را انجام دهد، حتی خطرناک‌تر است- یک روباه یا یک راسو به مجسمه‌ی بودا خواهد رفت.

بنابراین اگر یک مجسمه‌ی بودا که تبرک را نگذرانده است عبادت کنید بسیار خطرناک خواهد بود. چه خطری می‌تواند داشته باشد؟ گفته‌ام امروزه بشر به نقطه‌ای رسیده است که هر چیزی درحال بدتر شدن است، هر چیزی در تمام جامعه و در جهان درحال فاسد شدن است، یکی پس از دیگری، و هر چیزی که برای مردم عادی اتفاق می‌افتد اعمال خودشان است. حتی مشکل است که یک راه درست را پیدا کرد و یک راه درست را دنبال کرد- مزاحمت‌ها از تمام جهات می‌آیند. فرض کنید فردی می‌خواهد به دنبال کمک بودا باشد، اما چه کسی یک بودا است؟ حتی انجام این کار سخت است. اگر این را باور نمی‌کنید، بگذارید برای تان روشن کنم. وقتی اولین شخص نزد یک مجسمه‌ی بودا که از میان تبرک نگذشته باشد برود، در برابر آن تعظیم و ادای احترام کند، ناگهان همه چیز به هم می‌ریزد. به من بگویید، چند نفر از مردمی که برای طلب کمک بودا می‌روند، برای رسیدن به ثمره‌ی حقیقی در تزکیه، آن کار را انجام می‌دهند؟ تعداد خیلی کمی. بنابراین انگیزه‌ی اصلی مردم از عبادت یک بودا چیست؟ نجات پیدا کردن از بدبختی، برطرف کردن مشکلات و به دست آوردن ثروت- آن‌ها به دنبال این چیزها هستند. آیا این چیزها در متون بودیستی هستند؟ چنین چیزهایی اصلاً وجود ندارند.

اگر یک عبادت‌کننده‌ی بودا بخواهد پول به دست بیاورد، وقتی در مقابل مجسمه‌ی یک بودا یا مجسمه‌ی بودی‌سات‌وا گوان‌یین یا مجسمه‌ی یک تاتاگاتا تعظیم کند و بگوید، "خواهش می‌کنم، خواهش می‌کنم به من کمک کن تا پول به دست بیاورم"، خوب، یک فکر کامل شکل می‌گیرد. از آن‌جا که آن‌چه او بیرون می‌فرستد به سوی مجسمه فرستاده می‌شود، بلافاصله روی مجسمه می‌رود. اشیاء در بُعدهای دیگر می‌توانند بزرگ یا کوچک شوند، و وقتی این فکر به این موجود برسد، مجسمه‌ی بودا یک مغز خواهد داشت، و قادر خواهد بود که فکر کند، اما یک بدن نخواهد داشت. سپس افراد دیگر نیز می‌آیند تا آن‌را عبادت کنند، آن‌ها عبادت می‌کنند و عبادت می‌کنند، و آن، مقداری انرژی می‌دهد. اگر عبادت‌کنندگان، تمرین‌کننده باشند حتی خطرناک‌تر است. از لحظه‌ای که آن‌ها شروع به عبادت آن کنند، آن به تدریج شروع به گرفتن انرژی می‌کند. بنابراین آن، یک بدن عینی را شکل می‌دهد، اما این بدن عینی در بُعدی دیگر شکل می‌گیرد. بعد از این که آن شکل می‌گیرد، در بُعدی دیگر به حیات ادامه می‌دهد و قادر است کمی از حقایق جهان را بداند، به همین جهت، می‌تواند کارهایی را برای موجودات بشری انجام دهد، و می‌تواند از این طریق کمی گوناگون گردآوری کند. اما کمکی که می‌دهد با شرط همراه است، قیمتی برای آن وجود دارد. آن آزادانه در آن بُعد دیگر به اطراف می‌رود و به میل خود مردم عادی را کنترل می‌کند. و این بدن عینی دقیقاً ظاهری شبیه مجسمه‌ی بودا دارد. این گونه است که یک بودی‌سات‌وا گوان‌یین تقلبی یا یک تاتاگاتای دروغین از طریق عبادت به وجود می‌آید- آن‌ها به وسیله‌ی عبادت مردم خلق می‌شوند، و درست شبیه مجسمه‌های بودا هستند و ظاهر یک بودا را به خود می‌گیرند. ذهن بودای تقلبی یا بودی‌سات‌وای دروغین فاسد است- آن به دنبال پول است. آن در بُعدی دیگر خلق می‌شود. قادر است که فکر کند و کمی از حقیقت را می‌داند. آن جرأت نمی‌کند کارهای بد جدی‌ای را انجام دهد، اما جرأت انجام دادن کارهای کمی بد را دارد. و گاهی اوقات به مردم کمک می‌کند. اگر به مردم کمک نمی‌کرد کاملاً اهریمنی می‌بود و کشته می‌شد. چگونه به مردم کمک می‌کند؟ ممکن است کسی دعا کند، "بودا خواهش می‌کنم، خواهش می‌کنم، به من کمی کمک کن. در خانواده‌ی من این یا آن، بیمار است." "مطمئن باش، به تو کمک می‌کنم." باعث خواهد شد که در جعبه‌ی بخشش پول بگذارید، چراکه ذهنش به دنبال پول است. وقتی مقدار زیادی پول در آن جعبه بیندازید به شخص کمک می‌کند که سریع‌تر خوب شود. آن مقداری انرژی دارد، بنابراین قادر است که از بُعدی دیگر یک فرد عادی را کنترل کند. اگر کسی که گوناگون دارد برود و آن‌را عبادت کند حتی خطرناک‌تر است. بگذارید ببینیم، برای چه این تمرین‌کننده دعا می‌کند؟ پول؟ دربار‌ی این بیندیشید- چرا یک تمرین‌کننده پول می‌خواهد؟ حتی دعا کردن برای رها شدن خانواده‌تان از بدبختی و بیماری، یک وابستگی احساسات نسبت به خانواده‌تان است. شما می‌خواهید سرنوشت مردم دیگر را کنترل کنید، اما هر کسی سرنوشت خودش را دارد! اگر او را عبادت کنید و زیر لب بگویید، "خواهش می‌کنم، خواهش می‌کنم به من کمک کن کمی پول دارتر شوم." "بسیار خوب"، به شما کمک می‌کند. خیلی دلش می‌خواهد کاری کند که پول بیشتری درخواست کنید. هرچه بیشتر پول بخواهید، چیزهای بیشتری را

می‌تواند از شما بردارد. معامله‌ی منصفانه‌ای است. پول زیادی هست که افراد دیگر در جعبه‌ی بخشش ریخته‌اند و می‌گذارد که مقداری از آن را به‌دست آورید. چگونه پول به‌دست می‌آورید؟ ممکن است همین‌طوری کیف پولی پیدا کنید، یا ممکن است پاداشی از محل کارتان بگیرید. به هر زحمتی می‌افتد تا شما پول را به‌دست آورید. اما چگونه می‌تواند بدون شرط به شما کمک کند؟ بدون از دست دادن، چیزی به‌دست نمی‌آید. آن مقداری از گونگ شما را اگر به آن نیاز داشته باشد برمی‌دارد، یا ذن یا چیزهای دیگری را که تزکیه کرده‌اید برمی‌دارد. او به‌دنبال این چیزها است.

گاهی اوقات این بوداهای دروغین می‌توانند بسیار خطرناک شوند. بسیاری از تمرین‌کنندگان ما که چشم سوم‌شان باز است فکر می‌کنند که بوداها را دیده‌اند. کسی بود که گفت گروهی از بوداها یک روز به معبدی آمدند، و یکی از آن به اصطلاح بوداها چنین و چنان نامی داشت، و او گروه را رهبری می‌کرد. این شخص درباره‌ی این صحبت می‌کرد که گروه دیروزی چگونه بود، گروه امروزی چگونه است و چگونه آن گروه مدتی ماند و ترک کرد، چگونه گروه دیگر کمی بعد از آن آمد، و مانند آن. آن‌ها چه کسانی هستند؟ دقیقاً همان‌هایی هستند که درباره‌ی آن‌ها صحبت کردم- آن‌ها بوداهای واقعی نیستند، بلکه بوداهای ساختگی هستند. شبیه آن‌ها بسیار وجود دارند.

اگر یک معبد این مشکل را داشته باشد حتی خطرناک‌تر است. وقتی یک راهب آن را عبادت می‌کند، مسئولیت او را به عهده خواهد گرفت. "آیا مرا عبادت نمی‌کنی؟ مشخص است که درحال عبادت من هستی! خوب، آیا نمی‌خواهی تزکیه کنی؟ از تو مواظبت خواهم کرد. تزکیه‌ی تو را برنامه‌ریزی خواهم کرد." بنابراین چیزهایی را برای شما تدارک خواهد دید، اما تزکیه‌تان شما را کجا خواهد برد؟ حالا که بر طبق تدارک آن، تزکیه کرده‌اید، هیچ مدرسه‌ای در آسمان‌ها شما را قبول نخواهد کرد. آن تزکیه‌ی شما را برنامه‌ریزی کرد، بنابراین از حالا به بعد تحت راهنمایی آن خواهید بود. پس آیا تزکیه‌ی شما بی‌ثمر نخواهد بود؟ می‌گویم که درحال حاضر برای موجودات بشری بسیار مشکل است که از طریق تزکیه، ثمره‌ی حقیقی را به‌دست بیاورند. این پدیده خیلی رایج است. وقتی بسیاری از ما نور بودا را در کوه‌های معروف و دره‌های مشهور می‌بینیم، اکثر آن‌ها چیزی شبیه این هستند. آن‌ها انرژی دارند و می‌توانند خودشان را نشان دهند. اما یک موجود روشن‌بین بزرگ حقیقی به‌ندرت خود را نشان می‌دهد.

در گذشته، تعداد کمی از به اصطلاح "بوداهای زمینی" و "دائوهای زمینی" وجود داشتند، اما درحال حاضر تعداد بسیار زیادی از آن‌ها وجود دارند. وقتی کارهای بدی انجام می‌دهند، آسمان آن‌ها را خواهد کشت، و وقتی بدانند که زندگی‌شان در خطر است، به سرعت خود را به آن مجسمه‌های بودا می‌رسانند. موجودات روشن‌بین بزرگ قوانین حاکم بر مردم عادی را مختل نمی‌کنند. هرچه سطح یک موجود روشن‌بین بالاتر باشد، به احتمال کمتری علیه قوانین مردم عادی اقدام خواهد کرد- حتی یک ذره هم آن‌ها را نمی‌شکند. با این وجود، او نمی‌تواند ناگهان یک مجسمه‌ی بودا را با رعد و برق خرد کند. قطعاً چنین کاری را نخواهد کرد. بنابراین وقتی آن فرار می‌کند و روی یک مجسمه‌ی بودا می‌رود، او آن را به حال خودش می‌گذارد. آن می‌داند که چه وقت زندگی‌اش در خطر است، بنابراین فرار می‌کند. پس آیا بودی‌ساتوا گوان‌یینی که می‌بینید، بودی‌ساتوا گوان‌یین واقعی است؟ آیا بودایی که می‌بینید، بودای واقعی است؟ مشکل بتوان گفت.

این مشکل باعث شده که بسیاری از ما درباره‌ی چیزی مرتبط با این موضوع فکر کنیم، "درباره‌ی مجسمه‌های بودا در خانه چه کار باید کنیم؟" شاید تعدادی از این افراد به فکر من افتاده‌اند. برای این که به شاگردانم کمک کنم که تزکیه کنند، به شما می‌گویم که می‌توانید این کار را انجام دهید: کتاب (زیرا کتاب عکس مرا دارد) یا عکس مرا بردارید و مجسمه‌ی بودا را در دست‌تان نگه دارید. حالت دست گل نیلوفر آبی بزرگ را انجام دهید، گویی درحال کمک خواستن از من هستید، و از معلم‌تان برای تبرک درخواست کنید. تبرک در عرض نیم دقیقه انجام خواهد شد. اما می‌خواهم به شما بگویم، این کار فقط برای تزکیه‌کنندگان ما می‌تواند انجام داده شود- اگر برای دوستان یا خانواده‌ی خود انجام دهید عمل نخواهد کرد. ما فقط آن را برای تزکیه‌کنندگان انجام می‌دهیم. برخی افراد می‌گویند که عکس

مرا به خانه‌ی دوستان و خانواده‌شان می‌برند تا ارواح شیطانی را دور برانند، اما عکس من برای دور راندن ارواح شیطانی برای مردم عادی نیست. این بدترین بی‌احترامی است که می‌توانید نسبت به معلم‌تان انجام دهید.

حالا که در مورد بوداهای زمینی و دائوهای زمینی صحبت کردیم، مسئله‌ی دیگری وجود دارد. در چین باستان، افراد زیادی بودند که در کوه‌های دور و اعماق جنگل‌ها تزکیه می‌کردند. اما چرا امروزه در آن مناطق کسی نیست؟ درحقیقت، آن‌ها ناپدید نشده‌اند. فقط اجازه نمی‌دهند مردم عادی چیزی درباره‌ی آن‌ها بدانند، حتی تعدادشان نیز کمتر نشده است. این افراد همگی توانایی‌های فوق‌طبیعی دارند. این‌طور نیست که در طول این سال‌ها ناپدید شده‌اند، آن‌ها هنوز هم این طرف و آن طرف هستند. هنوز هم چندین هزار نفر از این افراد در دنیا وجود دارند. کشور ما نسبتاً تعداد بیشتری از آن‌ها را دارد، مخصوصاً در آن کوه‌های مشهور و در امتداد دره‌های بزرگ. آن‌ها در برخی از کوه‌های مرتفع دیگر نیز یافت می‌شوند. آن‌ها از توانایی‌های فوق‌طبیعی استفاده می‌کنند تا درب غارهای‌شان را مهر و موم کنند، و این دلیل آن است که چرا نمی‌توانید نشانه‌ای مبنی بر وجود آن‌ها ببینید. تزکیه‌ی آن‌ها کاملاً کند است، روش‌های‌شان تقریباً ناشیانه است، و آن‌ها قادر نیستند به اساس و جوهر تزکیه پی ببرند. اما ما، در مقابل، مستقیماً روی ذهن شما تمرکز می‌کنیم، ما با پیروی از والاترین سرشت جهان تزکیه می‌کنیم، و ما با پیروی از شکل جهان تزکیه می‌کنیم. بنابراین طبیعی است که گونگ ما سریع رشد می‌کند. روش‌های تزکیه به شکل یک هرم جمع می‌شوند، بنابراین فقط مسیر میانی، راه بزرگ است. شخصی که در تزکیه، مسیرهای جانبی را برمی‌گزیند ممکن است شین‌شینگ بالایی نداشته باشد، و ممکن است بدون این که به سطح بالایی از تزکیه رسیده باشد روشن‌بین شود. اما آن‌ها از راه بزرگ تزکیه‌ی حقیقی بسیار دور هستند.

آن‌ها نیز آموزش‌های‌شان را منتقل می‌کنند و به مریدان آموزش می‌دهند. از آن‌جا که روش تزکیه‌ی آن‌ها می‌تواند فقط تا سطحی برسد که متناسب با سطح شین‌شینگ آن‌ها است، مریدانی که آموزش می‌دهند همگی تا همان سطح تزکیه می‌کنند. هرچه مسیرهای فرعی دنیوی به حاشیه‌ها نزدیک‌تر باشند، شرایط و درخواست‌های بیشتری وجود دارد. شیوه‌های نیایشی آنان پیچیده است و آن‌ها نمی‌توانند به اساس و جوهر تزکیه پی ببرند. وقتی یک شخص تزکیه می‌کند او روی تزکیه‌ی شین‌شینگ خود تمرکز می‌کند. اما آن‌ها به این پی نبرده‌اند- فکر می‌کنند که برای تزکیه، سختی کافی است. به همین جهت، بعد از مدت زمانی طولانی، بعد از صدها سال یا حتی هزار سال تزکیه، فقط مقدار کمی گونگ رشد می‌دهند. اما حقیقت این است که گونگ آن‌ها از آن سختی‌هایی که از میان آن‌ها می‌گذرند نمی‌آید. پس از کجا می‌آید؟ این درست مثل هر شخص است: وقتی او جوان است وابستگی‌های بسیار زیادی دارد، و هنگامی که پیرتر می‌شود، همان‌طور که زمان می‌گذرد وابستگی‌هایش به‌طور طبیعی رها می‌شود یا تحلیل می‌رود و امیدش به آینده کم‌رنگ می‌شود. این شیوه‌ای است که آن روش‌های مسیر فرعی برگزیده‌اند. آن‌ها پی بردند که وقتی در مسیر تزکیه پیش می‌روند می‌توانند از طریق مدیتیشن، از طریق قدرت تمرکزشان و تحمل سختی‌ها گونگ‌شان را افزایش دهند. اما نمی‌دانند که وابستگی‌های افراد عادی‌شان در طول آن زمان سخت طولانی به کندی تحلیل رفته، یا پس از این که آن وابستگی‌ها را ذره ذره از دست دادند گونگ‌شان رشد کرده است.

اما ما وابستگی‌ها را هدف قرار می‌دهیم و به‌طور حقیقی به آن‌ها اشاره می‌کنیم به‌طوری که بتوانیم آن‌ها را از بین ببریم، و به این طریق در تزکیه رشد سریعی خواهیم داشت. مکان‌هایی هستند که به آن‌جا رفته‌ام، جاهایی که اغلب به‌طور اتفاقی با افرادی برخورد می‌کردم که سال‌های زیادی تزکیه کرده‌اند. آن‌ها گفتند، "هیچ کسی نمی‌داند ما این‌جا هستیم. با آن‌چه که درحال انجام آن هستی مداخله نخواهیم کرد، و هیچ مشکلی برای تو به‌وجود نخواهیم آورد." آن‌ها افرادی نسبتاً خوب هستند.

اما افراد بدی هم وجود دارند، و مجبور بوده‌ایم با آن‌ها سر و کار داشته باشیم. مثالی برای شما می‌زنم. اولین باری که برای منتقل کردن تمرین به استان گویی‌جو رفتم، فردی بود که درست در وسط یکی از کلاس‌هایم وارد شد. او گفت که استاد بزرگش می‌خواهد مرا ببیند و این که استاد بزرگش چنین و چنان است و سال‌های بسیار زیادی است

که تزکیه کرده است. پی بردم که این شخص چی منفی داشت و صورتش زرد و رنگ پریده به نظر می آمد. گفتم وقت ندارم و نفرتم او را ببینم، او را رد کردم. این کار، استاد بزرگ او را واقعاً به هم ریخت و شروع کرد برای من دردسر درست کند. در تمام مدت سر به سر من می گذاشت. من شخصی هستم که دوست ندارم با دیگران دعوا کنم، به هر حال، او حتی ارزش دعوا را نداشت. هر زمان که چیزهای بدی برای من می فرستاد، آن ها را پاک می کردم. بعد از آن، به آموزش فای خود ادامه می دادم.

دائوئیستی در سلسله میینگ وجود داشت که در زمان تزکیه اش به وسیله ی یک مار تسخیر شد. او هرگز تزکیه اش را تمام نکرد، درگذشت و مار بدن او را تصاحب کرد و نهایتاً یک شکل انسانی را تزکیه کرد. استاد بزرگ آن مرد، آن مار در شکلی انسانی بود. سرشت او تغییر نکرده بود، به همین جهت به مار بزرگی تبدیل می شد تا سر به سر من بگذارد. فکر کردم که او بیش از حد خود جلو رفته است، بنابراین او را در دستم گرفتم و از گونگی بسیاری قوی به نام "گونگ حل کننده" استفاده کردم تا قسمت پایین بدن او را ذوب و به آب تبدیل کنم. قسمت بالای بدن او خزید و به همان جایی که از آن جا آمده بود برگشت.

یک روز یکی از پیروان جوان او با دستیار مسئول مرکز دستیاری شهر گویی جو تماس گرفت و به آن خانم گفت که استاد بزرگش می خواهد او را ببیند. دستیار به آن جا رفت. داخل غاری تاریک شد و نمی توانست چیزی ببیند، به جز سایه ای که آن جا با چشمانی که نوری سبز می تاباند نشسته بود. وقتی چشم ها باز می شد، غار روشن می شد و وقتی چشم ها بسته می شد غار دوباره تاریک می شد. او با لهجه ای محلی گفت، "لی هنگجی دوباره باز خواهد گشت. این بار هیچ یک از ما آن کارها را نخواهیم کرد. من اشتباه می کردم. لی هنگجی این جا است که مردم را نجات دهد". پیرو او از او سؤال کرد، "استاد بزرگ، لطفاً بلند شوید. پاهای شما چه مشکلی دارند؟" او پاسخ داد، "دیگر نمی توانم بایستم. پاهایم صدمه دیدند". وقتی از او سؤال شد که چگونه صدمه دیدند، شروع کرد به صحبت درباره ی این که چگونه مشکل درست می کرد. اما پس از آن در سال ۱۹۹۳ در نمایشگاه سلامت آسیایی در پکن، دوباره سر به سر من گذاشت. او همیشه کارهای بدی انجام می داد و سعی می کرد آموزش دافای مرا خراب کند، بنابراین او را کاملاً از بین بردم. بعد از این که از بین رفت، برادران و خواهران دنباله رو او همگی خواستند اقدامی انجام دهند. در آن زمان، چند کلمه ای به آن ها گفتم و آن ها شوکه شدند، واقعاً هراسان شدند. هیچ یک جرأت نکردند کاری انجام دهند - فهمیدند موضوع از چه قرار بود. با این که برای زمانی طولانی تزکیه کرده بودند هنوز هم بعضی از آن ها افرادی کاملاً عادی بودند. این مثال ها را برای کمک به شما در درک موضوع تبرک عنوان کردم.

جویوکه

جویوکه چیست؟ بسیاری از مردم در چرخه ی تزکیه، در جریان اشاعه ی تمرین شان آن را به عنوان قسمتی از تزکیه آموزش داده اند. اما حقیقت این است که آن قسمتی از تزکیه نیست. این شبیه نوعی ترفند، وردخوانی، یا تکنیک است که منتقل می شود. شکلی که آن استفاده می کند - مثلاً کشیدن علائم جادویی، روشن کردن عود، آتش زدن کاغذ و خواندن ورد و چنین چیزهایی - می تواند مردم را شفا دهد و روش های معالجه ی آن منحصر به فرد است. به عنوان مثال، اگر کسی در صورتش تبخال زده باشد، تمرین کننده ی جویوکه، قلم مویی را در جوهری از سولفور جیوه فرو می کند و دایره ای روی زمین می کشد و یک "x" در وسط آن ترسیم می کند. سپس از شخص می خواهد که در وسط دایره بایستد، و شروع به خواندن وردهایی می کند. سپس از قلم مویی که در جوهری از سولفور جیوه فرو رفته استفاده می کند تا دایره هایی در صورت شخص بکشد. همان طور که دایره ها را می کشد وردها را نیز می خواند. به کشیدن ادامه می دهد تا این که یک نقطه در تبخال می گذارد و خواندن وردها نیز در آن موقع تمام می شود. سپس به شخص می گوید که آن درمان شده است. شخص پی می برد که تبخال واقعاً کوچک تر شده و وقتی آن را لمس می کند درد ندارد. آن مؤثر بود. آن ها می توانند بیماری های جزئی را درمان کنند، اما نمی توانند مشکلات وخیم را درمان کنند.

اگر بگویید بازوی شما درد می‌کند چه کار خواهد کرد؟ شروع به خواندن وردهایی می‌کند و از شما می‌خواهد بازوی‌تان را بیرون نگه دارید، به نقطه‌ی طب سوزنی هِگویی این دست شما فوت می‌کند و می‌گذارد که آن از نقطه‌ی طب سوزنی هِگویی دست دیگرتان بیرون بیاید، و شما نسیمی از هوا را احساس خواهید کرد. وقتی دوباره بازوی‌تان را لمس کنید، مثل قبل درد نخواهد داشت. و آن‌ها از روش‌های دیگری نیز استفاده می‌کنند، مانند سوزاندن تکه‌های کاغذ برای مرده، کشیدن علائم جادویی، آویختن طلسم‌ها و مانند آن. آن‌ها این کارها را انجام می‌دهند.

در مسیرهای کوچک دنیوی مدرسه‌ی دائو، آن‌ها زندگی را تزکیه نمی‌کنند. آن‌چه که انجام می‌دهند تماماً فال‌بینی، خواندن فِنگ شویی، راندن ارواح پلید با دعا و ورد، و شفا دادن بیماری‌ها است، و اکثر مسیرهای کوچک دنیوی از جویوکه استفاده می‌کنند. آن می‌تواند بیماری‌ها را شفا دهد، اما روش‌هایی که به کار می‌برد خوب نیست. ما به روش‌هایی که به کار می‌برد نخواهیم پرداخت، اما تمرین‌کنندگان ما که دافا را تزکیه می‌کنند نباید از آن استفاده کنند چراکه آن، پیام‌های سطح پایین واقعاً بدی دارد. در چین باستان، روش‌های شفادهنده را به موضوعاتی تقسیم‌بندی کردند، مثل روش‌های شکسته‌بندی، طب سوزنی، ماساژ، کایرو پراکتیک، طب فشار، شفادهی چی‌گونگ، طب گیاهی و مانند آن، و آن‌ها به دسته‌های بسیاری تقسیم‌بندی شدند. هر روش شفادهنده یک رشته نامیده شد، و جویوکه به‌عنوان رشته‌ی سیزدهم فهرست شد. این دلیل آن است که چرا نام کامل آن "رشته‌ی شماره‌ی سیزده جویوکه" است. جویوکه قسمتی از تزکیه نیست. آن از گونگ که در تزکیه به‌دست می‌آورد نمی‌آید. فقط چیزی مثل یک تکنیک است.

سخنرانی ششم

جنون حاصل از تزکیه

در حوزه‌ی تزکیه‌کنندگان، اصطلاحی به نام جنون حاصل از تزکیه وجود دارد. آن تأثیر بسیار بزرگی بر عموم داشته است. بخصوص، بعضی از مردم آن قدر آن را منتشر و توزیع کرده‌اند که برخی افراد از انجام چی‌گونگی می‌ترسند. وقتی مردم می‌شنوند که تمرین چی‌گونگی ممکن است تزکیه را به جنون بکشاند، از آن که آن را شروع کنند بیش از حد وحشت می‌کنند. درحقیقت، بگذارید بگویم که جنون حاصل از تزکیه به هیچ‌وجه وجود ندارد.

عده‌ای از افراد در نتیجه‌ی درست نبودن فکرشان، به تسخیر ارواح یا حیوانات درآمده‌اند. خودآگاه اصلی آن‌ها صاحب‌اختیار نیست و با این حال فکر می‌کنند که آن چی‌گونگی است. بدن آن‌ها به‌وسیله‌ی ارواح یا حیوانات تسخیر کننده فرمان می‌گیرد، آن‌ها را ذهناً سردرگم می‌کند یا این که وادار به جیغ زدن و نعره کشیدن می‌کند. وقتی مردم می‌بینند که تمرین چی‌گونگی بدین صورت است، بیش از حد وحشت‌زده می‌شوند که تمرین کنند. بسیاری از شما فکر می‌کنید که این چی‌گونگی است، اما چگونه این می‌تواند تمرین چی‌گونگی باشد؟ این فقط در ارتباط با سطح بسیار پایینی از شفا یافتن و خود را سالم نگه‌داشتن است. اما این بسیار خطرناک است. اگر به این صورت عادت کنید و خودآگاه اصلی تان خودش را کنترل نکند، بدن تان ممکن است به‌وسیله‌ی خودآگاه کمکی، پیام‌های خارجی، ارواح یا حیوانات تسخیر کننده و غیره کنترل شود، ممکن است کارهای بدی انجام دهد و باعث صدمه‌ی بزرگی به اجتماع تزکیه‌کنندگان شود. این به‌وسیله‌ی درست نبودن فکر افراد و وابستگی خودنمایی‌شان به وجود می‌آید. این جنون حاصل از تزکیه نیست. هیچ کسی نمی‌داند چگونه بعضی از افراد به اصطلاح استاد چی‌گونگی شده‌اند، زیرا آن‌ها نیز به جنون حاصل از تزکیه اعتقاد دارند. درواقع، تمرین چی‌گونگی نمی‌تواند شخص را به جنون حاصل از تزکیه بکشاند. اغلب مردم این اصطلاحات را از نوشته‌های ادبی، رمان‌های هنرهای رزمی و غیره می‌آموزند. اگر به آن اعتقاد ندارید، می‌توانید به کتاب‌های قدیمی یا کتاب‌های تزکیه رجوع کنید، چنین چیزی در آن کتاب‌ها وجود ندارد. چگونه می‌تواند جنون حاصل از تزکیه وجود داشته باشد؟ غیرممکن است چنین چیزی اتفاق بیفتد.

جنون حاصل از تزکیه‌ای که مردم معمولی به آن اعتقاد دارند چندین شکل دارد. آن چه را که هم‌اکنون ذکر کردم نیز یکی از این موارد است. از آن جا که فکر شخص درست نیست، ارواح یا حیوانات تسخیر کننده را به خود جذب می‌کند و ذهنیت‌های متفاوتی مثل طلب کردن "حالت چی‌گونگی" را رشد می‌دهد تا خودنمایی کند و غیره. بعضی از افراد حتی در جستجوی توانایی‌های فوق‌طبیعی هستند یا چی‌گونگی قلابی را تمرین کرده‌اند. وقتی آن‌ها چی‌گونگی را تمرین می‌کنند، عادت دارند خودآگاه اصلی‌شان را رها کنند. آن‌ها آگاهی‌شان را به هر چیزی از دست می‌دهند و بدن‌شان را به دیگران تقدیم می‌کنند. آن‌ها ذهناً سردرگم شده و می‌گذارند بدن‌شان به‌وسیله‌ی خودآگاه کمکی یا پیام‌های خارجی فرمان بگیرد. بعضی رفتارهای عجیب را به نمایش می‌گذارند. اگر به چنین شخصی گفته شود که از بالای یک ساختمان به پایین بپرد یا در آب شیرجه رود، این کار را خواهد کرد. خود او حتی تمایلی به زندگی کردن ندارد و می‌خواهد بدنش را به دیگران واگذار کند. این جنون حاصل از تزکیه نیست، بلکه می‌توانید

بگویید که او به گمراهی رفته و این به خاطر این که در آغاز به صورت عمدی به این شکل رفتار کرد به وجود آمد. بسیاری از مردم فکر می کنند که به طور غیر عمدی تاب خوردن بدن شان به اطراف، یک تمرین چی گونگ است. درحقیقت، اگر شخصی به طور واقعی در این حالت، چی گونگ را تمرین کند، پیامدهای وخیمی خواهد داشت. آن تمرین چی گونگ نیست، بلکه نتیجه ای از وابستگی ها و طلب های مردم عادی است.

مورد دیگری که در تمرین چی گونگ وجود دارد این است که وقتی چی در جایی از بدن تراکم پیدا می کند یا نمی تواند از بالای سر شخص پایین بیاید او می ترسد. بدن بشری جهانی کوچک است. مخصوصاً در روش های دائیوئیستی وقتی چی از میان یک کانال می گذرد، شخص دچار این مشکلات می شود. اگر چی نتواند از میان کانال بگذرد، در آن جا متوقف خواهد شد. این نه تنها می تواند در سر اتفاق بیفتد، بلکه در قسمت های دیگر بدن نیز اتفاق می افتد؛ به هر حال، حساس ترین جای یک شخص، سر او است. چی به بالای سر صعود می کند و سپس پایین می آید. اگر چی نتواند از میان یک کانال رد شود، شخص چنان احساسی را تجربه می کند که سر بسیار سنگین و متورم به نظر می آید مثل این که کلاه سنگینی از چی به سر دارد و غیره. اما چی نه می تواند چیزی را کنترل کند و نه می تواند باعث مشکلی شود یا بیماری به وجود بیاورد. بعضی از مردم حقیقت را درباره ی چی گونگ نمی دانند و یک سری نظرهای اسرارآمیز دارند که باعث هرج و مرج شده است. از این رو، مردم معتقدند که اگر چی به بالای سر صعود کند و نتواند پایین بیاید، شخص جنون از تزکیه خواهد گرفت و به گمراهی خواهد رفت، و این باعث شده است که بسیاری از مردم بترسند.

اگر چی به بالای سر برسد و نتواند پایین بیاید، فقط وضعیتی موقتی است. در مورد بعضی از افراد، آن می تواند زمانی طولانی یا حتی نیم سال طول بکشد و هنوز هم پایین نیاید. اگر علتش آن باشد، شخص می تواند یک استاد واقعی چی گونگ را پیدا کند تا آن را هدایت کند و سپس می تواند پایین بیاید. در تمرین چی گونگ، برای افرادی از شما که چی تان نتوانسته از میان یک کانال رد شود یا پایین بیاید، باید در جستجوی دلایلی در شین شینگ خود باشید، آیا من برای مدت زیادی در آن سطح باقی مانده ام و حالا زمان آن است که شین شینگ خود را ترفیع دهم؟ زمانی که به طور واقعی شین شینگ خود را ارتقاء می دهید، خواهید یافت که چی پایین می آید. نمی توانید بدون تأکید بر رشد شین شینگ تنها در طلب تبدیل گونگ در بدن فیزیکی تان باشید. مشکل آن جا خواهد ماند تا این که شین شینگ تان رشد کند و فقط بعد از آن تغییرات همه جانبه اتفاق می افتد. اگر چی واقعاً مسدود باشد، هنوز هم نمی تواند باعث مشکلی شود. معمولاً این ذهن ما است که مشکلات را به وجود می آورد. به علاوه، بعد از این که شخص از یک استاد قلابی چی گونگ می شنود که وقتی چی به بالای سر برسد ممکن است مشکلی پیش آید، می ترسد. وقتی می ترسد، می تواند برای او مشکلی واقعی به وجود بیاورد. وقتی می ترسید، این، وابستگی ترس است. آیا آن یک وابستگی نیست؟ زمانی که وابستگی شما ظاهر می شود، آیا نباید رها شود؟ هرچه بیشتر بترسید، بیشتر بیمار به نظر می رسید. آن وابستگی شما باید از بین برود. این جریان برای این است که شما را وادار کند که از آن درسی بگیرید، از شر وابستگی ترس خلاص شوید و خود را رشد دهید.

یک تمرین کننده در تزکیه ای که پیش رو دارد احساس خوشایند و مطبوعی نخواهد داشت، انواع زیادی از گونگ در بدن تان ظاهر خواهد شد، تمام آن ها چیزهایی بسیار با قدرت هستند که در داخل بدن حرکت کرده و باعث می شوند به این یا آن طریق احساس ناراحتی داشته باشید. دلیل این که ناراحتی خواهید داشت این است که اصولاً همیشه از این که بیمار شوید می ترسید. درحقیقت، چیزهایی که در بدن شما رشد کرده اند کاملاً با قدرت بوده و همه ی آن ها گونگ، توانایی های فوق طبیعی و بسیاری موجودات دیگر هستند. اگر آن ها در اطراف بدن تان حرکت کنند، از نظر جسمی احساس خارش، درد، معذب بودن و غیره خواهید کرد. انتهای اعصاب بسیار حساس است و انواع و اقسام حالت های تزکیه می توانند ظاهر شوند. تا زمانی که بدن شما به طور کامل به ماده ی با انرژی بالا تبدیل نشده است، به این شکل احساس خواهید کرد. به هر صورت به آن باید به صورت یک مورد خوب نگاه کرد. به عنوان یک

تمرین کننده، اگر همیشه با خودتان مثل یک فرد عادی برخورد کنید و همیشه فکر کنید که بیمار هستید، چگونه می‌توانید تزکیه کنید؟ وقتی که درد و محنتی در تزکیه پیش آید، اگر هنوز هم با خودتان مثل یک فرد عادی برخورد کنید، پس می‌توانم بگویم که شین‌شینگ شما در همان لحظه به سطح مردم عادی سقوط کرده است. حداقل در رابطه با این موضوع بخصوص، به سطح یک فرد عادی سقوط کرده‌اید.

اگر می‌خواهید یک تمرین کننده‌ی واقعی باشید، باید به مسائل از سطحی بسیار بالا نگاه کنید و نمی‌توانید از نظرات مردم عادی برای تفسیر کردن چیزها استفاده کنید. وقتی فکر می‌کنید که بیمار هستید، ممکن است واقعاً بیماری را ایجاد کنید. زیرا وقتی یک بار پنداشتید که بیمار هستید، سطح شین‌شینگ شما به اندازه‌ی مردم عادی خواهد بود. تمرین چی‌گونگ و تزکیه‌ی واقعی و حتی حالت تزکیه به بیماری ختم نمی‌شود. این برای همه روشن است که آن‌چه واقعاً باعث بیماری مردم می‌شود هفتاد درصد ذهنی و سی درصد جسمی است. معمولاً، شخص ابتدا از نظر ذهنی فرو می‌ریزد و فکر نمی‌تواند از پس آن برآید و او قبل از این که شرایط بیماری به‌طور چشم‌گیری بدتر شود از یک بار سنگین ذهنی زجر می‌برد. و این معمولاً به این صورت است. به‌طور مثال، زمانی شخصی بود که او را محکم به تخت بسته بودند. یکی از بازوهای او را گرفته و بیان کردند که می‌خواهند آن را ببرند تا خون از آن جاری شود. سپس چشمان او را با پارچه‌ای بستند و مچ دست او را خراشیدند. (دست او در اصل بریده نشده بود و خون نمی‌آمد.) یک شیر آب را باز گذاشتند به‌طوری که او می‌توانست چکیدن آب را بشنود و فکر می‌کرد که خون او می‌چکد. آن مرد بعد از زمان کوتاهی درگذشت. درحقیقت، او زخمی نشده بود و خونریزی نداشت، این آب بود که جریان داشت و می‌چکید. ذهنش باعث مرگ او شد. اگر همیشه فکر کنید که بیمار هستید، احتمالاً خودتان را در نهایت بیمار خواهید کرد. زیرا شین‌شینگ شما به سطح یک فرد عادی سقوط کرده است و البته یک فرد عادی بیماری‌هایی خواهد داشت.

به‌عنوان یک تمرین کننده، اگر همیشه فکر کنید که این یک بیماری است، درحقیقت برای آن تقاضا می‌کنید. اگر یک بیماری را بخواهید، به داخل جسم شما خواهد آمد. به‌عنوان یک تمرین کننده، سطح شین‌شینگ شما باید بالا باشد. نباید همیشه نگران باشید که آن یک بیماری است، زیرا این ترس از بیماری یک وابستگی است و درست به همان شکل برای تان مشکل درست خواهد کرد. در عمل تزکیه لازم است که شخص کارما را از بین ببرد و آن درناک است. چگونه می‌توانید در آسایش کامل گونگ را رشد دهید! چگونه غیر از آن می‌توانید از شر وابستگی‌های تان خلاص شوید؟ بگذارید داستانی از بودیسم را برای تان بازگو کنم. زمانی شخصی بود که بعد از تلاشی زیاد در تزکیه به مقام آرهای رسید. درست وقتی که نزدیک بود به ثمره‌ی حقیقی نائل و یک آرهای شود، چگونه می‌توانست خوشحال نباشد؟ او داشت به فراسوی دنیای سه‌گانه می‌رفت! آن خوشحالی یک وابستگی بود، یک وابستگی هیجان. یک آرهای باید همیشه در حالت بدون قصد باشد، با قلبی که تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. اما او سقوط کرد و تزکیه‌ی او به بی‌ثمری خاتمه یافت. از آن‌جا که سقوط کرده بود، مجبور بود دوباره از اول شروع کند. تزکیه‌اش را دوباره شروع کرد و بعد از تلاشی بسیار پرزحمت دوباره به بالا تزکیه کرد. این دفعه ترسید و در مغزش به‌خاطر آورد: "من نباید هیجان‌زده شوم. وگرنه دوباره سقوط خواهم کرد." با این ترس، دوباره سقوط کرد. ترس نیز نوعی از وابستگی است.

موقعیت دیگری وجود دارد: وقتی یک شخص از نظر ذهنی مریض می‌شود، به این شخص برچسب جنون حاصل از تزکیه زده می‌شود. افرادی هستند که حتی منتظر من می‌شوند تا بیماری روانی آن‌ها را معالجه کنم! من معتقدم که بیماری روانی، بیماری نیست و من برای مراقبت از چنین مسائلی وقت ندارم. چرا؟ به این خاطر که یک بیمار روانی دارای هیچ ویروسی نیست و بدن او نه تغییرات بیمارگونه دارد و نه عفونتی؛ از نظر من این یک بیماری نیست. بیماری روانی وقتی ظاهر می‌شود که خودآگاه اصلی بیش از حد ضعیف می‌شود. تا چه حد می‌تواند ضعیف شود؟ درست مثل کسی است که نمی‌تواند صاحب‌اختیار خودش باشد. روح اصلی یک بیمار روانی درست به همین شکل است. او نمی‌خواهد که از این بدن نگهداری کند. همیشه پرت و گیج است و نمی‌تواند هشیار باشد. در این

لحظه، خودآگاه کمکی شخص یا پیام‌های خارجی شروع به تداخل با او می‌کنند. در هر بُعد، سطوح بسیاری وجود دارد. هر نوع پیامی مزاحم او می‌شوند. به‌علاوه، روح اصلی شخص شاید در زندگی‌های قبلی کارهای بدی انجام داده و شاید طلب‌کاران می‌خواهند به او صدمه بزنند. هر نوع مسئله‌ای می‌تواند روی دهد. این همه‌ی آن چیزی است که ما درباره‌ی بیماران روانی بازگو می‌کنیم. چگونه می‌توانم آن‌را برای شما معالجه کنم؟ می‌گوییم که فرد واقعاً به این شکل یک بیماری روانی را کسب می‌کند. چه کاری می‌توان درباره‌ی آن انجام داد؟ شخص را آموزش داد، به او کمک کرد که هشیار شود، اما بسیار مشکل است که این کار، عملی شود. اگر نگاه کنید، وقتی دکتری در یک بیمارستان روانی در آستانه‌ی وارد کردن یک شوک الکتریکی باشد، بیماران ناگهان به‌قدری می‌ترسند که دیگر هیچ حرف بی‌معنی بر زبان نمی‌آورند، چرا این‌طور است؟ در آن لحظه، روح اصلی این شخص هشیار می‌شود و از شوک الکتریکی می‌ترسد.

معمولاً وقتی شخصی یک‌بار از درب تزکیه وارد شود، می‌خواهد که آن‌را ادامه دهد. هر کسی سرشت بودایی دارد و دارای قلبی برای تزکیه کردن است. به همین جهت، بعد از یادگیری این، بسیاری از تمرین‌کنندگان برای بقیه‌ی زندگی‌شان تزکیه خواهند کرد. مهم نیست که او بتواند در تزکیه موفق شود یا این که فا را کسب کند. این شخص با این‌حال قلبی برای دنبال کردن داتو دارد و همیشه می‌خواهد آن‌را تزکیه کند. همه می‌دانند که این شخص چی‌گونگ را تمرین می‌کند. مردم در محل کار او درباره‌ی آن آگاه هستند و همه‌ی محله و نیز همسایه‌ها این‌را می‌دانند. اما همگی درباره‌ی این بیندیشید: در رابطه با عمل تزکیه‌ی واقعی، چه کسی چنین کاری را چند سال پیش انجام داد؟ هیچ کس. فقط اگر شخص به‌طور حقیقی تزکیه کند سفر زندگی او می‌تواند تغییر کند. اما به عنوان فردی معمولی، این شخص فقط برای شفا پیدا کردن و سلامتی، چی‌گونگ را تمرین می‌کند. چه کسی راه زندگی او را عوض خواهد کرد؟ به‌عنوان یک فرد عادی، یک روز بیمار می‌شود یا این که روزی دیگر با بعضی از مشکلات مواجه خواهد شد. یک روز شاید یک بیمار روانی شود یا این که بمیرد. تمام زندگی یک شخص عادی درست به همین شکل است. هر چند که شخصی را در پارک می‌بینید که چی‌گونگ را تمرین می‌کند، درحقیقت عمل تزکیه را به‌طور حقیقی انجام نمی‌دهد. هر چند که او آرزو می‌کند به‌سوی سطوح بالا تزکیه کند، نمی‌تواند موفق شود مگر این که راه درست را کسب کند. فقط یک تمنا دارد و آن این است که به‌سوی سطوح بالا تزکیه کند. این فرد هنوز هم یک تمرین‌کننده‌ی چی‌گونگ در سطح پایین شفادرمانی و حفظ سلامتی است. هیچ کسی راه زندگی او را عوض نخواهد کرد، بنابراین او بیماری‌هایی خواهد داشت. اگر کسی برای تقوا ارزشی قایل نباشد، بیماری او حتی شفا هم نخواهد یافت. این‌طور نیست که بعد از آن که کسی چی‌گونگ را تمرین کند، دیگر هیچ مرضی نخواهد گرفت.

شخص باید به‌طور واقعی تزکیه کند و به شین‌شینگ خود توجه داشته باشد. فقط با تزکیه‌ی واقعی است که بیماری شخص می‌تواند از بین برود. زیرا تمرین چی‌گونگ یک تمرین فیزیکی نیست بلکه چیزی ورای مردم عادی است و بایستی اصول و استانداردهای بالایی برای تمرین‌کنندگان وجود داشته باشد. باید بر اساس آن‌ها عمل کند و در آن‌صورت است که به آن هدف می‌رسد. اما بسیاری از مردم این‌طور عمل نکرده‌اند و به‌صورت مردم عادی باقی مانده‌اند. به همین جهت، آن‌ها هنوز هم وقتی که موعدش برسد بیمار خواهند شد. شاید او یک روز ناگهان از لخته‌ی خون در مغز زجر بکشد، ناگهان این یا آن بیماری را بگیرد، یا این که روانی شود. همه می‌دانند که او چی‌گونگ را تمرین می‌کند. همین که از نظر روانی مریض می‌شود، مردم خواهند گفت، "او از تزکیه جنون گرفته است" و به او برچسب زده خواهند شد. همگی درباره‌ی آن بیندیشید: آیا این منطقی است؟ یک شخص عادی حقیقت را نمی‌داند. این حتی برای حرفه‌ای‌ها یا بسیاری از تمرین‌کنندگان مشکل است که حقیقت آن‌را دریابند. اگر این شخص در خانه از نظر روانی مریض شود، کمتر مسئله‌ساز خواهد بود، هرچند دیگران هنوز هم خواهند گفت که او آن‌را از تمرین چی‌گونگ گرفته است. اگر شخص در محل تمرین روانی شود، وحشتناک خواهد بود. برچسب بزرگی زده می‌شود و غیرممکن است که از بین برود. روزنامه‌ها گزارش می‌دهند که تمرین چی‌گونگ باعث جنون در تزکیه شده است. بعضی از مردم حتی بدون این که به تمرین چی‌گونگ نگاهی کنند با آن مخالفت می‌کنند: "نگاه کن، او همین چند

وقت پیش که تمرین چی گونگ را آنجا انجام می داد خوب بود و الان این طوری شده". اما او یک فرد عادی است و هرچه قرار است برای او اتفاق بیفتد رخ خواهد داد. ممکن است بیماری های دیگری بگیرد یا این که با مشکلات دیگری مواجه شود. آیا این معقول است که تمرین چی گونگ را به خاطر چیزهای دیگر سرزنش کرد؟ این به مثابه ی یک دکتر در بیمارستان است: به خاطر این که فرد یک دکتر است، نباید هرگز در این زندگی بیمار شود؛ چگونه می توان آنرا به این شکل فهمید؟

بنابراین می توانیم بگوییم که خیلی از افراد بدون این که حقیقت چی گونگ یا اصول آنرا بدانند گفته های غیرعقلانی بیان می کنند. به محض این که مشکلی به وجود می آید، هر نوع برچسبی به چی گونگ زده می شود. چی گونگ برای دوره ای کوتاه در جامعه مشهور بوده است. بسیاری از افراد نظراتی لجبازانه دارند و همیشه آنرا مردود شمرده، به آن حمله کرده و آنرا رد می کنند. هیچ کسی نمی داند که این افراد چه نوع طرز فکری دارند. به قدری از چی گونگ خسته هستند، مثل این که آن مسئله ای مربوط به آنها است. به محض این که کلمه ی چی گونگ یادآور می شود، آنرا ایده آلیستی می نامند. چی گونگ علم است و علمی بالا است، این موضوع اتفاق می افتد زیرا ذهنیت این افراد بسیار لجباز و دانش آنها بسیار کم است.

مورد دیگری وجود دارد. در جامعه ی تزکیه کنندگان چیزی به نام "وضعیت چی گونگ" وجود دارد. چنین شخصی توهمی ذهنی دارد ولی جنون حاصل از تزکیه ندارد. یک شخص در این وضعیت کاملاً منطقی است. اجازه دهید اول توضیح دهم وضعیت چی گونگ چیست. شما می دانید که در تمرین چی گونگ، کیفیت مادرزادی نقش مهمی را ایفا می کند. در هر کشوری در دنیا افرادی وجود دارند که به مذهب اعتقاد دارند، و در چین، چندین هزار سال است افرادی بوده اند که به بودیسم و دائوئیسم اعتقاد دارند، و همیشه معتقد بوده اند که انجام کارهای خوب پاداش خوبی را به همراه دارد و پلیدی با پلیدی پاداش داده می شود. اما بعضی از افراد به این چیزها عقیده ندارند. مخصوصاً در زمان انقلاب بزرگ فرهنگی، زمانی که این چیزها را مورد انتقاد قرار دادند و به آنها برچسب خرافات زدند. بعضی افراد هر چیزی را که نمی توانند درک کنند، آن چه را که نمی شود از کتاب های درسی آموخت، آن چه را که علم امروزی هنوز در آن پیشرفت نکرده است و آن چه را که تا حالا فهمیده نشده است، به عنوان خرافات تلقی می کنند. تا چندین سال پیش تعداد زیادی از این افراد وجود داشتند، اما درحال حاضر تعداد نسبتاً کمی از آنها وجود دارند. اگر چه بعضی از پدیده ها را قبول نمی کنید، آنها واقعاً در بُعد ما منعکس شده اند. شاید جرأت نکنید به راحتی آنها را قبول کنید، اما درحال حاضر افرادی هستند که جرأت می کنند درباره ی آنها صحبت کنند، و از طریق آن چه که در زندگی روزانه دیده یا شنیده اند به حقایق درباره ی تمرین چی گونگ پی برده اند.

بعضی افراد آن قدر ذهن شان بسته است که به محض این که نام چی گونگ را ذکر می کنید، از اعماق درون به شما می خندند و فکر می کنند که شما خرافاتی و بیش از حد مسخره شده اید. به محض این که درباره ی پدیده ای در تمرین چی گونگ صحبت کنید، شما را به عنوان فردی بسیار نادان تلقی می کنند. اگر چه چنین فردی ذهنش بسته است، ولی شاید کیفیت مادرزادی او آن قدر هم بد نباشد. اگر از کیفیت مادرزادی خوبی برخوردار باشد و بخواهد چی گونگ را تمرین کند، چشم سوم او ممکن است در سطحی بسیار بالا باز شود و همچنین ممکن است دارای توانایی های فوق طبیعی شود. او به چی گونگ باور ندارد اما نمی تواند ضمانت کند که بیمار نخواهد شد. وقتی بیمار می شود، به بیمارستان مراجعه می کند. وقتی پزشک طب غربی نتواند او را معالجه کند، به دکتر چینی مراجعه می کند. وقتی که دکتر چینی نیز نتواند بیماری او را معالجه کند و زمانی که هیچ نسخه ی بخصوصی نیز کارگر نباشد، پس از آن به فکر چی گونگ می افتد و می اندیشد: "شانس ما آزمایش می کنم که ببینیم آیا چی گونگ واقعاً می تواند بیماری مرا شفا دهد". او با دودلی بسیاری خواهد آمد. به دلیل کیفیت مادرزادی خوب او، به محض این که چی گونگ را تمرین می کند، در آن بسیار خوب خواهد بود. شاید یک استاد به او علاقه مند شود یا ممکن است یک موجود والا مقام در بُعدی دیگر بخواهد به او کمکی کند. ناگهان چشم سوم او باز می شود، یا به وضعیت نیمه روشن بینی می رسد. با چشم

سوم باز در سطحی بسیار بالا، می‌تواند ناگهان قسمتی از حقیقت جهان را ببیند. علاوه بر این، توانایی‌های فوق‌طبیعی نیز خواهد داشت. وقتی چنین شخصی چنین وضعیتی را ببیند، آیا فکر می‌کنید مغز او بتواند آن‌را تحمل کند؟ فکر می‌کنید او در چه نوع وضعیت ذهنی خواهد بود؟ آن‌چه را که وقتی دیگران درباره‌ی آن صحبت می‌کردند به‌عنوان خرافات، مطلقاً غیرممکن و مسخره در نظر می‌گرفت، در حال حاضر واقعاً جلوی چشمان او قرار دارند و او واقعاً در تماس با آن‌ها است. در نتیجه مغز این شخص قادر به تحمل آن نیست، چراکه فشار روحی بیش از حد است. آن‌چه که می‌گوید توسط دیگران فهمیده نمی‌شود، هر چند که فکر او منطقی است. اما نمی‌تواند بین دو طرف تعادل برقرار کند. او فهمیده است که آن‌چه بشر انجام می‌دهد اشتباه است، در حالی که آن‌چه در بُعد دیگر انجام می‌شود معمولاً صحیح است. اگر او کارهایی را بر طبق روشی که در آن طرف انجام می‌شود انجام دهد، مردم می‌گویند که او در اشتباه است. آن‌ها نمی‌توانند او را درک کنند، در نتیجه خواهند گفت که او از تزکیه جنون گرفته است.

درحقیقت، این شخص جنون حاصل از تزکیه ندارد. اغلب شما که چی‌گونگ را تزکیه می‌کنید اصلاً به این صورت در نخواهید آمد. فقط افرادی که واقعاً ذهن بسته‌ای دارند این نوع "حالت چی‌گونگ" را تجربه می‌کنند. بعضی از افراد حاضر در این‌جا چشم سوم‌شان باز است - تقریباً تعداد زیادی از آن‌ها. آنان واقعاً چیزهایی را در بُعدهای دیگر دیده‌اند. تعجب‌زده نیستند، احساس کاملاً خوبی دارند و مغزشان شوکه نشده است و در موقعیت "وضعیت چی‌گونگ" قرار ندارند. وقتی شخصی در "وضعیت چی‌گونگ" است، بسیار آگاه بوده و بسیار عاقلانه و منطقی صحبت می‌کند. فقط موضوع این است که مردم عادی به آن‌چه که او می‌گوید باور نمی‌کنند. ممکن است برحسب اتفاق بگوید که کسی را که در گذشته است دیده و این شخص به او گفته که کاری را انجام دهد. چگونه مردم عادی می‌توانند به این باور بیاورند؟ بعداً، این شخص خواهد فهمید که به جای این‌که درباره‌ی آن چیزها صحبتی کند، آن‌ها را پیش خودش نگه دارد. بعد از آن‌که او به شایستگی بتواند با رابطه‌ی بین دو طرف به‌درستی برخورد کند، همه چیز به‌خوبی پیش خواهد رفت. معمولاً این اشخاص حامل توانایی‌های فوق‌طبیعی هستند، اما این جنون حاصل از تزکیه نیست.

مورد دیگری وجود دارد که "جنون حقیقی" نامیده می‌شود و به‌ندرت دیده شده است. "جنون حقیقی" که به آن اشاره می‌کنیم درباره‌ی این‌که شخص، واقعاً دیوانه باشد نیست. منظور این نیست. منظور، تزکیه‌ی آن‌چه که حقیقت است می‌باشد. جنون حقیقی چیست؟ می‌گویم که در میان تمرین‌کنندگان، به‌ندرت چنین شخصی دیده می‌شود، شاید یک نفر در هر صد هزار نفر. در نتیجه، این عادی نیست و تأثیری هم روی جامعه ندارد.

معمولاً، برای "جنون حقیقی" یک شرط وجود دارد. بدین صورت که این شخص باید کیفیت مادرزادی بسیار خوبی داشته باشد و باید تا حدی مسن باشد. با سن بالا، تزکیه کردن برای شخص بسیار دیر است. آن‌هایی که کیفیت مادرزادی بسیار خوبی دارند، معمولاً برای مأموریتی این‌جا هستند و از سطوح بسیار بالایی می‌آیند. هر کسی از آمدن به این جامعه‌ی عادی انسانی می‌ترسد - پس از این‌که حافظه‌ی شما پاک می‌شود قادر نیستید کسی را به‌جا بیاورید. بعد از این‌که یک فرد به این محیط جامعه‌ی مردم عادی قدم می‌گذارد، مزاحمت‌های بشری باعث می‌شود که او در طلب شهرت و مال و منال باشد و در نهایت به سطح مردم عادی سقوط می‌کند. برای او هرگز روزی نخواهد رسید که از این‌جا فرار کند. به همین جهت، همه می‌ترسند و هیچ‌کسی جرأت نمی‌کند به زمین بیاید. اما چنین افرادی وجود دارند و به این‌جا آمده‌اند. بعد از ورودشان، درحقیقت نمی‌توانند خودشان را در بین مردم به‌خوبی اداره کنند و درواقع به سطوح پایین می‌لغزند و در طول زندگی خود، کارهای بد بسیاری انجام می‌دهند. وقتی کسی می‌جنگد تا به خودش سود برساند، کارهای بسیار بدی انجام می‌دهد و به مقدار زیادی به دیگران بده‌کار می‌شود. استاد می‌بیند که او در حال سقوط است. "اما او کسی است با ثمره‌ی حقیقی - نمی‌توانیم فقط بنشینیم و بگذاریم این‌طوری سقوط کند! چه کاری می‌توانیم انجام دهیم..." "استاد بسیار نگران است و راه دیگری ندارد جز این‌که بگذارد او تزکیه کند. از کجا می‌توان در این زمان یک استاد پیدا کرد؟ او باید به اصل خود برگردد، او باید از اول تزکیه کند. اما چگونه این کار می‌تواند

به راحتی انجام شود؟ با سن بالا، برای او بسیار دیر است تزکیه کند. کجا می تواند یک روش تزکیه برای بدن و ذهن پیدا کند؟

فقط اگر او دارای کیفیت مادرزادی بسیار بالایی باشد و تحت این شرایط بسیار غیرعادی، می توان روش جنون حقیقی را روی او به کار برد. به بیانی دیگر، وقتی مطلقاً هیچ امیدی برای شخص وجود ندارد تا به اصل و حقیقت خود باز گردد؛ این روش برای دیوانه کردن او به کار می رود. قسمت هایی از مغزش خاموش می شوند. به طور مثال، ما به عنوان انسان از سرما و کثیفی می ترسیم و این قسمت های مغز که از سرما و کثیفی می ترسند خاموش می شوند. بعد از این که این قسمت ها خاموش شدند، مشکلات روانی ظاهر شده و او درست مثل کسی که واقعاً جنون دارد عمل می کند. اما معمولاً مرتکب هیچ کار بدی نمی شود، نه به مردم فحش می دهد نه آن ها را می زند. در عوض، اغلب کارهای خوب انجام می دهد، اما نسبت به خودش بسیار بی رحم است. از آن جا که نمی داند سرما چیست، در زمستان بدون کفش و با لباس های نازک روی برف در اطراف می دود. پاهای او از سرما یخ زده و می ترکد و به خونریزی می افتد. از آن جا که نمی داند آشغال چیست؛ جرأت می کند که مدفوع انسان را بخورد و پیشاب انسان را بنوشد. می داند شخصی وجود داشته که مدفوع اسب را که یخ زده بود و مثل سنگ شده بود با خوشحالی می جوید. آن ها می توانند سختی هایی را تحمل کنند که افراد عادی با ذهنی آگاه نمی توانند آن ها را تحمل کنند. فقط تصور کنید چه قدر این جنون برای آن ها باعث زجر می شود. البته، چنین اشخاصی معمولاً دارای توانایی های فوق طبیعی هستند؛ اغلب آن ها خانم هایی با سن بالا هستند. در گذشته، خانم های کهن سال [هنگامی که جوان بودند] پاهای خود را برای این که کوچک تر شود، می بستند. اما یک نفر بود که به راحتی می توانست از روی یک دیوار دو یا سه متری بپرد. وقتی خانواده ی او دیدند که او مجنون شده و همیشه از خانه فرار می کند، پاهای او را در خانه بستند. زمانی که افراد خانواده خانه را ترک می کردند، می توانست فقط با اشاره ی انگشتانش درب بسته را باز کند. سپس فرار می کرد. بعدها، او را با زنجیر آهنی مهار می کردند. وقتی همگی خانه را ترک می کردند او به آسانی با تکان دادن زنجیر آن را باز می کرد. کنترل کردن او غیرممکن بود. به این طریق، او می توانست سختی های بسیار زیادی را تحمل کند. به خاطر این که او زجر زیاد و کاملاً بی رحمانه ای را تحمل کرده بود، می توانست به زودی جزای کارهای بدش را پرداخت کند. معمولاً یک یا دو سال و در نهایت سه سال طول می کشد، زیرا زجری که از میان آن می گذرد بسیار زیاد است. پس از آن، او به یک باره آن چه را که اتفاق افتاده می فهمد. به خاطر این که از این طریق تزکیه ی این افراد کامل می شود، بلافاصله گونگ آن ها باز می شود و انواع و اقسام قدرت های خدایی ظاهر می شود. این موارد بسیار نادر هستند، اما تعدادی از آن ها در سراسر تاریخ وجود داشته اند. مردم با کیفیت مادرزادی متوسط مجاز نخواهند بود این کار را بکنند. احتمالاً در مورد راهبان و دائوئیست های مجنون می دانید، آن ها واقعاً در تاریخ وجود داشتند و این ثبت شده است. داستان های زیادی مثل داستان راهب مجنونی که چین هوئی او را با جاروب از معبد بیرون کرد و داستان هایی درباره ی دائوئیست های دیوانه وجود دارد.

بنابراین درخصوص "جنون حاصل از تزکیه"، یا "شبیه یک اهریمن در آتش رفتن"، برای این که این اصطلاح قدیمی برای آن را واقعاً تحت الفظی در نظر بگیریم؛ می گویم که آن حرفی بی خود است. به هر حال، فرض کنید این یا آن واقعاً بتواند آتش را فرو دهد - پس می گویم که او فوق العاده است. یا بتواند آتش را از دهان بیرون دهد و با دراز کردن دستش آن را بیرون فرستد، و برای روشن کردن سیگارش حتی به کبریت نیاز نداشته باشد، بسیار خوب، او جنون ندارد، او فوق طبیعی است!

مداخله ی شیطانی در تزکیه

مداخله ی شیطانی در تزکیه چیست؟ این مداخله ای است که اغلب در تمرین چی گونگ با آن مواجه می شویم. چگونه تمرین چی گونگ مداخله ی شیطانی را فرا می خواند؟ درواقع وقتی شخص بخواهد تزکیه کند مشکلات بسیاری

وجود خواهد داشت. شخص به سادگی نمی تواند بدون حفاظت فاشن من در تزکیه ی حقیقی موفق شود. به محض این که پای تان را از درب بیرون بگذارید، زندگی تان ممکن است در خطر باشد. روح اصلی فرد از بین نمی رود. پس امکان دارد در فعالیت های اجتماعی تان قبل از این زندگی، به دیگران بده کار شدید، به آن ها صدمه رسانده، یا مرتکب کارهای نادرست دیگری شدید. آن طلب کاران در جستجوی شما هستند. در بودیسم گفته شده است که شخص به خاطر عقوبت های کارمایی زندگی می کند. اگر به کسی بدهی داشته باشید، او شما را برای بازپرداخت آن خواهد یافت. اگر بیش از حد دریافت کند، مجبور است که مازاد و مانده را در دوره ی بعدی زندگی به شما پس بدهد. اگر یک فرزند به والدینش بی احترامی کند، آن ها جای شان را در زندگی بعدی عوض خواهند کرد. این گونه، کیفر و پاداش دور می زند و دور می زند. اما به راستی دیده ایم که شیطان هایی وجود دارند که مداخله می کنند و نمی گذارند تمرین کنید. تمام این چیزها دلیل های کارمایی دارند و بدون علت نیستند. اگر دلیلی وجود نداشت اجازه داده نمی شد.

عادی ترین شکل مداخله ی شیطانی به صورت ذیل اتفاق می افتد. قبل از این که تمرین چی گونگ را شروع کنید، محیط اطراف شما نسبتاً آرام است، به خاطر این که چی گونگ را یاد گرفته اید، همیشه دوست دارید آن را تمرین کنید. به هر حال به محض این که در حالت مدیتیشن می نشینید، ناگهان خارج اتاق پر از سر و صدا می شود. ماشین ها بوق می زنند، کسی در راهرو راه می رود، صدای گفتگو می آید، درب ها به هم می خورند و رادیو در خارج به صدا در می آید. ناگهان دیگر سکوتی نیست. اگر چی گونگ را تمرین نکنید، اطراف کاملاً آرام است، اما زمانی که شروع به تمرین چی گونگ می کنید، این گونه می شود. بسیاری از شما هرگز درباره ی آن عمیق تر نیندیشیده اید که واقعاً موضوع از چه قرار است؟ فقط پی می برید که این غیرعادی است و از این که نمی توانید چی گونگ را تمرین کنید احساس افسردگی می کنید. این "غیرعادی بودن"، تمرین شما را متوقف می کند. این شیاطین هستند که مزاحم شما هستند، به طوری که با مهارت، مردم را برای مزاحمت شما کنترل می کنند. این ساده ترین شکل مداخله است، هدفش این است که مانع شما از تمرین چی گونگ شود. "می خواهی تمرین کنی و به دائو نائل شوی. و می خواهی تمام آن چیزهایی را که به من بده کار هستی پرداخت نکنی؟" آن ها این را تحمل نمی کنند، و به شما اجازه نمی دهند تمرین کنید. اما این نیز چیزی است که در سطح بخصوص ظاهر می شود- بعد از مدتی، این پدیده اجازه ندارد که دیگر وجود داشته باشد. به عبارتی دیگر، بعد از این که این بدهی ها کم شوند، اجازه داده نمی شود که دوباره با شما مداخله کنند. این بدین خاطر است که کسانی که در فالون دافای ما تزکیه می کنند پیشرفت سریعی دارند و همچنین به سرعت سطوح را پشت سر می گذارند.

شکل دیگری از مداخله ی شیطانی وجود دارد. شما می دانید که چشم سوم ما می تواند از طریق تمرین چی گونگ باز شود. با چشم سوم باز، بعضی افراد ممکن است درحالی که در خانه چی گونگ را تمرین می کنند بعضی از صحنه های ترسناک یا شکل های وحشتناک را ببینند. بعضی از آن ها موهای ریخته و پاشیده و بلندی دارند و بعضی دیگر می خواهند با شما دعوا کنند یا حتی حرکات مختلفی را انجام می دهند، که همگی کلاً هولناک هستند. بعضی مواقع وقتی شخص تمرین ها را انجام می دهد، آن ها را می بیند که از خارج به پنجره چسبیده اند و واقعاً ترسناک هستند. چگونه این وضعیت اتفاق می افتد؟ این شکلی از مداخله ی شیطانی است. به هر حال، در مدرسه ی فالون دافای ما، این مورد بسیار به ندرت دیده شده است. شاید، این برای یک نفر در هر صد نفر اتفاق بیفتد. اغلب مردم از پس این وضعیت بر نمی آیند. از آن جا که هیچ نفعی برای تزکیه ی شما ندارد، آن مجاز نیست که به این شکل مزاحم شما شود. در تزکیه ی روش های عادی، این نوع از مزاحمت رایج ترین پدیده ها است و تقریباً مدت زیادی ادامه پیدا می کند. بعضی از مردم صرفاً به خاطر این دلیل نمی توانند چی گونگ را تمرین کنند و وحشت زده می شوند. شخص معمولاً ترجیح می دهد که در شب و در محیطی آرام چی گونگ را تمرین کند. اگر او کسی را جلوی چشم هایش ببیند، که شبیه نیمی انسان، نیمی شبخ است، بیش از اندازه خواهد ترسید که چی گونگ را تمرین کند. معمولاً، چنین پدیده ای در فالون دافای ما

وجود ندارد. اما تعداد بسیار کمی از این موارد استثنایی وجود دارند، زیرا بعضی از افراد وضعیت‌های بسیار بخصوصی دارند.

نوع دیگر به افرادی ارتباط پیدا می‌کند که تمرین‌هایی با تزکیه‌ی درونی و بیرونی انجام می‌دهند، آن‌ها هنرهای رزمی را به همراه تزکیه‌ی درونی انجام می‌دهند. این نوع از تمرین بیشتر در مدرسه‌ی دائو رایج است. وقتی شخصی چنین روش تزکیه‌ای را یاد می‌گیرد، اغلب با چنین شیطانی مواجه می‌شود (شخصی که روش‌های معمولی را تمرین می‌کند با آن مواجه نمی‌شود، این پدیده فقط در روش‌های تزکیه‌ی درونی و بیرونی یا تمرین‌هایی که شامل هنرهای رزمی می‌شود اتفاق می‌افتد)، یعنی، اشخاصی وجود دارند که برای مبارزه در جستجوی او هستند. تعداد زیادی از تمرین‌کنندگان دائوئیستی در جهان وجود دارند؛ بسیاری از آن‌ها شاگردانی از هنرهای رزمی یا تزکیه‌ی درونی و بیرونی هستند. یک شاگرد هنرهای رزمی نیز می‌تواند گونگ را رشد دهد. چرا؟ اگر فردی برخی از وابستگی‌ها مثل شهرت و نفع شخصی را از بین ببرد، گونگ او نیز می‌تواند رشد کند. اما برای او از بین بردن وابستگی رقابت بسیار وقت می‌گیرد و خیلی دیر از آن رها می‌شود، به همین جهت احتمال دارد وقتی در سطوح بخصوصی قرار دارد نیز، هنوز این کارها را انجام دهد. وقتی مدیتیشن می‌کند، در حالتی نیمه‌آگاه می‌داند که این یا آن شخص هنرهای رزمی را تمرین می‌کند. روح او بدنش را برای پیدا کردن آن شخص برای مبارزه طلبی ترک می‌کند تا ببیند مهارت و استادی کدامیک بهتر است و سپس این مبارزه به وقوع می‌پیوندد. این چیزها در بُعدی دیگر رخ می‌دهد. همچنین افرادی هستند که برای مبارزه به نزد او می‌آیند. اگر آن‌را رد کند، شخص دیگر واقعاً او را خواهد کشت، بنابراین با یکدیگر مبارزه می‌کنند و مبارزه می‌کنند. به محض این که این شخص به خواب فرو می‌رود، کسی برای مبارزه به جستجوی او خواهد آمد و این جریان شب او را بدون آسایش خواهد کرد. درواقع دقیقاً وقت آن رسیده است که وابستگی او به رقابت از بین برود. اگر ذهنیت رقابت از بین نرود، همیشه زندگی او بدین صورت خواهد بود. با گذشت زمان، بعد از سالیان متمادی هنوز هم نمی‌تواند به فراسوی این سطح برود. او دیگر قادر نخواهد بود به تمرین چی گونگ ادامه دهد. با مصرف بیش از حد انرژی، بدن فیزیکی او نیز بیش از این نمی‌تواند تحمل کند و ممکن است به راحتی ناتوان شود. بنابراین، در روش‌های تزکیه‌ی درونی و بیرونی، شخص ممکن است با این موقعیت برخورد کند و این نیز کاملاً عادی است. در روش تزکیه‌ی درونی ما، چنین وضعیتی وجود ندارد و اجازه داده نمی‌شود که اتفاق بیفتد. چندین مواردی را که درحال حاضر ذکر کردم حقیقتاً رایج هستند.

هنوز هم مورد دیگری از مداخله‌ی شیطانی وجود دارد که هر کسی با آن مواجه می‌شود، حتی در تزکیه‌ی مدرسه‌ی ما، همگی شما با آن مواجه خواهید شد. آن شیطان شهوت است. این مسئله‌ای بسیار جدی است. در جامعه‌ی عادی انسانی، بین زن و شوهر روابط زناشویی وجود دارد و موجودات انسانی فقط با این روابط می‌توانند تولید مثل کنند. نژاد انسانی درست به این نحو رشد می‌کند. در جامعه‌ی بشری احساسات وجود دارد و بنابراین برای مردم عادی این چیزها کاملاً طبیعی است. از آن جا که بشر احساسات دارد... عصبانی بودن احساسات است، خوشحال بودن احساسات است، عشق احساسات است، تنفر احساسات است، لذت بردن از انجام کاری احساسات است، لذت نبردن از انجام کاری احساسات است، این که فکر کنید کسی آدم خوبی است یا کسی آدم خوبی نیست، سرگرمی‌ها و بیزار بودن‌ها، هر چیزی احساسات است و مردم عادی فقط به خاطر احساسات زندگی می‌کنند. پس، اگر یک تمرین‌کننده هستید، کسی که به بالا صعود می‌کند، نباید این منطق را برای ارزیابی این مسائل به کار ببرید و باید از این چیزها بگذرید و رد شوید. به همین جهت، در مورد وابستگی‌های زیادی که از احساسات به وجود می‌آیند، لازم است به آن‌ها کمتر اهمیت دهیم و سرانجام آن‌ها را رها کنیم. تمناها، شهوت و موضوعاتی از این نوع، همگی وابستگی‌های انسانی هستند و تمام آن‌ها باید رها شوند.

برای تمرین‌کنندگانی که روش تزکیه را در بین مردم عادی انجام می‌دهند، مدرسه‌ی تزکیه‌ی ما از شما نمی‌خواهد که راهبه یا راهب شوید. تمرین‌کنندگان جوان هنوز هم باید ازدواج کنند. پس چگونه باید با این مسئله

مواجه شد؟ گفته‌ام که تزکیه‌ی مدرسه‌ی ما به‌طور مستقیم به ذهن فرد نشانه می‌رود. این مسئله باعث نمی‌شود که منافع‌های مادی‌تان را واقعاً از دست بدهید. بلکه برعکس، قرار است در بحبوحه‌ی جنگ و دعوی مردم عادی برای منافع مادی، شین‌شینگ خود را تعدیل کنید و آن‌چه را که به‌طور واقعی رشد می‌دهید شین‌شینگ‌تان است. اگر بتوانید وابستگی‌ها را از دست بدهید، قادر خواهید بود همه چیز را رها کنید؛ وقتی از شما خواسته شود که منافع‌های مادی را رها کنید، مطمئناً قادر خواهید بود آن‌را انجام دهید. اگر نتوانید وابستگی را رها کنید، قادر نخواهید بود از هیچ چیز دست بکشید. برای همین، هدف واقعی تزکیه، تزکیه‌ی ذهن شما است. روش‌های تزکیه در معابد، شما را مجبور می‌کنند که این مسائل را از دست بدهید، به‌طوری‌که از این وابستگی‌ها خلاصی یابید. شما را مجبور می‌کنند، کاملاً شما را از این چیزها منع می‌کنند و اجازه نمی‌دهند درباره‌ی آن‌ها فکر کنید. چنین روشی را برگزیده‌اند. اما ما از شما نمی‌خواهیم چنین کاری را انجام دهید. از شما می‌خواهیم که وقتی منافع مادی درست در مقابل شما قرار دارد، اهمیت کمتری به آن‌ها بدهید. این دلیل آن است که چرا مدرسه‌ی تزکیه‌ی ما بسیار مستحکم است. از شما نمی‌خواهیم که راهبه یا راهب شوید. وقتی روش ما به‌طور وسیعی در آینده رایج می‌شود، تمرین‌کنندگانی که روش ما را در بین مردم عادی تزکیه می‌کنند نباید به‌صورت راهبه یا راهب دربیایند. تمرین‌کنندگان فالون دافا اجازه ندارند که بدین شکل درآیند. در رابطه با تزکیه، از همگی می‌خواهیم مسائل ذیل را مراعات کنند: اگرچه تزکیه می‌کنید و همسران تزکیه نمی‌کنند، اجازه ندارید به‌خاطر تزکیه، از همسران جدا شوید. به‌عبارتی دیگر، ما باید با این موضوع به‌راحتی برخورد کنیم و نباید به آن آن‌قدر اهمیت بدهید که مردم عادی اهمیت می‌دهند. مخصوصاً آزادی‌های جنسی و نوشته‌ها و عکس‌های شهوت‌انگیز در جامعه‌ی امروزی با مردم در تداخل هستند. بعضی از مردم علاقه‌ی بسیار زیادی به این چیزها دارند. به‌عنوان تمرین‌کنندگان، باید اهمیت کمتری به این مسائل بدهیم.

وقتی موجودات از سطوح بالا نگاه می‌کنند، می‌گویند که مردم واقعاً درحال بازی کردن در گل و لجن هستند، اما فکر نمی‌کنند که آن کثیف است و آن‌ها روی زمین در گل و لجن بازی می‌کنند. ما گفته‌ایم که نباید به‌خاطر این موضوع در خانواده‌تان باعث ناهماهنگی شوید. به همین جهت، در مرحله‌ی حاضر، باید به آن کمتر اهمیت بدهید. این خوب است که یک زندگی مشترک معمولی و هماهنگ داشته باشید. درآینده وقتی به سطح بخصوصی رسیدید وضعیت دیگری در آن سطح خواهد بود. درحال حاضر، باید بدین صورت باشد و اگر خواست ما را انجام دهید خوب خواهد بود. البته، نباید آن‌چه را که در جامعه رخ می‌دهد دنبال کنید. چگونه آن می‌تواند مجاز باشد؟

عامل دیگری در این مسئله دخالت دارد. شما می‌دانید بدن تمرین‌کنندگان ما حامل انرژی است. زمانی که این کلاس را ترک می‌کنید، هشتاد تا نود درصد شما در کلاس نه تنها بدن‌تان از بیماری‌ها شفا خواهد یافت، بلکه گونگ‌تان نیز رشد خواهد کرد، پس، بدن شما انرژی بسیار قدرتمندی را حمل می‌کند. گونگی که دارید با سطح شین‌شینگی که درحال حاضر دارید متناسب نیست. درحال حاضر، گونگ شما بالاتر است - من آن را ناگهان برای شما بالا برده‌ام - و حالا شین‌شینگ شما درحال بهبود است. به‌تدریج، شین‌شینگ شما به آن خواهد رسید، و تضمین می‌کنم که در طول این دوره از زمان به آن خواهد رسید. این دلیل آن است که چرا این کار را از قبل انجام داده‌ایم. به‌عبارتی دیگر، شما دارای مقداری انرژی هستید. از آن‌جا که انرژی‌ای که یک تزکیه‌ی حقیقی ایجاد می‌کند خالص و مهربان است، تمامی شما که این‌جا نشسته‌اید فضایی آرام و مهربان را احساس می‌کنید. من خود را به این شکل تزکیه کرده‌ام، بنابراین این چیزها را با خود حمل می‌کنم. همان‌طور که این‌جا نشسته‌اید همگی در هماهنگی هستید و هیچ‌کسی افکار بدی در ذهنش ندارد - حتی میل به سیگار کشیدن هم ظاهر نمی‌شود. درآینده، شما نیز از شرایط فالون دافای ما پیروی می‌کنید، و گونگی که از تزکیه‌ی شما پدید می‌آید نیز بدین شکل خواهد بود. و همان‌طور که انرژی شما به‌طور پیوسته رشد می‌کند، تابش گونگ بدن شما بسیار قوی خواهد شد. حتی اگر آن‌قدر هم قوی نباشد، یک فرد عادی که در محدوده‌ی میدان شما قرار دارد، مثلاً افراد پیرامون شما زمانی که در منزل هستید، تحت تأثیر شما قرار خواهند گرفت. کل خانواده‌تان می‌توانند تحت تأثیرات مهارکنندگی شما باشند. چرا؟ شما حتی مجبور نیستید

فکر کنید، و از آنجا که این میدان، میدانی به‌طور خالص مهربان و دارای لطف و محبت است - یک میدان افکار درست است - مردم متمایل به فکر کردن درباره‌ی چیزهای بد یا انجام کارهای بد نیستند. این میدان چنین تأثیری خواهد داشت.

چند روز پیش گفتم که "نور بودا همه جا می‌درخشد، پسندیدگی و درستی همه چیز را هماهنگ می‌کند". به این معنی است که انرژی ساطع شده از بدن ما می‌تواند تمام حالت‌های اشتباه را اصلاح کند. بنابراین تحت تأثیر این میدان انرژی، وقتی شما به این مسائل فکر نمی‌کنید، بدون قصد همسران را تحت تأثیر قرار می‌دهید. وقتی شما به آن فکر نکنید، و چنان افکاری نداشته باشید، همسران هم به آن‌ها فکر نخواهد کرد. اما این مطلق نیست، زیرا در محیط حاضر فقط کافی است تلویزیون را روشن کنید و نگاهی بیندازید، هر چیزی وجود دارد و به راحتی می‌تواند تمای شخص را برانگیزد. اما در شرایط عادی، می‌توانید این اثر مهارکنندگی را داشته باشید. در آینده وقتی در تزکیه به سطوح بالایی برسید، بدون این که به شما بگویم، خودتان می‌دانید چه کار کنید. در آن هنگام وضعیت تزکیه‌ی متفاوتی خواهید داشت و هنوز هم می‌توانید یک زندگی هماهنگ را حفظ کنید. به همین خاطر، نباید بیش از حد به آن توجه کنید، چراکه نگرانی بیش از حد نیز یک وابستگی است. بین زن و شوهر مسئله‌ی شهوت وجود ندارد، اما مسئله‌ی تمنا وجود دارد، بنابراین آن را سبک بگیرید، به افراط و تفریط نروید و همه چیز به‌خوبی پیش خواهد رفت.

پس با چه نوعی از شیاطین شهوت روبرو خواهید شد؟ اگر توانائی دینگ شما در مدیتیشن به اندازه‌ی کافی خوب نباشد، در رؤیاها با آن روبرو خواهید شد. زمانی که در خواب هستید یا در حالت مدیتیشن نشسته‌اید، ناگهان خودشان را نشان خواهند داد. اگر یک مرد باشید، زیبا چهره‌ای ظاهر خواهد شد. اگر زن باشید، مرد آرزوهای‌تان خودش را نشان خواهد داد. اما آن‌ها برهنه هستند. به محض این که به هیجان درآیید، به شما انزال دست خواهد داد و آن یک واقعیت خواهد شد. همگی درباره‌ی این بیندیشید: در روش تزکیه‌ی ما، جوهر بدن برای تزکیه‌ی زندگی شخص به کار می‌رود - شما نمی‌توانید همیشه به این شکل انزال داشته باشید. ضمن این که، امتحان شهوت را هم نگذرانده‌اید. چگونه این می‌تواند مجاز باشد؟ به همین جهت، به شما می‌گویم که همه با این موضوع مواجه خواهید شد و این تضمین شده است. وقتی فا را آموزش می‌دهم، درحال فرستادن انرژی قدرتمندی به داخل مغز شما هستم. ممکن است زمانی که از این درب بیرون می‌روید، آن چه را که گفته‌ام به‌طور دقیق به یاد نیاورید. اما وقتی که به‌طور واقعی با این موضوع برخورد می‌کنید، آن چه را که گفته‌ام به‌خاطر خواهید آورد. تا وقتی خود را یک تزکیه‌کننده در نظر بگیرید، در آن زمان آن را به‌خاطر خواهید آورد و آن گاه قادر خواهید بود، خود را کنترل کنید و می‌توانید این امتحان را بگذرانید. اگر در این امتحان برای اولین بار رد شوید، بار دوم واقعاً سخت خواهد بود. اما مواردی نیز بوده است که شخص نتوانسته از عهده‌ی امتحان اول برآید و به‌طور عمیق در بیداری پشیمان بوده است. شاید این ذهنیت و وضعیت فکری، افکار شما را درباره‌ی آن دوباره تقویت کند. وقتی دوباره مسئله اتفاق بیفتد، قادر خواهید بود خودتان را کنترل کرده و امتحان را بگذرانید. اگر کسی از عهده‌ی امتحان برنیامده و اهمیتی به آن ندهد، گذراندن امتحان مشکل‌تر خواهد بود. مسلماً این‌طور است.

وقتی این چیزها اتفاق می‌افتد، یا حالت‌هایی هستند که شیاطین مداخله می‌کنند یا حالت‌هایی که استادان برای این که شما را امتحان کند چیزهای بخصوصی را تبدیل می‌کند. هر دو نوع وجود دارند، چراکه همه باید این امتحان را بگذرانند. ما به عنوان یک فرد عادی تزکیه را شروع می‌کنیم. اولین مرحله این امتحان است و همگی با آن روبرو می‌شوید. بگذارید برای‌تان مثالی بزنم. زمانی که در کلاسی در شهر ووهان آموزش می‌دادم، مرد جوانی که سی سال سن داشت آنجا بود. بلافاصله بعد از شنیدن این سخنرانی، به خانه رفته و در مدیتیشن نشست. بلافاصله به مرحله دینگ رسید. بعد از آن، ناگهان بودا آمی‌تابا را در یک طرف و لائو‌ژی را در طرف دیگر دید که ظاهر شدند. این چیزی است که او در گزارش تجربه‌اش نوشته است. بعد از ظهور آن‌ها، هر دو به او نگاه کردند، هیچ چیز نگفتند و بعد ناپدید شدند. سپس بودی‌سات‌وا گوان‌یین ظاهر شد که جامی در دست داشت که از آن دودی سفید خارج می‌شد. او

آن‌جا در حال مدیتیشن نشسته بود و این چیزها را بسیار آشکار می‌دید، و کاملاً خوشحال بود. ناگهان، دود به چندین زن زیبا تبدیل شد- آن‌ها همان دختران آسمانی بودند که بسیار زیبا هستند. آن‌ها با حرکاتی بسیار دلپذیر برای او رقصیدند. او با خودش فکر کرد: "به خاطر این که من در این‌جا تزکیه می‌کنم، بودی‌سات‌وا گوان‌یین با تبدیل کردن زیبارویانی که تماشا کنم و با فرستادن دختران آسمانی که پروازکنان برای من می‌رقصند به من پاداش می‌دهد". همان‌طور که با این فکر خرسند و راضی بود، ناگهان این زیبارویان برهنه شدند و حرکات گوناگونی را در اطراف او انجام دادند، گردن او را در آغوش گرفته و دور کمر او را نوازش کردند. شین‌شینگ این تمرین‌کننده بسیار سریع رشد کرده بود. در آن لحظه، بلافاصله هشیار شد. اولین فکری که به ذهنش رسید این بود: "من یک فرد عادی نیستم. من یک تمرین‌کننده هستم. شما نباید با من به این صورت رفتار کنید. من فالون دافا را تزکیه می‌کنم". به محض این‌که این فکر ظاهر شد، ناگهان همه چیز ناپدید شد. از همان آغاز، آن‌ها تبدیل‌شده بودند. سپس بودا آمی‌تابا و لائو‌زی دوباره ظاهر شدند. لائو‌زی به این تمرین‌کننده اشاره کرد و به بودا آمی‌تابا با لبخندی گفت: "این جوان قابل یاد دادن است". یعنی این‌که این پسر خوب است و می‌توان به او آموزش داد.

در سراسر تاریخ، یا از نقطه نظر بُدهای بالاتر، موضوع تمایل و شهوت انسان در تعیین این‌که آیا شخص می‌تواند تزکیه کند یا نه بسیار بحرانی بوده است. در نتیجه ما واقعاً باید با این مسائل با بی‌اعتنایی برخورد کنیم. به هر حال، در بین مردم عادی تزکیه می‌کنیم و از شما نمی‌خواهیم که کاملاً همه چیز را رها کنید. حداقل در مرحله‌ی حاضر، باید به آن اهمیت کمتری بدهید و آن‌را آن‌طور که در گذشته عمل می‌کردید به کار نبرید. برای این‌که یک تمرین‌کننده باید این‌گونه باشد. هر زمان در حین تزکیه هر نوع مداخله‌ای وجود داشته باشد، باید دنبال دلیل آن در درون خودتان باشید و آن‌چه را که هنوز نتوانسته‌اید رها کنید پیدا کنید.

مداخله‌ی شیطانی ناشی از ذهن خود شخص

"مداخله‌ی شیطانی ناشی از ذهن خود شخص" چیست؟ بدن یک انسان، در هر بُد یک میدان مادی دارد. در یک میدان بخصوص، هر چیزی در جهان می‌تواند مثل یک سایه، در میدان بُدی شما منعکس شود. اگرچه آن‌ها سایه هستند، اما هستی آن‌ها از ماده به وجود آمده است. هر چیزی در میدان بُدی شما به وسیله‌ی افکار شما در مغزتان کنترل می‌شود. یعنی، وقتی با چشم سوم‌تان به چیزها نگاه می‌کنید، اگر با آرامش و بدون این‌که فکری به آن اضافه کنید ببینید، آن‌چه را که ببینید حقیقت خواهد بود. اما به محض این‌که از ذهن‌تان استفاده کنید، حتی اگر به مقدار کمی هم باشد، آن‌چه را که می‌بینید کاذب خواهد بود. این، مداخله‌ی شیطانی ناشی از ذهن خود شخص، یا "تبدیل بر طبق افکار" نامیده می‌شود. این جریان اتفاق می‌افتد زیرا بعضی از تمرین‌کنندگان نمی‌توانند با خودشان به عنوان تمرین‌کننده برخورد کنند و قادر نیستند با خودشان به درستی رفتار کنند. آن‌ها در طلب توانایی‌های فوق‌طبیعی هستند و به مهارت‌هایی بی‌اهمیت یا حتی به شنیدن موضوعاتی بخصوص از بُدهایی دیگر وابسته‌اند. آن‌ها در پی این مسائل هستند. برای این افراد بسیار آسان است که مداخله‌ی شیطانی ناشی از ذهن‌شان را رشد دهند و به سطوح پایین سقوط کنند. اهمیتی ندارد تزکیه‌ی یک فرد در چه سطح بالایی قرار دارد، وقتی یک‌بار این مشکل پدیدار می‌شود شخص تمام مسیر تا انتها سقوط کرده و کاملاً از بین می‌رود، این مسئله‌ای بی‌نهایت جدی است، شبیه موارد دیگر نیست که وقتی شخص یک‌بار با امتحان شین‌شینگ سقوط می‌کند، ممکن است بعد از شکست دوباره بلند شود و به تزکیه ادامه دهد. بلکه وقتی مداخله‌ی شیطانی ناشی از ذهن خود شخص اتفاق بیفتد، مشکلی واقعی است و زندگی این شخص به تباهی کشیده خواهد شد. این مشکل می‌تواند مخصوصاً برای تمرین‌کنندگانی که در سطحی معین چشم سوم‌شان باز است به آسانی اتفاق بیفتد. همچنین، بعضی افراد همیشه بعضی از پیام‌های خارجی با ذهن‌شان مداخله ایجاد می‌کند. هر پیام خارجی که دریافت می‌کنند، به آن باور می‌آورند، و آن‌ها نیز این مشکل را

خواهند داشت. به همین جهت، بعضی از شما پس از باز شدن چشم سوم‌تان، هر جنبه از تزکیه‌تان با پیام‌ها مورد تداخل قرار خواهد گرفت.

اجازه دهید مثالی بزنم. درحال تزکیه در سطحی پایین، سخت است دروناً تحت تأثیر قرار نگرفت. شاید قادر نباشید به‌وضوح ببینید معلم شما به چه شکلی است. ممکن است یک روز ناگهان یک موجود فناپذیر بزرگ و قد بلند را ببینید. چند کلمه‌ی تملق‌آمیز به شما می‌گوید و سپس کاری را یادتان می‌دهد. اگر آن‌را بپذیرید، گونگ شما درهم و برهم خواهد شد. یک‌بار که خوشحال شوید و او را به عنوان استاد بپذیرید، با او خواهید رفت. اما او نیز به ثمره‌ی حقیقی نرسیده است. در آن بُعد، بدن او می‌تواند کوچک و بزرگ شود. با دیدن این موجود بزرگ و فناپذیر روبروی چشم‌تان، به‌طور واقعی هیجان‌زده می‌شوید. با این هیجان، آیا نمی‌روید از او چیزی یاد بگیرید؟ وقتی یک تمرین‌کننده نتواند خودش را به‌خوبی اداره کند، مشکل است که او را نجات داد و او به آسانی می‌تواند خود را به تباهی بکشانند. تمام موجودات آسمانی فناپذیرند، اما آن‌ها هنوز به ثمره‌ی حقیقی نائل نشده‌اند و در دایره‌ی بازپیدایی به همان شکل ادامه خواهند داد. اگر چنین موجودی را سرسری به‌عنوان استاد خود قبول کنید و او را دنبال کنید، شما را به کجا می‌تواند ببرد؟ او حتی نمی‌تواند به ثمره‌ی حقیقی نائل شود. آیا تزکیه‌ی شما به عبث کشیده نخواهد شد؟ احتمالاً گونگ شما درهم و برهم خواهد شد. بسیار مشکل است که ذهن یک فرد بدون مزاحمت باقی بماند. به همگی می‌گویم که این مسئله‌ای بسیار جدی است و بسیاری از شما این مشکل را بعداً خواهید داشت. فا را به شما آموزش داده‌ام؛ این‌که بتوانید خودتان را به‌درستی اداره کنید دیگر به شما مربوط است. آن‌چه را که ذکر کردم یکی از این وضعیت‌ها است. وقتی موجودات روشن‌بین از مدارس تزکیه‌ی دیگری را می‌بینید نگذارید آن شما را تحت تأثیر قرار دهد و فقط در یک مدرسه‌ی تزکیه باقی بمانید. "مهم نیست که آن، یک بودا، دائو، فناپذیر، یا یک شیطان باشد، آن‌ها نمی‌توانند مرا تحت تأثیر قرار دهند." وقتی این‌گونه باشید قطعاً به موفقیت شما در تزکیه امید است.

مداخله‌ی شیطانی ناشی از ذهن خود شخص، به شکل‌های دیگر نیز تجلی می‌یابد. شاید اعضای از خانواده را که درگذشته‌اند ببینید که برای شما تداخل ایجاد می‌کنند. این شخص گریه می‌کند و از شما تقاضا می‌کند که این یا آن کار را انجام دهید. همه نوع مسئله‌ای ممکن است اتفاق بیفتد. آیا فکر شما بدون تأثیر باقی خواهد ماند؟ درنظر بگیرید که شما به فرزندان بسیار وابسته هستید و یا این‌که والدین‌تان را عاشقانه دوست می‌دارید و والدین‌تان درگذشته‌اند و حالا به شما می‌گویند که کارهای بخصوصی را انجام دهید... چیزهایی که نباید انجام دهید و اگر انجام دهید بد خواهد شد. این‌گونه سخت است که یک تمرین‌کننده بود. گفته شده است که بودیسم در هرج و مرج است و حتی مسائلی مثل عشق به والدین و فرزندان و علاقه‌ی بین مرد و زن و مانند آن از کنفوسیوس وارد شده است. اما این چیزها به بودیسم تعلق ندارد. آن‌چه معنایی می‌دهد؟ از آن‌جا که وجود واقعی انسان روح اصلی او است، کسی که به روح اصلی شما جان می‌دهد مادر حقیقی شما است. بر طبق سامسارا، شما مادرهایی داشته‌اید که بشر یا غیر بشر بوده‌اند و تعداد آن‌ها به‌قدری زیاد هستند که نمی‌توان آن‌ها را شمرد. این نیز غیرقابل شمارش است که چه تعداد پسر و دختر در طول سراسر زندگی‌های مختلف‌تان داشته‌اید. چه کسی مادر شما است؟ چه کسانی دختران و پسران شما هستند؟ وقتی نفس آخر را کشیدید همدیگر را نمی‌شناسید. هنوز هم باید آن‌چه را که به دیگران مدیون هستید بپردازید. انسان‌ها در توهم زندگی می‌کنند و نمی‌توانند این موضوعات را رها کنند. بعضی از افراد نمی‌توانند پسران و دختران‌شان را رها کنند و آن‌ها را به حال خودشان بگذارند و ادعا می‌کنند که آن‌ها چه‌قدر خوب هستند و سپس آن‌ها درمی‌گذرند. شخص ممکن است از خوب بودن مادرش صحبت کند، اما او نیز درگذشته است. این شخص به‌قدری غصه‌دار است که اغلب می‌خواهد مادرش را برای بقیه‌ی زندگی خود دنبال کند. چرا درباره‌ی این موضوع نمی‌اندیشید؟ آیا آن‌ها این کار را انجام نمی‌دهند تا شما را فرسوده کنند؟ آن‌ها این کار را انجام می‌دهند تا شما قادر نباشید یک زندگی خوب را ادامه دهید.

شاید مردم عادی نتوانند این را درک کنند: اگر به این چیزها وابسته باشید، کلاً نمی‌توانید تزکیه کنید. این دلیل آن است که چرا این چیزها به بودیسم تعلق ندارد. اگر بخواهید تزکیه کنید، احساسات بشری را باید کنار بگذارید. البته، در تزکیه در بین جامعه‌ی مردم عادی، باید به والدین خود احترام بگذاریم و فرزندانمان را تربیت کنیم. در هر شرایطی، باید با دیگران خوب و با مردم مهربان باشیم، چه رسد به اعضای خانواده‌مان. ما باید با همه به یکسان رفتار کنیم، با والدین و فرزندانمان خوب باشیم و همیشه رعایت حال دیگران را بکنیم. چنین قلبی خودخواه نیست، بلکه قلبی نیک‌خواه است - آن نیک‌خواهی است. احساسات چیزی است مختص مردم عادی و مردم عادی فقط برای احساسات زندگی می‌کنند.

بسیاری از مردم نمی‌توانند خودشان را به‌خوبی اداره کنند و این سبب چالش‌های زیادی در تزکیه‌شان شده است. یک شخص ممکن است بگوید که بودا به او چیزی گفته است. تمام کسانی که به شما می‌گویند امروز مشکلی خواهید داشت و چگونه از چیزی که می‌خواهد اتفاق بیفتد اجتناب کنید، آن‌هایی که شماره‌ی بلیط برنده‌ی قرعه‌کشی را به شما گفته و می‌گویند که آن‌را امتحان کنید و آن‌هایی که می‌گویند چگونه در جامعه‌ی عادی بشری چیزی را به‌دست بیاورید، همگی شیاطین هستند، مگر این که خطری زندگی شما را تهدید کند و به شما گفته شود که چگونه آن‌را برطرف کنید. وقتی بخواهید فقط در جامعه‌ی عادی بشری پیشی بگیرید، امتحان‌های آن سختی‌ها را با موفقیت نخواهید گذراند و قادر نخواهید بود پیشرفت کنید. اگر در بین مردم عادی زندگی راحت و خوبی داشته باشید، چگونه می‌توانید تزکیه کنید؟ چگونه کارمای شما می‌تواند تبدیل شود؟ چگونه می‌توانید محیطی برای رشد شین‌شینگ خود و تبدیل کارمای‌تان داشته باشید؟ مطمئن باشید که این را به‌خاطر بسپارید. شیطان‌ها ممکن است شما را تحسین کنند، به شما بگویند که سطح‌تان خیلی بالا است، به شما بگویند که یک بودا یا دائوی بزرگ سطح بالا هستید یا به شما بگویند که فکر می‌کنند چه قدر فوق‌العاده هستید، تمام این‌ها دروغ است. کسی که به‌طور واقعی به‌طرف سطوح بالا تزکیه می‌کند، باید تمام وابستگی‌های مختلفی را که دارد رها کند. وقتی با این مسائل مواجه می‌شوید واقعاً باید مراقب و هشیار باشید!

در طی عمل تزکیه، ممکن است چشم سوم شما باز شود. افرادی که چشم سوم‌شان باز است، درحین تزکیه کردن چالش‌های خود را دارند و افرادی که چشم سوم‌شان باز نیست هم، چالش‌های خود را دارند. در هر دو مورد، تزکیه‌کردن آسان نیست. بعد از این که چشم سوم شما باز شود، وقتی پیام‌های گوناگون مزاحم شما شوند، قطعاً برای شما سخت خواهد بود که خود را درست اداره کنید. در بُعدهای دیگر، همه چیز در مقابل چشم‌ها درخشان و خیره‌کننده است، بسیار زیبا و قشنگ، همه‌ی آن‌ها می‌توانند قلب شما را وسوسه کنند. وقتی یک‌بار بدین طریق لرزیدید، امکان تداخل برای‌تان پیش می‌آید و گونگ شما درهم و برهم می‌شود، معمولاً بدین شکل است. این دلیل آن است که چرا وقتی افراد، با شیطان ناشی از ذهن خودشان مورد تداخل قرار می‌گیرند و نمی‌توانند خود را به‌خوبی اداره کنند، ممکن است وضعیت بخصوصی را تجربه کنند. برای مثال وقتی یک‌بار شخصی فکر نادرستی را رشد می‌دهد، آن بسیار خطرناک خواهد بود. یک روز چشم سوم او باز می‌شود و می‌تواند چیزهایی را کاملاً به‌وضوح مشاهده کند. فکر می‌کند، "در این محل تمرین، فقط چشم سوم من است که به‌خوبی باز شده است. شاید من شخصی فوق‌العاده هستم. من قادر بودم فالون دافای معلم لی را یاد بگیرم و آن‌را به‌خوبی مطالعه کرده‌ام - بهتر از هر شخص دیگر. شاید من نیز یک فرد معمولی نیستم." این افکار درحال رفتن در جهت اشتباه هستند. او با شگفتی خواهد گفت: "شاید من هم یک بودا هستم. خوب، به خودم نظری بیندازم." وقتی به خودش نگاه می‌کند، می‌بیند که واقعاً یک بودا است. چرا این‌طوری است؟ به این خاطر که هر چیزی در میدان بُعدی اطراف بدن او، بر طبق افکار او تبدیل خواهد شد، که "تبدیل بر طبق افکار" نیز نامیده می‌شود.

هر چیز انعکاس یافته از جهان با افکارش تغییر می‌کند. زیرا هر چیزی در محدوده‌ی میدان بُعدی او تحت فرمان او است و سایه‌ها نیز به‌صورت مادی وجود دارند - تفاوتی نمی‌کنند. این شخص فکر می‌کند: "شاید من یک بودا

هستم و شاید آن چه را که دربردارم نیز لباس بودا است." سپس خواهد دید که هرچه را دربردارد واقعاً لباس یک بودا است. "وای، من واقعاً یک بودا هستم." او بسیار هیجان زده می شود. "شاید حتی یک بودای کوچک نیستم." با نظری دیگر، می بیند یک بودای بزرگ است. "شاید حتی بزرگ تر از لی هنگجی هستم! بگذار نگاهی بیندازم... وای، واقعاً بالاتر از لی هنگجی هستم." بعضی افراد نیز این را با گوش خود می شنوند. یک شیطان با او مداخله می کند و می گوید: "تو بالاتر از لی هنگجی هستی. تو واقعاً بزرگ تر از لی هنگجی هستی." و سپس او آن را باور می کند. آیا به این اندیشیده اید که چگونه پس از آن تزکیه خواهید کرد؟ آیا قبل از آن، تزکیه کرده بودید؟ چه کسی به شما تزکیه را آموزش داد؟ حتی وقتی که یک بودای واقعی برای انجام کارهایی به این جا می آید، او نیز باید از اول تزکیه کند. گونگ اصلی او به او داده نمی شود و فقط این طور است که او در تزکیه سریع تر پیشرفت می کند. به همین جهت وقتی این مشکل برای او پیش می آید، برایش مشکل خواهد بود که خودش را از آن بیرون بیاورد و بلافاصله این وابستگی را رشد خواهد داد. بعد از این که این وابستگی رشد داده شد، جرأت می کند هر چیزی بگوید، "من یک بودا هستم. لزومی ندارد که از دیگران آموزش بگیرید. من بودا هستم، پس به شما خواهم گفت که چه باید بکنید." او شروع می کند این گونه عمل کند.

آیا کسی را مثل این در چانگ چون نداریم؟ در اول تقریباً خوب بود. بعداً، شروع به انجام این کارها کرد. او فکر کرد که یک بودا است. در آخر، خودش را بالاتر از هر کسی در نظر گرفت. این مسئله وقتی اتفاق می افتد که کسی نتواند خود را به خوبی اداره کند و وابستگی اش ظاهر شود. چرا چنین پدیده ای وجود دارد؟ در بودیسم می گویند: باید هر چه را که می بینید نادیده بگیرید چرا که تمام آن ها توهم شیطانی هستند و باید فقط مدیتیشن کنید و به سوی بالا تزکیه کنید. آیا می دانید چرا اجازه نمی دهند آن ها را ببینید و به آن ها وابسته شوید؟ زیرا در برابر وقوع چنین مشکلی احتیاط می کنند. تزکیه در بودیسم هیچ روش تقویت کننده ای ندارد و متون شان شما را به این که چگونه از این مشکل دوری کنید راهنمایی نمی کنند. شاکيامونی چنین دارمایی را در آن زمان آموزش نداد، بنابراین، برای اجتناب از مشکل دخالت شیاطین ناشی از ذهن خود شخص یا تبدیل بر طبق افکار، او تمام صحنه های مشاهده شده در عمل تزکیه را "توهمات شیطانی" نام نهاد. پس وقتی یک وابستگی دارید، آن این توهم شیطانی را به وجود خواهد آورد و واقعاً سخت است که از آن رها شد. اگر با آن به خوبی برخورد نشود، شخص تباه می شود و راهی شیطانی را دنبال می کند. از آن جا که او خود را یک بودا نامیده است، هم اکنون خودش را شیطانی کرده است. در نهایت، به وسیله ای ارواح یا حیوانات تسخیر شده یا چیزهای دیگر را تجربه کرده و کاملاً نابود می شود. قلب او نیز زشت و قبیح شده و کاملاً سقوط می کند. از چنین اشخاصی به فراوانی وجود دارند. حتی در این کلاس، اشخاصی هستند که در حال حاضر کاملاً درباره ی خودشان در سطح بالایی فکر می کنند و با طرز فکر خاصی صحبت می کنند. حتی در بودیسم برای فرد ممنوع است که بخواهد بفهمد در کل، او چه کسی است. آن چه را که در حال حاضر ذکر کردم شکل دیگری از تداخل شیطانی است، که "مداخله ی شیطانی ناشی از ذهن خود شخص" یا "تبدیل بر طبق افکار" نامیده می شود. پکن تمرین کنندگانی بدین گونه دارد و تعدادی نیز در بعضی مناطق دیگر وجود دارند. از این گذشته، آن ها مزاحمت هایی بسیار جدی برای تمرین کنندگان ایجاد کرده اند.

کسی از من سؤال کرد: "معلم، چرا این مشکل را از بین نمی برید؟" همگی درباره ی این بیندیشید: اگر تمام موانع را از راه تزکیه تان برداریم، چگونه می توانید عمل تزکیه را انجام دهید؟ تحت شرایط مداخله ی شیطانی است که می توانید نشان دهید آیا می توانید به تزکیه ادامه دهید یا نه، واقعاً در دائو روشن بین شوید یا نه؛ تحت تأثیر مزاحمت ها قرار می گیرید یا نه و در این مدرسه ی تزکیه می توانید ثابت قدم باشید یا نه. موج های بزرگ شن را جابه جا می کند، تزکیه این گونه است، آن چه که در نهایت باقی می ماند طلای حقیقی است. می گویم بدون این نوع مزاحمت ها، برای مردم خیلی آسان می بود که تزکیه کنند. طوری که من به آن نگاه می کنم، تزکیه ی شما بسیار آسان می بود. آن روشن بین های بزرگ در سطوح بالا وقتی این را می دیدند فکر می کردند که این حتی بیشتر غیرمنصفانه است، "فکر

می‌کنی در حال انجام چه کاری هستی؟ آن‌را نجات مردم می‌نامی؟ هیچ مانعی در مسیر ندارند و تزکیه‌شان تمام راه تا انتها آرام و بی‌دردسر است - آیا این تزکیه کردن است؟ هرچه بیشتر تمرین کنند، راحت‌تر می‌شوند و هیچ مزاحمتی ندارند. چگونه این می‌تواند مجاز باشد؟ موضوع، این است و من نیز درباره‌ی آن فکر کرده‌ام. در مرحله‌ی شروع، مراقب بسیاری از این نوع شیاطین بودم. اما اگر این کار را تمام مدت انجام می‌دادم، فکر نمی‌کنم درست می‌بود. دیگران به من گفته‌اند، "تو تزکیه‌ی آن‌ها را بسیار آسان کرده‌ای. مردم فقط مشکلات کوچک خود را دارند، و فقط آن چیزهای جزئی بین مردم وجود دارد. آن‌ها وابستگی‌های بسیاری دارند که هنوز نمی‌توانند آن‌ها را از دست بدهند! هنوز باید منتظر بمانیم و ببینیم آیا افراد تو می‌توانند وقتی به هم‌ریختگی و هرج و مرج از راه می‌رسد دافای تو را بفهمند." این موضوع وجود دارد، بنابراین مزاحمت وجود خواهد داشت، و آزمایش‌ها وجود خواهند داشت. چیزی که اکنون درباره‌ی آن صحبت کردم یک نوع از شیطان است. واقعاً سخت است که به‌طور حقیقی یک شخص را نجات داد، اما بی‌نهایت آسان است که او را نابود کرد. یک‌بار که درک و فهم شما بیش از حد به اشتباه برود تزکیه‌ی شما خاتمه خواهد یافت.

خودآگاه اصلی شما باید قوی باشد

به‌خاطر این که انسان‌ها در طول زندگی‌های مختلف خود کارهای نادرست بسیاری را انجام داده‌اند، این مسئله برای مردم بلايا و فجایعی را به‌همراه داشته و برای تمرین‌کنندگان موانع کارمایی را به‌وجود آورده است. بنابراین، تولد، پیری، بیماری و مرگ وجود خواهند داشت. این‌ها کارمای معمولی هستند. کارمای قدرتمند دیگری وجود دارد که تأثیر بسیار زیادی بر تمرین‌کنندگان می‌گذارد، نام آن کارمای فکری است. مردم برای هدایت زندگی‌شان مجبورند فکر کنند. از آن‌جا که شخص در بین مردم عادی گم شده است، اغلب در ذهنش افکاری در مورد شهرت، سود، شهوت، خشم و غیره را رشد می‌دهد. به‌تدریج، این افکار به‌صورت افکار کارمایی قدرتمندی درمی‌آیند. از آن‌جا که هر چیزی در بُدهای دیگر دارای زندگی و هستی است، کارما نیز همین‌طور است. وقتی فرد شروع به تزکیه در یک راه درست می‌کند، باید کارمای خود را از بین ببرد. از بین بردن کارما این معنی را می‌دهد که آن‌را از ریشه از بین برده و به کلی تغییر داد. البته، کارما مقاومت خواهد کرد و بنابراین شخص درد و رنج و موانعی خواهد داشت. اما، کارمای فکری مستقیماً مزاحم ذهن فرد است. به همین جهت، ممکن است شخص به‌طور ساکت معلم و دافا را ملامت و سرزنش کند و ممکن است به بعضی از افکار پلید و کلمات زشت فکر کند. در نتیجه، بعضی از تمرین‌کنندگان نمی‌دانند که موضوع از چه قرار است و فکر می‌کنند که این افکار خود آن‌ها است. بعضی از افراد نیز معتقدند که آن‌ها از طرف ارواح یا حیوانات تسخیر کننده هستند، اما آن‌ها از طرف ارواح یا حیوانات تسخیرکننده نیستند. به بیانی دقیق‌تر، آن‌ها ثمره‌ی انعکاس کارمای فکری ذهن شخص هستند. بعضی از افراد خودآگاهی اصلی قوی ندارند و از کارمای فکری پیروی می‌کنند و کارهای نادرست انجام می‌دهند. چنین افرادی نابود شده و به سطوح پایینی سقوط خواهند کرد. به هر حال، اغلب مردم می‌توانند از ذهن قوی‌شان (خودآگاه اصلی قوی‌شان) استفاده کنند تا آن‌را از بین ببرند و با آن مبارزه کنند. آن نشان می‌دهد که این شخص می‌تواند نجات یابد و می‌تواند خوب را از بد تشخیص دهد و به این معنی است که درک و فهمش خوب است. فاشن من به او کمک می‌کند تا اکثر چنین کارمای فکری را از بین ببرد. این وضعیت اغلب دیده می‌شود. وقتی که آن اتفاق می‌افتد، شخص مورد آزمایش قرار می‌گیرد برای این که دیده شود آیا می‌تواند به این افکار بد غلبه کند یا نه. اگر بتوانید ثابت‌قدم باشید، می‌توانیم کارما را از بین ببریم.

افکار شما باید درست باشد

منظور از "افکار نادرست" چیست؟ آن اشاره می‌کند به این که یک شخص همیشه نمی‌تواند خود را به‌عنوان یک تمرین‌کننده در نظر بگیرد. یک تمرین‌کننده در تزکیه با درد و رنج مواجه می‌شود. وقتی درد و رنجی پیش می‌آید،

ممکن است به صورت مشکلی بین مردم عادی آشکار شود، یا چیزهایی مثل تنش‌ها و بازی‌های ذهنی و امثال آن، که مستقیماً بر شین‌شینگ شما تأثیر می‌گذارد. موارد بسیاری در این رابطه وجود خواهند داشت. با چه چیز دیگری روبرو می‌شوید؟ بدن‌تان ممکن است ناگهان احساس معذبی داشته باشد. این به خاطر بازپرداخت کارما است که به شکل‌های مختلفی آشکار می‌شود. در زمانی بخصوص، وادار خواهید شد که احساس کنید نمی‌توانید به‌طور واضح تشخیص دهید که آیا مسئله‌ای صحیح است یا نه، آیا گونگ وجود دارد یا نه، آیا می‌توانید تزکیه کنید و در آن موفق شوید یا نه، یا بوداهایی وجود دارند یا نه و آن‌ها واقعی هستند یا نه. در آینده، این اوضاع و شرایط دوباره ظاهر خواهند شد که در شما تأثیری دروغین ایجاد کنند و در شما این احساس را به‌وجود آورند که آن‌ها وجود ندارند و همگی کاذب هستند، این برای این است که مشخص شود که آیا مصمم هستید یا نه. اگر بگویید که می‌خواهید اراده‌تان را آهین کنید، پس با این فکر، در آن لحظه واقعاً قادر خواهید بود که به آن عمل کنید و به‌طور طبیعی به‌خوبی عمل خواهید کرد چراکه شین‌شینگ شما رشد کرده است. اما اگر در حال حاضر محکم و پایدار نباشید و بگذاریم که این سختی‌ها هم‌اکنون به شما اصابت کند، نخواهید فهمید که اوضاع از چه قرار است و برای شما پایان تزکیه خواهد بود. سختی‌ها به شکل‌های مختلفی ممکن است خود را نشان دهند.

در جریان عمل تزکیه، شخص باید بدین شکل تزکیه کند تا به سطوح بالاتر صعود کند. بنابراین بعضی از افراد هستند که وقتی در جایی از بدن احساس معذبی دارند، فکر می‌کنند بیمار هستند. همیشه مشکل می‌تواند مثل یک تمرین‌کننده رفتار کنند. وقتی با این مسئله روبرو می‌شوند فکر می‌کنند که آن یک بیماری است. "چرا این‌همه مشکلات وجود دارند؟ بگذارید برای‌تان بگویم، در حال حاضر بسیاری از آن‌ها برای شما برداشته شده‌اند و در حال حاضر امتحان‌های شما کاملاً پیش‌پاافتاده هستند. اگر آن‌ها برای شما برطرف نمی‌شدند و در حال حاضر با این مشکل روبرو می‌شدید ممکن بود به حال مرگ بیفتید. شاید هرگز قادر نمی‌بودید که از تخت‌تان بیرون بیایید. وقتی با مشکلی کوچک روبرو می‌شوید، فکر می‌کنید تحمل آن سخت است. اما چگونه می‌تواند آن قدر راحت باشد؟ به‌طور مثال، زمانی که در کلاسی در چانگ‌چون آموزش می‌دادم، شخصی بود که کیفیت مادرزادی بسیار خوبی داشت و امیدوارکننده بود. دریافتیم که او بسیار خوب است و به‌منظور این که بتواند سریعاً کارمایش را پس دهد و روشن بین شود آزمایش‌های او را کمی افزایش دادم، من بدین طریق تدارک می‌دیدم. اما، یک روز به نظر آمد که او به‌طور ناگهانی علائم سکتی مغزی دارد، به زمین افتاد و فکر کرد که نمی‌تواند حرکت کند و مثل این بود که دست‌ها و پاهایش حرکت نمی‌کنند. بنابراین برای مراقبت اضطراری او را به بیمارستان فرستادند. سپس توانست دوباره راه برود. همگی درباره‌ی این بیندیشید: با سکتی مغزی، چگونه شخص می‌تواند به این سرعت با پای خودش برگردد و دست‌ها و پاهایش دوباره حرکت کنند؟ اما او برگشت و گفت که یاد گرفتن فالون دافا بود که باعث شد کارها خراب شود. او درباره‌ی این فکر نکرد که چگونه توانست به این سرعت از سکتی مغزی بهبود یابد؟ اگر فالون دافا را یاد نگرفته بود، ممکن بود وقتی که به زمین افتاد واقعاً در آن جا بمیرد. شاید برای بقیه‌ی عمرش فلج می‌شد و حقیقتاً سکتی می‌کرد.

این مسئله این نکته را می‌گوید که چه قدر مشکل است یک شخص را نجات داد. آن همه کار برای او انجام شده بود ولی هنوز هم به آن‌ها واقف نبود و در عوض چنان صحبتی کرد. بعضی از تمرین‌کنندگان قدیمی می‌گویند: "معلم، چرا در سراسر بدنم احساس معذبی دارم؟ همیشه برای تزریق به بیمارستان می‌روم، اما کمکی نمی‌کند. دارو نیز اثر نمی‌کند." آن‌ها حتی خجالت نمی‌کشند درباره‌ی این جریان با من صحبت می‌کنند! البته که آن‌ها کمکی نمی‌کنند. آن‌ها بیماری نیستند. چگونه می‌توانند کمک کنند؟ بروید و معاینه شوید. هیچ مشکلی موجود نیست، بلکه فقط معذب هستید. یکی از شاگردان ما به بیمارستان رفت و چندین آمپول روی بدنش شکست. در آخر، دارو با فوران بیرون زد و سوزن هنوز هم نتوانست در بدن او فرو رود. در آن موقع متوجه شد: "صبر کن، من یک تمرین‌کننده هستم و هیچ آمپول بیشتری نمی‌خواهم." فقط آن موقع پی برد که آمپول تزریق نکند. بنابراین، هر موقع که با دردی روبرو می‌شوید، مطمئن باشید که به این مسئله توجه می‌کنید. بعضی از مردم به اشتباه فکر می‌کنند که سعی می‌کنم جلوی

بیمارستان رفتن آن‌ها را بگیرم، پس این‌طور فکر می‌کنند: "اگر اجازه نمی‌دهید به بیمارستان بروم، به نزد یک استاد چی‌گونگ می‌روم". هنوز هم فکر می‌کنند که آن یک بیماری است و می‌خواهند به سراغ یک استاد چی‌گونگ بروند. کجا می‌توانند یک استاد حقیقی چی‌گونگ پیدا کنند؟ اگر او یک استاد قلابی باشد، به یک‌باره نابود خواهید شد.

باید پرسیم، چگونه می‌توانید بگویید که آیا یک استاد چی‌گونگ، واقعی است؟ بسیاری از استادان چی‌گونگ خودشان به خودشان عنوان داده‌اند. من مورد آزمایش قرار گرفته‌ام و از مؤسسه‌های تحقیقات علمی مدارکی دارم. بسیاری از استادان چی‌گونگ، قلابی هستند و به خودشان عناوینی را داده‌اند! و بسیاری وجود دارند که کلاهبرداری می‌کنند و مردم را فریب می‌دهند. چنین استاد دروغینی نیز می‌تواند بیماری‌ها را شفا دهد. چرا می‌تواند این کار را انجام دهد؟ او گرفتار روح یا حیوان تسخیرکننده است. اگر گرفتار روح یا حیوان تسخیرکننده نمی‌بود نمی‌توانست از مردم کلاهبرداری کند! روح یا حیوان تسخیرکننده نیز می‌تواند انرژی را بیرون بفرستد و بیماری‌ها را شفا دهد. آن به‌صورت شکلی از انرژی بوده و می‌تواند به‌راحتی مردم عادی را کنترل کند. اما همان‌طور که گفته‌ام، وقتی که ارواح یا حیوانات تسخیرکننده بیماری مردم را معالجه می‌کنند آیا هیچ می‌دانید چه چیزی به درون بدن شما می‌فرستند؟ در سطح فوق‌العاده میکروسکوپی، همگی به شکل روح و حیوان تسخیرکننده هستند. وقتی به بدن شما فرستاده شود، چه خواهید کرد؟ همان‌طور که می‌گویند، "دعوت کردن یک فناپذیر آسان‌تر از خارج کردن آن است". البته نیازی نیست که درباره‌ی مردم عادی صحبت کنیم، چرا که آن‌ها فقط می‌خواهند مردم عادی باقی بمانند و موقتاً راحت باشند. اما شما یک تمرین‌کننده هستید، آیا نمی‌خواهید مداوماً بدن‌تان را پالایش کنید؟ اگر آن به بدن شما وصل شود، چه وقت قادر خواهید بود از دست آن خلاص شوید؟ به‌علاوه، آن مقدار قابل توجهی انرژی دارد. بعضی‌ها می‌پرسند، "چرا فالون اجازه می‌دهد که این اتفاق بیفتد؟ آیا ما فاشن معلم را نداریم که از ما محافظت کند؟" در جهان ما اصلی وجود دارد: اگر خودتان چیزی را بخواهید هیچ کسی در آن مداخله نمی‌کند. تا آن‌جا که آن خواست شما باشد، هیچ کسی نمی‌تواند در آن دخالت کند. فاشن من شما را متوقف می‌کند و به شما اندرز می‌دهد. اگر ببیند که همیشه بدان صورت هستید، بیشتر از آن از شما مواظبت نخواهد کرد. چگونه شخص می‌تواند مجبور به تزکیه کردن شود؟ شما نمی‌توانید مجبور به تزکیه کردن شوید؟ این کاملاً به شما مربوط است که به‌طور واقعی ترقی کنید. اگر شما نخواهید خودتان را رشد دهید هیچ کسی نمی‌تواند درباره‌ی آن کاری انجام دهد. اصول را برای شما تشریح کرده‌ام و فا را به شما آموزش داده‌ام، اگر هنوز نخواهید خودتان را ترفیع دهید، چه کسی را شمامت می‌کنید؟ اگر این شما باشید که چیزی را می‌خواهد، فالون و فاشن من مداخله‌ای نخواهد کرد. مطمئناً این‌طور است. حتی بعضی از افراد به کلاس‌های استادان دیگر چی‌گونگ رفته و بعد از آن در خانه احساسی بسیار معذب و ناراحت داشته‌اند. مطمئناً این‌طور است. چرا فاشن من از شما حمایت نکرد؟ برای چه به آن‌جا رفتید؟ با رفتن به آن‌جا برای گوش کردن، آیا در جستجوی چیزی نبودید؟ اگر با گوش‌های‌تان گوش نمی‌کردید، چگونه آن می‌توانست به بدن شما نفوذ کند؟ بعضی از افراد فالون‌شان را از شکل انداخته‌اند. بگذارید برای‌تان بگویم که این فالون باارزش‌تر از زندگی شما است. آن موجودی والاتر است که نمی‌توانید همین‌طوری آن را نابود کنید. درحال حاضر بسیاری از استادان دروغین وجود دارند و بعضی از آن‌ها تقریباً معروف هستند. به مسئولین انجمن تحقیق علم چی‌گونگ چین گفته‌ام که در زمان‌های قدیم، معشوقه‌ی د، دربار امپراطور را زیر و رو کرد و آن روباه کارهای بی‌رحمانه‌ی زیادی انجام داد، اما هنوز هم به بدی بعضی از استادان قلابی امروزی چی‌گونگ که کاملاً به تمام کشور صدمه رسانده‌اند نبود. چه تعداد مردم قربانی شده‌اند؟! در ظاهر ممکن است به‌نظر برسد کاملاً خوب هستند، اما چه تعداد از افراد آن نوع از چیزها را در بدن‌شان حمل می‌کنند؟ وقتی یک استاد دروغین چی‌گونگ آن چیزها را بیرون بفرستد، شما آن‌ها را خواهید داشت. اگر این‌ها را به شما بدهند، آن‌ها را در بدن‌تان حمل خواهید کرد. آن‌ها بسیار مهاجم هستند. به همین جهت برای یک فرد عادی مشکل است که از روی ظاهر بتواند آن را تشخیص دهد.

بعضی از مردم ممکن است فکر کنند: "بعد از شرکت در این سمینار چی گونگ و گوش کردن به آن چه لی هنگجی امروز گفت، پی برده‌ام چی گونگ چه قدر عمیق و پرمحتوا است! اگر سمینارهای چی گونگ دیگری وجود داشته باشد، در آن‌ها نیز شرکت خواهم کرد." می‌گوییم که مطلقاً نباید به آن‌جا بروید. اگر به آن‌ها گوش کنید، چیزهای بد وارد گوش‌تان می‌شوند. بسیار مشکل است که یک شخص را هم نجات داد و هم فکر او را عوض کرد. پاک کردن بدن یک شخص نیز بسیار مشکل است. تعداد بسیار زیادی از استادان دروغین چی گونگ وجود دارند. حتی به‌عنوان یک استاد واقعی چی گونگ در یک روش صحیح، آیا او واقعاً پاک است؟ بعضی از حیوانات واقعاً شرور و وحشی هستند. اگرچه آن موجودات نمی‌توانند به بدن او وصل شوند، اما هیچ‌کدام از آن‌ها را هم نمی‌تواند بیرون ببرد. این شخص و مخصوصاً شاگردان او، توانایی این را ندارند که در مقیاسی وسیع از عهده‌ی آن چیزها برآیند. وقتی گونگ را بیرون می‌فرستد، هر نوع چیز ناجوری وجود دارد که با آن در تداخل است. هر چند ممکن است خودش خوب و شایسته باشد، اما شاگردانش نیستند و توسط انواع و اقسام ارواح یا حیوانات مختلف تسخیر شده‌اند.

اگر به‌طور واقعی بخواهید در فالون دافا تزکیه کنید، نباید به نزد آن‌ها بروید و به آن‌ها گوش کنید. البته، اگر نخواهید فالون دافا را تزکیه کنید و بخواهید هر چیزی را تزکیه کنید، می‌توانید به آن ادامه دهید؛ مانع شما نخواهم شد، زیرا مرید فالون دافا نیستید. اگر مشکلی پیدا کردید، نگویید که تمرین فالون دافا باعث آن بوده است. فقط وقتی استاندارد شین‌شینگ را مراعات کنید و بر طبق دافا تزکیه کنید، یک تمرین‌کننده‌ی واقعی فالون دافا هستید. برخی از من سؤال کرده‌اند که، "آیا می‌توانم با تمرین‌کنندگان روش‌های دیگر چی گونگ معاشرت کنم؟" بگذارید برای‌تان توضیح دهم، آن‌ها فقط چی گونگ را تمرین می‌کنند درحالی که شما در دافا تزکیه می‌کنید. بعد از حضور در این کلاس، فاصله‌ی زیادی بین سطح شما و آن‌ها خواهد بود. این فالون چیزی است که پس از نسل‌های زیادی از تزکیه شکل گرفته و خیلی قدرتمند است. مطمئناً وقتی با آن‌ها رابطه برقرار می‌کنید، اگر بتوانید ترتیبی دهید که از آن‌ها چیزی را دریافت نکنید و فقط یک دوست معمولی باشید، مسئله‌ای نخواهد بود. اگر آن اشخاص واقعاً چیزی به بدن‌شان داشته باشند، بسیار بد خواهد بود و بهتر است که اصلاً با آن‌ها تماسی نداشته باشید. در موقعیت زن و شوهر، فکر می‌کنم اگر همسر شما چی گونگ دیگری را تمرین کند نیز مسئله‌ای نباشد. اما یک نکته وجود دارد: از آن‌جا که شما یک راه درست را تمرین می‌کنید، تزکیه‌ی شما به دیگران فایده می‌رساند. اگر همسر شما روشی شیطانی را تزکیه می‌کند، ممکن است در بدنش چیزهای بدی داشته باشد. برای اطمینان از ایمنی شما، همسر شما نیز باید پاک شود. همه چیز در بُعدهای دیگر برای شما پاک می‌شود. محیط خانه‌تان نیز پاک خواهد شد. اگر محیط شما پاک نشود و هر چیزی با شما در تداخل باشد، چگونه می‌توانید عمل تزکیه را انجام دهید؟

اما وضعیتی وجود دارد که فاشن من برای پاک کردن چیزها کمکی نخواهد کرد. ما تمرین‌کننده‌ای داریم که روزی فاشن مرا دید که به خانه‌اش آمد. بسیار هیجان زده بود: "فاشن معلم این‌جا است. معلم، خواهش می‌کنم وارد شوید." فاشن من گفت: "اتاق تو بیش از حد به هم ریخته است و این‌جا چیزهای بسیار زیادی وجود دارد." سپس، فاشن ترک کرد. معمولاً وقتی ارواح خبیث زیادی در بُعدهای دیگر وجود داشته باشد، فاشن من آن‌ها را برای شما پاک می‌کند. به هر حال، اتاق او پر از کتاب‌های مختلف بد چی گونگ بود. او متوجه آن شد و به‌وسیله‌ی آتش زدن کتاب‌ها یا فروش آن‌ها برای بازیافت، خانه را پاک کرد. سپس فاشن من بازگشت. این چیزی بود که این شاگرد به من گفت.

اشخاصی نیز وجود دارند که طالع‌بین‌ها را می‌بینند. برخی از من سؤال کرده‌اند که، "معلم، من درحال حاضر فالون دافا را تزکیه می‌کنم. آیا هنوز می‌توانم از کتاب تغییرات یا چیزهایی در ارتباط با طالع‌بینی استفاده کنم؟ همیشه به این چیزها علاقمند بوده‌ام." بگذارید به این صورت توضیح دهم: اگر مقدار قابل ملاحظه‌ای انرژی داشته باشید، هرچه را که بازگو کنید اثر و نفوذی خواهد داشت. اگر چیزی قرار نباشد به آن صورت باشد ولی به کسی بگویید که آن بدان صورت است، ممکن است مرتکب عمل بدی شده باشید. یک فرد عادی بسیار ضعیف است. پیام‌های او ناستوارند و ممکن است تغییر کنند. اگر دهان‌تان را باز کنید و چیزی به او بگویید، آن عذاب ممکن است به حقیقت تبدیل شود.

اگر این شخص کارمای بسیاری داشته باشد، باید آن‌ها را پس دهد، اما وقتی شما ادامه داده و به او بگویید که آینده‌ی خوبی خواهد داشت و سپس نتواند کارمایش را پس بدهد، چگونه آن می‌تواند صحیح باشد؟ آیا به او صدمه نمی‌زنید؟ بعضی از افراد نمی‌توانند این چیزها را رها کنند و به آن‌ها چسبیده‌اند مثل این که دارای تبحری هستند. آیا این یک وابستگی نیست؟ به‌علاوه، حتی اگر واقعاً هم حقیقت را بدانید، به‌عنوان یک تمرین‌کننده، باید شین‌شینگ خود را حفظ کنید و اسرار آسمانی را به آسانی برای یک شخص عادی فاش نکنید. این یک اصل است. اهمیتی ندارد که شخص چگونه با استفاده از کتاب *تغییرات* چیزهایی را محاسبه می‌کند، بعضی از آن‌ها به هر صورت دیگر حقیقی نیستند. بنابراین شما محاسبه می‌کنید و محاسبه می‌کنید، و به هر دوی چیزهای راست و دروغ می‌رسید. چیزهایی مثل طالع‌بینی اجازه دارد در جامعه‌ی مردم عادی وجود داشته باشد. از آن‌جا که شما شخصی هستید که دارای گونگی واقعی است، می‌توانم بگویم که یک تمرین‌کننده‌ی واقعی باید استاندارد بالایی را دنبال کند. اما بعضی از تمرین‌کنندگان افراد دیگر را پیدا می‌کنند که آینده‌شان را بگویند و سؤال می‌کنند، "آیا طالع مرا می‌بینی که تزکیه‌ی من چگونه است؟" یا "آیا من درد و رنجی خواهم داشت؟" آن‌ها دیگران را پیدا می‌کنند تا این چیزها را پیش‌گویی کنند. اگر این محنت شما بازگو شود، چگونه می‌توانید خودتان را رشد دهید؟ تمام زندگی یک تمرین‌کننده دوباره تدارک دیده شده است. کف‌بینی شخص، صورت‌خوانی، روز تولد و تمام پیام‌های بدن شخص همگی درحال حاضر متفاوت هستند و تغییر کرده‌اند. اگر نزد یک طالع‌بین بروید، به او باور خواهید کرد. وگرنه برای چه این کار را انجام می‌دهید؟ آن‌چه که او می‌تواند به شما بازگو کند بعضی از چیزهای سطحی درباره‌ی گذشته‌ی شما است. درحالی که جوهر و ذات آن‌ها درحال حاضر تغییر کرده است. پس همگی درباره‌ی این بیندیشید: اگر نزد یک فال‌بین بروید، آیا به او گوش نمی‌دهید و به او باور نمی‌آورید؟ پس، آیا این یک بار روانی را برای شما به‌وجود نیاورده است؟ اگر خودتان را با فکر کردن درباره‌ی آن ناراحت کنید، آیا یک وابستگی نیست؟ پس چگونه این وابستگی می‌تواند از بین برود؟ آیا خودتان یک مشکل و محنتی را برای خودتان اضافه نکرده‌اید؟ آیا مجبور نیستید که درد و محنت بیشتری را برای رها کردن این وابستگی تحمل کنید؟ با هر آزمایش و هر درد و رنجی، این سؤال وجود دارد که آیا در تزکیه به بالا صعود می‌کنید یا به پایین می‌روید. تزکیه همان‌گونه که هست به‌اندازه‌ی کافی مشکل است، اما شما می‌روید و درد و رنجی دیگر نیز به آن اضافه می‌کنید. چگونه می‌توانید از پس آن برآیید؟ ممکن است در نتیجه‌ی آن، با سختی‌ها و دشواری‌هایی مواجه شوید. مسیر تغییر یافته‌ی زندگی‌تان مجاز نیست به‌وسیله‌ی دیگران دیده شود. اگر به‌وسیله‌ی دیگران دیده شود یا به شما گفته شود که چه زمانی درد و رنجی به سراغ‌تان خواهد آمد، چگونه می‌توانید تزکیه کنید؟ به همین جهت، در کل مجاز نیست دیده شود. هیچ کسی از مدارس تزکیه‌ی دیگر نیز اجازه ندارد آن‌را ببیند. حتی مریدان همراه در یک مدرسه‌ی تزکیه نیز اجازه ندارند آن‌را ببینند. هیچ کسی قادر نخواهد بود آن‌را به‌درستی بگوید، زیرا آن زندگی‌ای است که تغییر کرده، یک زندگی برای تزکیه کردن.

برخی از من سؤال کرده‌اند که آیا می‌توانند کتاب‌های مذهبی دیگران و کتاب‌های دیگر چی‌گونگ را مطالعه کنند. ذکر کرده‌ایم که کتاب‌های مذهبی، مخصوصاً بودیستی، همگی به مردم آموزش می‌دهند که چگونه شین‌شینگ خود را تزکیه کنند. ما نیز به مدرسه‌ی بودا تعلق داریم، پس هیچ مشکلی نمی‌تواند وجود داشته باشد. اما نکته‌ای را باید ذکر کرد: بسیاری از مسائل در متون مقدس در پروسه‌ی انتقال به‌طور اشتباه ترجمه شده‌اند. به‌علاوه، بسیاری از تفسیرهای متون مقدس نیز از نقطه‌نظرهایی در سطوح مختلف انجام شده است و به‌طور سرسری معنی شده‌اند. آن چپاول و غارت دارما است. افرادی که به‌طور سرسری متون مقدس را تفسیر کرده‌اند از اقلیم بودا بسیار دور بوده و محتوای واقعی آن‌ها را نفهمیدند. به همین جهت، آن‌ها نیز درک‌های مختلفی از موضوعات داشته‌اند. برای شما آسان نیست که آن‌ها را کاملاً بفهمید و قادر نیستید شخصاً آن‌ها را درک کنید. اما اگر بگویید، "فقط علاقمند هستم که آن‌ها را مطالعه کنم" و همیشه آن‌ها را مطالعه کنید، روش آن مدرسه را تزکیه می‌کنید. زیرا متون مقدس نیز گونگ و فای آن مدرسه‌ی تزکیه را ترکیب کرده و وقتی آن‌ها را مطالعه کنید، روش آن مدرسه را یاد گرفته‌اید - این مشکل وجود دارد. اگر آن‌ها را عمیقاً مطالعه کنید و روش آن مدرسه را پیگیری کنید، ممکن است به جای مدرسه‌ی ما به آن

مدرسه‌ی تزکیه تعلق پیدا کنید. در سراسر تاریخ، از فرد خواسته شده است که در تزکیه، دو مدرسه‌ی تزکیه را در یک زمان قبول نکند. اگر واقعاً بخواهید روش این مدرسه را تزکیه کنید، فقط باید نوشته‌های این مدرسه‌ی تزکیه را مطالعه کنید.

تا آن‌جا که به کتاب‌های چی‌گونگ مربوط است، اگر می‌خواهید تزکیه کنید نباید آن‌ها را بخوانید. مخصوصاً کتاب‌های چی‌گونگی که این روزها منتشر می‌شوند- آن‌ها را نخوانید. همین‌طور کتاب‌هایی مثل کیمیاگری درونی سنتی/امپراطور زرد، شینگ‌مینگ گویی‌جی، یا دائو دنگ. با آن که چیزهای بدی را به‌همراه ندارند، آن‌ها نیز شامل پیام‌هایی از سطوح مختلف بوده و نیز برای خودشان راه‌هایی از تزکیه هستند. وقتی آن‌ها را بخوانید، به شما چیزی خواهند داد و با شما تداخل خواهند کرد. اگر یکی از جمله‌های آن‌ها را خوب بیابید، در نتیجه، چیزی از آن‌ها به طرف شما آمده و به گونگ شما اضافه خواهد شد. اگرچه آن چیز بدی نیست، اما وقتی چیز دیگری ناگهان به شما داده شود آیا می‌توانید تزکیه کنید؟ آیا این مشکلی را به‌وجود نمی‌آورد؟ اگر یک قطعه‌ی الکترونیکی اضافی را به مجموعه‌ی داخلی تلویزیون اضافه کنید، فکر می‌کنید چه اتفاقی بر سر تلویزیون خواهد آمد؟ فوراً از کار می‌افتد. این یک اصل است. به‌علاوه، این روزها بسیاری از کتاب‌های چی‌گونگ، قلابی هستند و انواع مختلفی از پیام‌ها را به‌همراه دارند. وقتی یکی از شاگردان ما صفحه‌ی یک کتاب چی‌گونگ را ورق می‌زد یک مار از آن بیرون پرید. البته، نمی‌خواهم به جزئیات آن بپردازم. آن‌چه که اشاره کردم این است که خود تمرین‌کنندگان یک‌سری مشکلات را برای خودشان درست می‌کنند، زیرا نمی‌توانند خودشان را به‌خوبی اداره کنند؛ به بیانی دیگر، این مشکلات به‌وسیله‌ی فکری نادرست به‌وجود می‌آید. به این مسئله اشاره می‌کنم زیرا برای همگی شما خوب است که بدانید، کمک می‌کنم که ببینید چه کار کنید و چگونه بین آن‌ها فرق بگذارید تا مشکلاتی در آینده به‌وقوع نپیوندد. اگرچه به آن‌چه هم‌اکنون گفتیم بیش از حد تأکید نکردم، باید مطمئن باشید که به آن توجه می‌کنید زیرا اغلب، علت مشکلات این است و مشکلات معمولاً از این‌جا ناشی می‌شوند. تزکیه کردن بی‌نهایت طاقت‌فرسا و بسیار جدی است. اگر برای یک لحظه بی‌توجه باشید، ممکن است بلغزید و در یک لحظه نابود شوید. به همین جهت، افکارتان واقعاً باید درست باشد.

هنرهای رزمی چی‌گونگ

علاوه بر روش‌های تزکیه‌ی درونی، هنرهای رزمی چی‌گونگ نیز وجود دارند. درحالی که درباره‌ی هنرهای رزمی چی‌گونگ صحبت می‌کنیم، باید یک موضوع را تأکید کنم، این روزها گفته‌هایی وجود دارد مبنی بر این‌که شکل‌های بسیاری از چی‌گونگ در جامعه‌ی تزکیه‌کنندگان وجود دارد.

درحال حاضر به‌اصطلاح نقاشی چی‌گونگ، موسیقی چی‌گونگ، خطاطی چی‌گونگ و رقص چی‌گونگ وجود دارد- انواع و اقسام این چیزها وجود دارد. آیا همگی آن‌ها چی‌گونگ هستند؟ به‌نظرم عجیب است. می‌گویم که این، چی‌گونگ را به هرج و مرج می‌کشاند. نه تنها چی‌گونگ را به هرج و مرج می‌کشاند، بلکه چی‌گونگ را به تباهی می‌کشاند. پایه‌ی نظری آن‌ها چیست؟ گفته شده است وقتی شخصی نقاشی می‌کند، آواز می‌خواند، می‌رقصد یا می‌نویسد، باید در وضعیت خلسه یا به‌اصطلاح در "وضعیت چی‌گونگ" باشد. آن‌ها می‌گویند که این چی‌گونگ است. آیا این‌طور است؟ نمی‌توانید به این شکل به چیزها نگاه کنید. سؤال می‌کنم: آیا آن باعث نابودی چی‌گونگ نمی‌شود؟ چی‌گونگ دانشی عمیق و جامع برای تزکیه‌ی جسم بشری است. اوه، چگونه در وضعیت خلسه بودن می‌تواند چی‌گونگ نامیده شود؟ پس اگر در وضعیت خلسه به توالی برویم آن چه چیزی نامیده می‌شود؟ آیا این نابود کردن چی‌گونگ نیست؟ من این را تضعیف چی‌گونگ می‌نامم. دو سال پیش در نمایشگاه تندرستی آسیایی، موضوعی معروف به خطاطی چی‌گونگ وجود داشت. خطاطی چی‌گونگ چیست؟ به آن‌جا رفتم تا نظری ببینم و شخصی را در آن‌جا درحال نوشتن دیدم. در ضمن نوشتن، با دستانش چی‌خود را به هر کلمه آزاد می‌کرد، چی‌آزاد شده کاملاً سیاه‌رنگ بود. فکر او کاملاً مشغول پول و شهرت بود. پس آیا می‌توانست گونگ داشته باشد؟ چی‌او نیز نمی‌توانست

خوب باشد. نوشته‌های او آویزان بودند و به قیمت‌های بالایی فروش می‌رفتند. اما فقط خارجی‌ها بودند که آن‌ها را می‌خریدند. می‌توانم بگویم هر کسی که آن‌ها را می‌خريد بدشمنی می‌آورد. چگونه چی سیاه می‌تواند خوب باشد؟ تمام صورت آن شخص سیاه به نظر می‌آمد. ذهن او مشغول پول بود و فقط به پول فکر می‌کرد، چگونه می‌توانست گونگی داشته باشد؟ با این حال، کارت ملاقات او شامل بسیاری از عناوین و القاب، از قبیل به اصطلاح خطاطی بین‌المللی چی گونگ بود! می‌خواهم بیرسم چگونه چنین چیزی می‌تواند چی گونگ نامیده شود؟

همگی درباره‌ی این بیندیشید: هشتاد تا نود درصد از افراد این کلاس نه تنها سلامتی‌شان باز خواهد گشت، بلکه گونگ را نیز رشد خواهند داد- گونگ واقعی. آن‌چه که بدن شما در حال حاضر با خود دارد کاملاً فوق‌طبیعی است. اگر شخصاً خودتان تزکیه می‌کردید، نمی‌توانستید این چیزها را به دست بیاورید، حتی اگر برای یک دوره‌ی کامل زندگی هم تزکیه می‌کردید. حتی اگر یک فرد جوان، درست از همین الان تزکیه را شروع می‌کرد و برای کل زندگی تزکیه می‌کرد هنوز هم نمی‌توانست چیزهایی را که در شما قرار دادم به دست بیاورد، حتی اگر یک استاد بزرگ واقعی را پیدا می‌کرد تا به او آموزش دهد. چندین نسل برای ما طول کشیده است که این فالون و این مکانیزم را شکل دهیم. این چیزها همگی یک‌دفعه در بدن شما جایگزین شده‌اند. برای همین، به شما می‌گویم به‌خاطر این‌که آن‌ها را به راحتی به دست آورده‌اید به آسانی از دست ندهید. آن‌ها بی‌نهایت باارزش و نفیس هستند. بعد از این کلاس، آن‌چه را که با خودتان به همراه دارید گونگ واقعی، ماده‌ی با انرژی بالا است. وقتی به خانه می‌روید و چند کلمه‌ای می‌نویسید اهمیتی ندارد که چه دست خطی داشته باشید، حاوی گونگ است! پس آیا، هر کسی که این دوره را دیده است باید عنوان "استادی" را بگیرد و استاد خطاطی چی گونگ شود؟ می‌گویم نمی‌توانید به این شکل به آن نگاه کنید. به عنوان فردی با گونگ و انرژی حقیقی، احتیاجی ندارید که آن‌را با قصد آزاد کنید. با هرچه که تماس داشته باشید انرژی به جای خواهید گذاشت و همه چیز به‌طور نورانی خواهد درخشید.

همچنین در یک روزنامه، خبر کوچکی را پیدا کردم که درباره‌ی برگزاری یک دوره‌ی خطاطی چی گونگ بود. آن‌را به‌طور مختصر خواندم تا ببینم چگونه آن دوره آموزش داده می‌شد. چنین نوشته شده بود: اول تنفس را تنظیم و دم و بازدم‌تان را کنترل کنید؛ سپس درحالی که ذهن‌تان را روی چی در قسمت ذن‌تی‌ان متمرکز می‌کنید پانزده تا سی دقیقه مدیتیشن کنید؛ از ذهن‌تان استفاده کنید تا چی از قسمت ذن‌تی‌ان بلند شود و به ساعد برود؛ قلم را بردارید و در جوهر فرو کنید؛ چی را به نوک قلم منتقل کنید؛ و وقتی فکرتان به آن‌جا رسید، شروع به نوشتن کنید. آیا این فریب دادن مردم نیست؟ اوه، اگر شخص بتواند چی را به جایی انتقال دهد، آیا چی گونگ به حساب می‌آید؟ پس، قبل از خوردن غذا باید برای مدتی در مدیتیشن بنشینیم. سپس چوب غذاخوری را برداشته و چی را به طرف نوک چوب غذاخوری حرکت داده و غذا بخوریم، آن "غذا خوردن چی گونگ" نامیده خواهد شد، آیا این‌طور نیست؟ هرچه را که می‌خوریم همگی انرژی خواهد بود. فقط چنین نکته‌ای را روشن می‌سازم. این را تضعیف چی گونگ می‌نامم- آن‌ها فکر می‌کنند چی گونگ چیزی این‌قدر سطحی است. به همین جهت نمی‌توانید به این شکل به آن نگاه کنید.

اما هنرهای رزمی چی گونگ می‌توانند به عنوان یک روش چی گونگ مستقل به حساب آیند. چرا؟ زیرا آن‌ها از هزاران سال گذشته‌اند و مجموعه‌ی کاملی از تئوری‌های تزکیه و مجموعه‌ی کاملی از روش‌های تزکیه دارند و این دلیل آن است که چرا می‌توانند به عنوان یک سیستم کامل به حساب آیند. اما با این وجود، هنرهای رزمی هنوز هم چیزی در پایین‌ترین سطح در بین روش‌های تزکیه‌ی درونی هستند. چی گونگ سخت نوعی از توده‌ی انرژی است که فقط برای ضربه زدن و مبارزه به کار می‌رود. اجازه دهید مثالی برای‌تان بزنم. تمرین‌کننده‌ای در پکن بعد از شرکت کردن در کلاس فالون دافای ما، نمی‌توانست با دستانش چیزی را فشار دهد. وقتی که در حال خرید کالسه‌ی بچه‌ای بود و می‌خواست مقاومت کالسه را با دستش بررسی کند، آن از هم پاشید و او متعجب شد. وقتی در خانه روی صندلی می‌نشست، نمی‌توانست آن‌را با دستش فشار دهد. اگر آن کار را می‌کرد، صندلی می‌شکست. از من علت جریان را پرسید. به او چیزی نگفتم چراکه نمی‌خواستم یک وابستگی را رشد دهد. گفتم، "این چیزها طبیعی هستند.

فقط بگذار باشد و در مورد آن نگران نباش. همگی چیزهای خوبی هستند". اگر این توانایی فوق‌طبیعی به‌خوبی مورد استفاده قرار گیرد، یک سنگ با فشار دست می‌تواند به‌صورت پودر درآید. آیا این چی‌گونگ سخت نیست؟ اما او هرگز چی‌گونگ سخت را تمرین نکرده بود. در تمرین‌های تزکیه‌ی درونی، این توانایی‌های فوق‌طبیعی معمولاً می‌توانند رشد کنند. اما از آن‌جا که افراد نمی‌توانند شین‌شینگ‌شان را حفظ کنند، پس از این که این توانایی‌ها ظاهر شدند معمولاً اجازه داده نمی‌شود که از آن‌ها استفاده کنند. مخصوصاً در سطح پایین تزکیه، شین‌شینگ شخص رشد نکرده است، بنابراین توانایی‌های فوق‌طبیعی که در سطح پایین رشد می‌کنند واقعاً نمی‌توانند به‌ظهور برسند. با گذشت زمان، سطح شما ترقی می‌کند و این چیزها دیگر فایده‌ای ندارند و احتیاجی نیست که به‌ظهور برسند.

هنرهای رزمی چی‌گونگ دقیقاً چگونه تمرین می‌شوند؟ شخص در تمرین هنرهای رزمی چی‌گونگ، باید چی را هدایت کند و حرکت دهد. اما در اول کار هدایت آن آسان نیست. حتی اگر شخص بخواهد چی را هدایت کند، ممکن است قادر به انجام آن نباشد. پس باید چه کار کند؟ باید دست‌ها، دو طرف سینه‌ها، پاها، ران‌ها، بازوان و سرش را تمرین دهد. چگونه آن‌ها را تمرین می‌دهد؟ بعضی از افراد با کف دست‌شان به درخت مشت می‌زنند و بعضی‌ها با دست‌شان به سنگ می‌کوبند. می‌توانید تصور کنید که وقتی چنین تماسی برقرار می‌شود چه‌قدر می‌تواند برای استخوان‌ها دردناک باشد، به‌طوری‌که اگر محکم‌تر زده شود دچار خونریزی می‌شود! چی هنوز هم نمی‌تواند هدایت شود. چه کاری باید انجام شود؟ شخص بازوانش را نوسان می‌دهد و می‌گذارد تا خون در جهت خلاف گردش کند، به‌طوری‌که بازوان و دستان او متورم خواهند شد. آن‌ها واقعاً متورم می‌شوند. پس از آن وقتی شخص محکم به سنگ می‌کوبد، استخوان‌هایش نرم‌رویه‌دار می‌شوند و با سنگ ارتباط مستقیمی برقرار نمی‌کنند و دست‌ها آن‌قدر هم دردی را احساس نخواهند کرد. همان‌طور که شخص به تمرین ادامه می‌دهد، استاد، این فرد را آموزش می‌دهد. با گذشت زمان، یاد می‌گیرد که چی را هدایت کند. اما توانایی هدایت چی کافی نیست، زیرا در یک نبرد واقعی، رقیب برای او صبر نخواهد کرد. البته وقتی شخص بتواند چی را هدایت کند، قادر خواهد بود در مقابل حمله‌ها مقاومت کند و بعد از اصابت سخت یک چوب ضخیم، دردی را احساس نخواهد کرد. بعد از راهنمایی چی به بازوان، آن‌ها متورم می‌شوند. اما چی ابتدایی‌ترین چیزها در مرحله‌ی شروع است و می‌تواند بعد از ادامه‌ی تمرین به ماده‌ی با انرژی بالا تبدیل شود. وقتی که چی به ماده‌ی با انرژی بالا تبدیل شود، به‌تدریج به‌شکل یک خوشه‌ی انرژی با فشردگی زیاد درمی‌آید و این خوشه‌ی انرژی موجودی باهوش است. به همین جهت، آن نیز یک خوشه‌ی توانایی فوق‌طبیعی است، یا بدین معنی که یک نوع از توانایی فوق‌طبیعی است. اما این توانایی فوق‌طبیعی صرفاً برای ضربه زدن و دفاع از خود در برابر ضربه خوردن است. این توانایی برای شفا دادن بیماری‌ها کار نمی‌کند. از آن‌جا که این ماده‌ی با انرژی بالا در بُعدی دیگر وجود دارد و در بُعد ما عبور نمی‌کند، زمان عبور آن سریع‌تر از زمان ما است. وقتی به کسی با مشت ضربه‌ای می‌زنید، احتیاجی ندارید که چی را هدایت کنید یا این که به آن فکر کنید زیرا گونگ هم‌اکنون در آن‌جا خواهد بود. وقتی سعی می‌کنید حمله‌ی کسی را دفع کنید، گونگ نیز در همان زمان در آن‌جا خواهد بود. بدون توجه به این که با چه سرعتی با مشت ضربه را پرتاب می‌کنید، آن سریع‌تر از شما عبور می‌کند زیرا مفهوم زمان در دو طرف متفاوت است. از طریق تمرین هنرهای رزمی چی‌گونگ، شخص می‌تواند توانایی‌هایی مثل دست آهنین، دست جیوه‌ای، پای الماس، پای آرهات و مانند آن را رشد دهد. این‌ها مهارت‌های مردم عادی هستند. از طریق تمرین، یک فرد عادی می‌تواند به این سطح برسد.

بزرگ‌ترین اختلاف بین هنرهای رزمی چی‌گونگ و روش‌های تزکیه‌ی درونی این است که هنرهای رزمی چی‌گونگ نیاز به حرکت دارند، درنتیجه چی در زیر پوست حرکت می‌کند. از آن‌جا که آن نیاز به تمرین در حرکت دارد، شخص نمی‌تواند به مرحله‌ی سکون برسد و چی شخص نمی‌تواند داخل دَن‌تی‌ان شود. چی شخص، زیر پوست و از میان ماهیچه‌ها حرکت می‌کند. برای همین، فرد نه می‌تواند بدن را تزکیه کند و نه می‌تواند توانایی‌های سطح بالا را تزکیه کند. عمل تزکیه‌ی درونی ما لازم می‌داند که تمرین در وضعیت سکون انجام شود. روش‌های مرسوم لازم

می‌دانند که چی داخل دنتی‌ان در قسمت زیرین شکم شود. آن‌ها تمرین در وضعیت سکون و تبدیل پنتی را ضروری می‌دانند. آن‌ها می‌توانند بدن را تزکیه کنند و به سطوح بالاتر تزکیه کنند.

ممکن است چیزهایی درباره‌ی تکنیک‌های هنرهای رزمی، شبیه آن‌چه که در رمان‌ها درباره‌ی پوشش ناقوس طلایی، پیراهن آهنی و شکافتن یک درخت سپیدار از فاصله‌ی یک‌صد قدمی می‌نویسند شنیده باشید. در رابطه با هنرهای رزمی سبک، فرد می‌تواند در محل‌های مرتفعی رفت و آمد داشته باشد. حتی بعضی از افراد می‌توانند وارد بُدهای دیگر شوند. آیا چنین هنرهای رزمی‌ای وجود دارند؟ بله، مطمئناً وجود دارند. ولی در بین مردم عادی یافت نمی‌شوند. کسانی که واقعاً چنین هنرهای رزمی تراز اولی را تزکیه کرده‌اند، نمی‌توانند آن‌ها را به عموم نشان دهند. زیرا چنین شخصی فقط هنرهای رزمی را تمرین نمی‌کند و کاملاً در فراسوی سطح مردم عادی است، او باید روش تزکیه را با دنبال کردن یک روش تزکیه‌ی درونی انجام دهد. شخص باید به شین‌شینگ خود ارزش گذاشته و آن‌را رشد دهد. او باید اهمیت کمتری به چیزهایی مثل علایق مادی بدهد. هرچند که می‌تواند چنین هنرهای رزمی‌ای را تزکیه کند، از آن به بعد دیگر نمی‌تواند در بین مردم عادی به‌سادگی از آن‌ها استفاده کند. اگر در خلوت کسی او را نبیند، اجازه دارد از آن‌ها استفاده کند. با خواندن بعضی رمان‌ها، خواهید دید که یک شخصیت داستانی برای یک شمشیر دستی هنری سری، گنج یا زن، مبارزه می‌کند یا کسی را می‌کشد. هر یک به‌صورتی که توانایی‌های بزرگ رفت و برگشت اسرارآمیزی دارند، به تصویر کشیده شده‌اند. همگی درباره‌ی این بیندیشید: آیا افرادی که واقعاً این توانایی‌های هنرهای رزمی را دارا هستند نباید آن‌ها را از طریق تزکیه‌ی درونی تزکیه کرده باشند؟ آن توانایی‌ها را فقط از طریق تزکیه‌ی شین‌شینگ‌شان کسب کرده‌اند و باید علاقه‌ای به شهرت، منفعت و تمناهای مختلف نداشته باشند. چگونه می‌توانند دیگران را بکشند؟ چگونه می‌توانند آن‌همه به پول و ثروت اهمیت بدهند؟ این کاملاً غیرممکن است. آن‌ها فقط مبالغه و اغراق هنری هستند. مردم فقط در جستجوی تحریک روانی هستند و هر کاری برای چنین هوا و هوس انجام می‌دهند. نویسندگان از این مسئله بهره‌برداری کرده و بیشترین سعی‌شان را می‌کنند تا در مورد هرچه که در جستجوی هستید یا شما را خشنود می‌کند بنویسند. هرچه نوشته‌ها باورنکردنی‌تر باشند، بیشتر علاقه دارید آن‌ها را بخوانید. آن‌ها فقط مبالغه و اغراق هنری هستند. آن‌هایی که واقعاً چنین توانایی‌های هنرهای رزمی را دارا هستند بدان صورت عمل نمی‌کنند، و حتی آن‌ها را در معرض عموم هم به نمایش نمی‌گذارند.

خودنمایی

به‌خاطر تزکیه در بین مردم عادی، عده‌ای از تمرین‌کنندگان ما نمی‌توانند بسیاری از وابستگی‌های‌شان را از دست بدهند. بسیاری از وابستگی‌ها در حال حاضر برای‌شان طبیعی شده و نمی‌توانند به آن‌ها پی ببرند. خودنمایی کردن می‌تواند در هر موقعیتی جلوه کند و می‌تواند وقتی که کارهای خوب انجام داده می‌شود نیز خود را نشان دهد. شاید بعضی از افراد وقتی در زندگی روزانه‌شان کمی موقعیت یا ثروت به‌دست می‌آورند به خود می‌بالند و خودنمایی می‌کنند، "من فردی هستم که باعث می‌شود چیزها اتفاق بیفتد، این همیشه من هستم". ما نیز چنین مواردی داریم که افرادی که کمی بهتر از دیگران تزکیه می‌کنند، بینش چشم سوم بهتری دارند یا حرکات تمرین آن‌ها بهتر از دیگران به نظر می‌آید نیز دوست دارند خودنمایی کنند.

برخی از افراد می‌گویند، "من مطلبی را از معلم لی شنیده‌ام". مردم به دور او جمع شده و می‌خواهند به هرچه او می‌گوید گوش کنند. او بر طبق فهم خود، شایعه را با آب و تاب به دیگران منتقل می‌کند. انگیزه‌ی او چیست؟ برای خودنمایی کردن است. افرادی نیز وجود دارند که با علاقه‌ی زیادی شایعه را در بین دیگران پخش می‌کنند، مثل این که به‌خوبی مطلع هستند و مثل این که بسیاری از تمرین‌کنندگان ما به اندازه‌ی آن‌ها نمی‌فهمند یا آگاهی ندارند. این برای آن‌ها به‌صورت طبیعی درآمده و شاید خودشان به آن واقف نیستند. ممکن است این ذهنیت خودنمایی را نیمه‌هشیارانه داشته باشند. در غیر این صورت، هدف از پخش شایعه چیست؟ بعضی از افراد درباره‌ی این که چه وقت

"معلم به کوه‌ها باز خواهد گشت" چیزهایی پخش می‌کنند. من از کوه‌ها نیامدم، به کدام کوه بازگردم؟ عده‌ای هم می‌گویند که در یک روز بخصوص، من به این و آن چیزی آموزش دادم و این که با شخصی به صورت بسیار استثنایی رفتار کردم. پخش کردن این چیزها چه فایده‌ای دارد؟ آن‌ها اصلاً به درد هیچ چیز خوبی نمی‌خورند. به هر حال مشاهده کرده‌ایم که این یک نوع وابستگی برای این اشخاص است، نوعی از خودنمایی کردن.

برخی افراد به سراغ من آمده و از من امضاء می‌خواهند. منظور چیست؟ این عادت مردم عادی است که امضای کسی را برای یادگاری نگه می‌دارند. اگر تزکیه نمی‌کنید، امضای من به هیچ درد شما نمی‌خورد. هر کلمه‌ای که در کتاب‌های من نوشته شده مظهري از من و فالون است و هر جمله از آن توسط من گفته شده است. آیا واقعاً هنوز می‌خواهید چیزی را برای شما امضاء کنم؟ بعضی اشخاص فکر می‌کنند: "با داشتن امضای معلم، پیام‌های معلم حافظ من خواهد بود." آن‌ها هنوز هم به چنین پیام‌هایی اعتقاد دارند. ما به پیام‌ها اهمیتی نمی‌دهیم. این کتاب درحال حاضر گران‌بها و ارزشمند است. آیا چیز بیشتری وجود دارد که هنوز به آن نیاز دارید؟ تمام این مسائل بازتاب وابستگی‌ها هستند. همچنین، بعد از ملاحظه‌ی رفتار و سلوک بعضی از تمرین‌کنندگان که با من سفر می‌کنند، بعضی از اشخاص از آن‌ها تقلید می‌کنند بدون این که متوجه باشند که آن‌ها خوب یا بد هستند. درحقیقت، مهم نیست که شخص چه کسی است، فقط یک فا وجود دارد. شخص فقط با رعایت کردن این دافا می‌تواند به استاندارد واقعی برسد. اشخاصی که با من سفر می‌کنند هیچ‌گونه آموزش خصوصی دریافت نکرده‌اند، مثل دیگران هستند، فقط این طور است که برای انجمن تحقیق کار می‌کنند. چنین وابستگی‌هایی را رشد ندهید. بعضی مواقع با شکل دادن به چنین وابستگی‌هایی ممکن است بدون قصد، نقش کسی را بازی کنید که دافا را تضعیف می‌کند. شایعه‌ی مهیج و هیجان‌انگیزی که از خود درآورده‌اید ممکن است باعث تضادها یا برانگیختن وابستگی یک تمرین‌کننده شود که به معلم نزدیک‌تر شود تا بتواند به چیزهایی گوش کند و مانند آن. آیا همه‌ی این چیزها به این مشکل برنمی‌گردد؟

این خودنمایی می‌تواند باعث چه چیز دیگری شود؟ حدود دو سال است که تزکیه را آموزش می‌دهم. بعضی از تمرین‌کنندگان قدیمی فالون دافا ممکن است به‌زودی به مقام باز شدن گونگ برسند. بعضی‌ها وارد مرحله‌ی تدریجی روشن‌بینی شده و ناگهان به آن نائل می‌شوند. چرا آن‌ها توانایی‌های فوق‌طبیعی را زودتر از این نداشته‌اند؟ به‌خاطر این است که اگرچه شما را به یک‌باره به مرحله‌ی بسیار بالایی هل داده‌ام، آن مجاز نخواهد بود که عملی شود، زیرا وابستگی‌های عادی شما به‌صورت کامل از بین نرفته‌اند. مطمئناً شین‌شینگ شما هم‌اکنون به‌طور قابل ملاحظه‌ای رشد کرده است، اما بسیاری از علایق رها نشده‌اند. به همین جهت، توانایی‌های فوق‌طبیعی به شما داده نمی‌شود. بعد از این که این مرحله را بگذرانید و پایدار شوید، به یک‌باره در مرحله‌ی تدریجی روشن‌بینی قرار می‌گیرید. در این مرحله‌ی تدریجی روشن‌بینی، چشم سوم شما در سطحی بسیار بالا باز شده و بسیاری از توانایی‌های فوق‌طبیعی را رشد خواهید داد. می‌توانم به شما بگویم که وقتی کسی به‌طور واقعی تزکیه می‌کند، به محض این که تزکیه را شروع کند بسیاری از توانایی‌های فوق‌طبیعی پدیدار می‌شوند. هم‌اکنون به این سطح بالا رسیده‌اید، درنتیجه بسیاری از توانایی‌های فوق‌طبیعی را دارا هستید. خیلی از شما ممکن است در آینده‌ای نزدیک این موقعیت را داشته باشید. همچنین افرادی هستند که نمی‌توانند در تزکیه به درجه‌ی بالایی نائل شوند و ترکیب آن‌چه را که با خود آورده‌اند و توانایی‌شان برای تحمل کردن ثابت است، بنابراین بعضی از افراد در سطوح بسیار پایینی به روشن‌بینی و باز شدن گونگ می‌رسند، منظورم روشن‌بینی کامل است. چنین افرادی وجود خواهند داشت.

علت این که این‌را خاطرنشان می‌کنم این است که بگویم اگر یک‌بار با چنین فردی مواجه شدید، باید واقعاً مطمئن باشید که او را به‌عنوان موجود روشن‌بین خارق‌العاده‌ای در نظر نگیرید. این مسئله‌ای بسیار جدی در عمل تزکیه است. یک نفر فقط وقتی درست است که بر طبق این دافا رفتار می‌کند. وقتی توانایی‌های فوق‌طبیعی یا قدرت‌های خدایی دیگران، یا هرچه که هست را دیدید، از آنان پیروی نکنید و نروید به آنان گوش دهید. شما به آن‌ها صدمه خواهید رساند، چراکه وابستگی از خودراضی بودن را رشد می‌دهند و هر چیزی را که دارند در انتها از دست خواهند داد.

همه چیز خاموش خواهد شد و در نهایت به قعر سقوط خواهند کرد. کسی که گونگ را باز کرده است نیز می‌تواند سقوط کند و اگر شخص نتواند خود را به‌خوبی اداره کند، حتی اگر روشن‌بین هم شده باشد سقوط خواهد کرد. حتی یک بودا هم وقتی نتواند خود را به‌خوبی اداره کند می‌تواند سقوط کند، چه رسد به تمرین‌کننده‌ای مثل شما در بین مردم عادی! برای همین، مهم نیست چه تعداد توانایی فوق‌طبیعی را رشد داده باشید، یا چه اندازه آن‌ها والا باشند، یا این که توانایی‌های خدایی شما چه قدر قدرتمند باشند، واقعاً باید خودتان را به‌خوبی اداره کنید. اخیراً کسی را این‌جا داشتیم که می‌توانست در یک لحظه ناپدید و لحظه‌ای دیگر نمایان شود. به همین صورت بود. ممکن است حتی قدرت‌های فوق‌طبیعی بزرگ‌تری ظاهر شوند. آن موقع چگونه می‌خواهید آن‌را اداره کنید؟ شما شاگرد من، مرید من هستید، بنابراین فرقی نمی‌کند در آینده این چیزها برای شما یا دیگران پدیدار شود، نباید آن‌را به‌صورت بت درآورید یا این که در جستجوی این چیزها باشید. به محض این که دروناً تحت تأثیر قرار بگیرید، تمام است، تزکیه‌تان تباه شده و سقوط خواهید کرد. شاید در سطحی حتی بالاتر از آن‌ها هستید و فقط این‌طور است که توانایی‌های فوق‌طبیعی‌تان هنوز نمایان نشده‌اند، اما حداقل در این موضوع بخصوص سقوط کرده‌اید. بنابراین خواهش می‌کنم این‌را واقعاً در ذهن‌تان بسپارید. ما بر این موضوع تأکید زیادی کرده‌ایم زیرا چنین مسئله‌ای به‌زودی رخ خواهد داد. وقتی این مسئله اتفاق بیفتد اگر نتوانید خود را به‌خوبی اداره کنید، دردسر خواهد بود.

حتی وقتی که گونگ یک تزکیه‌کننده پدیدار می‌شود یا به باز شدن گونگ می‌رسد یا واقعاً روشن‌بین می‌شود نباید خود را فرد بخصوصی بداند. آن‌چه که او می‌بیند چیزهایی در سطح خود او هستند. زیرا تزکیه‌ی او به این درجه رسیده است، قدرت روشن‌بینی او، استاندارد شین‌شینگ و خرد او به این سطح رسیده است. بنابراین ممکن است چیزها در سطوح بالاتر را باور نکند و دقیقاً به‌خاطر این که به آن‌ها باور ندارد، فکر می‌کند هرچه را که می‌بیند مطلق است و این که فقط همین چیزها هستند که وجود دارند. درحقیقت هنوز هم راهی طولانی برای رفتن هست، چراکه سطح او درست در همین حد است.

بعضی افراد گونگ‌شان در آن سطح باز خواهد شد زیرا دیگر نمی‌توانند در تزکیه جلوتر بروند. در نتیجه، فقط می‌توانند در آن سطح گونگ را باز کنند یا به روشن‌بینی برسند. در بین افرادی از شما که بعداً در تزکیه موفق خواهند شد، عده‌ای در راه‌های کوچک دنیوی روشن‌بین خواهند شد، عده‌ای در سطوح مختلف روشن‌بین خواهند شد و عده‌ای به ثمره‌ی حقیقی خواهند رسید و فقط روشن‌بینی با ثمره‌ی حقیقی عالی‌ترین است. در سطوح مختلف، این افراد همگی می‌توانند چیزهایی را ببینند و واقعاً چیزها می‌تواند در مقابل آن‌ها متجلی شود. حتی افرادی که در پایین‌ترین سطح، در سطح راه‌های کوچک دنیوی به باز شدن گونگ رسیده و روشن‌بین شده‌اند، می‌توانند بعضی از بُعدها و بعضی از افراد روشن‌بین را ببینند و می‌توانند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. در آن لحظه از خودراضی نشوید. وقتی در سطح راه‌های کوچک دنیوی یا سطحی پایین به باز شدن گونگ برسید نمی‌توانید به ثمره‌ی حقیقی نائل شوید. مطمئناً این‌طور است. پس او چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ فقط می‌تواند در آن سطح باقی بماند و بعداً به‌سوی سطوح بالاتر تزکیه کند. این کاری است که او می‌تواند از آن لحظه به بعد انجام دهد. اما بالاترین سطح او، فقط به این اندازه است، پس چه نتیجه‌ای دارد که گونگ شخص را بسته نگه داشت؟ اگر به تزکیه‌اش به این صورت ادامه دهد، نمی‌تواند بالاتر برود. بنابراین به باز شدن گونگ خواهد رسید چراکه به انتهای تزکیه‌اش رسیده است. تعداد زیادی از این افراد وجود خواهند داشت. هیچ اهمیتی ندارد که چه چیزی اتفاق می‌افتد، باید شین‌شینگ خود را حفظ کنید و تنها راه برای این که به‌طور واقعی آن‌را درست انجام دهید این است که از دافا پیروی کنید. خواه این‌ها توانایی‌های فوق‌طبیعی شما باشند یا باز شدن گونگ یا هر چیز دیگر، از طریق تزکیه در دافا است که به آن‌ها نائل شده‌اید. اگر دافا را در مقام دوم بگذارید و نیروهای فوق‌طبیعی‌تان را در مقام اول، یا این که به‌عنوان شخصی روشن‌بین شده، فکر کنید که هرچه را از این طریق یا طرق دیگر می‌فهمید صحیح است، یا حتی فکر کنید که آن قدر بزرگ هستید که فراسوی دافا رفته‌اید، می‌توانم بگویم که از همین حالا شروع به سقوط کرده‌اید و شما در خطر هستید و بدتر و بدتر می‌شوید. در آن زمان

واقعاً در زحمت خواهید بود و تزکیه‌تان به بیهودگی خاتمه خواهد یافت. اگر کارها به درستی انجام نشوند به خطا رفته و در تزکیه‌تان سقوط خواهید کرد.

همچنین بگذارید به شما بگویم که محتوای این کتاب تلفیقی است از فایه‌هایی که در چندین دوره آموزش داده‌ام! همه چیز توسط من آموزش داده شده و هر جمله به‌وسیله‌ی من گفته شده است. هر کلمه از روی نوارهای ضبط شده گرفته شده و از روی نوار کلمه به کلمه پیاده شده است. شاگردان و مریدانم در برگرداندن همه چیز از روی نوارهای ضبط شده به من کمک کرده‌اند. سپس آن‌ها را چندین بار بازبینی کردم. این فایه‌ها من است و آن‌چه را که آموزش می‌دهم درست همین یک فایه است.

سخنرانی هفتم

موضوع کشتن

موضوع کشتن بسیار حساس است. ما برای تمرین کنندگان، شرایط جدی و سختی را معین کرده‌ایم که نمی‌توانند موجودات را بکشند. اعم از این که مدرسه‌ی بودا، دائو، یا غیرمعمولی باشد، بدون توجه به این که کدام مدرسه یا روش تزکیه‌ای است، تا آن جا که آن روش تزکیه‌ی درستی باشد، این مسئله را خیلی مطلق در نظر می‌گیرد و کشتن را ممنوع می‌داند، مطمئناً این طور است. از آن جا که از بین بردن یک زندگی بسیار جدی است، باید در مورد جزئیات آن صحبت کنیم. در بودیسم اولیه، "کشتن" عمدتاً به گرفتن جان انسان اشاره می‌کرد، که جدی‌ترین نوع است. بعدها، کشتن موجودات بزرگ، حیوانات بزرگ خانگی یا حیوانات نسبتاً بزرگ، همگی بسیار جدی در نظر گرفته شدند. چرا جامعه‌ی تزکیه کنندگان کشتن را این قدر جدی در نظر گرفته‌اند؟ در گذشته، در بودیسم عقیده بر این بود، اگر موجوداتی که قرار نبود بمیرند، کشته می‌شدند، به صورت ارواحی تنها و شبیه‌هایی بی‌خانمان درمی‌آمدند. در زمان‌های قدیم، مراسم و تشریفات برای آزاد کردن روح این افراد از درد و رنج انجام می‌شد. بدون چنین مراسمی، این ارواح از گرسنگی و تشنگی رنج می‌بردند و در شرایط بسیار مشقت‌باری زندگی می‌کردند. این آن چیزی است که بودیسم در گذشته بیان کرده است.

ما می‌گوییم وقتی کسی نسبت به دیگری کاری نادرست انجام می‌دهد، به عنوان تاوان و جبران باید به مقدار تقریباً زیادی به او تقوا بدهد. در این جا، به طور معمول اشاره به کسی می‌کنیم که، چیزهای متعلق به دیگران را برداشته است و غیره. اما، اگر یک زندگی ناگهان از بین برود، خواه یک حیوان باشد یا موجودی دیگر، کارمای بسیار بزرگی را به وجود می‌آورد. در گذشته، "کشتن" به طور عمده به گرفتن جان یک انسان اشاره می‌کرد، که کارمای بسیار زیادی را به وجود می‌آورد. اما کشتن موجودات عادی دیگر نیز گناه کمی نیست و آن نیز به طور مستقیم کارمای زیادی را به وجود می‌آورد. مخصوصاً برای یک تمرین کننده، در طی تزکیه، سختی‌هایی در سطوح مختلف تدارک دیده می‌شود. تمام آن‌ها از کارمای شما می‌آیند و درد و رنج خود شما هستند که در سطوح مختلف برای ترقی و پیشرفت شما قرار داده می‌شوند. تا وقتی شین‌شینگ خود را رشد دهید، قادر خواهید بود بر آن‌ها چیره شوید. اما اگر ناگهان آن همه کارما را به دست آورید، چگونه می‌توانید بر آن‌ها غلبه کنید؟ با سطح شین‌شینگی که دارید، واقعاً نمی‌توانید از عهده‌ی آن برآیید. ممکن است شما را برای تزکیه کردن کاملاً ناتوان کند.

ما دریافتیم که وقتی شخصی متولد می‌شود، تعداد بسیار زیادی از او نیز در محدوده‌ی بخصوصی از این فضای کیهان به طور هم‌زمان متولد می‌شوند. همگی آن‌ها شبیه هم هستند، یک اسم مشترک دارند و همگی کم یا زیاد، کارهای مشابهی انجام می‌دهند. به همین جهت، می‌توان آن‌ها را نیز قسمتی از تمامیت هستی شخص نامید. این مسئله مشکلی را سبب می‌شود: اگر یکی از موجودات او (همین طور در مورد حیات حیوانات بزرگ دیگر) ناگهان بمیرد و بقیه‌ی او در بُعدهای مختلف دیگر سفر زندگی‌شان را که در ابتدا نظم و ترتیب داده شد تمام نکرده باشند و هنوز هم

سال‌های زیادی را برای زندگی کردن باقی داشته باشند، این شخص مرده در یک موقعیت بی‌خانمانی و آوارگی به‌سر خواهد برد و در فضای کیهان سرگردان خواهد بود. در گذشته توصیف شد که ارواح تنها و اشباح آواره، از گرسنگی، تشنگی و سختی‌های دیگر در رنج و عذاب هستند. ممکن است این حقیقت داشته باشد. می‌توانیم به اطمینان بگوییم که ما موقعیت وحشتناکی را که این شخص در آن زجر می‌کشد دیده‌ایم و این که او باید منتظر بماند تا هر کدام از او در هر بُعدی مسیر زندگی‌شان را تمام کنند و فقط در آن هنگام می‌توانند با همدیگر آرامش‌گاه خود را پیدا کنند. هرچه زمان طولانی‌تر شود، زجر بیشتری می‌کشد. هرچه بیشتر زجر بکشد، کارمای بیشتری به‌وسیله‌ی زجر او ایجاد شده و به جسم قاتل او اضافه می‌شود. درباره‌ی این بیندیشید: چه مقدار کارمای بیشتری به شما اضافه می‌شود؟ این آن چیزی است که ما از طریق توانایی‌های فوق‌طبیعی دیده‌ایم.

همچنین این موقعیت را مشاهده کرده‌ایم: وقتی فردی متولد می‌شود، تمام زندگی او در بُعد بخصوصی وجود دارد. به‌عبارتی دیگر، این که زندگی او در کجاست و چه کاری را باید انجام دهد، همگی آن‌جا هستند. چه کسی این زندگی را نظم و ترتیب داده است؟ به‌طور آشکار توسط موجودی بالاتر انجام شده است. به‌طور مثال، در جامعه‌ی انسانی عادی ما، شخص بعد از تولد به خانواده‌ای معین، مدرسه‌ای معین و بعد از بزرگ شدن به محل کار معینی تعلق دارد و از طریق کار او در جامعه، تماس‌های مختلفی به‌وجود می‌آید. به‌عبارتی، طرح کلی تمام جامعه به این صورت ترتیب داده می‌شود. اما اگر این موجود ناگهان بمیرد و نظم و ترتیب‌های بخصوص اولیه را دنبال نکند، یا این که اگر مسائل تغییراتی کرده باشند، موجود بالاتر نمی‌تواند کسی را که در این جریان دخالت کرده است ببخشد. همگی درباره‌ی این بیندیشید: به‌عنوان تمرین‌کنندگان می‌خواهیم به‌سوی سطوح بالاتر تزکیه کنیم. آن موجود بالاتر حتی قاتل را نخواهد بخشید. آیا فکر می‌کنید که این شخص هنوز هم بتواند تزکیه کند؟ سطوح بعضی از استادان حتی به بالایی این موجود بالاتر که این جریان را نظم و ترتیب داده است نیست. در نتیجه، استاد شخص نیز مجازات شده و به سطح پایین‌تر تنزل خواهد کرد. فقط درباره‌ی این بیندیشید: آیا این موضوعی عادی است؟ پس وقتی شخصی چنین عملی را انجام دهد، برای او بسیار مشکل است که تزکیه کند.

در بین تمرین‌کنندگان فالون دافا، ممکن است افرادی باشند که بارها در جنگ شرکت کرده‌اند. جنگ‌ها شرایطی بودند که در مجموع به‌وسیله‌ی تغییرات بزرگ‌تر کیهانی پدید آمدند و شما فقط جزئی از آن اوضاع و احوال بودید. اگر در تغییرات کیهانی هیچ کسی حرکتی نمی‌کرد، چنان شرایطی در جامعه‌ی معمولی انسانی پدیدار نمی‌شد و تغییرات کیهانی نیز نامیده نمی‌شد. چنان حوادثی بر طبق تغییرات بزرگ‌تر تکامل می‌یابند و به‌طور کلی تقصیر شما نیست. آن‌چه که ما این‌جا گفتگو می‌کنیم کارمایی است، حاصل از سماجت شخص در انجام دادن کارهای نادرست در طلب به‌دست آوردن نفع شخصی، ارضا کردن تمایلات شخصی، یا زمانی که شخص به‌طریقی آسیب دیده است. تا زمانی که آن شامل تغییراتی در کل فضای پهناور و تغییرات بزرگی در جامعه است، آن‌ها گناه و تقصیر شما نیست.

کشتن، کارمای زیادی را به‌وجود می‌آورد. ممکن است کسی فکر کند: "ما نمی‌توانیم موجودی را بکشیم، اما من در خانه یک آشپز هستم. اگر حیوانی را نکشم خانواده‌ی من چه خواهند خورد؟" وارد موضوعات بخصوص نخواهم شد. من فا را به تمرین‌کنندگان آموزش می‌دهم به‌جای آن که به‌طور سطحی به مردم عادی بگویم که چگونه زندگی کنند. وقتی به مسائل خاصی می‌رسد، آن‌ها را بر طبق دافا ارزیابی کنید و آن‌چه را که فکر می‌کنید بهترین است انجام دهید. مردم عادی می‌توانند هر کاری را که بخواهند انجام دهند و آن به خودشان مربوط است. ممکن نیست که همه به‌طور حقیقی تزکیه کنند. به هر حال به‌عنوان یک تمرین‌کننده، شخص باید استاندارد بالاتری را دنبال کند، پس این‌ها شرایطی تعیین شده برای تمرین‌کنندگان هستند.

به غیر از انسان‌ها و حیوانات، گیاهان نیز دارای زندگی هستند. هر ماده‌ای، در بُعدهای دیگر به شکل زندگی ظاهر می‌شود. وقتی چشم سوم شما به سطح بینایی فا برسد، پی خواهید برد که صخره‌ها، دیوارها و یا هر چیز دیگری با شما صحبت می‌کنند و به شما درود می‌فرستند. شاید کسی فکر کند: "دانه‌ها و گیاهان و سبزیجات که ما می‌خوریم

نیز دارای زندگی هستند... وقتی پشه‌ها و مگس‌ها در خانه هستند باید چه کار کنیم؟ در تابستان پشه‌ها ما را نیش می‌زنند و معذب می‌شویم، آیا مجبوریم بدون این که کاری انجام دهیم نیش زدن آن‌ها را نگاه کنیم؟ چون نمی‌توانیم مگس‌ها را بکشیم، باید فقط تماشا کنیم که روی غذا می‌نشینند و آن‌را کثیف می‌کنند؟ می‌توانم به شما بگویم که نباید از روی هوس یا بدون دلیل موجودی را از بین ببریم، اما نمی‌توانیم همیشه روی چنین چیزهای کوچکی تمرکز کنیم، مثل آدم بیش از حد با احتیاط شریفی باشیم که در پیاده‌روی، هر قدمی را که برمی‌دارد مواظب است مبادا روی مورچه‌ای پا بگذارد. می‌گویم که زندگی خسته‌کننده‌ای خواهید داشت. آیا این نیز یک وابستگی نیست؟ هر چند ممکن است با پریدن در اطراف، مورچه‌ها را نکشید، اما امکانش هست که موجودات ذره‌بینی بسیاری را از بین ببرید. موجودات ذره‌بینی بسیار زیادی در سطح میکروسکوپی وجود دارند، شامل میکروب‌ها و باکتری‌ها، شاید روی آن‌ها پا گذاشته و بسیاری از آن‌ها را از بین ببرید. در آن صورت، ما باید به زندگی کردن خاتمه دهیم. ما نمی‌خواهیم مثل چنین افرادی باشیم، زیرا عمل تزکیه را غیرممکن می‌کند. باید به تصویری بزرگ توجه کنیم و به شکل درست و موقرانه‌ای تزکیه کنیم.

به‌عنوان بشر این حق را داریم که به زندگی بشری ادامه دهیم. به همین جهت، محیط زندگی ما نیز باید بر طبق احتیاجات زندگی بشری تنظیم شود. ما نمی‌توانیم از روی قصد به موجودات صدمه زده و آن‌ها را بکشیم، اما نباید بیش از حد خودمان را مشغول چنین چیزهای بی‌ارزشی کنیم. به‌طور مثال، سبزیجات و دانه‌هایی که پرورش می‌دهیم همگی زنده هستند. نمی‌توانیم چیزی نخوریم یا نیشامیم به‌خاطر این که آن دارای زندگی است، زیرا چگونه می‌توانیم بعد از آن تزکیه کنیم؟ شخص باید به فراتر از آن نظر بیندازد. برای مثال، زمانی که قدم می‌زنید، ممکن است بعضی از مورچه‌ها و حشرات در اطراف پای‌تان در حرکت باشند و کشته شوند، شاید قرار بود آن‌ها بمیرند زیرا از روی قصد آن‌ها را نکشتید. در دنیای موجودات زنده و موجودات زنده‌ی ذره‌بینی، موضوع تعادل زیست‌محیطی وجود دارد، تعداد بیش از حد از هر گونه‌ای مشکل‌آفرین خواهد بود. پس ما باید به شکل درست و موقرانه‌ای تزکیه کنیم. وقتی مگس‌ها و پشه‌ها در خانه هستند، می‌توانیم آن‌ها را از خانه دور کنیم یا برای دور نگه داشتن آن‌ها بر روی پنجره توری نصب کنیم. گاهی اوقات، آن‌ها را نمی‌توان از خانه دور نگه داشت، پس دیگر کشتن آن‌ها مشکلی نیست. اگر آن‌ها در هر فضایی که انسان زندگی می‌کند، درحال نیش زدن و صدمه رساندن به مردم باشند، البته که باید آن‌ها را خارج کنیم. اگر آن‌ها را نتوان خارج کرد، نمی‌توان فقط شاهد نیش زدن آن‌ها به مردم بود. شما یک تمرین‌کننده هستید بنابراین برای شما مشکلی نیست، در مقابل آن‌ها ایمن هستید. اما اعضای خانواده‌تان تزکیه نمی‌کنند و افرادی عادی هستند و نگران بیماری‌های واگیردار. نمی‌توانیم وقتی پشه‌ای صورت بچه‌ای را نیش می‌زند تماشا کنیم و کاری انجام ندهیم.

بگذارید مثالی بزنم. داستانی درباره‌ی شاکيامونی در سال‌های جوانی‌اش وجود داشت. یک روز شاکيامونی می‌خواست در جنگل حمام بگیرد و از یکی از مریدان خواست که وان حمام را تمیز کند. مرید او به طرف وان حمام رفت و دید پر از حشره بود که در آن می‌خزیدند. اگر او می‌خواست وان حمام را تمیز کند حشرات کشته می‌شدند. مرید به نزد شاکيامونی بازگشت و گفت: "وان حمام پر از حشره است." شاکيامونی به او نگاه نکرد و تکرار کرد: "برو وان حمام را تمیز کن." مرید به طرف وان حمام بازگشت و نمی‌دانست که چگونه آن‌را تمیز کند، با تمیز کردن وان، حشرات را می‌کشد، دوباره به‌سمت شاکيامونی بازگشت و گفت: "استاد محترم وان حمام پر از حشره است. اگر آن‌را تمیز کنم، حشرات کشته می‌شوند." شاکيامونی نگاهی به او کرد و گفت: "آن‌چه از تو خواستم تمیز کنی وان حمام بود." مرید همه را در یک لحظه دریافت و برگشت و وان حمام را بلافاصله تمیز کرد. این داستان، اصلی را بازگو می‌کند: ما نباید به‌خاطر وجود حشرات حمام گرفتن را متوقف کنیم و نمی‌توانیم به‌خاطر حشرات به‌دنبال جای دیگری برای زندگی کردن باشیم، همان‌طور که نمی‌توانیم برای این که جوانه‌ها و سبزیجات جان‌دار هستند گلوی خود را سخت ببندیم و به خوردن و آشامیدن خاتمه دهیم. این نباید به این صورت باشد. ما باید از عهده‌ی این ارتباط به‌درستی

براییم و به‌طور باز و موقرانه‌ای تزکیه کنیم. تا آن‌جا که با قصد به هیچ موجودی آسیب نرسانیم خوب است. در عین حال، مردم باید فضایی برای زندگی بشری و شرایطی برای زندگی کردن داشته باشند و این‌ها باید نگاه‌داری و حفاظت شوند. موجودات بشری نیاز دارند زندگی خود را حفظ کرده و به‌طور طبیعی زندگی کنند.

بعضی از استادان دروغین چی‌گونگ می‌گفتند: "شخص می‌تواند موجوداتی را در اول و پانزدهم ماه قمری بکشد". حتی بعضی از آن‌ها گفتند که کشتن حیوانات دو پا مجاز است، مثل این‌که حیوانات دو پا موجودات زنده نیستند. اگر کشتن در اول و پانزدهم، کشتن به حساب نمی‌آید، پس آن‌را چه می‌نامید، حفر کردن زمین؟ بعضی از استادان قلابی چی‌گونگ را می‌توان از سخنرانی‌ها و رفتارشان، یا آن‌چه که می‌گویند و در جستجوی آن‌چه که هستند شناخت. معمولاً استادان چی‌گونگی که آن چیزها را می‌گویند دارای روح یا حیوان تسخیر کننده هستند. فقط نگاه کنید استاد چی‌گونگی که به‌وسیله‌ی روباه تسخیر شده است چگونه مرغ می‌خورد. وقتی آن‌را می‌بلعد، حتی حاضر نیست استخوان آن‌را به بیرون تف کند.

کشتن نه تنها کارمای فراوانی را به‌وجود می‌آورد، بلکه به مسئله‌ی نیک‌خواهی نیز مربوط می‌شود. آیا نباید به عنوان تمرین‌کنندگان، نیک‌خواه باشیم؟ زمانی که نیک‌خواهی ما ظاهر شود، احتمالاً خواهیم دید که تمام موجودات دی‌شعور در حال رنج کشیدن هستند و هر کسی در حال رنج کشیدن است. این اتفاق خواهد افتاد.

موضوع خوردن گوشت

خوردن گوشت نیز مسئله‌ی حساس دیگری است، اما خوردن گوشت، کشتن یک موجود نیست. با آن‌که همگی شما فا را برای زمانی طولانی مطالعه کرده‌اید اما از شما نخواستیم که از خوردن گوشت اجتناب کنید. به محض این‌که قدم به کلاس بسیاری از استادان چی‌گونگ بگذارید به شما می‌گویند که دیگر نمی‌توانید گوشت بخورید. ممکن است فکر کنید، "ما از لحاظ روانی آماده نیستیم که یک‌باره خوردن گوشت را متوقف کنیم". شاید غذایی که امروز در خانه پخته می‌شود ماهی یا مرغ باشد، و بوی کاملاً خوبی نیز به مشام برسد. اما مجاز نمی‌بودید آن‌ها را بخورید. در روش‌های تزکیه در مذاهب هم همین‌طور است - آن‌ها خوردن گوشت را ممنوع می‌کنند. این مسئله در روش‌های معمول مدرسه‌ی بودا و بعضی از روش‌های مدرسه‌ی دائو نیز آموزش داده می‌شود - خوردن گوشت ممنوع. این‌جا از شما نمی‌خواهیم چنین کاری را بکنید، اما درباره‌ی این مسئله آموزش می‌دهیم. و درباره‌ی آن چه می‌گوییم؟ روش ما روشی است که در آن، فا تمرین‌کنندگان را تزکیه می‌کند، و در روش‌هایی که فا تمرین‌کنندگان را تزکیه می‌کند، اوضاع و احوال بخصوصی از گونگ آن‌ها و فا ظاهر خواهد شد، بنابراین در دوره‌ی تزکیه، سطوح مختلف وضعیت‌های مختلفی را به‌وجود می‌آورند. یک روز، یا بعد از سخنرانی امروز من، بعضی افراد ممکن است در این موقعیت قرار بگیرند: آن‌ها دیگر نمی‌توانند گوشت بخورند و برای آن‌ها گوشت بوی ناخوشایندی می‌دهد. اگر گوشت بخورند می‌خواهند آن‌را بالا بیاورند. این‌طور نیست که کسی شما را مجبور کرده باشد یا این‌که جلوی گوشت خوردن خود را گرفته باشید، بلکه این حالت از درون می‌آید. بعد از این‌که به این سطح رسیدید گونگ شما به روشی تأثیر می‌گذارد که شما را در خوردن گوشت ناتوان می‌کند. درحقیقت اگر گوشت را بلعیده باشید، آن‌را بالا می‌آورید.

تمرین‌کنندگان قدیمی ما همگی آگاه هستند که این موقعیت در روش تزکیه‌ی فالون دافا اتفاق می‌افتد، یعنی سطوح مختلف حالت‌های تزکیه‌ی مختلفی را بروز می‌دهند. بعضی از تمرین‌کنندگان، میل و وابستگی قوی‌ای به خوردن گوشت دارند، و می‌توانند معمولاً مقدار زیادی گوشت بخورند. وقتی دیگران گوشت را بسیار ناخوشایند می‌یابند، آن‌ها به آن‌صورت احساس نمی‌کنند و هنوز هم می‌توانند گوشت بخورند. پس باید چه کار کرد که آن‌ها از این وابستگی رهایی یابند؟ با خوردن گوشت، دل‌درد گرفته و اگر نخورند دردی نخواهند داشت. این وضعیت اتفاق می‌افتد و این معنی را می‌دهد که آن‌ها نباید گوشت بخورند. آیا این معنی را می‌دهد که پس از آن، روش مدرسه‌ی ما با

خوردن گوشت کاری ندارد؟ این طور نیست. چگونه باید با این موضوع برخورد کنیم؟ وقتی نمی‌توانید گوشت بخورید، این حالت واقعاً از درون شما می‌آید. هدف چیست؟ روش‌های تزکیه در معابد شخص را مجبور می‌کنند که گوشت نخورد. این نیز مانند حالتِ موجب‌شده‌ی قادر نبودن به خوردن گوشت در روش ما، هدفش همان است: هر دو در نظر دارند که این تمنای بشری یا وابستگی به خوردن گوشت را از بین ببرند.

بعضی از افراد اگر گوشتی در ظرف‌شان نباشد نمی‌توانند غذای‌شان را صرف کنند. این یک تمنای فردی عادی است. یک روز صبح وقتی از درب پستی پارک پیروزی در چانگ‌چون رد می‌شدم، سه نفر را دیدم که از درب پستی بیرون آمده و با صدای بلند صحبت می‌کردند. یکی از آن‌ها گفت، "این چه نوع چی‌گونگی است - اجازه نمی‌دهد گوشت بخورید! ترجیح می‌دهم ده سال از عمرم را از دست بدهم به جای این که از خوردن گوشت دست بکشم!" چه تمنای شدیدی. همگی درباره‌ی این بیندیشید، آیا نباید این تمنا از بین برود؟ قطعاً باید از بین برود. در طی عمل تزکیه، فرد تمناها و علائق مختلف را رها می‌کند. روشن‌تر بگویم، اگر تمنای خوردن گوشت از بین نرود، آیا این یک وابستگی نیست که رها نشده است؟ چگونه می‌توانید تزکیه را تکمیل کنید؟ بنابراین تا وقتی چیزی یک وابستگی است، باید برود. اما این طور نیست که هرگز دوباره قادر نخواهید بود گوشت بخورید. این که گوشت نخورید هدف نیست، هدف این است که آن وابستگی را نداشته باشید. اگر بتوانید در مدت زمانی که نمی‌توانید گوشت بخورید وابستگی را رها کنید، می‌توانید بعداً دوباره شروع به خوردن گوشت کنید. گوشت بعداً مزه‌ای ناخوشایند و وحشتناک نخواهد داشت. بنابراین در آن زمان قادر خواهید بود گوشت بخورید، و آن مشکلی نخواهد بود.

وقتی دوباره بتوانید گوشت بخورید، وابستگی‌تان و نیز میل‌تان به خوردن گوشت، هر دو از بین رفته‌اند. اما تغییر بزرگی اتفاق می‌افتد: وقتی دوباره گوشت بخورید، به آن خوش‌مزگی نخواهد بود، و وقتی خانواده‌ی شما آن را می‌پزند همراه با آنان خواهید خورد، و وقتی خانواده‌ی شما آن را نمی‌پزند، برای آن دلتنگ نمی‌شوید، و وقتی آن را بخورید، دیگر خوش‌مزه نخواهد بود. این حالتِ تزکیه ظاهر خواهد شد. اما عمل تزکیه در بین مردم عادی کاملاً پیچیده است. اگر خانواده‌تان همیشه گوشت بپزند، بعد از مدتی دوباره فکر خواهید کرد که آن مزه‌ی واقعاً خوبی دارد و این چرخه خودش را تکرار می‌کند. درحالی که تزکیه می‌کنید این چرخه چندین بار خود را تکرار می‌کند و ناگهان دوباره قادر نخواهید بود گوشت بخورید. وقتی که نمی‌توانید گوشت بخورید، نخورید؛ واقعاً قادر نخواهید بود بخورید و با خوردن گوشت آن را بالا می‌آورید. وقتی که توانستید گوشت بخورید، بخورید. بگذارید آن به‌طور طبیعی اتفاق بیفتد. نکته‌ی اصلی این نیست که گوشت بخورید یا نخورید، نکته‌ی کلیدی از دست دادن آن وابستگی است.

مدرسه‌ی فالون دافای ما فرد را قادر می‌کند که به‌طور سریعی پیشرفت کند. تا وقتی شین‌شینگ خود را ترفیع دهید، قادر خواهید بود هر سطح را به‌سرعت پشت سر بگذارید. بعضی افراد از اول هم زیاد به خوردن گوشت وابسته نیستند و اهمیتی نمی‌دهند که در غذای‌شان گوشت وجود دارد یا خیر. برای آن‌ها چندین هفته طول خواهد کشید که این وابستگی تقلیل یابد. برای بعضی افراد ممکن است یک، دو یا سه ماه یا شاید نیم سال طول بکشد. به استثنای برخی موارد بسیار غیرعادی، بیشتر از یک سال برای شخص طول نخواهد کشید که بتواند دوباره گوشت بخورد. این بدین دلیل است که درحال حاضر، گوشت یک غذای اصلی برای مردم شده است. به هر حال تمرین‌کنندگان حرفه‌ای در معابد نباید گوشت بخورند.

اجازه دهید درباره‌ی نگرش بودیسم به خوردن گوشت صحبت کنیم. بودیسم اصلی اولیه، خوردن گوشت را ممنوع نکرد. زمانی که شاکيامونی شاگردان خود را به جنگل برد تا از طریق سختی‌ها تزکیه کنند، قطعاً هیچ حکمی که گوشت را ممنوع کند وجود نداشت. چرا چنین ممنوعیتی وجود نداشت؟ به‌خاطر این که وقتی شاکيامونی دارمای خود را در دو هزار و پانصد سال پیش آموزش داد، جامعه‌ی بشری بسیار عقب‌افتاده بود. بعضی از مناطق کشاورزی داشتند درحالی که مناطقی دیگر نداشتند. مزارع کشت‌شده بسیار کم بود و جنگل‌ها همه جا را پوشانده بود. دانه‌ها و حبوبات به مقدار بسیار کمی وجود داشتند و بسیار نادر بودند. مردم از جامعه‌ی اولیه بیرون آمده بودند و عمدتاً از راه شکار

زندگی می‌کردند. بسیاری از مناطق عمدتاً با گوشت خود را سیر می‌کردند. شاکيامونی برای این‌که تا حد امکان شاگردانش را از وابستگی‌ها رها کند، اجازه نداد با مسائلی مثل پول و چیزهای مادی هیچ تماسی داشته باشند و آن‌ها را با خود می‌برد تا برای غذا و صدقه‌گدایی کنند. هرچه به آن‌ها داده می‌شد می‌خوردند، چراکه به‌عنوان تزکیه‌کننده نمی‌توانستند غذای داده شده را که ممکن بود شامل گوشت هم باشد انتخاب کنند.

قبلاً در بودیسم اولیه برخی از غذاها واقعاً غذاهای ممنوعه نامیده شدند. بنابراین غذاهای ممنوعه به بودیسم اولیه برمی‌گردد، اما امروزه مردم می‌گویند که منظور از "غذای ممنوعه" گوشت است. اما حقیقت این است که در گذشته منظور از غذای ممنوعه گوشت نبود، بلکه در مورد چیزهایی مثل پیاز، زنجبیل و سیر بود. چرا آن چیزها را غذاهای ممنوعه نامیدند؟ این روزها، حتی بسیاری از راهبان نمی‌توانند آن‌را توضیح دهند، زیرا بسیاری از آن‌ها به‌طور حقیقی تزکیه نمی‌کنند و چیزهای زیادی وجود دارد که آن‌ها نمی‌دانند. آن‌چه که شاکيامونی آموزش داد "احکام، تمرکز، خرد" بود. احکام به از دست دادن تمام وابستگی‌های مردم عادی اشاره می‌کرد. منظور از تمرکز این است که یک تمرین‌کننده با بودن کامل در خلسه و باقی‌ماندن در مدیتیشن، تزکیه کند- شخص باید کاملاً در خلسه باشد. هر چیزی که بر خلسه‌ی فرد و تزکیه‌اش تأثیر می‌گذاشت به‌عنوان دخالتی جدی به‌حساب می‌آمد. هر کسی که پیاز، زنجبیل یا سیر می‌خورد سبب بوی شدیدی می‌شد. در آن زمان راهبان اغلب در جنگل‌ها یا غارها زندگی می‌کردند. هفت یا هشت نفر از آن‌ها در دایره‌ای می‌نشستند و دایره‌های بسیاری را در مدیتیشن شکل می‌دادند. اگر کسی این چیزها را می‌خورد، بوی بسیار مزاحمت‌آمیزی تولید می‌کرد و روی دیگران که در خلسه نشسته بودند تأثیر گذاشته و به‌طور جدی مزاحم تزکیه‌ی آن‌ها می‌شد. بنابراین چنین حکمی مقرر شد، آن‌ها چنان غذاهایی را غذاهای ممنوعه در نظر گرفته و آن‌ها را ممنوع کردند. بسیاری از موجوداتی که از جسم فرد پرورش می‌یابند این بوهای بد را دوست ندارند. پیاز، زنجبیل و سیر می‌توانند تمایلات شخص را نیز تحریک کنند. اگر فرد آن‌ها را بیش از حد مصرف کند، می‌تواند به آن‌ها معتاد شود. این دلیل آن است که چرا آن‌ها غذاهای ممنوعه در نظر گرفته شدند.

در گذشته بسیاری از راهبان بعد از رسیدن به سطوح بسیار بالایی در تزکیه و بودن در مرحله‌ی باز شدن گونگ یا نیمه باز شدن گونگ متوجه شدند که در جریان تزکیه احکام مهم نیستند، که وقتی شخص یک وابستگی را رها می‌کند، آن چیز فیزیکی هیچ تأثیری ندارد و این‌که آن‌چه به‌طور واقعی با یک فرد در تداخل است همان وابستگی اوست. به همین جهت، راهبان سطح بالای نسل‌های گذشته نیز دیدند که موضوع خوردن یا نخوردن گوشت مسئله‌ای کلیدی نیست. آن‌ها متوجه شدند مسئله‌ی کلیدی این است که آیا وابستگی می‌تواند از بین برود یا خیر. اگر شخص هیچ وابستگی نداشته باشد، هر چیزی می‌تواند برای پرکردن معده خوب و مناسب باشد. بسیاری از مردم به آن عادت کرده‌اند، چراکه در تمام این مدت در معابد به این شکل تزکیه کرده‌اند. و این دیگر فقط مسئله‌ای درباره‌ی یک حکم ساده نیست، بلکه به‌صورت یک قانون رسمی در معابد درآمده که خوردن گوشت به‌طور مطلق ممنوع است. به همین جهت مردم به این شکل تزکیه کردن عادت کرده‌اند. بگذارید درباره‌ی راهب جی‌گونگ صحبت کنیم. آن‌ها او را در ادبیات مورد توجه همگان قرار دادند چراکه راهبان نمی‌بایستی گوشت می‌خوردند، اما او گوشت خورد و به همین جهت یک شخصیت مشهور شد. درحقیقت از آن‌جا که او را از معبد لینگ‌بین اخراج کردند، تأمین غذا برای او مشکلی واقعی شد و زنده ماندنش در خطر بود. برای پرکردن شکم خود، هرچه را که به دست می‌آورد می‌خورد، او فقط می‌خواست شکمش را پر کند و وابستگی به هیچ غذای بخصوصی نداشت، پس مسئله‌ای نبود. او تا آن نقطه تزکیه کرده بود، بنابراین این حقیقت را فهمید. درواقع جی‌گونگ فقط چند بار گوشت خورد، شاید یک یا دو بار. همین که صحبت از گوشت خوردن راهبان می‌شود، نویسندگان هیجان‌زده می‌شوند. هرچه بیشتر موضوع را تکان‌دهنده کنند، خواننده‌های علاقمند بیشتری خواهند داشت. کارهای ادبی براساس زندگی هستند و سپس ورای آن می‌روند، بنابراین توجه همگان را به آن جلب می‌کنند. حقیقت این است که اگر واقعاً از آن وابستگی رها شدید، اهمیتی ندارد شکم‌تان را با چه چیزی پر می‌کنید.

در جنوب شرقی آسیا یا مناطق جنوبی چین، مخصوصاً در استان‌های گوانگ‌دونگ و گوانگ‌شی، بودیست‌های غیرروحانی وجود دارند که در مکالمه خودشان را بودیست نمی‌نامند، انگار کلمه‌ی تزکیه‌ی بودا بیش از حد قدیمی به نظر می‌رسد. می‌گویند گیاه‌خوار هستند یا این که گوشت نمی‌خورند. منظورشان این است که گیاه‌خوارند و به‌واسطه‌ی آن، درحال تزکیه‌ی بودا شدن هستند. آن‌ها تزکیه‌ی بودا شدن را چیزی بسیار ساده در نظر می‌گیرند. می‌گویند فقط با گیاه‌خوار بودن می‌توانید تا سطح یک بودا تزکیه کنید؟ همه می‌دانند که خوردن گوشت فقط یک نوع از وابستگی است، فقط یک تمنا است. گیاه‌خوار بودن فقط این وابستگی را برطرف می‌کند. فرد هنوز هم باید حسادت، رقابت‌جویی، شوق و اشتیاق بیش از حد، خودنمایی و بسیاری از وابستگی‌های دیگر را رها کند، تعداد بسیار زیادی از وابستگی‌های بشری وجود دارند. فقط به‌وسیله‌ی از دست دادن وابستگی‌ها و تمایلات است که شخص می‌تواند راه تزکیه‌اش را به کمال برساند. چگونه شخص می‌تواند فقط با رها کردن وابستگی خوردن گوشت بودا شدن را تزکیه کند؟ این نوع اظهار نظر نادرست است.

در مورد موضوع غذا، شخص نه فقط به گوشت بلکه به هیچ غذای دیگری هم نباید وابسته باشد. بعضی از افراد می‌گویند، "من فقط دوست دارم/این را بخورم"، بسیار خوب آن نیز تمایل دیگری است. بعد از رسیدن به سطح معینی از تزکیه، یک تمرین‌کننده این وابستگی را نخواهد داشت. البته فای ما در سطح بسیار بالایی آموزش داده می‌شود و به‌وسیله‌ی تلفیق کردن سطوح مختلف آموزش داده می‌شود. برای شخص غیرممکن است که یک‌دفعه به این درجه برسد. شما می‌گویید که می‌خواهید فقط آن غذای بخصوص را بخورید، اما وقتی واقعاً تزکیه‌ی شما به زمان رها کردن آن وابستگی برسد، دیگر قادر به خوردن آن نخواهید بود. اگر آن غذا را بخورید، خوش طعم نبوده و نمی‌توانید بگویید که طعم آن چگونه است. زمانی که سر کار می‌رویم، کافه تریای محل کار همیشه پول از دست می‌داد و در آخر بسته شد. بعد از آن که کافه تریا بسته شد، هر کسی با خود به محل کار غذا می‌آورد. بسیار پر زحمت و پر دردسر بود که صبح‌ها قبل از رفتن به سر کار با عجله غذا درست کرد. بعضی مواقع، دو عدد نان پخته شده در بخار و یک قطعه توفوی خیس شده در سس سویا می‌خریدیم. از لحاظ تئوری، آن باید یک وعده غذای تقریباً سبکی باشد، اما خوردن آن در تمام مدت هنوز خوب نبود، آن وابستگی می‌بایست از بین برده می‌شد. همین که دوباره توفو را می‌دیدم، باعث می‌شد که احساس ناخوشایندی به من دست دهد. وقتی که دوباره سعی می‌کردم آن را بخورم، نمی‌توانستم آن را بخورم. این مسئله مانع وابسته شدن من به آن می‌شد. البته، فقط وقتی که شخص به سطح معینی از تزکیه رسیده باشد آن اتفاق خواهد افتاد. در آغاز به این صورت نخواهد بود.

مدرسه‌ی بودا نوشیدن الکل را اجازه نمی‌دهد. آیا هرگز یک بودا را دیده‌اید که جامی از شراب در دست داشته باشد؟ خیر. گفته‌ام که اگر نتوانید گوشت بخورید، پس از این که از طریق تزکیه در بین مردم عادی از آن وابستگی رها شدید، مشکلی نخواهد بود که دوباره گوشت بخورید. اما، بعد از این که نوشیدن الکل را کنار گذاشتید نباید دوباره بنوشید. آیا تمرین‌کنندگان در بدن‌شان گونگ ندارند؟ شکل‌های مختلفی از گونگ و بعضی از توانایی‌های فوق‌طبیعی در سطح بدن شما متجلی می‌شوند و همگی آن‌ها خالص هستند. به محض این که الکل بنوشید، همگی آن‌ها فوراً بدن را ترک می‌کنند و در یک چشم به هم زدن، در بدن‌تان چیزی باقی نخواهد ماند، چرا که همگی آن‌ها از بوی الکل وحشت دارند. نوشیدن الکل عادت بیزار کننده‌ای است زیرا می‌تواند شخص را فاقد عقل کند. چرا بعضی از روش‌های تزکیه‌ی بزرگ دائوئیستی، خوردن الکل را لازم می‌دانند؟ به‌خاطر این که آن‌ها روح اصلی را تزکیه نمی‌کنند و نوشیدن الکل می‌تواند روح اصلی شخص را ناآگاه کند.

بعضی از مردم الکل را به اندازه‌ی زندگی‌شان دوست دارند. بعضی از مردم از نوشیدن الکل لذت می‌برند. بعضی از افراد هم‌اکنون به‌وسیله‌ی الکل مسموم شده‌اند. اگر الکل نباشد حتی نمی‌خواهند غذا بخورند و بدون نوشیدن قادر به انجام آن نیستند. به عنوان تمرین‌کننده نباید به این صورت باشیم، نوشیدن الکل قطعاً اعتیادآور است. این یک تمایل است و الکل اعصاب اعتیادآور شخص را تحریک می‌کند. فرد هرچه بیشتر بنوشد، بیشتر به آن معتاد می‌شود.

بیا باید درباره‌ی این بیندیشیم: به عنوان تمرین کننده، آیا نباید این وابستگی را از دست بدهیم؟ این وابستگی نیز باید از بین برود. فرد ممکن است فکر کند: "این غیرممکن است، زیرا من مسئول پذیرایی از مشتری‌ها هستم." یا "من مسئول روابط عمومی هستم، در همه اوقات با میهمانان جلسه دارم، در همه اوقات مردم را ملاقات می‌کنم. آسان نیست کارها را بدون نوشیدن الکل انجام داد." می‌گوییم ضرورتاً به این صورت نیست. معمولاً در انجام معاملات کاری، مخصوصاً در انجام کسب و کار یا معاملات با خارجی‌ها می‌توانید سودا بنوشید، او نیز ممکن است آب معدنی بنوشد و شخصی دیگر ممکن است بخواهد آب‌جو بنوشد. هیچ کسی شما را مجبور به نوشیدن الکل نمی‌کند - شما نوشیدنی خود را برمی‌دارید و هر چه قدر که بخواهید می‌نوشید. مخصوصاً در بین روشن‌فکران، این مورد به ندرت اتفاق می‌افتد. معمولاً بدین صورت است.

سیگار کشیدن نیز یک وابستگی است. بعضی از مردم می‌گویند سیگار کشیدن آن‌ها را سرحال می‌آورد، می‌گوییم واقعاً خودتان را گول می‌زنید. شخص وقتی از کار یا از نوشتن چیزی خسته می‌شود ممکن است به وسیله‌ی کشیدن یک سیگار زنگ تفریحی بگیرد یا بعد از زدن پکی به سیگار، احساس سرحال بودن کند. درواقع، این درست نیست. بلکه به این دلیل است که فرد برای لحظه‌ای استراحت کرده است. ذهن بشری می‌تواند برداشت و توهمی دروغین به وجود آورد که بعداً می‌تواند واقعاً مفهوم یا برداشتی دروغین شود که سیگار کشیدن شخص را سرحال می‌آورد. مطلقاً نمی‌تواند آن کار را انجام دهد و این اثر را هم ندارد. سیگار کشیدن هیچ فایده‌ای برای بدن بشری ندارد. اگر شخص برای مدتی طولانی سیگار بکشد، یک پزشک در زمان کالبدشکافی، نای و شش‌های او را کاملاً سیاه خواهد یافت.

آیا ما تمرین کنندگان نمی‌خواهیم بدن‌های مان را تصفیه و پالایش کنیم؟ باید به‌طور پیوسته بدن‌های مان را تصفیه و به‌طور پیوسته به‌سوی سطوح بالاتر پیشرفت کنیم. اما شما هنوز آن‌را در جسم خود وارد می‌کنید، پس آیا برخلاف راه ما عمل نمی‌کنید؟ به علاوه این نیز تمنای نیرومند دیگری است. بعضی اشخاص می‌دانند که سیگار کشیدن خوب نیست، اما فقط نمی‌توانند آن‌را ترک کنند. حقیقت امر این است که آن‌ها افکاری صحیح که راهنمای‌شان باشند ندارند و برای آن‌ها آسان نیست که بدان صورت از سیگار کشیدن دست بکشند. به عنوان یک تزکیه‌کننده، چرا آن‌را به عنوان یک وابستگی که باید رها شود در نظر نمی‌گیرید و ببینید آیا می‌توانید آن‌را ترک کنید. اگر واقعاً بخواهید تزکیه کنید، شدیداً توصیه می‌کنم که از همین امروز سیگار کشیدن را ترک کنید و تضمین می‌کنم که بتوانید این کار را انجام دهید. در میدان این کلاس، هیچ کسی فکری برای سیگار کشیدن ندارد. اگر بخواهید آن‌را ترک کنید، تضمین می‌کنم که بتوانید آن‌را انجام دهید و اگر دوباره سیگار بکشید، مزه‌ی درستی نخواهد داشت. اگر این سخنرانی را در کتاب بخوانید، همین اثر را خواهد داشت. البته اگر به تزکیه کردن علاقه‌ای ندارید، خوب است و شما را متوقف نمی‌کنیم، اما اگر می‌خواهید یک تزکیه‌کننده باشید فکر می‌کنم بهتر است آن‌را ترک کنید. زمانی این مثال را به کار می‌بردم: آیا هرگز یک بودا یا یک دائو دیده‌اید که با سیگاری بر لبش آن‌جا نشسته باشد؟ چه قدر خنده‌دار است! شما یک تزکیه‌کننده هستید، هدف شما چیست؟ آیا نباید آن‌را ترک کنید؟ به همین جهت، گفته‌ام اگر بخواهید تزکیه کنید، بهتر است سیگار کشیدن را ترک کنید. سیگار کشیدن به بدن شما صدمه می‌رساند و یک تمنا است. آن درست مخالف شرایطی است که برای تزکیه‌کنندگان مان داریم.

حسادت

وقتی فا را آموزش می‌دهم، اغلب موضوع حسادت را مطرح می‌کنم. چرا؟ زیرا حسادت به صورت بسیار نیرومندی در چین ظاهر شده است، آن قدر نیرومند که به صورت پدیده‌ای طبیعی درآمده و مردم نمی‌توانند آن‌را در خود احساس کنند. چرا مردم چین این حسادت قوی را دارند؟ ریشه‌های خودش را دارد. مردم چین در زمان‌های گذشته شدیداً تحت تأثیر کنفوسیوس بودند و شخصیتی درون‌گرا را رشد داده‌اند. وقتی عصبانی یا شاد هستند، آن‌را بروز

نمی‌دهند. آن‌ها به خویشن‌داری و شکیبایی اعتقاد دارند. از آن‌جا که به این روش عادت کرده‌اند، ملت ما در کل، شخصیتی درون‌گرا را رشد داده است. مطمئناً مزایای خود را دارد، مثل نبالیدن به نیروهای درونی خود. اما عیب‌های خودش را هم دارد و می‌تواند با خود، تأثیرات منفی جانبی را به‌همراه داشته باشد. مخصوصاً در این عصر پایان دارما، جنبه‌های منفی آن بیشتر چشم‌گیر شده و می‌تواند به حاد شدن حسادت شخص کمک کند. اگر جنبه‌های خوب کسی منتشر شود، بلافاصله باعث حسادت دیگران می‌شود. اگر کسی از محل کارش یا جایی دیگر پاداشی بگیرد، یا اگر چیز خوبی به‌دست بیاورد، جرأت نمی‌کند کلمه‌ای درباره‌ی آن بگوید، زیرا افراد دیگر وقتی درباره‌ی آن بشنوند ناراحت می‌شوند. غربی‌ها این را "حسادت شرقی" یا "حسادت آسیایی" می‌نامند. تمام آسیا تحت تأثیر کنفوسیوس چینی قرار گرفته است و این حسادت کم و بیش همه جا هست اما فقط در چین این‌قدر شدید است.

این حسادت تا اندازه‌ای به مساوات‌طلبی مطلق که زمانی به آن عادت داشتیم مرتبط است، "هرچه باشد، اگر آسمان فرو بریزد همگی باید با هم بمیرند، اگر چیزی خوب وجود دارد همگی باید سهمی مساوی داشته باشند؛ اگر افزایش درآمدی باشد همه باید به یک سهم مشمول آن شوند". این طرز تفکر که با همه به مساوات رفتار شود به نظر می‌رسد عادلانه باشد. چگونه مردم می‌توانند واقعاً یک جور باشند؟ کارهایی که انجام می‌دهند و مسئولیت‌هایی که به‌عهده دارند متفاوت است. اصلی در این جهان وجود دارد که نامیده می‌شود، "بدون از دست دادن، چیزی به‌دست نمی‌آید". برای به‌دست آوردن، شخص باید از دست بدهد. مردم عادی می‌گویند، "اگر شخص کاری انجام ندهد نفعی نمی‌برد. کار بیشتر، سود بیشتری به‌همراه دارد، کار کمتر، سود کمتری دارد"، و این که شخصی که بیشتر فداکاری می‌کند، باید بیشتر به‌دست آورد. مساوات‌طلبی مطلق که در گذشته شایع بود ادعا می‌کرد که همه مساوی به‌دنیا آمده‌اند و چیزهای بعد از تولد است که شما را عوض می‌کند. می‌گویم این ایده بیش از اندازه مطلق است و هر چیزی خیلی مطلق، اشتباه است. چرا بعضی از مردم باید مرد و بعضی دیگر زن متولد شوند؟ چرا شبیه هم نیستند؟ مردم به یک شکل متولد نمی‌شوند، همان‌طور که یک عده بیمار و عده‌ای فلج متولد می‌شوند. از بُعدی بالا، می‌توانیم ببینیم که تمام زندگی انسان، آن‌جا در بُعدی دیگر وجود دارد. چگونه آن‌ها می‌توانند به یک صورت باشند؟ همه‌ی مردم آرزوی برابری دارند. اگر چیزی قسمتی از زندگی کسی نباشد، چگونه می‌توانند مساوی باشند؟ مردم یکسان نیستند.

شخصیت مردم در کشورهای غربی به‌طور نسبی برون‌گرا است. آن‌ها خوشحالی یا غم خود را بروز می‌دهند. این مزیت‌های خود را دارد. اما عیب‌های خودش را هم دارد مثل عدم خویشن‌داری. از آن‌جا که این دو خلق و خوی از نظر فکری متفاوت هستند در موقع انجام دادن کارها نتایج مختلفی را به بار می‌آورند. اگر یک شخص چینی توسط سرپرست مورد تمجید قرار گیرد یا به او چیزهای خوبی داده شود، افکار دیگران معذب می‌شود. اگر کمک‌هزینه‌ی بیشتری به‌دست آورد، بدون این که بگذارد دیگران از آن خبردار شوند آن‌را در خفا در جیبش می‌گذارد. این روزها یک کارگر نمونه بودن مشکل است. "تو یک کارگر نمونه هستی. تو می‌توانی این کار را انجام دهی. تو باید صبح‌ها زودتر سر کار حاضر شوی و شب‌ها دیرتر به خانه بروی. چرا تو تمام این کارها را انجام نمی‌دهی؟ تو به این خوبی انجام می‌دهی. ما به اندازه‌ی کافی خوب نیستیم". مردم طعنه‌آمیز و بدبین خواهند بود و به همین دلیل یک انسان خوب بودن آسان نیست.

اگر این در کشورهای دیگر اتفاق بیفتد کاملاً متفاوت خواهد بود. اگر رئیس متوجه شود که این کارگر امروز کارش را به‌خوبی انجام داده است، ممکن است کمک‌هزینه‌ی بیشتری به کارگر بدهد. او با خوشحالی پول را مقابل دیگران خواهد شمرد: "وای! رئیس امروز این همه پول به من داده است". او می‌تواند با خوشحالی با دیگران درباره‌ی آن صحبت کند بدون این که پیامد و عواقبی داشته باشد. اگر این در چین اتفاق بیفتد که کسی از رئیس کمک‌هزینه‌ی اضافه‌ای بگیرد حتی رئیس به آن شخص گوش‌زد می‌کند که آن‌را پنهان نگه دارد و نگذارد دیگران از آن باخبر شوند. در کشورهای دیگر، اگر بچه‌ای در امتحانی صد نمره بیاورد، با خوشحالی به سوی خانه دویده، فریاد می‌زند، "من امروز صد نمره گرفته‌ام! من صد نمره گرفته‌ام!" بچه تمام مسیر خانه‌اش را خواهد دوید. همسایه درب خانه را باز کرده

می‌گوید: "سلام تام، پسر خوب!" همسایه‌ی دیگر پنجره را باز می‌کند: "سلام جک، آفرین پسر خوب!" اگر این در چین اتفاق بیفتد، می‌تواند یک فاجعه باشد، "من صد نمره گرفته‌ام! صد نمره گرفته‌ام!" کودک از مدرسه به خانه می‌دود. حتی قبل از این که درب خانه‌اش را باز کند همسایه‌ی او در خانه‌اش شروع به جوش و خروش می‌کند، "چه چیز مهمی است؟ فقط نمره‌ی صد است. مگر چه چیزی است که به خود می‌بالد! چه کسی تا حالا صد نمره نگرفته است؟" دو طرز تفکر، نتایج متفاوتی را به بار می‌آورند. آن می‌تواند حسادت شخص را برانگیزد، زیرا اگر کسی کاری را خوب انجام دهد، به جای این که برای او خوشحال بود، در ذهن و روان مردم احساس ناراحتی به وجود می‌آید. این می‌تواند منجر به این مشکل شود.

چندین سال پیش، مساوات‌طلبی مطلق به کار برده شد و افکار و ارزش‌های مردم را به آشفتگی کشاند. بگذارید مثالی مشخص بزنم. در محل کار، شخصی ممکن است احساس کند که دیگران به اندازه‌ی او لایق و باعرضه نیستند. هر کاری که می‌کند، به خوبی انجام می‌دهد. فکر می‌کند که واقعاً قابل توجه است. با خودش فکر می‌کند: "من صلاحیت رئیس و مدیر کارخانه یا حتی مقامی بالاتر شدن را دارم. فکر می‌کنم حتی بتوانم رئیس جمهور هم بشوم." رئیس نیز ممکن است اظهار کند او واقعاً لایق و بااستعداد است و هر کاری را به اتمام می‌رساند. همکاران نیز ممکن است فکر کنند که او واقعاً لایق و بااستعداد است. با وجود این، احتمالاً شخص دیگری وجود دارد که با او در گروه مشترک یا در دفتر مشابهی کار می‌کند، که کاملاً در انجام کارها نالایق است و به درد هیچ کاری نمی‌خورد. ولی یک روز همین شخص نالایق به جای او ترفیع مقام می‌گیرد و حتی سرپرست او می‌شود. بنابراین او در قلبش احساس می‌کند که این خیلی بی‌انصافی است و به رئیس و همکارانش شکایت می‌کند، بسیار آشفته شده و حسادت می‌کند.

این اصل را که مردم عادی قادر به درک آن نیستند به شما می‌گویم. ممکن است تصور کنید که در هر چیزی خوب هستید، ولی زندگی‌تان آن را ندارد. آن شخص در هیچ کاری خوب نیست، اما زندگی‌اش آن را دارد و او رئیس می‌شود. ما اهمیتی نمی‌دهیم که مردم عادی چه فکر می‌کنند، زیرا آن‌ها فقط افکاری عادی هستند. از نظر موجودات بالاتر، جامعه‌ی انسانی بر طبق الگوی معینی از رشد و تحول، توسعه می‌یابد. به همین جهت، آن چه که شخص در زندگی‌اش انجام می‌دهد بر طبق توانایی‌های او نظم و ترتیب داده نمی‌شود. بودیسم اعتقاد به اصل مجازات کارمایی دارد و آن چیزها بر طبق کارمای شما نظم و ترتیب داده می‌شوند. بنابراین مهم نیست که چه اندازه لایق هستید، اگر تقوا نداشته باشید، شاید چیزی در این زندگی نداشته باشید. فکر می‌کنید که این فرد در هیچ کاری خوب نیست، اما ممکن است او دارای تقوای زیادی باشد، بنابراین صاحب‌منصبی عالی مقام می‌شود یا این که ثروت زیادی کسب می‌کند. مردم عادی نمی‌توانند این مسئله را ببینند و معتقدند که باید دقیقاً آن چه را که قادر هستند، انجام دهند. به همین جهت در سراسر زندگی‌شان برای چیزها رقابت و مبارزه می‌کنند، احساس می‌کنند به طور بدی صدمه خورده‌اند، فکر می‌کنند زندگی سخت و خسته‌کننده است و همیشه فکر می‌کنند که چیزها غیرمنصفانه است. نمی‌توانند از غذای‌شان لذت ببرند، خوب نمی‌خوابند و واقعاً مأیوس و ناامید می‌شوند و با گذشت زمان که پیر می‌شوند تمام بدن‌شان را از سر تا به پا ویران کرده‌اند و انواع و اقسام بیماری‌ها به همراه آن می‌آید.

بنابراین ما تزکیه‌کنندگان نباید به این صورت رفتار کنیم، ما تزکیه‌کنندگان همیشه می‌گذاریم چیزها به طور طبیعی اتفاق بیفتند. اگر چیزی مال شما باشد، آن را از دست نخواهید داد. اگر چیزی مال شما نباشد، حتی اگر برایش مبارزه هم کنید آن را به دست نخواهید آورد. البته این مطلق نیست. اگر به آن مطلق می‌بود، مسئله‌ی انجام دادن کارهای نادرست وجود نمی‌داشت. به بیانی دیگر، یک سری عوامل ناپایدار وجود دارند. اما شما یک تمرین‌کننده هستید، در شرایط طبیعی توسط فاشن معلم‌تان مراقبت می‌شوید. دیگران نمی‌توانند آن چه را که متعلق به شما است بردارند. بنابراین، این دلیل آن است که چرا می‌گذاریم چیزها به طور طبیعی اتفاق بیفتند. گاهی اوقات فکر می‌کنید که چیزی مال شما است و دیگران نیز به شما می‌گویند که آن مال شما است، اما درواقع این طور نیست. بنابراین ممکن است فکر کنید که آن مال شما است، اما درنهایت مال شما نیست. از طریق این جریان می‌توان دید که آیا می‌توانید

آن را رها کنید. اگر نتوانید آن را رها کنید، یک وابستگی است. این روش باید برای خلاص شدن شما از دست وابستگی علاقه‌ی شخصی مورد استفاده قرار گیرد. موضوع این است. مردم عادی نمی‌توانند این حقیقت را دریابند، بنابراین وقتی چیزی برای به‌دست آوردن در معرض خطر باشد رقابت و مبارزه می‌کنند.

حسادت در بین مردم عادی به‌طور شگفت‌انگیزی قوی است و همیشه در اجتماع تزکیه‌کنندگان نیز واقعاً قابل رؤیت بوده است. روش‌های چی‌گونگ مختلف به یکدیگر احترام نمی‌گذارند، مثل "روش تو خوب است" یا "روش او خوب است"، اظهار نظرهای خوب و بد ارائه می‌دهند. به‌نظر من، همه‌ی این‌ها به سطح شفا دادن و حفظ تندرستی تعلق دارند. اکثر روش‌هایی که با یکدیگر جر و بحث و منازعه می‌کنند به‌وسیله‌ی تسخیر روح موجب می‌شوند، آن‌ها درهم و برهم هستند و به شین‌شینگ توجهی نمی‌کنند. درنظر بگیرید که شخصی بیش از بیست سال تمرین چی‌گونگ کرده اما هیچ توانایی فوق‌طبیعی رشد نداده باشد، درحالی که شخصی دیگر، بلافاصله پس از این که تمرین را شروع کند به آن توانایی‌ها دست پیدا کند. فکر می‌کند که این بی‌انصافی است و نمی‌تواند آن را تحمل کند: "من بیش از بیست سال تمرین کرده‌ام اما هیچ توانایی فوق‌طبیعی را رشد نداده‌ام، و حالا او آن‌ها را به‌دست آورده - چه توانایی فوق‌طبیعی را/و به‌دست آورده است؟" این شخص برآشفته می‌شود: "او به‌وسیله‌ی روح یا حیوان تسخیر شده و جنون حاصل از تزکیه گرفته!" یا وقتی یک استاد چی‌گونگ در کلاس آموزش می‌دهد، ممکن است شخصی نیز آن‌جا نشسته و با بی‌احترامی بگوید، "اوه، این چه جور استاد چی‌گونگی است؟ نمی‌خواهم به هیچ‌یک از چیزهایی که/و درباره‌ی آن‌ها صحبت می‌کند گوش کنم". بله، شاید آن استاد چی‌گونگ به‌خوبی او صحبت نکند، اما آن‌چه آن استاد چی‌گونگ درباره‌ی آن‌ها صحبت می‌کند فقط چیزهایی از مدرسه‌ی تزکیه‌ی خود او است. این شخص همه چیز را مطالعه می‌کند و با یک خروار مدرک فارغ‌التحصیلی در کلاس‌های استادان چی‌گونگ عادی حضور به‌هم رسانده است. درواقع، این شخص بیشتر از آن استاد چی‌گونگ می‌داند. اما چه فایده؟ همه‌اش درباره‌ی شفا دادن و حفظ سلامتی است. هرچه بیشتر از این مطالب پر شود، پیام‌هایی که می‌گیرد آشفته‌تر و پیچیده‌تر بوده و برای او تزکیه کردن مشکل‌تر می‌شود، یک چیز تماماً آشفته و درهم و برهم است. تزکیه‌ی حقیقی به شما آموزش می‌دهد که یک روش را دنبال کنید و به بی‌راهه و گمراهی نروید. اما این مشکل در بین تزکیه‌کنندگان واقعی که قبول نمی‌کنند افراد دیگر خوب هستند و از رقابت‌جویی‌شان دست نمی‌کشند نیز نمایان می‌شود. احتمال دارد که آن‌ها حسادت کنند.

بگذارید داستانی بگویم. در کتاب *مراسم اعطای مقام به خدایان*، *شین‌گونگ بائو پی* می‌برد که *جیانگ‌زی‌یا* بی‌صلاحیت و پیر است. اما خدای اولیه‌ی آسمان از *جیانگ‌زی‌یا* می‌خواهد که عناوینی را به خدایان اعطا کند. *شین‌گونگ بائو* فکر می‌کند که این غیرمنصفانه است، و نمی‌تواند با این مسئله کنار بیاید. "چرا از او خواسته شد که به خدایان عناوین را اعطا کند؟ بینید چه قدر من، *شین‌گونگ بائو*، لایق هستم - بعد از این که سرم بریده شود، می‌توانم آن‌را دوباره سر جایش بگذارم. چرا از من درخواست نشد که به خدایان عناوین را اعطا کنم؟" او به‌طور باورنکردنی‌ای حسود می‌شود و همیشه برای *جیانگ‌زی‌یا* مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد.

بودیسم اصلی در زمان شاکيامونی درباره‌ی توانایی‌های فوق‌طبیعی صحبت می‌کرد، اما این روزها هیچ کسی در بودیسم جرأت نمی‌کند درباره‌ی آن‌ها صحبت کند. اگر درباره‌ی توانایی‌های فوق‌طبیعی صحبت کنید، می‌گویند که جنون از تزکیه گرفته‌اید. "چه توانایی‌های فوق‌طبیعی‌ای؟" آن‌ها را در کل به رسمیت نمی‌شناسند. چرا این‌طور است؟ این روزها حتی راهبان نمی‌دانند که آن توانایی‌ها چه چیزهایی هستند. شاکيامونی ده مرید بزرگ داشت، و او گفت که *موجی‌ین‌لی‌ین* در قدرت‌های خدایی اولین بود. شاکيامونی مریدان زن نیز داشت، و یکی از آنان به‌نام *لی‌ان‌هوآسه* در قدرت‌های خدایی نفر اول بود. وقتی بودیسم در چین معرفی شد، به همان صورت بود. هر نسلی راهبان ورزیده و ماهر بسیاری داشت. زمانی که بودی‌دارما به چین آمد، سوار بر یک ساقه‌ی نی از رودخانه گذشت. اما با گذر زمان، قدرت‌های خدایی به‌طور فزاینده‌ای کنار زده شده‌اند. دلیل اصلی این است که افرادی مثل راهبان ارشد، سرپرستان، یا خادمان معابد ضرورتاً از کیفیت مادرزادی فوق‌العاده‌ای برخوردار نیستند. اگرچه خادم یا راهب ارشد هستند، ولی این‌ها

فقط مقام‌های مردم عادی می‌باشند. آن‌ها نیز تمرین‌کننده هستند، با این تفاوت که به‌طور حرفه‌ای تزکیه می‌کنند. شما در خانه به‌طور یک غیرحرفه‌ای تزکیه می‌کنید. این که در تزکیه موفق شوید یا نه، همگی به تزکیه‌ی ذهن شما بستگی دارد. این در مورد هر کسی صدق می‌کند و حتی اگر یک ذره کاستی داشته باشید عملی نخواهد بود. اما یک راهب کم‌سابقه که غذا می‌پزد شاید کیفیت مادرزادی بدی نداشته باشد. هرچه یک راهب کم‌سابقه بیشتر زجر می‌کشد، برای او باز کردن گونگ آسان‌تر خواهد بود. هرچه زندگی راهبان ارشد راحت‌تر باشد باز کردن گونگ برای آن‌ها سخت‌تر خواهد بود، چراکه مسئله‌ی تبدیل کارما وجود دارد. راهبان کم‌سابقه همیشه به‌سختی و به‌صورت خسته‌کننده‌ای زحمت می‌کشند. بنابراین بدهی کارمایی را سریع‌تر پس می‌دهند و سریع‌تر به روشن‌بینی می‌رسند. شاید یک روز ناگهان گونگ او باز شود. با باز شدن گونگ یا روشن‌بینی یا نیمه روشن‌بینی، قدرت‌های خدایی او پدیدار خواهند شد. راهبان معبد همگی نزد او آمده و از او سؤال‌هایی خواهند کرد و همه به او احترام خواهند گذاشت. اما خادم نمی‌تواند آن‌را تحمل کند: "چگونه می‌توانم هنوز هم یک خادم باشم؟ چه روشن‌بینی‌ای؟ او جنون حاصل از تزکیه را تجربه می‌کند. او را از این‌جا بیرون بیندازید." راهب کم‌سابقه از معبد اخراج می‌شود. با گذشت زمان، این مسئله به جایی رسیده که هیچ کسی در بودیسم چینی جرأت نمی‌کند درباره‌ی توانایی‌های فوق‌طبیعی صحبت کند. شما می‌دانید که جی‌گونگ چه‌قدر توانا بود. او می‌توانست دسته‌های درختان را از کوه/می حرکت دهد و کُنده‌ها را از یک چاه یکی بعد از دیگری به بیرون پرتاب کند. اما درنهایت او را از معبد/ینگ‌یین بیرون انداختند.

موضوع حسادت بسیار جدی است زیرا به‌طور مستقیم بر این مسئله که آیا بتوانید عمل تزکیه‌تان را کامل کنید تأثیر می‌گذارد. اگر حسادت از بین نرود، تمام افکاری که تزکیه کرده‌اید شکسته می‌شوند. این قانون وجود دارد: اگر در مسیر تزکیه، حسادت از بین نرود، فرد نمی‌تواند به ثمره‌ی حقیقی نائل شود، مطلقاً نمی‌تواند به ثمره‌ی حقیقی نائل شود. شاید شنیده‌اید که مردم می‌گویند بودا آمی‌تابا از رفتن به بهشت با کارما صحبت کرد. اما اگر از حسادت رها نشوید، آن اتفاق نخواهد افتاد. ممکن است امکان‌پذیر باشد که یک شخص در برخی از دیگر جنبه‌های فرعی کاستی داشته باشد و برای تزکیه‌ی بیشتر با کارما به بهشت برود. اما اگر حسادت از بین نرود این مطلقاً غیرممکن است. امروز به تمرین‌کنندگان می‌گویم: چشم خود را بر مشکل‌تان نبندید. هدف شما تزکیه کردن به‌سوی سطوح بالاتر است بنابراین مجبورید از شر حسادت خلاص شوید. این دلیل آن است که چرا این مسئله را مخصوصاً در این سخنرانی مطرح کردم.

موضوع مداوا کردن بیماری‌ها

در رابطه با مداوا کردن بیماری‌ها، به شما آموزش نمی‌دهم که بیماری‌ها را مداوا کنید. هیچ‌یک از مریدان واقعی فالون دافا نباید بیماری‌های دیگران را مداوا کنند. به‌محض این که یک بیماری را مداوا کنید، تمام چیزهایی از فالون دافا که در جسم شما است توسط فاشن من پس گرفته خواهد شد. چرا این موضوع این‌قدر جدی گرفته شده است؟ به‌خاطر این که این چیزی است که به دافا آسیب می‌رساند. نه تنها به سلامتی خودتان آسیب می‌رساند، بلکه به محض این که بعضی از افراد یک بیماری را شفا می‌دهند، برای انجام دوباره‌ی آن بی‌تابی می‌کنند و هر کسی را که می‌بینند می‌گیرند تا بیماری‌اش را مداوا کنند و خودنمایی کنند. آیا این یک وابستگی نیست؟ این به‌طور جدی مانع تزکیه‌ی شخص خواهد شد.

بسیاری از استادان قلابی چی‌گونگ از تمنای معالجه‌ی بیماران، که مردم عادی بعد از یادگیری چی‌گونگ به‌دست می‌آورند استفاده برده‌اند. آن‌ها این چیزها را به شما یاد داده و ادعا می‌کنند که با بیرون فرستادن چی، شخص می‌تواند بیماری‌ها را درمان کند. آیا این یک شوخی نیست؟ شما چی دارید و دیگران نیز چی دارند. چگونه می‌توانید او را با چی خودتان معالجه کنید؟ شاید چی او بیماری شما را درمان کند! چی یک شخص نمی‌تواند چی دیگری را محدود کند. وقتی شخص گونگ را در سطح بالایی از تزکیه رشد می‌دهد، آن‌چه که تولید می‌کند ماده‌ی با انرژی بالا

است، که درحقیقت می‌تواند شفا دهنده باشد، بیماری را سرکوب کرده و آن را کنترل کند. اما نمی‌تواند آن را از ریشه بردارد. به همین جهت، برای شفای حقیقی یک بیماری و معالجه‌ی کامل آن، شخص باید دارای توانایی‌های فوق‌طبیعی باشد. برای درمان هر بیماری، توانایی فوق‌طبیعی مشخصی وجود دارد. در ارتباط با توانایی‌های فوق‌طبیعی برای معالجه‌ی بیماری‌ها، می‌گوییم که بیش از هزار نوع از آن توانایی‌های فوق‌طبیعی وجود دارد- به‌اندازه‌ی خود بیماری‌ها، توانایی‌های فوق‌طبیعی وجود دارد. اگر توانایی‌های فوق‌طبیعی نداشته باشید، مهم نیست که مداوای شما چه قدر ماهرانه باشد، معالجه بدون نتیجه خواهد بود.

در سال‌های اخیر، بعضی از افراد، جامعه‌ی تزکیه‌کنندگان را کاملاً به آشفتگی کشانده‌اند. در بین استادان واقعی چی‌گونگ که برای شفا دادن و حفظ سلامتی به نزد عموم آمدند یا آن‌هایی که در آغاز کار، راه را هموار کردند، چه کسی به مردم آموزش داد که بیماری‌ها را مداوا کنند؟ آن‌ها همیشه بیماری شما را معالجه می‌کردند یا به شما نشان می‌دادند که چگونه تزکیه کنید و چگونه سالم بمانید. آن‌ها به شما یک‌سری از تمرین‌ها را آموزش دادند و بعد از آن، خودتان از طریق تمرین می‌توانستید بیماری‌های‌تان را درمان کنید. بعداً، استادان قلابی چی‌گونگ به میان مردم آمدند و باعث هرج و مرج شدند. هر کسی بخواهد با چی‌گونگ بیماران را معالجه کند، روح یا حیوان تسخیر کننده را به خود جذب می‌کند، قطعاً به این صورت است. تحت اوضاع و شرایط آن زمان، بعضی از استادان چی‌گونگ بیماران را مداوا کردند. آن تشریک مساعی با اوضاع کیهانی در آن زمان بود. اما چی‌گونگ یک مهارت برای مردم عادی نیست و این پدیده نمی‌تواند برای ابد ادامه یابد. آن نتیجه‌ای از تغییرات اوضاع کیهانی در آن زمان و فقط محصولی از آن دوره‌ی زمانی بود. بعدها، بعضی از اشخاص خودشان را در آموزش دیگران برای شفا دادن بیماری‌ها متخصص کردند و بدین وسیله باعث نابسامانی شدند. چگونه یک فرد عادی می‌تواند در عرض یک دوره‌ی سه یا پنج روزه، مداوای یک بیماری را یاد بگیرد؟ کسی ادعا کرد، "من می‌توانم این بیماری یا آن بیماری را درمان کنم". بگذارید به شما بگوییم که این افراد همگی ارواح یا حیوانات تسخیر کننده را با خود حمل می‌کنند. آیا آن‌ها می‌دانند که چه چیزی به پشت‌شان چسبیده است؟ آن‌ها روح یا حیوان تسخیر کننده دارند، اما نه آن‌را احساس می‌کنند و نه این‌که از آن آگاهی دارند. هنوز هم ممکن است احساس خیلی خوبی داشته باشند و فکر کنند که لایق و توانا هستند.

استادان واقعی چی‌گونگ باید از میان سال‌ها تزکیه‌ی طاقت‌فرسا بگذرند تا به این هدف برسند. زمانی که یک بیمار را مداوا می‌کنید، آیا هرگز درباره‌ی این فکر کرده‌اید که آیا توانایی‌های قدرتمند فوق‌طبیعی را برای از بین بردن کارمای این شخص دارا هستید؟ آیا هرگز یک آموزش حقیقی را کسب کرده‌اید؟ چگونه می‌توانید با سه روز یا پنج روز کلاس رفتن، مداوا کردن بیماری‌ها را یاد بگیرید؟ چگونه می‌توانید با دست‌های فردی عادی یک بیماری را درمان کنید؟ به هر حال، چنین استادان قلابی چی‌گونگی از ضعف شما استفاده کرده‌اند. آن‌ها از وابستگی‌های مردم استفاده کرده‌اند. "آیا در جستجوی درمان بیماری‌ها نیستید؟ بسیار خوب!" بنابراین به‌طور مشخص کلاس‌های درمان‌گری را تشکیل می‌دهند که بعضی از تکنیک‌های شفا دادن، مثل سوزن چی، نور درمانی، تخلیه‌ی چی، جبران چی، روش به‌اصطلاح چنگ زدن به‌وسیله‌ی دست را به شما آموزش دهند؛ اسامی پر نقش و نگار بسیاری به این چیزها داده‌اند. فقط سعی می‌کنند جیب شما را خالی کنند.

بگذارید درباره‌ی روش چنگ زدن به‌وسیله‌ی دست برای شما صحبت کنم. آن‌چه که ما مشاهده کرده‌ایم وضعیت زیر را دارد. چرا مردم بیمار می‌شوند؟ علت ریشه‌ای مشکل آنان و تمام بدبختی‌های‌شان کارما و میدان کارمایی ماده‌ی سیاه است. این چیزی منفی و بد است. تمام موجودات اهریمنی نیز موجوداتی منفی و همگی آن‌ها سیاه هستند. بنابراین به‌خاطر این‌که این محیط برای‌شان مناسب است می‌آیند. این دلیل اصلی بیمار شدن شخص است، این اصلی‌ترین منبع بیماری‌ها است. البته دو نوع دیگر نیز وجود دارد. یکی از آن‌ها موجودی بسیار ذره‌بینی با چگالی بالا است. آن‌ها چیزهایی شبیه خوشه‌ای از کارما هستند. دیگری مثل این است که از میان یک لوله منتقل می‌شود، اما این نوع به‌ندرت دیده می‌شود و همگی از طرف اجداد فرد جمع می‌شوند. این موارد نیز وجود دارند.

بگذارید درباره‌ی رایج‌ترین بیماری‌ها صحبت کنیم. شخص ممکن است در جایی از بدنش غده، عفونت، برآمدگی روی استخوان و غیره داشته باشد. این به‌خاطر این است که در بُعدی دیگر موجودی در آن قسمت جای دارد. آن موجود در بُعدی بسیار عمیق جای دارد. یک استاد معمولی چی‌گونگ قادر نیست آن‌را شناسایی کند، زیرا با توانایی‌های فوق‌طبیعی معمولی نمی‌توان آن‌را دید، آن‌ها فقط می‌توانند چی‌سیاه را در بدن شخص ببینند. این درست است که بگوییم هر جا که چی‌سیاه موجود باشد، آن‌جا یک بیماری وجود دارد. اما چی‌سیاه دلیل اصلی یک بیماری نیست. زیرا موجودی در بُعدی عمیق‌تر وجود دارد که این میدان را به‌وجود می‌آورد. بنابراین بعضی افراد درباره‌ی تخلیه کردن و برداشتن چی‌سیاه صحبت می‌کنند، بروید و آن‌طور که می‌خواهید آن‌را تخلیه کنید! زمانی کوتاه بعد از آن، دوباره به‌وجود خواهد آمد، زیرا بعضی از موجودات بسیار قدرتمند هستند و می‌توانند به محض این‌که چی برداشته شود آن‌را پس بگیرند؛ خود آن‌ها می‌توانند چی را برگردانند. بدون درنظر گرفتن این‌که چگونه درمان‌ها به‌کار برده شوند، نمی‌توانند مؤثر باشند.

افرادی با توانایی‌های فوق‌طبیعی، در آن‌جا چی‌سیاه می‌بینند و آن‌را چی‌بیماری‌زا درنظر می‌گیرند. یک دکتر طب چینی پی می‌برد که در آن منطقه، کانال‌های انرژی مسدود است، به‌طوری‌که چی و خون در گردش نیستند و کانال‌های انرژی گرفته و مسدود هستند. از نظر طب غربی، آن منطقه علائمی از زخم، غده، برآمدگی روی استخوان، التهاب و غیره را نشان می‌دهد. وقتی در این بُعد ظاهر می‌شود به این شکل در می‌آید. بعد از این‌که آن موجود را برمی‌دارید پی می‌برید که بدن در این بُعد هیچ مشکلی ندارد. خواه آن دیسک مهره‌ها باشد یا برآمدگی روی استخوان، بعد از این‌که آن چیز را برمی‌دارید و میدان را پاک می‌کنید، پی خواهید برد که بدن فوراً شفا پیدا کرده است. می‌توانید با اشعه‌ی ایکس عکس دیگری بگیرید و ببینید که برآمدگی روی استخوان ناپدید شده است. دلیل اصلی این است که این موجود آن اثر را به‌وجود می‌آورد.

بعضی از افراد ادعا می‌کنند که با آموزش روش چنگ زدن به‌وسیله‌ی دست به شما، در عرض سه یا پنج روز می‌توانید بیماری‌ها را درمان کنید. روش چنگ زدن به‌وسیله‌ی دست را به من نشان دهید! موجودات انسانی ضعیف‌ترین موجودات هستند درحالی‌که آن موجود کاملاً درنده است. آن موجود ذهن شما را کنترل می‌کند و مثل عروسک خیمه‌شب‌بازی با شما بازی می‌کند و حتی می‌تواند به‌راحتی به زندگی شما خاتمه دهد. می‌گویید که می‌توانید آن‌را به چنگ بیاورید. چگونه می‌توانید آن‌را به چنگ بیاورید؟ شما نمی‌توانید با دست‌های معمولی‌تان به آن دست یابید. وقتی که دستان‌تان را به اطراف حرکت می‌دهید، به شما اعتنایی نمی‌کند و حتی پشت سرتان به شما می‌خندد، فکر می‌کند چنگ زدن بی‌هدف شما کاملاً مسخره است. اگر واقعاً بتوانید آن‌را لمس کنید، فوراً به دست شما آسیب رسانده و یک زخم واقعی می‌شود! افرادی را قبلاً دیده‌ام که با هر آزمایشی هر دو دست‌شان طبیعی به نظر می‌آمد. بدن‌شان و دست‌شان هیچ مشکلی نداشتند، اما نمی‌توانستند دست‌شان را که آویزان بود بلند کنند. من به چنین افرادی برخورد کرده‌ام. بدن آن‌ها در بُعدی دیگر آسیب دیده بود و این، فلج شدن حقیقی است. وقتی آن بدن شما آسیب ببیند، بی‌گمان فلج می‌شوید. بعضی از افراد از من پرسیده‌اند: "معلم، آیا من قادر به تمرین چی‌گونگ هستم؟ من در عملی عقیم شده‌ام"، یا می‌گویند بعضی از اعضای بدن‌شان برداشته شده است. به آن‌ها گفتم، "مسئله‌ای نیست زیرا بدن شما در بُعدی دیگر عمل جراحی نشده و در تمرین چی‌گونگ آن بدن است که کار می‌کند". این دلیل آن است که چرا گفتم وقتی سعی می‌کنید آن‌را به چنگ بیاورید، نمی‌توانید آن‌را لمس کنید و آن به شما اعتنایی نمی‌کند. اگر آن‌را لمس می‌کردید، به دست‌تان صدمه می‌زد.

برای حمایت از رویدادهای گسترده‌ی چی‌گونگ کشور، تعدادی از مریدان را برای شرکت در نمایشگاه‌های تندرستی آسیایی در پکن، با خود به همراه بردم. در هر دوی نمایشگاه‌ها ما برجسته‌ترین شرکت‌کنندگان بودیم. اولین نمایشگاه، فالون دافای ما "ستاره‌ی چی‌گونگ" اعلام شد. در نمایشگاه دوم، محل ما به‌قدری پر از ازدحام بود که نمی‌توانستیم از عهده‌ی آن برآییم. در غرفه‌های دیگر نمایشگاه، افراد زیادی وجود نداشتند، اما غرفه‌ی ما پر از جمعیت

بود. سه ردیف انتظار وجود داشت: ردیف اول برای آن‌هایی بود که صبح زود برای مداوای صبحگاهی ثبت‌نام کرده بودند، ردیف دوم، برای مداوای بعدازظهر منتظر ثبت‌نام بودند و ردیف سوم در انتظار گرفتن امضاء از من بودند. ما بیماری‌ها را شفا نمی‌دهیم. برای چه این کار را کردیم؟ برای این بود که از رویدادهای گسترده‌ی چی‌گونگ کشور حمایت کرده و با این مورد همکاری کنیم. این دلیل آن است که چرا شرکت کردیم.

گونگ خود را بین مریدانی که با من در آن‌جا بودند توزیع کردم. هر کدام از آن‌ها سهمی را دریافت کردند که خوشه‌های انرژی متشکل از بیش از یک‌صد توانایی فوق‌طبیعی بودند. من دست‌های آنان را با گونگ مهر و موم کردم، اما با این حال هم، دست بعضی از آن‌ها تا حد خونریزی و تاول زدن گزیده شد. این حتی بارها اتفاق افتاد. آن موجودات کاملاً درنده بودند. آیا فکر می‌کنید بتوانید آن‌ها را با دست شخصی معمولی لمس کنید؟ به‌علاوه، شما نمی‌توانید به آن‌ها دست یابید. بدون آن نوع از توانایی‌های فوق‌طبیعی عملی نخواهد بود. زیرا به محض این که به آن فکر کنید، این موجود در بُعدی دیگر از هرچه که بخواهید انجام دهید آگاه خواهد بود. وقتی سعی می‌کنید آن‌ها را به چنگ بیندازید، بلافاصله فرار می‌کند. به محض این که بیمار پایش را از درب بیرون می‌گذارد، فوراً به آن‌جا بازگشته و بیماری دوباره ظاهر می‌شود. برای این که بر آن چیره شوید به یک توانایی فوق‌طبیعی نیاز دارید که دست‌تان را دراز کنید و "بم!" آن‌را آن‌جا میخ‌کوب کنید. پس از آن که میخ‌کوب شد، توانایی فوق‌طبیعی دیگری داریم که "روش بزرگ گرفتن روح" نامیده می‌شد و آن توانایی فوق‌طبیعی حتی نیرومندتر است. آن می‌تواند کل روح اصلی شخص را بیرون بکشد و بلافاصله شخص قادر نخواهد بود حرکت کند. آن توانایی فوق‌طبیعی چیزهای بخصوصی را هدف قرار می‌دهد؛ وقتی آن‌را استفاده کردیم، به‌طور مشخص آن چیزها را هدف قرار دادیم. شما می‌دانید چگونه آن بودا تاتاگاتا با کاسه‌ی در دستش، پادشاه میمون را هدف قرار داد، و می‌دانید او چه‌قدر بزرگ بود، ولی بلافاصله او را کوچک کرد. این توانایی فوق‌طبیعی می‌تواند این کار را انجام دهد. مهم نیست که این موجود چه‌قدر بزرگ یا کوچک باشد، بلافاصله به‌وسیله‌ی دست گرفته و بسیار کوچک می‌شود.

به‌علاوه، این مجاز نیست که دست شخص در بدن گواشی بیمار فرو رود و چیزی را خارج کند. آن می‌تواند در ذهن مردم در جامعه‌ی عادی اختلال به‌وجود آورد و مطلقاً ممنوع است. حتی اگر امکان‌پذیر می‌بود، نمی‌توانست به این شکل انجام شود. دستی که فرد فرو می‌برد، دستی در بُعدی دیگر است. در نظر بگیرید که شخصی بیماری قلبی دارد. وقتی این دست به‌طرف قلب حرکت می‌کند که آن موجود را بگیرد، آن دست که در بُعدی دیگر قرار دارد به طرف داخل بدن حرکت می‌کند و فوراً آن موجود را می‌قاپد. سپس دست خارجی شما آن‌را می‌گیرد و هر دوی دست‌ها بسته می‌شوند و سپس آن موجود در دست شماست. آن موجود بسیار درنده است، گاهی اوقات در دست‌های شما حرکت کرده و سعی می‌کند آن‌ها را سوراخ کند، گاهی اوقات نیش می‌زند و گاهی اوقات حتی صدای گوش‌خراش ایجاد می‌کند. با آن که در دست‌های شما کوچک به‌نظر می‌رسد، اما اگر از دست‌تان رها کنید بسیار بزرگ می‌شود. این چیزی نیست که هر کسی بتواند آن‌را لمس کند. بدون آن توانایی فوق‌طبیعی، شخص نمی‌تواند در کل آن‌را لمس کند. این به هیچ وجه به این سادگی که مردم تصور می‌کنند نیست.

البته، این نوع از معالجه‌ی چی‌گونگ ممکن است در آینده مجاز باشد که وجود داشته باشد، همان‌طور که در گذشته همیشه وجود داشت. اما باید یک شرط وجود داشته باشد: این فرد باید یک تمرین‌کننده باشد. در طول تزکیه، این شخص اجازه دارد که از روی نیک‌خواهی این کار را برای تعدادی از مردم خوب انجام دهد. اما او به‌طور کامل نمی‌تواند کارهای آن‌ها را از بین ببرد چراکه به اندازه‌ی کافی تقوای عظیم ندارد. به همین جهت، رنج‌ها هنوز هم وجود خواهند داشت، اما بیماری‌های بخصوص شفا خواهند یافت. یک استاد معمولی چی‌گونگ کسی نیست که در تزکیه به دائو نائل شده باشد. او فقط می‌تواند بیماری‌ها را به بعد موکول کند یا شاید آن‌ها را تبدیل کند. ممکن است آن‌ها را به بدبختی‌های دیگری تبدیل کند، اما حتی خود او نیز ممکن است این روند به تعویق انداختن را نداند. اگر روش او خودآگاه کمکی را تزکیه کند، این کار توسط خودآگاه کمکی او انجام می‌شود. تمرین‌کنندگان بعضی از روش‌ها ممکن

است نسبتاً مشهور باشند، اما بسیاری از استادان مشهور چی گونگ، گونگ ندارند زیرا گونگ آن‌ها در بدن خودآگاه کمکی‌شان رشد می‌کند. یعنی، بعضی از اشخاص اجازه دارند در طول تزکیه، چنین کارهایی را انجام دهند زیرا آن‌ها در آن سطح می‌مانند. آن‌ها بیش از ده سال یا ده‌ها سال تزکیه می‌کنند و هنوز هم نمی‌توانند فراتر از آن سطح بروند. بنابراین در سراسر زندگی‌شان همیشه بیماران را مداوا می‌کنند. از آن‌جا که در آن سطح می‌مانند، اجازه دارند این کار را انجام دهند. اما مریدانی که در فالون دافا تزکیه می‌کنند مطلقاً نمی‌توانند بیماران را مداوا کنند. شما می‌توانید این کتاب را برای یک بیمار بخوانید و اگر بیمار بتواند محتوای کتاب را قبول کند، آن می‌تواند او را شفا دهد. اما چه‌قدر مؤثر باشد، به مقدار کارمایی که او دارد بستگی دارد.

درمان بیمارستان و درمان چی گونگ

بگذارید درباره‌ی رابطه‌ی بین درمان بیمارستان و درمان چی گونگ صحبت کنیم. برخی از پزشکان طب غربی به چی گونگ باور ندارند و می‌توان گفت که این امر برای اکثر آن‌ها صحت دارد. نظر آن‌ها این است که، "اگر چی گونگ می‌تواند بیماری‌ها را شفا دهد، پس چه نیازی به بیمارستان‌ها است؟ چی گونگ شما می‌تواند با دست خالی و بدون تزریقات، دارو، یا بستری شدن در بیمارستان مردم را شفا دهد، پس چرا نمی‌آیید جای بیمارستان‌های ما را بگیرید؟" این نظرات معقول نیست. آن افراد منطقی نیستند. برخی از افراد به چی گونگ آگاهی ندارند. درواقع، معالجه‌ی چی گونگ نمی‌تواند مشابه درمان‌های مردم عادی باشد؛ چی گونگ مهارت مردم عادی نیست، چیزی فوق‌طبیعی است. پس چگونه چنین چیزی که این‌گونه فوق‌طبیعی است مجاز است که در مقیاس وسیعی با جامعه‌ی عادی بشری تداخل ایجاد کند؟ یک بودا بسیار توانمند است و می‌تواند با یک موج دستش تمام بیماری‌های انسان‌ها را از بین ببرد. چرا هیچ‌یک از بوداها این کار را انجام نمی‌دهند، مخصوصاً وقتی که تعداد بسیار زیادی از آن‌ها وجود دارد؟ چرا آن‌ها با درمان بیماری شما، بخشندگی‌شان را نشان نمی‌دهند؟ به این دلیل که جامعه‌ی عادی انسانی قرار است بدین صورت باشد. تولد، پیری، بیماری و مرگ چنین شرایطی هستند. همه‌ی آن‌ها دلایل کارمایی دارند و عقوبت کارمایی هستند. اگر بدهی دارید مجبورید آن‌را بپردازید.

اگر بیماری شخصی را درمان کنید، درست مثل این است که آن اصل را نقض می‌کنید، یعنی این که شخص می‌تواند کارهای نادرستی انجام دهد بدون این که تاوان آن‌ها را بپردازد. چگونه این می‌تواند درست باشد؟ افرادی که درحال تزکیه هستند وقتی به اندازه‌ی کافی قدرتمند نیستند تا مشکل را به‌طور کامل حل کنند، اجازه دارند از روی نیک‌خواهی یک بیمار را معالجه کنند. شما اجازه دارید آن کار را انجام دهید زیرا نیک‌خواهی شما پدیدار شده است. اما اگر به‌طور واقعی می‌توانستید این نوع مشکل را حل کنید و آن‌را در مقیاس وسیعی حل می‌کردید، آن مجاز نمی‌بود. در آن صورت، به‌طور جدی به وضعیت جامعه‌ی مردم عادی آسیب می‌رسانید و این مجاز نیست. این دلیل آن است که چرا جایگزین کردن بیمارستان‌های مردم عادی با چی گونگ، در کل عملی نخواهد بود، چراکه چی گونگ یک فای فوق‌طبیعی است.

اگر به بیمارستان‌های چی گونگ در چین اجازه‌ی باز شدن داده شود و بسیاری از استادان بزرگ چی گونگ برای معالجه کردن بیرون بیایند، فکر می‌کنید این جریان به چه صورتی در خواهد آمد؟ آن مجاز نخواهد بود، زیرا همه‌ی آن‌ها می‌خواهند وضعیت جامعه‌ی مردم عادی را نگه دارند. اگر بیمارستان‌های چی گونگ، کلینیک‌های چی گونگ، مراکز سلامتی چی گونگ و استراحت‌گاه‌های درمانی چی گونگ تأسیس شوند، اثربخشی شفا دادن استادان چی گونگ به‌طور قابل ملاحظه‌ای افت خواهد کرد و نتیجه‌ی درمان‌ها به‌طور کلی خوب نخواهد بود. چرا؟ از آن‌جا که آن‌ها این کار را در بین مردم عادی انجام می‌دهند، فای آن‌ها باید در همان سطح مردم عادی باشد. آن‌ها مجبورند در همان سطح وضعیت مردم عادی باقی بمانند. نتیجه‌ی درمان آن‌ها باید در همان سطح بیمارستان باشد. در نتیجه

درمان‌های آن‌ها به‌خوبی عمل نمی‌کند و آن‌ها نیز به چندین به‌اصطلاح "جلسه‌ی درمان" برای شفای یک بیماری نیاز دارند، معمولاً بدین صورت است.

با بیمارستان‌های چی‌گونگ یا بدون آن‌ها، هیچ کسی نمی‌تواند انکار کند که چی‌گونگ می‌تواند بیماری‌ها را شفا دهد. چی‌گونگ مدت زمانی در بین مردم رایج و مشهور بوده است. بسیاری از اشخاص از طریق تمرین کردن، واقعاً به هدف شفا دادن بیماری‌ها و حفظ سلامتی رسیده‌اند. خواه بیماری توسط یک استاد چی‌گونگ به تعویق افتاده باشد یا به هر شکلی معالجه شده باشد، هرچه باشد درحال حاضر بیماری ناپدید شده است. به بیانی دیگر، هیچ کسی نمی‌تواند انکار کند که چی‌گونگ می‌تواند بیماری‌ها را معالجه کند. اغلب اشخاصی که استادان چی‌گونگ را دیده‌اند کسانی هستند که بیماری‌های دشوار و پیچیده‌ای داشته‌اند که نمی‌توان آن‌ها را در بیمارستان درمان کرد. آن‌ها به نزد استادان چی‌گونگ می‌روند تا شانس‌شان را امتحان کنند و بیماری‌ها نهایتاً درمان می‌شوند. آن‌هایی که بیماری‌های‌شان در بیمارستان شفا یافته است به نزد استادان چی‌گونگ نخواهند رفت. مخصوصاً در آغاز، مردم به این صورت فکر می‌کردند. به همین جهت، چی‌گونگ می‌تواند بیماری‌ها را شفا دهد، فقط این که آن نمی‌تواند مثل کارهای دیگری که در جامعه‌ی بشر عادی انجام می‌شود به اجرا گذاشته شود. درحالی که یک تداخل گسترده مطلقاً مجاز نیست، انجام آن در مقیاسی کوچک یا به شکلی آرام و غیرپرنفوذ جایز است. اما بی‌تردید آن نمی‌تواند به‌طور کامل بیماری را شفا دهد. بهترین راه شفای بیماری این است که خود فرد چی‌گونگ را تمرین کند.

همچنین بعضی از استادان چی‌گونگ وجود دارند که ادعا می‌کنند بیمارستان‌ها نمی‌توانند بیماری‌ها را درمان کنند و اثربخشی درمان در بیمارستان این‌طور یا آن‌طور است. ما درباره‌ی آن چه می‌گوییم؟ البته دلایل زیادی وجود دارد. به نظر من دلیل اصلی، وضعیت فعلی افول ارزش‌های اخلاقی انسان است که منجر به انواع گوناگون بیماری‌های عجیب شده که بیمارستان‌ها نمی‌توانند آن‌ها را شفا دهند. مصرف دارو نیز مؤثر نیست. داروهای قلبی زیادی نیز وجود دارد. تمام این‌ها به‌خاطر فساد جامعه‌ی بشری است که درحال حاضر به این حد رسیده است. هیچ کسی نباید دیگران را برای آن مورد سرزنش قرار دهد، زیرا هر کسی به آتش، سوخت اضافه کرده است. در نتیجه، هر کسی در تزکیه با سختی‌هایی مواجه خواهد شد.

حتی با این که مردم واقعاً بیمار هستند، بعضی از بیماری‌ها نمی‌توانند در بیمارستان شناسایی شوند. مشکل برخی از افراد نیز تشخیص داده می‌شود اما اسمی برای آن‌ها وجود ندارد، زیرا قبلاً هرگز دیده نشده‌اند. بیمارستان‌ها همه‌ی آن‌ها را "بیماری‌های امروزی" می‌نامند. آیا بیمارستان‌ها می‌توانند بیماری‌ها را شفا دهند؟ البته که می‌توانند. اگر بیمارستان‌ها نمی‌توانستند بیماری‌ها را شفا دهند، چرا مردم به آن‌ها باور داشته و برای معالجه به آن‌جا می‌روند؟ بیمارستان‌ها می‌توانند بیماری‌ها را معالجه کنند، فقط این‌طور است که روش معالجه‌ی آن‌ها در سطح مردم عادی است درحالی که بیماری‌ها فوق‌طبیعی هستند و بعضی از بیماری‌ها نسبتاً جدی می‌باشند. بنابراین بیمارستان‌ها می‌گویند که بیماری‌ها باید در مراحل اولیه درمان شوند، چراکه وقتی یک بیماری خیلی حاد شود بیمارستان‌ها نمی‌توانند آن‌را درمان کنند و مقدار بیش از حد دارو نیز فرد را مسموم می‌کند. سطح درمان‌های پزشکی امروزه در همان سطح علوم و تکنولوژی ما قرار دارد، همگی در سطح مردم عادی هستند، بنابراین تأثیر درمان‌گری آن‌ها به این صورت است. یک نکته است که باید روشن کنیم: کاری که درمان‌های معمول چی‌گونگ و درمان‌های بیمارستان‌ها انجام می‌دهند این است که سختی‌ها یا همان علت ریشه‌ای را به تعویق انداخته و جابه‌جا می‌کنند. آن‌ها را به سال‌های باقی‌مانده‌ی زندگی‌تان یا به آینده موکول می‌کنند و کارما ابداً دست نمی‌خورد.

بگذارید درباره‌ی طب چینی صحبت کنیم. طب چینی به مداوای چی‌گونگ بسیار نزدیک است. در چین باستان اکثر پزشکان طب چینی توانایی‌های فوق‌طبیعی داشتند. به‌طور مثال طبیبان بزرگی مثل سان سی می یائو، هوآ توآ، بی آن چه، توانایی‌های فوق‌طبیعی داشتند و همگی در متون پزشکی مستند شده‌اند. اما این روزها چنین چیزهای خارق‌العاده‌ای اغلب مورد انتقاد قرار می‌گیرند. آن چه که طب چینی به ارث برده فقط نسخه‌ها یا تجربیاتی است که از

سعی و خطا به دست آمده است. طب چینی باستان بسیار پیشرفته بود. آن جلوتر از علم پزشکی امروزه بود. بعضی از مردم ممکن است فکر کنند، "علم پزشکی کنونی بسیار پیشرفته است، سی تی اسکن ها می توانند داخل بدن را مورد بررسی قرار دهند و امواج ماورای صوت، عکس برداری و اشعه ایکس وجود دارد". مطمئناً این طور است، تجهیزات امروزی پیشرفته هستند، اما می گویم که هنوز به خوبی علم طب چینی باستان نیستند.

هوآ توآ در مغز امپراتور سائو سائو غده ای را دید و خواست که آن را عمل کند. سائو سائو تصور کرد که هوآ توآ قصد کشتن او را دارد، در نتیجه او را زندانی کرد. هوآ توآ در زندان درگذشت. زمانی که بیماری سائو سائو عود کرد، هوآ توآ را به یاد آورد و دنبال او فرستاد، اما هوآ توآ درگذشته بود. بعدها سائو سائو با آن بیماری درگذشت. چرا هوآ توآ به آن بیماری آگاهی داشت؟ او بیماری را دید. این یک توانایی فوق طبیعی است که ما انسان ها داریم و چیزی است که طبیبان بزرگ زمان گذشته، همگی آن را داشتند. بعد از این که چشم سوم شخص باز شود او می تواند از یک طرف به طور هم زمان چهار طرف بدن انسان را ببیند - از سمت جلو می تواند سمت پشت، سمت چپ و سمت راست را ببیند. همچنین می تواند آن را برش دهد تا لایه به لایه را نگاه کند و از میان این بُعد می تواند ببیند تا به علت ریشه ای بیماری نگاه کند. آیا ابزار پزشکی نوین می توانند آن کار را بکنند؟ بسیار فاصله دارند. شاید یک هزار سال دیگر! سی تی اسکن ها، امواج ماورای صوت و اشعه ایکس نیز می توانند داخل بدن انسان را ببینند، اما تجهیزات، بسیار پر حجم و جاگیر هستند و چنان دستگاه های بزرگی قابل حمل و نقل نیستند و بدون برق کار نمی کنند. در حالی که، این چشم سوم می تواند هر جا که شخص برود به همراه او باشد و احتیاجی به منبع تغذیه ندارد. چگونه این ها می توانند مقایسه شوند؟

بعضی از مردم درباره ی حیرت انگیز بودن علم پزشکی نوین صحبت می کنند. آن طور که من می بینم این گونه نیست. گیاهان دارویی چینی باستان واقعاً می توانستند به طور مؤثری بیماری ها را از بین ببرند. بسیاری از آن چیزها از بین رفته اند، اما بسیاری از آن ها باقی مانده و هنوز هم بین مردم مورد استفاده قرار می گیرند. زمانی که کلاسی در شهر چی چی هار داشتم، شخصی را دیدم که غرفه ی داد و ستدی در خیابان داشت و دندان مردم را می کشید. به راحتی می شد فهمید که این شخص از جنوب چین می آمد زیرا لباسش شبیه مردم شمال شرق نبود. او هر کسی را که به نزدش می آمد رد نمی کرد. دندان هر کسی را که پیش او می آمد می کشید و در آن جا توده ای از دندان جمع کرده بود. مقصود او کشیدن دندان نبود، بلکه فروش محلول شیمیایی خودش بود. محلول، بخار شدید زرد رنگی بیرون می فرستاد. در حالی که دندان را می کشید، درب بطری را باز می کرد و آن را روی گونه ی شخص، جایی که دندان خراب بود می گذاشت و از او می خواست که بخار محلول را چند بار استنشاق کند. مقدار بسیار کمی از محلول مصرف می شد. درب آن را می بست و کنار می گذاشت. سپس چوب کبریتی را از جیبش بیرون می آورد. در حالی که درباره ی محلول خودش صحبت می کرد، با چوب کبریت دندان خراب را می کشید و آن را بیرون می آورد. کشیدن دندان دردی به همراه نداشت. فقط چند قطره خون جاری می شد، اما خونریزی نمی کرد. همگی درباره ی این بیندیشید: به یک چوب کبریت اگر کمی فشار آورده شود می شکند، اما او از آن استفاده می کرد تا با ضربه ی کوچکی دندان را بکشد.

گفته ام که در چین هنوز چیزهایی وجود دارند که از زمان گذشته در بین مردم چین انتقال یافته اند و ابزارهای دقیق طب غربی نمی توانند با آن ها رقابت کنند. بگذارید ببینیم درمان کدام یک از آن ها بهتر است. چوب کبریت او می تواند یک دندان را بکشد. اگر پزشکی طب غربی بخواهد دندان را بکشد، اول از همه این جا و آن جا داروی بی حسی تزریق می کند. تزریقات کاملاً دردناک هستند و شخص باید صبر کند تا داروی بی حسی تأثیر خود را بگذارد. سپس پزشک با انبردست دندان را بیرون می کشد. بعد از صرف زمانی طولانی و سعی و کوشش، اگر مواظب نباشد، ممکن است دندان شکسته شود و ریشه در داخل بماند. سپس پزشک از چکش و مته ای برای کندن آن استفاده می کند، که می تواند به بیمار طیش قلب بدهد و باعث لرزش و ترس او شود. بعداً وسیله ای دقیق برای حفر کردن به کار می رود. بعضی از افراد به قدری از حفر کردن دردشان می آید که اغلب از سرجای شان می پرند. دندان خون زیادی

تراوش کرده و شخص مدتی خون به بیرون تف می‌کند. می‌گویید معالجه‌ی کدامیک از آن‌ها بهتر است؟ کدامیک پیشرفته‌تر هستند؟ ما نباید به ظاهر ابزار و وسایل توجه کنیم بلکه باید به ثمربخشی آن‌ها توجه داشته باشیم. طب چینی باستان کاملاً پیشرفته بود و طب غربی معاصر قادر نخواهد بود طی سالیان زیادی که می‌آید با آن برابری کند.

علم چین باستان با علم حاضر ما که از غرب یاد گرفته‌ایم تفاوت دارد، به‌طوری‌که آن راهی دیگر را انتخاب کرد، که توانست موقعیت متفاوت دیگری را به بار آورد. به همین جهت، ما نمی‌توانیم از طریق روشی که امروزه چیزها را می‌فهمیم برای فهم علم و تکنولوژی چین باستان استفاده کنیم. زیرا آن مستقیماً روی بدن انسانی، زندگی و جهان تمرکز می‌کرد و این موضوعات را به‌طور مستقیم مورد مطالعه قرار می‌داد، آن راهی دیگر را انتخاب کرد. در آن زمان وقتی شاگردان به مدرسه می‌رفتند، از آن‌ها خواسته می‌شد که در مدیتیشن نشسته و حالت نشستن خوبی داشته باشند. وقتی قلم‌شان را برمی‌داشتند، می‌بایستی تنفس‌شان را کنترل و چی را تنظیم می‌کردند. تمام حرفه‌ها اعتقاد به خالی کردن ذهن و تنظیم کردن تنفس داشتند، وضعیت تمام جامعه این‌گونه بود.

عده‌ای از مردم می‌گویند، "اگر علم چین باستان را دنبال می‌کردیم آیا می‌توانستیم ماشین‌ها و قطارهایی را که امروز داریم داشته باشیم؟ آیا نوین‌سازی امروزی را می‌داشتیم؟" می‌گوییم نباید سعی کنید روش دیگر زندگی را از نظرگاه این محیط بفهمید. در تفکر و مفاهیم شما باید انقلابی به‌وجود آید. بدون دستگاه تلویزیون، مردم می‌توانستند آن‌ها را روی پیشانی‌شان داشته باشند و می‌توانستند هرچه را که بخواهند مشاهده کنند. همچنین می‌توانستند توانایی‌های فوق‌طبیعی داشته باشند. بدون قطارها یا ماشین‌ها، مردم می‌توانستند آن‌جا بنشینند و پرواز کنند و حتی به آسانسورها نیازی نداشتند. شرایطی به‌همراه می‌آورد که در آن، جامعه به‌طور متفاوتی توسعه پیدا می‌کرد و ضرورتاً به آن چارچوب محدود نمی‌شد. بشقاب‌پرنده‌های مردم فضایی با سرعت غیرقابل تصویری به عقب و جلو پرواز می‌کنند و می‌توانند بزرگ یا کوچک شوند. مسیری که آن‌ها برگزیده‌اند حتی متفاوت‌تر است و آن، روش علمی دیگری است.

سخنرانی هشتم

روزه‌ی بی‌گو

برخی از مردم مسئله‌ی روزه‌ی بی‌گو را مطرح کرده‌اند. بی‌گو وجود دارد و نه تنها در جامعه‌ی تزکیه‌کنندگان، بلکه در بین تعداد زیادی از مردم در کل جامعه‌ی بشری ما نیز وجود دارد. بعضی از مردم برای چندین سال یا بیش از یک دهه از خوردن و نوشیدن امساک می‌کنند، با این حال به‌خوبی زندگی می‌کنند. عده‌ای از مردم می‌گویند که بی‌گو شاخص یک سطح بخصوص است درحالی که دیگران آن را به‌عنوان علامتی برای پالایش بدن درنظر می‌گیرند و افرادی نیز می‌گویند که آن قسمتی از جریان تزکیه در سطوح بالا است.

درحقیقت، بی‌گو هیچ‌یک از موارد بالا نیست. پس آن چیست؟ درحقیقت، بی‌گو به یک روش تزکیه‌ی بخصوص در محیطی بخصوص اشاره می‌کند. تحت چه شرایطی بی‌گو به کار برده می‌شود؟ در چین باستان، مخصوصاً قبل از تأسیس مذاهب، بسیاری از تمرین‌کنندگان، روش تزکیه‌ی مخفی تک‌نفره را به کار می‌بردند. برای تزکیه به کوهستان‌های دورافتاده یا غارهایی که دور از اسکان بشری بود می‌رفتند. وقتی که انتخاب می‌کردند آن را به این شکل انجام دهند، مسئله‌ی تهیه‌ی غذا به میان می‌آمد. اگر فرد روش بی‌گو را به کار نمی‌برد در کل نمی‌توانست تزکیه کند و از گرسنگی و تشنگی در آن‌جا می‌مرد. وقتی برای آموزش فا از شهر چونگ‌چین به شهر ووهان رفتیم، سوار بر قایقی در امتداد رودخانه‌ی یانگ‌تسه به طرف شرق سفر کردم و غارهایی را در دو طرف سه‌گردنه در قسمت میانی کوه‌ها دیدم؛ بسیاری از کوهستان‌های مشهور نیز دارای چنین غارهایی هستند. در گذشته، تزکیه‌کنندگان بعد از این‌که با کمک طناب به داخل غار صعود می‌کردند، برای این‌که در غار تزکیه کنند طناب را می‌بریدند. اگر در تزکیه موفق نمی‌شدند، در داخل غار می‌مردند. آب یا غذایی نبود و تحت این شرایط بسیار خاص بود که این روش استثنایی تزکیه را به کار می‌بردند.

بسیاری از روش‌ها به این شکل منتقل شده‌اند و درنتیجه روش آن‌ها شامل بی‌گو می‌شود. بسیاری از روش‌ها بی‌گو را ندارند. امروزه، اکثریت روش‌هایی که رایج شده‌اند، بی‌گو را ندارند. ما گفته‌ایم که فرد باید در یک روش مصمم باشد و این‌که شما نباید آن‌چه را که تمنای بشری‌تان است انجام دهید. ممکن است فکر کنید بی‌گو خوب است و به‌دنبال آن باشید. برای چه آن‌را می‌خواهید؟ بعضی از افراد فکر می‌کنند که این خوب است و کنجکاو می‌شوند، و شاید فکر می‌کنند که مهارت‌های‌شان به حد کافی خوب است که به دیگران نمایش دهند. افرادی با ذهنیت‌های مختلف وجود دارند. حتی اگر این روش در عمل تزکیه به کار برده شود، شخص باید انرژی خود را برای حفظ کردن این بدن فیزیکی مصرف کند. به همین جهت، این ارزش سعی و کوشش کردن را ندارد. شما می‌دانید که بعد از پایه‌گذاری مذاهب، این مسئله کمتر به‌صورت یک مشکل بوده، چراکه وقتی مدیتیشن می‌کنید یا در یک معبد به‌صورت انفرادی تزکیه می‌کنید، افرادی وجود دارند که برای شما غذا و نوشیدنی تأمین می‌کنند، بنابراین آن نگرانی وجود ندارد. به‌ویژه که ما در بین جامعه‌ی مردم عادی تزکیه می‌کنیم. شما اصلاً احتیاجی ندارید این روش را به کار ببرید. به‌علاوه، اگر بی‌گو شامل مدرسه‌ی تزکیه شما نمی‌شود، نباید کاری را به‌میل خود انجام دهید. به هر حال، اگر

واقعاً می‌خواهید بی‌گو را تمرین کنید، بروید و آن‌را به‌کار ببرید. تا آن‌جا که من می‌دانم، معمولاً وقتی یک استاد، روشی را در سطحی بالا آموزش می‌دهد و به‌طور واقعی یک مرید را هدایت می‌کند و اگر مدرسه‌ی تزکیه‌ی شخص دارای روش بی‌گو باشد، ممکن است این پدیده روی دهد. اما شخص نمی‌تواند آن‌را در بین مردم رایج کند و معمولاً مرید را راهنمایی می‌کند تا در خفا یا به تنهایی تزکیه کند.

همچنین در حال حاضر استادان چی‌گونگی وجود دارند که بی‌گو را آموزش می‌دهند. آیا آن به انجام رسیده است؟ در نهایت، واقعاً خیر. چه کسی در آن موفق شده است؟ بسیاری از افراد را دیده‌ام که در بیمارستان‌ها بستری شده‌اند و زندگی تعدادی از افراد در خطر است. پس چرا این وضعیت وجود دارد؟ آیا پدیده‌ی بی‌گو وجود ندارد؟ بله، وجود دارد. اما یک نکته هست: مردم اجازه ندارند همین‌طوری بروند و روش جامعه را نادیده بگیرند، اجازه ندارید آن کار را انجام دهید. صرف‌نظر از این‌که اگر تعداد زیادی از مردم در سراسر کشور از خوردن و آشامیدن دست می‌کشیدند چه اتفاقی می‌افتاد، فرض کنید این‌جا در چانگ‌چون کسی چیزی نمی‌خورد یا نمی‌نوشید، می‌گوییم که ما را از بسیاری از مشکلات نجات می‌داد! نیازی نمی‌بود نگران پخت و پز باشیم. کشاورزان از کار زیاد در مزارع عرق می‌ریزند و اگر هیچ کسی چیزی نمی‌خورد، واقعاً آن‌ها را از دردسرهای زیادی نجات می‌داد و مردم فقط کار می‌کردند و نیازی به خوردن نداشتند. چگونه این می‌تواند مجاز باشد؟ آیا این یک جامعه‌ی انسانی خواهد بود؟ قطعاً عملی نخواهد بود. چنان چیزی مجاز نیست روش کارها را در جامعه‌ی عادی بشری در چنین مقیاس وسیعی به هم بزنند.

وقتی بعضی از استادان چی‌گونگ بی‌گو را آموزش می‌دهند، زندگی بسیاری از مردم در خطر خواهد بود. بعضی از افراد به این‌که در جستجوی بی‌گو باشند چسبیده‌اند، اما آن‌ها وابستگی‌های‌شان را از دست نداده‌اند، هنوز وابستگی‌های مردم عادی بسیاری موجود است، بنابراین وقتی غذاهای خوش‌مزه را می‌بینند که نمی‌توانند بخورند دهان‌شان آب می‌افتد، وابستگی‌های‌شان بالا می‌آید و نمی‌توانند آن‌را کنترل کنند. سپس مضطرب می‌شوند، می‌خواهند چیزی بخورند و وقتی آن میل شدید به فروش بیاید، مجبورند بخورند یا این‌که احساس گرسنگی خواهند کرد. اما اگر بخورند بالا می‌آورند و از آن‌جا که نمی‌توانند بخورند، بسیار عصبی و بسیار وحشت‌زده می‌شوند. بسیاری از افراد در بیمارستان‌ها بستری می‌شوند و واقعاً زندگی بسیاری از مردم در معرض خطر قرار می‌گیرد. افرادی هستند که نزد من می‌آیند و از من تقاضا می‌کنند که این نابسامانی را درست کنم و من مایل به انجام این کار نیستم. بعضی از استادان چی‌گونگ کارها را بدون مسئولیت انجام می‌دهند - چه کسی می‌خواهد به‌هم ریختگی‌شان را بعد از آن‌ها سر و سامان دهد؟

علاوه بر این، اگر در انجام بی‌گو دچار مشکل شوید، آیا این نتیجه‌ی آن‌چه که طلب می‌کردید نیست؟ ما گفته‌ایم که این پدیده وجود دارد اما نوعی از وضعیتی که در سطوح بالا ظاهر می‌شود و نوعی از علامت بخصوص نیست. این فقط یک روش تزکیه است که در شرایط خاص استفاده می‌شود و نمی‌تواند به‌طور وسیعی اجرا شود. تعداد زیادی از مردم در جستجوی بی‌گو هستند و آن‌را به بی‌گو و نیمه بی‌گو تقسیم کرده‌اند، حتی آن‌را رتبه‌بندی کرده‌اند. بعضی افراد می‌گویند آب می‌نوشند، عده‌ای می‌گویند میوه می‌خورند. همه‌ی این‌ها بی‌گوی تقلبی هستند. تضمین می‌کنم بعد از مدتی شکست خواهند خورد. کسی که به‌طور واقعی با آن تزکیه می‌کند می‌رود و در یک غار می‌ماند و هیچ چیز نمی‌خورد یا نمی‌نوشد. آن بی‌گوی واقعی است.

دزدیدن چی

وقتی از دزدیدن چی صحبت می‌شود، بعضی از مردم صورت‌شان مثل گچ سفید می‌شود، مثل این‌که ببری را به آن‌ها نشان داده‌اند و بیش از اندازه می‌ترسند که چی‌گونگ را تمرین کنند. در جامعه‌ی تزکیه‌کنندگان بسیاری از افراد به علت حرف‌های بی‌مورد درباره‌ی پدیده‌های جنون حاصل از تزکیه، دزدیدن چی و مانند آن، بیش از حد می‌ترسند چی‌گونگ را تمرین کنند یا به آن نزدیک شوند. اگر به‌خاطر این نگرش‌ها نبود، شاید مردم بیشتری

چی گونگ را تمرین می کردند. با این حال، استادان چی گونگی با شین شینگ پایین وجود دارند که این چیزها را به طور خاص آموزش می دهند. آن، جامعه‌ی تزکیه کنندگان را کاملاً به آشفته‌گی می کشاند. درواقع، این به آن وحشتناکی که آن‌ها توصیف کرده‌اند نیست. گفته‌ایم که چی فقط چی است، هر چند ممکن است آن را "چی نخستین مخلوط شده"، این چی یا آن چی بنامید. تا آن‌جا که در بدن یک فرد هنوز چی وجود دارد، سطح او در حد شفا دادن و حفظ سلامتی است و هنوز یک تزکیه کننده نیست. تا آن‌جا که او چی دارد، به این معنی است که بدن او هنوز در سطح بالایی پالایش نشده است و بنابراین هنوز چی بیماری‌زا دارد، مطمئناً این طور است. شخصی که چی را می‌دزد نیز در سطح چی است. در بین تمرین کنندگان ما، چه کسی آن چی ناخالص را می‌خواهد؟ چی در بدن فردی غیرتمرین کننده کثیف است. ممکن است از طریق تمرین چی گونگ تمیز شود. در نقاطی که او بیماری دارد خوشه‌ی بسیار بزرگی از ماده‌ی سیاه با چگالی بالا ظاهر خواهد شد. با ادامه‌ی تمرین، اگر شخصی واقعاً از بیماری شفا یافته و سالم شده باشد، چی او به تدریج زرد رنگ می‌شود. اگر بیشتر به تمرین ادامه دهد، بیماری به طور واقعی درمان و چی او نیز ناپدید می‌شود. او وارد مرحله‌ی بدن سفید شیری می‌شود.

می‌توان گفت، اگر فردی دارای چی است، او هنوز هم بیماری‌هایی دارد. ما تزکیه کننده هستیم، برای چه یک تزکیه کننده چی بخواند؟ بدن ما احتیاج دارد پالایش شود. چرا باید به چی ناخالص نیاز داشته باشیم؟ مطلقاً نداریم. شخصی که چی می‌خواهد هنوز هم در سطح چی است. او با بودن در سطح چی، نمی‌تواند چی خوب و چی بد را از هم تشخیص دهد، زیرا آن توانایی را ندارد. چی حقیقی در قسمت دَن‌تی‌ان بدن شما نمی‌تواند به وسیله‌ی او برداشته شود، چراکه آن چی نخستین، فقط به وسیله‌ی شخصی با توانایی‌هایی در سطحی بالا می‌تواند برداشته شود. در مورد چی ناخالص در بدن تان، بگذارید آن را از شما بدزدند، مسئله‌ی مهمی نیست. در حین تمرین، اگر بخواهم خود را با چی پر کنم، فقط با یک فکر درباره‌ی آن، در زمان کوتاهی شکم من از آن پر خواهد شد.

مدرسه‌ی دائو تمرین ایستاده‌ی تی/نزی را آموزش می‌دهد درحالی که مدرسه‌ی بودا نگره داشتن چی با دست‌ها و جاری کردن آن به طرف بالای سر را آموزش می‌دهد، چی بسیاری در جهان وجود دارد و شما می‌توانید در تمام مدت روز آن را جاری کنید. شما نقطه‌ی طب سوزنی لائوگونگ را باز می‌کنید، نقطه‌ی طب سوزنی بای‌هوئی در تاج سرتان را باز می‌کنید و سپس می‌توانید آن را به داخل جاری کنید، ذهن تان را روی دَن‌تی‌ان متمرکز می‌کنید و از طریق دست‌های تان خود را با چی پر می‌کنید. در یک لحظه از چی پر می‌شوید. مهم نیست با چه مقدار از چی پر شده‌اید، به چه دردی می‌خورد؟ وقتی بعضی افراد چی را زیاد تمرین کرده‌اند، احساس می‌کنند انگشتان شان متورم شده و بدن شان باد کرده است. وقتی دیگران نزدیک چنین فردی هستند، میدانی پیرامون او احساس می‌کنند، "وای، تو واقعاً خوب تمرین کرده‌ای". می‌گوییم که آن چیزی نیست. گونگ کجاست؟ آن‌ها فقط تمرین چی انجام داده‌اند. مهم نیست چه قدر در آن‌جا وجود داشته باشد، نمی‌تواند جایگزین گونگ شود. هدف از تمرین چی این است که چی خوب در خارج، جایگزین چی داخل بدن فرد شود و جسم را پالایش کند. برای چه شخص چی را جمع کند؟ در این سطح، بدون هیچ تغییر بنیادینی، چی هنوز هم گونگ نیست. مهم نیست چه قدر چی دزدیده‌اید، هنوز هم چیزی به جز کیسه‌ی بزرگی از چی نیستید. آن به چه درد می‌خورد؟ هنوز به ماده‌ی با انرژی بالا تبدیل نشده است. پس، از چه چیزی باید بترسید؟ بگذارید اگر واقعاً می‌خواهد، چی را بدزد.

همگی درباره‌ی این بیندیشید: اگر بدن شما چی داشته باشد، بیماری‌هایی هم دارد. پس وقتی شخصی چی شما را می‌دزد، آیا او چی بیماری‌زای شما را نیز نمی‌دزد؟ او کلاً نمی‌تواند بین این چیزها فرقی بگذارد، زیرا فردی که چی می‌خواهد در سطح چی قرار داشته و هیچ توانایی برای این کار ندارد. شخصی که گونگ دارد چی نمی‌خواهد، مطمئناً این طور است. اگر باور نمی‌کنید، بیایید آزمایش کنیم. اگر شخصی واقعاً بخواهد چی شما را بدزد، می‌توانید آن‌جا بایستید و بگذارید که چی را بدزد. درحالی که او پشت سرتان چی شما را می‌دزد، می‌توانید این‌جا فکر خود را روی پرکردن بدن تان با چی جهان متمرکز کنید. خواهید دید که چه معامله‌ی خوبی است، زیرا او به شما در سرعت

بخشیدن به پالایش بدن تان کمک می‌کند و مجبور نیستید بدن تان را با چی پر و از آن خالی کنید. به‌خاطر این‌که او قصد بدی داشته و چیزی را از دیگران می‌دزد، با این‌که آن چیز دزدیده شده خوب نیست اما هنوز هم کاری را انجام می‌دهد که برایش به قیمت از دست دادن تقوا تمام می‌شود. بنابراین به شما تقوا خواهد داد. این کار مداری را شکل می‌دهد که با آن، چی شما را این‌جا می‌گیرد، درحالی‌که آن‌جا به شما تقوا می‌دهد. شخصی که چی را می‌دزد این نکته را نمی‌داند، اگر این را می‌دانست، جرأت نمی‌کرد این کار را انجام دهد!

تمام افرادی که چی می‌دزدند صورت‌های رنگ‌پریده‌ی زردرنگی دارند. همگی به این صورت هستند. بسیاری از مردم که برای تمرین چی‌گونگ به پارک می‌روند آرزوی از بین بردن بیماری‌ها را در سر دارند و انواع و اقسام بیماری‌ها را دارند. وقتی کسی یک بیماری را شفا می‌دهد، باید سعی کند چی بیماری‌زا را تخلیه کند. اما شخصی که چی می‌دزد چی را تخلیه نمی‌کند و انواع و اقسام چی بیماری‌زا را در سراسر بدنش انبار می‌کند. حتی داخل بدن او بسیار تیره می‌شود. او همیشه تقوا از دست می‌دهد و خارج بدنش نیز سیاه است. وقتی میدان کارمای او بزرگ می‌شود و مقدار زیادی تقوا از دست می‌دهد داخل و خارج بدنش سیاه می‌شود. حالا اگر افرادی که چی می‌دزدند از این تغییری که برای‌شان اتفاق می‌افتاد آگاهی می‌داشتند یا می‌دانستند که به مردم تقوا می‌دادند و کاری این‌چنین احمقانه را انجام می‌دادند، مدت‌ها پیش آن‌را ترک می‌کردند.

برخی افراد واقعاً چی را هیجان‌انگیز می‌کنند، "اگر در آمریکا باشید، می‌توانید چی را که بیرون می‌فرستم دریافت کنید." در آن طرف دیوار منتظر بمانید، چی را که بیرون می‌فرستم خواهید گرفت." بعضی از افراد بسیار حساس هستند و وقتی بیرون فرستاده می‌شود می‌توانند آن‌را احساس کنند. اما چی در این بُعد سفر نمی‌کند. چی در بُعدهای دیگر که چنین دیواری وجود ندارد حرکت می‌کند. چرا وقتی یک استاد چی‌گونگ در محیطی باز چی را بیرون می‌فرستد نمی‌توانید چیزی را احساس کنید؟ زیرا در بُعدی دیگر چیزی وجود دارد که سد راه آن می‌شود. بنابراین چی به آن اندازه که مردم توصیف کرده‌اند قدرت نفوذ ندارد.

آن‌چه به‌طور واقعی عمل می‌کند گونگ است. وقتی یک تزکیه‌کننده بتواند گونگ ساطع کند، او دیگر چی ندارد و می‌تواند ماده‌ی با انرژی بالا بیرون بفرستد. وقتی با چشم سوم به آن نگاه کنید به شکلی از نور دیده می‌شود. وقتی به شخص دیگری می‌رسد، باعث می‌شود که شخص احساس گرما کند و می‌تواند مستقیماً یک فرد عادی را کنترل کند. اما نمی‌تواند کاملاً یک شخص را شفا دهد، فقط تأثیر سرکوب کردن مشکل را دارد. برای این‌که به‌طور حقیقی بیماری‌ها را شفا داد، باید توانایی‌های فوق‌طبیعی وجود داشته باشند. برای هر بیماری یک توانایی فوق‌طبیعی بخصوص وجود دارد. در سطحی بسیار میکروسکوپی، هر ذره‌ی میکروسکوپی از گونگ، همان تصویر خود شما را دارد. می‌تواند مردم را به‌جا بیاورد و دارای هوش است، چراکه ماده‌ی با انرژی بالا است. اگر کسی آن‌را بدزد، چگونه می‌تواند آن‌جا باقی بماند؟ در آن‌جا باقی نخواهد ماند و نمی‌تواند در آن‌جا مستقر شود، زیرا متعلق به آن شخص نیست. هر کسی که به‌طور واقعی تزکیه می‌کند یک استاد دارد، وقتی گونگ را رشد می‌دهد استاد مراقب اوست. استاد هر آن‌چه را که انجام می‌دهد نظاره می‌کند. بنابراین اگر کسی سعی کند چیزهای او را بردارد، استادش اجازه نمی‌دهد که آن اتفاق بیفتد.

جمع کردن چی

در آموزش روش تزکیه در سطوح بالاتر، دزدیدن چی و جمع کردن چی موضوعاتی نیستند که ما بخواهیم برای عموم حل کنیم. در مورد آن‌ها صحبت می‌کنم زیرا می‌خواهم شهرت روش‌های تزکیه را به حال اول برگردانم، کمی کار خوب انجام دهم و چنین پدیده‌های بدی را فاش کنم. هیچ کسی در گذشته آن‌ها را توضیح ن داده است. می‌خواهم همگی شما این موضوع را بدانید زیرا فکر می‌کنم به بعضی از افراد کمک می‌کند که کارهای نادرستی را

که تمام مدت انجام می‌دادند متوقف کنند و به بعضی از افرادی که حقیقت چی‌گونگی را نمی‌دانند کمک می‌کند توسط آن چیزها به شدت نترسند.

مقدار بسیار زیادی چی در جهان وجود دارد. بعضی از مردم درباره‌ی چی آسمانی یانگ و چی زمینی یین صحبت می‌کنند. از آن‌جا که شما نیز قسمتی از این جهان هستید، می‌توانید بروید و چی جمع کنید. اما بعضی افراد چی جهان را جمع نمی‌کنند. آن‌ها در آموزش دادن به مردم برای جمع‌آوری چی گیاهان تخصص پیدا کرده‌اند. حتی به اصطلاح یافته‌های‌شان را خلاصه کرده‌اند: چگونه و چه زمانی این چی را جمع کرد، چی درخت سپیدار سفیدرنگ است، چی درخت کاج زرد است. کسی نیز گفت، "درختی در روبروی منزل ما وجود داشت. به‌خاطر این‌که چی آن‌را جمع کردم مرد". این چه نوع توانایی است؟ آیا این کاری نادرست نیست؟ همه می‌دانند وقتی ما به‌طور حقیقی تزکیه می‌کنیم، پیام‌های مثبت و جذب شدن در سرشت جهان را می‌خواهیم. آیا نباید نیک‌خواهی را پرورش دهیم؟ شخص برای جذب شدن در سرشت جهان، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری؛ باید نیک‌خواهی را پرورش دهد. اگر همیشه کارهای نادرستی انجام دهید، چگونه می‌توانید گونگی را افزایش دهید؟ چگونه بیماری‌های‌تان می‌توانند شفا یابند؟ آیا این مخالف آن چیزی نیست که تمرین‌کنندگان ما باید انجام دهند؟ آن نیز کشتن موجودات و انجام کاری نادرست است! ممکن است شخصی بگوید، "هرچه بیشتر می‌گویید، بیشتر غیرقابل تصور است" - شما گفتید که کشتن حیوانات، کشتن است و حالا می‌گویید از بین بردن گیاهان نیز کشتن است". اما این حقیقت دارد. در بودیسم درباره‌ی بازپیدایی صحبت می‌کنند و درباره‌ی این‌که چگونه وقتی باز پیدا می‌شوید می‌توانید به‌صورت یک گیاه درآیید. این چیزی است که در بودیسم گفته شده است. ما درباره‌ی این موضوع به آن‌صورت صحبت نمی‌کنیم، اما به همگی می‌گوییم که درختان نیز زنده هستند. نه تنها زنده هستند، بلکه فعالیت فکری بسیار بالایی نیز دارند.

به‌طور مثال، در آمریکا شخصی هست که در تحقیقات الکترونیکی تخصص دارد و به دیگران آموزش می‌دهد که چگونه از وسایل دروغ‌سنج استفاده کنند. یک روز، ناگهان فکری به نظرش رسید. او دو انتهای دستگاه دروغ‌سنج را در ظرف گیاه اژدها فرو کرد و به ریشه‌های آن آب داد. بلافاصله متوجه شد که قلم دستگاه دروغ‌سنج الکترونیکی به‌سرعت نوعی منحنی رسم کرد. این منحنی شبیه همان منحنی بود که توسط مغز انسان در زمان تولید شادی و هیجانی کوتاه، ایجاد می‌شود. در آن لحظه شوکه شد. چگونه یک گیاه می‌تواند دارای احساسات باشد؟ نزدیک بود به خیابان رفته و فریاد بکشد، "گیاهان دارای احساسات هستند!" بعد از آگاهی از طریق این رویداد، به تحقیقاتش در این زمینه ادامه و آزمایش‌های زیادی انجام داد.

یک‌بار دو گیاه را نزدیک یکدیگر قرار داد و از شاگردش خواست روی یکی از آن‌ها در برابر گیاه دیگری لگد بکوبد تا آن از بین برود. سپس گیاه دیگر را به اتاقی دیگر برد و آن‌را به دستگاه دروغ‌سنج وصل کرد. از پنج نفر از شاگردانش خواست که یکی بعد از دیگری از خارج وارد اتاق شوند. وقتی که چهار شاگرد وارد اتاق شدند گیاه هیچ واکنشی نشان نداد. زمانی که پنجمین شاگرد، کسی که گیاه را از بین برده بود، وارد اتاق شد، حتی قبل از این‌که به‌طرف گیاه برود، قلم الکترونیکی به‌سرعت نوعی منحنی رسم کرد که فقط زمانی ظاهر می‌شود که شخصی واقعاً ترسیده باشد. او واقعاً شگفت‌زده شد! این رویداد نکته‌ی بسیار مهمی را به ما می‌گوید: ما همیشه معتقد بوده‌ایم که انسان‌ها مخلوقات بالاتر هستند، که توانایی‌های حسی دارند، که می‌توانند چیزها را تشخیص دهند و مغزی دارند که می‌تواند موضوعات را تجزیه و تحلیل کند. چگونه گیاهان می‌توانند چیزها را تشخیص دهند؟ آیا به این معنی نیست که آن‌ها نیز دارای اعضای حسی هستند؟ در گذشته، اگر کسی می‌گفت گیاهان اعضای حسی، توانایی فکر کردن و احساسات دارند و می‌توانند مردم را به‌جا بیاورند، مردم می‌گفتند او خرافاتی است. علاوه بر این مسائل، به نظر می‌رسد گیاهان در بعضی از ملاحظات از مردم امروزی ما پیشی گرفته‌اند.

یک روز او دستگاه دروغ‌سنج را به گیاهی وصل کرد و با خود فکر کرد، "چه آزمایشی باید انجام دهم؟ برگ‌های گیاه را با آتش می‌سوزانم تا ببینیم چه واکنشی نشان می‌دهد." با این فکر، حتی قبل از این‌که آن کار را

انجام دهد، قلم الکترونیکی به سرعت نوعی منحنی رسم کرد، که آن نوع را وقتی شخصی برای خواستن کمک گریه می‌کند و زندگی‌اش در خطر است می‌بینید. این توانایی فوق‌حسی که در گذشته خواندن فکر نامیده می‌شد یک توانایی مادرزادی بشری است، آن یک غریزه است. اما امروزه نژاد بشر در حال خراب شدن است. برای به‌دست آوردن دوباره‌ی این توانایی‌ها، باید تزکیه را از اول شروع کنید و به خود واقعی‌تان یا سرشت اولیه‌تان بازگردید. اما گیاه این توانایی‌ها را دارا است و می‌داند که چه چیزی در ذهن شما می‌گذرد. کاملاً غیرقابل تصور به نظر می‌آید، اما این یک تجربه‌ی علمی واقعی بود. او آزمایش‌های مختلفی شامل توانایی کنترل کردن از راه دور انجام داده است. وقتی نوشته‌هایش منتشر شد تکان شدیدی در سراسر دنیا به‌وجود آورد.

گیاه‌شناسان در کشورهای مختلف و آن‌هایی که در کشور ما هستند نیز همگی تحقیقات‌شان را در این زمینه شروع کرده‌اند و این دیگر چیزی خرافی نیست. چند روز پیش گفتم که آن‌چه امروزه نوع بشر ما تجربه، اختراع و کشف کرده برای تغییر دادن کتاب‌های درسی ما کافی است. به هر حال به‌خاطر تأثیر ذهنیت‌های مرسوم، مردم تمایلی ندارند آن‌ها را به رسمیت بشناسند و کسی نیز این چیزها را به‌طور روش‌مندی سازمان‌دهی نمی‌کند.

در پارکی در شمال شرقی، متوجه شدم که گروهی از درختان کاج از بین رفته بودند. کسی نمی‌داند بعضی از مردم چه نوع چی‌گونگی در آن‌جا تمرین می‌کردند: آن‌ها روی زمین غلت می‌خوردند و بعد از آن با پای‌شان به یک شکل و با دست‌شان به شکلی دیگر، چی درختان را جمع می‌کردند. بعد از آن به‌زودی تمام درختان کاج در آن منطقه به رنگ زرد درآمده و مردند. آن‌چه که آن‌ها انجام دادند کار خوب یا بدی بود؟ از نقطه‌نظر تمرین‌کنندگان ما، این کار، کشتن موجودات بود. شما یک تمرین‌کننده هستید. بنابراین برای جذب شدن تدریجی در سرشت جهان و خلاص شدن از دست چیزهای بد خود، باید شخص خوبی باشید. حتی از نقطه‌نظر یک فرد عادی هم، آن کار خوبی نبود. این کار آسیب رساندن به اموال عمومی بوده و فضای سبز را ضایع کرده و تعادل سیستم محیط زیست را به هم می‌ریزد. از هر نقطه نظر کار خوبی نیست. مقدار زیادی چی در جهان وجود دارد و شما می‌توانید هر چه‌قدر که بخواهید آن‌را جمع کنید. بعضی از مردم انرژی بسیاری دارند. با تمرین کردن در سطحی بخصوص، واقعاً می‌توانند با یک حرکت بازوهای‌شان چی گیاهان منطقه‌ی وسیعی را جمع کنند. آن هنوز هم چیزی جز چی نیست. مهم نیست شخص چه مقدار چی جمع کند، به چه دردی می‌خورد؟ وقتی بعضی افراد به پارک می‌روند، هیچ کار دیگری انجام نمی‌دهند، می‌گویند، "من نیازی به انجام تمرین‌های چی‌گونگ ندارم. همین اندازه کفایت می‌کند که وقتی در اطراف قدم می‌زنم چی جمع کنم و پس از آن، تمرین من انجام شده است." او مقداری چی به‌دست می‌آورد و تمرینش انجام می‌شود. به اشتباه فکر می‌کند که چی، گونگ است. وقتی دیگران نزدیک این شخص می‌رسند احساس می‌کنند که بدن او کاملاً سرد است. آیا چی گیاهان، طبیعت بین را ندارند؟ یک تمرین‌کننده باید بین و یانگ را متعادل کند. اگرچه بدن این شخص بوی روغن کاج می‌دهد، اما هنوز فکر می‌کند که در تمرینش به‌خوبی عمل می‌کند.

هر کسی که تزکیه کند گونگ را به‌دست می‌آورد

این موضوع که چه کسی تزکیه می‌کند و چه کسی گونگ را به‌دست می‌آورد موضوعی بسیار مهم است. وقتی از من درباره‌ی مزایای فالون دافا پرسیده می‌شود، می‌گویم که فالون دافا می‌تواند به هدف "گونگ، تمرین‌کنندگان را تزکیه می‌کند" برسد که مقدار زمانی را که باید تمرین کنید کاهش می‌دهد. فالون دافا مشکل نداشتن وقت برای تزکیه را برای شخص حل می‌کند، چراکه اجازه می‌دهد شخص به‌طور پیوسته توسط گونگ تزکیه شود. در عین حال روش ما یک روش تزکیه‌ی واقعی ذهن و بدن است. بدن فیزیکی ما دست‌خوش تغییرات بزرگی خواهد شد. فالون دافا مزیت بزرگ دیگری دارد، بزرگ‌ترین مزیت، که تا امروز آن‌را نگفتم. فقط امروز از آن پرده بر می‌دارم، زیرا آن عمیقاً ریشه در تاریخ داشته و اثری کاملاً بزرگ بر جامعه‌ی تزکیه‌کنندگان دارد. در طول تاریخ هیچ‌کسی هرگز جرأت نکرده آن‌را فاش کند. آن‌ها اجازه نداشتند این کار را بکنند. اما اگر به شما نمی‌گفتم عملی نمی‌بود.

برخی از مریدان گفته‌اند: "هر جمله‌ای که استاد بزرگ لی هنگ‌جی گفته است یک سر آسمانی و افشا کردن اسرار آسمانی است." اما ما به‌طور واقعی مردم را به سوی سطوح بالاتر رهنمون می‌کنیم، ما مردم را نجات می‌دهیم. ما باید مسئول شما باشیم و قادر هستیم که آن مسئولیت را به‌عهده بگیریم. بنابراین، این افشا کردن اسرار آسمانی نیست. اگر کسی درباره‌ی آن‌ها بدون مسئولیت سخن بگوید، آن یک افشاگری از اسرار آسمانی خواهد بود. ما می‌خواهیم این موضوع را امروز عمومی کنیم که چه کسی تزکیه می‌کند و چه کسی گونگ را به‌دست می‌آورد. از نظر من، تمام روش‌های تزکیه‌ی امروزه، شامل تزکیه‌های سراسر تاریخ در مدرسه‌ی بودا، مدرسه‌ی دائو و مدرسه‌ی غیرمعمولی، روح کمکی شخص را تزکیه کرده‌اند و این روح کمکی بوده که گونگ را به‌دست می‌آورده است. "روح اصلی" که این‌جا درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم به ذهن خود شخص اشاره می‌کند. شما باید درباره‌ی آن‌چه که فکر می‌کنید یا انجام می‌دهید آگاه باشید و این خود واقعی شما است. اما شما اصلاً نمی‌دانید که روح کمکی‌تان چه کار می‌کند. اگرچه او به‌طور هم‌زمان با شما متولد شده و همان اسم و همان شکل شما را دارد و او هم همین بدن را کنترل می‌کند، اما صریح بگوییم، او شما نیست.

اصلی در جهان وجود دارد: هر کسی که از دست می‌دهد به‌دست می‌آورد. هر کسی تزکیه کند گونگ به‌دست می‌آورد. در سراسر تاریخ، تمام روش‌ها به مردم آموخته‌اند که در طول تمرین‌ها در خلسه باشند و این که شخص نباید به چیزی فکر کند. پس شخص باید عمیقاً در خلسه باشد تا این که درنهایت، آگاهی به همه چیز را از دست بدهد. بعضی از مردم سه ساعت در مدیتیشن می‌نشینند مثل این که فقط لحظه‌ای کوتاه گذشته است. دیگران ممکن است توانایی در خلسه بودن این شخص را تحسین کنند. آیا او واقعاً تمرین می‌کرد؟ خود او به‌کلی از آن چیزی نمی‌داند. به‌ویژه، مدرسه‌ی دائو آموزش می‌دهد که "روح آگاه می‌میرد، روح واقعی متولد می‌شود." آن‌چه که آنان روح آگاه می‌نامند ما روح اصلی می‌نامیم و آن‌چه که آنان روح واقعی می‌نامند ما روح کمکی می‌نامیم. اگر روح آگاه شما واقعاً بمیرد، درحقیقت مرده‌اید و واقعاً روح اصلی نخواهید داشت. کسی از روش تزکیه‌ی دیگری به من گفت: "معلم، وقتی که تمرین می‌کنم قادر نیستم کسی را در خانه به‌جا بیاورم." شخص دیگری به من گفت: "من مثل اشخاص دیگری که صبح‌های زود و شب‌ها دیروقت تمرین می‌کنند تمرین نمی‌کنم. بعد از این که به خانه می‌روم، روی کاناپه دراز می‌کشم و از خودم خارج می‌شوم تا تمرین کنم. درحالی که روی کاناپه دراز کشیده‌ام او را نظاره می‌کنم که تمرین می‌کند." من این‌را بسیار غمناک یافتم، اما چنان غمناک هم نبود!

چرا آن‌ها روح کمکی را نجات می‌دهند؟ روزی فن‌ناپذیر مشهور، لو دونگ‌بین، گفت: "من ترجیح می‌دهم یک حیوان را نجات دهم به‌جای این که یک انسان را نجات دهم." برای مردم بسیار مشکل است که آگاه شوند. زیرا مردم عادی در توهم جامعه‌ی عادی بشری گم شده‌اند و هنگام روبرو شدن با منافع عملی نمی‌توانند وابستگی‌های‌شان را رها کنند. اگر باور نمی‌کنید، فقط نگاه کنید چگونه برخی از افراد وقتی بعد از خاتمه‌ی سخنرانی از این سالن خارج می‌شوند دوباره افرادی عادی می‌شوند و اگر کسی آن‌ها را ناراحت کند یا پا روی پای‌شان بگذارد تاب نخواهند آورد. بعد از گذشت مدتی خود را به‌عنوان تمرین‌کننده در نظر نمی‌گیرند. بسیاری از تزکیه‌کنندگان در تاریخ این نکته را متوجه شده‌اند: نجات انسان‌ها بسیار مشکل است، به‌خاطر این که روح اصلی آن‌ها بیش از حد از دست رفته است. بعضی افراد کیفیت روشن‌بینی خوبی دارند و با یک اشاره بلافاصله این‌را می‌فهمند. بعضی افراد هرچه که بگویید به شما باور نمی‌آورند. فکر می‌کنند حرف‌های بی‌معنی می‌زنید. ما این همه با او درباره‌ی تزکیه‌ی شین‌شینگ صحبت می‌کنیم، اما هنوز هم وقتی در بین مردم عادی است مثل معمول رفتار می‌کند. او معتقد است که مزیت‌های واقعی و ملموس در دسترس او عملی هستند، و در طلب آن‌ها است. فایبی که معلم به آن‌ها آموزش داد به نظر قابل قبول می‌آید، اما نمی‌تواند پیروی شود. نجات روح اصلی انسان بیش از حد مشکل است، درحالی که روح کمکی می‌تواند صحنه‌هایی را در بُعدهای دیگر مشاهده کند. به همین جهت آن‌ها فکر می‌کنند، "چرا باید روح اصلی تو را نجات دهم؟ روح کمکی تو نیز خود تو است. اگر او را نجات دهم آیا یکسان نخواهد بود؟ او نیز تو است، پس فرقی نمی‌کند

چه کسی آن را به دست می آورد، آیا مثل این نیست که تو آن را به دست می آوری؟ در هر دو صورت، کسی که آن را به دست می آورد تو هستی."

بگذارید دقیقاً روش های تزکیه ی آن ها را شرح دهم. اگر توانایی فوق طبیعی دیدن از راه دور را داشته باشید، احتمالاً چیزی شبیه این را مشاهده خواهید کرد: وقتی در مدیتیشن بنشینید، به محض این که به خلسه بروید، ناگهان کسی هم شکل شما از بدن تان خارج می شود. اگر سعی کنید آن ها را از هم تشخیص دهید، خود واقعی شما کجا است؟ شما درست این جا نشسته اید. سپس می بینید که بعد از این که او بدن شما را ترک می کند، استادش او را برای تزکیه به بُعدی که توسط استاد تبدیل شده است می برد. این بُعد می تواند شکلی از یک اجتماع قدیمی، اجتماع امروزه یا اجتماعی در بُعدی دیگر باشد. به شخص تمرین ها یاد داده می شود و روزی یک یا دو ساعت سختی های زیادی را تحمل می کند. وقتی از تمرین باز می گردد، شما نیز از خلسه بیرون خواهید آمد. این حالتی است برای افرادی که می توانند ببینند.

اگر شخص نتواند ببیند، این حتی غمناک تر است. چنین شخصی بعد از دو ساعت نشستن در خلسه بیدار می شود در حالی که از چیزی آگاه نیست و در گيجی به سر می برد. به عنوان راهی از تمرین، بعضی از افراد برای دو یا سه ساعت به خواب می روند و کاملاً خود را به دیگران واگذار می کنند. این ها حالت هایی است که تمرین به صورت گاه به گاه انجام می شود و هر روز ساعتی را به مدیتیشن اختصاص می دهند. مدل دیگری از تمرین وجود دارد که در یک مرتبه تمام می شود. شاید همگی درباره ی بودی دارما شنیده باشید، که نه سال جلوی یک دیوار نشست. در گذشته راهبان زیادی بودند که ده ها سال در مدیتیشن نشستند. در تاریخ، بالاترین رکورد نشستن در مدیتیشن بالای نود سال است. بعضی ها حتی بیشتر از این نشستند. حتی با خاک ضخیم رسوب شده در مژه های شان و علف های رشد کرده روی بدن شان، به نشستن در آن جا ادامه می دادند. برخی در مدرسه ی دائو نیز این را آموزش می دهند. مخصوصاً، بعضی روش ها در مدرسه ی غیر معمولی خواب رفتن را به عنوان شکلی از تزکیه آموزش می دهند. شخص بدون این که از خلسه بیرون بیاید ده ها سال می خوابد و بیدار نمی شود. اما چه کسی تمرین کرده است؟ روح کمکی شخص برای تمرین بیرون رفته است. اگر شخص بتواند ببیند، خواهد دید که استاد، روح کمکی او را برای تمرین با خودش می برد. روح کمکی نیز می تواند کارمای زیادی بده کار باشد و استاد، توانایی از بین بردن همه ی کارما را ندارد. بنابراین استاد به او می گوید: "تو باید این جا سخت تمرین کنی. من مدتی این جا نخواهم بود، بعد از مدتی کوتاه برمی گردم، منتظر من باش."

استاد دقیقاً می داند چه اتفاقی خواهد افتاد، اما او هنوز هم باید به این شکل عمل کند. سپس شیطان ها برای ترساندن این شخص می آیند یا این که برای اغوای او به شکل زیبا چهره هایی تبدیل می شوند، هر چیزی می تواند اتفاق بیفتد. شیطان ها متوجه می شوند که او در حقیقت یک ذره هم تحت تأثیر قرار نگرفته است. این بدین خاطر است که برای روح کمکی نسبتاً آسان تر است که تزکیه کند، زیرا او می تواند از حقیقت چیزها آگاه باشد. بنابراین ناامید شده و می خواهند نفرت شان را سر او خالی کنند و انتقام بگیرند. و واقعاً او را می کشند. بدین طریق، بدهی کارمایی او به یک باره پرداخت می شود. بعد از مرگ، روح کمکی مثل نسیمی از توده ای غبار در اطراف پدیدار شده و در خانواده ای بسیار فقیر باز پیدا می شود. کودک از اوایل زندگی سختی می کشد. وقتی به بلوغ می رسد و می تواند چیزهایی را بفهمد، استادش برمی گردد. البته او را به جا نمی آورد. استادش از توانایی های فوق طبیعی خود استفاده می کند تا حافظه ی قفل شده ی او را باز کند و بلافاصله او به خاطر می آورد، "آیا این استاد من نیست؟" استاد به او می گوید: "حالا وقت آن است که تمرین را شروع کرد." بنابراین بدین شکل، بعد از سالیان زیادی، استاد آموزش ها را به او منتقل می کند.

بعد از این که استاد انتقال چیزها به او را انجام داد به او خواهد گفت، "تو هنوز هم وابستگی های زیادی داری که باید از بین برونند. باید به بیرون بروی و در اطراف پرسه بزنی." پرسه زدن در اطراف کاملاً سخت است، از محلی به محل دیگر می رود، برای غذا گدایی می کند و با انواع مختلف مردمی که به او می خندند و توهین می کنند یا از او

استفاده می‌کنند برخورد می‌کند. او با هر چیزی مواجه شود. او خود را به‌عنوان یک تمرین‌کننده در نظر گرفته و روابط خود را با دیگران به‌خوبی متعادل می‌کند، همیشه شین‌شینگ را حفظ کرده و آن را ارتقاء می‌دهد. با وسوسه‌های مادی مختلف در بین مردم عادی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. بعد از سال‌ها پرسه زدن باز می‌گردد. استادش به او می‌گوید، "تو هم‌اکنون به دائو نائل شده‌ای و تزکیه را کامل کرده‌ای. اگر کاری نداری انجام دهی، می‌توانی بروی و برای رفتن آماده شوی. اگر هنوز هم کاری باقی مانده که انجام دهی، می‌توانی بروی و امور و مسائل مردم عادی را به پایان رسانی." بعد از سال‌های زیادی، روح کمکی باز می‌گردد. به محض این که او برمی‌گردد، روح اصلی نیز از خلسه بیرون آمده و خودآگاه اصلی بیدار می‌شود.

اما حقیقت این است که این شخص تزکیه نکرده است. روح کمکی اوست که تزکیه کرده، در نتیجه روح کمکی گونگ را به‌دست می‌آورد. اما روح اصلی نیز زجرهایی کشیده است. با این همه، شخص تمام جوانی خود را وقف نشستن در آن‌جا کرده و عمر او به‌عنوان یک انسان معمولی به پایان رسیده است. پس چه اتفاقی خواهد افتاد؟ این شخص بعد از بیرون آمدن از خلسه، احساس می‌کند که از طریق تمرینش گونگ را رشد داده و توانایی‌های فوق‌طبیعی به دست آورده است. اگر بخواهد بیماری را معالجه کند یا کاری انجام دهد، روح کمکی او را ارضاء می‌کند و او قادر خواهد بود آن کارها را انجام دهد. زیرا هرچه باشد این شخص روح اصلی است و روح اصلی بدن را کنترل کرده و تصمیم می‌گیرد. علاوه بر این، سال‌های بسیاری را این‌جا در حال نشستن گذرانده، به‌طوری‌که این دوره‌ی زندگی سپری شده است. وقتی این شخص می‌میرد، روح کمکی راه خود را می‌رود. هر کدام از آن‌ها راه جداگانه‌ی خود را خواهند رفت. بر طبق بودیسم، این فرد هنوز هم از میان بازپیدایی خواهد گذشت. از آن‌جا که یک موجود روشن‌بین بزرگ در جسم او به‌طور موفقیت‌آمیزی تزکیه کرده، این شخص نیز تقوای بسیاری ذخیره کرده است. پس چه اتفاقی خواهد افتاد؟ او ممکن است صاحب‌منصبی عالی‌رتبه شود یا این‌که دارایی زیادی در زندگی بعدی‌اش به‌دست آورد. فقط می‌تواند بدین صورت باشد. آیا تزکیه‌ی او به بیهودگی ختم نشده است؟

ما مجبور شدیم از میان زحمت و پیچ و تاب فراوانی بگذریم تا اجازه‌ی بیان کردن این موضوع را به‌دست آوریم. من رازی ابدی را فاش کرده‌ام، راز اسرارها، که مطلقاً نمی‌توانست گفته شود. ماجرای درون تمام روش‌های مختلف تزکیه در سراسر تاریخ را برملا کرده‌ام. آیا نگفتم که این به‌طور عمیق به موضوعات تاریخی ارتباط دارد؟ دلیل آن این است. درباره‌ی این بیندیشید: کدام روش به این شکل تزکیه نکرده است؟ شما تزکیه می‌کنید و تزکیه می‌کنید، اما هیچ‌گونه به‌دستی نمی‌آورید، آیا تأسف‌انگیز نیست؟ پس چه کسی را جز خودتان می‌توان شماتت کرد؟ مردم به‌قدری در توهم گم‌شده‌اند که بدون توجه به این‌که چگونه آگاه‌شان می‌کنید نمی‌توانند به آن آگاه شوند. اگر کمی بالاتر صحبت کنید، فکر می‌کنند آن باورنکردنی است. اگر کمی پایین‌تر صحبت کنید، نمی‌توانند به آن‌چه در سطحی بالا است آگاه شوند. حتی وقتی به این روشنی توضیح داده‌ام، بعضی از افراد هنوز هم از من درخواست می‌کنند بروم و بیماری‌شان را شفا دهم. واقعاً نمی‌دانم چه بگویم. ما تزکیه را آموزش می‌دهیم و فقط می‌توانیم از کسانی که به‌سوی سطوح بالاتر تزکیه می‌کنند مراقبت کنیم.

در مدرسه‌ی روش ما، این خودآگاه اصلی شماس است که گونگ را به‌دست می‌آورد. پس آیا اگر چنین بگوئید خودآگاه اصلی گونگ را به‌دست خواهد آورد؟ چه کسی اجازه می‌دهد؟ به این صورت نیست. پیش‌شرطهایی باید وجود داشته باشد. هر کسی می‌داند که در مدرسه‌ی ما، وقتی تزکیه می‌کنیم از جامعه‌ی مردم عادی دوری نکرده و از تضادها نیز دوری یا فرار نمی‌کنیم. در این محیط پیچیده‌ی مردم عادی، ذهن‌تان پاک و روشن است و درحالی‌که کاملاً آگاه هستید که موضوع از چه قرار است، چیزهایی درخصوص علایق از دست‌تان می‌رود. وقتی علاقه‌ی شخصی‌تان به‌وسیله‌ی دیگران ربوده می‌شود، مثل دیگران برای آن رقابت و مبارزه به‌راه نمی‌اندازید. درحالی‌که انواع و اقسام چیزها سعی می‌کنند شین‌شینگ شما را پایین بکشند، شما را مورد استفاده قرار می‌دهند. در محیط طاقت‌فرسای

شبيه اين، اراده‌تان را تعديل و آبدیده می‌کنید، شین‌شینگ‌تان را رشد می‌دهید و این‌جا، با انواع و اقسام افکار بد از سوی مردم عادی که شما را طعمه‌ی خود قرار می‌دهند، از عهده‌ی آن برمی‌آیید که از آن بی‌اعتنا بیرون بیایید.

همگی درباره‌ی این بیندیشید: آیا این شما نیستید که کاملاً آگاهانه سختی را تحمل می‌کنید؟ آیا روح اصلی شما نیست که فداکاری می‌کند؟ در رابطه با آن‌چه که بین مردم عادی از دست‌تان رفته، آیا آن‌ها به‌طور آگاهانه از دست‌تان نرفته‌اند؟ پس گونگ باید به شما تعلق داشته باشد، زیرا هر کسی که از دست می‌دهد، به‌دست می‌آورد. بنابراین، این دلیل آن است که چرا مدرسه‌ی ما از تزکیه در این محیط پیچیده در بین مردم عادی اجتناب نمی‌کند، چرا ما در بین تضادهای مردم عادی تزکیه می‌کنیم؟ برای این که خودمان گونگ را به‌دست می‌آوریم. تمرین‌کنندگان حرفه‌ای آینده در معابد احتیاج خواهند داشت، در عمل تزکیه‌شان، در اطراف مردم عادی پرسه بزنند.

افرادی هستند که می‌گویند، "اما این روزها روش‌های دیگر نیز بین مردم عادی تزکیه می‌کنند، مگر این‌طور نیست؟" بله مطمئناً، اما آن روش‌ها فقط شفا دادن و حفظ سلامتی را ترویج می‌کنند. افرادی که درحال آموزش تزکیه‌ی حقیقی به‌سوی سطوح بالا می‌باشند، فقط افرادی هستند که تنها یک مرید منفرد را انتخاب می‌کنند. آن‌هایی که به‌طور حقیقی به مریدان‌شان آموزش می‌دهند، تا حالا آن‌ها را برای آموزش خصوصی با خود به‌همراه برده‌اند. در طی سال‌ها، آیا کسی درباره‌ی این مسائل در نزد عموم صحبت کرده است؟ هیچ کسی این کار را انجام نداده است. ما این روش خود را به این شکل آموزش می‌دهیم، زیرا این‌گونه تزکیه می‌کنیم و این‌گونه گونگ به‌دست می‌آوریم. در عین حال، مدرسه‌ی تزکیه‌ی ما ده‌ها هزار چیز را درون شما قرار می‌دهد، و همگی به روح اصلی شما داده می‌شوند، که برای شمای واقعی ممکن می‌سازد گونگ را به‌دست بیاورید. گفته‌ام که کاری بی‌سابقه را انجام داده‌ام و گسترده‌ترین درب را گشوده‌ام. بعضی‌ها منظور مرا درک کرده‌اند- آن‌چه گفته‌ام واقعاً غیرقابل تصور نیست. عادت‌ی دارم: اگر یک یارد داشته باشم فقط از یک اینچ صحبت می‌کنم و هنوز هم ممکن است بگویید که من به خود می‌بالم، درحقیقت این بدین معنی است که این‌جا فقط مقدار کمی به شما گفته‌ام. واقعاً نمی‌توانم حتی یک ذره‌ی کوچک دفاعی عمیق‌تر را به شما بگویم، چراکه شکاف بزرگی بین سطوح وجود دارد.

مدرسه‌ی ما بدین صورت تزکیه می‌کند، شما را قادر می‌کند که خودتان به‌طور واقعی گونگ را به‌دست آورید. آن از زمان پیدایش زمین و آسمان اولین بار است، می‌توانید تاریخ را بررسی کنید. این خوب است زیرا خودتان گونگ را به‌دست می‌آورید، اما در عین حال بسیار هم سخت است. در میان جامعه‌ی پیچیده‌ی مردم عادی و اصطکاک شین‌شینگ بین افراد آن، باید بتوانید به بالا و فراتر از آن صعود کنید، این سخت‌ترین چیز است. آن‌چه که سخت است این است که وقتی می‌دانید موضوع از چه قرار است و علایق شخصی‌تان از دست‌تان می‌رود یا وقتی چیزی حیاتی در معرض خطر است، آیا دروناً تحت تأثیر قرار می‌گیرید؟ وقتی در بین جنگ و دعوا و دوز و کلک مردم قرار دارید، آیا دروناً تحت تأثیر قرار می‌گیرید؟ وقتی خانواده و دوستان‌تان زجر می‌کشند، آیا دروناً تحت تأثیر قرار می‌گیرید؟ و آیا می‌توانید این چیزها را مد نظر قرار دهید؟ یک تزکیه‌کننده بودن این‌گونه سخت است! یک‌بارکسی به من گفت، "معلم، این کافی است که انسان خوبی بین مردم عادی بود. چه کسی می‌تواند تا این حد در تزکیه پیش برود؟" از شنیدن آن خیلی متأسف شدم! به او یک کلمه هم نگفتم. همه نوع شین‌شینگی وجود دارد. فقط این اندازه می‌تواند درک کند و کسی نمی‌تواند کاری درباره‌ی آن انجام دهد، شخصی که درک می‌کند است که می‌تواند به‌دست بیاورد.

لاژو‌ی بیان کرد، "شما می‌توانید دائویی را که آموزش می‌دهم، دائو بنامید اما آن یک دائوی معمولی نیست". اگر آن چیزی بود که روی زمین ریخته بود و هر کسی می‌رفت و آن را برمی‌داشت و به‌طور موفقیّت‌آمیزی آن را تزکیه‌ی می‌کرد، آن‌گاه آن بالارزش نمی‌بود. روش مدرسه‌ی ما به شما آموزش می‌دهد که گونگ از طریق تضادها به‌دست می‌آید. این دلیل آن است که چرا باید تا آن‌جا که امکانش هست همانند مردم عادی باشیم. از لحاظ مادی، واقعاً لازم نیست چیزی را از دست بدهید. اما در این محیط مادی باید شین‌شینگ خود را ارتقا دهید. راحتی آن در این است. مدرسه‌ی تزکیه‌ی ما راحت‌ترین است، می‌توانید در بین مردم عادی تزکیه کنید و نیازی نیست که راهبه یا راهب

شوید. اما سختی آن نیز در همین است، شما در بین مردم عادی، پیچیده‌ترین محیط، تزکیه می‌کنید. اما خوبی آن نیز در همین است، زیرا اجازه می‌دهد خود واقعی شما گونگ را به‌دست بیاورد. این چیزی است که در مدرسه‌ی ما کلیدی است و امروز آن را برای همگی فاش کرده‌ام. البته وقتی روح اصلی شما گونگ به‌دست می‌آورد، روح کمکی شما نیز آن را به‌دست می‌آورد. چرا؟ زیرا تمام پیام‌ها، تمام موجودات زنده در بدن‌تان، یا تمام سلول‌ها گونگ را رشد می‌دهند، بنابراین روح کمکی نیز مطمئناً آن را به‌دست می‌آورد. اما سطح گونگ او هیچ وقت بالاتر از سطح گونگ شما نخواهد بود- شما صاحب و مسئول هستید، و او محافظ فا است.

در ادامه‌ی سخن می‌خواهم مسئله‌ای را اضافه کنم. در میان جامعه‌ی تزکیه‌کنندگان افراد زیادی وجود دارند که همیشه سعی کرده‌اند به‌سوی سطوح بالاتر تزکیه کنند. آن‌ها برای جستجوی فا همه جا رفته، پول زیادی خرج کرده و به اقاصا نقاط سفر کرده‌اند، اما هنوز نتوانسته‌اند یک استاد خوب پیدا کنند. مشهور بودن شخص تضمین نمی‌کند که او واقعاً مسائل را به‌خوبی می‌داند. درنهایت، این افراد به همه جا مسافرت کرده، پول زیادی خرج کرده و هیچ نتیجه‌ای به‌دست نیاورده‌اند. امروز این روش بسیار بزرگ را برای شما عمومی ساخته‌ایم. هم‌اکنون این روش را به درب خانه‌تان ارائه کرده‌ام. بنابراین از این لحظه به بعد کسی که تعیین می‌کند آیا می‌توانید تزکیه کنید و موفق شوید خود شما هستید. اگر می‌توانید، پس به آن ادامه دهید. اگر نتوانید، اگر نتوانید تزکیه کنید، از حالا به بعد باید تزکیه کردن را فراموش کنید. به جز شیطان‌ها که شما را فریب خواهند داد، هیچ کسی دوباره به شما آموزش نخواهد داد و در آینده نمی‌توانید تزکیه کنید. اگر من نتوانم شما را نجات دهم، هیچ کس دیگری نمی‌تواند. حقیقت این است که این روزها، اگر بخواهید استادی واقعی از یک راه درست را پیدا کنید که به شما آموزش بدهد، حتی از رفتن به آسمان هم سخت‌تر است. درحال حاضر کسی وجود ندارد که متصدی این چیزها باشد. در عصر پایان دارما، حتی سطوح بسیار بالا هم در میان آخرین ویرانی هستند و آن‌ها نمی‌توانند مراقب مردم عادی باشند. این راحت‌ترین مدرسه‌ی تزکیه است و علاوه بر آن، مستقیماً بر پایه‌ی سرشت جهان است، بنابراین تزکیه‌ی ما سریع‌ترین و بزرگ‌ترین میان‌بر است. مستقیماً به ذهن‌تان نشانه می‌رود.

مدار آسمانی

در مدرسه‌ی دائو، مدار آسمانی کوچک و بزرگ آموزش داده می‌شود. ما تشریح می‌کنیم که "مدار آسمانی" چیست. مدار آسمانی که مردم معمولاً در مورد آن صحبت می‌کنند مداری است که با اتصال دو کانال انرژی رن و دو آن را شکل می‌دهید. این مدار آسمانی یک مدار آسمانی سطحی است که چیزی جز برای شفا دادن و حفظ سلامتی نیست. آن، مدار آسمانی کوچک نامیده می‌شود. مدار آسمانی دیگری وجود دارد که نه "مدار آسمانی کوچک" و نه "مدار آسمانی بزرگ" نامیده می‌شود. این شکلی از مدار آسمانی برای عمل تزکیه در مدیتیشن است. آن در داخل بدن فرد حرکت می‌کند، با چرخش پیرامون نیوان شروع شده، سپس در داخل بدن به‌طرف پایین حرکت کرده، به دَن‌تی‌ان رسیده و پیرامون آن می‌چرخد و سپس به‌سمت بالا حرکت می‌کند. آن به‌طور داخلی می‌چرخد. این یک مدار آسمانی واقعی است که برای تزکیه در مدیتیشن می‌باشد. بعد از این که این مدار آسمانی شکل بگیرد، جریان انرژی بسیار قدرتمندی می‌شود و در آن هنگام یک کانال انرژی، صدها کانال انرژی را به حرکت در می‌آورد، که کمک می‌کند تمام کانال‌های انرژی دیگر را باز کند. مدرسه‌ی دائو مدار آسمانی را آموزش می‌دهد، اما بودیسم این کار را نمی‌کند. بودیسم چه چیزی را آموزش می‌دهد؟ زمانی که شاکيامونی دارمای خود را آموزش داد، حرکات‌های تمرینی را توضیح نداد و آن‌ها را آموزش هم نداد. با این حال روش او نیز شکل خودش را برای تکامل چیزها در تزکیه داشت. در بودیسم کانال‌های انرژی چگونه حرکت می‌کنند؟ آن از نقطه‌ی بای‌هویی شروع می‌شود و پس از این که به‌طور کامل رفع انسداد شود به‌شکل مارپیچ از بالای سر به‌سمت قسمت‌های پایین بدن می‌رود و درنهایت تمام کانال‌های انرژی به این شکل فعال می‌شوند.

کانال انرژی مرکزی در تانتريسم نیز همین هدف را دارد. برخی از افراد می‌گویند، "کانال انرژی مرکزی وجود ندارد". پس چرا در تانتريسم آن‌ها می‌توانند کانال انرژی مرکزی را رشد دهند؟ درحقیقت وقتی تمام کانال‌های انرژی در بدن یک فرد را جمع کنید بیش از ده هزار عدد از آن‌ها وجود دارد. آن‌ها مثل رگ‌های خون یکدیگر را به‌طور عمودی و افقی قطع می‌کنند و حتی بیشتر از رگ‌های خون هستند. در فضای بین اعضای داخلی هیچ رگی وجود ندارد، اما کانال‌های انرژی وجود دارند. بنابراین با شروع از بالای سر، در تمام قسمت‌های بدن شما کانال‌های انرژی به‌طور عمودی و افقی یکدیگر را قطع می‌کنند و آنان در تزکیه‌ی تانتريک، آن‌ها را متصل می‌کنند. شاید آن‌ها در آغاز مستقیم نباشند، بنابراین آن‌ها را باز کرده و سپس به‌تدریج عریض‌تر می‌کنند و آن به‌آهستگی کانال انرژی مستقیمی را شکل می‌دهد. آن کانال انرژی در نقش یک محور عمل کرده و چرخیده و چرخ‌هایی را که با نیت ذهنی به‌طور افقی می‌چرخند به حرکت درمی‌آورد. در این‌جا نیز مقصود، فعال کردن تمام کانال‌های انرژی بدن است.

تزکیه‌ی فالون دافای ما از این روش که یک کانال انرژی صدها کانال دیگر را به حرکت درآورد اجتناب می‌کند. از همان آغاز، لازم می‌دانیم که تمام کانال‌های انرژی با هم باز شوند و چرخش هم‌زمان داشته باشند. بلافاصله در سطحی بسیار بالا قرار می‌گیریم تا تزکیه‌مان را انجام دهیم و از چیزهای سطح پایین اجتناب می‌کنیم. برای بعضی افراد ممکن است یک دوره‌ی زندگی هم برای باز کردن صدها کانال انرژی از طریق یک کانال انرژی، کافی نباشد. بعضی از اشخاص باید چندین دهه تزکیه کنند و این بسیار مشکل است. بسیاری از روش‌ها ذکر کرده‌اند که یک دوره‌ی زندگی برای موفقیت در تزکیه کافی نیست، درحالی که بسیاری از تمرین‌کنندگان در تزکیه‌های سطح بالا وجود دارند که می‌توانند زندگی‌شان را طولانی‌تر کنند، آیا آن‌ها درباره‌ی تزکیه‌ی زندگی صحبت نمی‌کنند؟ آن‌ها می‌توانند زندگی‌شان را برای تزکیه کردن طولانی کنند. آنان برای مدت زمانی بسیار طولانی تزکیه می‌کنند.

مدار آسمانی کوچک اصولاً برای شفا دادن و حفظ سلامتی است، درحالی که مدار آسمانی بزرگ برای تزکیه‌ی گونگ است. آن، موقعی است که شخص به‌طور واقعی تزکیه می‌کند. مدار آسمانی بزرگ که مدرسه‌ی دائو به آن اشاره می‌کند به قدرتمندی مدرسه‌ی ما نیست، که تمام کانال‌های انرژی را در یک زمان با هم باز می‌کند. آن‌ها یک تعداد کانال انرژی دارند که از میان نقاط سه بین و سه یانگ روی دست‌ها، کف پاها، پاها و سپس تمام مسیر به سمت بالا تا موها می‌چرخند، به‌طوری‌که از میان تمام بدن گذر می‌کنند. آن، چرخش مدار آسمانی بزرگ درنظر گرفته می‌شود. به محض این که مدار آسمانی بزرگ شروع به چرخش کند، آن تزکیه‌ی حقیقی خواهد بود. این دلیل آن است که چرا بعضی از استادان چی‌گونگ وقتی به مدار آسمانی بزرگ می‌رسند، آموزش را متوقف می‌کنند- آن‌ها فقط چیزهایی برای شفا دادن و حفظ سلامتی را آموزش می‌دهند. بعضی‌ها نیز درباره‌ی مدار آسمانی بزرگ صحبت‌هایی کرده‌اند، اما هیچ چیزی در بدن شما نصب نکرده‌اند و شما نمی‌توانید خودتان آن‌ها را باز کنید. بدون این که سیستمی نصب شود، چگونه چیزها می‌توانند به آسانی با تکیه به افکار شخص باز شوند؟ این درست مثل انجام ورزش‌های ایروبیک است... آیا آن می‌تواند آن‌ها را باز کند؟ "تزکیه به خود شخص بستگی دارد درحالی که گونگ به استاد شخص مربوط است"- تمام مکانیزم‌های داخلی باید در شما قرار داده شود و فقط پس از آن می‌تواند چنین تأثیری وجود داشته باشد.

در طول تاریخ، مدرسه‌ی دائو بدن انسان را به‌عنوان جهانی کوچک درنظر گرفته است: آن اعتقاد دارد که سطح خارجی جهان به بزرگی سطح داخلی آن است و سطح خارجی به همان شکلی است که سطح داخلی آن به‌نظر می‌آید. این نظریه به نظر غیرقابل قبول می‌آید و به آسانی قابل فهم نیست. این جهان بیش از حد بزرگ است، چگونه می‌تواند با جسم بشری مقایسه شود؟ ما درباره‌ی چنین اصلی صحبت می‌کنیم: فیزیک عصر حاضر ما عناصر ماده را از مولکول‌ها، اتم‌ها، الکترون‌ها، پروتون‌ها و کوارک‌ها تا نوترینوها مطالعه می‌کند، اما عناصر پایین‌تر از آن‌ها به چه اندازه‌ای هستند؟ یک میکروسکوپ نمی‌تواند این مسئله را در آن حد شناسایی کند، پس عناصر بسیار میکروسکوپی بسیار کوچک‌تر چه هستند؟ این شناخته شده نیست. درحقیقت، آن چه که فیزیک ما درحال حاضر می‌فهمد کاملاً به

دور از کوچک‌ترین عناصر میکروسکوپی در جهان است. وقتی شخصی این بدن گوشتی را دارا نیست، چشم‌های او اشیاء را با بینایی بزرگ شده خواهد دید و سطح میکروسکوپی را خواهد دید. هرچه سطح فرد بالاتر باشد، سطح میکروسکوپی بزرگ‌تری را خواهد دید.

شاکيامونی در سطحی که در آن قرار داشت، درباره‌ی تئوری سه هزار دنیا صحبت کرد. منظورش این بود که در این راه شیری نیز افرادی با بدن‌های گوشتی هم‌چون نژاد انسانی ما وجود دارند. او هم‌چنین ذکر کرد که یک سنگ‌ریزه شامل سه هزار دنیا است و این موافق فهم فیزیک نوین ما است. چه فرقی است بین الگوی گردش الکترون‌ها که در مدار هسته حرکت می‌کنند و الگوی گردش زمین که در مدار خورشید حرکت می‌کند؟ به همین جهت، شاکيامونی بیان کرد که در سطح میکروسکوپی، یک سنگ‌ریزه شامل سه هزار دنیا است. آن درست مثل جهانی با زندگی و ماده در آن است. اگر این حقیقت داشته باشد، درباره‌ی این بیندیشید: آیا در دنیای آن سنگ‌ریزه، سنگ‌ریزه‌ای وجود ندارد؟ آیا در هر یک از سنگ‌ریزه‌هایی که داخل آن سنگ‌ریزه هستند، سه هزار دنیای دیگری وجود ندارد؟ پس آیا در سه هزار دنیای هر یک از سنگ‌ریزه‌هایی که داخل سنگ‌ریزه‌ی دیگری است، سنگ‌ریزه‌ای وجود ندارد؟ اگر بررسی به همین شکل به پایین ادامه پیدا کند، بی‌انتهای خواهد بود. بنابراین حتی در سطح تاتاگاتا هم، شاکيامونی بیان کرد، "آن قدر آن عظیم است که هیچ سطح خارجی ندارد و آن قدر کوچک است که هیچ سطح داخلی ندارد." عظیم، تا نقطه‌ای عظیم که او نتوانست لبه‌ی جهان را ببیند. و کوچک، تا نقطه‌ای کوچک که او نتوانست ببیند ریزترین چیز در ماده‌ی اولیه چیست.

یک استاد چی‌گونگ گفته است، "در یک منفذ عرق شهری وجود دارد که قطارها و ماشین‌ها در آن تردد می‌کنند." این کاملاً غیرقابل قبول به نظر می‌آید، اما اگر این گفته را به‌طور واقعی از دیدگاه علمی درک و مطالعه کنیم آن‌را غیرقابل قبول نخواهیم یافت. روزی دیگر وقتی درباره‌ی بازشدن چشم سوم صحبت کردم، بسیاری از افراد با باز شدن چشم سوم‌شان این وضعیت را پیدا کردند: آن‌ها در مسیر یک تونل در پیشانی‌شان می‌دویدند به‌طوری‌که نمی‌توانستند به انتهای آن برسند. در طی تمرین‌های روزانه‌شان، احساس می‌کنند در جاده‌ای بزرگ، با کوه‌ها و رودخانه‌هایی در دو طرف جاده درحال دویدن هستند. درحالی که می‌دوند، از میان شهرها عبور کرده و افراد زیادی را مشاهده می‌کنند، و ممکن است تصور کنند که این وهم و خیال است. موضوع چیست؟ آنچه که دیده می‌شود کاملاً واضح و روشن بوده و وهم و خیال نیست. می‌گوییم که اگر بدن انسان در سطحی ذره‌بینی واقعاً به آن اندازه بزرگ باشد، پس آن وهم و خیال نیست. مدرسه‌ی دائو همیشه بدن انسان را یک جهان درنظر گرفته است. اگر واقعاً یک جهان باشد، فاصله‌ی بین جلوی پیشانی تا غده‌ی صنوبری بیش از ۱۰۸ هزار لی خواهد بود. بروید و به‌طرف خارج به‌سرعت بدوید. آن فاصله‌ای بسیار طولانی است.

اگر مدار آسمانی بزرگ در طول تزکیه کاملاً باز شود، یک نیروی فوق‌طبیعی برای تمرین‌کنندگان به‌همراه خواهد آورد. چه نیروی فوق‌طبیعی‌ای؟ شما می‌دانید که مدار آسمانی بزرگ، "مدار آسمانی نصف‌النهار"، چرخش زمین و آسمان یا "چرخش کشتی رودخانه" نیز نامیده می‌شود. در سطحی بسیار پایین، چرخش مدار آسمانی بزرگ یک جریان انرژی را شکل خواهد داد که به‌تدریج متراکم‌تر خواهد شد، به‌سوی سطوح بالاتر تغییر شکل می‌دهد و به‌صورت یک کمربند انرژی با تراکم بالا خواهد شد. این کمربند انرژی، حرکتی چرخشی خواهد داشت. همان‌طور که آن در فرایند چرخش است، اگر از چشم سوم‌تان استفاده کنید تا در سطحی واقعاً پایین به آن نگاه کنید، پی خواهید برد که آن می‌تواند جای چی را در قسمت‌های داخلی بدن شخص عوض کند - چی قلب ممکن است به روده‌ها برود، یا چی کبد به طرف معده برود و غیره. در سطحی میکروسکوپی می‌توانیم ببینیم که آن چه که آن حمل می‌کند چیزی بسیار عظیم است. اگر این کمربند انرژی در خارج بدن شخص آزاد شود، آن، توانایی حرکت دادن از راه دور است. افرادی با گونگ قوی می‌توانند چیزهای بزرگی را حرکت دهند و آن "حرکت دادن از راه دور بزرگ" است. افرادی با

گونگ ضعیف‌تر می‌توانند چیزهای کوچکی را حرکت دهند و آن "حرکت دادن از راه دور کوچک" است. توانایی حرکت دادن از راه دور شبیه این است و این‌گونه شکل می‌گیرد.

به محض این‌که مدار آسمانی بزرگ شروع به چرخش کند شما درحال تزکیه هستید. آن می‌تواند حالت‌های مختلف تزکیه و شکل‌های مختلف گونگ را به‌همراه بیاورد. برای ما وضعیت خیلی بخصوصی را نیز به‌همراه خواهد آورد. این وضعیت چیست؟ شاید همگی اصطلاح "پرواز در روز روشن" را در کتاب‌های قدیمی مثل شرح حال فن‌انایزرها، دن جینگ، دائو دنگ یا شینگ‌مینگ گویی‌جی خوانده‌اید. بدین معنی است که یک شخص می‌تواند در روز روشن پرواز کند. درحقیقت، بگذارید به شما بگویم که وقتی مدار آسمانی بزرگ یک شخص باز شود، او می‌تواند پرواز کند. آن به همین سادگی است. ممکن است برخی از افراد فکر کنند، "سالیان بسیار زیادی است که مردم تزکیه کرده‌اند، باید افراد بسیار زیادی وجود داشته باشند که تاکنون مدار آسمانی بزرگ‌شان باز شده است". می‌گویم این غیرواقعی نیست که بگوییم ده‌ها هزار نفر به این مرحله رسیده‌اند. آن بدین علت است که مدار آسمانی بزرگ واقعاً اولین قدم تزکیه است.

پس چرا هیچ‌کسی این افراد را درحال پرواز یا بلند شدن از روی زمین ندیده است؟ وضعیت جامعه‌ی معمولی بشری نمی‌تواند آشفته شود و شکل جامعه‌ی عادی بشری هم نمی‌تواند به‌سادگی مختل شود یا تغییر کند. چگونه می‌تواند برای همگی مجاز باشد که در هوا پرواز کنند؟ آیا آن یک جامعه‌ی عادی بشری خواهد بود؟ دلیل اصلی این است. از دیدگاهی دیگر، انسان در بین مردم عادی برای این‌که انسان باشد زندگی نمی‌کند، بلکه به‌خاطر برگشت به خود واقعی‌اش اولی‌اش زندگی می‌کند. پس مسئله‌ای در مورد آگاه شدن وجود دارد. اگر کسی ببیند که بسیاری از افراد واقعاً می‌توانند به پرواز درآیند، او نیز می‌خواهد تزکیه کند و دیگر مسئله‌ی آگاه شدن وجود نخواهد داشت. بنابراین اگر در جریان تزکیه بتوانید به پرواز درآیید، نباید به‌طور سرسری آن‌را به دیگران نشان داده یا بگذارید آزادانه آن‌را ببینند، چراکه آن‌ها نیز نیاز دارند تزکیه کنند. درنتیجه، بعد از این‌که مدار آسمانی شما باز شود، اگر نوک انگشت دست‌تان، نوک انگشت پای‌تان یا قسمت بخصوصی از بدن شما بسته باشد قادر به پرواز نخواهید بود.

زمانی که مدار آسمانی بزرگ ما نزدیک باز شدن است، وضعیتی اتفاق خواهد افتاد که در آن بعضی از افراد در حین نشستن در مدیتیشن به جلو خم می‌شوند. به‌خاطر این‌که پشت شخص بهتر باز است، پشت او بسیار سبک خواهد بود درحالی که قسمت جلویی بدن احساس سنگینی می‌کند. بعضی افراد به عقب خم می‌شوند و احساس می‌کنند که پشت‌شان سنگین است درحالی که در قسمت جلویی بدن‌شان احساس سبکی می‌کنند. اگر همه جای بدن به‌خوبی باز شود، احساس می‌کنید که انگار درحال بالا رفتن و بلند شدن از روی زمین هستید. وقتی بتوانید واقعاً پرواز کنید، مجاز نخواهید بود که به پرواز درآیید، اگرچه این مطلق نیست. آن‌هایی که توانایی‌های فوق‌طبیعی‌شان ظاهر می‌شود معمولاً در دو انتهای سنی قرار دارند: بچه‌ها وابستگی ندارند، افراد مسن نیز همین‌طور، مخصوصاً خانم‌های مسن. آن‌ها می‌توانند این توانایی‌ها را به‌راحتی رشد داده و آن‌ها را نگه دارند. آقایان، مخصوصاً مردان جوان، وقتی یک توانایی به‌دست می‌آورند، نمی‌توانند آن‌را به نمایش بگذارند. در عین حال، ممکن است از این توانایی‌ها به منظور رقابت در بین مردم عادی استفاده کنند. بنابراین مجاز نیستند آن‌ها را داشته باشند و حتی اگر از طریق تزکیه شکل بگیرند باید قفل شوند. اگر قسمتی از بدن قفل باشد، این شخص قادر به پرواز کردن نخواهد بود. این‌طور نیست که بگوییم مطلقاً از داشتن این حالت ممنوع هستید. ممکن است به شما اجازه داده شود کمی آن‌را امتحان کنید و بعضی از افراد قادرند آن‌را حفظ کنند.

هر جا که سخنرانی دارم این موقعیت اتفاق می‌افتد. زمانی که کلاسی در استان شان‌دونگ داشتم، تمرین‌کنندگانی از پکن و شهر جی‌نان در آن‌جا وجود داشتند. کسی سؤال کرد، "معلم، چه اتفاقی برای من افتاده است؟ درحالی که قدم می‌زنم، احساس می‌کنم از زمین جدا می‌شوم. همچنین وقتی که در خانه خوابیده‌ام احساس می‌کنم پرواز می‌کنم. حتی لحاف که روی من است مثل یک بالون بلند می‌شود". زمانی که کلاسی در شهر گویی‌یانگ داشتم،

یک تمرین کننده‌ی قدیمی از استان گوی‌جو وجود داشت که خانمی مسن بود. او دو تخت در اتاقش داشت، که یک تخت نزدیک یک دیوار و تخت دیگر نزدیک دیوار دیگر بود. وقتی که او روی یک تخت در حالت مدیتیشن نشسته بود، احساس کرد به پرواز در آمده و وقتی چشم‌هایش را باز کرد دریافت که به تخت دیگر کشیده شده است. با خودش فکر کرد، "باید به تخت خود باز گردم" و سپس به تخت دیگر برگشت.

تمرین کننده‌ای در شهر چینگ‌دائو بود که در وقت نهار موقعی که کسی در نزدیکی محل کار او نبود درحال مدیتیشن روی تختی نشسته بود. به محض این که در آن‌جا نشست، به پرواز درآمد و به اندازه‌ی یک متر محکم به بالا پرید و سپس پایین آمد. او بعد از بلند شدن پایین می‌آمد و این اتفاق ادامه داشت. پتو نیز به زمین افتاد. کمی هیجان زده و کمی نیز ترسیده بود. این بالا و پایین رفتن تمام وقت نهار ادامه یافت. بالاخره، زنگ اداره به صدا درآمد و او با خودش فکر کرد، "نباید بگذارم دیگران این‌را ببینند، تعجب می‌کنند که چه اتفاقی افتاده است؟ باید فوراً متوقف کنم". او تمرین را خاتمه داد. این دلیل آن است که چرا افراد مسن می‌توانند خود را به خوبی اداره کنند. اگر برای شخص جوانی این ماجرا اتفاق افتاده بود، وقتی زنگ اداره به صدا درمی‌آمد این‌طور فکر می‌کرد، "همگی بیایید و مرا ببینید، من درحال پرواز هستم". این جاست که شخص نمی‌تواند به سادگی ذهنیت خودنمایی خود را کنترل کند، "نگاه کنید به چه خوبی تزکیه کرده‌ام - می‌توانم پرواز کنم". به محض این که به این شکل خودنمایی کند، توانایی او از دست خواهد رفت. آن مجاز نیست. همه جا موارد زیادی از این قبیل در بین تمرین کنندگان وجود دارد.

ما لازم می‌دانیم که تمام کانال‌های انرژی از همان ابتدا باز شوند. تا امروز، هشتاد تا نود درصد از تمرین کنندگان ما، بدن‌شان به حالت بسیار سبک و رها از بیماری‌ها رسیده است. در عین حال، همان‌طور که گفته‌ایم، ما شما را تا این مرحله هل می‌دهیم و بدن‌تان را به‌طور کامل پالایش می‌کنیم. علاوه بر آن، بسیاری از چیزها را نیز در بدن‌تان نصب کرده و این را ممکن می‌سازیم که در طول این کلاس گونگ به‌وجود بیاید. این درست مثل این است که شما را به بالا کشانده و به‌طرف جلو هل می‌دهیم. در این کلاس، فا را به همه آموزش داده‌ام و شین‌شینگ همه نیز به‌طور پیوسته تغییر کرده است. بعد از قدم گذاشتن به بیرون این سالن، بسیاری از شما احساس خواهید کرد که انگار فرد دیگری هستید و تضمین می‌کنم حتی نگرش شما به دنیا نیز تغییر خواهد کرد. خواهید دانست که پس از این چگونه خودتان را اداره کنید و خواهید دانست که دیگر نمی‌توانید مثل گذشته در یک گيجی و سرگشتگی باشید. این‌را تضمین می‌کنم. به همین جهت، شین‌شینگ شما درحال حاضر صعود کرده است.

حال که درباره‌ی موضوع مدار آسمانی بزرگ صحبت می‌کنیم، شما می‌دانید که اجازه نخواهید داشت پرواز کنید، اما احساس خواهید کرد که بدن‌تان سبک است، و وقتی راه می‌روید انگار که روی هوا گام برمی‌دارید. در گذشته ممکن بود بعد از کمی قدم زدن خسته شوید، اما الان بدون توجه به این که چه قدر راه می‌روید، بسیار آسان خواهد بود. درحالی که دوچرخه‌سواری می‌کنید احساس خواهید کرد که انگار به جلو هل داده می‌شوید و بدون توجه به این که از چه تعداد پله بالا می‌روید خسته نمی‌شوید. این‌را تضمین می‌کنم. اگر تزکیه را شخصاً از طریق خواندن کتاب یاد بگیرید نیز به همین صورت می‌توانید به هر حالت تزکیه‌ای که باید در آن باشید، برسید. من کسی هستم که اگر نخواهد، چیزی را نمی‌گوید، اما آن‌چه که می‌گویم باید حقیقت باشد. مخصوصاً تحت این شرایط، اگر در آموزش فا حقیقت را نگویم، اگر گفته‌های باورنکردنی بیان کنم یا بدون هدف و سرسری صحبت کنم، یک فای اهریمنی را آموزش خواهم داد. برای من آسان نیست که این کار را انجام دهم، زیرا همه‌ی جهان درحال نظاره کردن هستند. شخص اجازه ندارد به انحراف برود.

یک فرد عادی فکر می‌کند که اگر چنین مدار آسمانی را داشته باشد دیگر خوب است. درحقیقت این کافی نیست. برای این که بدن هرچه سریع‌تر به‌طور کامل به وسیله‌ی ماده‌ی با انرژی بالا جایگزین و تبدیل شود، باید نیرویی جهت‌دار در شکل مدار آسمانی وجود داشته باشد که جهتی را که در آن، تمام کانال‌های انرژی بدن شما در گردش هستند هدایت کند. آن "مدار آسمانی مائویو" نامیده می‌شود و به‌سختی کسی درباره‌ی آن چیزی می‌داند. این

اصطلاح گاه و بی‌گاه در کتاب‌ها ذکر شده است، اما هیچ‌کسی درباره‌ی آن توضیحی نداده یا چیزی به شما نگفته است. فقط به‌صورت تئوری مورد بحث قرار می‌گیرد، زیرا آن راز اسرارها است. این‌جا ما برای‌تان بازگو می‌کنیم. آن می‌تواند از نقطه‌ی بای‌هوئی (یا هم‌چنین از نقطه‌ی هوئی‌یین) شروع شود، آن بیرون آمده و در امتداد خطی که سمت یین و یانگ بدن را جدا می‌کند حرکت کرده و از سمت گوش پایین می‌آید. سپس در امتداد شانه‌ها پایین آمده و در امتداد یک یک انگشتان حرکت می‌کند. سپس در امتداد پهلوی بدن حرکت می‌کند، زیر پا رفته، در امتداد داخل ران بالا می‌رود، در امتداد داخل ران دیگر پایین رفته، زیر پای دیگر می‌رود، در امتداد پهلوی بدن بالا رفته، در امتداد یک یک انگشتان حرکت می‌کند و با رسیدن به بالای سر، یک دور کامل را شکل می‌دهد. آن، مدار آسمانی مائویو است. دیگران می‌توانند کتابی درباره‌ی آن بنویسند و من آن‌را در چند جمله خلاصه کرده‌ام. فکر نمی‌کنم یک راز آسمانی به حساب بیاید، اما دیگران فکر می‌کنند که آن خیلی باارزش است و درباره‌ی آن چیزی نمی‌گویند. فقط هنگامی درباره‌ی مدار آسمانی مائویو صحبت می‌کنند که به‌طور واقعی در حال انتقال چیزهایی به یک مرید هستند. اگرچه این را آشکار کرده‌ام، هیچ‌یک از شما نباید هنگامی که تمرین می‌کنید آن‌را با ذهن‌تان جهت‌دهی یا کنترل کنید. اگر این کار را بکنید، آن‌چه که تمرین می‌کنید فالون دافای ما نیست. تزکیه‌ی واقعی به‌سوی سطوح بالاتر در حالتی از وو‌وی یا بدون قصد و آزاد از هر نوع فعالیت فکری انجام می‌شود. هر چیزی در بدن شما حاضر و آماده نصب می‌شود. آن‌ها به‌طور خودکار شکل می‌گیرند و این مکانیزم‌های درونی، شما را تزکیه می‌کنند؛ وقتی زمان آن فرا رسد خود به خود خواهند چرخید. یک روز در حین تمرین ممکن است سرتان از طرفی به طرفی دیگر تاب بخورد. اگر سرتان به این طرف تاب بخورد، مکانیزم به این طرف چرخش دارد. اگر سر شما به‌طرف دیگر تاب بخورد، آن به طرف دیگر می‌چرخد. آن‌ها به هر دو طرف می‌چرخند.

پس از این که مدار آسمانی بزرگ یا کوچک شخص باز شوند، سر شخص در حین مدیتیشن تکان خواهد خورد و این علامتی از گذر انرژی است. به همین صورت این در مورد تمرین مدار آسمانی فالون که انجام می‌دهیم صدق می‌کند. اگرچه تمرین را به آن شکل انجام می‌دهیم، حقیقت این است که وقتی که در حال انجام آن نیستیم، آن‌ها به خودی خود می‌چرخند و برای همیشه به‌طور پیوسته به چرخش ادامه می‌دهند. زمانی که تمرین می‌کنید، مکانیزم‌ها را استحکام می‌بخشید. آیا نکته‌ایم که فا، تمرین‌کنندگان را تزکیه می‌کند؟ شما متوجه خواهید شد که مدار آسمانی‌تان همیشه در حال چرخش است، اگرچه ممکن است در آن هنگام در حال تمرین نباشید. این لایه‌ی مکانیزم‌های چی نصب شده در خارج از بدن شما، لایه‌ای از کانال‌های انرژی بزرگ بیرونی است که بدن شما را در تمرین به حرکت درآورده و تزکیه می‌کند. آن تماماً خودکار است. آن‌ها می‌توانند برعکس نیز بچرخند. آن‌ها به دو طرف می‌چرخند و به‌طور پیوسته کانال‌های انرژی شما را باز می‌کنند.

پس، هدف از بازکردن مدارهای آسمانی چیست؟ بازکردن مدارهای آسمانی، به خودی خود هدف تزکیه نیست. حتی اگر مدارهای آسمانی یک شخص باز باشد، می‌گوییم که هنوز هم چیزی نیست. زیرا پس از آن، وقتی بیشتر به تزکیه ادامه دهد، هدف این است که با استفاده از شیوه‌ی مدار آسمانی، یک کانال انرژی، تمام کانال‌های انرژی را به حرکت درآورد و تمام کانال‌های انرژی در بدن را باز کند. اما ما در حال حاضر در حال انجام این هستیم. وقتی در تزکیه پیش می‌روید شاید برخی از شما پی ببرید که وقتی مدارهای آسمانی در حال چرخش هستند، کانال‌های‌تان مانند یک انگشت عریض می‌شوند، و در داخل پهن می‌شوند. دلیل آن این است که انرژی شما قوی شده است، و پس از این که جریان انرژی شکل می‌گیرد کانال‌های شما عریض و روشن می‌شوند. اما هنوز هم آن چیزی نیست. پس تا کجا باید تزکیه کنید؟ تمام کانال‌های انرژی‌تان باید به‌تدریج عریض‌تر و عریض‌تر شوند و انرژی، قوی‌تر و قوی‌تر و نورانی‌تر و نورانی‌تر شود و درنهایت، در مرحله‌ای، ده‌ها هزار کانال انرژی در هم ادغام شوند و بدن‌تان را به بدنی بدون هیچ کانال انرژی یا نقطه‌ی طب سوزنی تبدیل کند، آن‌ها به یکدیگر ملحق می‌شوند تا یک بدن واحد و یک‌تکه را بسازند.

آن، هدف نهایی باز کردن کانال‌های انرژی است. هدف این است که بدن‌تان را به‌طور کامل به‌وسیله‌ی ماده‌ی با انرژی بالا تبدیل کند.

در این مرحله، بدن‌تان تا حد خیلی زیادی به‌وسیله‌ی ماده‌ی با انرژی بالا تبدیل شده است، یا به‌عبارتی دیگر، به بالاترین سطح تزکیه‌ی فای دنیای سه‌گانه رسیده‌اید و بدن گوشتی‌تان تا اوج خودش تزکیه کرده است. وقتی به این مرحله برسید وضعیت تزکیه‌ی دیگری ظاهر می‌شود. چه وضعیتی؟ گونگی که به ظهور رسانده‌اید بسیار غنی است و تمام توانایی‌های فوق‌طبیعی (توانایی‌های مادرزادی) که یک موجود بشری در طول تزکیه‌ی بدن بشری یا در طول تزکیه‌ی فای دنیای سه‌گانه دارد همگی ظاهر می‌شوند، اما اکثر افرادی که تزکیه‌شان را در بین مردم عادی انجام می‌دهند، قفل می‌شوند. همچنین ستون گونگ شما به ارتفاع خیلی بلندی رسیده و تمام اشکال گونگ توسط گونگ نیرومندتان تقویت شده و کاملاً قدرتمند می‌شوند. اما آن‌ها فقط می‌توانند در این بُعد ما تأثیر داشته باشند، درحقیقت نمی‌توانند چیزها را در بُعدهای دیگر تحت تأثیر قرار دهند و این بدین دلیل است که آن‌ها فقط توانایی‌های فوق‌طبیعی‌ای هستند که از تزکیه‌ی بدن بشری گوشتی ما ظاهر می‌شوند. در هر حال آن‌ها خیلی غنی و فراوان هستند، آن‌ها در هر بُعدی یافت می‌شوند و شکل‌های مختلفی که یک بدن در بُعدهای مختلف به خود می‌گیرد از میان تغییرات نسبتاً بزرگی گذشته است. چیزهایی که این بدن دارد، چیزهایی که در هر بُعدی دارد، آن چیزها غنی و فراوان هستند و به نظر ترسناک می‌رسند. بعضی افراد چشم‌هایی در سراسر بدن‌شان دارند و حتی تمام منافذ عرق در بدن‌شان چشم هستند، آن‌ها در سراسر کل میدان بُعدی‌شان چشم دارند. از آن‌جا که این، گونگی از مدرسه‌ی بودا است، بعضی افراد در سراسر بدن‌شان تصویر بودی‌ساتوا یا بودا را دارند. شکل‌های مختلف گونگ شما در این زمان به‌طور شگفت‌انگیزی غنی و فراوان است و بسیاری از موجودات زنده، خود را نشان خواهند داد.

در این مرحله، موقعیتی به نام "سه گل روی سر" ظاهر می‌شود. این مرحله‌ای بسیار آشکار و همچنین چشم‌گیر است. فرد حتی با چشم سوم در سطحی پایین می‌تواند آن‌را ببیند. شخص سه گل بالای سر خواهد داشت. یکی گل نیلوفر آبی است، اما از نوع گل نیلوفر آبی بُعد فیزیکی ما نیست. دو گل دیگر نیز از بُعدهای دیگر و بیش از حد زیبا هستند. این گل‌ها بالای سر شخص در چرخش هستند. آن‌ها در جهت گردش عقربه‌های ساعت یا خلاف جهت گردش عقربه‌های ساعت چرخیده و هر کدام از گل‌ها نیز به خودی خود می‌چرخند. هر گل ستون بزرگی دارد و قطر آن‌ها به عرض یک گل است. این سه ستون تمام مسیر تا آسمان‌ها می‌روند. اما آن‌ها ستون‌های گونگ نیستند، آن‌ها این شکل را به خود می‌گیرند و واقعاً شگفت‌انگیز هستند. اگر آن‌ها را ببینید، شوکه خواهید شد. وقتی تا این مرحله تزکیه کنید بدن‌تان سفید و پاک، و پوست‌تان نرم و لطیف می‌شود. وقتی به این مرحله برسید به بالاترین شکل از تزکیه‌ی فای دنیای سه‌گانه رسیده‌اید، اما هنوز هم نقطه‌ی اوج نیست. هنوز هم باید به تزکیه ادامه دهید و به جلو پیش بروید.

وقتی جلوتر بروید وارد سطح بین فای دنیای سه‌گانه، و ورای فای دنیای سه‌گانه می‌شوید که بدن سفید خالص نامیده می‌شود (بدن سفید کریستالی نیز نامیده می‌شود). وقتی بدن شخص تا بالاترین شکل در فای دنیای سه‌گانه تزکیه کرده است، فقط این‌طور است که بدن گوشتی‌اش تا بالاترین شکل خود تبدیل شده است. وقتی واقعاً وارد آن مرحله شوید تمام بدن‌تان به‌طور کامل از ماده‌ی با انرژی بالا ساخته شده است. چرا بدن سفید خالص نامیده می‌شود؟ زیرا بدن‌تان به بالاترین درجه‌ی خلوص محض رسیده است. اگر کسی با چشم سوم به آن نگاه کند، کل بدن‌تان شفاف است، مثل یک لیوان شفاف است و هیچ چیزی آن‌جا نیست. این حالت نمایان خواهد شد. حقیقتش را بگویم در این مرحله بدن‌تان یک بدن بودا است. دلیل آن این است که بدنی که از ماده‌ی با انرژی بالا ساخته شده از بدن فیزیکی‌مان متفاوت است. در این مرحله، تمام توانایی‌ها و مهارت‌های فوق‌طبیعی به یک‌باره رها شده و در بُعدی بسیار عمیق قرار داده می‌شوند. آن‌ها دیگر غیرقابل استفاده بوده و از آن مرحله به بعد دیگر مفید نخواهند بود. یک روز در آینده، وقتی در تزکیه موفق شدید، ممکن است به گذشته نظری بیندازید و با بیرون آوردن آن‌ها برای این که نگاهی

به آن‌ها بیندازید، سفر تزکیه‌تان را مرور کنید. در این زمان فقط دو چیز است که هنوز باقی مانده: ستون گونگ که هنوز هم باقی است و کودک جاودان تزکیه شده که به اندازه‌ی بزرگی رشد کرده است. اما هر دو در بُعدی عمیق وجود دارند که به وسیله‌ی افرادی با چشم سوم در سطحی متوسط دیده نمی‌شوند. آن‌ها فقط می‌توانند ببینند که بدن‌تان شفاف است.

از آن‌جا که مرحله‌ی بدن سفید خالص فقط یک مرحله‌ی عبور است، با عمل تزکیه‌ی بیشتر، شخص به‌طور حقیقی تزکیه را در ورای فای دنیای سه‌گانه شروع خواهد کرد، که تزکیه‌ی بدن بودا نیز نامیده می‌شود. تمام بدن، متشکل از گونگ خواهد بود. در این مرحله شین‌شینگ شما پایدار و ثابت شده است. تزکیه را مجدداً شروع می‌کنید و می‌بینید که توانایی‌های فوق‌طبیعی‌تان دوباره از اول رشد می‌کنند، اما آن‌ها دیگر توانایی‌های فوق‌طبیعی نامیده نمی‌شوند. آن‌ها "قدرت خدایی فای بودا" نامیده شده و می‌توانند در همه‌ی بُعدها با قدرت‌های بی‌حد و مرزشان عمل کنند. در آینده همان‌طور که به تزکیه ادامه می‌دهید، خودتان به مسائل در سطوح بالاتر، این‌که چگونه تزکیه کنید و به شکل‌های هستی‌روش تزکیه آگاه خواهید شد.

وابستگی شوق و اشتیاق بیش از حد

بگذارید در مورد مشکلی صحبت کنیم. در مورد وابستگی شوق و اشتیاق بیش از حد. بسیاری از افراد برای مدت زمانی طولانی چی‌گونگ را تمرین کرده‌اند. افرادی نیز وجود دارند که هرگز آن‌را تمرین نکرده‌اند، اما در طلب حقیقت و معنی زندگی بشری بوده و درباره‌ی آن به فکر فرو رفته‌اند. وقتی فالون دافای ما را یاد بگیرند، به یک‌باره پاسخ بسیاری از سؤالاتی را که در زندگی آرزوی فهم آن‌ها را داشتند اما نتوانستند، خواهند فهمید. و همان‌طور که تفکرشان به کمی بالاتر صعود می‌کند، ممکن است واقعاً هیجان‌زده شوند. مطمئناً این‌طور است. می‌دانم که یک تمرین‌کننده‌ی واقعی به ارزش آن پی خواهد برد و آن‌را عزیز خواهد داشت. اما این مشکل اغلب اتفاق می‌افتد: شخص به واسطه‌ی هیجان بشری، شوق و اشتیاق بیش از حدی را رشد می‌دهد، چیزی که نباید این‌طور باشد، و منجر به این می‌شود که او در روشی که کارها را انجام می‌دهد، یا وقتی در جامعه‌ی مردم عادی با افراد دیگر در تماس است یا وقتی در جامعه‌ی مردم عادی است، به‌طور غیرعادی رفتار کند. می‌گوییم که این خوب نیست.

اکثریت افراد مدرسه‌ی ما در جامعه‌ی مردم عادی تزکیه خواهند کرد، بنابراین نباید از جامعه‌ی مردم عادی فاصله بگیرید و باید با فکری روشن تزکیه کنید. روابط بین همدیگر باید به‌طور طبیعی باقی بماند. البته، شما شین‌شینگی در سطحی بسیار بالا و ذهنی درست دارید. شما شین‌شینگ و سطح خود را رشد می‌دهید، کارهای نادرست انجام نداده و فقط کارهای خوب انجام می‌دهید- باید این‌گونه باشید. بعضی از افراد طوری رفتار می‌کنند که انگار از لحاظ ذهنی غیرعادی‌اند یا این‌که از این جهان دنیوی سرخورده و دلسرد هستند. چیزهایی می‌گویند که دیگران نمی‌فهمند. دیگران خواهند گفت، "فالون دافا چه بر سرش آورده که او را این‌طوری کرده؟ مثل این‌که به سرش زده". درواقع، این‌طور نیست. او فقط بیش از حد هیجان‌زده است، معقول نیست و طبیعی رفتار نمی‌کند. همگی درباره‌ی این بیندیشید: این‌طور رفتار کردن نیز اشتباه است و به افراطی دیگر رفته‌اید و این نیز وابستگی دیگری است. باید این را رها کنید و درحالی که به‌طور معمولی مثل همه در بین مردم عادی زندگی می‌کنید تزکیه کنید. اگر در بین مردم عادی، دیگران شما را یک واله و شیدا به حساب بیاورند، با شما سر و کاری نخواهند داشت و از شما فاصله خواهند گرفت. هیچ کسی فرصت‌هایی را برای رشد شین‌شینگ در اختیارتان نخواهد گذاشت. هیچ کسی شما را یک فرد عادی درنظر نخواهد گرفت. چه‌قدر بد است! بنابراین همگی باید مطمئن باشید که به این مسئله توجه دارید، و باید خود را به‌خوبی اداره کنید.

روش تزکیه‌ی ما مثل روش‌های معمولی نیست که باعث شود شخص حضور ذهن نداشته باشد، در خلسه باشد، یا واله و شیدا شود. در روش تزکیه‌ی ما باید کاملاً آگاه باشید که درحال تزکیه‌ی خودتان هستید. برخی از افراد

مدام می‌گویید، "معلم، به محض این که چشمم را می‌بندم بدنم تاب می‌خورد". می‌گویم که لازم نیست ضرورتاً این‌طور باشد. شما عادتاً را پرورش داده‌اید که خودآگاه اصلی را رها می‌کنید. به محض این که چشم‌تان را می‌بندید، خودآگاه اصلی را استراحت می‌دهید و آن ناپدید می‌شود. چنین عادتاً را شکل داده‌اید. چرا درحالی که این‌جا نشست‌اید بدن‌تان تاب نمی‌خورد؟ اگر حالتی را که وقتی چشم‌تان باز است دارید، حفظ کنید و اندکی چشم‌تان را ببندید، آیا بدن‌تان تاب خواهد خورد؟ مطلقاً نه. فکر می‌کنید که چی‌گونگی باید به این طریق تمرین شود و چنین برداشتی را شکل داده‌اید. به محض این که چشم‌تان را می‌بندید، بدون این که بدانید کجا هستید ناپدید می‌شوید. گفته‌ایم که خودآگاه اصلی شما باید هشیار باشد، چرا که این روش، خود شما را تزکیه می‌کند. باید با فکری هشیار پیشرفت کنید. ما یک تمرین مدیتیشن نیز داریم. چگونه مدیتیشن را تمرین می‌کنیم؟ لازم می‌دانیم که همگی شما، بدون توجه به این که چه اندازه عمیقاً مدیتیشن می‌کنید، آگاه باشید که این‌جا درحال تمرین کردن هستید. مطلقاً اجازه ندارید به مرحله‌ی خلسه، که در آن از هیچ چیز آگاه نیستید بروید. پس، دقیقاً چه چیزی را تجربه خواهید کرد؟ آن‌چه که اتفاق می‌افتد این است که وقتی آن‌جا بنشینید، احساس خوب و بسیار راحتی خواهید داشت، مثل این‌که در داخل پوسته‌ی یک تخم مرغ نشسته‌اید، آگاه خواهید بود که درحال انجام تمرین هستید، اما احساس خواهید کرد که تمام بدن‌تان نمی‌تواند حرکت کند. این آن چیزی است که باید در تزکیه‌ی ما اتفاق بیفتد. موقعیت دیگری وجود دارد که وقتی مدتی می‌نشینید، در می‌یابید که پاها ناپدید شده‌اند و نمی‌توانید بفهمید کجا رفته‌اند، بدن نیز ناپدید می‌شود، بازوها و دست‌ها نیز ناپدید می‌شوند، فقط سر باقی می‌ماند. همان‌طور که به مدیتیشن ادامه می‌دهید، متوجه می‌شوید که سرتان ناپدید شده و فقط ذهن‌تان باقی مانده است، فقط کمی آگاهی وجود دارد که واقف به تمرین در این‌جا است. اگر بتوانید به این مرحله برسید، به اندازه‌ی کافی خوب است. چرا؟ وقتی شخص در این حالت تمرین می‌کند، بدن کاملاً درحال تبدیل شدن است و این بهترین حالت است. بنابراین این دلیل آن است که چرا ما لازم می‌دانیم به چنین حالتی از سکون برسید. اما شما نباید به خواب بروید یا آگاهی‌تان را از دست بدهید، وگرنه ممکن است چیزهای خوب به‌وسیله‌ی فرد دیگری تمرین شود.

تمام تمرین‌کنندگان ما باید مطمئن باشند که هرگز رفتاری غیرعادی در بین مردم نداشته باشند. اگر نقش بدی را بین مردم ایفا کنید، دیگران ممکن است بگویند، "برای چه آن‌هایی که فالون دافا را یاد می‌گیرند همگی به این شکل رفتار می‌کنند؟" این به مثابه‌ی تضعیف کردن شهرت فالون دافا است، پس مطمئن باشید که واقعاً به این مسئله دقت می‌کنید. در روند تزکیه، در زمینه‌های دیگر نیز باید مراقب باشید که وابستگی شوق و اشتیاق بیش از حد را رشد ندهید. این ذهنیت به‌راحتی می‌تواند توسط شیطان‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

تزکیه‌ی گفتار

تزکیه‌ی گفتار نیز چیزی است که در گذشته مذاهب آموزش می‌دادند. اما وقتی تزکیه‌ی گفتار را آموزش می‌دادند، عمدتاً به برخی از تمرین‌کنندگان حرفه‌ای مثل راهبان بودایی و کاهنان دئوئیستی که دهان‌شان را مهر و موم می‌کردند و هیچ چیزی نمی‌گفتند مربوط می‌شد. از آن‌جا که آن‌ها تمرین‌کنندگان حرفه‌ای بودند، قصد داشتند تا حد امکان از وابستگی‌های بشری رها شوند. آن‌ها معتقد بودند که به محض این که شخص فکر می‌کند، کارما است. مذاهب کارما را به "کارمای خوب" و "کارمای بد" تقسیم بندی کرده‌اند. بدون توجه به این‌که آن کارمای خوب یا کارمای بد باشد، با توجه به خالی بودن که مدرسه‌ی بودا از آن صحبت می‌کند یا هیچ بودنی که مدرسه‌ی دئو آموزش می‌دهد، کارما نباید به‌وجود آید. به همین دلیل، ادعا می‌کنند که هیچ کاری انجام نمی‌دهند، زیرا نمی‌توانند رابطه‌ی کارمایی مسائل را ببینند، یعنی، آیا آن مسائل خوب هستند یا بد، یا این که چه نوع رابطه‌ی کارمایی وجود دارد. یک تمرین‌کننده‌ی معمولی که به چنین سطح بالایی نرسیده است نمی‌تواند این مسائل را بفهمد، درنتیجه نگران است کاری که در ظاهر خوب به‌نظر می‌آید وقتی آن‌را انجام دهد به چیز بدی تبدیل شود. به همین جهت، تلاش می‌کنند

بی‌قصدی را تمرین کنند، آن‌ها اصلاً کاری انجام نمی‌دهند و به این شکل از به‌وجود آمدن کارما جلوگیری می‌کنند. دلیل آن این است که وقتی کارما به‌وجود آورید مجبورید آن‌را از بین ببرید، مجبورید زجر بکشید. به‌طور مثال، در مورد تمرین‌کنندگان ما، هم‌اکنون از پیش تعیین شده است که در چه مرحله‌ای روشن‌بین خواهید شد. اگر به‌طور غیرضروری چیزی را در نیمه‌ی راه به آن وارد کنید، باعث مشکلاتی در کل تزکیه‌تان خواهد شد. بنابراین فرد باید بی‌قصدی را تمرین کند.

وقتی مدرسه‌ی بودا تزکیه‌ی گفتار را آموزش می‌دهد، به این معنی است که گفتار شخص از ذهن او فرمان می‌گیرد. از این رو، فکر فرد مقاصدی دارد. وقتی ذهن شخص، فکری تولید کند، یا منجر به این شود که چیزی بگوید یا کاری را انجام دهد، یا وقتی به اندام‌های حسی عضوی یا چهار دست و پا فرمان دهد، به خودی خود می‌تواند نوعی از وابستگی که مردم دارند باشد. به‌طور مثال، نظرهای مختلفی که افراد دارند، "تو خوب هستی"، "او خوب نیست" یا "تو به‌خوبی تزکیه کرده‌ای"، "او به‌خوبی تزکیه نکرده است" و مانند آن، تمام این‌ها به خودی خود می‌توانند باعث تنش بین مردم شوند. حتی در حالت‌های روزمره مثل، "می‌خواهم این یا آن کار را انجام دهم" یا "این مسئله باید به این یا آن صورت انجام شود"، ممکن است این‌طور باشد که بدون این که متوجه شوید دیگران را برنجانید. از آن‌جا که تنش‌های بین مردم بسیار پیچیده است، امکان آن هست که ناآگاهانه کارما ایجاد کنید. پس، از آن‌جا که به این شکل است، آن‌ها دهان‌شان را کاملاً مهر و موم می‌کنند و کلمه‌ای هم نمی‌گویند. مذاهب تزکیه‌ی گفتار را خیلی جدی می‌گرفتند و در تمرین‌های مذهبی به این شکل انجام می‌شد.

اکثریت تزکیه‌کنندگان فالون دافای ما (به جز آن‌هایی که تزکیه‌کنندگان حرفه‌ای هستند) در بین مردم عادی تزکیه می‌کنند، بنابراین این اجتناب‌ناپذیر است که در جامعه‌ی معمولی انسانی به‌صورت یک فرد عادی زندگی کنیم و با جامعه در تماس باشیم. همه‌ی ما شغلی داریم و باید آن‌را به‌خوبی انجام دهیم. بعضی از مردم مجبورند به‌وسیله‌ی صحبت کردن شغل‌شان را انجام دهند، پس آیا این یک تضاد نیست؟ این یک تضاد نیست. چرا نیست؟ تزکیه‌ی گفتار که ما به آن اشاره می‌کنیم با تزکیه‌ی گفتار روش‌های دیگر بسیار متفاوت است. روش تزکیه‌ی ما متفاوت است، بنابراین چیزی که از شما انتظار داریم متفاوت است. وقتی شروع به صحبت کردن می‌کنیم باید هم‌سو با شین‌شینگ یک تمرین‌کننده صحبت کنیم، نباید اختلاف و ناسازگاری به‌وجود بیاوریم و چیزهای ناشایست بگوییم. شما یک تزکیه‌کننده هستید، بنابراین برای این که ببینید چیزی را بگویید یا نه، باید آن‌را با استانداردهای فای بسنجید. از سوی دیگر، ما باید درباره‌ی فای صحبت کرده و آن‌را پخش کنیم، بنابراین صحبت نکردن عملی نخواهد بود. تزکیه‌ی گفتار که ما آموزش می‌دهیم اشاره می‌کند به: چیزهای معمولی مثل شهرت و نفع شخصی که نمی‌توانید آن‌ها را رها کنید و چیزهایی که به کار واقعی یک تزکیه‌کننده در جامعه مرتبط نیست؛ مریدانی که در یک مدرسه در مورد چیزهای بیهوده با یکدیگر صحبت می‌کنند، چیزهایی که به‌خاطر وابستگی‌ها برای خودنمایی کردن انجام می‌شود؛ پخش کردن شایعات شنیده شده و صحبت کردن در مورد چیزهایی در جامعه با هیجان و علاقه‌ی خیلی زیاد. فکر می‌کنم که تمام این‌ها وابستگی‌هایی هستند که مردم عادی دارند و در این چیزها باید مواظب صحبت کردن مان باشیم. راهبان در گذشته این مسائل را بسیار جدی می‌گرفتند، زیرا آن‌ها می‌دانستند که با یک حرکت فکر کارما ایجاد می‌کردند. این دلیل آن است که چرا در مورد "بدن، زبان، ذهن" آموزش دادند. در مورد تزکیه‌ی بدن که صحبت کردند منظور این بود که شخص نباید کارهای نادرست انجام دهد، منظور از تزکیه‌ی زبان این بود که باید ساکت باشید و منظور از تزکیه‌ی ذهن این بود که حتی نباید در مورد چیزی فکر کنید. در گذشته، شرایط سختی برای این مسائل در تزکیه‌ی حرفه‌ای در معابد قائل بودند. ما باید بر طبق شین‌شینگ یک تمرین‌کننده رفتار کنیم و تا آن‌جا که آن‌چه را که باید بگویید و نباید بگویید به‌خوبی اداره کنید، خوب خواهد بود.

سخنرانی نهم

چی گونگ و ورزش‌های فیزیکی

در سطح معمولی، مردم به راحتی چی گونگ را به طور مستقیم به ورزش ربط می‌دهند. البته، در سطحی پایین، چی گونگ و ورزش‌های فیزیکی در خصوص دست یافتن به سلامتی جسم یکی هستند. اما روش‌های ویژه‌ی تمرین و رویکرد آن اختلاف زیادی با ورزش‌های فیزیکی دارد. برای رسیدن به بدنی سالم از طریق ورزش‌های فیزیکی، شخص باید بیشتر تمرین کند و ورزش‌هایش را افزایش دهد. اما تمرین چی گونگ درست برعکس است، به طوری که از شخص خواسته نمی‌شود حرکت کند. اگر هر گونه حرکت و فعالیتی در آن وجود داشته باشد، ملایم، آرام و آهسته است. آن حتی ساکن و بی حرکت است، از نظر شکل، با تمرین‌های فیزیکی تفاوت زیادی دارد. از دیدگاه سطحی بالا، چی گونگ فقط به شفا دادن و حفظ سلامتی محدود نیست، چرا که آن، چیزهای سطح بالاتر و معنی عمیقی دارد. چی گونگ درباره‌ی آن چیزهای کمی که در سطح مردم عادی قرار دارد نیست. آن فوق طبیعی است و جلوه‌های مختلفی در سطوح مختلف دارد. چی گونگ چیزی است که به فراسوی مردم عادی می‌رود.

آن‌ها در خصوص ماهیت تمرین‌ها نیز تفاوت زیادی دارند. برای این که بدن در این سطح رقابتی امروزی آماده شود و به استانداردهای آن برسد، از یک ورزشکار، مخصوصاً ورزشکار امروزی، خواسته می‌شود که مقدار تمرین‌ها را افزایش دهد. به همین جهت، فرد باید همیشه بدن را در شکلی عالی نگه دارد. برای رسیدن به این هدف، شخص باید مقدار تمرین‌ها را افزایش دهد تا گردش خون به اندازه‌ی کافی در بدن در جریان باشد، سوخت و ساز بدن را زیاد کند و همیشه آن را در موقعیت بهتر شدن نگه دارد. چرا باید سوخت و ساز بدن زیاد شود؟ برای این که بدن یک ورزشکار همیشه باید در حال بهتر شدن و در بهترین شرایط برای رقابت باشد. بدن انسان از سلول‌های بی شماری تشکیل شده است. همه‌ی آن‌ها روند زیر را دنبال می‌کنند: زندگی سلول تازه تقسیم شده بسیار قوی و در موقعیت رشد است. وقتی به نهایت رشد خود می‌رسد، نمی‌تواند بیش از آن به رشد ادامه دهد و فقط می‌تواند رو به زوال باشد تا این که از بین برود. سپس سلول تازه‌ای جای آن را می‌گیرد. برای مثال، بگذارید دوازده ساعت از روز را برای توضیح آن به کار ببریم. یک سلول در ساعت شش صبح تقسیم می‌شود و به رشد خود ادامه می‌دهد. ساعت هشت، نه، یا ده صبح، زمان‌های خوبی برای آن است. وقتی که ظهر فرا می‌رسد، دیگر نمی‌تواند به بالا حرکت کند و فقط می‌تواند پایین بیاید. در این زمان، سلول هنوز نیمی از عمر خود را باقی دارد، اما این نیمه‌ی عمر باقی مانده برای شرایط رقابتی یک ورزشکار نامناسب است.

پس، باید چه کار کرد؟ فرد باید تمرین‌ها را تشدید کند و گردش خون را زیاد کند و پس از آن، سلول‌های تقسیم شده‌ی جدید می‌توانند جایگزین سلول‌های قدیمی شوند. آن این مسیر را طی می‌کند. به عبارتی دیگر، قبل از این که سفر کامل سلول تمام شود یا وقتی که فقط نیمی از عمر آن باقی است، به وسیله‌ی سلول دیگر جایگزین می‌شود. در نتیجه بدن همیشه با قدرت باقی مانده و پیشرفت می‌کند. اما سلول‌های بشری نمی‌توانند به این صورت

بی‌وقفه تقسیم شوند، زیرا تعداد تقسیمات سلولی محدود است. فرض کنید یک سلول فقط بتواند یک‌صد بار در زندگی شخص تقسیم شود. درحقیقت، می‌تواند بیش از یک‌میلیون بار تقسیم شود. و فرض کنید وقتی که یک سلول یک‌صد بار برای یک فرد معمولی تقسیم شود، می‌تواند یک‌صد سال زندگی کند. اما این سلول درحال حاضر فقط نیمی از عمر خود را طی کرده است، بنابراین او می‌تواند فقط پنجاه سال زندگی کند. اما ندیده‌ایم که هیچ مشکل عمده‌ای برای ورزشکاران اتفاق بیفتد، زیرا امروزه ورزشکاران مجبورند قبل از این که به سی سالگی برسند بازنشسته شوند. مخصوصاً، امروزه سطح رقابت بسیار بالا است و تعداد ورزشکاران بازنشسته نیز بسیار زیاد است. بدین طریق یک ورزشکار می‌تواند یک زندگی معمولی را از سر بگیرد و به‌نظر نمی‌آید که بیش از حد تحت تأثیر قرار گرفته باشد. از لحاظ تئوری، اصولاً بدین صورت است. تمرین‌های فیزیکی می‌تواند فرد را در وضعیت فیزیکی خوبی نگه دارند، اما باعث کوتاه شدن زندگی شخص می‌شوند. از لحاظ ظاهری، یک ورزشکار در دوره‌ی نوجوانی مثل بیست ساله‌ها به نظر می‌آید، درحالی که در سن بیست سالگی شبیه سی ساله‌ها است. ورزشکاران معمولاً این برداشت را در مردم ایجاد می‌کنند که انگار سریع‌تر رشد کرده و زودتر پیر می‌شوند. بنابراین مزایا و معایب، هر دو وجود دارند. ما باید به هر دو روی سکه نگاه کنیم. درحقیقت، چنین مسیری را طی می‌کند.

تمرین چی‌گونگ دقیقاً برعکس تمرین‌های فیزیکی است. لازمه‌ی آن حرکات توان‌فرسا نیست. اگر هر حرکتی در آن وجود داشته باشد، ملایم، آرام و آهسته است. آن‌ها واقعاً آهسته هستند و افراد حتی گاهی اوقات بی‌حرکت و ساکن می‌شوند. شما می‌دانید که روش‌های تزکیه‌ی نشسته در خلسه لازم می‌دانند که به مرحله‌ی سکون برسند. هر موردی از قبیل ضربان قلب و گردش خون آهسته‌تر می‌شوند. در هندوستان، بسیاری از استادان یوگا وجود دارند که می‌توانند روزها زیر آب بنشینند یا روزها زیر زمین دفن شوند. آن‌ها می‌توانند کاملاً خود را ساکن کرده و حتی ضربان قلب‌شان را کنترل کنند. فرض کنید که سلول‌های شخص یک‌بار در روز تقسیم می‌شوند. یک تمرین‌کننده می‌تواند کاری کند که سلول‌های بدنش هر دو روز یک بار، یک بار در هر هفته، یک بار در هر دو هفته، یا حتی یک بار در مدت زمانی طولانی‌تر تقسیم شوند. پس او درحال حاضر زندگی‌اش را طولانی کرده است. این فقط به تمرین‌هایی مربوط می‌شود که بدون این که بدن را تزکیه کنند ذهن را تزکیه می‌کنند، زیرا آن‌ها نیز می‌توانند به این درجه برسند و زندگی فرد را طولانی‌تر کنند. ممکن است کسی فکر کند: "آیا زندگی فرد یا طول عمر او از قبل تعیین شده نیست؟ شخص چگونه می‌تواند بدون این که جسم را تزکیه کند، طولانی‌تر زندگی کند؟" این درست است، اما اگر سطح یک تمرین‌کننده به فراسوی سه قلمرو برسد، زندگی او می‌تواند طولانی‌تر شود، اما در ظاهر بسیار پیر به‌نظر خواهد رسید.

یک روش تزکیه‌ی واقعی که بدن را تزکیه می‌کند به‌طور پیوسته ماده‌ی با انرژی بالای جمع شده را در سلول‌های بدن شخص انبار می‌کند و به‌طور پیوسته آن را افزایش داده تا به‌تدریج سلول‌های عادی شخص را واپس زده و به آهستگی جایگزین آن‌ها شود. در این زمان یک تغییر کیفی به‌وجود خواهد آمد و این شخص تا ابد جوان باقی خواهد ماند. البته، روند تزکیه، روندی بسیار آهسته و تدریجی است و شخص باید فداکاری‌های زیادی کند. برای یک شخص خیلی آسان نیست که خود را از لحاظ ذهنی و فیزیکی تعدیل کند. وقتی شخص در یک تضاد شین‌شینگ با دیگران قرار دارد، آیا می‌تواند دروناً آرام باقی بماند؟ وقتی منافع شخصی او در خطر است آیا می‌تواند دروناً آرام باقی بماند؟ بسیار مشکل است که این‌طور عمل کرد، بنابراین این‌طور نیست که وقتی بخواهد به این هدف نائل شود، بتواند به آن برسد. فقط وقتی شین‌شینگ و تقوای او رشد کند می‌تواند به این هدف برسد.

بسیاری از مردم چی‌گونگ را با ورزش‌های فیزیکی معمولی یکی گرفته‌اند، درحالی که درحقیقت تفاوت بسیار زیاد است؛ آن‌ها به هیچ‌وجه شبیه هم نیستند. تنها چیز مشترک این است که در پایین‌ترین سطح، وقتی کسی در پایین‌ترین سطح، تمرین چی را انجام می‌دهد و سعی می‌کند برای داشتن بدنی سالم، خود را شفا داده و تندرست بماند؛ همان هدف تمرین‌های فیزیکی را دارد. اما وقتی به سطح بالایی می‌رسد، اصلاً شبیه آن‌چه به‌نظر می‌رسد

نیست. در پشت پالایش بدن در چی گونگ هدفی وجود دارد. بیشتر این که تمرین کنندگان چی گونگ باید از حقایق سطح بالا پیروی کنند، نمی‌توانند از حقایق مردم عادی پیروی کنند. در صورتی که تمرین‌های فیزیکی فقط چیزی مربوط به مردم عادی است.

نیت ذهنی

صحبت در مورد نیت ذهنی، صحبت در مورد فعالیت‌های ذهنی یک فرد است. جامعه‌ی تزکیه‌کنندگان چه نگرشی نسبت به فعالیت‌های ذهنی در مغز دارند؟ شکل‌های گوناگون تفکر افراد (نیت ذهنی) را چگونه در نظر می‌گیرند؟ و آن‌ها چگونه خود را نشان می‌دهند؟ پزشکی نوین در مطالعه‌اش در زمینه‌ی مغز بشری هنوز هم نمی‌تواند به بسیاری از سؤالات پاسخ دهد، زیرا آن به آسانی بررسی سطحی بدن ما نیست. آن‌ها در سطوحی عمیق‌تر و در بُعدهای مختلف، شکل‌های متفاوتی دارند. اما این شبیه آن‌چه که استادان چی گونگ گفتند نیز نیست. بعضی از استادان چی گونگ حتی خودشان هم آگاهی ندارند که موضوع از چه قرار است و نمی‌توانند آن‌را به روشنی توضیح دهند. آن‌ها تصور می‌کنند یک‌بار که از مغزشان استفاده کنند یا وقتی فکری را ایجاد کنند، قادر خواهند بود کاری را انجام دهند و بر همین اساس ادعا می‌کنند که از ذهن‌شان استفاده کردند تا آن کار را انجام دهند و نیت ذهنی‌شان آن کار را انجام داد. اما درحقیقت، آن کار اصلاً به‌وسیله‌ی نیت ذهنی‌شان انجام داده نشد.

بگذارید اول درباره‌ی منشاء افکار شخص صحبت کنیم. در چین باستان، اصطلاحی وجود داشت، "قلب درحال فکر کردن است". چرا می‌گفتند که قلب درحال فکر کردن است؟ علم چین باستان بسیار پیشرفته بود چراکه تحقیقاتش به‌طور مستقیم به موضوعاتی از قبیل بدن انسان، زندگی و جهان نشانه می‌رفت. بعضی افراد واقعاً احساس می‌کنند قلب آن‌ها است که فکر می‌کند، درحالی که دیگران احساس می‌کنند مغزشان است که فکر می‌کند. چرا چنین وضعیتی وجود دارد؟ این کاملاً قابل قبول است که بعضی از افراد درباره‌ی فکر کردن قلب صحبت می‌کنند. علت این است که دریافته‌ایم روح اصلی یک انسان عادی بسیار کوچک است و پیام واقعی فرستاده شده توسط مغز یک شخص، از خود مغز نمی‌آید، آن توسط مغز فرستاده نمی‌شود، بلکه توسط روح اصلی فرستاده می‌شود. روح اصلی فرد فقط در کاخ نیوان جای ندارد. کاخ نیوان که مدرسه‌ی دائو درباره‌ی آن صحبت می‌کند، آن چیزی است که علم پزشکی نوین ما غده‌ی صنوبری می‌نامد. اگر روح اصلی شخص در کاخ نیوان باشد، او واقعاً احساس می‌کند این مغز است که درباره‌ی چیزی فکر کرده یا پیام‌هایی را به خارج می‌فرستد. اگر در قلب کسی باشد شخص واقعاً احساس می‌کند قلب او در مورد موضوعی فکر می‌کند.

بدن انسان، جهانی کوچک است. بسیاری از موجودات زنده در بدن تمرین‌کننده می‌توانند جابه‌جا شوند. وقتی روح اصلی مکان خود را تغییر می‌دهد، اگر به طرف شکم حرکت کند، شخص واقعاً احساس می‌کند شکم درباره‌ی چیزی فکر می‌کند. اگر روح اصلی به نریمه‌ی ساق پا یا پاشنه‌ی پا حرکت کند، او احساس می‌کند نریمه‌ی ساق پا یا پاشنه‌ی پا درباره‌ی موضوعی فکر می‌کند. تضمین می‌شود به این صورت باشد، هر چند ممکن است کاملاً باورنکردنی به نظر بیاید. حتی وقتی هم که سطح تزکیه‌تان زیاد بالا نیست، متوجه وجود این پدیده خواهید شد. اگر بدن یک شخص روح اصلی نداشته باشد، اگر خلق و خوی، ویژگی و شخصیت نداشته باشد، اگر او این قبیل چیزها را نداشته باشد، فقط یک تکه گوشت است و انسانی کامل با خصوصیات فردی نیست. پس مغز بشری چه کارکردی دارد؟ اگر از من بپرسید، در شکل این بُعد مادی ما، مغز بشری فقط یک کارخانه‌ی پردازش است. پیام واقعی به‌وسیله‌ی روح اصلی به خارج فرستاده می‌شود. با این حال، آن‌چه انتقال داده می‌شود یک زبان نیست، بلکه پیامی از جهان بوده که نمایان‌گر معنی خاصی است. بعد از این که مغز ما چنین فرمانی را می‌گیرد، آن‌را به زبان حاضرمان یا به شکل‌های دیگری از بیان کردن برمی‌گرداند؛ ما آن‌را از طریق علامت‌های دست، تماس چشمی و حرکات بدنی ابراز می‌کنیم. این کاری است که مغز انجام می‌دهد. فرمان‌های واقعی و افکار، توسط روح اصلی شخص صادر می‌شوند. مردم

معمولاً معتقدند که آن‌ها عمل کرده‌ای مستقیم و مستقل مغز هستند. درحقیقت، روح اصلی بعضی مواقع در قلب است، به همین جهت برخی از مردم واقعاً می‌توانند احساس کنند که قلب‌شان فکر می‌کند.

درحال حاضر، آن‌هایی که درباره‌ی بدن بشری تحقیقات می‌کنند معتقدند آن‌چه مغز بشر بیرون می‌فرستد چیزی شبیه موج الکتریکی است. فعلاً در مورد این که به‌طور واقعی چه چیزی را بیرون می‌فرستد صحبت نخواهیم کرد، اما می‌توانیم بگوییم که آن‌ها اقرار کرده‌اند آن مادی است. بنابراین، این خرافات نیست. تأثیرات این ماده چیست؟ بعضی از استادان چی‌گونگ ادعا می‌کنند: "من می‌توانم از نیت ذهنی خود استفاده کنم تا چیزها را به حرکت درآورم" یا "می‌توانم از نیت ذهنی خود استفاده کنم تا چشم سوم شما را باز کنم" یا "می‌توانم از نیت ذهنی خود استفاده کنم تا بیماری شما را معالجه کنم" و مانند آن. حقیقت این است که بعضی از استادان چی‌گونگ حتی نمی‌دانند چه نوعی از توانایی‌های فوق‌طبیعی را در اختیار دارند و درباره‌ی آن‌ها روشن هم نیستند. فقط می‌دانند هرچه را که بخواهند، به محض این که درباره‌ی آن فکر کنند می‌توانند انجام دهند. درحقیقت، این نیت ذهنی آن‌ها است که عمل می‌کند: توانایی‌های فوق‌طبیعی به‌وسیله‌ی نیت ذهنی مغز هدایت می‌شوند و تحت فرمان نیت ذهنی، توانایی‌های فوق‌طبیعی وظایف معینی را به انجام می‌رسانند. اما نیت ذهنی به خودی خود نمی‌تواند کاری انجام دهد. وقتی تمرین‌کننده‌ای کارهای بخصوصی را انجام می‌دهد توانایی‌های فوق‌طبیعی اوست که کار را انجام می‌دهد.

توانایی‌های فوق‌طبیعی، توانایی‌های مادرزادی بدن انسان هستند. اما همان‌طور که جامعه رشد می‌کند، افکار در ذهن مردم پیچیده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود، مردم چیزهای عملی را جدی‌تر و جدی‌تر می‌گیرند و بیشتر و بیشتر به ابزار جدید متکی می‌شوند. درنتیجه، توانایی‌های مادرزادی بشر به‌طور روزافزونی تحلیل رفته است. مدرسه‌ی دائو رجعت به خود واقعی اولیه را آموزش می‌دهد. در جریان عمل تزکیه، باید در جستجوی حقیقت باشید و درنهایت به خود واقعی اولیه‌تان برگردید. فقط بعد از آن می‌توانید این توانایی‌های مادرزادی‌تان را آشکار کنید. این روزها آن‌ها را "توانایی‌های فوق‌طبیعی" می‌نامیم درحالی که همگی آن‌ها درواقع توانایی‌های مادرزادی بشر هستند. به نظر می‌آید جامعه‌ی بشری درحال پیشرفت باشد، اما درواقع سیر قهقربایی را می‌پیماید و از سرشت جهان دورتر می‌شود. اخیراً ذکر کردم که استاد جنگ گوئو بر روی الاغش عقب‌عقب می‌راند، اما شاید مردم نتوانستند منظور او را بفهمند. او پی برد به جلو رفتن همان به عقب حرکت کردن است و این که بشریت از سرشت جهان دورتر و دورتر شده است. در جریان تغییر و تحول جهان و مخصوصاً امروزه بعد از پیوستن به موج بزرگ تجارت‌گرایی، بسیاری از مردم از نظر اخلاقی فاسد شده و از سرشت جهان، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری دورتر و دورتر شده‌اند. آن‌هایی که در امتداد جریان مردم عادی حرکت می‌کنند نمی‌توانند به وسعت فساد اخلاقی بشر پی ببرند. درنتیجه بعضی اشخاص هنوز هم می‌پندارند که آن چیزها خوب هستند. فقط افرادی که از طریق تزکیه، شین‌شینگ آن‌ها رشد کرده است، با نگاهی به عقب پی می‌برند که ارزش‌های اخلاقی بشر به این گستردگی وحشتناک رو به زوال رفته است.

بعضی از استادان چی‌گونگ ادعا کرده‌اند، "من می‌توانم توانایی‌های فوق‌طبیعی شما را رشد دهم". چه توانایی فوق‌طبیعی را می‌توانند رشد دهند؟ بدون انرژی، توانایی‌های فوق‌طبیعی فرد نمی‌توانند عمل کنند. چگونه می‌توانید بدون انرژی، آن‌ها را رشد دهید؟ وقتی توانایی‌های فوق‌طبیعی فردی به‌وسیله‌ی انرژی خود او شکل نگرفته و تقویت نشده باشند، فکر می‌کنید بتوانید آن‌ها را رشد دهید؟ فراموش کنید. آن‌چه که آن‌ها درباره‌ی رشد توانایی‌های فوق‌طبیعی گفته‌اند چیزی به‌جز متصل کردن توانایی‌های فوق‌طبیعی رشد داده شده‌ی درحال حاضر شما به مغزتان نیست. آن‌ها با دستور نیت ذهنی مغزتان کار می‌کنند. در مورد رشد توانایی‌های فوق‌طبیعی، کاری که آن‌ها انجام می‌دهند این است. درواقع، هیچ‌کدام از توانایی‌های فوق‌طبیعی شما را رشد نداده‌اند، بلکه فقط این کار کوچک را انجام داده‌اند.

برای یک تمرین‌کننده، نیت ذهنی او به توانایی‌های فوق‌طبیعی فرمان می‌دهد که کارهایی را انجام دهد. برای مردم عادی، نیت ذهنی آن‌ها به چهار دست و پا و اعضای حسی‌شان فرمان می‌دهد که کار کنند، درست مثل اداره‌ی

تولید در کارخانه است: رئیس اداره برای هر بخش از قسمت‌های بخصوص دستورهای صادر می‌کند که وظایف‌شان را اجرا کنند. همچنین مثل مرکز فرماندهی ارتش است: اداره‌ی فرماندهی دستور می‌دهد و تمام ارتش را برای انجام مأموریت هدایت می‌کند. زمانی که در خارج از شهر سخنرانی‌هایی داشتم، اغلب درباره‌ی این موضوع با مسئولان انجمن‌های چی‌گونگ محلی بحث و گفتگو می‌کردم. همگی آن‌ها شگفت‌زده بودند، "ما مطالعاتی کرده‌ایم که ذهن بشری چه‌قدر انرژی بالقوه و آگاهی دارد". درحقیقت، به این صورت نیست. آن‌ها از آغاز در اشتباه بودند. گفته‌ام که برای مطالعه‌ی علم بدن بشری، تفکر شخص واقعاً باید عوض شود و شما نمی‌توانید با شیوه‌های منطقی یا درک مردم عادی به موضوعات بالاتر نگاه کنید.

حال که در مورد نیت ذهنی مشغول صحبت هستیم، می‌توانم به شما بگویم که شکل‌های دیگری از آن‌ها وجود دارد. برای مثال، بعضی از افراد در مورد آگاهی نهفته، نیمه خودآگاه، الهام، رؤیاها و غیره صحبت می‌کنند. در مورد رؤیاها، هیچ استاد چی‌گونگی مایل نیست توضیحی درباره‌ی آن‌ها بدهد. وقتی متولد شدید، در همان زمان یک "شما" نیز در بسیاری از بُعدهای جهان متولد شد و آن‌ها قسمتی از کل شما هستند، آن‌ها با هم مرتبط بوده و افکارشان به هم وصل است. شما روح اصلی، روح کمکی و موجودات مختلف دیگر را نیز دارید، همه نوع آن‌ها را؛ و آن‌ها تصویر خودشان را داشته و در بدن شما وجود دارند و هر سلول و هر یک از اعضای تان تصویر و پیام‌های شما را با خود دارند که همگی آن‌ها شکل‌هایی از هستی، در بُعدهای دیگر هستند. بدین ترتیب بی‌نهایت پیچیده است. در یک رؤیا، چیزها در یک لحظه ممکن است به این صورت و لحظه‌ای دیگر به صورت دیگری باشند. به هر حال، آن‌ها از کجا می‌آیند؟ در علم پزشکی گفته می‌شود به‌خاطر تغییراتی است که در پوسته‌ی مغز شما روی داده است. در این شکل مادی این‌گونه است، اما درحقیقت، آن نتیجه‌ی دریافت پیام‌هایی از بُعدهای دیگر است. به همین جهت، وقتی رؤیایی می‌بینید احساس گیجی می‌کنید. اما هیچ‌کدام از این‌ها ارتباطی به شما ندارند و نیازی نیست به آن‌ها توجه کنید. یک نوع از رؤیا وجود دارد که به‌طور مستقیم به شما مربوط می‌شود، اگرچه چنین رؤیایی را واقعاً نمی‌توانیم یک "رؤیا" بنامیم. خودآگاه اصلی یا روح اصلی شما ممکن است در یک رؤیا ببیند که یک عضو خانواده نزد شما آمده، یا این‌که ممکن است واقعاً چیزی را تجربه کرده باشید، یا این‌که چیزی را دیده یا انجام داده باشید. در این موارد، روح اصلی شما واقعاً در بُعدی دیگر کاری را انجام داده و یا چیزی را دیده است، این شما بودید که آن کار را انجام دادید و خودآگاه‌تان در آن مورد روشن بود و شما یک تجربه‌ی واقعی داشتید. این چیزها واقعاً وجود دارند. فقط این‌طور است که در بُعدهای دیگری وجود دارند و در زمان - مکان‌های دیگری انجام شدند. پس آیا می‌توانید بگویید که آن‌ها رؤیا هستند؟ نمی‌توانید. بدن فیزیکی شما قطعاً این‌جا خوابیده بود، از این رو برای شما فقط یک رؤیا است. فقط چنین رؤیاهایی مطلبی را دارند که به‌طور مستقیم به شما مربوط است.

در مورد الهام انسانی، نیمه خودآگاه، آگاهی نهفته و غیره، می‌گویم که این اصطلاحات به‌وسیله‌ی دانشمندان ساخته نشده‌اند. آن‌ها اصطلاحاتی هستند که به‌وسیله‌ی نویسندگان پرداخته شده و براساس مکالمه‌ی مردم عادی پایه‌گذاری شده‌اند، آن‌ها غیرعلمی هستند. "آگاهی نهفته" که مردم به آن اشاره می‌کنند چیست؟ مشکل است که آن‌را به‌طور واضح توضیح داد و بیش از اندازه مبهم است، زیرا پیام‌های گوناگون بشری پیچیده هستند و به‌صورت رشته‌هایی از خاطرات مبهم نمایان می‌شوند. درباره‌ی نیمه خودآگاه که مردم به آن اشاره می‌کنند، می‌توانیم به‌راحتی درباره‌ی آن توضیح دهیم. بر طبق تعریف نیمه خودآگاه، آن به انجام کاری توسط شخص، درحالی که ناآگاه است اشاره می‌کند. دیگران معمولاً خواهند گفت که این شخص این کار را نیمه آگاهانه یا به‌صورت غیرعمدی انجام داد. نیمه خودآگاه دقیقاً مثل خودآگاه کمکی است که درباره‌ی آن صحبت کردیم. وقتی که خودآگاه اصلی استراحت کرده و مغز را کنترل نمی‌کند، فرد آگاهی روشن و واضحی ندارد، مثل این‌که به خواب رفته است. شخص در یک رؤیا یا در موقعیتی غیرآگاه، به‌سادگی توسط خودآگاه کمکی یا روح کمکی مورد کنترل قرار می‌گیرد. در آن موقع، خودآگاه کمکی قادر است کارهای بخصوصی را انجام دهد، که می‌توان گفت کارهایی را بدون فکری روشن انجام می‌دهد. اما

معمولاً آن کارها اشتباه انجام نخواهند شد، زیرا خودآگاه کمکی می‌تواند از بُعدی دیگر سرشت موضوع را ببیند و به‌وسیله‌ی جامعه‌ی عادی بشری ما به گمراهی کشانده نخواهد شد. به همین جهت، بعد از این‌که شخص متوجه می‌شود که چه انجام داده است به عقب نگاه می‌کند، "چگونه توانستم این کار را به این بدی انجام دهم؟ من با فکری روشن این کار را به این صورت انجام نمی‌دادم". ممکن است الان بگویید که آن خوب نیست، اما وقتی ده روز یا نیم ماه بعد به عقب برگشته و نگاهی به آن بیندازید خواهید گفت، "وای! این بسیار خوب انجام شد! پس چگونه آن را انجام دادم؟" این موارد اغلب اتفاق می‌افتند. زیرا خودآگاه کمکی اهمیتی درباره‌ی تأثیر آن در آن زمان نمی‌دهد، به هر حال، آن اثر خوبی در آینده خواهد داشت. بعضی موارد نیز وجود دارند که هیچ پیامدی در آینده ندارند و فقط در آن لحظه اثراتی داشته‌اند. زمانی که خودآگاه کمکی این کارها را انجام می‌دهد، احتمالاً در آن موقع کار را به‌خوبی انجام داده است.

شکل دیگری از فکر وجود دارد: بدین معنی که، بعضی از شما با کیفیت مادرزادی خیلی خوب به‌راحتی می‌توانید توسط موجودات بالاتر کنترل شوید و کارهایی را انجام دهید. البته، این مسئله‌ی دیگری است و در اینجا درباره‌ی آن صحبتی نخواهد شد. عمدتاً از افکاری صحبت می‌کنیم که از طرف خودمان می‌آیند.

در مورد "الهام"، آن نیز اصطلاحی است که توسط نویسندگان ساخته شده است. به‌طور عمومی اعتقاد بر این است که الهام در مورد این است که کل دانشی که شخص در طول دوره‌ی زندگی خود به‌دست آورده، مثل جرقه‌ای در یک چشم به هم زدن به بیرون پرتاب می‌شود. می‌گوییم که بر طبق دیدگاه ماتریالیسم، شخص هرچه بیشتر در زندگی دانش جمع کند، بیشتر از مغز استفاده می‌کند و مغز تیزتر می‌شود. و وقتی به ایده‌ای نیاز دارد، آن بایستی به بیرون جاری شود و مسئله‌ای به‌نام الهام وجود نخواهد داشت. هر موقع که مردم چیزی را "الهام" می‌نامند یا وقتی الهام بیرون می‌آید، این گونه اتفاق نمی‌افتد. معمولاً زمانی که یک فرد از مغز استفاده می‌کند، آن را آن‌قدر مورد استفاده قرار می‌دهد تا این‌که احساس می‌کند دانش او مصرف شده و مثل این می‌ماند که او درمانده شده است. قادر به ادامه‌ی نوشتن یک صفحه کاغذ هم نیست، برای ساختن یک قطعه موسیقی ایده کم می‌آورد، یا این‌که نمی‌تواند یک پروژه‌ی تحقیقاتی علمی را کامل کند. در این زمان، شخص معمولاً خسته است، با مغزی ضایع شده و ته سیگارهایی که روی زمین پخش شده‌اند. سردرگم می‌شود، سردرد دارد و هنوز هم نمی‌تواند هیچ ایده‌ای بگیرد. درنهایت، تحت چه شرایطی الهام ظاهر می‌شود؟ اگر خسته باشد، فکر می‌کند: "فراموشش کن. کمی استراحت می‌کنم." زیرا هرچه بیشتر خودآگاه اصلی او مغزش را کنترل کند موجودات دیگر کمتر می‌توانند پا به میان بگذارند، با این استراحت و آرام گرفتن مغزش، ناگهان می‌تواند بدون قصد چیزی را از مغز خود به یاد آورد. اکثر الهام‌ها به این صورت ظاهر می‌شوند.

چرا الهام در این موقع ظاهر می‌شود؟ زیرا زمانی که مغز شخص به‌وسیله‌ی خودآگاه اصلی کنترل می‌شود، هرچه بیشتر از مغز استفاده کند، خودآگاه اصلی کنترل بیشتری دارد و خودآگاه کمکی کمتر می‌تواند پا به میان بگذارد. زمانی که شخص فکر می‌کند، سردرد دارد و رنج می‌برد، خودآگاه کمکی نیز رنج برده و سردرد بسیار دردناکی دارد. به‌عنوان قسمتی از این بدن و هم‌زمان تولد یافته از بطن یک مادر، او نیز قسمتی از این بدن را کنترل می‌کند. زمانی که خودآگاه اصلی شخص استراحت می‌کند، خودآگاه کمکی آن‌چه را که می‌داند در مغز منعکس می‌کند. به‌خاطر این‌که او می‌تواند سرشت موضوع را در بُعدی دیگر ببیند، بر طبق همان، کار انجام خواهد شد، کاغذ نوشته می‌شود، یا آن‌که قطعه‌ی موسیقی ساخته می‌شود.

بعضی افراد خواهند گفت، "چرا از خودآگاه کمکی استفاده نکنیم که کارها را انجام دهد؟" این درست مثل آن چیزی است که شخصی لحظه‌ای پیش در یک یادداشت سؤال کرد، "چگونه می‌توانیم با خودآگاه کمکی تماس برقرار کنیم؟" شما نمی‌توانید با او در تماس باشید زیرا تزکیه‌تان به‌تازگی شروع شده و برای تماس گرفتن هیچ‌گونه توانایی ندارید. بهتر است هیچ تماسی با او برقرار نکنید. انگیزه‌ی شما قطعاً یک وابستگی است. بعضی افراد ممکن است فکر کنند، "آیا می‌توانیم خودآگاه کمکی مان را به کار ببریم تا سرمایه‌ی بیشتری ایجاد کنیم و جامعه را سریع‌تر به پیش

برانیم؟ خیر! چرا خیر؟ برای این که آن چه خودآگاه کمکی شما می‌داند هنوز هم بسیار محدود است. بُعدها بسیار پیچیده بوده و تعداد سطوح بسیار زیاد است و ساختار جهان به‌طور وحشتناکی پیچیده می‌باشد، بنابراین خودآگاه کمکی فقط می‌تواند درباره‌ی آن چه که در بُعد خودش وجود دارد بداند و در فراتر از بُعد خودش به چیزی آگاه نیست. به‌علاوه، بُعدهای عمودی سطوح مختلف بسیار بسیار زیادی وجود دارد. رشد نوع بشر فقط می‌تواند به‌وسیله‌ی موجوداتی بالاتر در سطوحی بسیار بالا کنترل شود و آن بر طبق قوانین حاکم بر رشد، پیشرفت می‌کند.

جامعه‌ی عادی انسانی ما بر طبق قوانین حاکم بر تاریخ پیشرفت می‌کند. ممکن است بخواهید در مسیر بخصوصی رشد کند یا به چیزهای بخصوصی برسید، اما موجودات والا به این طریق فکر نمی‌کنند. آیا مردم زمان‌های گذشته به هواپیماها، قطارها و دوچرخه‌ها که امروزه آن‌ها را داریم نمی‌اندیشیدند؟ می‌گویم هیچ تضمینی نیست که به این چیزها نمی‌اندیشیدند. آنان نمی‌توانستند آن‌ها را به‌وجود بیاورند زیرا تاریخ هنوز تا آن مرحله پیشرفت نکرده بود. در ظاهر، از دیدگاه تئوری‌های متداول مردم عادی یا دانش بشری امروزه، فکر می‌کنید که نمی‌توانستند آن‌ها را به‌وجود بیاورند زیرا دانش مردم هنوز به این مرحله نرسیده بود. اما حقیقت این است که چگونگی رشد علم بشری نیز نظم و ترتیب تاریخ را دنبال می‌کند. اگر بخواهید انسان‌وار به هدف بخصوصی برسید، آن نمی‌تواند قابل دستیابی باشد. البته، افرادی هستند که خودآگاه کمکی آن‌ها می‌تواند به آسانی نقشی را ایفا کند. نویسنده‌ای ادعا می‌کند، "می‌توانم ده‌ها هزار کلمه در روز برای کتابم بنویسم بدون این که اصلاً خسته شوم. اگر بخواهم، می‌توانم بسیار سریع بنویسم و وقتی مردم آن را می‌خوانند هنوز هم فکر می‌کنند که خوب است". چرا این‌طور است؟ این نتیجه‌ی این است که خودآگاه کمکی و خودآگاه اصلی او، هر دو سهمی را به‌عهده می‌گیرند، خودآگاه کمکی او می‌تواند نیمی از کار را انجام دهد. اما همیشه به این صورت نیست. اکثر خودآگاه‌های کمکی، خود را خسته نمی‌کنند که در مسئله‌ای درگیر شوند و اگر از آن‌ها بخواهید که کاری را برای شما انجام دهند به چیز خوبی تبدیل نخواهد شد و به نتیجه‌ای برعکس منتهی خواهد شد.

ذهنی آرام

وقتی بسیاری از افراد تمرین می‌کنند ذهن‌شان نمی‌تواند آرام شود و به هر جایی می‌روند تا از استادان چی‌گونگ بپرسند، "معلم...چه کار کنم؟ چرا وقتی تمرین‌ها را انجام می‌دهم ذهنم نمی‌تواند ساکن شود؟ به محض این که ساکن می‌شوم دوباره شروع می‌کنم به فکر کردن درباره‌ی همه چیز، درباره‌ی هر چیزی خیال‌پردازی می‌کنم". آن واقعاً مهار نکردنی است، مثل یک رودخانه‌ی متلاطم، هر چیزی ظاهر می‌شود و شما هنوز نمی‌توانید ذهن‌تان را ساکن کنید. و چرا نمی‌توانید؟ بعضی افراد نمی‌توانند این را بفهمند و اعتقاد دارند که باید بعضی ترفندهای سری وجود داشته باشد. استادانی شناخته شده را پیدا خواهند کرد، "خواهش می‌کنم به من بعضی از ترفندهای پیشرفته را آموزش دهید تا ذهنم بتواند ساکن شود". به نظر من، این هنوز هم نگاه کردن به بیرون است. اگر بخواهید خودتان را رشد دهید، باید به درون خود نگاه کنید و سخت روی ذهن‌تان کار کنید. آن تنها راهی است که بتوانید در مدیتیشن دروناً ساکن شوید. توانایی ساکن کردن ذهن‌تان، مهارت شما را نشان می‌دهد. قدرت تمرکزتان بازتابی از سطح شما است.

چگونه یک فرد عادی می‌تواند بنا به میل خود، ذهنش را ساکن کند؟ یک نفر اصلاً نمی‌تواند این کار را انجام دهد مگر این که از کیفیت مادرزادی بسیار خوبی برخوردار باشد. به بیانی دیگر، علت اصلی برای این که شخص قادر نیست دروناً ساکن شود مسئله‌ی تکنیک نیست، بلکه این است که فکر یا ذهن‌تان پاک نیست. در جامعه‌ی عادی انسانی و در بین تضادهای شخصی، از روی احساسات و آرزوهای انسانی و آن احساساتی که به آن‌ها وابسته هستید، برای نفع شخصی رقابت و جنگ و دعوا به‌راه می‌اندازید. اگر این مسائل را رها نکنید و با آن‌ها به آسانی برخورد نکنید چگونه می‌توانید به‌راحتی به سکون برسید؟ برخی از افرادی که تمرین چی‌گونگ را انجام می‌دهند ادعا می‌کنند، "آن را باور نمی‌کنم. من ذهنم را آرام می‌کنم و آن افکار مهار نکردنی را نخواهم داشت". به محض این که این بیان می‌شود،

تمام افکار دوباره سر و کله‌شان پیدا می‌شود. این ذهن شما است که پاک نیست و این دلیل آن است که چرا نمی‌توانید ساکن شوید.

ممکن است بعضی از افراد با نگرش من موافق نباشند، "آیا بعضی از استادان چی‌گونگ استفاده از تکنیک‌های خصوصی را به مردم آموزش نمی‌دهند؟ فرد می‌تواند تمرکز کند، چیزی را مجسم کند، به دُن‌تی‌ان تمرکز کند، درونی به دُن‌تی‌ان نگاه کند، نام بودا را به‌صورت ذکر بخواند و مانند آن". این‌ها انواعی از تکنیک‌ها هستند. اما صرفاً تکنیک نیستند، بلکه انعکاسی از درجه‌ی مهارت فرد نیز هستند. بر همین اساس، این توانایی‌ها مستقیماً به تزکیه‌ی شین‌شینگ ما و سطح پیشرفت و رشد ما ارتباط دارند، او نمی‌تواند فقط با استفاده کردن از چنان تکنیک‌هایی، ذهنش را ساکن کند. باور نمی‌کنید؟ امتحان کنید. با امیال و وابستگی‌های قدرتمند مختلف و بدون این‌که قادر باشید هر چیزی را رها کنید، سعی کنید و ببینید آیا می‌توانید به سکون برسید. بعضی افراد می‌گویند خواندن نام بودا به‌صورت ذکر، این کار را خواهد کرد. آیا می‌توانید با خواندن نام بودا به‌صورت ذکر به سکون برسید؟ افرادی هستند که می‌گویند، "تزکیه‌ی مدرسه‌ی بودا آمی‌تابا آسان است. فقط با خواندن نام بودا به‌صورت ذکر کار می‌کند". آیا آن‌را امتحان کرده‌اید؟ می‌گویم آن نشانه‌ای از مهارت شما است. شما می‌گویید که آن آسان است، اما من می‌گویم به این آسانی نیست، زیرا هیچ مدرسه‌ی تزکیه‌ای آسان نیست.

همه می‌دانید که شاکيامونی "تمرکز" را آموزش داد. اما او قبل از تمرکز چه چیزی را آموزش داد؟ او "احکام" را آموزش داد. فقط وقتی می‌توانید به "تمرکز" برسید که تمام امیال و احساسات‌تان را از دست داده باشید، زمانی که هیچ چیز باقی نمانده باشد. آیا این‌گونه نیست؟ اما "تمرکز" نیز یک مهارت است و شما قادر نخواهید بود که یک‌باره به‌طور کامل به "احکام" عمل کنید. همان‌طور که به‌طور تدریجی همه‌ی چیزهای نادرست‌تان را از دست می‌دهید، توانایی تمرکز کردن قدم به قدم رشد خواهد کرد. وقتی شخص نام بودا را به‌صورت ذکر می‌خواند، باید آن‌را بدون هیچ فکر پراکنده‌ای بخواند، نمی‌تواند هیچ چیزی در ذهنش داشته باشد، او به‌صورت ذکر می‌خواند تا این‌که تمام قسمت‌های دیگر مغزش بی‌حس شوند و آگاهی خود را به همه چیز از دست بدهد، یک فکر جایگزین هزاران فکر شود و هر کلمه‌ی "بودا آمی‌تابا" در جلوی چشمانش ظاهر شود. آیا این یک مهارت نیست؟ آیا شخص می‌تواند این کار را از همان روز اول انجام دهد؟ او نمی‌تواند. اگر شخص نتواند آن‌را انجام دهد، مطمئناً نمی‌تواند به سکون دست یابد. باور نمی‌کنید؟ امتحان کنید. درحالی که دهان او پیوسته نام بودا را به‌صورت ذکر می‌خواند، ذهنش به هر چیزی فکر می‌کند، "چرا رئیس در محل کار این اندازه از من بیزار است؟ چرا این ماه پاداش کمی به من داده". هرچه بیشتر درباره‌ی آن فکر می‌کند، بیشتر عصبانی می‌شود، اما دهانش هنوز هم درحال خواندن نام بودا به‌صورت ذکر است. آیا فکر می‌کنید این شخص بتواند این چنین تمرین کند؟ آیا این موضوعی از مهارت نیست؟ آیا این موضوعی از پاک نبودن ذهن شما نیست؟ چشم سوم برخی از افراد باز است و آن‌ها می‌توانند به درون بدن‌شان نگاه کنند و دُن‌تی‌ان را ببینند. از آن‌جا که دُن در منطقه‌ی زیر شکم شخص جمع می‌شود، هرچه این انرژی خالص‌تر باشد، درخشان‌تر و براق‌تر می‌شود، هرچه این انرژی کمتر خالص باشد کدرتر و سیاه‌تر خواهد بود. آیا فرد می‌تواند فقط با نگاه کردن درونی به دُن در دُن‌تی‌ان به سکون برسد؟ فرد نمی‌تواند به آن دست یابد. این به خود تکنیک مربوط نیست. نکته‌ی کلیدی این است که ذهن و افکار شخص پاک و روشن نیست. وقتی به‌طور درونی به دُن‌تی‌ان نگاه می‌کنید، دُن زیبا و درخشان دیده می‌شود. لحظه‌ای دیگر، دُن به یک آپارتمان تبدیل می‌شود. "این اتاق برای پسرمانی که ازدواج کند خواهد بود. آن اتاق برای دخترم است. به‌عنوان یک زوج پیر، در اتاق دیگر زندگی خواهیم کرد و اتاق مرکزی اتاق نشیمن خواهد شد. این فوق‌العاده است! آیا این آپارتمان به من تخصیص داده خواهد شد؟ باید فکر کنم تا راهی برای به‌دست آوردن آن پیدا کنم. باید چه کار کرد؟" مردم درست به این چیزها وابسته‌اند. آیا فکر می‌کنید بتوانید بدین طریق به سکون دست یابید؟ گفته شده است که، "آمدن من به این جامعه‌ی مردم عادی درست مثل اقامت من در

هتل است. این‌جا فقط چند روز اقامت کرده و سپس با عجله ترک خواهیم کرد". بعضی از مردم دقیقاً مشغول این مکان می‌شوند و خانه‌ی خود را فراموش کرده‌اند.

در تزکیه‌ی حقیقی باید قلب و ذهن خود را تزکیه کنید. باید درون خود را تزکیه کنید، به درون خود نگاه کنید، نمی‌توانید به بیرون نگاه کنید. بعضی از مدارس تزکیه می‌گویند بودا در قلب شما است و این نیز تا حدی واقعیت دارد. اما بعضی اشخاص این گفته را به اشتباه درک کرده و می‌گویند بودا در قلب‌شان است، مثل این که آن‌ها بودا هستند یا این که در قلب‌شان بودا وجود دارد. این‌را به این شکل فهمیده‌اند، اما آیا این اشتباه نیست؟ چگونه می‌تواند بدین صورت فهمیده شود؟ منظور این است که باید قلب‌تان را تزکیه کنید و آن تنها راه موفق شدن در تزکیه است. این اصل را می‌گوید. چگونه یک بودا می‌تواند در بدن شما باشد؟ اگر بخواهید یک بودا شوید مجبورید تزکیه کنید.

علت این که ذهن‌تان نمی‌تواند ساکن شود این است که ذهن‌تان خالی نیست و سطح شما به آن حد بالا نیست. آن از مرحله‌ی سطحی تا عمیق شدن پیشرفت می‌کند و دست در دست رشد سطح‌تان دارد. وقتی وابستگی‌ها را رها می‌کنید، سطح شما ترفیع یافته و توانایی در تمرکز نیز رشد می‌کند. اگر بخواهید از طریق بعضی تکنیک‌ها و روش‌ها به سکون برسید، می‌گوییم که در بیرون به دنبال کمک می‌گردید. این بدین معنی است که در تمرین‌تان به اشتباه رفته‌اید یا مسیری نادرست و منحرف را برگزیده‌اید که درست همان در بیرون به دنبال کمک گشتن است. به‌ویژه در بودیسم، اگر به بیرون نگاه کنید می‌گویند راهی اهریمنی رفته‌اید. در عمل تزکیه‌ی حقیقی باید ذهن‌تان را تزکیه کنید و فقط زمانی که شین‌شینگ‌تان را ترفیع می‌دهید ذهن‌تان می‌تواند به حالتی آرام و پاک و به مرحله‌ی بی‌قصدی نائل شود. فقط زمانی که شین‌شینگ شما ترقی کرده است می‌توانید در سرشت جهان جذب شوید و از شر خواسته‌ها و امیال مختلف انسانی، وابستگی‌ها و چیزهای نادرست دیگر خلاص شوید، چیزهای نادرست در بدن‌تان را بیرون بریزید و به بالا صعود کنید. شما به‌وسیله‌ی سرشت جهان محدود نخواهید شد و ماده‌ی تقوا می‌تواند به گونگ تبدیل شود. آیا آن‌ها دست در دست هم ندارند؟ این درست چنین اصلی است!

درخصوص این که چرا نمی‌توانید ساکن شوید، این دلیلی است که به شما ارتباط پیدا می‌کند، و آن به این علت است که نمی‌توانید به استاندارد یک تمرین‌کننده برسید. این روزها درخصوص محیط پیرامون ما، چیز دیگری نیز وجود دارد که به‌طور جدی برای تزکیه‌ی شما تداخل ایجاد کرده و شما را از تزکیه به‌سوی سطوح بالاتر متوقف می‌کند و تأثیر واقعاً بدی روی تمرین‌کنندگان می‌گذارد. همه می‌دانیم با اصلاحات اقتصادی و سیاست درب‌های باز، اقتصاد دوباره توانمند شده و مقررات کشور نیز محدودیت کمتری پیدا کرده است. تکنولوژی‌های جدید زیادی وارد شده و استاندارد زندگی مردم بهبود یافته است. تمام مردم عادی فکر می‌کنند این چیز خوبی است. اما اگر به دو طرف سکه نگاه کنید، اگر آن‌را مد نظر قرار دهید خواهید دید که با اصلاحات و گشودن درب‌ها، انواع و اقسام چیزهای بد نیز وارد شده است. اگر در کتاب یا مجله‌ای مقداری هزینه‌نگاری وجود نداشته باشد، به‌نظر نمی‌رسد بتواند به فروش برسد و آن‌ها نگران کمیت فروش می‌شوند. اگر فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی مقداری از صحنه‌های اتاق خواب را نشان ندهند، به‌نظر نمی‌رسد کسی آن‌ها را تماشا کند و آن‌ها نگران آمار بینندگان می‌شوند. در مورد کاری هنری، هیچ کسی نمی‌تواند بگوید که آن کاری واقعی است یا چیزی که سر هم کرده‌اند. در هنر سنتی چین باستان ما چنین چیزهایی وجود نداشت. میراث فرهنگی مردمان چین ما توسط هر کسی اختراع یا خلق نشده بود. هنگامی که در مورد فرهنگ ماقبل تاریخ صحبت می‌کردم اشاره کردم که هر چیزی اصل و مبدایی دارد. اما حالا حتی استانداردهای اخلاقی مردم تحریف شده و تغییر یافته است و حتی استانداردهای سنجیدن خوبی و بدی نیز تغییر کرده است. حداقل در مورد مردم عادی مسائل این‌گونه است. اما سرشت این جهان، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری، به‌عنوان تنها ملاک تمایز انسان خوب از انسان بد، بدون تغییر باقی می‌ماند. شما یک تمرین‌کننده هستید، بنابراین اگر بخواهید به بالا ترقی کرده و به فراسوی آن بروید، باید این محک را برای ارزیابی مسائل مورد استفاده قرار دهید، نمی‌توانید استاندارد مردم عادی را

مورد استفاده قرار دهید. بنابراین درخصوص محیط، این نوع از تداخل وجود دارد. و فقط به این چیزها محدود نمی‌شود، انواع و اقسام چیزهای آشفته مثل هم‌جنس بازی، آزادی‌های جنسی، استفاده از مواد مخدر نیز پدیدار شده‌اند.

وقتی جامعه‌ی بشری به این شکل امروزی رسیده است، درباره‌ی این بیندیشید، اگر پیش‌تر برود به چه شکل خواهد شد؟ آیا می‌توان اجازه داد برای ابد به این صورت بماند؟ اگر موجودات بشری برای آن کاری انجام ندهند، آسمان انجام خواهد داد. هر موقع که بشر مصیبت و بلایی را تجربه می‌کند، همیشه تحت چنین شرایطی بوده است. در تمام کلاس‌هایم هرگز درباره‌ی فاجعه‌های بزرگ بشری صحبت نکرده‌ام. مذاهب در این مورد صحبت می‌کنند و بسیاری از افراد دیگر در مورد این موضوع داغ صحبت می‌کنند. این مسئله را برای همگی مطرح می‌کنم، پس همگی درباره‌ی آن بیندیشیم. در جامعه‌ی مردم عادی ما، استانداردهای اخلاقی بشر دست‌خوش چنین تغییری شده است! تنش‌های بین مردم به چنین سطح وسیعی رسیده است! آیا فکر نمی‌کنید این به یک مرحله‌ی فوق‌العاده خطرناکی رسیده است؟ بنابراین همان‌طور که به‌سوی سطوح بالا تزکیه می‌کنیم، این محیطی که در آن زندگی می‌کنیم نیز به‌طور جدی با ما تمرین‌کنندگان تداخل ایجاد می‌کند. عکس‌های برهنه آن‌جا قرار داده شده یا در وسط خیابان آویزان می‌شوند، به محض این که سرتان را بلند کنید آن‌ها را مشاهده می‌کنید.

زمانی لائو ذی بیان کرد: "وقتی شخصی دانا دائو را می‌شنود، آن‌را با پشتکاری تزکیه می‌کند." وقتی شخصی دانا دائو را یاد می‌گیرد، فکر می‌کند، "بالاخره راه درست تزکیه را پیدا کرده‌ام. چرا صبر کنم و از همین حالا تزکیه را شروع نکنم؟" به نظر من محیطی پیچیده و دشوار درعوض چیز خوبی است. هرچه آن پیچیده‌تر باشد، افراد بزرگ‌تری را به‌وجود خواهد آورد. اگر کسی بتواند خودش را به بالا و فراسوی محیط ارتقاء دهد، تزکیه‌اش محکم‌ترین خواهد بود.

اگر کسی باشید که واقعاً تصمیم به تزکیه کردن گرفته باشید، آن‌گاه می‌گوییم آن به چیز خوبی تبدیل خواهد شد. بدون وجود ناسازگاری‌ها یا بدون وجود فرصت‌هایی برای رشد شین‌شینگ‌تان نمی‌توانستید به بالا بروید. اگر همه‌ی مردم با همدیگر خوب باشند، چگونه می‌توانید تزکیه کنید؟ برای فردی که تزکیه‌کننده‌ای معمولی است، او "شخصی است معمولی که دائو را می‌شنود" و برای او فرقی نخواهد کرد که تزکیه کند یا نه، و این شخص به احتمال کمی در تزکیه موفق می‌شود. بعضی اشخاص که این‌جا حضور دارند فکر می‌کنند آن‌چه که معلم می‌گوید خوب و منطقی است، اما با بازگشت به محیط مردم عادی هنوز هم ممکن است فکر کنند نفع‌ها و سودهای فوری، حقیقی و عملی‌تر می‌باشند. بله، آن‌ها در دسترس هستند، اما چه فایده؟ نه تنها شما، بلکه بسیاری از میلیونرهای غربی و مردم پولدار نیز پی برده‌اند که بعد از مرگ چیزی باقی نخواهد ماند. دارائی‌های مادی با تولد به‌همراه نمی‌آیند، بعد از مرگ نیز آن‌ها را به‌همراه نخواهید برد، آن‌ها دروناً احساس پوچی کرده‌اند. اما چرا گونگ این‌قدر بالارزش و قیمتی است؟ زیرا آن مستقیماً روی روح اصلی شما حمل می‌شود و با تولد به همراه‌تان می‌آید و بعد از مرگ همراه‌تان خواهد بود. گفته‌ایم که روح اصلی از بین نمی‌رود و این خرافات نیست. بعد از آن که سلول‌های بدن فیزیکی ما بریزد، ذرات کوچک‌تر از سلول‌ها در بُعدهای فیزیکی دیگر از بین نمی‌روند. فقط یک پوسته است که ریخته می‌شود.

همه‌ی آن‌چه را که هم‌اکنون درباره‌ی آن صحبت کردم به مسئله‌ی شین‌شینگ فرد تعلق دارد. شاکيامونی و نیز بودی‌دارما چنین چیزی را بیان کردند، "این سرزمین شرقی چین مکانی است که در آن، مردانی با تقوای زیاد ساخته می‌شوند." در سراسر تاریخ بسیاری از راهبان و مردم چین درباره‌ی این موضوع بسیار سرفراز بوده‌اند. گمان کرده‌اند منظور این است که آن‌ها می‌توانند تا سطوح بالا تزکیه کنند. از این رو بسیاری از اشخاص از این موضوع راضی بوده و احساس خرسندی می‌کنند، "بله، ما چینی‌ها هستیم که خوبیم! کشور چین مکانی است که مردمی با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده و تقوای زیاد می‌سازد." درواقع، بسیاری از مردم معنی پشت آن‌را نمی‌فهمند. چرا کشور چین مکانی است که می‌تواند افرادی با تقوای زیاد به‌وجود آورد؟ و چرا آن‌جا مردم می‌توانند تا سطوح بالا تزکیه کنند؟ بسیاری از مردم منظور واقعی گفتار افراد در سطوح بالا را نمی‌دانند و قلمرو افرادی را که در سطوح بالاتر و قلمروهای بالاتر هستند یا وضعیت ذهنی‌شان را درک نمی‌کنند. بسیار خوب، بگذارید در مورد این که معنی آن چیست صحبت

نکنیم، به جای آن بگذارید فقط در این باره بیندیشیم: فقط در بین پیچیده‌ترین توده‌ی مردم یا در پیچیده‌ترین محیط می‌توانید تا سطوح بالا تزکیه کنید. این اشاره به این می‌کند.

کیفیت مادرزادی

کیفیت مادرزادی فرد به وسیله‌ی مقدار ماده‌ی تقوایی که او در بدنش در بُدهای دیگر دارد معین می‌شود. با تقوای کمتر و ماده‌ی سیاه بیشتر، میدان کارمایی فرد بزرگ‌تر بوده و کیفیت مادرزادی شخص، ضعیف در نظر گرفته می‌شود. با تقوا یا ماده‌ی سفید زیاد، میدان کارمایی فرد کوچک‌تر بوده و کیفیت مادرزادی شخص، خوب در نظر گرفته می‌شود. ماده‌ی سفید و سیاه شخص می‌توانند به یکدیگر تبدیل شوند. چگونه تبدیل می‌شوند؟ انجام کارهای خوب ماده‌ی سفید را به وجود می‌آورد. وقتی سختی‌ها را تحمل کرده، زجر کشیده یا کارهای خوب انجام دهید ماده‌ی سفید به دست می‌آورد، و وقتی کارهای بد انجام دهید یا کارهایی که خوب نیستند انجام دهید، ماده‌ی سیاه به وجود خواهید آورد و آن کارما است. بنابراین یک فرایند تبدیل وجود دارد. هم‌چنین آن می‌تواند به ارث برده شود. آن‌ها مستقیماً همراه روح اصلی شما حمل می‌شوند، بنابراین فقط مربوط به یک دوره‌ی زندگی نیستند، بلکه در طول سالیان درازی جمع می‌شوند. به همین دلیل است که مردم از جمع کردن کارما و جمع کردن تقوا صحبت می‌کنند. و آن‌ها می‌توانند از اجداد شخص نیز منتقل شوند. گاهی اوقات آن‌چه را که مردمان قدیمی چین گفتند یا آن‌چه را که مردم مسن می‌گویند به یاد می‌آورم: آن‌ها می‌گویند که اجداد شخص "تقوا جمع کردند" یا آن شخص "تقوای جمع شده" دارد یا "کمبود تقوا" دارد. چه قدر گفتارشان درست است. واقعاً درست است.

کیفیت مادرزادی یک شخص می‌تواند درک و فهم او را تعیین کند. کیفیت مادرزادی ضعیف می‌تواند درک و فهم یک شخص را ضعیف کند. چرا این طور است؟ زیرا فردی با کیفیت مادرزادی خوب، ماده سفید بسیار زیادی دارد، ماده‌ی سفید در هماهنگی کامل با جهان ما است، آن در هماهنگی با سرشت حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری است و هیچ شکافی وجود ندارد. و به این شکل سرشت جهان ما به طور مستقیم در بدنش متجلی می‌شود و مستقیماً با بدنش در ارتباط است. اما ماده‌ی سیاه درست برعکس است: آن‌را با انجام دادن کارهای بد به دست می‌آورید و آن برخلاف سرشت جهان است، بنابراین شکافی بین ماده‌ی سیاه و سرشت جهان ما وجود دارد. وقتی این ماده‌ی سیاه به مقدار بسیار زیادی انبار شده باشد، میدانی دور بدن شخص شکل می‌دهد و او را احاطه می‌کند. هرچه میدان بزرگ‌تر باشد، تراکم و ضخامت آن بیشتر بوده و آن، درک و فهم فرد را بدتر می‌کند، چراکه او قادر به دریافت سرشت جهان، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری نیست. در عین حال ماده‌ی سیاه را به دلیل این که کارهای بدی انجام داده است تولید کرده و در اغلب اوقات آن افراد، زیاد به تزکیه باور ندارند، درک و فهم‌شان ضعیف است و به میزان بیشتری توسط کارمای‌شان مسدود می‌شوند. هرچه درد و رنج بیشتری را متحمل شوند، کمتر به آن معتقد خواهند شد و تزکیه کردن برای آن‌ها سخت‌تر خواهد بود.

برای شخصی با ماده‌ی سفید فراوان تزکیه کردن آسان‌تر است. به این خاطر که در جریان تزکیه، تا آن‌جا که این فرد جذب سرشت جهان می‌شود و شین‌شینگ او رشد می‌کند، تقوای او مستقیماً به گونگ تبدیل می‌شود. اما برای شخصی با ماده‌ی سیاه فراوان یک فرایند دیگری نیز وجود دارد. درست مثل محصولی است که در یک کارخانه تولید می‌شود: دیگران با مواد آماده برای تولید می‌آیند، درحالی که این شخص با مواد خامی که به پردازش نیاز دارد می‌آید. او باید از میان این روند بگذرد. به همین جهت، ابتدا باید سختی‌هایی را تحمل کند و کارما را از بین ببرد تا آن‌را به ماده‌ی سفید تبدیل کند و ماده‌ی تقوا را شکل دهد. فقط پس از آن می‌تواند گونگ سطح بالا را رشد دهد. اما معمولاً چنین شخصی از کیفیت مادرزادی خوبی برخوردار نیست. اگر از او بخواهید بیشتر رنج بکشد، به آن کمتر معتقد خواهد بود و تحمل آن برایش سخت‌تر خواهد بود. به همین جهت، برای شخصی با ماده‌ی سیاه فراوان مشکل است که تزکیه کند. در زمان‌های گذشته، در مدرسه‌ی دائو یا مدرسه‌ی تزکیه‌ای که فقط به یک شاگرد آموزش می‌داد، معمولاً

این‌طور بود که به جای این‌که شاگرد در جستجوی استاد باشد، از استاد انتظار می‌رفت در جستجوی شاگرد باشد. آن‌ها افراد را بر اساس این‌که بدن‌شان چه مقدار از این ماده‌ها را با خود داشت انتخاب می‌کردند.

کیفیت مادرزادی تعیین‌کننده‌ی درک و فهم شخص است، اما این‌طور نیست که هیچ استثنایی وجود نداشته باشد. بعضی از افراد کیفیت مادرزادی بسیار خوبی ندارند، اما اوضاع و شرایط خانه‌شان بسیار خوب است؛ بسیاری از اعضای خانواده تزکیه می‌کنند. بعضی از آن‌ها نیز معتقدین مذهبی بوده و به موضوع تزکیه کردن خیلی اعتقاد دارند. در این محیط و اوضاع و احوال، شخص می‌تواند به تزکیه کردن معتقد شود، و درک و فهمش را بهبود بخشد. بنابراین مطلق نیست. و افرادی هم هستند که کیفیت مادرزادی بسیار خوبی دارند، اما به علت فراگرفتن آموزش‌هایی در جامعه که بر پایه‌ی دانش عملی و بسیار محدود است (مخصوصاً شیوه‌های منضبط شده‌ی تحصیلی که در چند سال قبل وجود داشت و مردم را واقعاً کوتاه‌فکر ساخت)، آن‌ها به هیچ چیزی ورای آن‌چه که می‌دانند باور ندارند. و این مسئله می‌تواند به‌طور جدی برای درک و فهم‌شان مانع ایجاد کند.

به‌طور مثال، زمانی که کلاسی داشتم و در روز دوم درباره‌ی باز شدن چشم سوم صحبت می‌کردم، شخصی وجود داشت که کیفیت مادرزادی‌اش خوب بود و چشم سومش در سطحی بسیار بالا باز شد. او صحنه‌های بی‌شماری را که خیلی از افراد دیگر نمی‌توانستند ببینند دید. به دیگران گفت، "وای، من دیدم فالون‌ها مثل دانه‌های برف در سراسر تالاری که فا درحال اشاعه بود روی بدن همه پایین می‌آمد. من دیدم بدن حقیقی معلم لی به چه شکلی بود. هاله‌ی معلم لی، شکل فالون و چه تعداد فاشن در آن‌جا وجود داشت را دیدم. من دیدم که معلم لی، فا را در سطوح مختلف آموزش می‌داد و دیدم که چه‌طور فالون، بدن شاگردان را متعادل می‌کرد. دیدم که وقتی معلم درحال صحبت کردن بود گونگ‌شین معلم در لایه لایه‌ی سطوح درحال آموزش بود. و دیدم دختران آسمانی گل‌افشانی می‌کردند و ..." او چیزهایی به این شگفت‌انگیزی دید، که به این معنی است که کیفیت مادرزادی‌اش کاملاً خوب بود. اما بعد از این‌که درباره‌ی همه‌ی آن‌ها صحبت کرد در انتها گفت، "من به این چیزها باور ندارم". بعضی از این چیزها هم‌اکنون به‌وسیله‌ی علم نوین ثابت شده‌اند و بسیاری از چیزهای دیگر نیز می‌توانند به‌وسیله‌ی علم نوین توضیح داده شوند و ما بعضی از آن‌ها را توضیح داده‌ایم. ما می‌توانیم آن‌را انجام دهیم زیرا آن‌چه که چی‌گونگ قادر بوده است بفهمد ورای آن‌چه که علم جدید فهمیده است می‌رود. قطعاً این‌طور است. بنابراین با درنظر گرفتن این مورد، می‌توانید ببینید که درک و فهم شخص فقط توسط کیفیت مادرزادی‌اش تعیین نمی‌شود.

روشن‌بینی

"روشن‌بینی چیست؟" روشن‌بینی اصطلاحی است که از مذهب می‌آید. در بودیسم، به فهم و برداشت تمرین‌کننده از قانون بودا، به روشن‌شدنش به حقایق مختلف و به روشن‌بینی نهایی‌اش، یعنی روشن‌بینی خرد اشاره می‌کند. اما این روزها توسط مردم عادی برای اشاره به کسی که زرنگ است یا می‌داند که در ذهن رئیس خود چه می‌گذرد و می‌تواند درجا به آن پی ببرد، کسی که می‌داند چگونه رئیس خود را راضی کند، استفاده می‌شود. مردم می‌گویند که او در روشن شدن به چیزها کیفیت خوبی دارد. معمولاً مردم آن‌را بدین صورت می‌فهمند. اما اگر اندکی از سطح مردم عادی بالاتر بروید، خواهید فهمید که آن‌چه مردم عادی به‌عنوان حقیقت می‌بینند معمولاً اشتباه است. برای ما "روشن‌بینی"، کاملاً با آن نوع روشن‌بینی تفاوت دارد. کیفیت روشن‌بینی یک شخص زبل حقه‌باز واقعاً ضعیف است، زیرا شخصی که بیش از حد زرنگ است گرایش دارد فقط کاری سطحی را انجام دهد تا از طرف رئیس یا سرپرست خود تقدیر شود. در این مورد، آیا کار واقعی توسط شخص دیگری انجام نخواهد شد؟ بنابراین، این شخص به دیگران مقروض خواهد شد. به‌خاطر این‌که او زرنگ است و می‌داند چگونه خرسندی دیگران را به‌دست آورد، منفعت بیشتری را کسب می‌کند، درحالی که دیگران از ضررهای بیشتری رنج خواهند برد. به‌خاطر این‌که او زرنگ است، هیچ ضرری را متحمل نمی‌شود و هیچ چیزی را هم به آسانی از دست نمی‌دهد. درنتیجه، دیگران باید ضررهای

را متحمل شوند. هرچه بیشتر این منفعت‌های فوری ناچیز در نظر او مهم‌تر و مهم‌تر می‌شوند، بیشتر کوتاه‌فکر می‌شود و بیشتر احساس می‌کند که منفعت‌های مادی مردم عادی چیزی است که نباید آن‌ها را رها کند. بنابراین فکر می‌کند که خودش بسیار واقع‌بین است و این که هیچ ضرری را متحمل نمی‌شود.

برخی از افراد حتی به این شخص رشک می‌برند! به شما می‌گویم به او رشک نبرید. شما نمی‌دانید او چه زندگی خسته‌کننده‌ای را می‌گذراند - نمی‌تواند به‌خوبی بخورد یا بخوابد، حتی در رؤیایها هم برای از دست دادن منافع شخصی در هراس است، و وقتی نوبت به نفع خودش می‌رسد، حتی برای پیش‌پاافتاده‌ترین چیزها سرسختی و پافشاری می‌کند. آیا نمی‌گویید که زندگی‌اش خسته‌کننده است؟ تمام زندگی‌اش برای آن اختصاص یافته است. می‌گوییم هنگامی که در یک ناسازگاری هستید اگر بتوانید یک قدم به عقب بردارید، دریا و آسمان را بی‌کران خواهید یافت. تضمین می‌کنم که چیزها متفاوت به‌نظر برسند. اما افرادی مثل او نمی‌توانند کوتاه بیایند. زندگی‌اش کاملاً خسته‌کننده است، پس نروید که از او یاد بگیرید. در جامعه‌ی تزکیه‌کنندگان گفته شده است، "چنین فردی کاملاً از دست رفته است. او به‌خاطر منفعت‌های مادی، کاملاً در بین مردم عادی فنا شده است." چه قدر مشکل است که از او درخواست کرد تقوای خود را حفظ کند! به او پیشنهاد کنید که تزکیه کند، به‌طرف شما برمی‌گردد، "تزکیه؟ شما تمرین‌کنندگان حتی وقتی مورد حمله قرار می‌گیرید تلافی نمی‌کنید، یا وقتی توهین می‌شوید جوابش را نمی‌دهید. مردم با شما به ناحق رفتار می‌کنند و قرار نیست شما از آن‌ها دلخوری و کینه نگه دارید. در عوض، باید برگردید و از آن‌ها تشکر کنید. همگی آه‌کی‌بو شده‌اید! همگی تان مشکل روانی دارید!" شخصی مثل او نمی‌تواند تزکیه کردن را بفهمد. می‌گوید شما باورنکردنی و احمق هستید. آیا قبول ندارید که نجات دادن او مشکل است؟

منظور ما از "روشن‌بینی" این نیست. برعکس، منظور ما از روشن‌بینی درحقیقت چیزی است که درخصوص علایق شخصی، او آن‌را "حماقت" می‌نامد و منظور ما از روشن‌بینی، آن است. البته این واقعاً احمق بودن نیست. این‌طور است که ما فقط چیزهایی را که به علایق شخصی مربوط می‌شود ساده می‌گیریم، درحالی که در زمینه‌های دیگر بسیار خردمند و عاقل هستیم. وقتی روی پروژه‌های تحقیقاتی علمی کار می‌کنیم، یا در انجام مأموریت‌هایی از طرف مدیران یا دیگر مسئولین، یا وقتی وظایف‌مان را انجام می‌دهیم، آن‌ها را به‌خوبی با فکری بسیار روشن انجام می‌دهیم. اما وقتی به منافع شخصی و تنش و ناسازگاری با افراد دیگر می‌رسد، آن موقع است که چیزها را سبک می‌گیریم. چه کسی شما را برای آن احمق خطاب خواهد کرد؟ هیچ کسی نخواهد گفت. تضمین می‌کنم.

بگذارید درباره‌ی شخصی که از نظر روانی کمی کندذهن است صحبت کنیم. در سطوح بالاتر، حقیقت درباره‌ی این موضوع کاملاً معکوس می‌شود. فردی که کندذهن است احتمالاً کارهای بد عادی جدی‌ای انجام نخواهد داد. هیچ راهی برای او نیست که برای نفع خود جنگ و رقابت کند. او به‌دنبال شهرت نیست و تقوا از دست نمی‌دهد. اما دیگران به او تقوا می‌دهند. آن‌ها او را می‌زنند و به او توهین می‌کنند، همگی به او تقوا می‌دهند و آن ماده واقعاً بالارزش است. در جهان ما قانونی وجود دارد: "بدون از دست دادن، چیزی به‌دست نمی‌آید." شخص باید برای به‌دست آوردن از دست بدهد. وقتی دیگران این شخص عقب‌افتاده را می‌بینند، او را تحقیر می‌کنند، "تو ابله بزرگ!" وقتی آن‌ها دهان‌شان را باز می‌کنند تا به او توهین کنند تکه‌ای از تقوا پرتاب می‌شود. وقتی با کسی بدرفتاری کرده‌اید، طرفی هستید که چیزی از او گرفته‌اید و بنابراین مجبورید چیزی از دست بدهید. وقتی کسی جلو رفته و به او لگدی بزند، "تو ابله بزرگ!" بسیار خوب، تکه‌ای دیگر از تقوا به آن طرف پرتاب می‌شود. وقتی کسی به او ناسزا گفته یا او را با لگد می‌زند، فقط لبخندی می‌زند، "ادامه بده، تو داری در این مدت به من تقوا می‌دهی و من تکه‌ای از آن‌را به تو بر نمی‌گردانم!" اگر حقایق سطوح بالاتر را به کار ببریم، درباره‌ی این بیندیشید، چه کسی زرنگ است؟ آیا او فرد زرنگی نیست؟ او زرنگ‌ترین است. او هیچ تقوایی از دست نمی‌دهد. وقتی به‌طرف او تقوا پرتاب می‌کنید آن‌ها را رد نمی‌کند و تمام آن‌ها را می‌پذیرد، همگی را با لبخندی قبول می‌کند. ممکن است در این زندگی عقب‌افتاده باشد، ولی در زندگی بعدی نخواهد بود، روح اصلی او عقب‌افتاده نیست. در برخی از مذاهب می‌گویند که اگر شخصی تقوای بسیار زیادی

داشته باشد، در زندگی بعدی اش صاحب منصبی والامقام می شود و یا این که ثروت زیادی جمع می کند. تقوایش با این چیزها مبادله می شود.

ما ذکر کرده ایم که تقوا می تواند مستقیماً به گونگ تبدیل شود. آیا ارتفاع سطح تزکیه تان از تبدیل این تقوا به دست نمی آید؟ آن می تواند مستقیماً به گونگ تبدیل شود. آیا گونگی که سطح شما یا قدرت توان شما را معین می کند از این ماده تبدیل نشده است؟ آیا نمی گوئید که آن بسیار بارز است؟ باید بدانید که آن با تولد به همراه آورده شده و با مرگ به همراه برده می شود. در بودیسم گفته می شود که سطح تزکیه ی شما ثمره ی شما است. هرچه بیشتر گذشت و فداکاری کنید بیشتر به دست خواهید آورد، درست چنین اصلی است. در برخی از مذاهب می گویند که شخص با تقوا در زندگی بعدی خود، صاحب منصبی عالی مقام خواهد شد یا این که ثروت زیادی به دست خواهد آورد، درحالی که فردی با تقوای کم، زندگی سختی خواهد داشت، حتی برای غذا گدایی خواهد کرد، زیرا تقوایی برای مبادله وجود ندارد. بدون از دست دادن، چیزی به دست نمی آید! وقتی شخص هیچ تقوایی باقی ندارد، بدن و روح او هر دو نابود خواهند شد، او واقعاً خواهد مرد.

در گذشته، استاد چی گونگی بود که وقتی برای اولین بار به نزد مردم آمد از سطح بسیار بالایی برخوردار بود. ذهن این استاد چی گونگ بعداً با شهرت و نفع خود مشغول شد. استادش روح کمکی او را با خود برد، زیرا او نیز به افرادی تعلق داشت که روح کمکی را تزکیه می کنند. زمانی که روح کمکی او هنوز همراه وی بود، او توسط آن روح کمکی کنترل می شد. به طور مثال، یک روز در محل کار او یک واحد آپارتمان تقسیم می کردند. سرپرست گفت، "هر کسی که به آپارتمان نیاز دارد به این جا بیاید و شرایط خود را شرح داده و توضیح دهد که چرا به آپارتمان نیاز دارد." هر کسی دلایل خود را ذکر کرد درحالی که این شخص کلمه ای به زبان نیاورد. در آخر، سرپرست دریافت که این شخص بیشتر از دیگران به آپارتمان نیاز دارد و آپارتمان باید به او داده شود. دیگران گفتند، "نه، آپارتمان نباید به او داده شود. باید به من داده شود زیرا بدجور به آن نیاز دارم." این شخص گفت، "بسیار خوب، پس می توانید آن را بگیرید." در چشم مردم عادی این شخص یک احمق است. بعضی از افراد می دانستند که او یک تزکیه کننده است و از او سؤال کردند، "شما تزکیه کنندگان هیچ چیزی نمی خواهید، پس چه چیزی می خواهید؟" او پاسخ داد، "هرچه را که دیگران نمی خواهند، چیزی است که من آن را می خواهم." درواقع، او اصلاً احمق نبود. کاملاً تیزهوش بود. برعکس، فقط در رابطه با منافع شخصی این گونه رفتار می کرد. او می گذاشت چیزها به طور طبیعی اتفاق بیفتند. دیگران دوباره از او سؤال کردند، "این روزها چه چیزی را یک شخص نمی خواهد؟" او گفت، "هیچ کسی تکه ای از سنگ روی زمین را که این جا و آن جا به آن لگد زده می شود نمی خواهد. پس من آن را برمی دارم." مردم عادی فکر می کنند که آن باورنکردنی است. مردم عادی نمی توانند تزکیه کنندگان را درک کنند. آن ها نمی توانند این را بفهمند، زیرا سطح آگاهی آن ها از هم بسیار دور است و شکاف بین سطح آن ها نیز بیش از حد بزرگ است. البته، او قصد نداشت آن سنگ را بردارد. او اصلی را گفت که فردی عادی نمی تواند آن را درک کند - "من در بین مردم عادی در جستجوی چیزی نخواهم بود." بگذارید درباره ی سنگ صحبت کنیم. شما می دانید در متون مقدس بودیستی نوشته شده است، "در بهشت سعادت غایی، درختان از طلا ساخته شده اند، زمین، پرنده ها، گل ها و خانه ها نیز طلا هستند و حتی بدن بودا نیز طلایی و درخشان است." حتی آن جا نمی توانید یک قطعه سنگ پیدا کنید. گفته می شود که از سنگ به عنوان پول استفاده می کنند. البته او یک تکه سنگ به آن جا نخواهد برد، اما این اصل را بازگو کرد که یک فرد عادی نمی تواند آن را درک کند. بدون شک یک تزکیه کننده اعتقاد دارد، "مردم معمولی طلب های خود را دارند اما ما در جستجوی آن ها نیستیم و ما به آن چه که مردم عادی دارند اهمیتی نمی دهیم. ولی آن چه که ما داریم چیزی است که مردم عادی حتی اگر بخواهند نمی توانند به دست بیاورند."

درواقع، "روشن بینی" که ما هم اکنون عنوان کردیم هنوز هم به آن نوع روشن بینی که در جریان عمل تزکیه است اشاره می کند. و این دقیقاً مخالف "روشن بینی" مردم عادی است. وقتی درمورد روشن بینی واقعی صحبت می کنیم

در مورد این است که آیا درحالی که تزکیه می‌کنیم، وقتی با مشکلات مواجه می‌شویم، می‌توانیم درک کنیم که تزکیه‌کننده هستیم؛ این که آیا فایه را که استاد آموزش می‌دهد یا دائویی را که استاد دائوئیستی آموزش می‌دهد می‌توانیم درک کنیم و بپذیریم، و این که آیا در جریان تزکیه می‌توانیم کارها را هم‌سو با فایه انجام دهیم. برخی از افراد بدون توجه به این که چگونه آن‌را توضیح می‌دهید به این چیزها باور ندارند و چیزهای عادی هنوز برای‌شان واقعی‌تر است. آن‌ها به عقاید سرسخت خود چسبیده و رها نمی‌کنند و این باعث می‌شود که نتوانند باور بیاورند. بعضی افراد فقط درباره‌ی شفای بیماری فکر می‌کنند. لحظه‌ای که گفتم چی‌گونگ واقعاً برای شفای بیماری نیست دل‌سرد و بی‌علاقه شدند و حالا به هر چیزی که گفته می‌شود باور نمی‌آورند.

بعضی از افراد نمی‌توانند کیفیت روشن‌بینی خود را بهبود بخشند. آن‌ها با بی‌اعتنایی چیزهایی را روی کتاب من می‌نویسند. تمرین‌کنندگان ما با چشم سوم باز، هر یک می‌توانند ببینند که این کتاب پر از رنگ‌های خیره‌کننده است و با نور طلایی می‌درخشد و هر کلمه نقشی از فاشن مرا در بردارد. اگر دروغ بگویم، همه را گول زده‌ام. آن علامت‌هایی که در کتاب می‌گذارید بسیار تاریک هستند. چگونه جرأت می‌کنید همین‌طوری روی آن علامت بگذارید؟ آیا می‌دانید ما این‌جا درحال انجام چه کاری هستیم؟ آیا شما را برای تزکیه کردن به‌سوی سطوح بالاتر راهنمایی نمی‌کنیم؟ باید درنگ کنید و در مورد بعضی چیزها کمی فکر کنید. این کتاب می‌تواند راهنمای عمل تزکیه‌ی شما باشد. آیا فکر نمی‌کنید که این کتاب باارزش است؟ آیا واقعاً می‌توانید با پرستش بودا، به‌طور حقیقی تزکیه کنید؟ شما بسیار با احترام هستید و حتی جرأت نمی‌کنید مجسمه‌ی بودا را به آرامی لمس کنید و برایش روزانه عود روشن می‌کنید، اما جرأت می‌کنید این دافا را که می‌تواند به‌طور حقیقی راهنمای تزکیه‌ی شما باشد دست‌کاری کنید.

وقتی در مورد درک و فهم یک شخص صحبت می‌کنیم، در مورد این است که درحالی که در جریان تزکیه هستید، چیزهای بخصوصی را که وقتی به سطوح مختلف وارد می‌شوید اتفاق می‌افتند یا چیزهای بخصوصی یا فایه بخصوصی را که استادتان به شما آموزش می‌دهد، چه‌قدر درک می‌کنید. اما منظور ما از روشن‌بینی اساسی این نیست. روشن‌بینی اساسی که ما درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم به این اشاره می‌کند: یک شخص در طول زندگی خود، از زمانی که تزکیه را شروع می‌کند، به صعود به سطوح بالاتر و به از دست دادن تمام امیال و وابستگی‌های بشری خود ادامه می‌دهد و گونگ او نیز به رشد خود ادامه داده تا این که در نقطه‌ای به آخرین قدم تزکیه‌اش می‌رسد. تقوای او، آن ماده، تماماً به گونگ تبدیل شده است، او به انتهای مسیر تزکیه‌ای که استادش نظم و ترتیب داد وارد خواهد شد و در یک آن "بنگ!" تمام قفل‌ها با انفجار باز خواهد شد. چشم سوم او به بالاترین نقطه‌ی سطحی که او در آن است خواهد رسید و در سطح خود، حقیقت بُعدهای گوناگون، اشکال هستی موجودات گوناگون در زمان - مکان‌های مختلف، اشکال هستی ماده در زمان - مکان‌های مختلف و حقیقت جهان‌مان را خواهد دید. تمام قدرت‌های خدایی‌اش نمایان خواهند شد و قادر خواهد بود با انواع مختلف موجودات تماس برقرار کند. در این زمان، آیا این شخص یک موجود روشن‌بین بزرگ نیست؟ آیا او شخصی که از طریق تزکیه روشن‌بین شده است نیست؟ وقتی به زبان هندی باستان ترجمه شود، او یک "بودا" است.

آن نوع روشن‌بینی، که درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم، یک نوع از روشن‌بینی، به‌صورت "روشن‌بینی ناگهانی" است. منظور از روشن‌بینی ناگهانی این است که شخص در تمام سال‌هایی که تزکیه می‌کند قفل است. او نمی‌داند که گونگش چه ارتفاعی دارد و از اشکال گونگی که تزکیه کرده آگاهی ندارد. نمی‌تواند هیچ چیزی را احساس کند و حتی تمام سلول‌های بدن او قفل و بسته هستند. تمام گونگی که او تزکیه کرده قفل است و تا آخرین قدم تزکیه به همین شکل باقی می‌ماند و سپس باز می‌شود. فقط فردی با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده می‌تواند از عهده‌ی این برآید، زیرا روند تزکیه به‌طور وحشتناکی طاقت‌فرسا است. او با یک انسان خوب بودن شروع می‌کند، همیشه شین‌شینگ را بهبود می‌بخشد، همیشه سختی‌ها را تحمل می‌کند، دائماً در تزکیه پیشرفت می‌کند و همیشه از خودش تقاضا دارد که

شین‌شینگ خود را رشد دهد، اما نمی‌تواند گونگ خود را ببیند. تزکیه‌ی چنین فردی سخت‌ترین است و او باید فردی با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده باشد. او بدون این‌که از چیزی آگاهی داشته باشد برای سال‌های طولانی تزکیه می‌کند.

شکل دیگری از روشن‌بینی وجود دارد که "روشن‌بینی تدریجی" نامیده می‌شود. بسیاری از افراد می‌توانند چرخش فالون را از همان ابتدا احساس کنند. در عین حال، چشم سوم همه را نیز باز کرده‌ام. به‌خاطر دلایل گوناگونی، بعضی از افراد قادر خواهند بود چیزهایی را اگر درحال حاضر نتوانند ببینند، در آینده ببینند. آن‌ها خواهند توانست از مبهم دیدن چیزها به دیدن آشکارتر و واضح‌تر دیدن آن‌ها برسند یا از ندانستن چگونگی استفاده از آن‌ها به دانستن چگونگی استفاده از آن‌ها برسند و سطح‌شان به‌طور پیوسته صعود خواهد کرد. همان‌طور که پیشرفت می‌کنید و شین‌شینگ شما بهبود می‌یابد و وابستگی‌های‌تان را رها می‌کنید، همه نوع توانایی فوق‌طبیعی‌تان به‌طرف سطح می‌آیند. و تمام تغییرات در طول جریان تزکیه و فرایند تبدیل بدن‌تان، تمام این‌ها به شکلی انجام می‌شوند که می‌توانید آن‌ها را ببینید یا احساس کنید. به این شکل ادامه می‌دهید تا به مرحله‌ی پایانی می‌رسید، به نقطه‌ای که به‌طور کامل حقیقت جهان را درک کرده‌اید و سطح‌تان به بالاترین نقطه‌ای که قرار بود در تزکیه به آن برسید رسیده است. تبدیل بنّی و تقویت توانایی‌های فوق‌طبیعی‌تان به نقطه‌ی بخصوصی رسیده است. به‌تدریج به تمام این‌ها می‌رسید. این، "روشن‌بینی تدریجی" است. این روش تزکیه‌ی روشن‌بینی تدریجی نیز آسان نیست. بعضی افراد وقتی توانایی‌های فوق‌طبیعی را به‌دست می‌آورند نمی‌توانند وابستگی‌های‌شان را رها کنند و تمایل دارند آن‌ها را به نمایش گذارند یا کارهای بدی انجام دهند. به این شکل گونگ‌تان پایین می‌آید و تزکیه‌تان بیهوده خواهد شد و در انتها نابود می‌شوید. بعضی از افراد قادر خواهند بود چیزها را ببینند و قادر خواهند بود جلوه‌های مختلف موجودات در سطوح مختلف را ببینند. ممکن است آن موجودات از شما بخواهند که این یا آن کار را انجام دهید یا از شما بخواهند که روش آن‌ها را تزکیه کنید و سعی کنند شما را به‌عنوان یک مرید ببرند. اما آن‌ها نمی‌توانند برای رسیدن به ثمره‌ی حقیقی به شما کمک کنند، چراکه آن‌ها نیز نتوانسته‌اند به ثمره‌ی حقیقی نائل شوند.

به‌علاوه، تمام موجودات در بُعدهای بالاتر فناپذیر هستند که می‌توانند بسیار بزرگ شوند و می‌توانند به‌طور کامل توانایی‌های فوق‌طبیعی‌شان را به نمایش بگذارند. اگر فکرتان درست نباشد، آیا آن‌ها را دنبال خواهید کرد؟ یک‌بار که آن‌ها را دنبال کنید، تزکیه‌تان به عبث خاتمه خواهد یافت. حتی اگر آن موجود یک بودای واقعی یا یک دائوی حقیقی باشد، باید تزکیه‌تان را دوباره از اول شروع کنید. آیا موجودات در سطوح مختلف آسمان، همگی موجودات آسمانی نیستند؟ فقط وقتی فرد به سطح بسیار بالایی از تزکیه رسیده و به هدف نائل شده است می‌تواند به فراتر از آن گام بردارد. به هر حال، برای فردی عادی، یک فرد فناپذیر مطمئناً می‌تواند بلند، عظیم و بسیار مستعد و لایق ظاهر شود. اما آن موجود ممکن است به ثمره‌ی حقیقی نائل نشده باشد. وقتی با انواع و اقسام پیام‌ها مورد تداخل قرار می‌گیرید و وقتی با انواع و اقسام صحنه‌ها تحریک می‌شوید، آیا می‌توانید دروناً تحت تأثیر قرار نگیرید؟ این دلیل آن است که چرا می‌گوییم تزکیه کردن با چشم سوم باز نیز سخت است. حتی محافظت کردن از شین‌شینگ‌تان سخت‌تر است. اما زیاد نگران نباشید، زیرا توانایی‌های فوق‌طبیعی برخی از تمرین‌کنندگان ما در جریان تزکیه، تا نیمه‌ی راه بسته خواهند بود و بعد از آن وارد مرحله‌ی روشن‌بینی تدریجی خواهند شد. چشم سوم همه‌ی شما را باز می‌کنیم، ولی توانایی‌های فوق‌طبیعی بسیاری از افراد اجازه ندارند ظاهر شوند. اما وقتی شین‌شینگ شما به‌تدریج به سطح بخصوصی برسد، وضعیت ذهنی‌تان پایدار شود و بتوانید خود را به‌خوبی اداره کنید، آن هنگام همگی آن‌ها را برای‌تان با انفجار کاملاً باز خواهیم کرد. بنابراین وقتی به سطح بخصوصی برسید، اجازه خواهید داشت که حالت روشن‌بینی تدریجی را تجربه کنید، چراکه در آن زمان کمی آسان‌تر است که خود را اداره کنید و هر نوع توانایی فوق‌طبیعی ظاهر خواهد شد و به تزکیه کردن به طرف بالا ادامه خواهید داد تا این‌که درنهایت همه چیز باز شود. به شما اجازه داده می‌شود که آن در نیمه‌ی راه تزکیه‌تان اتفاق بیفتد. بسیاری از تمرین‌کنندگان ما به این گروه تعلق دارند، پس مشتاق دیدن چیزها نباشید.

ممکن است شنیده باشید که بودیسم ذن نیز از تفاوت‌هایی بین روشن‌بینی ناگهانی و روشن‌بینی تدریجی صحبت کرده است. هوئی‌تینگ، ششمین روحانی بزرگ در بودیسم ذن به روشن‌بینی ناگهانی اعتقاد داشت درحالی که شین‌شی‌یو از مدرسه‌ی شمالی بودیسم ذن به روشن‌بینی تدریجی اعتقاد داشت. بحث و منازعه بین این دو برای مدت زمانی طولانی در فلسفه‌ی بودیست ادامه داشته است. اما من می‌گویم این بی‌معنی است. چرا؟ زیرا آن‌چه که آن‌ها درباره‌ی آن صحبت می‌کردند فهمیدن یک حقیقت در روند عمل تزکیه بود. در رابطه با آن حقیقت، بعضی‌ها ممکن است آن‌را به یک‌باره بفهمند، درحالی که دیگران ممکن است به تدریج به آن آگاه شوند یا آن‌را بفهمند. آیا این اهمیتی دارد که شخص چگونه به آن آگاه می‌شود؟ بهتر است آن‌را یک‌باره بفهمد، اما این نیز خوب است که به تدریج به آن آگاه شود. آیا در هر دو حالت، او به آن روشن‌بین نمی‌شود؟ هر دو روشن‌بینی هستند، در نتیجه هیچ‌یک از آن‌ها اشتباه نیست.

شخصی با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده

"شخصی با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده چیست؟ فردی با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده با فردی با کیفیت مادرزادی خوب تفاوت دارد. پیدا کردن فردی با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده بسیار مشکل است، زیرا دوره‌ی تاریخی بسیار طولانی‌ای طول خواهد کشید تا چنین شخصی متولد شود. البته فردی با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده باید اول از همه مقدار بسیار زیادی تقوا و میدان بسیار بزرگی از این ماده‌ی سفید را دارا باشد، مطمئناً این‌طور است. در عین حال این فرد باید قادر باشد سخت‌ترین سختی‌ها را تحمل کند. او باید بردباری عظیمی داشته باشد، باید بتواند فداکاری کند، باید بتواند از تقوای خود به‌خوبی حفاظت کند و باید درک و فهم خوبی داشته باشد و مانند آن.

سخت‌ترین سختی‌ها چیست؟ در بودیسم اعتقاد بر این است که انسان بودن رنج بردن است، تا وقتی یک انسان هستید، باید رنج ببرید. آن‌ها می‌گویند که هیچ‌یک از موجودات در بُعدهای دیگر این نوع از بدنی را که مردم عادی دارند ندارند، به‌طوری که بیمار نمی‌شوند و مشکلات تولد، پیری، بیماری و مرگ را ندارند. چنین درد و رنج‌هایی را ندارند. مردم در بُعدهای دیگر می‌توانند پرواز کنند و بی‌وزن هستند و این بسیار شگفت‌انگیز است. اما مردم عادی دقیقاً به‌خاطر این که این بدن را دارند این مشکلات را دارند: اگر سرد باشد نمی‌توانند تاب بیاورند، اگر گرم باشد نمی‌توانند تاب بیاورند، اگر تشنه باشند نمی‌توانند تاب بیاورند، اگر گرسنه باشند نمی‌توانند تاب بیاورند، اگر خسته شوند نمی‌توانند تاب بیاورند و مجبورند با تولد، پیری، بیماری و مرگ روبرو شوند. در هر موردی شخص راحت نخواهد بود.

در روزنامه‌ای خواندم که وقتی زمین‌لرزه‌ای در شهر *تاینگ‌شان* اتفاق افتاد، بسیاری از مردم در زمین‌لرزه جان‌شان را از دست دادند، اما بعضی‌ها از مرگ نجات پیدا کردند. بررسی ویژه‌ای روی آن گروه از مردم انجام شد. از آن‌ها پرسیده شد، "چه احساسی در حالت مرگ داشتید؟" به‌طور شگفت‌انگیزی همگی این افراد متفقاً از حالت مشابه منحصر به فردی صحبت کردند. یعنی آن‌ها در لحظه‌ی مرگ احساس ترس نداشتند، برعکس، ناگهان احساس کردند که حسی از آرامش و رهایی با یک نوع شور و شوقی نیمه هشیارانه دارند. بعضی از افراد احساس کردند که ناگهان از قید و بند بدن‌شان آزاد شدند و مثل چیزی شناور و شگفت‌انگیز پرواز می‌کردند. آن‌ها بدن خود را دیدند، بعضی از آن‌ها نیز موجودات در بُعدهای دیگر را دیدند و برخی حتی به مکان‌های گوناگونی رفتند. همگی گفتند که در اولین لحظه، احساسی از رهایی و آرامش و نوعی از شور و شوق نیمه هشیارانه را تجربه کردند و هیچ حسی از درد وجود نداشت. این به ما می‌گوید که وقتی این بدن فیزیکی انسانی را داریم، درحال زجر کشیدن هستیم. ولی از آن‌جا که همگی به این طریق به این دنیا آمدیم، متوجه نمی‌شویم که درحال زجر کشیدن هستیم.

گفته‌ام که شخص باید سخت‌ترین سختی‌ها را تحمل کند. روزی دیگر گفتم که مفهوم زمان - مکان انسان‌ها از زمان - مکان‌های بزرگ‌تر دیگر متفاوت است. این‌جا یک شی‌چن دو ساعت است، در صورتی که برای موجودات در بُعدی دیگر یک سال است. اگر کسی در این محیط طاقت‌فرسا تزکیه کند، واقعاً قابل‌توجه به حساب می‌آید. او

می‌خواهد دائو را پیدا کند، او می‌خواهد تزکیه کند، بنابراین این شخص در نظر آن‌ها شگفت‌انگیز است. او این‌چنین سختی می‌کشد، اما سرشت اصلی خود را از دست نداده و هنوز می‌خواهد تزکیه کند و برگردد. چرا یک تزکیه‌کننده می‌تواند بدون قید و شرط کمک بگیرد؟ به این دلیل است. وقتی این فرد در طول یک شب در بُعد مردم عادی در مدیتیشن می‌نشیند، دیگران با مشاهده‌ی این جریان می‌گویند که او واقعاً فردی استثنایی است. "او هم‌اکنون به اندازه‌ی شش سال در مدیتیشن نشسته است"، به‌خاطر این که یک شی‌چن ما در روی زمین برابر با یک سال در آن بُعد است. بُعد بشری ما بُعدی بی‌نهایت منحصر به‌فرد است.

"تحمل سخت‌ترین سختی‌ها" چیست؟ برای مثال، شخصی یک روز به محل کار می‌رود و می‌بیند که در محل کار امور به‌خوبی پیش نمی‌روند. این وضعیت نمی‌تواند بیشتر از این ادامه یابد زیرا مردم کار و وظایف‌شان را به‌خوبی انجام نمی‌دهند. اداره اصلاح شده و کارگران قراردادی به کار برده خواهند شد. پرسنل اضافی از کار بی‌کار می‌شوند و این شخص یکی از آن‌ها است، بنابراین ناگهان شغلش را دست می‌دهد. چه احساسی خواهد داشت؟ حالا هیچ منبع درآمدی ندارد، چگونه می‌تواند امور خانواده‌ی خود را بگذراند؟ هیچ مهارت دیگری ندارد، در نتیجه با غم و غصه به خانه می‌رود. به محض این که وارد خانه می‌شود، می‌بیند پدر پیرش که در خانه‌اش زندگی می‌کند مریض است و در وضعیت بدی قرار دارد. او با نگرانی و عجله می‌خواهد پدر پیر خود را به بیمارستان ببرد. باید مشکلات زیادی را برای قرض کردن پول برای هزینه‌ی بیمارستان بگذراند. بعداً به خانه برمی‌گردد تا چیزی را برای پدر پیر تهیه کند. به محض این که به خانه می‌رسد، یکی از معلم‌های مدرسه می‌آید و می‌گوید، "فرزند تو در دعوایی به کسی آسیب رسانده و باید عجله کنی و به آن نظری بیندازی". به‌محض این که به آن مسئله رسیده و به خانه برمی‌گردد، درست موقعی که درحال نشستن است، تلفن زنگ می‌زند و کسی به او می‌گوید: "همسر تو با کسی سر و سری دارد". البته، با چنین چیزی برخورد نخواهید کرد. یک فرد عادی تحمل چنین سختی‌ای را ندارد و فکر خواهد کرد، "برای چه دارم زندگی می‌کنم؟ طنابی پیدا می‌کنم و خودم را حلق‌آویز می‌کنم، به اندازه‌ی کافی داشته‌ام! زمان آن است که به همه چیز خاتمه دهم؟" درست همین را می‌گوییم که شخص باید قادر باشد سخت‌ترین سختی‌ها را تحمل کند. البته، آن‌ها به این شکل ظاهر نمی‌شوند. با این همه، تضادها و اختلاف‌های بین مردم، اصطکاک‌هایی که شین‌شینگ شما را تعدیل می‌کنند و رقابت برای نفع شخصی، چیزهایی آسان‌تر از آن مشکلات نیستند. بسیاری از مردم فقط برای اثبات ارزش خود یا حفظ آبروی خود زندگی می‌کنند و وقتی نتوانند بیشتر از این از عهده‌ی مسائل برآیند خودشان را دار می‌زنند. برای همین، ما باید در این محیط پیچیده و دشوار تزکیه کنیم و قادر باشیم سخت‌ترین سختی‌ها را تحمل کنیم. در عین حال باید بردباری عظیمی داشته باشیم.

"بردباری عظیم" چیست؟ به‌عنوان یک تمرین‌کننده، اولین کاری که باید قادر باشید انجام دهید این است که، "وقتی مورد حمله قرار می‌گیرید تلافی نکنید، وقتی توهین می‌شوید جوابش را ندهید". باید تحمل کنید. در غیر این‌صورت، برای چه خود را یک تمرین‌کننده می‌نامید؟ برخی از افراد گفته‌اند، "واقعاً سخت است که بردبار بود. من خلق و خوی بدی دارم". اگر خلق و خوی خوبی ندارید، آن‌را تغییر دهید. تمرین‌کنندگان مجبورند تحمل کنند. بعضی از افراد حتی وقتی که درحال تربیت و انضباط بچه‌های خود هستند از کوره در می‌روند، سر آن‌ها داد و فریاد کشیده و جنجال به‌راه می‌اندازند. وقتی بچه‌های خود را تربیت می‌کنید نباید بدان صورت باشید. واقعاً نباید عصبانی شوید. باید به بچه‌ها با منطق و به‌طور معقول آموزش دهید و آن‌ها را راهنمایی کنید که بتوانید واقعاً به آن‌ها خوب آموزش دهید. اگر نتوانید حتی از پس چیزهای بی‌ارزش برآید و از کوره در بروید، گونگ را فراموش کنید. افرادی هستند که می‌گویند، "وقتی در خیابان قدم می‌زنم اگر کسی به من لگد بزند، می‌توانم آن‌را تحمل کنم، زیرا کسی مرا نمی‌شناسد". می‌گوییم که آن کافی نیست. شاید در آینده درست در مقابل کسی که کمتر از همه می‌خواستید آبروی‌تان پیش او برود، دو بار به صورت شما سیلی زده شود و این برای این است که شما را تحقیر کند، برای این که دیده شود چگونه از عهده‌ی آن برمی‌آید و دیده شود که آیا می‌توانید آن‌را تحمل کنید. شاید بتوانید آن‌را تحمل کنید اما نتوانید آن‌را از ذهن‌تان خارج

کنید. هنوز هم به اندازه‌ی کافی خوب نیست. شما می‌دانید، وقتی کسی به سطح آرهای نازل می‌شود، هر چیزی که با آن مواجه شود او را ناراحت نمی‌کند. کمترین اهمیتی به هیچ‌یک از مسائل مردم عادی نمی‌دهد و همیشه لبخند می‌زند و سرزنده است. اهمیتی ندارد که چه اندازه ضرر و زیان را تحمل می‌کند، هنوز هم لبخند زده و روحیه‌ی خوبی خواهد داشت و به آن اهمیتی نمی‌دهد. وقتی بتوانید واقعاً آن کار را انجام دهید، به سطح مقدماتی ثمره‌ی آرهای رسیده‌اید.

برخی از افراد گفته‌اند، "اگر به آن اندازه تحمل کنیم، مردم عادی خواهند گفت که ما بیش از حد ضعیف هستیم و بسیار راحت مورد سوء استفاده قرار می‌گیریم." می‌گویم این ضعیف بودن نیست. بگذارید درباره‌ی این بیندیشیم. حتی در بین مردم عادی، مسن‌ترها و افرادی که از سطح تحصیلات بالایی برخوردار هستند نیز همیشه خویشن‌داری را تمرین می‌کنند و خود را تا سطح مردم عادی پایین نمی‌آورند. پس برای تمرین‌کنندگان ما این باید دو چندان باشد. چگونه آن می‌تواند ضعف باشد؟ می‌گویم که این، تحمل شما را منعکس می‌کند، آن انعکاسی از قدرت اراده‌ی محکم شما است. فقط تمرین‌کنندگان آن نوع تحمل عظیم را دارند. گفته‌ای وجود دارد، "وقتی فردی عادی مورد تحقیر قرار می‌گیرد، شمشیر خود را برای جنگ از غلاف بیرون می‌کشد." او یک فرد عادی است، بنابراین البته که این‌طور است، "تو به من توهین می‌کنی، من هم به تو توهین می‌کنم. تو مرا می‌زنی، من هم تو را می‌زنم." او یک شخص عادی است. آیا می‌توانید او را یک تمرین‌کننده بنامید؟ اگر اراده‌ای آهنین نداشته باشید یا اگر قادر نباشید خود را کنترل کنید، قادر نخواهید بود آن را به‌خوبی اداره کنید.

شما می‌دانید در زمان‌های قدیم مردی بود که او را هن شین می‌نامیدند، گفته می‌شود او به‌عنوان ژنرال ارشد امپراتور لی‌یو بانگ بسیار لایق و باکفایت و ستون کشور بود. چرا او چنان موفقیت‌ها و پیشرفت‌های بزرگی را داشت؟ گفته شده است که هن شین از دوران جوانی‌اش فردی عادی نبود. داستانی درباره‌ی تحقیر شدن او با خزیدن از میان پای شخصی وجود دارد. هن شین حتی در جوانی‌اش علاقه به تمرین هنرهای رزمی داشت و چنین شخصی معمولاً شمشیری را با خود حمل می‌کند. یک روز وقتی در خیابان قدم می‌زد، یک لات محله با دستان حلقه زده به دور کمر، راه او را بست، "برای چه آن شمشیر را حمل می‌کنی؟ آیا جرأت کشتن کسی را داری؟ اگر جرأت آن را داری، سر مرا جدا کن." همان‌طور که صحبت می‌کرد، سرش را به پایین فرود آورد. هن شین فکر کرد، "برای چه سر تو را ببرم؟" در آن زمان نیز کشتن کسی می‌بایستی به حکومت گزارش داده می‌شد و شخص مجبور بود زندگی‌اش را برای آن بدهد. چگونه می‌شد به‌دلخواه کسی را کشت؟ وقتی او دید که هن شین جرأت نکرد او را بکشد، گفت، "اگر جرأت کشتن مرا نداری، مجبوری از میان پاهای من بخی." هن شین واقعاً از میان پاهای او خزید. این نشان داد که هن شین قلبی سرشار از صبر و تحمل داشت. از آن‌جا که او با مردم عادی فرق داشت، توانست به چنان پیشرفت‌های بزرگی نائل شود. "یک شخص باید تقلا کند تا ارزش خود را اثبات کند"، این شعار مردم عادی است. همگی درباره‌ی این بیندیشید: آیا در این صورت زندگی خسته‌کننده نیست؟ آیا آن یک درد نیست؟ آیا ارزش آن را دارد؟ بعد از همه‌ی این‌ها، هن شین شخصی عادی بود. ما تمرین‌کنندگان باید به مراتب بهتر از او باشیم. هدف ما این است که به سطحی فراتر از مردم عادی برسیم، تا حتی سطوح بالاتر به‌پیش رویم. ما با چنان موقعیتی برخورد نخواهیم کرد. اما وقتی یک تزکیه‌کننده در بین مردم عادی توهین یا تحقیر می‌شود الزاماً راحت‌تر از آن نیست. می‌گویم، آن اصطکاک‌های بین یکدیگر که شین‌شینگ شما را تعدیل می‌کنند هیچ راحت‌تر از آن نیست و حتی می‌تواند بدتر هم باشد و اداره کردن آن‌ها کاملاً سخت است.

در عین حال یک تمرین‌کننده باید قادر باشد رها کند، انواع و اقسام وابستگی‌ها و تمناهایی را که مردم عادی دارند رها کند. این غیرممکن است که بتوان همه‌ی این‌ها را یک‌باره انجام داد، اما می‌توانیم آن را به‌تدریج انجام دهیم. اگر می‌توانستید آن را همین امروز انجام دهید، در حال حاضر یک بودا می‌بودید. عمل تزکیه وقت می‌برد. اما نباید آهسته و شل هم بشوید. اگر بگویید، "معلم گفته است عمل تزکیه وقت می‌برد، پس بیا بید به آهستگی آن را انجام

دهیم،" بدین صورت نخواهد بود! شما باید واقعاً با خودتان سخت‌گیر باشید. در تزکیه‌ی فای بودا، شما مجبورید پرتوان و به‌طور قاطع به‌پیش بروید.

همچنین باید بتوانید تقوای خود را حفظ کنید، باید شین‌شینگ خود را حفظ کنید و نمی‌توانید نسنجیده عمل کنید. نمی‌توانید هر کاری را که می‌خواهید، انجام دهید، باید شین‌شینگ خود را حفظ کنید. در بین مردم عادی، این گفته اغلب شنیده شده است، "با انجام کارهای خوب تقوا جمع کنید". تمرین‌کنندگان برای جمع کردن تقوا تزکیه نمی‌کنند، کاری که ما انجام می‌دهیم حفظ کردن تقوا است. چرا به حفظ تقوا اعتقاد داریم؟ زیرا این موقعیت را دیده‌ایم: جمع کردن تقوا چیزی است که مردم عادی به آن اعتقاد دارند و وقتی تقوا جمع کنند و کارهای خوب انجام دهند، در زندگی بعدی‌شان چیزهای خوبی به‌دست می‌آورند. اما ما این مشکل را نداریم. اگر در عمل تزکیه موفق شوید، به دائو نائل خواهید شد و مسئله‌ای به‌نام زندگی بعدی وجود نخواهد داشت. اما معنی دیگری نیز برای این "حفظ کردن تقوا" که درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم وجود دارد. این است که این دو ماده که در بدن مان با خود همراه داریم فقط در این دوره‌ی زندگی اندوخته نشده‌اند، آن‌ها از زمانی بسیار دور رسیده‌اند. اگر تمام شهر را زیر پا بگذارید، احتمال آن هست به هیچ کار خوبی بر نخورید که انجام دهید. می‌توانید حتی هر روز این کار را انجام دهید و ممکن است هنوز با هیچ چیز مواجه نشوید.

اما هنوز معنی دیگری وجود دارد و اگر یک نفر قصد جمع کردن تقوا را داشته باشد باید درباره‌ی آن بداند. ممکن است کاری را ببینید که به‌نظر برسد برای انجام دادن، کار خوبی است و ممکن است بروید و آن را انجام دهید، اما شاید کار بدی از آب درآید. یا ممکن است کاری را ببینید که به‌نظر برسد کار بدی است و شما پادرمیانی کنید و آن را متوقف کنید، اما شاید آن چیز خوبی از آب درمی‌آید. چرا؟ به‌خاطر این که شما نمی‌توانید رابطه‌ی کارمایی آن را ببینید. قوانین قضایی، امور مردم عادی را اداره می‌کنند و هیچ مشکلی در آن نیست. اما یک تمرین‌کننده بودن امری است فوق‌طبیعی، پس به عنوان فردی فوق‌طبیعی، باید با خودتان بر طبق اصول فوق‌طبیعی رفتار کنید، به جای این که خود را با اصول و منطق مردم عادی بسنجید. وقتی رابطه‌ی کارمایی موضوعی را نمی‌دانید، احتمال آن وجود دارد که آن را به‌طور نادرستی اداره کنید. به همین دلیل است که ما درباره‌ی بی‌قصدی صحبت می‌کنیم، شما نباید هر کاری را که می‌خواهید، انجام دهید. بعضی اشخاص می‌گویند: "اما من فقط می‌خواهم مطمئن شوم که عدالت رعایت شود". می‌گویم خیلی خوب است، پس این‌طور همگی ما باید در دانشکده‌ی پلیس ثبت‌نام کنیم؟ اما به شما نمی‌گوییم که وقتی با چیزهای وحشتناکی مثل قتل یا آتش‌سوزی مواجه شدید هیچ کاری انجام ندهید. من این مسئله را تشریح می‌کنم که وقتی مردم با یکدیگر دعوا می‌کنند و شاید یکی به دیگری لگد بزند یا یکی از آن‌ها ضربه‌ی محکمی به دیگری بزند، ممکن است آن شخص به فرد دیگر چیزی بده کار بوده و حالا آن‌ها در حال تسویه کردن بدهی هستند. بنابراین اگر پادرمیانی کنید، نمی‌توانند آن را تسویه کنند و مجبورند آن را دوباره دفعه‌ی بعد انجام دهند. پس، بدین معنی است که، از آن‌جا که نمی‌توانید روابط کارمایی را ببینید، احتمالاً کار بدی انجام می‌دهید و تقوا از دست می‌دهید.

مهم نیست که یک فرد عادی در مسائل مردم عادی درگیر شود. او آن‌ها را با استدلال مردم عادی می‌سنجد. اما شما باید اصول بالاتر را برای سنجش مورد استفاده قرار دهید. اگر وقتی چیز وحشتناکی را مثل قتل یا آتش‌سوزی ببینید کاری انجام ندهید، مشکلی در شین‌شینگ‌تان وجود دارد. در غیر این صورت چگونه می‌توانید نشان دهید که شخص خوبی هستید؟ اگر حتی در مورد چیزهایی مثل قتل یا آتش‌سوزی کاری انجام ندهید، پس در مورد چه چیزی کاری انجام خواهید داد؟ اما یک چیز هست، این چیزها زیاد ربطی به ما تزکیه‌کنندگان ندارند، آن‌ها ضرورتاً برای شما طرح‌ریزی نخواهند شد و احتمال بر این است که وادار نخواهید شد با آن‌ها مواجه شوید. وقتی در مورد حفظ تقوا صحبت می‌کنیم برای این است که باعث شود از انجام کارهای بد دوری کنید. شاید آن کار را حتی خیلی خیلی کم انجام دهید ولی می‌تواند هنوز هم کار بدی باشد و آن موقع تقوا از دست خواهید داد. و وقتی تقوا از دست دهید، چگونه سطح‌تان را ترفیع خواهید داد؟ چگونه به هدف نهایی خود نائل خواهید شد؟ این شامل چنین موضوعاتی

می‌شود. همچنین درک و فهم شما باید خوب باشد. اگر کیفیت مادرزادی خوبی داشته باشید، ممکن است درک و فهم خوبی را برای شما به وجود بیاورد و تأثیر محیط نیز می‌تواند نقشی داشته باشد.

همچنین گفته‌ایم که اگر هر کدام از ما درون خود را تزکیه کند، اگر هر کدام از ما شین‌شینگ خود را برای علت‌ها مورد بررسی قرار دهد، اگر وقتی خوب عمل نمی‌کنیم برای دلیل آن به درون خودمان نگاه کنیم و سعی کنیم دفعه‌ی بعد بهتر عمل کنیم و اگر هر موقع که کاری را انجام می‌دهیم اول درباره‌ی دیگران بیندیشیم، آن موقع دنیا به سمت بهتر شدن تغییر می‌کند، اخلاقیات دوباره باز می‌گردد، نیک‌رفتاری و معرفت مردم رشد کرده و جنایات کمتر خواهد شد. شاید حتی به پلیس نیازی نداشته باشیم. به چیزهایی مثل نگهبان محله نیازی نخواهد بود و هر کسی مراقب اعمال خود بوده و برای اصلاح امور، درون خود را جستجو می‌کند. آیا نمی‌گویید که آن عالی خواهد بود؟ ما می‌دانیم درحال حاضر با گذشت زمان، قوانین و مقررات چگونه کامل‌تر و شدیدتر می‌شوند. پس چرا مردم هنوز هم کارهای بدی انجام می‌دهند؟ چرا آن‌ها از قوانین پیروی نمی‌کنند؟ به این دلیل که نمی‌توانید ذهن‌شان را کنترل کنید و وقتی کسی مواظب آن‌ها نیست، هنوز هم کارهای بد انجام می‌دهند. اما اگر هر کسی درون خود را تزکیه می‌کند، چیزها کاملاً متفاوت می‌شد و نیازی نمی‌بود عدالت را تضمین کنید.

این فا فقط می‌تواند تا این سطح آموزش داده شود. شما باید تزکیه کنید تا آن‌چه را که در سطوح بالاتر قرار دارد به دست بیاورید. سؤال‌هایی که برخی از افراد می‌پرسند بیشتر و بیشتر خاص می‌شود. اگر به هر سؤالی در زندگی‌تان پاسخ می‌دادم، چه چیزی برای شما باقی می‌ماند تا با آن تزکیه کنید! باید خودتان تزکیه کنید و باید خودتان به آن آگاه شوید. اگر همه چیز را با دقت توضیح می‌دادم، هیچ چیزی برای شما باقی نمی‌ماند تا با آن تزکیه کنید. اما نباید نگران باشید، زیرا دافا درحال حاضر عمومی شده است و می‌توانید کارهای‌تان را بر پایه‌ی دافا انجام دهید.

* * *

فکر می‌کنم زمان آموزش فا تقریباً رو به اتمام است، به همین خاطر می‌خواهم برای همه، چیزهایی حقیقی را به جای بگذارم و به این طریق شما از همین‌جا به بعد همان‌طور که تزکیه می‌کنید فا خواهید داشت تا شما را راهنمایی کند. در کل دوره‌ی آموزش این فا، قصد داشته‌ام کارها را بر طبق اصل مسئول بودن نسبت به شما و جامعه انجام دهم. درحقیقت این اصل را دنبال کرده‌ایم. در مورد این که آیا آن‌ها به خوبی انجام داده‌ایم نظری نخواهم داد، افکار عمومی خواهد گفت. خواست من این بود که این دافا را عمومی کنم و مردم بیشتری داشته باشیم که از آن بهره ببرند و برای آن‌هایی که به‌طور واقعی می‌خواهند تزکیه کنند امکان‌پذیر شود که از فا پیروی کنند و تا سطوح بالا تزکیه کنند. درحالی که فا را آموزش می‌دادیم، توضیح دادیم که چگونه مثل یک انسان خوب رفتار کنید و امیدوارم که بعد از تمام شدن این کلاس حتی اگر نتوانید کسی باشید که با این دافا تزکیه می‌کند، حداقل بتوانید انسان خوبی باشید و این به جامعه‌ی ما منفعت خواهد رساند. درواقع، شما هم‌اکنون می‌دانید چگونه یک فرد خوب باشید. بعد از کلاس می‌توانید فرد خوبی باشید.

در جریان آموزش فا، چیزهایی نیز وجود داشته‌اند که به آرامی پیش نرفته‌اند و مداخله‌های مختلفی از تمام جهات برای ما آمده‌اند. اما به‌خاطر حمایت پراشتیاق از طرف سازمان‌دهندگان، رهبران قسمت‌های مختلف و نیز سعی و کوشش اعضای کارکنان مان کلاس‌های ما کاملاً موفقیت‌آمیز بوده‌اند.

تمام چیزهایی که در این سخنرانی‌ها آموزش داده‌ام برای این است که در تزکیه کردن به‌سوی سطوح بالاتر، شما را راهنمایی کنند و در گذشته وقتی فا را موعظه می‌کردند هیچ کسی هرگز این چیزها را آموزش نداده است. آن‌چه را که ما آموزش داده‌ایم بسیار صریح و روشن است و با علم نوین و علم معاصر بدن انسان تلفیق شده است و بیشتر این که آن‌چه که آموزش داده شده در سطحی بسیار بالا است. در درجه‌ی اول منظور این بوده که همه قادر شوند در آینده به‌طور حقیقی فا را کسب کنند و از طریق عمل تزکیه صعود کنند، این قصد و منظور من است. درحالی

که آموزش‌ها و تمرین‌ها را منتقل می‌کنیم، بسیاری از افراد احساس می‌کنند که فا بسیار خوب است، اما بسیار سخت است که آن‌را در عمل به کار ببرند. درحقیقت، فکر می‌کنم این‌که آیا آن سخت است یا نه بستگی به فرد دارد. فردی عادی که نمی‌خواهد تزکیه کند، احساس می‌کند که تزکیه کردن بسیار سخت است، غیرقابل تصور است و فکر می‌کند که آن، وقت تلف کردن است. او فردی عادی است و نمی‌خواهد تزکیه کند، بنابراین فکر می‌کند که آن واقعاً سخت است. لائو‌زی بیان کرد، "وقتی شخصی عاقل و دانا دائو را می‌شنود، آن‌را با پشت‌کار و سخت‌کوشی تمرین می‌کند. وقتی فردی معمولی آن‌را می‌شنود، آن‌را کم و بیش تمرین می‌کند. وقتی فردی احمق آن‌را می‌شنود، بلند به آن می‌خندد. اگر این شخص به آن بلند نخندد، آن دائو نیست." می‌گویم برای یک تمرین‌کننده‌ی حقیقی این بسیار ساده است و یک مأموریت غیرممکن نیست. درحقیقت، بسیاری از تمرین‌کنندگان باسابقه که این‌جا نشسته‌اند و بسیاری از آن‌هایی که این‌جا حضور ندارند درحال حاضر تا سطوح بسیار بالایی تزکیه کرده‌اند. این‌را قبلاً به شما نگفتم تا مبادا وابستگی‌هایی را رشد دهید یا این‌که مغرور شوید و آن در رشد قوت گونگ شما تأثیر می‌گذاشت. هر یک از شما که ذهن‌تان را برای تزکیه مصمم کرده‌اید، قادر خواهید بود چیزها را تحمل کنید و وقتی آسایش شخصی‌تان به خطر می‌افتد قادر خواهید بود وابستگی‌های‌تان را رها کنید و قادر خواهید بود آن چیزها را سبک بگیرید. تا وقتی که بتوانید آن کار را انجام دهید، درواقع آن سخت نیست. افرادی که می‌گویند آن سخت است، این‌طور است که فقط نمی‌توانند آن چیزها را رها کنند. خود انجام تمرین‌ها سخت نیست و ترفیع سطح‌تان نیز به خودی خود سخت نیست. آن‌ها تنها می‌گویند سخت است زیرا نمی‌توانند افکار انسانی خود را رها کنند. دلیل این است که وقتی آسایش شخصی‌تان به خطر می‌افتد، سخت است که آن چیزها را رها کنید- آن منفعت همین‌جا است، روبروی شما، چه‌طور می‌توانید آن‌را رها کنید؟ وقتی فکر می‌کنند که آن سخت است، باید بدانیم دلیل این‌که می‌گویند سخت است این است. وقتی با مردم تضادهایی پیدا می‌کنیم اگر نتوانید آن عصبانیت را فرو دهید یا قادر نباشید مثل یک تمرین‌کننده آن‌را اداره کنید، می‌گویم آن عملی نخواهد بود. در گذشته هنگامی‌که درحال تزکیه بودم، بسیاری از استادان والا مقام این‌را به من گفتند، "وقتی تحمل کردن آن سخت است، می‌توانی آن‌را تحمل کنی. وقتی انجام آن سخت است، می‌توانی آن‌را انجام دهی." و واقعاً این‌گونه است. بعد از این‌که به خانه‌های‌تان بازگشتید، ممکن است بخواهید آن‌را امتحان کنید. وقتی درحال گذر از رنجی وحشتناک یا وضعیتی بحرانی هستید، این‌را امتحان کنید. وقتی تحمل آن سخت است، سعی کنید آن‌را تحمل کنید. وقتی به‌نظر می‌رسد انجام آن غیرممکن یا سخت باشد، امتحان کنید و ببینید می‌توانید چه کار کنید. و وقتی واقعاً بتوانید آن‌را انجام دهید، درست مثل آن مسافر خسته و فرسوده، "سایه‌ی درختان بید، غنچه‌ی گل‌ها، محلی که سرم را روی آن بگذارم" را خواهید دید!

احتمالاً باید همین‌جا خاتمه دهم، زیرا اگر زیاد صحبت کنم برای شما مشکل خواهد بود که همه را به‌خاطر بیاورید. فقط چند چیز را قبل از خداحافظی خواهم گفت: امیدوارم در تزکیه‌تان که پیش روی شما است مثل یک تمرین‌کننده رفتار کنید و به‌طور حقیقی به تزکیه ادامه دهید. امیدوارم شاگردان جدید و شاگردان قدیمی ما قادر باشند در دافا تزکیه کرده و موفق شوند! امیدوارم پس از این‌که به خانه برگشتید بهترین استفاده را از وقت برای تزکیه‌ی واقعی بکنید.

.....

در ظاهر، از نظر زبان، *جوآن فالون* پر از صنایع ادبی نیست. حتی ممکن است منطبق با گرامر نوین نیز نباشد. با این وجود، اگر از گرامر نوین استفاده می‌کردم تا این کتاب *دافا* را آراسته سازم، مشکل بزرگی به وجود می‌آمد: گرچه ممکن بود زبان و ساختار گرامری این کتاب، استاندارد و زیبا باشد، اما مفاهیم عمیق‌تر و بالاتر را در بر نمی‌گرفت. زیرا واژگان استاندارد امروزی نمی‌توانند بیان‌گر راهنمایی دافا در سطوح بالاترِ گوناگون و تجلی فا در هر سطح باشند و نه این‌که قادرند تبدیلِ بتی و گونگ تمرین‌کنندگان، یا چنین تغییرات بنیادینی را موجب شوند.

لی هنگ‌جی

۵ ژانویه، ۱۹۹۶

معنی تحت‌اللفظی برخی از واژه‌ها

لون: چرخ.

فالون: چرخ قانون.

جوآن فالون: "چرخاندن چرخ قانون" کتاب اصلی تزکیه‌ی فالون دافا.

لون‌یو: شرح و تفسیری با استفاده از زبان، بیانیه.

فای بودا: اصول و قانون جهانی، راه و روش گیتی.

چن-شن-رن: چن به معنی "حقیقت یا درستی"؛ شن، "نیک‌خواهی، همدردی، مهربانی یا خوبی"؛ رن، "بردباری، شکیبایی، پایداری یا کنترل خود".

دائو: "راه" (همچنین "تائو" تلفظ می‌شود)؛ این اصطلاح به کسی که "دائو را کسب کرده" نیز اشاره می‌کند.

فا: "قانون"، "راه" یا "اصول".

چی‌گونگ: شکلی از تمرین سنتی چینی که "چی" یا انرژی حیاتی را تزکیه می‌کند.

کارما: ماده‌ای سیاه که از انجام کاری نادرست ناشی می‌شود.

دافا: "راه بزرگ"، "قانون بزرگ"، مخفف فالون دافا.

فالون دافا: راه (تزکیه‌ی) بزرگ چرخ قانون.

شین‌شینگ: "سرشت ذهن" یا "سرشت قلب"؛ "خصوصیات اخلاقی".

دنیای ده جهته: پنداشتی بودیستی از گیتی.

چی: در فرهنگ چینی عقیده بر این است که "چی"، انرژی حیاتی می‌باشد و در مقایسه با گونگ، شکل سطح پایین‌تری از انرژی است.

گونگ: ۱- "انرژی تزکیه"، ۲- روشی که چنین انرژی‌ای را تزکیه می‌کند.

بودا: کلمه‌ی "بودا" واژه‌ای از زبان هندوستان قدیم، سانسکریت است و به شخصی دلالت می‌کند که از طریق تزکیه، پالایش و پرورش خود به بصیرت (یا روشن‌بینی، روشن‌ضمیری یا رستگاری) رسیده است و نباید با "سیدارتا گوتاما" (معروف به "بودا")، که به‌عنوان بنیان‌گذار بودیسم شناخته شده است و یا با مذهب بودیسم یکی در نظر گرفته شود. واژه‌ی "بودا"، به مذهب یا قومیت خاصی محدود نمی‌باشد.

بودا شاکیامونی: سیدارتا گوتاما. به‌طور مشهوری به‌عنوان بنیان‌گذار بودیسم شناخته شده است. گفته می‌شود او در هند باستان حدود سده‌ی پنجم قبل از میلاد می‌زیسته است.

دارما: آموزش‌های بودا شاکیامونی.

"فرو رفتن در یک شاخ گاو": اصطلاحی چینی به معنی رفتن در یک بن‌بست.

تاتاگاتا: موجودی روشن‌بین با ثمره‌ی حقیقی در مدرسه‌ی بودا و کسی که بالاتر از سطوح آرهات و بودی‌سات‌وا است.

سوترای الماس: متنی کهن در بودیسم.

عصر پایان دارما: بر طبق اظهارات بودا شاکیامونی، دوره‌ی پایان دارما پانصد سال بعد از وفاتش شروع می‌شود، که در آن زمان دارمایش دیگر قادر به نجات مردم نخواهد بود.

لی فنگ: الگوی اخلاقی چینی در دهه‌ی ۱۹۶۰.

کالپا: دوره‌ای که دو میلیارد سال طول می‌کشد، این واژه این‌جا به‌عنوان یک عدد استفاده می‌شود.

تای‌چی: "نهایت بزرگ؛ تای‌چی سمبل مدرسه‌ی دائو و چیزی که در غرب به‌عنوان سمبل "یین-یانگ" مشهور است. هِتو: به‌عنوان ترسیمه‌ای ماقبل تاریخی، تغییرات دوره‌ی طبیعت را افشا می‌کند. لوشو: به‌عنوان ترسیمه‌ای ماقبل تاریخی، تغییرات دوره‌ی طبیعت را افشا می‌کند. کتاب تغییرات: یک کتاب پیشگویی باستانی چینی از سلسله‌ی جو (۱۱۰۰ق.م تا ۲۲۱ق.م).

هشت سه‌نگاره: از کتاب تغییرات، ترسیمه‌ای که گفته می‌شود تغییرات دوره‌ی طبیعت را افشا می‌کند. انقلاب بزرگ فرهنگی: جنبش سیاسی کمونیستی که ارزش‌ها و فرهنگ سنتی را مردود شمرد (۱۹۶۶-۱۹۷۶). آرہات: موجودی روشن‌بین با ثمره‌ی حقیقی در مدرسه‌ی بودا و کسی که ورای "سه‌قلمرو" است. دن‌جینگ: یک متن کلاسیک چینی تزکیه. بودی‌سات‌وا: موجودی روشن‌بین با ثمره‌ی حقیقی در مدرسه‌ی بودا و کسی که بالاتر از یک آرہات اما پایین‌تر از یک تاناگاتا است.

دِن: خوشه‌ی انرژی جمع شده از بُدهای دیگر در بدن یک تزکیه‌کننده. برپا کردن کوره یا تنور بدنی و جمع کردن مواد شیمیایی برای ساختن دِن: استعاره‌ای دائوئیستی برای کیمیاگری درونی.

وو وی: بی‌عملی، بی‌قصدی
لاؤدزی: معروف به نویسنده‌ی دائو دِ جینگ، او به‌عنوان بنیان‌گذار دائوئیسم در نظر گرفته می‌شود و گمان می‌رود حدود سده‌ی چهارم قبل از میلاد می‌زیسته است.
شَن‌گِن: نقطه‌ی طب سوزنی واقع در محل ریشه‌ی بینی.
لی: واحدی چینی برای فاصله (برابر نیم کیلومتر). در چینی، "صد و هشت هزار لی" اصطلاحی است برای توصیف فاصله‌ای بسیار دور.
یوآن: واحد پول چینی.
فاشن: "بدن قانون"، بدنی ساخته شده از گونگ و فا.
نقطه‌ی لاؤگونگ: نقطه‌ی طب سوزنی در مرکز کف دست.
بنتی: بدن فیزیکی و بدن‌های در بُدهای دیگر فرد.
نیروانا: (از سانسکریت) ترک کردن دنیای بشری بدون این بدن فیزیکی، روش کامل کردن تزکیه در مدرسه‌ی بودا شاکيامونی.

گوآن‌دینگ: جاری کردن انرژی از بالای سر شخص، مراسم عضویت.
ملکه مادر: در اسطوره‌ی چینی، سطح بالاترین جاودان مؤنث درون سه‌قلمرو.
امپراتور بزرگ یشم: در اسطوره‌ی چینی، جاودانی که سه‌قلمرو را سرپرستی می‌کند.
کاخ نیوان: واژه‌ای دائوئیستی برای غده‌ی صنوبری.
شی‌چِن: واحدی چینی برای زمان، معادل دو ساعت.
دن‌تی‌ان: "میدان دِن"، منطقه‌ی پایین شکم.
آه‌کی‌یو: شخصیتی احمق در یک رمان چینی.
مایونگ: بازی سنتی چینی که چهار نفره بازی می‌شود.
هان: اکثریت قومیت چینی‌ها.
لاما: عنوانی برای یک استاد در سنت بودیسم تبتی.
مودینگ: همان‌طور که توسط برخی از استادان چی‌گونگ اظهار شده، لمس کردن فرق سر شخص برای دادن انرژی.

شینگ‌مینگ گویی‌جی: یک متن کلاسیک چینی تزکیه.
 دائو ذنگ: یک متن کلاسیک چینی تزکیه.
 تی‌ان: "میدان"
 هوئی‌یین: نقطه‌ی طب سوزنی در مرکز میان‌دوراه (منطقه‌ی بین نشیمن‌گاه و آلت تناسلی).
 تان‌جونگ: نقطه‌ی طب سوزنی که تقریباً در مرکز قفسه سینه قرار دارد.
 یوچن: نقطه‌ی طب سوزنی که در قسمت پائینی پشت سر قرار دارد.
 مینگ‌مین: "دروازه‌ی حیات"؛ نقطه‌ی طب سوزنی که در وسط پایین کمر قرار دارد.
 آسورا: ارواح بدنهاد (از سانسکریت).
 حالت دست گل نیلوفر آبی بزرگ: حالتی از دست برای تبرک.
 جویوکه: استدعا و سحر و جادو.
 نقطه‌ی هِگو: نقطه‌ی طب سوزنی که در پشت دست بین انگشت شست و انگشت اشاره قرار دارد.
 فنگ‌شویی: روشی چینی برای تعبیر مناظر.
 چین هوئی: یکی از مقامات شرور دربار سلطنتی در سلسله‌ی سونگ جنوبی (۱۱۲۷ ب.م تا ۱۲۷۹ ب.م).
 دینگ: حالت خالی اما آگاه بودن ذهن.
 معشوقه‌ی دا: معشوقه‌ی بدجنس آخرین امپراتور در سلسله‌ی شَنگ (۱۷۶۵ ق.م تا ۱۱۲۲ ق.م). عقیده بر این است که او توسط روح یک روباه تسخیر شده بود و باعث سقوط سلسله‌ی شَنگ شد.
 جی‌گونگ: راهب بودیستی مشهوری در سلسله‌ی سونگ جنوبی (۱۱۲۷ ب.م تا ۱۲۷۹ ب.م).
 کوه اِمی: حدود هزار مایل دور از معبد لینگ‌یین، محلی که چاه واقع بود.
 سائو سائو: امپراتور یکی از "سه پادشاهی" (۲۲۰ ب.م تا ۲۶۵ ب.م)
 بی‌گو: "اجتناب از غلات"، واژه‌ای باستانی برای پرهیز از غذا و آب.
 بای‌هوئی: نقطه‌ی طب سوزنی که در تاج سر شخص قرار دارد.
 لو دونگ‌یین: یکی از هشت دائوئیست جاویدان در مدرسه‌ی دائو.
 مائویو: خط مرزی بین طرف بین و یانگ بدن.
 گونگ‌شن: بدنی ساخته شده از گونگ.
 شین‌شی‌یو: بنیان‌گذار مدرسه‌ی شمالی بودیسم ذن در سلسله‌ی تانگ.